اللهم حلنا بحلیة المتقین و زینة العابدین

هزاران هزار شکر ایزد منان خلاق انس و جان که درین زمان میمنت نشان کتاب لاجواب مشتمل بر مکارم اخلاق و محاسن آداب

اعنی

حلیة المتقین

۱۳۲۲

از تالیفات

قبلهٔ ارباب یقین قدوهٔ المحدثین لسان الفقهاء والمتکلمین ملا محمد باقر مجلسی علیه الرحمه بتصحیح مولوی سید تصدق حسین صاحب رضوی

در مطبع نامی گرامی منشی نولکشور بمقام لکهنؤ بزیور طبع پوشید

اطلاع ۔ اس مطبع میں ہر علم و فن کی کتب کا ذخیرہ سلسلہ وار فروخت کے لیے موجود ہی جسکی فہرست مطول ہر ایک شائق کو چھاپہ خانہ سے مل سکتی ہی جسکے معائنہ و ملاحظہ سے بخوبی شائقان اصلی حالات کتب کے معلوم فرما سکتے ہین قیمت بھی ارزان ہی اس کتاب کے ٹیٹل پیج کے تین صفحہ جو سادے ہین اُنمین بعض کتب علم فقہ وغیرہ فارسی و اُردو مذہب امامیہ کی درج کرتے ہین تاکہ جس فن کی یہ کتاب ہی اُس فن کی اور بھی کتب موجودہ کارخانہ سے قدردانون کو آگاہی کا ذریعہ حاصل ہو

نام کتاب	قیمت	نام کتاب	قیمت
کتب فارسی مذہب امامیہ		ہی نہایت مبسوط و طولانی مختص باحوال سعادت اشتمال جناب سرور کائنات حضرت محمد مصطفےٰ صلی اللہ علیہ و آلہ از ظہور ولادت و بعثت و جملہ معجزات و غزوات و سائر واقعات و عجائبات و غرائبات تا فضائل بعضے از اصحاب کرام ذوی الاحترام ۔	عہ ۸ر پ
حیات القلوب جلد اول ۔ یہ ایک کتاب نوادر روزگار سے ہی کہ سواے کتب خانہ امرا اور علما کے جسکا میسر آنا دشوار تھا حالات و قصص انبیاء ہین بروایات صحیحہ مذہب اثنا عشریہ تصنیف عالم ربانی ملا محمد باقر بن محمد تقی المجلسی الاصفہانی کہ جو تین جلد مین ہی منجملہ اُسکے اس جلد مین احوال حضرت آدم علی نبینا و علیہ السلام سے تا حضرت عیسےٰ علیہ السلام مع قصص حضرت دانیال و حضرت یونس و اصحاب کہف و اصحاب اخدود و حضرت جرجیس و اخبار غیر پیغمبران بنی اسرائیل و بعضے بادشاہان اہل زمین تا قصہُ ہاروت و ماروت مشرح و مفصل چھپ کر تیار ہی قابل دید ہی ۔	عہ ۱۰ر پ	**ایضاً جلد ثالث** ۔ بیان امامت و اثبات امامت بہ ائمہ اثنا عشر صلوات اللہ علیہم بہ براہین و نص قرآنی و احادیث سرور دوجہانی ۔	۱۲ر پ
ایضاً جلد ثانی ۔ کہ منجملہ نوادر کتب کے		**زاد المعاد** ۔ محشے و مترجم یہ کتاب مذہب امامیہ کی اعمال اور وظائف مین نوادرات سے ہی پورے سال یعنی بارہ مہینون کے اعمال نہایت مبسوط اسمین موجود ہین تصنیف ملا آخوند محمد باقر مجلسی علیہ الرحمۃ کاغذ سفید پر خوشخط مع حواشی عمدہ و نایاب چھپا ہی ۔	عہ ۸ر پ

فهرست ابواب و فصول حلیة المتقین که مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه و هر بابے متضمن است بدوازده فصل

اللّٰھم حلّنا بحلیۃ المتقین وزینۃ العابدین

ہزاران ہزار شکر ایزد منان خلاق انس و جان کو دین ان بہت نشان کی کتاب لاجواب مشتمل بر مکارم اخلاق و محاسن آداب

اعنی

حلیۃ المتقین

۱۳۲۲ھ

از تالیفات

قبلۂ ارباب یقین قدوۃ المحدثین رئیس العلماء مولانا محمد باقر مجلسی علیہ الرحمۃ تصحیح مولوی سید تصدق حسین صاحب رضوی

در مطبع نامی گرامی منشی نول کشور واقع لکھنؤ زیور طبع پوشید

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی حلّی انبیائه المرسلین باحسن حلیة المتقین وبعث نجیب اصفیائه محمداً صلی الله علیه واله لتتمیم مکارم اخلاق المؤمنین واکمل فی اوصیائه المنتجبین افضل خصال النبیین صلوات الله علیه وعلیهم عدد انفاس المسبحین من الملائکة والناس اجمعین ولعنة الله علی اعدائهم ملأ السموات والارضین اما بعد چنین گوید تراب اقدام مومنین وخادم طلبهٔ علوم ائمهٔ طاهرین محمد باقر بن محمد تقی حشرهما الله مع موالیهما الطاهرین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین که چون عمدهٔ امتیاز بنی نوع انسان از سایر انواع حیوان تخلق باخلاق حسنه وتزین بآداب مستحسنه است وبمقتضای حدیث شریف نبوی صلی الله علیه وآله بعثت لاتمم مکارم الاخلاق تمامی آداب پسندیده واخلاق حمیده در شرع انور ودین اظهر آنحضرت ظاهر ومبین گردید وچون مختصری از مکارم اخلاق در کتاب عین الحیوة بیان شده بود جمعی از سالکان مسالک سعادت وناهجان مناهج متابعت اهلبیت رسالت صلی الله علیه وآله ازین ذرهٔ حقیر التماس نمودند که رساله در بیان محاسن آداب که از طریق ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین باسانید معتبره باین قلیل البضاعة رسیده باشد بر وجه اختصار تحریر نماید وبجهت عموم نفع نسبت باهل این دیار مضامین اخبار را در لباس لغت فارسی قریب الفهم بجلوه درآورد لهذا باضیق مجال

و کثرت استعمال رعایت حقوق اخوت ایمانی لازم دانسته و بمقتضای حدیث الدال علی الخیر کفاعله امیدوار گردیده اجابت التماس ایشان نمود و بر چهارده باب و خاتمه مرتب گردانید باب اول در آداب لباس باب دوم در آداب حلی و زیور پوشیدن و سرمه کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب کردن باب سوم در آداب خوردن و آشامیدن باب چهارم در فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان باب پنجم در آداب مسواک کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و حجامت کردن و امثال اینها باب ششم در آداب بوی خوش کردن و گل خوش بوئیدن و روغن مالیدن باب هفتم در آداب حمام رفتن و دارو کشیدن و امثال آن باب هشتم در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن باب نهم در آداب حجامت و تنقیه و ذکر بعضی از ادعیه و احراز و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض باب دهم در آداب ملاقات و معاشرت مومنان و حقوق اصناف ایشان باب یازدهم در آداب مجالس و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه و امثال اینها باب دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن باب سیزدهم در آداب سوار شدن و راه رفتن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و چارپایان نگاهداشتن باب چهاردهم در آداب سفر خاتمه در بیان بعضی از فوائد متفرقه و هر یک از این ابواب را بر دوازده فصل مشتمل ساخت و بکتاب حلیة المتقین مسمی گردانیده مامول از ناظران در این رساله شافیه و عاملان باین عجاله وافیه آنکه این مجرم خطاپیشه را بدعای مغفرت و استدعای رحمت یاد نمایند و خطاهای لفظ و معنی این معترف بعجز و قصور را مواخذه ننمایند والله الموفق و المعین

باب اول در بیان آداب جامه و کفش پوشیدن **فصل اول** در فضیلت تجمل و زینت کردن بدانکه موافق احادیث معتبره بسیار زینت کردن و جامه های پاکیزه و فاخره پوشیدن هرگاه که از حلال بهم رسد و مناسب حال او باشد سنت است و موجب خوشنودی پروردگار است و اگر از حلال بهم نرسد بهر چه میسر شود باید قناعت نماید و تحصیل زیادتیهای لباس را مانع عبادت الهی نگرداند و اگر حق تعالی روزی برو فراخ گرداند از خود آن بخورد و بپوشد و صرف نماید و به برادران مومن بدهد و اگر روزی برو تنگ شود قناعت نماید و بحرام و شبهه خود را آلوده نکند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرگاه خدای تعالی نعمتی به بنده کرامت فرماید و اثر آن نعمت برو ظاهر شود او را دوست خدا نامند و یاد کننده نعمت پروردگار خود خواهد بود و اگر برو ظاهر نشود او را دشمن خدا نامند و تکذیب کننده نعمت پروردگار خود خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت صلی الله علیه و آله منقول است که هرگاه حقتعالی به بنده نعمتی کرامت فرماید

دوست میدارد که اثر آن نعمت بر او ظاهر گردد و ببیند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول
است که باید از برای برادر مؤمن خود زینت کند چنانچه برای بیگانه زینت میکند که خواهد شما را به نیکوترین
زینتی ببیند و بسند معتبر منقول است که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در تابستان بر روی حصیر
می نشستند و در زمستان بر روی پلاس و در خانه جامه های گنده میپوشیدند و چون بیرون می آمدند
برای مردم زینت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی زینت و اظهار نعمت
را دوست میدارد و ترک زینت و اظهار بدحالی را دشمن میدارد و دوست میدارد که اثر نعمت خود
را در بنده خود ببیند باینکه جامه خود را پاکیزه کند و خود را خوشبو دارد و خانه خود را نیکو دارد و ساحتهای
خانه را بروبد حتی آنکه چراغ پیش از فرو رفتن آفتاب روشن کردن فقر را زائل میکند و روزی را زیاده میکند
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که حق تعالی جمعی را خلق کرده است که برای شفقت بر ایشان
دنیا را تنگ کرده است بر ایشان و محبت دنیا را از دل ایشان برداشته است پس بسوی آخرت که
حق تعالی ایشان را بسوی آن خوانده است راغب گردیده اند و بر تنگی معاش و مکروهات دنیا صبر میکنند و مشتاقند
بآنچه نزد خداست از کرامت ابدی و جان خود را در رضای خدا در باخته اند و آخر کار ایشان شهادت است
پس چون به نشأه آخرت در روند حق تعالی از ایشان خوشنود باشد و میدانند که مرگ راهیست که همه را
در پیش است پس توشه برای آخرت خود اندوخته اند و طلا و نقره جمع نکرده اند و جامه های گنده میپوشند
و بقوت ضروری قناعت مینمایند و زیادتی را در راه خدا میدهند که توشه آخرت ایشان باشد و از برای
خدا با نیکان دوستی و از برای خدا با بدان دشمنی می نمایند ایشانند چراغهای راه هدایت و ایشانند
متنعم بنعیم آخرت و یوسف بن ابراهیم گوید که بخدمت حضرت ابی عبدالله علیه السلام رفتم و جامه های خز
پوشیده بودم پرسیدم که چه میفرمائید در جامه خز فرمود باکی نیست بدرستیکه چون حضرت امام حسین
صلوات الله علیه شهید شدند جامه خز پوشیده بودند و چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عبدالله بن عباس
را فرستاد که با خوارج نهروان سخن گوید بهترین جامه های خود را پوشید و به بهترین بوهای خوش خود را
خوشبوی کرد و بر بهترین اسبان سوار شد و در برابر ایشان رفت گفتند تو از بهترین مردمی
چرا لباس جباران را پوشیده و بر اسبان ایشان سوار شده عبدالله بن عباس این آیه کریمه را خواند
قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بگو

ای محمد که حرام کرده است زینتی که حق تعالی برای بندگان خود بیرون آورده است و روزیهای طیب نیکورا
پس حضرت فرمود که جامهای نفیس بپوش و زینت کن خود را که خدا نیکوست و نیکو را دوست میدارد اما
باید که از حلال باشد و در حدیث معتبر وارد شده است که سفیان ثوری که از مشایخ صوفیه است
بمسجد الحرام آمد دید که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته و جامهای پر قیمت نیکو پوشیده
است گفت والله بروم و او را برین جامها سرزنش کنم پس نزدیک آمد و گفت ای پسر رسول خدا صلی الله
علیه وآله پیغمبر چنین جامها نپوشیده و هیچ یک از پدرانت چنان جامها نپوشیده اند حضرت فرمودند که
حضرت رسول صلی الله علیه وآله در زمانی بودند که روزی بر مردم تنگ بود امروز بر مردم روزی فراخ
است سزاوارترین مردم بصرف کردن نعمتهای خدا نیکانند پس این آیه خواندند که گذشت و فرمودند
که ما سزاوارترین مردمیم بتصرف کردن در آنچه خدا عطا کرده است ای ثوری این جامه را که می بینی
برای مردم پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کردند و باو نمودند جامهٔ گنده که در زیر پوشیده بودند و
فرمودند که این جامهٔ گنده را برای خود پوشیده ام و این جامهٔ نیکو را برای مردم پس دست زدند و جامهٔ
بالای سفیان را دور کردند و در زیر جامهٔ گنده کهنه جامهٔ نازکی پوشیده بود فرمودند که جامهٔ پائین را برای
لذت نفس خود پوشیدهٔ و جامهٔ بالا را برای فریب دادن مردم پوشیدهٔ و در حدیث معتبر از عبد الله
بن هلال منقول ست که گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام که چه بسیار خوش می آید
مردم را احوال کسیکه طعامهای بدمزه و ناگوار بخورد و جامهای گنده بپوشد و اظهار شکستگی و خشوع
نماید فرمود که مگر نمیدانی که حضرت یوسف پیغمبر و پیغمبرزاده بود و قباهای دیبا و طلاباف میپوشید
و در مجالس آل فرعون می نشست و حکم در میان مردم میکرد و مردم را با لباس او کاری
نبود و از و عدالت در حکم میخواستند امام میباید که آنچه گوید راست گوید و هرگاه وعده کند وفا کند و حکم
بعدالت کند خدای تعالی حلال بر کسی حرام نکرده است و اندک و بسیار حرام را حرام کرده است پس خواندند
این آیه را قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الخ و بسیار از اخبار مناسب این فصل را در کتاب عین الحیوة ایراد کردم
فصل دوم در بیان جامهای که حرام ست پوشیدن آنها بدانکه مردان را جامهٔ حریر محض پوشیدن و جامهای
طلاباف پوشیدن حرام است و احوط آنست که عرقچین و کیسه و چیزهای که عورت را بدان نتوان
پوشید هم از حریر نباشد و باز احوط آنست که اجزای جامه مانند سنجاف وغیره هم حریر نباشد بهتر

آنست که خزی که با ابریشم مخلوط کنند یا پشم یا ریسمان یا کتان باشد و اولی آنست که بقدر ده یک یا زیاده
باشد و اگر مجموع تار یا مجموع پود غیر حریر باشد بهتر خواهد بود و باید که پوست حیوان مرده نباشد
هر چند که دباغت کرده باشند بنابر اشهر بین الاصحاب و پوست حیوانی چند که قابل تذکیه نیست نباشد
و در نماز باید که پوست و پشم و مو و شاخ و دندان و سایر اجزای حیوانی که گوشت شان حرام است
نباشد و در سمور و سنجاب و خزی که الحال معروفست خلافست و احوط اجتناب است اگرچه اظهر در سنجاب
و خز آنست که نماز در اینها جایز است و بهتر آنست که با جامه که در زیر آن جامها یا در بالای آنها پوشیده باشند
نماز نکنند مبادا که موی چسپیده باشد و بهتر آنست که ولی اطفال غیر بالغ را نیز منع نماید از پوشیدن طلا
و حریر و بسند معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمودند یا علی انگشتری طلا در دست مکن که آن زینت تست در بهشت و جامه حریر مپوش که آن پوشش
تست در بهشت و در حدیث دیگر فرمود که جامه حریر مپوش که حق تعالی بسبب این در روز قیامت پوستت
را باتش دوزخ میسوزاند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است مرد را که اهل
خود را بطلا زینت کند گفت بلی زنان و کنیزان را با پسران را نه و در حدیث دیگر وارد شده است
که آنحضرت فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام فرزندان و زنان خود را بزیور طلا و نقره زینت میفرمودند
و باکی نیست و ممکن است که مراد از فرزندان دختران باشند و احتمال دارد که شامل پسران نابالغ هم باشد
و احوط اجتناب است **فصل سوم** در پوشیدن پنبه و کتان و پشم و بهترین جامها جامه ایست که از
پنبه بافته باشند و بعد از آن کتانست و جامه پشمینه را همیشه پوشیدن و لباس خود قرار دادن کراهت
دارد اما گاهی برای قناعت یا دفع سرما پوشیدن بد نیست چنانچه بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که بپوشید جامه پنبه که آن پوشش رسول خداست صلی الله علیه و آله و
پوشش ما اهل بیت است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله جامه مو و پشم نمی پوشیدند مگر از برای
علتی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید پوشید جامه پشم
و مو مگر از برای عذری و در روایت دیگر از حسین بن کثیر منقول است که حضرت صادق علیه السلام
را دید که پیراهن گنده پوشیده و جامه بر بالای آن پوشیده گفت فدای تو شوم مردم کراهت دارند
از پوشیدن جامه پشمینه حضرت فرمود که پدرم میپوشید و حضرت امام زین العابدین علیه السلام

نیز میپوشیدند و هرگاه بنماز می‌ایستادند کنده‌ترین جامها میپوشیدند و ما نیز چنین میکنیم و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود پنج چیز است که تا مردن ترک نمی‌کنم بر روی زمین با غلامان
چیز خوردن و بر الاغ بی جل سوار شدن و بز را بدست خود دوشیدن و سلام بر اطفال کردن
و جامهٔ پشمینه پوشیدن و وجه جمع میان این احادیث آنست که اگر پوشیدن شال را زینت خود قرار دهند
و بآن ممتاز شوند از دیگران مذموم است اما اگر گاهی برای قناعت یا شکستگی یا دفع سرما بپوشند
قصوری ندارد و مؤید این معنی است آنچه در حدیث ابوذر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که در آخر زمان گروهی بهم رسند که جامهٔ پشمینه در تابستان و زمستان بپوشند و گمان کنند که
ایشان را باین سبب بر دیگران فضیلتی و زیادتی هست و آن جماعت را لعنت کنند ملائکهٔ آسمانها و زمینها
و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقول است که کتان از پوشش پیغمبران است و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که پوشیدن کتان بدن را فربه میکند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
علی بن الحسین علیهما السلام جامهٔ خز را بهزار درهم یا پانصد درهم میخریدند و در زمستان میپوشیدند و چون
زمستان میگذشت میفروختند و قیمتش را تصدق میفرمودند **فصل چهارم** در بیان رنگهائی که
در جامه سنت است یا مکروه است بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و بعد از آن
سبز و بعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و بعد سیاه مکروه است سرخ تیره خصوصاً در نماز و پوشیدن
جامهٔ سیاه کراهت شدید دارد در همه حال مگر در عمامه و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد
بهتر است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که بپوشید جامهٔ سفید
که آن نیکوترین و پاکیزه‌ترین رنگهاست و مردهای خود را در آن کفن کنید و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام مرویست که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله در اکثر اوقات جامهٔ سفید
میپوشیدند و حفص مؤذن روایت کرده است که دیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را
که در میان قبر و منبر نماز میکردند و جامهٔ زردی برنگ بلیله پوشیده بودند و در حدیث حسن از زراره منقول
است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام بیرون آمدند و جبهٔ خز زرد و عمامهٔ خز زرد و ردای
خز زرد پوشیده بودند و در حدیث معتبر منقول است که حکم بن عتیبه بخدمت امام محمد باقر علیه السلام رفت
دید که جامهٔ سرخ تیره که بگل کافشه رنگ کرده بودند پوشیده است حضرت فرمود که درین جامه

چه میگوئی حکم گفت که چه گوئیم در چیزیکه شما پوشیده باشید اما جوانان شوخ که در میان ما این جامه را میپوشند ما ایشان را عیب میکنیم حضرت فرمود که زینت خدا را که حرام کرده است بعد از آن فرمود که باین سبب این جامه را پوشیده ام که تازه داماد شده ام و در حدیث حسن از حضرت امام همام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که جامهٔ سرخ تیره پوشیدن کراهت دارد مگر برای نو داماد و در حدیث معتبر از یونس منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام را دیدم که طیلسان کبود پوشیده بودند و از حسن زیات منقول است که دیدم حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه را که جامهٔ برنگ گل سرخ پوشیده بودند و محمد بن علی روایت کرده است که حضرت امام موسی علیه السلام را دیدم که جامهٔ عدسی پوشیده بودند و از ابی العلا منقول است که حضرت صادق علیه السلام را دیدم در حال احرام بردیمانی سبزی پوشیده بودند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که جبرئیل در روز آخر ماه مبارک رمضان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد بعد از نماز عصر چون بر آسمان رفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را طلب نمود و فرمود که شوهر خود علی را بطلب پس چون حاضر شدند حضرت رسول امیر المومنین علیه السلام را در جانب راست نشانید و دستش را گرفته بر دامن خود گذاشته و حضرت فاطمه علیها السلام را در جانب چپ نشانید و دستش را گرفت و در دامن خود گذاشت پس فرمود که میخواهید شما را خبر دهم بانچه جبرئیل مرا بان خبر داده گفتند بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل علیه السلام گفت که در بهشت من در جانب راست عرش خواهم بود و خدای تعالی دو جامه بمن پوشاند یکی سبز و دیگری سرخ برنگ گل و تو یا علی در جانب راست من باشی و دو جامه چنین در تو پوشانند پس راوی عرض کرد که مردم رنگ سرخ چنین را مکروه میدانند حضرت فرمود که چون خدای تعالی حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام را باسمان برد دو جامه چنین بر او پوشانید و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین منقول است که مپوشید جامهٔ سیاه که آن پوشش فرعون است و در حدیث معتبر منقول است که شخصی از حضرت صادق پرسید که در کلاه سیاه نماز کنم فرمود که نماز در آن مکن که لباس اهل جهنم است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که مکروه است سیاه مگر در سه چیز در موزه و عمامه و عبا

فصل پنجم در بعضی آداب جامه پوشیدن بدانکه جامه های دراز پوشیدن و دامن جامه را دراز کردن و جامه را از روی تکبر بر خاک کشیدن مکروه و مذموم است و از حضرت امام جعفر

صادق

صادق علیه السلام منقول ست که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه رفت ببازار و سه جامه برای خود خرید بیک اشرفی پیراهن را تا نزدیک به بند پا و لنگ را تا نیمه ساق و ردا را از پیش تا پستان و از عقب تا پائین تر از کمر پس دست بآسمان برداشت و پیوسته حمد الهی مینمود بر این نعمت تا بخانه بازگشت و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جامه آنچه از غوزک پا میگذرد در آتش جهنم ست و از امام موسی کاظم علیه السلام منقول ست که حق تعالی به پیغمبرش فرمود که وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ که ترجمه لفظش آنست که جامهای خود را پس پاک گردان حضرت فرمود که جامهای آنحضرت پاک بود و لیکن مراد الهی آنست که جامه را کوتاه کن که آلوده نشود و در روایت دیگر یعنی بردار که بزمین کشیده نشود و در روایت حسن از حضرت امام محمد باقر منقول ست که حضرت رسول شخصی را وصیت فرمود که زنهار پیراهن و ازار خود را بلند میاویز که این از تکبر است و خدا تکبر را دوست نمیدارد و در حدیث معتبر منقول ست که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه چون پیراهن میپوشیدند آستین را میکشیدند آنچه از سر انگشتان میگذشت می بریدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بابوذر فرمودند که هر که از روی تکبر جامه اش را بر زمین کشد حق تعالی در روز قیامت نظر رحمت باو نفرماید و ازار مرد تا نصف ساق است و تا بند پا هم جایز است و زیاده در آتش است فصل ششم در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران باشد حرام است مردان را پوشیدن لباسیکه مخصوص زنان باشد و مانند لچک و مخنقه و مقنعه و همچنین حرام است زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و عمامه و هیچ یک را جایز نیست پوشیدن لباسیکه مخصوص کافران باشد مانند زنار و کلاههای فرنگی و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول ست که جایز نیست زن را که شبیه بمردان شود زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت کرد مردانی را که شبیه بزنان شوند و لعنت کرد زنانی را که شبیه بمردان شوند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که خدای عز و جل وحی فرمود به پیغمبری از پیغمبران که بگو بمومنان که نپوشند جامهای دشمنان مرا و نخورند طعامهای دشمنان مرا و بمسلک دشمنان من سلوک ننمایند که ایشان نیز مانند آنها دشمنان من خواهند بود فصل هفتم در آداب عمامه بستن عمامه بر بستن سنت است و با عمامه تحت الحنک بستن سنت است و یکطرف عمامه را از پیش و دیگری را از عقب انداختن بروش سادات مدینه منوره سنت است و شیخ شهید علیه الرحمه گفته است که عمامه

ایستاده پیچیدن سنت است و از رسول صلی الله علیه و آله منقول است که عمامه تاج عربان است هرگاه
که عمامه را برطرف کنند خدا عزت شان را برطرف میکند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر که عمامه بپیچد بر سر و تحت الحنک نه بندد و به او دردی برسد که دوا نداشته باشد
پس ملامت نکند مگر خود را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم عمامه بستند و یک طرف عمامه را از طرف پیش انداختند و دیگری را از عقب و حضرت جبرئیل
علیه السلام نیز چنین کردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که ملائکه در روز بدر
عمامهای سفید بر سر داشتند و علاقه ها انداخته بودند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر سر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
عمامه بدست مبارک خود پیچیدند و یکسر عمامه را از پیش در آویختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت
کوتاه تر از عقب سر آویختند پس فرمودند برو رفت فرمودند بیا آمد آنگاه فرمودند که چنین است والله
تاجهای ملائکه و در فقه رضوی علیه السلام مذکور است که هرگاه عمامه بر سر گذاری این دعا بخوان
بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ ذِكْرِي وَاَعْلِ شَأْنِي وَاَعِزَّنِي بِعِزَّتِكَ وَاَكْرِمْنِي بِكَرَمِكَ
بَيْنَ يَدَيْكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ تَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَالْعِزِّ وَالْقَبُولِ
و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي
بِسِيمَاءِ الْاِيمَانِ وَتَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ
رِبْقَةَ الْاِيمَانِ مِنْ عُنُقِي و گفته است که باید که عمامه را ایستاده بپیچد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله چند قسم کلاه داشتند که بر سر میگذاشتند و در کلاههای دراز که برطله
میگویند وارد شده است که پوشیدن آنها از بیهودانست و علما گفته اند که مکروه است و از
بعضی احادیث ظاهر میشود که پائین کلاه را شکستن و برگردانیدن مکروه است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هرگاه کلاههای ترک دار در میان امت من بسیار
شود زنا کردن در میان ایشان شایع شود و کلاه ترک دار ظاهرا مانند قاووق و کلاه یکتاشی و امثال
آن باشد فصل هشتم در آداب زیر جامه پوشیدن از حضرت ابی عبدالله صلوات الله علیه
منقول است که حق تعالی وحی فرمود بحضرت ابراهیم علیه السلام که زمین بمن شکایت میکند

از دیدن عورت تو پس میان عورت خود و زمین حجابی قرار ده پس زیر جامه تا زانو بعمل آورد و بپوشید و از جامع بزنطی روایت شده است که هر که زیر جامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حاجتش بر آورده نمیشود و در فقه رضوی مذکور است که زیر جامه را نشسته بپوش و ایستاده مپوش که مورث هلاکت و زردآب و غم و الم میشود و در وقت پوشیدن این دعا بخوان بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَلَا تَهْتِكْنِي فِي عَرَصَاتِ الْقِيٰمَةِ وَاَعِفَّ فَرْجِي وَلَا تَخْلَعْ عَنِّي زِينَةَ الْاِيْمَانِ و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَاٰمِنْ رَوْعَتِي وَاَعِفَّ فَرْجِي وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذٰلِكَ نَصِيبًا وَلَا لَهُ اِلَى ذٰلِكَ وُصُولًا فَيَضَعَ مَعَالِي الْمَكَائِدِ وَيُهَيِّجَنِي لِارْتِكَابِ مَحَارِمِكَ و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که پیغمبران علیهم السلام پیراهن را پیش از زیر جامه میپوشیدند و در روایت دیگر وارد شده است که ایستاده و رو بقبله و رو بآدم مپوش و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که زیر جامه را ایستاده پوشیدن مورث اندوه است

فصل نهم در آداب جامهٔ نو بریدن و پوشیدن بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون کسی جامهٔ نو بپوشد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَتُقًى وَبَرَكَةٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَعَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَاَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مَا اُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را تعلیم من نمود که در وقت پوشیدن جامهٔ نو بخوانم اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ اللِّبَاسِ مَا اَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَةٍ اَسْعٰى فِيهَا لِمَرْضَاتِكَ وَاَعْمُرُ فِيهَا مَسَاجِدَكَ پس فرمود که یا علی هر که این دعا را بخواند چون جامه را بپوشد آمرزیده شود و در حدیث دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که سزاوار است که کسیکه جامهٔ نو بپوشد دست بران بمالد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مَا اُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَاَتَزَيَّنُ بِهِ بَيْنَهُمْ و از حضرت ابی عبد الله صلوات الله علیه منقول است

هر که آبی در ظرف نو بکند و سی و دو مرتبه سورهٔ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بر آن بخواند و بر جامهٔ نو بپاشد در هنگام پوشیدن پیوسته در فراخی روزی باشد تا تاری از آن جامه باقی باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که چون جامهٔ نو بپوشی بگو لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ تا از آفتها نجات یابی و چیزیرا که دوست داری بسیار او را یاد مکن که آنرا درهم می شکند و چون کسی کاری داشته باشی در غائبانهٔ او باد شنام مده که در دل او اثر میکند و بسند معتبر منقول ست که حضرت علی بن موسے الرضا علیه السلام چون جامهٔ نو میپوشیدند جامها را در جانب راست میگذاشتند و چون رخت نو میپوشیدند قدح آبی میطلبیدند و سورهٔ قل هو الله احد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون هر یک را ده نوبت در آن ظرف میخواندند و آب آنرا بر جامه میپاشیدند و میفرمودند که هر که چنین کند پیوسته در فراخی روزی باشد مادامیکه تاری ازان جامه باقیست و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول ست که چون خدای تعالی جامهٔ نو بکسی عطا فرماید و بپوشد باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سورهٔ حمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند پس حمد کند خداوندی را که عورت او را پوشانید و در میان مردم او را مزین ساخته و بسیار بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ پس اگر چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و بعدد هر تارے که در آن جامه است ملکی خدا را بپاکی یاد کند و برای او استغفار کند و برو ترحم کند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که هر که جامهٔ نو ببرد و آبی در ظرفے کند و سی و شش مرتبه سورهٔ انا انزلناه را بخواند و هرگاه که بآیهٔ تنزل الملائکة برسد اندکی از آب نرم بر جامه بپاشد پس دو رکعت نماز بکند و دعا کند و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ رَزَقَنِیْ مَا اَتَجَمَّلُ بِهٖ فِی النَّاسِ وَاُوَارِیْ بِهٖ عَوْرَتِیْ وَاُصَلِّیْ فِیْهِ لِرَبِّیْ و خدا را شکر کند پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آنکه جامه کهنه شود

فصل دهم در سائر آداب جامه پوشیدن و کندن از حضرت رسول صلے الله علیه و آله منقول ست که نهی فرمود از عریان شدن در شب و روز از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول ست که هرگاه مرد عریان شود شیطان بسوی او نظر میکند و طمع میکند در آنکه او را بمعصیت در آورد و فرمود که سزاوار نیست مرد را که جامهٔ خود را از ران خود دور کند و ران خود را بگشاید در میان جماعتی نشسته باشد و فرمود که چون جامهٔ خود را از بدن بیرون آورید بسم الله بگوئید تا جنیان نپوشند

واگر نگویند جنیان آن جامه را میپوشند تا صبح و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که سزاوار نیست زن مسلمان را که رو پاک و پیراهنی بپوشد که نمایا باشد و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که عرض مقنعهٔ حضرت فاطمه صلوات الله علیها آنقدر بود که تا نصف
بازوی آنحضرت میرسید و همه زنان را باید که چنین کنند و از حضرت صادق علیه السلام
بسند معتبر منقول است که ادنای اسراف آنست که جامهٔ اندرون و بیرون یکی
باشد و در حدیث دیگر منقول است که اسحق بن عمار از آن حضرت پرسید که میتواند بود که
مومن ده پیراهن داشته باشد فرمود که بلی گفت که بیست پیراهن فرمود که بلی این اسراف
نیست اسراف آنست که جامهٔ که باید برای زینت نگاهداشت بعرض جامهٔ که در وقت دیگر پوشند بپوشی
و در روایت دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام سوال کردند که کسیکه ده پیراهن داشته باشد
اسراف است فرمود که نه بلکه از برای محافظت جامه این بهتر است بلکه اسراف آنست که جامه
نگاهداشتی را در جاهای که کثیف باشد بپوشی و از حضرت باقر منقول است که کوتاه کردن
جامه راحت جامه است و بیشتر باقی میماند و فرمودند که جامهٔ پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب
میکند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که شستن جامه اندوه و غم را برطرف میکند
و موجب قبول نماز میگردد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که جامهٔ پوشد باید که پاکیزه
باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که شش چیز است که از
اخلاق قوم لوط است کمان گلوله انداختن و سنگ ریزه انداختن بجانب یکدیگر و فندران خائیدن
در راهها و جامه بر زمین کشیدن و از روی تکبر بندهای قبا و پیراهن را گشودن و بسند معتبر منقول است که شخصی
بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد دید که گریبان جامه را چینه کرده اند آن شخص متعجب نظر میکرد حضرت فرمود
که چرا چنین نظر میکنی گفت که از چینهٔ جامه تعجب میکنم که تا بی در پیش حضرت گذاشته بود فرمود که بخوان
در آنجا نوشته بود که ایمان ندارد کسیکه حیا ندارد و مال نیست کسی را که معیشت خود را باندازه
نمیکند و جامهٔ نو نیست کسی را که جامهٔ کهنه ندارد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که
آنقدر چینه بر جامهٔ خود زدم که شرم کردم از آنکسیکه چینه میزد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که گریبان جامه را چینه زند و کفش را چینه زند و چیزی که برای خانهٔ خود خریده خود بردارد و بخانه برد از تکبر ایمن

فصل یازدهم در رنگ نعلین و موزه و کفش و چگونگی آنها بهترین رنگها در نعل و کفش رنگ زرد است و بعد از آن سفید و بهترین رنگها در موزه و چکمه رنگ سیاه است و در سفر سرخ خوبست و در حضر کراهت دارد و در نعل سنت ست که پیش و عقبش بلند باشد و میانش تهی باشد و همه اش بزمین نچسپد و غیر ازین مکروه است و ظاهر انکفش نیز این حکم داشته باشد که کفش سرپائی مکروه است و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول ست که کفش نیکو پوشیدن بدن را از بلاها نگاه میدارد و معین ست بر تمامی نماز و وضو و در حدیث دیگر فرمود که هر که خواهد عمرش دراز شود چاشت بامداد بخورد و کفش نیکو بپوشد و ردا و بالاپوش را سبک کند و با زنان بسیار جماع نکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که اول کسیکه نعلین پوشید حضرت ابراهیم علیه السلام بود و در حدیث معتبر از آن حضرت منقول ست که نعلین هموار پوشیدن که همه اش بزمین برسد پوشش یهود انست و بر مذمت این قسم نعلین احادیث بسیار وارد شده است و در احادیث معتبره وارد شده است که نعل سیاه مپوش که چشم را ضعیف میکند و ذکر را سست میکند و مورث اندوه و غم است و بر تو باد بنعل زرد که چشم را جلا میدهد و ذکر را سخت میکند و غم را برطرف میکند که پوشش پیغمبران ست و در حدیث دیگر وارد شده است که پوشیدن نعل سیاه موجب خیلا و تکبر است و هر که بپوشد در قیامت با جباران محشور شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که نعل زرد را بپوشد تا آنرا پوشیده باشد در سرور و شادی باشد زیرا که حق تعالی در وصف بقرهٔ بنی اسرائیل میفرماید که صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ یعنی زرد بسیار زردیکه شاد گرداند نظر کنندگان را و بسند معتبر از سدیر صراف منقول ست که بخدمت حضرت امام جعفر علیه السلام رفتم و نعل سفید پوشیده بودم فرمود که آیا دانسته این نعل را پوشیده پس فرمود که هر که داخل بازار شود و نعل سفیدی بخرد کهنه نکند آنرا تا آنکه کسب کند مالی را از جائے که گمان نداشته باشد راوی گوید که سدیر مرا خبر داد که هنوز آن نعل کهنه نشده بود که صد اشرفی از جائی بدستم آمد که گمان نداشتم و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که نعل زرد یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان بهم رسد و هر که نعل سیاه بپوشد هیچیک را نیابد و در

حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که موزه پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و در روایت دیگر فرمود که مداومت پوشیدن موزه امان میدهد از مرض سل و از مرگ بد و داود رقی روایت میکند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را دیدم در سفر که موزهٔ سرخ پوشیده بودند پرسیدم که این موزهٔ سرخ چیست فرمود که این را برای سفر گرفته ام و از برای گل و باران خوب است اما در حضر هیچ رنگ بهتر از سیاه نیست

فصل دوازدهم در آداب پوشیدن نعل و موزه و کفش

بسندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقول ست که چون نعل پوشی ابتدا بپای راست بکن و در وقت کندن ابتدا بپای چپ کن و فرمودند که هر که با یکپای کفش براه رود یعنی یک پا در کفش باشد و دیگری برهنه شیطان برو دست یابد و دیوانه شود و از عبد الرحمن بن کثیر منقول است که گفت در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام براهی میرفتم بند نعل آنحضرت گسیخت من بند دیگر از آستین خود بدر آوردم و نعل را باصلاح آوردم حضرت دست بر دوش من انداخته بودند پس فرمود که هر که مومنی را بردارد برای اصلاح نعل او چون در قیامت از قبر بیرون آید حق تعالی او را بر ناقهٔ گرم روی سوار کند تا در بهشت را بکوبد و از یعقوب سراج منقول است که براهی در خدمت آنحضرت میرفتم بند نعل آنحضرت پاره شد حضرت پای برهنه روانه شدند عبد الله بن یعقوب بند نعل خود را گشوده به نزد آنحضرت آورد قبول نفرمود و گفت که صاحب مصیبت اولی تر است که بران صبر نماید و عبد الرحمن بن ابی عبد الله روایت کرده است که در خدمت آنحضرت بدیدن شخصی رفتم چون داخل شدم نعل از پا بیرون آوردند و فرمودند که نعلها را از پا بیرون کنید که کندن نعل راحت قدم است و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از راه رفتن با یکپای نعل و از ایستاده پوشیدن نعل و دور نیست که کراهت ایستاده پوشیدن مخصوص نعلی باشد که بندهایش را باید بست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول ست که سه چیز است که هر که کند بیم آن هست که دیوانه شود غائط کردن در میان قبرها و با یک موزه راه رفتن و در خانه تنها خوابیدن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مداومت نمودن بر پوشیدن موزه امان میدهد از خوره و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که چون خواهی موزه و کفش بپوشی ابتدا بپای راست بکن و بگو

بِسْمِ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ وَطِّئْ قَدَمَیَّ

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَى الْإِيْمَانِ وَلَا تُزَلْزِلْهُمَا يَوْمَ تَزَلْزَلَتِ الْأَقْدَامُ اَللّٰهُمَّ وَقِنِي مِنْ جَمِيْعِ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَمِنَ الْأَذَى وچون کنی بگو اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَلَا تَنْزِعْ عَنِّي حُلَّةَ الْإِيْمَانِ ودر مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل نموده که موزه و نعل را نشسته بپوش و در وقت پوشیدن بگو بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَيَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيْهِ الْأَقْدَامُ ودر وقت کندن ایستاده بکن و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ رَزَقَنِيْ مَا اَقِيْ بِهٖ قَدَمَيَّ مِنَ الْأَذَى اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلٰى صِرَاطِكَ وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِيِّ

باب دوم در آداب حلی و زیور پوشیدن مردان و زنان و سرمه کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب کردن **فصل اول** در فضیلت انگشتری بدست کردن و آداب آن سنت موکده است مردان را و زنان را انگشتر در دست راست کردن و در بعضے از احادیث تجویز فرموده‌اند که در دست چپ بکنید اما اگر نقش شریفی یا نگین شریفے داشته باشد باید که در وقت استنجا بیرون آورد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که اگر خواهی انگشتری را بدست راست کن و اگر خواهی بدست چپ و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیه منقول ست که حضرت رسول صلی اللہ علیه و آله انگشتر در دست راست میکردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلے اللہ علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و از سلمان فارسی رضی اللہ عنه روایت که حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیه و آله بحضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیه و آله فرمود که یا علی انگشتر در دست راست کن تا از مقربان باشی فرمود که یا رسول اللہ کدامند مقربان فرمودند که جبرئیل و میکائیل پرسیدند که چه انگشتر در دست کنم فرمود که عقیق سرخ بدرستیکه آن اقرار کرده برای خدا بیگانگی و برای من به پیغمبری و برای تو یا علی بآنکه تو وصی منی و برای فرزندان تو بامامت و برای دوستان تو ببهشت و برای شیعان فرزندان تو بجنت الفردوس و در حدیث معتبر منقول ست که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سوال کردند که بچه علت حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیه و آله انگشتر در دست راست میکردند فرمودند زیرا که آنحضرت پیشوای اصحاب یمین ست که در قیامت نامه‌های ایشان را بدست راست میدهند و حضرت رسول صلے اللہ علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و این علامت

برای شیعیان ما که باین علامت ایشان را بشناسند و بمحافظت کردن بر وقت فضیلت نمازهای پنجگانه و بدادن زکوٰة و تقسمت کردن مال خود را با برادران مومن خود و بامر بمعروف کردن و نهی از منکر کردن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول ست که حضرت جبرئیل علیه السلام بحضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت که هر که انگشتر را در دست راست کند و غرضش متابعت سنت تو باشد و بهبینم او را در قیامت که متحیر مانده است دستش را بگیرم و بتو و بامیر المومنین علیه السلام برسانم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از سنت پیغمبران است انگشتر در دست راست کردن و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که هر که انگشتری در دست چپ داشته باشد که نام خدا در و باشد باید که در وقت استنجا بدر آورد و در دست دیگر کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله نهی فرمود از انگشتر کردن در انگشت شهادت و انگشت میان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که انگشتر را به بند پائین انگشت برسانید و در روایتی وارد شده است که انگشتر را بسر انگشتان کردن عمل قوم لوط است و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که در وقت انگشتر در دست کردن بگو اَللّٰهُمَّ سَمِّنِيْ بِسِيْمَآءِ الْاِيْمَانِ وَاخْتِمْ لِيْ بِخَيْرٍ وَاجْعَلْ عَاقِبَتِيْ اِلٰى خَيْرٍ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْاَكْرَامُ و ابن طاوس رحمه الله روایت کرده است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِيْ بِسِيْمَآءِ الْاِيْمَانِ وَتَوِّجْنِيْ بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْنِيْ حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِيْمَانِ مِنْ عُنُقِيْ ۰

فصل دوم در بیان آنچه انگشتر از ان سازند سنت است که انگشتر از نقره باشد و مردان را انگشتر طلا در دست کردن حرام است و انگشتر آهن و فولاد و برنج مردان را و زنان را مکروه است چنانچه منقول ست از حضرت صادق علیه السلام بسند معتبر که انگشتر رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و در چندین حدیث معتبر منقول ست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که یا علی انگشتر طلا در دست مکن که آن زینت تست در آخرت و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که انگشتر غیر نقره در دست کمسید مرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که پاک نیست

دستیکه در آن انگشتر آهن باشد و در حدیث دیگر فرمود که پاک نکند خدا دستی را که در آن انگشتری آهن باشد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که نماز نکند مرد در انگشتر آهن و نهی فرمود از انگشتر برنج در دست کردن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که انگشتر حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و نگین نداشت و بر آن نقش نموده بودند محمد رسول الله **فصل سوم** در فضیلت عقیق منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله چهار انگشتر در دست میکردند انگشتر یاقوت برای شرافت و زینتش و فیروزه برای نصرت و یاریش و حدید چینی برای قوت و عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها و در حدیث صحیح از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مرویست که عقیق فقر و درویشی را برطرف میکند و در دست کردن عقیق نفاق را زائل میکند و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که هر که قرعه با انگشتر عقیق بزند بهرهٔ او تمامتر بیرون می آید و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که انگشتر عقیق در انگشت کنید که مبارک است و هر که انگشتر عقیق در دست داشته باشد امید هست که عاقبتش مقرون بخیر و نیکی باشد و از ربیعة الرای منقول است که در دست حضرت امام زین العابدین علیه السلام انگشتر عقیق دیدم پرسیدم که اینچه نگین است فرمود که عقیق رومی است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که انگشتر عقیق در دست داشته باشد حاجاتش برآورده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که انگشتر عقیق موجب ایمنی است در سفر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که هر که انگشتری بگیرد و نگینش عقیق باشد پریشان نشود و عاقبت کارش البته نیکو باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که حاکم آدم پی شخصی فرستاده بود بسبب جرمی حضرت صادق علیه السلام فرموده که انگشتر عقیقی باو برسانید چنان کردند مکروهی باو نرسید و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بنزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد که دزد در راه بمن رسید و اموال مرا برد حضرت فرمود که چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که آن از هر بدی نگاه میدارد آدمی را و بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که انگشتر عقیق در دست کنید که تا دامیکه آدمی آن انگشتری را با خود دارد اندوهی باو نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که انگشتر عقیق در دست کنید که آن اول گواهی است که اقرار کرده است برای خدا بیگانگی و از برای پیغمبر

به پیغمبری و از برای تو یا علی بامامت و در حدیث معتبر منقول است از بشیر دهان که عرض کردم که کدام
یک از نگینها بر انگشتر خود بنشانم فرمود که چرا غافلی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید که اینها
سه کوهند در بهشت اما کوه عقیق سرخ پس مشرف است بر خانهٔ حضرت رسول صلی الله علیه و آله
اما کوه عقیق زرد پس مشرف است بر خانهٔ حضرت فاطمه صلوات الله علیها اما کوه عقیق سفید پس
مشرف است بر خانهٔ امیر المومنین علیه السلام و همه یک خانه است و از زیر هر کوهی نهری جاریست
از برف سردتر و از عسل شیرین‌تر و از شیر سفیدتر و نمیخورند از آن نهرها مگر آل محمد و شیعیان ایشان و هر
سه نهر از کوثر می‌آید و یکجا میریزد و این هر سه کوه تسبیح و تقدیس و تمجید الهی میکنند و از برای محبان
آل محمد طلب آمرزش میکنند پس هر که از شیعیان آل محمد یکی از این عقیقها را در دست داشته
باشد نه بیند مگر خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامتی از جمیع بلاها و امان یابد از شر پادشاه ظالم و از
هر چه آدمی از آن میترسد و در حدیث دیگر منقول ست که شخصی را برابر حضرت امام محمد باقر علیه السلام
گذرانیدند که تازیانه بسیار بر او زده بودند حضرت فرمود که انگشتر عقیق او کجاست اگر با او میبود تازیانه
هرگز نمیخورد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که دستی بسوی آسمان بدعا
بلند نمیشود که خدا دوست‌تر دارد از دستی که در آن انگشتر عقیق بوده باشد و در حدیث معتبر از حضرت
امام حسین صلوات الله علیه منقول ست که چون حضرت موسی علیه السلام بر کوه طور با حق سبحانه تعالی
مناجات کرد بزمین نظر کرد حق تعالی از نور روی او عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خوردم بذات مقدس
خود که عذاب نکنم باتش جهنم دستی را که انگشتر عقیق در آن باشد اگر اعتقاد ولایت علی بن
ابیطالب علیه السلام داشته باشد و در حدیث دیگر منقول است که جبرئیل علیه السلام نازل شد
بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا محمد پروردگار سلام میرساند و میگوید که انگشتر را
بدست راست بکن و نگینش را از عقیق بکن و بگو بعلی بن ابیطالب پسر عمت که انگشتر در دست
راست بکند و نگینش را عقیق بکند حضرت امیر المومنین علیه السلام پرسید که یا رسول الله عقیق
کدام است فرمود کوهی است در یمن که برای خدا اقرار کرده است بیگانگی و برای من به پیغمبری
و برای تو و اولاد تو بامامت و برای شیعیان تو به بهشت و برای دشمنان تو بجهنم و از حضرت امیر المومنین
علیه السلام منقول است که نماز کسیکه انگشتر عقیق در دست داشته باشد بر نماز جماعتیکه بغیر

عقیق در دست داشته باشد چهل درجه زیادتی دارد و سلیمان اعمش روایت کند که در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم در خانهٔ منصور عباسی پس شخصی را بیرون آوردند که تازیانه خورده بود حضرت فرمود که ای سلیمان ببین که انگشترش چه نگین دارد گفتم یا ابن رسول الله عقیق نیست فرمود که ای سلیمان اگر عقیق میبود تازیانه نمیخورد گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان انگشتر عقیق امان میبخشد از دست بریدن گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان امان می بخشد از خون گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان خدای عز و جل دوست میدارد که بلند کند دعا بسوی او دستی را که در آن نگین عقیق باشد گفتم دیگر بفرما فرمود که عجب دارم از دستی که در آن نگین عقیق باشد چگونه خالی میماند از دینار و درهم گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که نگاهدارندهٔ آدمی است از هر بلائی گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ایمن میگرداند از فقر گفتم یا ابن رسول الله روایت کنم این حدیث را از حضرت حسین بن علی از پدرش امیر المومنین صلوات الله علیهما فرمود بلی و در روایت دیگر منقول است که دو رکعت نماز که با انگشتر عقیق باشد بهتر است از هزار رکعت که بی آن باشد **فصل چهارم** در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد در سه حدیث معتبر از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه منقول است که انگشتر یاقوت در دست کنید که پریشانی را زائل میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که سنت است انگشتر یاقوت در دست داشتن و از حضرت امام موسی صلوات الله علیه منقول است که انگشتر زمرد در دست کردن موجب آسانیست که در آن هیچ دشواری نباشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام همین لفظ وارد شده است الا بلفظ زبرجد و فرمود که انگشتر زمرد در دست داشتن فقر را بتونگری مبدل میکند و فرمود که هر که انگشتر یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود **فصل پنجم** در فضیلت فیروزه و جزع یمانی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که انگشتر فیروزه در دست کند دستش فقیر نشود و از حسن بن علی بن مهران منقول است که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم در انگشت آنحضرت انگشتری دیدم که نگینش فیروزه و نقشش اَللهُ المَلِكُ بود من نظر بسیار میکردم در آن انگشتر فرمود که چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیر المومنین علیه السلام انگشتر فیروزه داشته

است که نقش الله الملک بود فرمودند که از رای شناسی گفتم نه فرمود که همان انگشتریست و این جنگیست
که جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هدیه آورده است از بهشت وآنحضرت بحضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام داد تا بما رسید واز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که انگشتر
جزع یمانی در دست کنید که رد میکند مکر متمردان شیاطین را واز حضرت امام رضا منقولست که حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام فرمود که روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بیرون آمدند وانگشتر جزع یمانی در دست راست
کرده بودند وبا ما نماز کردند چون از نماز فارغ شدند انگشتر را بمن دادند وفرمودند که این انگشتر را در دست
خود کن وبان نماز کن که نماز در جزع یمانی برابر هفتاد نماز است وتسبیح واستغفار میگوید وثوابش برای
صاحبش نوشته میشود وعلی بن محمد ضمیری گفت که دختر جعفر بن محمود را خواستم واو را بسیار دوست
میداشتم واز و فرزندان بوجود نمی آمد رفتم بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام واین مطلب را عرض
نمودم پس حضرت تبسم کرد وفرمود که بگیر انگشتری که نگینش فیروزه باشد وبران نقش کن این آیه کریمه را رَبِّ
لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ چنان کردم یکسال نگذشت که از ان زن پسری بوجود آمد
واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که خداوند عالمیان میفرماید که من شرم میکنم از
دستیکه بسوی من بلند شود بدعا ودران دست انگشتر فیروزه باشد پس آنرا ناامید برگردانم **فصل ششم** در
فضیلت دُر نجف وبلور وحدید چینی وسائر نگینها بسند معتبر از مفضل بن عمر منقولست که گفت روزی
بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم وانگشتر دُر نجف در دست داشتم فرمود که ای مفضل این نگین
سیرگاه دیدهای مردان مؤمن وزنان مؤمنه است ودور گرداننده دردهاست از دیدهای ایشان ومن
دوست میدارم برای هر مؤمن که پنج انگشتر در دست داشته باشد یاقوت وآن فاخرترین همه است وعقیق و
آن خالص تر است برای خدا وبرای ما اهلبیت وفیروزه وآن چشم را قوت میدهد وسینه را گشایش
میدهد وقوت دل را زیاده میکند وچون پی کاری رود آنرا در دست کند پس چون برگردد حاجتش
برآورده شده باشد وحدید چینی وآنرا دوست نمیدارم که همیشه در دست داشته باشد ولیکن بد نمیدانم
در دست کردن آن را در وقتیکه بدیدن کسی رود که از و ترسد از اهل شر برای آنکه شر او ساکن شود و
حدید چینی شیاطین را دور میکند باین سبب دوست میدارم که داشته باشد وپنجم آن دُر نجف است
خدایتعالی ظاهر میسازد بدرستیکه هرکه آنرا در دست کند بهر نظر کردنی بآن خدایتعالی زیارت حج یا عمره

در نامهٔ عمل او بنویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و اگر خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما هر آئینه هر نگینی
از آن قیمت بسیار میرسید ولیکن خدا ارزان کرده است برای ایشان که توانگران و فقیران ایشان
توانند در دست کرد ابو طاهر میگوید این حدیث را بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم فرمود
که این حدیث جدم حضرت صادق علیه السلام است گفتم شما هیچ چیز را بر عقیق سرخ اختیار نمیفرمائید فرمود
بلی برای فضیلت بسیاری که در آن وارد شده است بدرستیکه پدرم خبر داد مرا که اول کسیکه انگشتر عقیق در
دست کرد حضرت آدم علیه السلام بود دید که در عرش بنور عرش نوشته است اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا وَحْدِیْ وَ
مُحَمَّدٌ صَفْوَتِیْ مِنْ خَلْقِیْ اَیَّدْتُهٗ بِاَخِیْهِ عَلِیٍّ وَنَصَرْتُهٗ بِهٖ تا آخر نامهای پنجگانهٔ آل عبا پس چون حضرت آدم
از آن درخت میوه تناول نمود بر زمین آمد متوسل شد بسوی خدا باین نامهای مبارک و ببرکت این نامها خدا
توبه اش را قبول نمود پس حضرت آدم انگشتری از نقره ساخت و نگینش از عقیق سرخ کرد و این نامهای پنجگانه
را بر او نقش کرد و آن انگشتر را در دست راست خود کرد و پس این سنتی شد که پرهیزگاران از فرزندانش همه
نسبت او عمل نمودند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول ست که نیکو نگینی است بلور و از حسین بن
عبد الله مرویست که سوال کرد از حضرت امام علی نقی صلوات الله و سلامه علیه و آله که آیا خوب است
انگشتر کردن سنگریزه که از چاه زمزم بیرون آورند فرمود بلی اما چون خواهد که استنجا کند از دست
بیرون آورد یعنی اگر در دست چپ باشد **فصل هفتم** در بیان آنچه سزاوار است که در نگین نقش
کنند حسین بن خالد بخدمت حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا عرض کرد که جائز است شخصی استنجا
کند و در دستش انگشتری باشد که نقش نگینش لا اله الا الله باشد حضرت فرمود خوب نمیدانم این
را از برای او گفت مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پدران شما بانگشتر استنجا نمیکردند فرمود بلی
ولیکن ایشان انگشتر را در دست راست میکرده اند پس از خدا بترسید و افترا بر ایشان نه بندید پس فرمود
که نقش نگین حضرت آدم علیه السلام لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ بود و با خود از بهشت آورده بود
و حضرت نوح علیه السلام چون بکشتی سوار شد حقتعالی باو وحی فرستاد که ای نوح چون از غرق شدن
بترسی هزار بار لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بگو پس دعا کن تا من ترا و مومنان را از غرق نجات دهم پس چون کشتی براه افتاد
باد تندی وزید حضرت نوح از غرق شدن ترسید و او را مجال آن نشد که هزار بار لا اله الا الله بگوید بزبان سریانی
گفت هوا با الفا الفا یا ماریا اتقن پس طوفان بند شد کشتی براه افتاد پس حضرت نوح فرمود

سخنی که خدا مرا بآن نجات بخشید سزاوار است که همیشه با من باشد بانگشتر خود ترجمهٔ آنرا بعربی نقش کرد لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ یَا رَبِّ اَغِثْنِی و حضرت ابراهیم علیه السلام را چون در کفهٔ منجنیق گذاشتند که در آتش اندازند حضرت جبرئیل بخشم آمد حق تعالی باو وحی کرد که چه چیز باعث غضب تو گردیده است گفت پروردگارا خلیل تست و در این وقت هیچکس نیست که ترا بیگانگی پرستد بغیر از او و دشمن خود و دشمن او را برو مسلط گردانیدی پس خداوند عالم باو وحی فرستاد که ساکت باش که کسی تعجیل در امور میکند که چون تو بندهٔ عاجزی باشد که ترسد از دستش بدر رود پس آن بندهٔ من است هرگاه خواهم او را بگیرم پس جبرئیل خاطرش مطمئن شده و بجانب ابراهیم علیه السلام ملتفت شد و گفت آیا ترا حاجتی و کاری هست در این وقت فرمود هست اما بتو نه پس حقتعالی انگشتر برای او فرستاد که در آن شش کلمه نقش شده بود لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ فَوَّضْتُ اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ اَسْنَدْتُ ظَهْرِی اِلَی اللّٰهِ حَسْبِیَ اللّٰهُ پس خدا وحی نمود که این انگشتر را در دست کن که آتش را بر تو سرد و سلامت میگردانم و نقش نگین حضرت موسی علیه السلام دو کلمه بود که از توریت بیرون آورده بود اِصْبِرْ تُؤْجَرْ اُصْدُقْ تَنْجُ یعنی صبر کن تا مزد یابی راست گو تا نجات یابی و نقش نگین حضرت سلیمان این بود سُبْحَانَ مَنْ اَلْجَمَ الْجِنَّ بِکَلِمَاتِهٖ و نقش نگین حضرت عیسی علیه السلام این دو کلمه بود که از انجیل بر آورده بود طُوبٰی لِعَبْدٍ ذُکِرَ اللّٰهُ مِنْ اَجْلِهٖ وَوَیْلٌ لِعَبْدٍ نُسِیَ اللّٰهُ مِنْ اَجْلِهٖ یعنی خوشحال بندهٔ که خدا یاد کرده شود بسبب او و وای بر بندهٔ که خدا فراموش شود از خاطرها بسبب او و نقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم این بود لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ و نقش نگین حضرت امام حسن علیه السلام اَلْعِزَّةُ لِلّٰهِ بود و نقش نگین حضرت امام حسین علیه السلام اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ اَمْرِهٖ بود و حضرت علی ابن الحسین انگشتری پدر بزرگوار خود را در دست میکردند و حضرت امام باقر علیه السلام نیز انگشتر حضرت امام حسین علیه السلام را در دست میکردند و نقش نگین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اَللّٰهُ وَلِیِّیْ وَ عِصْمَتِیْ مِنْ خَلْقِهٖ بود و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام حَسْبِیَ اللّٰهُ بود پس حضرت امام رضا علیه السلام دست دراز کردند و نمودند انگشتر پدر خود را که در دست داشتند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که نقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ بود و نقش نگین حضرت امیر المومنین علیه السلام اَللّٰهُ

الْمُلْكُ بود و نقش نگین حضرت امام محمد باقر علیه السلام اَلْعِزَّةُ لِلّٰهِ بود و در حدیث معتبر منقول ست که از حضرت
پرسیدند که آیا کراهت دارد که کسی در نگین غیر نام خود و پدر خود چیزی نقش کند حضرت فرمود که نقش
انگشتر من اَللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ است و نقش نگین انگشتر پدرم اَلْعِزَّةُ لِلّٰهِ بود و نقش انگشتر حضرت امام زین العابدین
علیه السلام اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ بود و نقش انگشتر امام حسن و امام حسین علیهما السلام حَسْبِيَ اللّٰهُ بود و نقش نگین
امیر المومنین علیه السلام اَللّٰهُ الْمَلِكُ بود و در روایت معتبر دیگر منقول ست که نقش نگین حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام این کلمات بود اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي فَقِنِي شَرَّ خَلْقِكَ و در حدیث صحیح دیگر از حضرت
امام رضا علیه التحیة والثنا منقول ست که نقش نگین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اَنْتَ ثِقَتِي
فَاعْصِمْنِي مِنَ النَّاسِ بود و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام حَسْبِيَ اللّٰهُ و در زیرش شکل
گلی بود و در بالاش هلالی نقش کرده بود و در حدیث صحیح دیگر منقول ست که نقش نگین حضرت امام رضا
علیه السلام مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا منقول ست که
نقش نگین حضرت امام زین العابدین علیه السلام این بود خَزِيَ وَ شَقِيَ قَاتِلُ حُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ و عبد الله بن
سنان میگوید که حضرت صادق علیه السلام انگشتری رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بمن نمود نگین
سیاهی داشت و در دو سطر نوشته بود مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ و در حدیث معتبر منقول ست
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرمود از آنکه صورت چیزی از حیوانات بر انگشتر نقش کنند و از
حضرت صادق علیه السلام منقول ست که عقل مرد را در سه چیز امتحان میتوان کرد در درازی ریش و نقش
انگشترو کنیتش و در حدیث دیگر منقول ست فرمود هر که نقش کند بر انگشترش مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ ایمن شود از فقر شدید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول ست که نقش نگین حضرت
امام محمد باقر علیه السلام بود که ظَنِّي بِاللّٰهِ حَسَنٌ وَ بِالنَّبِيِّ الْمُؤْتَمَنِ وَ بِالْوَصِيِّ ذِي الْمِنَنِ وَ بِالْحَسَنِ
وَ الْحُسَيْنِ و در روایت دیگر از امام محمد باقر علیه السلام منقول ست که انگشتر حضرت امیر المومنین
علیه السلام از نقره بود و نقش نگینش نِعْمَ الْقَادِرُ اللّٰهُ بود و در بعضی روایات وارد است
که نقش نگین حضرت امیر المومنین علیه السلام اَلْمُلْكُ لِلّٰهِ بود و در روایات دیگر آنکه انگشتری داشتند از
حدید چینی سفید و صاف و این کلمات را در آن نقش فرموده بودند در هفت سطر و در جنگها و شدتها
در دست میکردند و کلمات اینست اَعْدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ لِكُلِّ كَرْبٍ لَا حَوْلَ

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ نَازِلَةٍ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَلِكُلِّ ذَنْبٍ كَبِيرَةٍ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَلِكُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ فَادِحٍ مَا شَاءَ اللّٰهُ وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ مُتَجَدِّدَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مَا لِعَلِيِّ ابْنِ اَبِي طَالِبٍ مِنْ نِعَمِ اللّٰهِ فَمِنَ اللّٰهِ و از حضرت اسمٰعیل بن موسی منقول ست که انگشتر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام تمامش از نقره بود و بر آن این نقش بود یَا ثِقَتِي قِنِي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که در انگشتر خود آیه از قرآن نقش کند آمرزیده شود و ابن طاوس علیه الرحمة بروایت قاسم بن علی روایت کرده از صافی خادم حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه و آله که رخصت طلبیدم از آنحضرت که بزیارت جدش امام رضا علیه السلام بروم فرمود باید که با خود انگشتری داشته باشی که نگینش عقیق زرد باشد و نقش نگین مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ باشد و بر روی دیگر نگین مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ نقش کرده باشد چون این انگشتر را با خود داشته باشی امان یابی از شر راه زنان و برای سلامتی تو تمامتر است و دین ترا حفظ کننده تر است خادم گوید بیرون آمدم و انگشتر که حضرت فرموده بود بهم رسانیدم و برگشتم که وداع کنم چون وداع کردم و دور شدم فرمود که مرا برگردانند چون برگشتم فرمود ای صافی گفتم لبیک ای آقای من فرمود باید که انگشترے فیروزه هم با خود داری که میان طوس و نیشاپور شیری بر خواهد خورد بتو و قافله را منع خواهد کرد از رفتن و تو پیش برو و این انگشتر را بشیر بنما و بگو که مولای من میگوید که دور شو از راه باید که بر یک طرف نگین فیروزه انگشتر اَللّٰهُ الْمَلِكُ نقش کنی و بر طرف دیگر اَلْمُلْكُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ زیرا که نقش انگشتر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اَللّٰهُ الْمَلِكُ بود و چون خلافت بآنحضرت برگشت اَلْمُلْكُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ نقش کرد و نگینش فیروزه بود و چون چنین کنی امان می بخشد از حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه میشود در جنگها خادم گفت برفتم بسفر و بخدا سوگند در همان مکان که حضرت فرموده بود شیری بر سر راه آمد آنچه فرموده بود بعمل آوردم شیر برگشت و چون از زیارت برگشتم آنچه گذشته بود بخدمت آنحضرت عرض کردم فرمود که یک چیز ماند که نقل نکردی اگر خواهی من نقل کنم گفتم ای آقای من شاید که فراموش کرده باشم فرمود شبی در طوس نزدیک روضهٔ امام رضا علیه السلام خوابیده بودی گروهی از جنیان بزیارت قبر میرفتند آن نگین را در دست تو دیدند و نقش آنرا خواندند پس آنرا از دست تو بر آوردند و بردند نزد بیماری که داشتند و آن انگشتر را در آبی شستند و آنرا به بیمار دادند بیمارشان صحت یافت پس انگشتر را برگردانیدند در تو

در دست راست کرده بودی و ایشان در دست چپ تو کردند چون بیدار شدی بسیار تعجب کردی و کسی را ندانستی و بر بالین خود یاقوتی یافتی آنرا برداشتی و الحال همراه تست ببازار رو و آنرا بهفتاد اشرفی خواهی فروخت و این یاقوت هدیهٔ آن جنیان است که برای تو آورده بودند خادم گفت که یاقوت را بردم ببازار و بهفتاد اشرفی فروختم و ایضاً سید ابن طاوس روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت که من میترسم از حاکم شهر خود و میترسم که دشمنان او را با من بخشم آورند و ایمن نیستم از ان که مرا بکشند حضرت فرمود که انگشتری بساز که نگین آن حدید چینی باشد و بر روی نگین سه سطر نقش کن سطر اول اَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ سطر دوم اَعُوْذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ و سطر سوم اَعُوْذُ بِرَسُوْلِ اللّٰهِ و در زیر نگین دو سطر نقش کن سطر اول اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَ کُتُبِهٖ و سطر دوم وَ اِنِّیْ وَاثِقٌ بِاللّٰهِ وَ رُسُلِهٖ و در دور نگین نقش کن اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُخْلِصًا و این صورت نگین است

اَشْهَدُ

اَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ
اَعُوْذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ
اَعُوْذُ بِرَسُوْلِ اللّٰهِ

در دست کن این انگشتری را در هر حاجتی که بر تو دشوار شود و در هر وقتی که از آزار احدی از مردم بترسی بدرستیکه حاجتهایت برآورده شود و ترسهایت بایمنی بدل شود و زنی که زائیدن برو دشوار شود برو ببندند که بمشیت الهی بزودی وضع حمل او میشود و هم چنین دفع میکند اثر چشم بد را و حذر کن که حائض و جنب بآن نگین برسد و با خود بحمام و بیت الخلا مبر و خوب محافظت نما آنرا که از اسرار خداست و شما شیعیان که از دشمنان خود میترسید باید که برابر جان خود این انگشتر را داشته باشید و از دشمنان پنهان دارید و تعلیم مکنید مگر بکسی که اعتماد برو داشته باشید راوی حدیث گوید که من تجربه کردم و اثرش یافتم و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هرکه صبح کند و در دستش انگشتری عقیق باشد که در انگشت دست راست کرده باشد پیش از آنکه نظرش بر کسی بیفتد نگین آنرا بجانب کف دست بگرداند و بآن نظر کند و سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر تا آخر بخواند پس بگوید اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَ کَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوْتِ وَ اٰمَنْتُ بِسِرِّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَانِیَتِهِمْ وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ وَ اَوَّلِهِمْ وَ اٰخِرِهِمْ چون چنین کند خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از شر آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه بالا میرود بسوی آسمان و آنچه در زمین فرو میرود و آنچه بیرون میآید از زمین و در حرز و حمایت دوستان خدا باشد و در حدیث دیگر منقول است که هرکه انگشتری از عقیق بسازد و در نگین آن

نقش کرده باشد محمد نبی الله علی ولی الله خدا او را از مرگ بد نگاه دارد و نمیرد مگر بر دین حق

فصل هشتم در زیور طلا و نقره پوشیدن و بزنان و اطفال پوشانیدن در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جائز است پسران نابالغ را زیور طلا پوشانیدن فرمود که حضرت امام زین العابدین علیه السلام زینت میفرمود زنان و اطفال خود را بزیور طلا و نقره و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت پرسیدند درین باب فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام زنان و فرزندان خود را از زیور طلا و نقره می پوشانیدند و در حدیث صحیح دیگر پرسیدند از آنحضرت از زیور کردن زنان بطلا و نقره فرمودند باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول ست که سر غلاف شمشیر حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و دسته اش از نقره بود و در میان حلقه های نقره داشت و زره آنحضرت سه حلقه نقره در پیش و دو حلقه نقره در عقب داشت و از حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا منقول ست که ذو الفقار که جبرئیل علیه السلام برای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از آسمان آورد زیورش از نقره بود و در حدیث حسن از آنحضرت منقول ست که باکی نیست از زیور کردن شمشیر بطلا و نقره و در حدیث دیگر فرمود که زیور شمشیر حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم تمام از نقره بود و دسته سرش و دسته اش و در حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست بزینت کردن قرآن و شمشیر را بطلا و نقره و بسند موثق دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول ست که همیشه زنان زیور می پوشیدند و در حدیث معتبر دیگر از فضل بن یسار منقول ست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم از کرسی که در ان طلا باشد آیا میتوان در خانه نگاهداشت یا نه حضرت فرمود که اگر طلا باشد نه و اگر آب طلا بآن مالیده باشند باکی نیست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سزاوار نیست که زن خود را معطل گذارد و زینت نکند اگر چه گردن بندی باشد که در گردن به بندد و سزاوار نیست که دستش از خضاب خالی باشد اگر چه بمالیدن حنا باشد هر چند سالدار باشد و در روایت معتبر وارد شده است که جائز نیست که زنان دندانها بطلا بیکدیگر به بندند بر آنکه در باب زیور طلا احوط و اولی آنست که مردان اجتناب نمایند اگر چه در شمشیر و مصحف باشد **فصل نهم** در آداب سرمه کشیدن در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم سرمه سنگ بچشم می کشیدند در وقت خواب طاق طاق و در حدیث معتبر از حسن بن جهم منقول است که گفت حضرت امام رضا علیه السلام میلی از آهن بمن نمودند

و سرمه دانی از استخوان فرمودند که اینها از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بود بعد از آن میل سرمه بکش
پس سرمه کشیدم و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سرمه کشیدن در شب چشم را نفع
میرساند و در روز زینت است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سرمه سنگ
و در دیده کشیدن دهان را خوشبو میکند و مژگان را محکم میکند و بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که سرمه کشیدن دهان را شیرین میکند و در حدیث دیگر فرمود که سرمه کشیدن موی مژگان را میرویاند و بینائی را
تند میکند و اعانت میکند بر طول دادن سجود و در حدیث دیگر فرمود که سرمه کشیدن موی مژگان را میرویاند
و چشم را جلا میدهد و آب ریختن چشم را زائل میکند و در روایت دیگر فرمود که سرمه کشیدن قوت جماع را زیاده
میکند و فرمود که هر که هر شب سرمه سنگ که مشک نداشته باشد در دیده کشد چشمش هرگز آب سیاه نیاورد
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر که سرمه کشد باید که طاق بکشد و اگر
چنین نکند هم باکی نیست و در حدیث صحیح دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
پیش از خواب سرمه می کشیدند چهار میل در دیده راست و سه میل در چشم چپ و در حدیث دیگر معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که رو را نورانی میکند نظر کردن در روی
نیکو و در آب جاری و در سبزه زار و سرمه کشیدن در وقت خواب و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که سرمه کشد و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که سرمه کشیدن در وقت خواب امان می بخشد از آب آوردن چشم و از حضرت امام رضا علیه التحیة
والثناء منقول است که هر که را ضعف در باصره بهم رسد هفت میل از سرمه سنگ در وقت خواب در چشم
کشد چهار در چشم راست و سه در چشم چپ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم در هر چشم سه میل سرمه می کشیدند در وقت خوابیدن و در روایت دیگر وارد شده
است که سه میل در چشم راست و دو میل در چشم چپ می کشیدند و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که بر شما باد مسواک کردن که چشم را جلا میدهد و بر شما باد بسرمه کشیدن که دهان را خوشبو میکند زیرا که چون
آدمی مسواک میکند بلغم نازل میشود از چشم و جلا میدهد و چون سرمه میکشد بلغم از چشم بر طرف
میشود و بدهان نازل میشود و دهان خوشبو میشود و در فقه الرضا مذکور است که چون اراده نمائی که سرمه کشی
میل را بدست راست بگیر و در سرمه دان بزن و بگو بسم الله و چون میل در چشم کشی اللهم نوّر

بصری و اجعل فیه نوراً ابصر به حقک و اهدنی الی طریق الحق و ارشدنی الی سبیل الرشاد اللهم نوّر علی دنیای و آخرتی و در مکارم الاخلاق روایت کرده است که این دعا بخواند در وقت سرمه کشیدن اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر لک ابداً ما ابقیتنی

فصل دهم در آداب نظر در آئینه کردن به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خداوند عالمیان واجب میگرداند بهشت را از برای جوانی که بسیار نظر در آئینه کند و حمد بسیار گوید بر اینکه خدا او را بصورت نیکو آفریده و او را معیوب نگردانیده است و در بعضی روایات مذکورست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نظر میکردند در آئینه و موی سر مبارک و ریش را شانه میکردند و از برای اصحاب خود و زنان خود خود را میساختند و میفرمودند که خدا می پسندد و دوست میدارد از بنده اش که چون بنزد برادران مؤمن برود از برای ایشان زینت کند و خود را بسازد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول ست که چون کسی نظر در آئینه کند باید بگوید الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی و صوّرنی فاحسن صورتی و زان منی ما شان من غیری و اکرمنی بالاسلام و در فقه الرضا و غیر آن مذکور است که چون خواهی در آئینه نظر کنی آئینه را بدست چپ بگیر و بگو بسم الله پس چون در آن نظر کنی دست راست را بپیش سر بگذار و بر رو بکش و ریش خود را بدست بگیر و در آئینه نظر کن و بگو الحمد لله الذی خلقنی بشراً سویاً و زاننی و لم یشنّی و فضّلنی علی کثیر من خلقه و منّ علیّ بالاسلام و رضیه لی دیناً پس آئینه از دست بگذار و بگو اللهم لا تغیّر ما بنا من نعمک و اجعلنا لانعمک من الشاکرین و لآلائک من الذاکرین و در روایت دیگر وارد شده است که آئینه بدست چپ میگیری و چون روی خود را در آئینه دیدی بگو الحمد لله الذی احسن و اکمل خلقی و حسّن خُلقی و خلقنی خلقاً سویاً و لم یجعلنی جباراً شقیاً الحمد لله الذی زیّن منی ما شان من غیری اللهم کما احسنت خلقی فصلّ علی محمد و آل محمد و حسّن خُلقی و تمّم نعمتک علیّ و زیّنّی فی عیون

خَلْقَكَ وَجَعَلَنِي فِي عُيُونِ بَرِيَّتِكَ وَارْزُقْنِي الْقَبُولَ وَالْمَهَابَةَ وَالرَّأْفَةَ
وَالرَّحْمَةَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و در روایت دیگر منقول ست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی چون در آئینه نظر کنی بگو اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ
خُلُقِي وَرِزْقِي **فصل یازدهم** در فضیلت خضاب کردن مردان وزنان بدانکه مردان را خضاب
موی سر و ریش سنت مؤکده است و زنان را خضاب موی سر و دست و پا سنت مؤکده است و
مردان را خضاب دست و پا کراهت دارد مگر اندک رنگی و بعد از نوره که بر جمیع بدن سنت ست حنا الیدن
آنقدر از ان بر دست بمالند که رنگ ناخن بسرخی مائل شود چنانچه بسند های معتبر از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه وآله وسلم منقول ست که چهار چیز ست که از سنتهای پیغمبران است بوی خوش کردن و
نزدیکی زنان و مسواک کردن و خضاب کردن بحنا و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که یک
درهم که در خضاب خرج شود بهتر است از هزار درهم که در راه خدا صرف شود و دران چهارده خصلت
هست باد را از گوشها دور میکند و غبار را از چشم جلا میدهد و نئی را نرم میکند و دهان را خوشبو میکند
و بن دندان را محکم میکند و گند زیر بغل را دفع میکند و کم میکند وسوسهٔ شیطان را و ملائکه بسبب آن
شاد میشوند و سبب خوشحالی مؤمنان و خشم کافران میشود و زینت ست و بوی خوش است و موجب
خلاصی از عذاب قبر میشود و نکیر و منکر شرم می کنند از ان و در حدیث دیگر فرمود که موی سفید
خود را رنگ کنید و شبیه شوید بیهودان و حسن بن جهم گفت که بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
رفتم دیدم که آنحضرت خضاب ریش برنگ سیاه کرده بودند پس فرمود که در خضاب کردن ثواب
عظیم است و خود را ساختن موجب عفت زنان است و جمعی از زنان دست از عفت
برداشتند بسبب آنکه شوهران ایشان خود را برای ایشان نمی آراستند راوی عرض کرد که بما رسیده
که حنا موی سفید را زیاده میکند حضرت فرمود که موی سفید خود زیاده میشود بلی حنا و در
حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وعلی آله وسلم آمد حضرت نظر کرد
که موی سفید در ریش او بهم رسیده است فرمود که این موی سفید نور است پس فرمود
که هر که در اسلام یک موی سفید در ریش او بهم رسد از برای او نوری باشد در قیامت پس
آن شخص بحنا خضاب کرده نزد آنحضرت آمد چون آنحضرت او را دیدند فرمودند که هم نور است

و بهم اسلام پس رفت و خضاب سیاه کرد و آمد پس آنحضرت فرمود که نور است و اسلام است و ایمان است
و محبوب میگرداند بسوی زنان و خوف و بیم می افگند در دل کافران و در حدیث معتبر منقول است که گروهی
بخدمت حضرت امام حسین علیه السلام آمدند دیدند که آنحضرت بسیاهی خضاب کرده است درین باب از آنحضرت
سوال کردند دست بر ریش گذاشته فرمودند که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از جنگها که
مسلمانان بسیاهی خضاب کنند تا باعث غلبهٔ ایشان شود بر کافران و در حدیث حسن منقول است که از حضرت
صادق علیه السلام پرسیدند که خضاب سر و ریش آیا سنت است فرمود که بلی حضرت امیر المومنین علیه السلام برای
آن خضاب نمیفرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بود که یا علی موی ریش تو از خون سر تو
خضاب خواهد شد انتظار آن خضاب می کشید و حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام باقر علیه السلام هر دو
خضاب میکردند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که من برای آن خضاب
نمیکنم که هنوز صاحب تعزیه ام در مصیبت وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و در احادیث بسیار منقول
است که حضرت رسول خضاب میفرمودند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام نظر کردند
بمردی که از حمام بیرون آمده بود و در دستهایش حنا بسته بود حضرت فرمودند که آیا ترا خوش می آید که خدا ترا چنین
خلق کند گفت نه والله ولیکن بما خبر رسیده است که هر که داخل حمام شود باید که اثر حمام برو دیده شود یعنی
حنا حضرت فرمود غلط فهمیده بلکه مراد آنست که چون سلامت از حمام بدر آید بشکر این نعمت دو رکعت
نماز بگذارد و در حدیث حسن منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند که از جملهٔ علامات بدی که در آخر الزمان
ظاهر شود آنست که آثار زنان در مردان عیاش ظاهر شود و مردان خضاب کنند خود را
مشاطگی کنند بروش زنان و ظاهر آنست که مراد خضاب دست و پا باشد زیرا که خضاب سر و ریش سنت است
و از علامات مردان است و در حدیث معتبر منقول است از آنحضرت که باکی نیست که در حمام خلوق بدست
و پا بمالد بجهت ترکهای که در دست و پا بهم رسد ازابت و اما خوشم نمی آید که همیشه این کار کنند و خلوق
بوی خوشی بوده است که زعفران داشته است و رنگ آنان در بدن میمانده است و در حدیث دیگر از
ابی الصباح منقول است که گفت اثر حنا در دست حضرت امام محمد باقر علیه السلام دیدم یعنی اثر
ضعیفی که از حنا مالیدن بعد از دارو میماند چنانچه بعد ازین مذکور خواهد شد و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که سزاوار نیست زن را که دستش را از خضاب خالی بگذارد اگرچه مالیدن

حنا باشد هر چند پیر باشد و فرمود که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنان شوهردار و بی شوهر را بخضاب کردن اما شوهردار برای شوهرش و اما غیر شوهردار از برای آنکه دستش بدست مردان نماند

فصل دوازدهم در کیفیت خضاب و احکام آن در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست در خضاب کردن بوسمه برای مرد پیر و در حدیث صحیح موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که فرمود خضاب کردن بوسمه دندانهای مرا سست کرد و درهم شکست و در چندین حدیث معتبر وارد شده است که چون حضرت امام حسین علیه السلام شهید شد خضاب بوسمه در ریش مبارک آنحضرت بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خضاب کردن بوسمه موجب انس زنان است و مهابتی از آن در دل کافران بهم میرسد و در حدیث حسن از آنحضرت منقول ست که خضاب کردن بحنا آبرو را زیاده میکند و سفیدی مو را هم زیاده میکند و در حدیث صحیح و حسن منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام خضاب بحنا میفرمودند خضاب سرخ رنگین و در حدیث دیگر فرمود که خضاب بحنا بوهای بد را برطرف میکند و آبرو را می افزاید و دهان را خوشبو میکند و فرزند را خوش رو میگرداند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هرگاه زنی را علت حیضش قطع شده باشد بحنا خضاب کند تا حیضش برگردد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام محمد باقر علیه السلام خضاب بحنا و وسمه باهم میکردند و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که بهترین خضابها نزد حق تعالی رنگ سیاه است و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رخصت فرمود زنان را که سر خود را بسیاهی خضاب کنند بدانکه مشهور میان علما آنست که جنب را خضاب کردن مکروه است و هم چنین مکروه است در حالی که خضاب بسته باشد جنب شدن و از بعضی اخبار معتبره ظاهر میشود که چون حنا رنگ خود را داده باشد بعد از آن جنب شدن باکی نیست و همچنین مکروه است زن حائض را خضاب کردن

باب سوم در آداب خوردن و آشامیدن **فصل اول** در بیان ظرفهائیکه در خوردن و آشامیدن و سائر استعمالات توان استعمال نمود و آنچه از آن نهی وارد شده است جائز نیست خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و در استعمال غیر اکل و شرب خلاف است و احوط اجتناب است و همچنین در نگاهداشتن برای زینت احوط اجتناب ست و بعضی گفته اند طعامی را که در ظرف طلا و نقره کنند حرام می شود اگر چه طعام را

در جای دیگر کنند و اگرچه دلیلی ندارد اما احوط اجتناب است و جمعی باطل میدانند وضوی را که از ظرف
طلا و نقره بسازند و در باشند سرمه دان و عنبرچه و سر قلیان و قندیلها که هر دو طرفش گشوده باشد که در مشاهد
مشرفه می آویزند و ظرف مصحف و دعا و آئینه را بنقره و طلا گرفتن بلکه چوب و نی را بنقره گرفتن خلاف است
و احوط در همه اجتناب است اگرچه حرمت اینها بر فقیر ثابت نیست و در نعلکی قلیان که از نقره و طلا
باشد احتیاط بیشتر باید کرد و مکروه است از ظرف نقره کوب و طلا کوب چیز خوردن و آشامیدن و
اگر بخورد بهتر آنست که دهن را بموضع طلا و نقره نرساند و اشهر میان علما آنست که جائز نیست
استعمال پوست مگر پوست حیوانی که در حال حیات پاک باشد و آنرا بعنوان شرع کشته باشند
یا از دست مسلمانی گرفته باشند و حرام است استعمال پوست حیوان مرده و هم چنین پوستی که یافته
باشند اگرچه گمان باشد که از دست مسلمانی افتاده است مثل کفش در مسجد مسلمانان بعضی گفته اند که
جائز است استعمال میته در عملی که مشروط بطهارت نباشد مثل آب به زراعت و حیوانات دادن
و امثال اینها و این قول قوی نیست و احوط اجتناب است و همچنین بعضی جائز داشته اند استعمال پوستی
که ظن بهم رسد که آنرا مسلمانی کشته است یا از دست مسلمان افتاده است و خالی از قوتی نیست
و احوط اجتناب است و پوست حیوان طاهری که گوشت آنرا نخورند و قابل تزکیه باشد استعمال
میتوان کرد اما پیش از دباغی کردن مکروه است استعمال آن و ظرفی که در آن شراب کرده باشد
هرچه نجاست در آن نفوذ نکند مثل شیشه و مس بشستن پاک میشود و هم چنین هرچه کاشی داشته
باشد و منفذی نداشته باشد که شراب در جرم آن جا کند و در مثل سبو و کدو و خم بی کاشی و امثال
اینها خلاف است و اشهر آنست که بآب کشیدن پاک میشود خصوصاً و قتیکه آنقدر در آب بگذارند که
آب در آن نفوذ کند و اثر شراب در آن نماند و احوط اجتناب است و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقول است که هرکه در دنیا از ظرف طلا و نقره آب خورد در آخرت از ظروف طلا و نقره
در بهشت محروم میشود و بسند معتبر منقول است که محمد بن اسمعیل بن بزیع از حضرت امام رضا
علیه السلام سوال کرد از ظرف طلا و نقره حضرت اجتناب کرد از اینها گفتند بما روایت رسیده
است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام آئینه داشتند که بنقره گرفته بودند حضرت فرمودند
نه الحمد لله همین حلقه داشت از نقره و آن آئینه الحال نزد منست و فرمود که برادرم عباس را چون ختنه

کردند برای او چوبی ساخته بودند و آنرا بنقره گرفته بودند که قبضهٔ نقرهٔ اش نزدیک بده درهم بود که ده چندوی دینار عجمی باشد حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که آنرا شکستند و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول ست که ظروف طلا و نقره متاع جماعتیست که یقین بآخرت ندارند و در حدیث دیگر از عمر بن ابی المقدام منقول ست که ظرفی آوردند نزد امام جعفر صادق علیه السلام که آب بخورند پاره از نقره بر آن چسپانیده بودند دیدم که حضرت بدندان خود آنرا از انطرف میکندند و در حدیث موثق از آنحضرت منقول ست که مکروه است آب خوردن از ظروف که نقره کوب باشد یا بعضی از ان نقره باشد و روغن مالیدن از روغن دان چنین و شانه کردن از شانهٔ چنین مکروه است و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول ست که کراهیت دارد خوردن چیزی که در سفالیکه از مصر می آورند پخته باشند و در روایت موثق از حضرت امام رضا علیه السلام منقول ست که طعام مخورید در ظرفهای سفالی که از مصر می آورند و از بزیع بن عمر منقول ست که بخدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام آمدم دیدم که حضرت طعام میخوردند در میان کاسهٔ سیاهی که در میان آن برنگ زرد سورهٔ قل هو الله احد نقش کرده بودند

فصل دوم در تجویز خوردن طعامهای لذیذ و مذمت حرص و افراط در آن

بدان که از احادیث اهلبیت علیهم السلام ظاهر میشود که طعامهای لذیذ خوردن و بمردم خورانیدن بنکلف در خوبی و پاکیزگی آنها خوب است و طعامهای لذیذ را بر خود حرام کردن خوب نیست اما باید که از حلال باشد و آنقدر نخورد که او را از عبادت الٰهی باز دارد و مانند حیوانات پیوسته همتش مصروف خوردن و آشامیدن نباشد بلکه باید که منظور و مقصود او از خوردن و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد و باید که آنقدر صرف کند که نسبت بحال او اسراف نباشد که خدا مسرفان را دوست نمیدارد و بسند معتبر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسیار بود که نانهای فرنی نفیس و حلواهای لذیذ بمردم میخورانیدند و میفرمودند که هرگاه خدا برما توسعه میدهد ما نیز توسعه میکنیم و هرگاه خدا بر ما تنگ میگیرد ما نیز تنگ میگیریم و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول ست که سه چیز است که حق تعالی مومن را در قیامت بآنها حساب نکند طعامی که بخورد و جامهٔ که بپوشد و زن صالحه که یاور او باشد و فرج او را از حرام نگاهدارد و ابو خالد کابلی میگوید که بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفتم حضرت چاشت طلبیدند من خوردم با آنحضرت هرگز نیکوتر و پاکیزه تر طعامی از ان نخورده بودم پس فرمود

که چگونه دیدی طعام ما را گفتم فدایتو شوم هرگز باین خوبی طعام نخورده بودم ولیکن بیادم آمد آن آیه که
در کتاب خداست وَلَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ که ترجمه اش اینست که البته سوال کرده خواهد شد
در روز قیامت از نعمت الهی حضرت فرمود که مراد از نعیم درین آیه مذهب تشیع و ولایت اهلبیت
علیهم السلام است که در روز قیامت از شما سوال خواهند کرد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقول ست که حقتعالی ازان کریم تر است که سوال کند از مومن از خوردنی و آشامیدنی که در دنیا
برو حلال کرده باشد و بسند حسن از انحضرت منقول است که طعام بعجل بیاور و نیکو بعمل بیاور و اصحاب
خود را بیاور و با ایشان بخور و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول ست که با سیری چیزے
خوردن مورث پیسی است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سه چیز ست که خدا دشمن
میدارد صاحب آنها را خواب کردن بدون بیداری شب و خنده کردن در غیر محل تعجب و خوردن
طعام در هنگام سیری و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که مومن در یک شکم
چیزی میخورد و کافر در هفت شکم چیزی میخورد یعنی بسیار میخورد و در حدیث دیگر منقول ست که ابو جحیفه
بخدمت انحضرت آمد و آروغ میزد از سیری حضرت فرمود که آروغ خود را منع کن که هر که در دنیا سیرتر
است در قیامت گرسنه تر است پس ابو جحیفه بعد ازان طعام سیر نخورد تا از دنیا رفت و در حدیث دیگر
فرمود که هیچ چیز را خدا دشمن نمیدارد مانند شکم پر از طعام و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول
است که حضرت عیسی علیه السلام بشهری رسید که مردی و زنی فریاد میکردند و با یکدیگر نزاع
داشتند از سبب آن پرسید مرد گفت که این زن زن من است و صالحه است و عیبی ندارد اما
من او را دوست نمیدارم و میخواهم از و جدائی اختیار کنم فرمود که بهمه حال سبب این کراهیت را
بگو چیست گفت که رویش کهنه و بے طراوت شده است بی آنکه پیر شده باشد حضرت عیسی علیه السلام
بآن زن فرمود میخواهی که آب رویت برگردد و تازه شود گفت بلی فرمود طعام که میخوری سیر مخور زیرا که
طعام زیاده در معده که بجوش آمد آب رو را میبرد آن زن چنین کرد رویش بحالت طراوت برگشت و محبوب
شوهر شد و از حضرت امام موسی کاظم منقول است که اگر مردم میانه رو باشند در طعام خوردن
پیوسته بدن ایشان صحیح باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول ست
که پنج خصلت است که مورث مرض و پیسی است نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو

و غسل کردن بآبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن و در حال حیض با زن جماع کردن و در وقت سیری چیزی خوردن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول ست که آدمی را ناچارست از طعامی که بدان قوت بیابد و هرگاه طعامی خورد باید که یک حصه شکم برای طعام قرار دهد و یک حصه برای آب و یک حصه برای نفس زدن و سعی نکند در فربه کردن خود چنانچه حیوانات برای کشتن فربه میکنند و فرمود که هرگاه شکم سیر شد باعث طغیان و فساد میشود و فرمود که هر دردی و بیماری از بسیار خوردن بهم میرسد بغیر از تپ که آن گاهست که ناگاه میرسد و در حدیث دیگر منقول ست که حضرت عیسی علیه السلام فرمود که ای بنی اسرائیل تا گرسنه نشوید چیزی نخورید و هرگاه که گرسنه شوید بخورید و سیر مخورید زیرا که چون سیر شدید گردنهای شما گنده میشود و پهلوهای شما فربه میشود و پروردگار خود را فراموش میکنید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول ست که کفران نعمت الهی است اینکه کسی گوید که فلان طعام را خوردم و مرا آزار داد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که روزی شیر و عسل نزد آنحضرت آوردند از تناول نمودند و بر زمین گذاشتند گفتند یا رسول الله آیا حرام میکنی خوردن این را فرمودند نه اما تواضع و شکستگی میکنم برای خدا و پالوده بسیار طیب خوشبو نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آوردند انگشتی بآن فرو بردند و بر آن گذاشتند فرمودند که حرام نیست اما نمیخواهم خود را عادت فرمایم بچیزی که عادت نکرده‌ام و در حدیث دیگر وارد است فرمود که چیزی که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نخورده است نمیخواهم که بخورم و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول ست که همیشه این امت با خیر و نعمت باشند مادام که لباس عجمان را نپوشند و طعامهای عجمان را نخورند پس چون چنین کنند خدا ایشان را ذلیل و خوار گرداند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول ست که نیکو نان خورشیست سرکه و همین بس ست در اسراف که لقمه را نزد او بیاورند دشمن دارد و نخورد

فصل سوم در بیان بعضی از آداب و اوقات طعام خوردن سنت ست که چاشت بامداد بخورد و در میان روز دیگر چیزی نخورد و بعد از نماز خفتن بار دیگر طعام بخورد و لقمه کوچک بر دارد و نیکو بخاید و نظر بر روی مردم نکند و طعام بسیار گرم نخورد و در طعام گرم نه دمد بلکه بگذارد تا سرد شود و بعد از آن بخورد و نان را بکارد نبرد و استخوان را پاک نکند و کمتر از سه انگشت چیزی نخورد و از پیش خود بخورد و دست در پیش دیگران دراز نکند و کاسه و انگشتان را بلیسد در حالت

جنابت مکروه است طعام و آب خوردن و اگر وضو بسازد یا دست بشوید و مضمضه و استنشاق کند یا دست
و رو را بشوید و مضمضه بکند یا دست را بشوید که آثارش ضعیف میشود و در حدیث دیگر وارد است که اگر چیزی بخورد
در حال جنابت بی آنکه اینها را بعمل آرد بیم آنست که پیس شود و در حدیث معتبر منقول است که پسر برادر
شهاب بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از دردها و امتلاء و فساد معده
حضرت فرمود که چاشت و شام بخور و در میان چیزی مخور زیرا که خداوند عالمیان در وصف طعام
اهل بهشت میفرماید وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ترجمه اش اینست که مهیاست برای اهل بهشت
روزی ایشان در بهشت در بامداد و پسین یا خفتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام
منقولست که طعام خوردن پیغمبران آخر روز یا بعد از نماز خفتن است پس آنرا ترک مکنید که
ترکش موجب خرابی بدن است و در حدیث دیگر منقول است که ترک طعام خوردن طرف
شب آدمی را پیر میکند و فرمود که چون آدمی پیر شود باید که در شب پیش از خواب البته چیزی بخورد
که بهتر بخواب میرود و دهانش خوشبو میشود و خلقش نیکو میشود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول
است که چیزی خوردن شب را ترک مکنید اگرچه پارهٔ نان خشکی باشد که باعث قوت جماع است و
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ترک کند طعام خوردن را در شب شنبه و یکشنبه
پیم از قوتی برطرف شود که تا چهل روز باو برنگردد و فرمود که طعام شب نافع تر از طعام روز است
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در بدن آدمی رگی هست که آن عشا نام دارد هر که در طرف
شب چیزی نخورد آن رگ او را نفرین میکند تا صبح و میگوید که خدا ترا گرسنه بدارد چنانکه مرا گرسنه
داشتی و خدا ترا تشنه بدارد چنانچه مرا تشنه داشتی پس البته ترک مکنید عشا را اگرچه بلقمهٔ نان
یا دم آبی باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سزاوار نیست که مومن از
خانه بیرون رود تا آنکه چاشت بخورد که باعث زیادتی عزت اوست و در حدیث دیگر فرمود
که اگر خواهی پی حاجتی بروی نان با نمک بخور که بیشتر باعث عزت تست و حاجت زودتر برمی آید
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که طعام گرم را بگذارید تا سرد شود در وقتیکه طعام
نزدیک رسول صلی الله علیه و آله و سلم آوردند فرمودند که بگذارید تا سرد شود که خدا آتش را طعام
نگردانیده است و برکت در طعام سرد است و از حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا منقول است

که طعام گرم برکت ندارد و شیطان دران بهره دارد و در حدیث موثق از سلیمان بن خالد منقول ست
که گفت حاضر شدم شب بر سفرهٔ امام جعفر صادق علیه السلام در تابستان خوانی آوردند که دران نانی
بود و کاسه آوردند که در آن ثرید و گوشت بود پس دست دران گذاشتند و برداشتند و فرمودند که
امان میطلبم بخدا از آتش دوزخ تاب این گرمی ندارم و صبر بران نمیتوانم کرد چگونه تاب آوریم و صبر کنیم
بر آتش جهنم این را مکرر می فرمودند تا طعام سرد شد چنانکه میتوانست خورد پس تناول فرمود و ما هم
خوردیم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول ست که نهی فرمود از دمیدن در
خوردنی و آشامیدنی و از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که مکروه است دمیدن در
کرمها و افسونها و در طعام و در موضع سجده و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول ست که اگر
از برای سرد کردن بدمد قصوری ندارد و حمل بر ضرورت و حالت استعجال میتوان کرد و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقول ست که مخورید از بالای ثرید و از پهلوهایش بخورید که برکت در بالای
طعام ست و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول ست که هرگاه یکی از شما طعام خورد
باید که از پیش خود بخورد و در حدیث دیگر منقول ست که آنحضرت کاسه طعام را می لیسیدند
و میفرمودند که هرگاه کاسه را بلیسند چنانست که مثل آن طعام را تصدق کرده باشند و منقول
است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بتمام انگشتان طعام تناول میفرمودند و میگفتند
که هرگاه که کاسهٔ طعام را بلیسد ملائکه بر او صلوات میفرستند و دعا میکنند برای او بفراخی روزی او
و حسنات مضاعف برای او مینویسند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول ست که در
وقت طعام خوردن دو زانو بر روش بندگان می نشستند و دست بر زمین میگذاشتند و بسه انگشت
چیزی تناول مینمودند و میفرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین طعام تناول
میفرمودند نه بر روش متکبران و جباران که بدو انگشت چیزی میخورند و بسند معتبر منقول است که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه کسی طعام خورد و انگشتان خود را بمکد و
بلیسد خداوند عالمیان می فرماید که برکت زیاده شود ترا و از حضرت صادق علیه السلام منقول ست
که آنحضرت کراهت داشتند ازین که دست را بدستمال پاک کنند در وقتیکه چیزی از طعام دران
باشد یا آنکه خود می مکیدند یا طفلی که در پهلوی آنحضرت میبود میدادند که بمکید برای حرمت طعام

واز حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول ست کسی که خواهد که طعام او را ضرر نرساند تا گرسنه نشود
ومعده پاک نشود چیزی نخورد وچون خواهد بخورد بسم الله بگوید ونیکو بخاید ودست از طعام وقتی بکشد
که هنوز خواهش طعام داشته باشد وبسند معتبر منقول ست از حضرت علی ابن الحسین علیهما السلام که
استخوان را پاک نکنید که جنیان را دران بهره است وچون پاک کنید ایشان از خانه شما ببرند چیزی که
بهتر ازان باشد وبسند معتبر از حضرت امام حسین علیه السلام منقول ست که در خوردن دوازده خصلت
است که بر هر مسلمان واجب ست که بداند چهار ازان فرض ست وچهار دیگر سنت وچهار دیگر
تادیب ست اما فرض آنست که منعم خود را بشناسد وداند که نعمت از جانب پروردگار است وراضی
باشد بانچه خدا باو عطا کرده است وبسم الله بگوید وخدا را شکر کند واما سنت پس دست شستن پیش از
طعام خوردن وبر جانب چپ نشستن وبسه انگشت چیزی خوردن وانگشتان را لیسیدن واما تادیب
پس از پیش خود خوردن ولقمه را کوچک برداشتن وبسیار خائیدن ودر روی مردم کم نگاه کردن ودر
حدیث معتبر منقول ست که حضرت امیر المومنین علیه السلام بحضرت امام حسین علیه السلام فرمود که میخواهی
ترا تعلیم نمایم بچهار چیز اگر بجا آوری از طبابت طبیبان مستغنی شوی گفت بلی یا امیر المومنین فرمود که منشین
بر طعام مگر وقتیکه گرسنه باشی وبرمخیز از طعام مگر وقتیکه خواهش داشته باشی ونرم بخائی وهر گاه که خواهی
که بخوابی به بیت الخلا برو واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول ست که وقتیکه طعام
میخوردند بسم الله می گفتند واز پیش دیگری چیزی برنمیداشتند وپیش از مهمانان شروع بطعام
میکردند بانگشت ابهام وانگشت شهادت بعد ازان بانگشت میانین طعام میخوردند وگاهی انگشت چهارم
هم ضم میکردند وگاهی بتمام انگشتان میخوردند وهرگز بدو انگشت چیزی نمیخوردند ومی فرمودند که
این خوردن شیطان است **فصل چهارم** در سایر آداب طعام خوردن سنت ست که بدست
راست چیزی بخورد وبر رو زانو نشیند وخوابیده چیزی نخورد اما اگر بدست چپ تکیه کند باکی
نیست وچهار زانو نشستن مکروه است واگر پا را بر روی زانو بگذارد بدتر است وتنها خوردن مکروه است
وباخدمتکاران وغلامان چیزی خوردن وبر روی زمین چیزی خوردن سنت است ومشهور آنست که
در وقت راه رفتن چیزی خوردن مکروه است وپیش از طعام وبعد از طعام دست شستن سنت است ودر دست
شستن پیش از طعام سنت ست که دست را بدستمال خشک نکند واول صاحب خانه دست بشوید وبعد ازو هر که در جانب

راست او بست و بترتیب بشویند تا آخر مجلس و در شستن بعد از طعام از جانب چپ صاحب خانه ابتدا
کنند و خود آخر همه بشوید و سنت ست که همه در یک طشت بشویند و آب را بریزند و بر سر خوانی که شراب
دران خورند چیزی خوردن حرام است و بعضی گفته اند هر حرامی که خورند یا کنند دران مجلس چیزی خوردن
حرام ست حتی بر سر سفرهٔ جماعتی که غیبت مسلمانان کنند بحرام و سنت ست که در اول و آخر طعام نمک
بخورند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول ست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم لعنت فرمود سه کس را کسی که توشهٔ خود را تنها بخورد و کسیکه در سفر تنها برود و کسیکه در خانه تنها
بخوابد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول ست که چون در طعام چهار چیز جمع شود آن تمام است
هرگاه از حلال باشد و بسیار دست دران دراز شود و نام خدا در اولش گرفته شود و در آخرش حمد
الهی بگویند و در حدیث صحیح منقول ست که چون خوان طعام نزد حضرت امام رضا علیه السلام حاضر می شد
کاسه میطلبیدند و از طعامهائیکه لذیذتر بود از هر طعامی قدری برمیگرفتند و دران کاسه میگذاشتند
و می فرمودند که بمساکین و درویشان بدهند و در احادیث معتبره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول ست
که حضرت یعقوب علیه السلام بمفارقت فرزند برای آن مبتلا شد که روزی گوسفند فربهی کشت و بریان نمود
و مرد صالح روزه داری در نزدیک خانهٔ او بود و بوی آنرا شنید و غافل شد که باو بخوراند پس جبرئیل
علیه السلام در همان شب آمد و گفت مهیای بلایا باش از جانب خدا تعالی در همان شب حضرت
یوسف علیه السلام آنخواب را دید پس بعد از آن حضرت یعقوب علیه السلام در وقت چاشت
میفرمود که ندا میکردند تا یک فرسخ راه که هر که چاشت میخواهد بطعام حضرت یعقوب علیه السلام حاضر
شود و در شب نیز چنین ندا میکردند و در حدیث دیگر منقول ست که چون خوان طعام حاضر شود هر سائلی
که بیاید رد مکنید و بسند صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول ست که ملعون ست کسی که
بنشیند بر سر خوانیکه دران شراب خورند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول ست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد پس نخورد چیزی بر سر سفره که دران شراب خورند و در فقه امام رضا علیه السلام منقول ست که مخور طعام
بر خوانی که بعد از رفتن تو بر سر آن شراب خورند و در چندین حدیث وارد شده است که چیزی در حالت جنابت خوردن سبب
فقر و بیچیزی میشود و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از خوردن و آشامیدن بدست
چپ مگر آنکه مضطر باشد و دست راستش علتی باشد و بسندهای معتبر منقول ست از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول

صلی الله علیه و آله هرگز تکیه کرده بر پهلوی راست و بر پهلوی چپ چیزی تناول نفرمود تا از دنیا رحلت نمود و بروش بندگان می نشست و بروش بندگان چیزی میخورد و از جهت تواضع و فروتنی نزد پروردگار خود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول ست که تکیه کرده و خوابیده چیزی نخورند و در حدیث حسن منقول ست که روزی عباد بصری که از مشائخ صوفیه و علمای عامه است در خدمت حضرت صادق علیه السلام نشسته بود و حضرت طعام تناول میفرمود و دست چپ خود را بر زمین گذاشته بود عباد گفت مگر نمیدانی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرموده است از تکیه بر دست کردن در وقت طعام خوردن حضرت لحظه دست برداشتند و باز بر زمین گذاشتند دست را باز عباد اعادهٔ آن سخن کرد تا سه مرتبه پس حضرت فرمود که والله که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز از این نهی نفرمود و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول ست که هرگاه بخوردن طعام بنشینید بروش بندگان دو زانو بنشینید و یک پا را بر روی پای دیگر مگذارید و چهار زانو منشینید که این نشستن را و صاحبش را خدا دشمن میدارد و ظاهر این حدیث آنست که چهار زانو که نهی واقع شده است آنست که بروش جباران یک پای را بر بالای ران بگذارد و در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون بر سر خوان می نشستند از پیش خود طعام میخوردند و بروشیکه در تشهد نماز می نشستند بهمان روش می نشستند و زانوی راست را بر بالای زانوی چپ و پای راست را بر شکم پای چپ میگذاشتند و میفرمودند که من بنده ام بروش بندگان می نشینم و بروش بندگان میخورم و از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که مکروه است آدمی را که از دست چپ چیزی بخورد یا بیاشامد یا چیزی بآن بردارد و حال آنکه تواند از دست راست برداشتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول ست که باکی نیست در حال راه رفتن چیزی خوردن و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پیش از نماز صبح بیرون آمدند و پارهٔ نانی در دست داشتند که در میان شیر فرو برده بودند و میخوردند و بنماز می آمدند و بلال اقامت نماز میگفت پس با مردم نماز کردند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که نخور چیزی در حالت راه رفتن مگر آنکه مضطر باشی و در حدیث معتبر بسیار از حضرت امیر المومنین و ائمه طاهرین علیهم السلام منقول ست که هر که خواهد که خیر خانهٔ او بسیار شود

دست را پیش از طعام خوردن بشوئید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام فقر را
زائل میکند و روزی برا زیاده میکند و چرک را از جامه دور میکند و چشم را جلا میدهد و درد دندان را از بدن
دور میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که دستها را همه در یکظرف بشوئید که اخلاق شما
نیکو شود و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول ست که در دست شستن پیش از طعام اول صاحب خانه
بشوید که دیگر ان از او شرم نداشته باشند در دست شستن و چون از طعام فارغ شوند ابتدا از کسی کنند که در جانب
راست در گاه نشسته است و در روایت دیگر آنست که دست پیش از طعام اول صاحب خانه بشوید
و بعد از آن هر که در جانب راست او نشسته است و در شستن بعد از طعام ابتدا بدست چپ
صاحب خانه میکنند و خود آخر همه دست می شوید زیرا که او اولی ست باآنکه صبر کند بر آلودگی دست
و در حدیث حسن از مرازم منقول ست که دیدم حضرت موسی علیه السلام را که چون دست را پیش
از طعام می شستند دست را بدستمال پاک نمی کردند و بعد از طعام دست را که می شستند
بدستمال پاک میکردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول ست که دست را
که برای طعام خوردن بشوئی دست را بدستمال پاک مکن زیرا که تا تری در دست هست برکت در
طعام هست و فرمود که بعد از دست شستن دست را بر رو مالیدن کلف را از رو بر طرف میکند
و روزی را زیاده میکند و از مفضل بن عمر منقول ست که شکایت کردم بآنحضرت از آزار چشم
حضرت فرمود که چون بعد از طعام بشوئی دستها را بر ابروها بمال و سه نوبت بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ مفضل گوید که چنین کردم هرگز آزار چشم ندیدم و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول ست که چون حضرت رسول صلے اللہ علیه و آله و سلم بعد از طعام
دست می شستند آب در دهان میکردند و مضمضه میفرمودند و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که در شستان که بآن دست میشوئید سعد داخل کنید که دهان را خوشبو میکند و بر قوت جماع می افزاید
و منقول ست که چون حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا باشنان دست می شستند اشنان را
در دهان میکردند و میخائیدند و می انداختند و منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام
بعد از آنکه چاشت تناول فرمودند دست شستند دستها را بر سر و رو مالیدند پیش از آنکه بدستمال
پاک کنند و فرمودند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَرْهَقُ وَجْهَهُ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ و بروایت

دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول ست که چون دست را بعد از طعام بشوئی بروی دیده ها بمال
پیش از آنکه بدستمال پاک کنی و بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ الزّینَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الْمَقْتِ وَالْبِغْضَةِ
و از حضرت امام رضا منقول ست که هرکه دستش پاکیزه باشد باکی نیست که طعام بخورد بدون
آنکه دستش بشوید و از فضل بن یونس منقول ست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بمنزل من آمدند
و چون طعام حاضر شد دستمال آوردم که در دامن ایشان بیندازم قبول نفرمودند و فرمودند که این طریقه
عجمان ست و از حضرت صادق علیه السلام ست که چون بعد از طعام دست بشوئی آن تری که
در دست باشد دیده های خود را مسح کن که این امان ست از درد چشم و در روایت دیگر منقول است
که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از دست شستن بعد از طعام فارغ می شدند دست را
بروی می کشیدند و این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی هَدانا وَاَطْعَمَنا وَسَقانا وَکُلَّ بَلاءٍ صالِحٍ اَوْلانا
و در حدیث موثق منقول ست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
فرمودند که یا علی در اول و آخر طعام نمک بخور که هرکه در طعام افتتاح و اختتام بنمک کند خدا دفع کند
از و هفتاد نوع از انواع بلا را که آسانتر آن خوره باشد و در روایت حسن دیگر که عافیت یابد از
هفتاد و دو نوع از انواع بلاها که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی ست و در روایت حسن دیگر اره درد گلو و
درد دندان و درد شکم و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول ست که در نمک شفا از هفتاد
نوع از انواع درد هست و اگر مردم بدانند که چه نفعها در نمک هست مداوا نکنند مگر بآن و فرمود که خدای
تعالی وحی نمود بموسی علیه السلام که امر کن قوم خود را که افتتاح و اختتام بنمک بکنند و اگر نه کنند
و ببلائی مبتلا شوند ملامت نکنند مگر خود را و در روایت دیگر از آنحضرت منقول ست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم را در اثنای نماز عقربی گزید حضرت نعل بر آورده او را کشت و چون فارغ شد حضرت
فرمود که لعنت خدا بر تو نه نیکوکار را میگذاری و نه بدکار را مگر آنکه آزار میرسانی پس نمک پاره طلبید بر جای
عقرب گزیده مالید و فرمود که اگر مردم منفعتهای نمک را بدانند محتاج تریاک فاروق و غیر آن
نشوند و در بعضی روایات معتبره وارد است که ابتدا بسرکه نیز خوب است که عقل را زیاده میکند و در
روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که ما ابتدا بنمک و اختتام بسرکه میکنیم و در روایت
دیگر از آنحضرت منقول ست که هرکه نمک بپاشد بر اول لقمه که میخورد رو به توانگری آورده و در حدیث

دیگر منقول است که آنحضرت فرمود که من روزی بمجلس سفاح که یکی از خلفاء بنی عباس بود رفتم در وقتیکه سفره اش گسترده بود پس دست مرا گرفت و بنزد خود کشید و پای من در کنار سفره واقع شده پس آنقدر غمگین شدم که خدا داند زیرا که این کفران نعمت است و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که طول دهید بر سفره نشستن که این ساعتی است که از عمر شما حساب نمیشود و در حدیث معتبر منقول است از یاسر خادم حضرت امام رضا علیه السلام که چون آنحضرت بر سفره می نشستند هیچ کوچک و بزرگ را نمیگذاشتند مگر آنکه بر سفره می طلبیدند حتی مهتر و حجام و از ابراهیم بن عباس مرویست که آنحضرت چون خلوت میشد و سفره می آوردند غلامان خود را همه بر سر خوان می طلبیدند حتی دربانان و خدمتگاران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون طعام خورید نعل و کفش را از پا بیرون کنید که سنت نیکوست و بیشتر راحت می یابد پاهای شما و در اخبار معتبر وارد شده است که یک امتیاز انسان از حیوانات دیگر اینست که بدست چیزی میتواند خورد پس باید که بدست چیزی بخورد و باسانید معتبره منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون با جماعتی چیزی میخوردند یعنی مهمانان پیش از همه دست دراز میکردند و بعد از همه دست میکشیدند برای آنکه ایشان بیشتر چیزی بخورند و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر خوان هرگز نمیخوردند بلکه بر سفره میخوردند و از فحوای اخبار چنین معلوم میشود که در آنزمان خوانها را پایه دار و بلند میساختند از روی تکبر که برای طعام خوردن خم نباید شد والله اعلم و در حدیث موثق منقول است از سماعة بن مهران که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم که وقت نماز میشود و طعام رسیده است بکدام یک ابتدا کنم فرمود که اگر اول وقت نماز باشد اول طعام بخور بدو اگر پاره گذشته باشد و بیم آن باشد که از طعام خوردن وقت فضیلت بدر رود ابتدا بنماز کنید **فصل پنجم در بیان دعاهای وقت طعام خوردن** از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون خوانرا میگذارند چهار هزار ملک بر دور آن احاطه می کنند اگر بنده بسم الله گفت ملائکه میگویند که خدا برکت فرستد بر شما و در طعام شما پس بشیطان میگویند که بیرون رو ای فاسق که ترا بر ایشان تسلطی نیست و بعد از فارغ شدن طعام اگر گفتند الحمد لله ملائکه میگویند که ایشان جماعتی اند که نعمت داده خدا بایشان پس ادا کردند شکر پروردگار خود را و اگر بسم الله نگفتند در اول ملائکه بشیطان میگویند که بیا ای فاسق و با ایشان طعام بخور

و اگر خوان را بر دارند و ایشان حمد الهی نکرده اند ملائکه میگویند که ایشان گروهی بودند که خدا با ایشان نعمت داد و ایشان پروردگار خود را فراموش کردند و در حدیث معتبر از ابی عبد الله علیه السلام منقول است که چون خوان بگذارید بگوئید بِسْمِ اللهِ و چون شروع بخوردن بکنید بگوئید بِسْمِ اللهِ عَلٰى اَوَّلِهِ وَ اٰخِرِهِ و چون خوان را بردارید بگوئید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که هر که نام خدا را در اول طعام برد و حمد خدا را در آخر طعام بگوید هرگز از آن طعام از و سؤال نکنند و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه مسلمانی خواهد که طعام بخورد چون لقمه بردارد بگوید بِسْمِ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ پیش از آنکه لقمه بدهانش برسد خدا گناهانش را بیامرزد و در حدیث دیگر منقول است که چون سفره نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می گستردند این دعا را میخواندند سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ مَا اَحْسَنَ مَا تَبْتَلِيْنَا سُبْحَانَكَ مَا اَكْثَرَ مَا تُعْطِيْنَا سُبْحَانَكَ مَا اَكْثَرَ مَا تُعَافِيْنَا اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيْنَا وَعَلٰى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ و در روایت معتبر دیگر منقول است که چون طعام نزد حضرت امام زین العابدین علیه السلام میگذاشتند این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ هٰذَا مِنْكَ وَمِنْ فَضْلِكَ وَعَطَائِكَ فَبَارِكْ لَنَا فِيْهِ وَسَوِّغْنَاهُ وَارْزُقْنَا خَلَفًا اِذَا اَكَلْنَاهُ وَرُبَّ مُحْتَاجٍ اِلَيْهِ رَزَقْتَ فَاَحْسَنْتَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِيْنَ و چون خوان بر میداشتند این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ حَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا عَلٰى كَثِيْرٍ مِّنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيْلًا و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نام خدا را بر طعام ببرید و چون فارغ شوید بگوئید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ و در حدیث دیگر منقول است که چون خوان را بر میداشتند حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ اَكْثَرْتَ وَاَطْيَبْتَ وَبَارَكْتَ فَاَشْبَعْتَ وَاَرْوَيْتَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرموده پدرم بعد از طعام این دعا میخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَشْبَعَنَا فِيْ جَائِعِيْنَ وَاَرْوَانَا فِيْ ظَمْاٰنِيْنَ وَاٰوَانَا فِيْ ضَاحِيْنَ وَحَمَلَنَا فِيْ رَاجِلِيْنَ وَاٰمَنَنَا فِيْ خَائِفِيْنَ وَاَخْدَمَنَا فِيْ عَانِيْنَ و در حدیث کالصحیح از زراره منقول است که با حضرت صادق علیه السلام طعام میخوردم بسیار میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ

جَعَلَنِی اَشْتَهِیهِ و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول ست که روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمود که من ضامن ام از برای کسیکه بسم الله در طعام بگوید که آزارش نکند این کوا گفت که یا امیرالمؤمنین علیه السلام شب طعام خوردم و بسم الله گفتم و آزار کشیدم حضرت فرمود شاید چند رنگ طعام خورده باشی و بر بعضی بسم الله گفته باشی و بر بعضی نگفته باشی ای احمق و در حدیث صحیح منقول ست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که از طعام آزار میکشم فرمود که مگر بسم الله نمیگوئی گفت میگویم و باز آزار میکشم فرمود که هرگاه سخن میگوئی باز بسم الله میگوئی گفت نه فرمود که باین سبب آزار میکشی هرگاه که از سخن فارغ میشوی و عود بخوردن میکنی بسم الله بگو و در حدیث صحیح دیگر منقول ست از آنحضرت که هرگاه چند ظرف باشد بر هر ظرفی یک بسم الله بگو راوی گفت اگر فراموش کنم چه کنم فرمود که بگو بِسْمِ اللهِ عَلیٰ اَوَّلِهِ وَ اٰخِرِهِ و در حدیث معتبر دیگر منقول ست که آنحضرت بعد از طعام این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ هٰذَا مِنْكَ وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُوْلِكَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول ست که خدا را یاد کنید در هنگام طعام خوردن و حرف بسیار نگوئید که آن طعام و نعمت روزی خداست و بر شما واجب ست که در وقت صرف کردن آن شکر خدا و یاد خدا و حمد خدا کنید و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که چون ملائکه نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند و گوساله بریانی برای ایشان آورد و گفت بخورید گفتند نمیخوریم تا نگوئی که قیمت این نعمت چیست حضرت ابراهیم فرمود که چون شروع بخوردن کنید بگوئید بسم الله و چون فارغ شوید بگوئید الحمد لله حضرت جبرئیل رو کرد بسوی سه ملک دیگر و گفت لازم ست و سزاوار که حقتعالی چنین شخصی را خلیل خود گرداند و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول ست که طعام خورده شکر کننده بهتر است از روزه دار خاموش و در حدیث دیگر منقول ست که حضرت صادق علیه السلام بسماعه فرمود که ای سماعه بخور و حمد خدا کن و مخور که خاموش باشی و منقول ست بسند صحیح از حضرت علی بن الحسین علیه السلام که بعد از طعام این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَطْعَمَنَا وَ سَقَانَا وَ كَفَانَا وَ اَیَّدَنَا وَ اٰوَانَا وَ اَنْعَمَ عَلَیْنَا وَ اَفْضَلَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یُطْعِمُ وَ لَا یُطْعَمُ و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول ست که فرمود که هرگز از اشتهای طعام آزار نکشیدم

زیرا که هیچ لقمه بدهان نبردم مگر آنکه نام خدا بران گفتم و در حدیث معتبر دیگر منقول ست که آنحضرت فرمود
که من ضامنم که هر که این کلمات بگوید هیچ طعام او را آزار نکند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ خَیْرِ
الْاَسْمَآءِ مِلْأَ الْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الَّذِیْ لَا یَضُرُّ مَعَهٗ دَآءٌ و در روایت دیگر
منقول ست که شخصے از ضعف معده بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد حضرت فرمود چون از
طعام فارغ میشوی دست بر شکم بمال و بگو اَللّٰهُمَّ هَنِّئْنِیْهِ اَللّٰهُمَّ سَوِّغْنِیْهِ اَللّٰهُمَّ امْرِئْنِیْهِ
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول ست که چون خوان حاضر شود اگر یکی از حاضران بسم الله گوید از دیگران
مجزیست

فصل ششم در آداب بعد از طعام

در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت
که هرگاه چیزی خوردی بر پشت بخواب و پای راست بر پای چپ گذار و در حدیث معتبر از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقول ست که بخورید آنچه از خوان بر زمین افتد که خوردن آن شفای
هر درد ست بامر الٰهی برای کسیکه بآن طلب شفا نماید و در حدیث دیگر منقول ست که شخصے بحضرت
صادق علیه السلام شکایت کرد از درد تهیگاه فرمود که بر تو باد آنچه در خوان بر زمین مے افتد
بخور پس چند کسی که صاحب این درد بودند بآن عمل نمودند زائل شد درد ایشان و در حدیث دیگر
معویه بن وهب گوید که در خدمت آنحضرت طعام خوردیم چون خوان را برداشتند بر میچیدند آنچه
از خوان افتاده بود و تناول می فرمودند بعد ازان فرمودند که خوردن این فقر و درویشی را برطرف میکند
و فرزندان را زیاده میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول ست که هر که پارهٔ نانی بیابد و بردارد
و بخورد یک حسنه از برای او نوشته میشود و هر که پارهٔ نانی از میان جای کثیفی یا نجسی بیابد پس بردارد و بشوید
آنرا و بخورد برای او هفتاد حسنه بوده باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول ست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم روزی بخانهٔ عائشه آمدند پارهٔ نانی دیدند که بر زمین افتاده است برداشتند و تناول فرمودند
و فرمودند که ای عائشه گرامی بدار نعمتهای خدا را بر خود که نعمت الٰهی از جماعتے که گریخته است
دیگر بسوی ایشان بر نمیگردد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که
در خانه طعامی بخورد و از ان طعام چیزی میفتد آنرا بردارد و بخورد و اگر در صحرا باشد برای مرغان
و حیوانات بگذارد و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول ست که اگر در صحرا باشد بر بدار اگر
همه کران گوسفند باشد و از عبد الله ارجانی منقول ست که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام

بودم دیدم که بعد از طعام میگردد و آنچه بر زمین افتاده بر میدارد حتی کنجد و امثال آنرا گفتم فدای تو شوم
اینها را هم بر می چینید فرمودند که اینها روزی تست مگذار از برای دیگری که اینها شفا اند از همه دردی
و در حدیث دیگر منقول ست که خوردن آن فقر را برطرف میکند از خورنده آن و فرزندان فرزندان
او تا فرزندان هفتم و در روایت دیگر هر که بخورد خدا نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی و زرداب
و حماقت و در حدیث دیگر منقول ست که هر که پاره نانی یا خرمائی بیند که بر زمین افتاده است
پس بردارد و پاک کند و بخورد در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه بهشت بر و واجب شود و بسندهای معتبر از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول ست که آنچه از خوان و سفره میریزد مهر حور العین
است و بسندهای معتبر دیگر منقول ست که روزی حضرت امام حسین علیه السلام داخل بیت الخلا
شدند لقمهٔ نانی دیدند که افتاده است برداشتند و بغلامی از غلامان خود دادند و فرمودند که
هرگاه بیرون آیم این را بمن ده پس چون بیرون آمدند پرسیدند چه شد لقمهٔ نان گفت خوردم فرمودند
که ترا آزاد کردم از برای خدا شخصی پرسید از سبب آزاد کردن غلام حضرت فرمود که از جدم
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که هر که لقمهٔ نانی بیابد و او را پاک کند یا بشوید پس او را
بخورد در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه خدا او را از آتش جهنم آزاد گرداند و من نمیخواهم که در بندگی بگذارم
کسیرا که خدا او را از آتش جهنم آزاد گردانیده است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که نیم خوردهٔ مؤمن شفای هفتاد درد است و در حدیث دیگر منقول ست که آنحضرت فرمود
که من انگشتان خود را بعد از طعام آنقدر می لیسم که خادم من گمان میکند که این از حرص است
و همچنین نیست بدرستیکه حقتعالی نعمت فراوان عطا فرمود بر اهل نهر ثرثار بحدیکه از مغز گندم نان نفیس می پختند
و بآن استنجا میکردند و بر مقعد اطفال خود میمالیدند تا آنکه کوه عظیمی از آن نانها جمع شد روزی مرد صالحی
گذشت و دید که زنی از نان نجاست از طفل خود پاک میکند گفت که از خدا بترسید و نعمت
خدا را از خود برمگردانید آن زن گفت که ما را از گرسنگی میترسانی تا این نهر جاریست از گرسنگی
نمیترسیم پس حقتعالی بر ایشان غضب کرد و باران آسمان و گیاه زمین را بر ایشان باز داشت
تا آنکه محتاج شدند بآن نانها که استنجا کرده بودند و بر آن و در میان خود قسمت میکردند و بسند
معتبر از یاسر و نادر خادمان حضرت امام رضا علیه السلام منقول ست که آنحضرت می فرمود

بخادمان خود که اگر من بالای سر شما بایستم در وقت طعام خوردن باید که برنخیزید تا فارغ شوید و بسیار
بودی که یکی از ما بار را میطلبید ندا میگفتند که چیزی بخورند میفرمودند که بگذارند تا فارغ شوند و در وقت
طعام خوردن مارا خدمت میفرمودند فصل هفتم در فضیلت نان و سویق و گوشت و روغن و سائر
آنچه از حیوان حاصل میشود و سرکه و شیر برنجها بروایت معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
منقولست گرامی دارید نانرا که کار کرده اند درو ملائکه از ما بین عرش تا زمین و بسیاری از اهل زمین
تا آنکه برای شما بعمل آمده است بعد از آن فرمود که روزی حضرت دانیال نزد کشتی بانی آمد و گرده
نانی باو داد که مرا از آب بگذران کشتی بان نانرا انداخت و گفت که این نانرا چه کنم بیش ازین نان
در زیر پای مردم افتاده است و پا بران میمالیدند پس دانیال دست بسوی آسمان بلند کرد و گفت
پروردگارا نانرا گرامی دار بتحقیق که دیدی که این بنده چه کرد با نان و چه گفت پس خداوند عالمیان
وحی نمود بآسمان که باران مبار بر ایشان و وحی نمود برای زمین گیاه مرویان برای ایشان تا آنکه
کار ایشان بجائی رسید که از گرسنگی یکدیگر را میخوردند پس دو زن که هر یکی فرزندی داشتند
روزی بدیگرے گفت که بیا که من و تو امروز فرزند خود بخوریم و فردا فرزند ترا بخوریم پس چون نوبت بفرزند
زن دیگر رسید ابا کرد از خوردن فرزند و نزاع کردند و مخاصمه نزد حضرت دانیال آوردند حضرت فرمود
که کار باینجا رسیده است گفتند بلی و بدتر پس دست بآسمان برداشت و گفت پروردگارا عود کن
برما بفضل خود و رحمت خود و عقاب مکن اطفال و بیگناهانرا بر گناه کشتی بان پس حقتعالی وحی کرد
بآسمان که باران ببارد و بزمین حکم رسید که برویان برای خلقم آنچه درین مدت از ایشان فوت
شده است بدرستیکه من رحم کردم بر ایشان بطفل صغیر و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که نانرا در زیر کاسه مگذارید و در حدیث دیگر فرمود که نانرا گرامی دارید گفتند گرامی
داشتن نان کدام است فرمود که چون نان حاضر شود بخورید و انتظار چیزی دیگر نکشید و از
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم مرویست که نانرا بو مکنید بروش درندگان که نان مبارک است
و بآن نماز میکنید و روزه میدارید و حج خانه پروردگار خود میکنید و در روایت دیگر فرمود
که خداوندا برکت بده از برای ما در نان و در میان ما و نان جدائی میفکن که اگر نان نباشد ما نماز
نمی کنیم و روزه نمیداریم و فرائض خدا را ادا نمی توانیم کرد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که چون نان

و گوشت حاضر شود ابتدا بنان کنید و رخنه گرسنگی را بنان به بندید پس گوشت بخورید و بسند صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که گرده های نان را کوچک
کنید که با هر گرده برکت است و در چند حدیث دیگر معتبر منقول است که نان را بر روش عجمان بکارد مبرید
و لیکن بدست بشکنید و در بعضی روایات وارد شده است که اگر نان خورش نباشد نان را بکارد میتوان برید
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فضیلت نان جو بر نان گندم بسیار است
مانند فضیلت اهل البیت بر سائر مردم و هیچ پیغمبری نیست مگر آنکه دعا کرده است برای خورنده نان جو
یا آش جو و برکت فرستاده است بر او و داخل هیچ شکمی نمیشود مگر آنکه هر دردیکه در آن هست بیرون میکند
و نان و طعام جو قوت پیغمبران و طعام نیکوکاران است و حقتعالی نگردانیده است قوت پیغمبران را مگر نان جو
فرمود که داخل شکم صاحب مرض سل نمیشود چیزیکه نافع تر از نان برنج باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که برای صاحب اسهال نان برنج نیکوست و هم چنین برای
صاحب سل و درد بارا از بدن دور میکند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که پیوسته
خوراک حضرت رسول صلی الله و آله و سلم نان جو بود تا از دنیا مفارقت کردند و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که نیکو خوراکیست سویق یعنی آرد بو داده گرسنه را سیر میکند و طعام
را هضم میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سویق بوحی الهی ساخته شده است گوشت را
میرویاند و استخوانرا محکم میکند و خوراک پیغمبران است و قاووت خشک پیسی را زائل میکند و با زیت
خوردن گوشت را میرویاند و استخوانرا سخت میکند و شبهه را نازک میکند و قوت جماع را زیاده میکند و اگر
سه کف سویق خورده شود بلغم و صفرا را دور میکند و در حدیث دیگر فرمود سویق هفتاد نوع بلا را دفع میکند
و هر که چهل صباح بخورد کتفین او پر میشود از قوت و در حدیث دیگر فرمود که سویق عدس تشنگی را زائل میکند و معده
را قوت میدهد و صفرا را فرو می نشاند و معده را پاک میکند و شفای هفتاد درد است و هیجان خون و حرارت
را برطرف میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که زنی که خون حیض بند نشود
باید سویق بخورانند که تا بند شود و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که بهترین نانخورشها در دنیا و آخرت گوشت است مگر نشنیده که حقتعالی در وصف بهشت میفرماید که
و لحم طیر مما یشتهون یعنی بخورند گوشت مرغ از آنچه که خواهش داشته باشند آنرا و در حدیث معتبر

منقولست که عبد الاعلی و سمیع با آنحضرت عرض کردند که نزد ما روایت می کنند از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم که خدا دشمن میدارد خانهٔ پر گوشت را فرمود که راست میگویند اما آن معنی ندارد که
ایشان فهمیده اند بلکه معنیش آنست که خدا دشمن میدارد خانهٔ که گوشت مردم در آنجا بخورند بغیبت و در
حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم گوشت بسیار میخوردند و
دوست میداشتند و فرمود که پدرم گوشت را بسیار دوست میداشت و روزیکه فوت شد سی درهم
برای خریدن گوشت جدا کرده بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که ما گروه قریش گوشت را
دوست میداریم و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که گوشت خوردن در
بدن گوشت میرویاند و کسیکه چهل روز گوشت نخورد بدخلق میشود و هر که بدخلق شود اذان در گوشش
بگوئید و فرمود که هر که چهل روز بگذرد و گوشت نخورد توکل بر خدا کند و قرض کند و بخورد که قرضش ادا میشود
و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد که اهلبیت ما
گوشت گوسفند نمیخورند و میگویند که سودا بحرکت می آورد و درد سر و دردهای دیگر بهم میرسد
حضرت فرمود که اگر خدای عز و جل گوشتی بهتر از گوشت گوسفند میدانست فدای اسمعیل را گوسفند
قرار نمیکرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بنی اسرائیل بحضرت موسی علی نبینا
شکایت کردند از پیسی که در میان ایشان بسیار شده بود حقتعالی وحی نمود بحضرت موسی علیه السلام
که امر کن ایشانرا که گوشت گاو را با چغندر بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مرق
گوشت گاو پیسی را زائل میکند و فرمود که شیر گاو دواست و روغن گاو شفاست و گوشت گاو
درد است و در چندین حدیث معتبر منقولست که هر که یک لقمه چربی گوشت بخورد بقدر آن درد
از بدنش بیرون رود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که خروس گاومیش مرغانست چون
لجن میخورد و مرغ خانگی خوک مرغانست زیرا که فضلهٔ آدمی میخورد و دراج حبشی مرغانست چرا نمیخوری
کبوتر بچه را که تازه بپرواز آمده باشد و مردم بزیادتی قوت پاکیزه خود ایشانرا تربیت کرده باشند و در
احادیث معتبر وارد شده است که هر که خواهد که خشمش کم شود و اندوهش زائل گردد گوشت دراج
بخورد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که گوشت کبک ساق پا را قوی میگرداند
و تب را دور میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که گوشت اسفرود

مبارک است و پدرم آنرا دوست میداشت و میفرمود که برای صاحب یرقان بریان کنید و با زخور انید
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که گوشت آهو بره را خوردن باکی نیست
و از برای دفع بواسیر و دفع درد پشت نافع است و اعانت میکند بر بسیاری جماع و از حضرت امام
رضا علیه السلام سوال کردند از گوشت گورخر فرمود که چون وحشی است خوردنش جائز است اما نخوردنش
نزد من بهتر است و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که باکی نیست در خوردن گوشت و شیر
و روغن گاومیش و در حدیث حسن منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از خوردن
گوشت خام و فرمود که این خوردن حیوانات درنده است بلکه نباید خورد تا آنکه آتش یا آفتاب آنرا تغییر دهد و در
حدیث صحیح منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از خوردن گوشت خام فرمود که طعام
درندگان است و در احادیث بسیار منع وارد شده است که از گوشت قدید که در سایه خشک کرده
باشند و در حدیث دیگر وارد شده است که درد بار الحرکت می آورد و معده را سست میکند و
در بعضی احادیث تجویز خوردنش هم وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه چیز
است که بدن را خراب میکند و بسیار باشد که آدمی را بکشد خوردن گوشت قدید بو کرده و با امتلای معده بحمام
رفتن و جماع با زنان پیر کردن و بروایت دیگر با امتلا مجامعت با زنان کردن و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که سه چیز است که خوردنی نیستند و بدنرا فربه میکنند و سه چیز است که خوردنی اند و بدنرا لاغر میکنند
دو چیز است که بهمه چیز نفع میرسانند و هیچ چیز ضرر نمیرسانند دو چیز است که بهمه جهت ضرر میرسانند و هیچ
جهت نفع نمیرسانند اما آنها که خوردنی نیستند و فربه میکنند پیراهن کتان پوشیدن و بوی خوش کردن و نوره مالیدن
و اما آنها که خوردنی اند و لاغر می کنند گوشت خشک و پنیر و شکوفه خرما و اما آن دو چیز که بهمه جهت
نفع میرسانند آب نیم گرم و انار و اما آن دو چیز که بهمه جهت ضرر میرسانند گوشت خشک کرده و پنیر
و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم گوشت دست
و کتف گوسفند را دوست میداشتند و از گوشت ران گوسفند کراهیت میداشتند برای آنکه بمحل
بول نزدیک است و بچندین سند منقول است که حضرت آدم علیه السلام گوسفندی قربانی کرد برای
پیغمبران از فرزندان خود و برای هر پیغمبری عضوی نام برد و از انجمله برای پیغمبر آخر الزمان دست گوسفند را
نام برد باین سبب آنحضرت آنرا دوست میداشت و بر همه اعضای گوسفند تفضیل میداد و در حدیث

حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که گوشتی که با شیر بخته باشند مرقیست که مخصوص پیغمبران است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هرگاه ضعف بر مسلمانی مستولی شود گوشت را با شیر بپزد و بخورد و در حدیث دیگر منقولست که یکی از پیغمبران بحقتعالی شکایت کرد از ضعف و سستی بدن وحی با و رسید که گوشت با شیر طبخ کن و بخور که بدن را قوت میدهد و در روایت معتبر دیگر منقولست که محبوب ترین طعامها نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آش انار بود و بسند صحیح منقولست که حضرت صادق علیه السلام زیرباج دوست میداشتند و آن آشی با قلیه بوده است که مویز در آن میکرده‌اند و در احادیث بسیار در مدح مرق گوشت که نان در آن ترید میکرده‌اند وارد شده است و احادیث بسیار در مدح کباب منقولست که ضعف را زائل میکند و رنگ را سرخ میکند و تب را دور میکند و در حدیث معتبر منقول است که اصبغ بن نباته گفت روزی بخدمت امیر المؤمنین علیه السلام رفتم و در پیش آنحضرت گوشت بریانی گذاشته بودند فرمود که نزدیک بیا و بخور گفتم یا امیر المؤمنین علیه السلام مرا ضرر میکند فرمود که نزدیک بیا که دعائی ترا تعلیم میکنم که چون آن دعا را بخوانی هیچ چیز ترا ضرر نرساند بگو بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ مِلْاَءَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ الَّذِيْ لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ وَلَا دَاءٌ و مدح کله نیز در حدیث وارد شده است که محل تزکیه است و بچراگاه و از همه اعضا نزدیکتر است و از کثافات دورتر و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بر شما باد خوردن هریسه که تا چهل روز قوت عبادت میدهد و از جمله مائده ایست که خداوند عالمیان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نازل گردانید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پیغمبری از پیغمبران شکایت کرد بحقتعالی از ضعف و کمی قوت جماع حقتعالی او را امر فرمود بخوردن هریسه و در حدیث دیگر از آنحضرت علیه السلام منقولست که خداوند عالمیان هدیه فرستاد برای پیغمبرش هریسه از هریسه‌های بهشت که دانه‌اش در باغهای بهشت روئیده بود و حوران بهشت بدست خود عمل آورده بودند پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم از آن تناول فرمودند قوت چهل مرد بر قوت آنحضرت افزود و این خبریست که خدا میخواست که پیغمبرش را باین خوشحال گرداند و مدح مثلثه وارد شده است و آن طعامی بوده است که یک قفیز برنج و یک قفیز نخود و یک قفیز باقلا را میکوفتند و میپختند و میخوردند و گاهی بعوض باقلا چیزی دیگر میکردند و مدح تلبین نیز وارد شده است و آن حلوای روانی بوده است که از آرد و شیر و عسل عمل می‌آوردند و از هارون بن موفق منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روزی مرا طلبید در خدمت آنحضرت

طعام خوردیم وحلوای بسیار آورده بودند گفتم چه بسیار راست حلوا فرمود که ما وشیعیان ما از شیرینی خلق شده ایم پس دوست میداریم حلوا را واز عبدالاعلی منقولست که روزی درخدمت حضرت صادق علیه السلام طعام خوردیم مرغی آوردند که میانش را از روغن وخرما پر کرده بودند ودر حدیث موثق منقول از یونس بن یعقوب است که او گفت ما در مدینه بودیم که حضرت صادق علیه السلام نزد ما کسی فرستاد که برای ما پالوده بسازید وکم بفرستید ما کاسهٔ کوچک بخدمت آنحضرت فرستادیم ودر حدیث دیگر از آنحضرت علیه السلام منقول است که هرکه در شب ماهی بخورد وبعد از آن خرما یا عسل نخورد تا صبح در بدن او رگ فالج متحرک شود وفرمود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چون ماهی تناول می فرمودند میگفتند اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَاَبْدِلْنَا خَيْرًا مِنْهُ یعنی بار خدایا برکت ده برای ما درین ماهی وبعوض این بهتر ازین عطا کن بما وبسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که برشما باد بخوردن ماهی که اگر بی نان بخورید کافی است واگر با نان بخورید گوارا است واز حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقولست که مداومت منمائید برخوردن ماهی که بدن را می کاهاند ودر روایت دیگر منقول است که ماهی تازه پیه چشم را میگدازد ودر حدیث صحیح وارد است که شخصی بخدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که هرگاه حجامت میکنم صفرا بهیجان می آید واگر نمیکنم خون آزار میکند حضرت جواب نوشتند که حجامت بکن وبعد از آن ماهی تازه که بآب نمک کباب کرده باشند بخور پس آن مرد چنین کرد همیشه در عافیت بود ودر حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زردهٔ تخم مرغ سبک است خواهش گوشت را زایل میکند ومفسدهٔ گوشت ندارد وشخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از کمی فرزند فرمودند که استغفار بکن وتخم مرغ با پیاز بخور واز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری بخدای تعالی شکایت کرد از کمی نسل باو وحی رسید که تخم مرغ با گوشت بخورد ودر حدیث دیگر فرمود که زردهٔ تخم سبک است وسفیدهٔ آن سنگین است واز حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که بسیار خوردن تخم مرغ زیاده میکند فرزند را واحادیث دیگر در مدح سرکه وزیت وارد شده است که خوراک پیغمبران است وائمه علیهم السلام تناول میفرمودند ودر مدح سرکه احادیث معتبر وارد شده است که منقولست که بهترین نانخورشها نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم سرکه بود ومیفرمودند که خانهٔ که سرکه دران باشد بی نانخورش نیست

و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که نیکو نانخورشی است سرکه که صفرا را فرو می نشاند و دل را زنده
میکند و از حضرت صادق علیه السلام بطرق متعدده منقولست که سرکه که از شراب بعمل آورده باشند
کرم معده را میکشد و بن دندان را محکم میکند و عقل را قوی میکند و شهوت زنا را قطع میکند و فرمود که بنی اسرائیل
در اول و آخر طعام سرکه میخوردند و ما در اول طعام نمک و در آخر طعام سرکه میخوریم و در احادیث بسیار
مدح خوردن روغن زیت و بر خود مالیدن آن وارد شده است و منقول است که نانخورش
پیغمبران و برگزیدگانست و مدح میوهٔ زیتون نیز بسیار وارد شده است و منقول است که دفع بادها
میکند و بچندین سند از ائمه طاهرین علیهم السلام منقول است که مردم طلب شفا نموده اند بچیزی مانند
عسل و آن شفای هر درد است و خوردن عسل و تلاوت قرآن و خائیدن کندر بلغم را میگدازد و در
مدح شکر احادیث بسیار وارد شده است و مراد از آن یا نبات است یا قند یا از قبیل نقل چیزی که
از شکر می ساخته اند و منقول است که حضرت موسی علیه السلام در وقت خواب تناول می فرمودند
و منقولست که بهمه جهت نافع است و دفع بلغم میکند و در روایتی وارد شده است که اگر کسی هزار درم
داشته باشد و بغیر آن چیزی نداشته باشد و همه را شکر بخرد مسرف نخواهد بود و در مدح روغن خصوصاً
روغن گاو احادیث بسیار وارد شده است و اما برای پیران که پنجاه سال یا زیاده داشته باشند منع از
خوردن روغن وارد شده است و منقولست که روغن گاو شفا است و در حدیث معتبر وارد شده است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هرچه میخوردند و می آشامیدند می گفتند اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ
وَ اَبْدِلْنَا خَيْراً مِنْهُ یعنی خداوندا برکت ده برای ما در این که خوردیم و بعوض آن بهتر از آن بما عطا کن و
چون شیر تناول میکردند میفرمودند اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَزِدْنَا مِنْهُ یعنی خداوندا برکت ده ما را
در این که آشامیدیم و از این بیشتر بما عطا کن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیر یک
گوسفند سیاه بهتر است از شیر دو گوسفند سرخ و شیر یک گاو سرخ بهتر است از شیر دو گاو سیاه
و منقول است که شیر خوراک پیغمبران است و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
که شیر خوردم و آزار کشیدم حضرت فرمود که شیر آزار نمی کند ولیکن با چیز دیگر خورده و آزار کشیده از آن
و شخصی بآنحضرت شکایت نمود از ضعف بدن حضرت فرمودند که شیر بخور که گوشت را میرویاند و
استخوان را محکم میکند و حضرت امام موسی کاظم فرمود که هر که آب پشتش متغیر شود یعنی فرزند از او حاصل نشود

با عسل بخورد و بسند موثق کالصحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بر شما باد بشیر گاو که آن از
همه درختی بخورد و خاصیت هر گیاه در شیر او هست و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که شیر گاو دواست
و در حدیث دیگر منقول است که برای فساد معده نافع است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که
بول شتر نافع تر است از شیر او و حقتعالی در شیر شتر شفا قرار داده است و در روایت دیگر منقول است
که شیر شتر شفای همه دردهاست و در روایتی چند مدح شیر الاغ و خاصیت آن وارد شده است و در حدیث
معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که هر که خواهد ماست باو ضرر نرساند آب نیان
([illegible])
بخورد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که دوست میدارم پنیر را و در روایتی وارد شده است که در
طرف چاشت مضر است و در طرف شام نافع و موجب تولد فرزند میشود و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که خوردن مغز گردگان در تابستان حرارت اندرون را بحرکت می آورد و دملها
در بدن احداث میکند و در زمستان گرده ها را گرم میکند و سرما را دفع میکند و در چند روایت وارد شده
که پنیر و مغز گردگان را چون باهم بخوری دواست و هر یک را که تنها بخوری درد است **فصل هشتم**
در فوائد حبوب و سبزیها و میوه ها و سائر ماکولات و غیره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که نیکو طعامیست برنج روده ها را میگشاید و بواسیر را قطع میکند و در چند روایت وارد شده است که
ما بیماران خود را به برنج دوا می کنیم و در حدیث موثق منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام آمده از درد شکم شکایت نمود حضرت فرمود که برنج را بشوی و در سایه خشک کن و
اندکی بریان کن و نرم بکوب و هر صبح یک کف بخور و در روایت دیگر منقولست که آنحضرت را درد شکم بود
فرمود که برنج را با سماق بپزند و چون تناول نمود برطرف شد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام
رضا علیه السلام نخود بریان کرده پیش از طعام و بعد از طعام تناول میفرمودند و در روایت دیگر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هفتاد پیغمبر بران برکت فرستاده است و در روایت
معتبر بسیار وارد شده است که خوردن عدس دل را نرم میکند و آب دیده را جاری میکند و در
روایت معتبر منقولست که خوردن باقلا ساق پا را پر مغز میکند و دماغ را زیاده میکند و تولید خون
زیاد میکند و در روایت دیگر مرویست که باقلا را با پوست بخورید که معده را دباغی میکند و منقولست
که خوردن لوبیا بادهای اندرونی را دفع میکند و منقولست که شخصی بخدمت امام موسی کاظم علیه السلام

شکایت کرد از بهق فرمود که ماش در طعام خود داخل کن و در حدیث معتبر منقول است که اگر چند
طعام نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می آوردند که در میان آنها خرما میبود ابتدا بخوردن خرما
می نمود و حضرت علی بن الحسین علیهما السلام دوست میداشت کسی را که خرما را دوست میداشت بجهت آنکه
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خرما را دوست میداشت و از سلیمان جعفری منقولست
که رفتم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام و نزد آنحضرت خرمای برنی گذاشته بودند و آنحضرت
با اهتمام از روی خواهش میخوردند فرمود که ای سلیمان نزدیک بیا و بخور پس گفتم فدای تو شوم بسیار
بجد تناول میفرمائی فرمود که بلی دوست میدارم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهم السلام و پدرم همگی خرما را دوست میداشتند و من دوست میدارم و شیعیان ما دوست میدارند
زیرا که از طینت ما خلق شده اند و دشمنان ما شراب را دوست میدارند زیرا که ایشان از آتش
خلق شده اند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که هر روز هفت دانه خرمای عجوه
که خرمائی است در اطراف مدینه است بخورد ناشتا هیچ زهری و هیچ سحری و شیطانی باو ضرر نرساند و در حدیث
دیگر فرمود که هر که هفت دانه عجوه در هنگام خواب بخورد کرمهای شکمش را میکشد و در احادیث معتبره
منقول است که پنج میوه است که از بهشت آمده است انار املیسی و سیب شامی و به و انگور رازقی
و رطب مشان و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کراهیت دارد
پوست میوه را کندن و در حدیث دیگر فرمود که برروی هر میوه زهری هست پس چون بیاورند
برای شما بآب فرو برید و بخورید و در حدیث صحیح دیگر منقول است که از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام
پرسیدند از انجیر و خرما و سائر میوه ها دو دانه خوردن باهم چون است فرمود که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم نهی فرمود از این پس اگر تنها باشی بهر روش که خواهی بخور و اگر با جمعی از مسلمانان
بخوری چنین مکن و یک دانه یک دانه بخور و در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی دو دانه دو دانه بخوری
رفیق خود را اعلام کن و از او رخصت بگیر و بخور و در روایت معتبر منقول است که روزی امام رضا
علیه السلام دیدند که غلامان میوه را نیم خورده می انداختند فرمود که سبحان الله اگر شما مستغنی شده اید
دیگران مستغنی نیستند بکسی که محتاج باشد بخورانید و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که دو چیز است که بدو دوست میباید خورد انگور و انار و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
فرمود که سه چیز است که ضرر نمیرساند انگور رازقی و نیشکر و سیب و در احادیث معتبره از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که چون نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد از دیدن استخوان
مرده ها غم عظیم او را عارض شد پس حقتعالی باو وحی کرد که انگور سیاه بخور تا غمت از دل زائل شود
و در حدیث دیگر فرمود که پیغمبری از پیغمبران بخدا شکایت نمود از اندوه و غم باو وحی رسید که انگور بخور
و در حدیث حسن منقول است که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام انگور را بسیار دوست میداشتند
روزی روزه بودند چون وقت افطار شد ام ولد آنحضرت خوشه انگوری بنزدیک آنحضرت گذاشت
پس سائلی رسید حضرت آن انگور را بسائل دادند پس ام ولد پنهانی رفت و آن انگور را از
سائل خریده بنزد حضرت گذاشت پس سائل دیگر رسید باز حضرت آنرا بسائل دادند باز کنیز رفت
و خرید و آورد تا چهار مرتبه پس در مرتبه چهارم تناول فرمودند و منقولست که ابو عکاشه بخدمت حضرت
محمد باقر علیه السلام آمد انگوری بنزد او گذاشتند حضرت فرمود که مرد پیر و طفل خرد یکدانه یکدانه
بخورد و کسیکه میترسد که سیر نشود سه دانه و چهار دانه بخورد و تو دو دو دانه بخور که مستحب است
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بیست و یکدانه مویز سرخ ناشتا
خوردن جمیع مرضها را دفع میکند مگر مرض مرگ را و بسند از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که مویز طائف عصبهای بدن را محکم میکند و کلال و ماندگی را میبرد و نفس را خوشحال میکند و در حدیث
معتبر از آنحضرت منقولست که میوه صد و بیست قسم است و بهتر از همه انار است و فرمود که
بر شما باد بخوردن انار که گرسنه را سیر میکند و سیر را هضم طعام میکند و فرمود که هیچ میوه نزد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم محبوب‌تر از انار نبود و نمیخواست که کسی با او در خوردن شریک باشد
و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که در هر اناری یک دانه از بهشت در او هست و چون
کافری بخورد ملکی می آید و آن دانه را بر میدارد که او نخورد باین سبب مستحب است که یک انار را
تنها تمام بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مومنی که یک انار تنها بخورد خدا شیطان را
از روشنی دل او تا چهل روز دور گرداند و هر مومن که دو انار تمام تنها بخورد خدا شیطان را از روشنی
دل او صد روز دور گرداند و هر مومن که سه انار تمام تنها بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او یکسال

دور گردانند و هر که یکسال شیطان از دور شود و گناه نمیکند و هر که گناه نمیکند داخل بهشت میشود
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که بر شما باد بخوردن انار شیرین که هیچ حبه از آن در معدهٔ مومن
نمی افتد مگر آنکه دردی را برطرف میکند و وسوسهٔ شیطان از و برطرف شود و در حدیث حسن
منقولست که هر که یک انار ناشتا بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد و در حدیث دیگر حسن فرمود
که انار را با پیهش بخورید که معده را دباغی میکند و شعور را می افزاید و فرمود که انار ترش و شیرین شایسته تر
است در شکم و از حضرت موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که روز جمعه یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز
دلش روشن میکند و اگر دو تا بخورد ناشتا تا هشتاد روز و اگر سه تا بخورد تا صد و بیست روز وسوسهٔ شیطان
از دور گرداند و هر که وسوسهٔ شیطان از دور گردد معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل
بهشت شود و در حدیث دیگر فرمود که دو چوب درخت خرما حشرات و گزنده های زمین را بر می اندازد و
بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سیب معده را جلا میدهد و حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام فرمود که سیب خوردن نافع است برای هر زهر و سحر و استیلای اجنه و غلبهٔ بلغم و هیچ چیز
منفعتش بهتر از آن نیست و در حدیث معتبر وارد شده است که خوردن سیب دفع تب و رعاف
و طاعون میکند و در روایت معتبر وارد شده که سویق سیب خشک نیز قطع رعاف میکند و فرمود
که هیچ دوائی برای دفع زهرها بهتر از سویق سیب نیست و فرمود که اگر مردم بدانند که چه نفعها در
سیب هست هر آئینه بیماران خود را دوا نکنند مگر بسیب و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول
است که بخورید سیب که دباغی میکند معده را و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول
است که خوردن به دل ضعیف را قوی میگرداند و معده را پاک میکند و دل را زیرک میکند و مرد ترسان را
شجاع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رنگ را صاف میکند و فرزند را نیکو
میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یک به ناشتا بخورد آب منی او پاکیزه شود و فرزندش
وجیه می شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که یک به بخورد حق تعالی حکمت را بر زبان او
گویا کند تا چهل صباح و فرمود که خدا هیچ پیغمبری را نفرستاده است مگر آنکه بوی بهی با او بوده و فرمود
که به غم و اندوه را می برد چنانچه دست عرق جبین را میبرد و در حدیث حسن از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که انجیر گند دهان را زائل میکند و استخوانها را سخت میکند و مو را میرویاند و درد ها را میبرد و با آن

بدوای دیگر حاجت نیست و شبیه‌ترین میوه‌ها است بمیوه‌های بهشت و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که بخورید امرود را که جلا میدهد دل را و دردهای اندرون را ساکن میکند بامر الهی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که امرود دباغی میکند معده را و قوت میدهد معده را و با سیری خوردن نافع‌تر است از ناشتا خوردن و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که خوردن انجیر سده‌ها را نرم میکند و برای بادهای قولنج نافع است و در روز بخورید و بسیار بخورید و در شب بخورید و بسیار مخورید و منقول است که دفع بواسیر و نقرس میکند و قوت مجامعت را می‌افزاید و از زیاد قندی منقولست که گفت رفتم بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و دیدم نزد آنحضرت ظرف آبی گذاشته‌اند و در میان آن آلوی سیاه ریخته‌اند پس فرمود که حرارتی بر من غالب شده بود و آلوی تازه حرارت را فرو می‌نشاند و صفرا را ساکن میگرداند و آلوی خشک خون را ساکن میکند و دردهای کهنه را از بدن برطرف میکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از شخصی سوال نمودند که اطبای شما چه میگویند در باب ترنج گفت میگویند که پیش از طعام بخورید فرمود که من میگویم بعد از طعام بخورید و در حدیث دیگر فرمود که بخورید ترنج را که آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم میخورند آنرا و فرمود که نان خشک هضم میکند ترنج را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را خوش می‌آمد نگاه کردن بسوی ترنج سبز و سیب سرخ بدانکه عرب لیمو و نارنج را هم ترنج میگویند و در بعض احادیث مدح موز وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سنجد مغزش گوشت را میرویاند و پوستش پوست را میرویاند و استخوانش استخوان را میرویاند و خوردن سنجد گرده‌ها را نرم میکند و معده را دباغی میکند و امان میدهد از بواسیر و تقطیر بول و ساق پا را قوت میدهد و رگ خوره را قطع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بخورید خربزه را که در آن ده خصلت هست در روی و فسادی در آن نیست و خوردنی است و آشامیدنی است و میوه است و گل است و اشنان است که دهان را پاک میکند و نان خورش است و قوت جماع را زیاده میکند و مثانه را میشوید و ادرار بول میکند و ریگ مثانه را دفع میکند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که خربزه خوردن ناشتا مورث فالج است و حضرت رسول صلی الله علیه

و آله و سلم باخربوزه میل میفرمودند و دوست میداشتند و گاهی شکر و قند باخربزه میخوردند و بسند
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و
میوه نو میدیدند می بوسیدند و بر دو دیده می مالیدند و بر دهان میگذاشتند و میگفتند اللّٰهمّ کما اریتنا
اوّلها فی عافیة فارنا آخرها فی عافیة یعنی خداوندا چنانچه نمودی بما اولش را در عافیت پس بنما
بما آخرش را در عافیت و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که
هر که میوه بخورد و اول بسم الله بگوید باو ضرر نرساند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
هرگز خوانی نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نمی آوردند مگر آنکه سبزی در آن بود و فرمود که دلهای مؤمنان
سبز است و بسبزی مائل است و فرمود که هر که شب بخوابد و هفت برگ کاسنی در معدهٔ او باشد
در آن شب از قولنج ایمن باشد و فرمود کسی که خواهد که مال و فرزندش زیاده شود بسیار بخورد برگ
کاسنی را و در حدیث دیگر فرمود که نیکو سبزیست کاسنی و هیچ برگی نیست از آن مگر آنکه قطرهٔ آبی
از بهشت بر روی آن هست پس در وقت خوردن حرکت مدهید که قطرهٔ آبش بریزد و فرمود
که کاسنی بهترین سبزیهاست و فرزند را بسیار نیکو میکند و پسر می آورد و فرمود که فضیلت آن بر سایر
سبزیها مانند فضیلت ماست بر جمیع خلائق و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خوردن کاسنی
شفای همه دردهاست و هیچ دردی در اندرون فرزند آدم نیست مگر آنکه کاسنی آنرا از بیخ میکند
شخصی را تب عارض شد و صداع داشت حضرت فرمود که کاسنی را بکوبید و بر روی کاغذی پهن کنید
و روغن بنفشه بران بریزید و بر پیشانیش بچسبانید که تب و صداع را برطرف میکند و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که کاسنی سبزی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و باذروج سبزی
امیر المؤمنین علیه است و برگ خرفه سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است و احادیث
بسیار در تعریف باذروج مرویست و آنکه باید که در اول طعام خورده شود که فتح سده میکند
و اشتهای طعام را زیاد میکند و سل را می برد و آروغ را خوشبو میکند و امانست از خوره و خون
و چون در شکم ساکن میشود همه دردها را زائل میکند و در روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر
علیهما السلام منقولست که شخصی را علت پیس عارض شده بود فرمود که سه روز بادتره بخورانند چنان کردند
بصحت مبدل گشت و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بخور تره را که در آن چهار خصلت است

گنده و بادها را بر طرف میکند و باد را دفع میکند و بواسیر را قطع میکند و هر که مداومت نماید بران از خوره
ایمن است و منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام تره را با نمک سائیده تناول میکردند
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم فرمود که بر شما باد بخوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس و الیسع و یوشع بن نون است و از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که خوردن سیب و کشنیز مورث فراموشی است و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بر روی زمین سبزی شریفتر و نافعتر از برگ خرفه
نیست و آن سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بخوردن کاهو
که خون را صاف میکند و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تره
تیزک را بعد از نماز خفتن سیر بخورد تا صبح نفس او را نکشد بسوی خوره و در حدیث دیگر فرمود که کاسنی
و باذروج از ماست و تره تیزک از بنی امیه است و در روایت دیگر از خادم حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام منقول است که هرگاه آنحضرت امر میکردند ما را بخریدن سبزی میفرمود که تره تیزک را بسیار
نخریم و فرمود که چه بسیار احمق اند بعضی مردم میگویند که تره تیزک در کنار رود خانه جهنم میروید و حال آنکه
حقتعالی میفرماید که آتش افروز جهنم مردم اند و سنگهای بتان و سنگهای کبریت پس چگونه تواند بود که سبزی
در جهنم بروید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حقتعالی دفع کرد از یهودان خوره را
بخوردن چغندر و بیرون آوردن رگهای گوشت و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که نیکو
سبزیست چغندر و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بخورانید بیماران خود را برگ چغندر که
در آن شفا است و در آن درد نیست و مضرت ندارد و بیمار را از خواب راحت میبرد و اصلش
سودا را بحرکت می آورد و در حدیث دیگر فرمود که داخل شکم صاحب ذات الجنب نشده است
چیزی مثل برگ چغندر یعنی از جهت مداوای او و در حدیث معتبر منقول است از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم که دمیلان داخل منست که بر بنی اسرائیل نازل شده و برای من از بهشت
آمده و آبش شفای چشم است و در چندین حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم دوست میداشتند کدو را میان دیگ و میان صحن بر میچیدند و میفرمودند زنان خود را
که کدو در طعام بسیار کنید و وصیت نمود بحضرت امیر المومنین علیه السلام که یا علی بر تو باد بخوردن

کند و که دماغ و عقل را زیاد میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ترب سه خصلت
دارد برگش دفع بادها میکند و تخمش طعام را هضم میکند و ریشه اش دفع بلغم میکند و در روایت دیگر
فرمود که برگش مورث ادرار بول است و در روایت دیگر تخمش ادرار بول میکند و در حدیث معتبر
از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام منقول است که خوردن گزر قوت جماع را زیاد گزر
میکند و امان میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند و در چهار حدیث معتبر وارد شده است که
بخورید شلغم و مداومت بر خوردنش بکنید که هیچکس نیست مگر آنکه رگ خوره در رو هست و شلغم شلغم
آن رگ را میگدازد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم خیار را خیار
با نمک میخوردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خیار را از ته‌اش ابتدا بخوردن کنید
که باعث زیادتی برکت آن میشود و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که بخورید بادنجان را که بادنجان
درد را میبرد و با آن دردی نیست و احادیث در منافع و مدحش بیشمار است و از حضرت صادق
علیه السلام بچندین سند منقول است که پیاز گند دهان را میبرد و بلغم را زایل میکند و سستی و ماندگی را پیاز
برطرف میکند و بندهای بدن را محکم میکند و بن دندان را محکم میکند و قوت مجامعت را می افزاید
و نسل را زیاده میکند و تپ را می برد و بدن را نازک میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
منقول است که چون داخل شهری شوید پیاز آن شهر بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور میکند
و در حدیث حسن از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
فرمود که هر که سیر بخورد بواسطه بوی بدش داخل مسجد ما نشود و اما اگر بمسجد نرود باکی نیست سیر
که آنرا بخورد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سیر و پیاز و تره خام و پخته
خوردن باکی نیست اما کسی که بخورد داخل مسجد نشود زیرا که کراهیت دارد بسبب آزار کسیکه در
پهلوی او می نشیند و احادیث در مدح صعتر که او را اشنم میگویند وارد شده است که تقویت معده صعتر
میکند و اگر صبح ناشتا سفوف کند و بخورد رطوبت معده را برطرف میکند و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که حقتعالی حضرت آدم را از خاک آفرید پس خوردن خاک را
بر فرزندان او حرام گردانید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که گل بخورد
و بمیرد در خون خود شریک است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بزرگ ترین

دامهای شیطان خوردن خاک وگل است دردها را در بدن حادث میکند وخارشتش بدن را واسیر
اران بهم میرسد ودردهای سوداوی ازان متولد می شود وقوت را از ساق وقدم میبرد وهرچه از قوتش
بسبب آن کم شده است وازاعمال خیر کاسته است در قیامت او را بدان حساب وعذاب میکنند
وحضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که چهار چیز است که از وساوس شیطان است خوردن
گل وگل را بدست خورده کردن وناخن را بدندان گرفتن وریش را خائیدن ودر احادیث معتبره
وارد شده است که خوردن هر گلی حرام است مانند مردار وخون وگوشت خوک مگر خاک قبر حضرت
امام حسین علیه السلام که خوردن آن بقدر یک نخود شفا است از هر دردی واما نست از هر خوفی
فصل نهم در فضیلت ضیافت مومنان وآداب آن از حضرت امام بحق جعفر صادق علیه السلام
منقولست که چون برادر مومن بخانه تو بیاید باو تکلیف خوردنی بکن واگر قبول نکند تکلیف
آشامیدنی بکن واگر اینهم قبول نکند تکلیف وست در شستن بآب یا بعرق خوشبو بکن واز حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که از جمله گرامی داشتن آدمی برادر مومنش را آنست که
تحفه او را قبول کند وانچه حاضر داشته باشد برای او تحفه بیاورد وچیزیکه نداشته باشد برای او
تکلیف نکند وحضرت صادق علیه السلام فرمود که هلاک شد کسیکه حقیر شمارد انچه را حاضر دارد از برای
آوردن نزد برادر مومن خود وهلاک شد کسی که حقیر شمارد انچه برادر مومن نزد او می آورد وبسند
صحیح حسن از آنحضرت منقول است که هر گاه برادر مومن تو نا طلبیده نزد تو آید انچه حاضر داری برای
او بیار واگر طلبیده باشی او را برای او تکلیف کن ودر حدیث حسن از هشام منقول است که با ابن
ابی یعفور بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم آنحضرت چاشت طلبیده هشام گفت که من
کمتر چیزی میخورم حضرت فرمود مگر نمیدانی که محبت مومن نسبت به برادر مومن او بقدر آنست
که از طعام او میخورد یعنی هرچند او را بیشتر دوست میدارد طعامش را بیشتر میخورد ودرین باب احادیث
بسیار وارد شده است وحضرت امام رضا علیه السلام فرمود که سخی وصاحب همت از طعام مردم
میخورد تا مردم از طعام او بخورند وبخیل طعام مردم را نمیخورد که مبادا مردم از طعام او بخورند وحضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که ولیمه ومهمانی بودن در پنج چیز سنت است در عروسی ودر عقیقه
وختنه کردن پسر وخانه را بنا کردن یا خریدن ودر وقتیکه از سفر بخانه خود برگردد ودر حدیث دیگر

وقتی که از سفر حج برگردد و منقول است که آن حضرت نهی فرمود از ولیمه که مخصوص توانگران باشند و فقرا
را در آنجا نطلبند و در احادیث معتبر وارد شده است که هر که داخل شهری شود مهمان برادران مؤمن
و اهل دین خود است تا از آن شهر بیرون رود و سزاوار اینست که مهمان روزه ندارد مگر برخصت صاحب خانه
که مبادا طعامی برای او عمل بیاورند و ضایع بشود و سزاوار نیست اهل خانه را روزه داشتن مگر برخصت
مهمان که مبادا بسبب روزه داشتن ایشان شرم کند و طعام نخورد و بسند معتبر منقول است
از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم که حد ضیافت سه روز است و بعد از سه روز تصدق و تبرع است
که نسبت باو میکنی و فرمود که اینقدر مهمان نماند نزد برادر مؤمن خود که او را بهم تنگ کند که دیگر چیزی
نداشته باشد که خرج تنها بکند و ابن ابی یعفور روایت کرده است که در خانهٔ حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام مهمانی دیدم که برخاست پی کاری حضرت او را منع کردند و خود برخاستند و آن کار را
بجا آوردند و فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از خدمت فرمودن مهمانان
و در حدیث دیگر منقول است که مهمانی در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بود دست دراز کرد
که چراغ را اصلاح کند حضرت او را منع کردند و خود اصلاح چراغ کردند و فرمودند که ما اهل بیت
خدمت نمی فرمائیم مهمانان خود را و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که از جملهٔ ضعف
و سستی آنست که کسی بتو احسان کند و تو بعوض مکافات او نکنی و از خلاف آداب است
خدمت فرمودن بمهمان پس چون مهمان بیاید او را اعانت و یاری کنید در فرود آمدن و وقتیکه
خواهد که بار کند و برود او را مدد مکنید بر رفتن که این دلیل رخصت نفس است و در وقت رفتن توشه
همراهش بکنید و توشه را نیکو و خوشبو بعمل بیاورید که این دلیل جوانمردیست و بسند معتبر از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که از جملهٔ حق مهمان آنست که همراه او بروی تا در خانه و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که چون شخصی بخانهٔ کسی برود در هر جا که صاحب خانه بفرماید بنشیند که
صاحب خانه امور مخفی خانهٔ خود را بهتر میداند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است
که هشت کس اند که اگر ایشان را مذلتی و خواری برسد ملامت نکنند مگر خود را کسیکه بسفره
برسد که او را نطلبیده باشند و کسیکه بر صاحب خانه تحکم کند و کسیکه طلب خیر از دشمنان خود بکند
و کسی که طلب فضل و احسان از لئیمان و بخیلان کند و کسیکه خود را داخل در رازی که میان دو کس باشد

فی رخصت ایشان بکنند و کسیکه استخفاف کند بپادشاهان و صاحب حکم و کسیکه در مجلسی در جائی بنشیند
که فراخور او نباشد و کسیکه با شخصی سخن گوید که گوش بسخن او نکند و در حدیث دیگر فرمود که بطعام خود
ضیافت کن کسی را که از برای خدا او را دوست میداری و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که
یک برادر مومن را که از برای خدا با او برادری کنم و سیر کنم بهتر است نزد من از آنکه ده مسکین را سیر کنم
و فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم با مهمانان طعام تناول می فرمودند پیش از همه
شروع میکردند و بعد از همه دست می کشیدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که کسیکه با جماعتی
آب دهد باید که خودش بعد از همه آب بخورد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
چون برادر مومن بخانه تو بیاید مپرس که امروز چیزی خورده و لیکن هر چه داری نزد او بیار که جوانمردی آنست
که هر چه دارد حاضر سازد و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی هزار درهم صرف طعامی کند و مومنی از آن
بخورد اسراف نکرده است و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد باید که مهمان خود را گرامی دارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که از جمله حق مهمان
آنست که او را گرامی دارند و خلال از برای او مهیا کنند و در احادیث بسیار وارد شده است که
هرگاه مهمان می آید و چون طعام خورد خدا صاحبان خانه را می آمرزد و در روایت دیگر چون بیرون میرود
گناهان تو و عیال تو بیرون می برد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که یک لقمه که برادر مومن نزد من بخورد دوست تر میدارم از بنده آزاد کردن و حضرت امام
محمد باقر علیه السلام فرمود که اگر سه مومن را طعام دهم نزد من بهتر است از هفت بنده آزاد کردن
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که هر مومنی که صدای مهمانی بشنود و شاد شود
گناهانش آمرزیده شود و اگر چه میان زمین و آسمان را پر کرده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
منقولست که هر خانه که مهمان بآن خانه نمیرود ملائکه داخل آنخانه نمی شوند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که از حقوق واجبه مومن بر مومن آنست که چون بضیافت او را بطلبد قبول بکند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که وصیت میکنم حاضران و غائبان امت خود را که دعوت
مسلمانرا قبول کنند بضیافت اگر چه پنج میل راه باشد که این اموریست که از دین لازم است و هر میل
یک ثلث فرسخ است و فرمود که اگر مرا برای دست گوسفندی بطلبد میروم و فرمود که بدترین

عجز یا آنست که شخصی برادر مؤمن خود را بطعام بخواند و او قبول نکند **فصل دهم** در فضیلت خلال و آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که جبرئیل علیه السلام برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مسواک و خلال و حجامت آورده و فرمود که خلال بن دندانها را محکم میکند و روزی را زیاد می کند و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که خلال مکنید بچوب گل و بچوب درخت انار که هر دو رگ خوره را بحرکت می آورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرکه بنی خلال کند تا شش روز حاجتش برآورده نشود و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بهرچه می یافتند خلال میکردند بغیر از برگ درخت خرما و نی و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از خلال کردن بچوب درخت انار و نی و فرمود که بحرکت می آورد عرق خوره را و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که خلال کردن بچوب گز مورث فقر و بخیر نیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم امر میکرد ما را که چون خلال کنیم آب بخوریم تا سه نوبت مضمضه نکنیم دهن را بآب و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که از جمله حق مهمان آنست که خلال از برای او مهیا کنی و فرمود که خلال کنید که ملائکه هیچ چیز را دشمن نمیدارند مانند آنکه ببینند که در دندان بنده طعامی هست و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرچه از طعام در بن دندان مانده باشد بخورید و آنچه میان دندان مانده باشد بیندازید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هرچه را بزبان از میان دندان بدر می آوری بخور و آنچه را بخلال بدر می آوری خواهی بخور و خواهی بینداز و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آنچه بخلال بیرون می آورد فرو نبرد که جراحت های اندرون بهم میرساند و در احادیث بسیار وارد شده است که هرچه را بخلال بیرون می آوری بینداز و در حدیث معتبر وارد شده است اندرون و بیرون دهان را بعد از طعام بسعد و اشنان شستن **فصل یازدهم** در فضیلت آب و انواع آن در احادیث معتبره وارد شده است که بهترین آشامیدنی های دنیا و آخرت آب است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه محظوظ و متلذذ باشد از آب دنیا خدا او را متلذذ گرداند از آشامیدنیهای بهشت و شخصی از آنحضرت پرسید که آب چه مزه دارد فرمود که مزهٔ زندگانی حقتعالی میفرماید که از آب آفریده ایم هر چیز صاحب حیاتی را آیا ایمان نمی آورند بخدا کافران و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که فرمود در تفسیر آیهٔ کریمه ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ

يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ یعنی پس سوال کرده خواهید شد در روز قیامت از نعمتهای دنیا فرمود که مراد از آن نعمتهای رطب و آب سرد است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که آب زمزم بهترین آبها است بر روی زمین و بدترین آبها بر روی زمین آبیست که در برهوت است که در بلاد یمن است که ارواح کافران در آن وارد میشوند در شب و معذب می باشند و در حدیث دیگر فرمود که آب زمزم دواست از برای هر دردی که برای آن بخورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آب زمزم شفاست از هر دردی و در روایتی دیگر برای هر مطلبی که بخورند آن مطلب حاصل میشود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که فرمود بخورید آب باران را بدرستیکه بدن را پاک میکند و بیماریها را و دردها را از بدن دفع میکند و از حضرت صادق علیه السلام نهی وارد شده است از خوردن تگرگ و در روایت دیگر وارد شده است که خوردن تگرگ برای دندان نافع است و مصادق روایت کرده است که شخصی از یاران ما در مکه بیمار شد تا آنکه بحالت مرگ افتاد بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم حال او را فرمود که اگر من بجای شما می بودم از آب ناودان کعبه باو آبی میخورانیدم پس ما طلب کردیم نزد هیچکس نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق ظاهر گردید و باران آمد قدحی گرفتم و از آب ناودان پر کردم و آوردم نزد بیمار و از آن آب آشامید در ساعت شفا یافت و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که گمان ندارم که طفلی را که کامش از آب فرات بردارند مگر آنکه دوست ما اهلبیت باشد و فرمود که پیوسته در ناودان از آب بهشت در آن میریزند و فرمود که اگر میان من و آب فرات راه بسیار باشد برای شفا بروم آن میبردم و در حدیث دیگر فرمود که اگر نزدیک فرات میبودم دوست میداشتم که هر صبح و شام بنزد آن بروم و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که اگر اهل کوفه کام فرزندان خود را باب فرات بردارند هر آئینه همه شیعهٔ ما میشوند و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که ملکی در هر شب می آید و سه مثقال از مشک بهشت در آب فرات می اندازد و هیچ نهری در مشرق و مغرب عالم بر کتش زیاده از نهر فرات نیست و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی کرد از شفا طلبیدن از آبهای گرم که در کوهها می باشد و بوی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آنها از گرمی جهنم است و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند که ولایت و دوستی ما را بر همه آبها عرض کردند هر آب که قبول کرد شیرین شد و نیکو و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور شد و حضرت امام محمد باقر

علیه السلام کراهیت داشتند از آنکه کسی طلب شفا کند از آب تلخ و آبی که از آن بوی گوگرد شنیده شود و میفرمودند که حضرت نوح در وقت طوفان همه آبها را طلبید همه اجابت او کردند مگر آب تلخ و آب گوگرد پس نفرین و لعنت کرد هر دو را و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که آب نیل مصر دلها را می میراند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب سرد حرارت را فرو می نشاند و صفرا را ساکن میکند و طعام را در معده میگدازد و تب را زائل میکند و فرمود که آب جوشانیده برای همه دردی نافع است و هیچ جهت ضرر ندارد و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که خوردن آب سرد لذتش بیشتر است و از حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که آب جوشانیده که هفت مرتبه بجوشانند و از ظرف بظرف دیگر بگردانند تب را زائل میکند و قوت میدهد ساق و قدم را و از ابن ابی طیفور طبیب منقولست که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفت و آنحضرت را نهی کرد از خوردن آب حضرت فرمود که خوردن آب بد نیست طعام را در معده میگدازد و غضب را فرو می نشاند و عقل را زیاد میکند و صفرا را کم میکند و شخصی دیگر بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفت حضرت خرما تناول میفرمودند و بعد از آن آب میخوردند گفت که اگر آب بعد از خرما نخورید بهتر است فرمود خرما را برای آن میخوریم که لذت آب را بیابیم

فصل دوازدهم در آداب خوردن آب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر بنده که آب بخورد و حضرت امام حسین و اهل بیتش علیهم السلام را یاد کند و لعنت کند بر کشندگان آنحضرت حقتعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او محو نماید و صد هزار درجه برای او بلند کند و چنان باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و حقتعالی در قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر محشور گرداند و اگر باین نحو بگوید بهتر است صَلَوَاتُ اللهِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَاَهْلِبَيْتِهِ وَاَصْحَابِهِ وَلَعْنَةُ اللهِ عَلَى قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ وَاَعْدَائِهِ و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که گاه باشد که شخصی یک شربت آب بخورد و خدا او را بهمان آب خوردن به بهشت برد باینکه آب بخورد و هنوز خواهش داشته باشد که از آب لب بردارد و حمد خدا بگوید پس باز بخورد و هنوز سیر نشده از آب لب بردارد و حمد خدا بگوید پس باز بخورد و پس خدا بسبب این بهشت بر او واجب گرداند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون آب میخوردند این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ سَقَانَا عَذْبًا زُلَالًا وَلَمْ يَسْقِنَا مِلْحًا اُجَاجًا وَلَمْ يُؤَاخِذْنَا بِذُنُوْبِنَا و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر گاه کسی پیش از

آب خوردن بِسْمِ اللهِ بگوید و دو می بخورد و اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید پس باز بِسْمِ اللهِ بگوید و دو می بخورد و اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
بگوید پس باز بِسْمِ اللهِ بگوید پس بعد از خوردن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید مادام که آن آب در شکم او باشد تسبیح خدا
بگوید و ثوابش از و باشد و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه خواهی بشب آب خوری ظرف آب را
حرکت ده و بگو یَا مَاءُ مَاءُ زَمْزَمَ وَ مَاءُ فُرَاتٍ یُقْرِأُكَ السَّلَامُ و در روایت دیگر فرمود که هر که در شب
آب بخورد و سه مرتبه بگوید عَلَيْكَ السَّلَامُ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ وَ مَاءِ الْفُرَاتِ آب خوردن شب باو ضرر
نرساند و در حدیث دیگر منقولست که در وقت آب خوردن این دعا بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانِي
فَأَرْوَانِي وَ أَعْطَانِي وَ أَرْضَانِي وَ عَافَانِي وَ كَفَانِي اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَسْقِيهِ فِي الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ تُسْعِدُهُ بِمُرَافَقَتِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که آب بسیار مخور که هر دردی را بسوی تو میکشد و تا تاب در رد داری داو مخور
و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بالای طعام آب بسیار خوردن ضرر رساند اما در غیر آن حال
آب بسیار بخورد و فرمود که اگر کسی بقدر ده و کف طعام بخورد و آب بعد از آن نخورد عجب دارم که چرا
معده اش شق نمی شود و مشهور میان علما آنست که آب ایستاده خوردن مکروه است و سنت است
که بسه نفس آب خورده شود و در احادیث بسیار وارد شده است که آب ایستاده خوردن خوب است
و آب بیک نفس خوردن خوب است اما بهتر آنست که بسه نفس خورده شود و در روز ایستاده بخورد و در
شب نشسته چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب ایستاده خوردن در روز طعام را
گوارا کند و در شب ایستاده خوردن آب باعث غلبه زرداب و صفرا میشود و در حدیث دیگر فرمود که آب ایستاده
خوردن در روز بیشتر باعث قوت و صحت بدن میشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
که آب ایستاده نخورید که باعث دردی میشود که دوا نداشته باشد مگر آنکه خدا عافیت دهد و در حدیث صحیح
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که آب ایستاده مخورید و بر دور هیچ قبر مگردید و در آب
ایستاده که جاری نباشد بول مکنید پس هر که چنین بکند و بلائی باو برسد ملامت نکند مگر خود را ابن بابویه
علیه الرحمه گفته است که مراد ازین احادیث آب خوردن بشب است و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که آب را بسه نفس خوردن بهتر است از یک نفس خوردن و در حدیث دیگر منقول است
که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب برندارد تا سیراب شود چون است حضرت فرمود

اگر مگر لذتی هست در غیر این گفت که مردم میگویند که این شرب هیم است یعنی شتر تشنه
حضرت فرمود که شرب هیم آنست که در وقت آشامیدن نام خدا نبرد و در روایت دیگر منقول
است که اگر آنکسی که آب بتو میدهد بندهٔ تو باشد بسه نفس آب بخور و اگر آزاد باشد بیک نفس بخور و از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دوست میداشتند
آب خوردن در قدح شامی و میفرمودند که پاکیزه ترین ظرفهای شماست و برای آنحضرت قدحها از
شام هدیه می آوردند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از کوزهٔ سفال
آب میخوردند و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم گذشتند بر جماعتی
که دهان بآب گذاشته بودند و میخوردند حضرت فرمودند که بدست خود بخورید که بهترین ظرفهای شماست
و در احادیث معتبره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که آداب آب خوردن آنست
که در ابتدا بسم الله بگوئی و چون فارغ شوی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوئی و از پیش دستهٔ کوزه و از جائیکه شکسته
باشد یا رخنه داشته باشد نخوری که این دو موضع جای شیطان است و حضرت رسول صلی الله علیه و
آله وسلم نهی فرموده از دمیدن بدهان در آب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دمیدن در آب در
وقتی مکروه است که دیگری حاضر باشد که خواهد از آن بخورد که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر
از آنحضرت نهی وارد شده است از آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بمکید و کم کم بخورید
و دهانرا پر مکنید که باعث درد شکم و درد جگر میشود و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و
آله وسلم گاهی در قدحهای آبگینه که از شام می آوردند آب تناول میکردند و گاهی در قدح چوبی و گاهی
در پوست و گاهی در خزف و گاهی که ظرفی حاضر نبودی آب در کف میکردند و می آشامیدند

باب چهارم در بیان فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان

فصل اول در فضیلت تزویج کردن و نهی از رهبانیت

بسندهای معتبره
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از اخلاق پیغمبران است دوست داشتن زنان
و فرمود که گمان ندارم کسی را که در ایمانش چیزی زیاده شود مگر آنکه او را محبت زنان زیاده می شود
و فرمود که هر که محبت زنان او را زیاده میشود فضیلت ایمانش بیشتر میشود و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که سه چیز است که از سنت پیغمبران است بوی خوش کردن

وموهای زیادتی بدن را ازاله کردن و زنان بسیار داشتن یا بسیار مقاربت با ایشان کردن و اینها پسندیده‌های بسیار را از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که فرمود که از دنیای شما اختیار کردم زنان و بوی خوش را و روشنی دیدهٔ من در نماز است و در حدیث معتبر منقولست که مسکین نخعی اختیار عبادت کرده و ترک زنان و بوی خوش و طعامهای لذیذ کرده بود و در این باب نامه بحضرت صادق علیه السلام نوشت آنحضرت در جواب نوشتند اما زن پس میدانی که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم چند عدد از زنان میداشتند اما طعام لذیذ پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم گوشت و عسل تناول می فرمودند و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که زنی بعقد خود درمی آورد نصف دین خود را حفظ کرده است از خدا پرهیزد در نصف دیگر فرمود بدترین مردمان عزبان اند و فرمود که چه چیز مانع است مومن را از آن که زنی بگیرد و شاید که او را فرزندی روزی شود که سنگین کند زمین را بگفتن لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰه و فرمود که هر که دوست دارد سنت مرا باید که کدخدا شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خوشم نمی آید که دنیا و آنچه در دنیا است داشته باشم و یک شب بی زن بخوابم پس فرمود دو رکعت نماز که کدخدا میگذارد بهتر است از عزبی که شبهای تمام نماز گذارد و روزها روزه دارد و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که ترک کدخدائی کند از ترس پریشانی پس تحقیق که گمان بد بخدا برده است زیرا که حقتعالی میفرماید اِنْ يَكُوْنُوْا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ یعنی اگر ایشان فقیران باشند بی نیاز میگرداند ایشان را خدا از فضل خود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن عثمان بن مظعون آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و گفت یا رسول الله عثمان روزها روزه می باشد و شبها نماز میکند و نزد من نمی آید حضرت غضبناک نزد عثمان آمدند و فرمودند که ای عثمان خدا مرا برهبانیت نفرستاده است و لیکن بدین مستقیم سهل و آسان فرستاده است روزه میگیرم و نماز میکنم و با زنان خود نزدیکی میکنم پس هر که دین مرا میخواهد باید که بسنت من عمل نماید و از جمله سنت من نکاح زنان است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سه زن آمدند بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم یکی گفت که شوهرم گوشت نمی خورد و یکی گفت شوهرم بوی خوش نمی بوید و یکی گفت که شوهرم با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت بیرون آمدند و از روی غضب ردای خود را بر زمین میکشیدند تا بر منبر برآمدند و حمد و ثنای الٰهی گفتند و فرمودند که چرا جماعتی از اصحابم گوشت

میخورند و بوی خوش نمی بویند و نزدیک زنان نمیروند من گوشت میخورم و بوی خوش می بویم و بنزد
زنان میروم هر که سنت مرا نخواهد از من نیست و در حدیث دیگر منقول است که زنی آمد بخدمت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و شکایت کرد که شوهر من نزد من نمی آید حضرت فرمود که خود را
خوشبو کن تا نزدیک تو بیاید گفت هیچ بوی خوشی نگذاشتم مگر آنکه خود را بآن خوشبو کردم او از من
دوری میکند حضرت فرمود که اگر میدانست که چه ثواب دارد در آمدن نزد تو دوری نمیکرد پس فرمود که
چون متوجه جانب تو میشود دو ملک باو احاطه می کنند و ثواب آن دارد که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد
کند پس چون با تو مجامعت کند گناهان از و میریزد چنانچه میریزد برگ از درخت پس چون غسل میکند
از گناهان بدر میرود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز که کدخدا میکند برابر است
با هفتاد رکعت که عزب بکند فصل دوم در اصناف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن بمنزله قلاده است که بر گردن خود می افگنی پس
به بینی که چگونه قلاده برای خود می گیری و فرمود که زن صالحه و غیر صالحه هیچ یک قیمت ندارد زن صالحه طلا و نقره
قیمت او نیست بلکه او بهتر است از طلا و نقره و زن غیر صالحه بخاک هم نمی ارزد بلکه خاک بهتر
از وست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که دختر بکفو و مانند خود بدهید و از کفو و مانند خود
بخواهید و از برای نطفه خود زنی را بیدا کنید که شائسته آن باشد که فرزند از و بهم رساند و در حدیث صحیح از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که زنی بخواهد برای حسن و جمال یا برای مال از هر دو محروم ماند
و اگر برای دین داری و صلاح او بخواهد حقتعالی مال و جمال او را روزی میکند و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم فرمود که زن پاکیزه بخواهید که فرزند بسیار آورد و زن مقبول که فرزند نیاورد نخواهید که من
مباهات میکنم بشما با امتهای پیغمبران دیگر در روز قیامت مگر نمیدانی که فرزندان در زیر عرش الهی از
برای پدران خود طلب آمرزش می نمایند و حضرت ابرهیم علیه السلام ایشانرا نگاهداری میکند و حضرت ساره
ایشانرا تربیت میکند در بالای کوهی از مشک و عنبر و زعفران و در حدیث دیگر فرمود که دختران پاکیزه بخواهید که
دهنهای ایشان خوشبوتر و رحمهای ایشان کشاده تر و خشک تر است و پستانهای ایشان پر شیرتر و فرزند
آور نده تر اند مگر نمیدانید که من مباهات میکنم به بسیاری شما در روز قیامت حتی الفرزندیکه ناتمام از شکم افتاده باشد
او می آید و خشمناک بر در بهشت می ایستد پس حقتعالی میفرماید که داخل بهشت شو میگوید که نمیروم تا پدر

و مادر من پیشتر از من نمردند پس حقتعالی بملکی امر کند که پدر و مادرش را بیاورد و داخل بهشت کن پس بطفل خطاب میفرماید که ایشان را داخل بهشت کردم برای زیادتی رحمت من نسبت بتو و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که بخواه زن گندم گون فراخ پیشانی سیاه چشم بزرگ سرین میانه بالا پس اگر نخواهی او را مهر از من بگیر و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون بخواستگاری زنی میفرستادند می فرمودند که گردنش را بو کنند که خوشبو باشد و غوزک پایش پر گوشت باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از سعادت آدمی است که زن سفیدی داشته باشد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون خواهید زنی را خواستگاری نمائید از مویش بپرسید چنانچه از رویش می پرسید که مو نصف حسن است و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که بهترین زنان شما زنی است که فرزند بسیار آورد و دوست شوهر باشد و صاحب عفت باشد و در میان خویشان خود عزیز باشد و نزد شوهرش ذلیل باشد و از برای شوهر خود زینت و بشاشت کند و از دیگران شرم کند و عفت ورزد و هرچه شوهرش گوید بشنود و آنچه فرماید اطاعت کند و چون شوهر با او خلوت کند آنچه از او خواهد مضائقه نکند اما باشد و هرگز پیش او رسوائی نکند و او را بتکلیف بر جماع بدارد و بعد از آن فرمود که بدترین زنان شما زنیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهر مسلط باشد و فرزند نیاورد و کینه ور باشد و از اعمال قبیحه پروا نکند و چون شوهر غائب شود زینت کند و خود را بدیگران نماید و چون شوهر بیاید خود را مستور نماید و سخنش را نشنود و اطاعت او نکند و چون شوهر با او خلوت کند مانند شتر صعب مضائقه بکند از آنچه شوهر با او اراده دارد و عذرش را قبول نکند و از تقصیرش در نگذرد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت زنی دارم که هرگاه بخانه میروم مرا استقبال میکند و چون بیرون می آیم مشایعت میکند و چون مرا غمگین می بیند میگوید چه غم داری اگر برای روزی غم میخوری خدای تعالی متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر برای آخرت غم میخوری خدا غم ترا زیاده کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد و این زن از کارکنان خداست و نصف ثواب شهید دارد و در حدیث دیگر فرمود که خوبی زن آنست که خرجش کم باشد و زائیدنش دشوار نباشد و شومی زن آن باشد که مهرش گران و زائیدنش دشوار باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین زنان شما زنان قریش اند مهربان ترین زنانند بشوهران و رحیم ترین

ایشان اند بفرزندان و مائل اند بشوهران و با عفت اند از دیگران و مصداق قریش در این زمان سادات
اند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که خداوند عالمیان میفرماید که چون خواهم
که جمع کنم برای مسلمانی نیکی های دنیا و آخرت را باو میدهم دل شکسته خاشع و زبان ذکر کننده و بدنی
صبر کننده بر بلا و زن مومنه که هرگاه نظر باو کند شاد شود و چون غائب شود شوهر خود را نگاهداری کند
و مال شوهر را ضائع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در بنی اسرائیل
شخصی بود بسیار عاقل و مال بسیار داشت و یک فرزند داشت از زن عفیفه و در شکل و شمائل شبیه باو
بود و دو فرزند دیگر داشت از زن دیگر که عفتی نداشت چون وقت فوت او شد گفت همه مال من
یکی از شماهاست چون مرد هر یک از ایشان دعوی کردند که مال از من است بنزد قاضی رفتند قاضی گفت
که بنزد آن سه برادر که بعقل مشهوراند بروید پیش یکی از ایشان رفتند مرد پیری دیدند گفت بروید بنزد فلان
برادر که از من بزرگ تر است بنزد او که رفتند نه پیر بود و نه جوان او گفت که بنزد برادر بزرگ تر از من
بروید چون بنزد او رفتند او را جوان دیدند پس اول سوال کردند که بچه سبب برادر کوچک تو از همه پیرتر بود
و تو که از همه بزرگ تری از همه جوان تری گفت اما آن برادر کوچک زن بدی دارد و بر بدیهای او
صبر میکند که مبادا ابتلای دیگر مبتلا شود که صبر نتواند کرد و باین سبب از همه پیرتر است و اما برادر دیگر
زنی دارد که گاهی خوشحال میکند او را و گاهی غمگین میکند بدین سبب میانه حال مانده است و من زنی
دارم که همیشه مرا خوشحال میکند و هرگز آزرده ام نمیکند باین سبب جوان مانده ام پس برادران حال
خود را نقل کردند گفت اول بروید استخوان پدر خود را بدر آورید و بسوزانید بعد از آن بیائید تا در میان شما
حکم کنم چون رفتند برادر کوچک شمشیری برداشت و برادرانش کلنگها برداشتند چون بر سر قبر رسیدند
آن برادران کلنگ بر قبر زدند که قبر را بشگافند برادر کوچک شمشیر کشید که نمیگذارم که قبر پدرم بشگافید
من از حصه خود گذشتم و مال را بشما گذاشتم بروید چون بنزد قاضی آمدند قاضی مال را به پسر کوچک داد
و بآنها گفت اگر شما فرزندان او می بودید چنانچه برادر کوچک را شفقت فرزندی مانع شد از بر آوردن
و سوختن استخوانهای پدر شما را هم مانع میشد فصل سوم در آداب نکاح و ارادهٔ آن در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هرگاه کسی ارادهٔ خواستگاری کند دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی بگوید
و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیْدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِیْ مِنَ النِّسَاءِ اَعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَ اَحْفَظَهُنَّ لِیْ فِیْ نَفْسِهَا

وَمالی وَاَوسَعَهُنَّ رِزْقاً وَاَعظَمَهُنَّ بَرَکَةً وَقَدِّرْ لی وَلَداً طَیِّباً تَجعَلُهُ خَلَفاً صالِحاً
فی حَیاتی وَبَعْدَ مَوْتی و در حدیث معتبر منقول است که سنت است که در شب تزویج واقع
شود و در حدیث موثق منقول است که بحضرت امام محمد باقر علیه السلام خبر رسید که شخصی زنی خواسته
در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان روز حضرت فرمود که گمان ندارم که در میان آنها اتفاق
والفت بهم رسد پس بزودی از هم جدا شدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که عقد کردن در ماه
شوال خوب است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که عقد
کند یا زفاف کند در ماه در عقرب باشد نیکو عاقبت نه بیند و در روایت دیگر منقول است
که هر که در تحت الشعاع عقد یا زفاف کند بداند که فرزندی که از و منعقد شود پیش از تمام شدن سقط
بشود و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که در روز جمعه روز خواستگاری
و نکاح است و بدانکه مومنان را طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح سنت است و پیش از عقد نکاح خطبه
خواندن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که از سنت پیغمبر انست
طعام دادن در وقت تزویج و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون میمونه را تزویج
کردند ولیمه و حیس بمردم خورانیدند و آن جگالی بوده است که از خرما و روغن و کشک می ساختند و
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که ولیمه روز اول لازم است و روز دوم
نیک است و روز سوم ریا و سمعه است و منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام چون
دختر مامون را عقد کردند این خطبه را خواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اِقْراراً بِنِعْمَتِهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِخْلاصاً
لِوَحْدانِیَّتِهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ بَرِیَّتِهِ وَعَلَی الْاَصْفِیاءِ مِنْ عِتْرَتِهِ
اَمّا بَعْدُ فَقَدْ کانَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَی الْاَنامِ اَنْ اَغْناهُمْ بِالْحَلالِ عَنِ الْحَرامِ فَقالَ
سُبْحانَهُ وَاَنْکِحُوا الْاَیامیٰ مِنْکُمْ وَالصّالِحینَ مِنْ عِبادِکُمْ وَاِمائِکُمْ اِنْ یَکُونُوا فُقَراءَ
یُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ واسِعٌ عَلیمٌ و سایر خطبه های طولانی در کتب مبسوطه مذکور
است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و در آداب صیغه نکاح رساله جدا تالیف کرده ام

فصل چهارم در بیان آداب زفاف و مجامعت بدانکه زفاف کردن در وقتیکه ماه در برج
عقرب یا تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن در فرج زن در وقتیکه حائض باشد

یا خون نفاس داشته باشد حرام است و از مابین ناف تا زانو از ایشان تمتع بردن مکروه است و بعد از
پاک شدن و پیش از غسل کردن جماع را بعضی حرام میدانند و احوط اجتناب است مگر آنکه ضرورتی
باشد پس امر کند زن را که فرج را بشوید و با او مقاربت کند و زن مستحاضه اگر غسل و سائر اعمال مستحاضه
که او را می باید کرد اگر بجا آورد با او جماع میتوان کرد و در وطی در دبر زن خلاف است بعضی حرام
میدانند و اکثر علما مکروه میدانند و احوط اجتناب است و بهتر آنست که با زن خود که جماع کند
و آزاد باشد منی خود بیرون فرج نریزد و بعضی علما حرام میدانند بی رخصت زن و در کنیز باکی نیست
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید مرد را دخول کردن بزن خود در شب چهارشنبه
و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که هرگاه جماع کنید با زن خود در تحت الشعاع پس با خود
قرار بدهید افتادن فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث آن میشود که فرزند سقط شود و نزدیک است
که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی بینی که کسی که صرع میگیرد اکثر آنست که یا در
اول ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه می باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه
جماع کنند با زن خود در حیض پس فرزندی که بهم رسد مبتلا شود بخوره یا پیسی پس ملامت نکند مگر نفس خود را
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دشمن ما اهلبیت نیست مگر کسیکه ولد الزنا باشد یا مادرش
در حیض با او حامله شده باشد و در چندین حدیث معتبر منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم که چون کسی خواهد که با زن خود مجامعت کند بروش مرغان نجهد و نرود بلکه اول با او دست بازی
و خوش طبعی بکند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت جماع
سخن مگوئید که فرزندیکه بهم رسد لال باشد و در آنوقت نظر بفرج زن مکنید که بیم آنست که فرزندیکه
بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که باکی نیست نگاه کردن بفرج زن در وقت
جماع و در چندین حدیث معتبر وارد شده است که مرد و زن در حالتیکه خضاب بحنا و غیر آن
بسته باشند جماع نکنند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از روی
مرد و زن دور شود چونست فرمود باکی نیست باز پرسیدند که اگر کسی فرج زنش را ببوسد چونست فرمود که باکی
نیست و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی زن خود را عریان کند و با او نظر کند چونست فرمود

که مگر لذتی بهتر از این می باشد پرسیدند که اگر کسی بدست و انگشت با فرج زن خود و کنیز خود بازی کند چون است فرمود که باکی نیست اما بغیر از اجزای بدن خود چیزی دیگر در آنجا نکند پرسیدند که آیا میتواند که در آب جماع بکند فرمود که باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند از جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد با زن و کنیز خود جماع نکند در خانه که طفلی باشد که آن طفل زناکار میشود یا فرزندی که بهم رسد زناکار می شود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که فرمود بحق آنخدای که جانم در قبضهٔ قدرت اوست که اگر شخصی با زن خود جماع بکند و در آنخانه شخصی بیدار باشد که ایشان را ببیند یا سخن و یا صدای نفس ایشان را بشنود فرزندی که از ایشان بهم رسد رستگار نباشد و زناکار باشد و چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام ارادهٔ مقاربت زنان می نمودند خدمتگاران را دور میکردند و درها را می بستند و پرده ها را می آویختند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی که با کنیزی جماع کند و خواهد که با کنیز دیگر پیش از غسل جماع کند وضو بسازد و در حدیث صحیح وارد شده است که باکی نیست که مرد با کنیز خود وطی کند و در خانه دیگری باشد که ببیند و بشنود و مشهور میان علما آنست که باکی نیست که مرد مابین دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است که در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است که در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز و دو آزاد بخوابد و فرمود که کراهت دارد که مرد رو بقبله جماع کند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع میتواند کرد فرمود که نه و رو بقبله و پشت بقبله جماع نکند و در کشتی جماع نکند و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که دوست نمیدارم که کسی که در سفر آب نیابد برای غسل کردن جماع کند مگر آنکه خوف ضرری داشته باشد بر خود و بعضی علما قائل بحرمت شده اند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از آنکه کسی محتلم شده باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند و فرمود که اگر بکند فرزندی که بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مکروه است جنب شدن در وقتیکه آفتاب طلوع میکند و زردی باشد و همچنین در زردی آفتاب وقت فرو رفتن و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرموده که مستحب است در شب اول ماه مبارک رمضان

جماع کردن و از ابو سعید خدری منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم وصیت نمود بحضرت امیر المومنین علیه السلام که یا علی چون عروس داخل خانهٔ تو شود کفشهایش بکن تا بنشیند و پاهایش را بشو و آن آب را از در خانه تا منتهای خانه بپاش چون چنین کنی خدای تعالی هفتاد هزار نوع پریشانی را از خانهٔ تو دور میکند و هفتاد هزار نوع برکت داخل خانهٔ تو کند و هفتاد هزار نوع رحمت بر تو فرستد که بر سر عروس فرود آید تا آنکه آن برکت بهر گوشه از خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی و خوره و پیسی تا در آن خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و کشنیز و سیب ترش پس حضرت امیر المومنین علیه السلام گفت یا رسول الله بچه سبب او را منع کنم از اینها فرمود که زیرا که رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم میشود و فرزند نمی آورد و حصیری که در ناحیهٔ خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند از او بوجود نیاید پس فرمود که یا علی جماع مکن با زن خود در اول ماه و در میان ماه و آخر ماه که دیوانگی و خوره و خبط دماغ راه می یابد بآن زن و فرزندانش یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزندی بهم رسد احول خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیستی که لال باشد و نگاه نکند احدی بفرج زن خود و چشم بپوشد در آن حالت که نظر کردن در آن حالت باعث کوری فرزند میشود یا علی بشهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد مخنث یا دیوانه باشد یا علی هر که جنب با زن خود در فراش خوابیده باشد قرآن نخواند میترسم که آتشی از آسمان بهر دو نازل شود و بسوزاند ایشانرا یا علی جماع مکن با زن خود مگر آنکه دستمال برای خود داشته باشی و او از برای خود دستمال داشته باشد و هر دو خود را بیک دستمال پاک نکنند که دشمنی در میان شما پیدا میشود و آخر بجدائی میکشد یا علی ایستاده با زن خود جماع مکن که از فعل خرانست و اگر فرزندی بهم رسد مانند خران بر رخت خواب بول کند یا علی در شب عید فطر جماع مکن که چون فرزندی بوجود آید شر بسیار از او بوجود آید یا علی در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید شش انگشت یا چهار انگشت در دست داشته باشد یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلاد و کشندهٔ مردم بود یا رئیس و سرکردهٔ ظلمه بود یا علی در برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزندی بهم رسد همیشه در بدحالی و پریشانی بود تا بمیرد یا علی در میان اذان و اقامت جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید راغب باشد در خون ریختن یا علی چون زنت حامله شود با او جماع مکن بی وضو که اگر چنین بکنی فرزندی که بهم رسد کور دل و بخیل باشد

یا علی در شب نیمهٔ شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد یا علی در روز آخر شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد عشار و یاور ظالمان باشد و هلاک بسیاری از مردم بدست او شود یا علی بر پشت بام خانه جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریاکننده و صاحب بدعت باشد یا علی چون بسفری بروی در آن شب جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید مالش را بناحق صرف کند و اسراف کنندگان برادر شیاطین اند و اگر بسفری روی که سه روز راه باشد جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد یاور ظالمان باشد یا علی در شب دوشنبه جماع بکن که اگر فرزندی بوجود آید حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد یا علی اگر جماع کنی در شب سه شنبه فرزندی که بهم رسد بعد از سعادت اسلام او را شهادت روزی شود و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش جوانمرد و زبانش از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه فرزندی که بهم رسد حاکمی از احکام شرع یا عالمی از علماء باشد و اگر در روز پنجشنبه وقتیکه آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود فرزندی که بهم رسد شیطان نزدیک او نشود تا پیر شود و خدا او را سلامتی در دنیا و دین روزی کند یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه فرزندی که بهم رسد خطیب و سخن گو باشد و اگر در روز جمعه بعد از نماز عصر جماع کنی فرزندی که بهم رسد از دانایان مشهور باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید هست که آن فرزند از ابدال باشد یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیستی که ساحر باشد و دنیا را بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیت را از من بیاموز چنانچه من از جبرئیل آموختم و در حدیث معتبر منقول است که در روز عقد حضرت فاطمه علیها السلام حق تعالی امر کرد سدرة المنتهی را که آنچه داری فرو ریز برای نثار حضرت فاطمه علیها السلام پس آنچه داشت از مروارید و مرجان و جواهر بر اهل بهشت نثار کرد پس حوران آن نثارها را ربودند تا روز قیامت مفاخرت میکنند و بهدیه یکدیگر میفرستند و میگویند که این نثار حضرت فاطمه علیها السلام است و در شب زفاف استر اشهب حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را آوردند و قطیفه بر روی آن انداختند و حضرت فرمود که ای فاطمه سوار شو و سلمان لجام استر را می کشید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم از عقب روان شدند در اثنای راه صدای ملائکه بگوش مبارک آنحضرت میرسید و جبرئیل با هزار ملک و میکائیل با هزار ملک فرود آمدند و گفتند که ما را حقتعالی بجهت زفاف حضرت فاطمه علیها السلام

فرستاده است پس جبرئیل و میکائیل اللّٰه اکبر میگفتند و ملائکه با ایشان موافقت میکردند و باین
سبب سنّت شده است که در زفاف اللّٰه اکبر میگویند و در روایت دیگر منقولست که شخصی
بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ما طعامها بعمل می آوریم و بسیار پاکیزه و خوشبو میکنیم مگر
بوی طعام عروسی از هیچ طعامی نمی آید فرمود زیرا که بر طعام عروسی نسیم بهشت می وزد چون آن طعامی است
که از برای حلال حیا میکنند و در احادیث معتبره وارد شده است که سنّت آنست که عروسی
در شب واقع شود و طعام چاشت پخته شود و در بعضی اخبار وارد شده است که نثار عروسی را میتوان
برداشت اما چون غارت میکنند و از یک دیگر می ربایند کراهت دارد و علما گفته اند که وقتی جایز است
برداشتن که بقرائن معلوم شود که صاحبانش راضی اند که مردم بردارند و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که هرگاه شما را بعروسی بطلبند دیر بروید زیرا که دنیا را بیاد شما می آورد
و چون شما را بجنازه بخوانند زود بروید چون آخرت را بیاد شما می آورد و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله و سلم نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد
کنند و فرمود که هر که در میان راه جماع کند خدا و ملائکه و مردم او را لعنت کنند و حضرت رسول صلی اللّٰه
علیه و آله و سلم فرمود که بیاموزید از کلاغ سه خصلت را پنهان جماع کردن و بامداد بطلب
روزی رفتن و بسیار حذر کردن و حضرت امیر المومنین صلوات اللّٰه علیه و آله فرمود که هرگاه کسی
خواهد که با زن خود نزدیکی کند تعجیل نکند که زنان را کارها می باشد پیش از جماع و هرگاه کسی زنی را ببیند
و خوشش آید پس برود و با اهل خود جماع بکند که آنچه باین هست با آنهم هست و شیطان را بدل خود راه
ندهد و اگر زن نداشته باشد دو رکعت نماز بگذارد و حمد خدا بسیار بگوید و صلوات بر محمد و آل و بفرستد
پس از فضل خدا زنی سوال کند که البته خدا با و عطا میفرماید آنچه او را از حرام باز دارد و در حدیث معتبر
از حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله و سلم منقول است که چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند
مانند دو خر زیرا که اگر چنین کنند ملائکه از ایشان دور می شوند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که جایز نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکه نه سالش تمام شود
پس اگر بکند و عیبی بآن دختر رسد ضامن است و در حدیث دیگر منقول است که مکروه است جماع کردن
میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن آفتاب تا بر طرف شدن سرخی طرف مغرب و در روزیکه آفتاب

آفتاب بگیرد و در شبی که در آن شب ماه بگیرد و در شب یا روزی که در آن روز باد سیاه یا سرخ یا زرد حادث شود و در شب یا روزی که در آن زلزله حادث شود والله که اگر کسی جماع کند درین اوقات پس او را فرزند بهم رسد نه بیند در آن فرزند چیزی که دوست دارد زیرا که آیات غضب آلهی را سهل شمرده است و در فقه الرضا مسطور است که چون بعد از غسل دادن میت پیش از آنکه غسل مس میت کنی خواهی که جماع کنی اول وضو بساز و بعد از آن جماع کن و از حضرت امیر المومنین علیه السلام مرویست که هرگاه کسی را در روی بهم رسد با حرارت و در مزاجش غالب شود پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که با زن خود در حالت خضاب جماع کند فرزندیکه بهم رسد مخنث باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که زن آزاد در برابر زن آزاد دیگر جماع مکن اما کنیز را در برابر کنیز دیگر جماع کردن باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت صادق علیه السلام هرگاه که بعد از جماع پیش از غسل اراده و نزدیکی میکردند اول وضو می ساختند و در روایت دیگر منقول است که اگر کسی انگشتری با او باشد که بران نام خدا نقش کرده باشند جماع نکند

فصل پنجم در آداب نماز و دعا در شب زفاف و در وقت مقاربت زنان در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون عروس را بنزد تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو بسازد و تو هم وضو بساز و دو رکعت نماز کن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس حمد آلهی بگو و صلوات بر محمد و آلش بفرست پس دعا کن و امر کن زنان را که با او آمده اند که آمین بگویند و اینهم دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي اِلْفَهَا وَ وُدَّهَا وَ رِضَاهَا وَ اَرْضِنِي بِهَا وَ اجْمَعْ بَيْنَنَا بِاَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَ اَيْسَرِ ائْتِلَافٍ فَاِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَ تُكْرِهُ الْحَرَامَ بعد از آن فرمود که الفت از جانب خدا است و دشمنی از جانب شیطان است که میخواهد که آنچه را خدا حلال گردانیده مکروه طبع مردم گرداند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون در شب زفاف نزد عروس بروی موی پیشانیش را بگیر و رو بقبله آور و بگو اَللّٰهُمَّ بِاَمَانَتِكَ اَخَذْتُهَا وَ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا فَاِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ مُبَارَكًا تَقِيًّا مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًا وَ لَا نَصِيبًا و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که دست بر بالای پیشانیش بگذار و بگو اَللّٰهُمَّ عَلٰى كِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهَا وَ فِي اَمَانَتِكَ اَخَذْتُهَا وَ بِكَلِمَاتِكَ

اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئاً فَاجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِيّاً وَلَا تَجْعَلْهُ شِرْكَ شَيْطَاناً راوی پرسید که فرزند چگونه شریک شیطان میشود فرمود که اگر در وقت جماع نام خدا بروند شیطان دور میشود و اگر نه برند ذکر خود را با ذکر آن شخص داخل میکند پس جماع از هر دو می باشد و نطفه یکی است پرسیدند که بچه چیز میتوان دانست که شیطان در کسی شریک شده است فرمود که هر که ما را دوست میدارد شیطان با و شریک نشده است و هر که دشمن ما است شریک او شده است و برین مضمون احادیث از طرق عامه و خاصه بسیار وارد شده است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که در وقت زفاف این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَبِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وَلُوداً وَدُوداً لَا تَفْرُكُ تَأْكُلُ مِمَّا رَاحَ وَلَا تَسْأَلُ عَمَّا سَرَحَ و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این دعا بخواند بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا وَفِي أَمَانَةِ اللّٰهِ أَخَذْتُهَا اَللّٰهُمَّ إِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئاً فَاجْعَلْهُ بَارّاً تَقِيّاً وَاجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِيّاً وَلَا تَجْعَلْ فِيهِ شِرْكاً لِلشَّيْطَانِ و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان کردند و بسیار عظیم شمردند راوی گفت که چه باید کرد که این واقع نشود فرمود که هرگاه اراده جماع داشته باشی بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ اَللّٰهُمَّ إِنْ قَضَيْتَ مِنِّي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ خَلِيفَةً فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكاً وَلَا نَصِيباً وَلَا حَظّاً وَاجْعَلْهُ مُؤْمِناً مُخْلِصاً مُصَفًّى مِنَ الشَّيْطَانِ وَرِجْزِهِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ و در حدیث دیگر فرمود که چون خواهد که شیطان شریک نشود بگوید بِسْمِ اللّٰهِ و پناه برد بخدا از شر شیطان و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که چون کسی اراده جماع داشته باشد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِي الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي پس اگر فرزندی بوجود آید شیطان هرگز با و ضرر نرساند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون اراده جماع کنی این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَداً وَاجْعَلْهُ تَقِيّاً زَكِيّاً لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ

فصل ششم در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام ایشان از حضرت محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حقتعالی برای زنان غیرت جائز نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است زیرا که

از برای مردان چهار زن و از متعه و کنیز آنچه خواهد حلال گردانیده است و از برای زن بغیر یک شوهر حلال نگردانیده است اگر شوهر دیگر طلب کند یا ارادهٔ آن نماید نزد خدای تعالی از زناکار است و غیرت و رشک نمی برند مگر زنان بد و زنان مومنه صاحب رشک نمی باشند و در حدیث معتبر دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که رشک بردن زنان از بسیاری دوستی ایشان است نسبت بشوهران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که گفتن مرد با زن که ترا دوست میدارم هرگز از دل او بدر نمیرود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و گفت یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن حضرت فرمود که لازم است اطاعت شوهر نماید و نافرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت او تصدق نکند و روزه سنت بی رخصت او نگیرد و هر وقت که ارادهٔ نزدیکی او کند مضایقه ننماید اگرچه بر پشت پالان شتر باشد و از خانه شوهر بی رخصت او بدر نرود اگر بدر رود بی رخصت او ملائکهٔ آسمان و زمین و ملائکهٔ غضب و ملائکهٔ رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد و گفت یا رسول الله حق که بر مرد عظیم تر است فرمود که حق پدر گفت حق که بر زن عظیم است فرمود که حق شوهر پرسید که من بر شوهر آنقدر حق ندارم که او بر من دارد فرمود نه از صدیکی نیز آن زن گفت قسم میخورم بآن خدائی که ترا بحقیقت فرستاده است که هرگز شوهر نکنم و در حدیث دیگر منقول است که زنی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمد و سوال کرد از حق شوهر بر زن فرمود که زیاده از آن است که توان گفت پس فرمود که از جملهٔ حقها آنست که روزهٔ سنت بی رخصت او ندارد و از خانه بی رخصت او بدر نرود و به نیکوترین بوهای خوش خود را خوشبو کند و به نیکوترین جامه ها خود را بپوشد و به بهترین زینت ها خود را بیاراید و هر بامداد و شام خود را بر او عرض کند که اگر ارادهٔ جماع داشته باشد یا نکند و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز بی رخصت او بکسی ندهد و اگر بدهد گناهش از برای آن زن است و ثوابش از برای شوهر و هیچ شب نخوابد که شوهر از و خشمناک باشد زن گفت هرچند شوهر بر و ظلم کرده باشد فرمود که بلی و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر زنی که شب بسر آرد و شوهر از و آزرده باشد نمازش مقبول نباشد تا شوهر از و راضی شود و هر زنی که بوی خوش برای غیر شوهر خود بکند نمازش مقبول نشود تا آن بوی خوش را از خود بشوید و فرمود که سه کس اند که هیچ عمل ایشان بالا نمیرود غلام

گریخته و زنی که شوهرش از او راضی نباشد و کسیکه جامهٔ خود را از روی تکبر بلند آویخته باشد و در احادیث معتبره وارد شده است که جهاد مردان آنست که جان و مال خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته شوند و جهاد زنان آنست که بر آزار شوهران و غیرت آوردن ایشان صبر کنند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اگر امر میکردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هر آئینه میگفتم که زنان برای شوهران سجده کنند و فرمود که زن نماز خود را طول ندهد برای آنکه منع کند شوهر خود را از آنچه از و میخواهد و فرمود که هر زنی که شوهر او را برای مجامعت بطلبد و او تاخیر کند تا شوهر بخواب رود پیوسته ملائکه او را لعنت کنند تا شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح منقول است که زن از مال خود هم هیچ چیز بی رخصت شوهر نمیتواند داد مگر حج یا زکوة یا نیکی به پدر و مادر خود یا صله و احسان بخویشان و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر زنی که بشوهر بگوید که من هرگز از تو نیکی ندیده ام ثواب عملهایش همه برطرف شود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حق زن بر مرد آنست که عورتش را سیر کند و بدنش را بپوشاند و اگر بدی بکند بر و ببخشد و عفو کند و در حدیث دیگر منقولست که رو ترش نکند نزد او و یک روز نه یک روز روغن برای مالیدن بدن باو بدهد و هر سه روز یکمرتبه گوشت از برای او بیاورد و رنگ مانند وسمه و حنا هر شش ماه یکبار باو بدهد و در هر سال چهار جامه اش بدهد دو از برای زمستان و دو از برای تابستان و باید که خانه اش خالی نگذارد از روغن برای مالیدن سر و از سرکه و زیت و روزی یک من کهنه قوت باو بدهد و میوه ها که همه کس از آنها خورند باو بخوراند و در عیدها زیاده از اوقات دیگر خوردنی از برای او بگیرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بترسید از خدا در حق دو ضعیف یتیمان و زنان و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین شما آن کسی است که با زنان بهتر سلوک کند و فرمود که عیال مرد اسیران اویند و محبوب ترین نزد خدا کسی است که احسان با اسیران خود بیشتر کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موجب هلاک صاحب مردیست که در شهری که زنش در آن شهر باشد شب در خانه دیگر بخوابد و نزد او نیاید و حضرت امیر المومنین علیه السلام وصیت نمود بحضرت امام حسن علیه السلام که زنهار مشورت با زنان مکن که رای ایشان ضعیف است و عزم ایشان سست است و ایشان را پیوسته در پرده بدار و بیرون مفرست و تا توانی چنان کن که بغیر از تو مردی را نشناسند و بایشان خدمتی که بغیر از آنچه تعلق بایشان دارد مگذار که این بهتر برای حال ایشان و خوشنودی ایشان و حسن و جمال

ایشان بهتر است زیرا که زن کاست خدمتگار نیست و همین خود شش را گرامی دارد و سخن او را در حق دیگران قبول مکن و خود را بدست او بسیار مده و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که زنان را در غرفه و بالاخانه جا مدهید و چیزی نوشتن بایشان میاموزید و سورهٔ یوسف بایشان تعلیم مکنید و چرخ رشتن ایشان را بیاموزید و سورهٔ نور بایشان تعلیم کنید و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از انکه زنان را بر زین سوار کنند و فرمود که در نیکی اطاعت زنان مکنید تا آنکه بطمع نیفتند در امر کردن شما به بدیها و بخدا پناه ببرید از بدان ایشان و از نیکان ایشان در حذر باشید و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که راز نی با ایشان مگوئید و در بارهٔ خویشان باشما انچه گویند اطاعت مکنید و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که هر که کارهای او را زنی تدبیر کند ملعون است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم چون ارادهٔ جنگ داشتند با زنان خود مشورت میکردند انچه ایشان میگفتند خلاف ایشان میکردند و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هر که اطاعت زن خود بکند خدا او را سرنگون بجهنم اندازد گفت یا رسول الله این اطاعت کدام است فرمود که از و رخصت طلبد برای سیر و حمام و عروسیها و عیدگاهها و عزاها برود و او رخصت بدهد جامه های نازک از و طلبد که در بیرون بپوشد برای او بگیرد و در حدیث دیگر فرمود که زن مثل استخوان کج پهلوست که او را بحال خود بگذاری منتفع میشوی و اگر خواهی راست کنی می شکند پس صبر کن بر ناخوشیهای ایشان بدانکه از جملهٔ حقوق زن بر مرد آنست که هر چهار ماه یکمجامعت با او جماع کند اگر حاضر باشد و عذری نداشته باشد و این واجب است و اگر چند زن داشته باشد پیش یک زن یک شب بخوابد واجب است که پیش زنهای دیگر هر یک یک شب بخوابد و جمعی را اعتقاد آنست که مطلقا واجب است که پیش هر زنی از چهار شب یک شب بخوابد خواه یک زن داشته باشد خواه زیاده و این احوط است و در کنیز و متعه اینها واجب نیست اما بهتر آنست که کنیزی که داشته باشد خود و مع شهوت او بکند یا او را بشوهر دهد و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر نکند و آنها زنا کنند گناهش بر و است و مشهور میان علما آنست که اگر کسی زنی داشته باشد و زن دیگر بخواهد اگر باکره است تا هفت شب مخصوص اوست و اگر غیر باکره است تا سه شب فصل هفتم در بیان دعاهای طلب فرزند و فضیلت آنها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که فرزند صالح

گلیست از گلهای بهشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است و فرمود که فرزند بسیار بهم رسانید که من به بسیاری شما در قیامت مباهات خواهم کرد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که بیماری که بفرزند میرسد کفارهٔ گناه پدر و مادر اوست و در حدیث صحیح منقول است که روزی جبرئیل علیه السلام نازل شد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر المومنین علیه السلام ناله میکردند جبرئیل از سبب آن پرسید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که دو طفل ما آزار داشتند و بگریهٔ ایشان متاذی شدیم جبرئیل علیه السلام گفت که یا محمد حقتعالی برای فرزندان شما شیعه چند برانگیزد که چون اطفال ایشان گریه کنند تا هفت سال گریهٔ ایشان لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰه باشد و چون هفت سال بگذرد گریهٔ ایشان طلب آمرزش باشد برای پدر و مادر پس چون بحد بلوغ برسند پدر و مادر ایشان خیر بکنند در ثواب باشند و در گناه شریک نباشند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که زن از روزیکه حامله میشود تا روزی که وضع حملش میشود و تا فرزند را از شیر باز میگیرد مثل ثواب کسی دارد که در سرحد کافران مرابطه نماید و دفع ضرر ایشان از مسلمانان کند و اگر در این مابین بمیرد ثواب شهیدان دارد و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حضرت عیسی بقبری گذشت که صاحبش را عذاب میکردند پس در سال دیگر بهمان قبر گذشتند صاحبش را عذاب نمیکردند از آن حال سوال کرد از پروردگار خود وحی باو رسید که در این سال فرزندی شایسته از او بحد بلوغ رسیده و راهی را اصلاح کرده و یتیمی را جا داده به این سبب او را از کردهٔ فرزندش آمرزیدیم پس حضرت فرمود که میراث الهی که از برای خدا از بنده میماند فرزندیست که بعد از او بعبادت خدا قیام نماید و در روایت دیگر منقولست که کسیکه فرزند بمیرد گویا هرگز در میان مردمان نبوده است و کسی که بمیرد و فرزندی از او بماند گویا نمرده است و در حدیث صحیح معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که حقتعالی بر دختران مهربانتر است از پسران و هر مردی که شادی برساند بزنی که با او خویشی داشته باشد و محرم او باشد خدای تعالی او را در قیامت شاد گرداند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دختران حسنات اند و پسران نعمت اند و خدا بر حسنات ثواب میدهد و از نعمت سوال میکند و آنحضرت به یکی از اصحاب خود فرمود که شنیده ام که دختری بهم رسانیده و نمیخواهی او را چه ضرر دارد بتو گلیست که او را بو میکنی و روزیش بر خداست و حضرت رسول پدر دختران بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابراهیم از پروردگار خود سوال کرد که دختری او را مرثیه کند

که بعد از مرگ بر او گریه کنند و فرمود که هر که آرزوی مرگ دختران خود کند و بمیرد ثواب نداشته باشد و در قیامت نزد خدا عاصی باشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود خبر باو رسید که دختری برای او متولد شده است رنگش متغیر شد حضرت فرمود که زمین او را برمیدارد و آسمان بر او سایه می افکند و خدا روزیش میدهد و گلیست او را میبوئی پس باصحاب خود رو کردند و فرمودند که هر که یک دختر دارد بارش گران است و هر که دو دختر دارد بخدا استغاثه کند که بفریاد او برسید و کسیکه سه دختر داشته باشد جهاد و سایر آزارها از او بردارند و کسیکه چهار دختر داشته باشد ای بندگان خدا او را یاری کنید ای بندگان خدا او را قرض بدهید ای بندگان خدا او را رحم کنید و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که هر که سه دختر یا سه خواهر خود را نفقه دهد بهشت او را واجب شود و بعد از آن فرمود که هر که دو تا یا یکی را هم نفقه بدهد بهشت او را واجب شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرگاه کسی را دیر فرزند بهم رسد باید این دعا بخواند اللّٰهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْداً وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَحِيداً وَحْشاً فَيَقْصُرَ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي بَلْ هَبْ لِي عَاقِبَةَ صِدْقٍ ذُكُوراً وَإِنَاثاً أَنِسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَأَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرُكَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ يَا وَهَّابُ يَا عَظِيمُ يَا مُعَظَّمُ ثُمَّ أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ شُكْراً حَتَّى تُبَلِّغَنِي مِنْهَا رِضْوَانَكَ فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَوَفَاءٍ بِالْعَهْدِ و در حدیث حسن دیگر فرمود که برای طلب فرزند این دو آیه در سجده بخوان رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْداً وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و در روایت دیگر فرمود که هر که خواهد که زنش حامله شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز بگذارد و رکوع و سجود را طول بدهد پس بگوید اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ زَكَرِيَّا رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْداً وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ اللّٰهُمَّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا وَلَداً فَاجْعَلْهُ غُلَاماً مُبَارَكاً زَكِيّاً وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكاً وَلَا نَصِيباً و در روایت دیگر منقولست که ابرش کلبی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود که در هر روز یا هر شب صد نوبت استغفار بکن و بهتر آنست که أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگوید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که هر صبح و شام هفتاد نوبت سُبْحَانَ اللّٰهِ بگوید و ده نوبت أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگوید پس سه

مرتبه سبحان الله بگوید پس یک نوبت أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگوید راوی گوید که جمعی کثیر باین
عمل مداومت نمودند فرزندان بسیار بهم رسانیدند و در هر یک از اینها بگفتن أَسْتَغْفِرُ اللهَ تنها
اکتفا میتوان کرد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که از برای
فرزندان در سحر استغفار صد مرتبه بکن و اگر نشی فراموش کنی در وقت دیگر قضا کن و شخصی دیگر با آنحضرت
شکایت کرد که مرا فرزند نمی شود فرمود که چون اراده جماع کنی بگو اللَّهُمَّ إِنْ رَزَقْتَنِي ذَكَراً
سَمَّيْتُهُ مُحَمَّداً و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت
کرد که من همیشه بیمارم و مرا فرزند نمی شود فرمود که در خانه خود صدا باذان گفتن بلند کن چنان کرد
بدنش صحت یافت و فرزندان بسیار بهم رسانید و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمی شود فرمود که چون خواهی که نزد زن بروی این سه
آیه بخوان که انشاء الله ترا فرزندی کرامت میکند وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ
نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ
رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْداً وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و در حدیث دیگر فرمود که هر که را فرزند نشود نیت کند
که اگر مرا فرزند شود علی نام خواهم کرد اگر چنین کند خدا او را پسری روزی کند و از حضرت امام زین العابدین
علیه السلام منقولست که هر که این دعا را بسیار بخواند هر چه خواهد از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت باو عطا
فرماید رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْداً وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيّاً يَرِثُنِي فِي
حَيَاتِي وَيَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ مَوْتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقاً سَوِيّاً وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيباً
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ و از برای فرزند هفتاد مرتبه
این دعا بخواند از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه زنی را حمل باشد و چهار ماه برو بگذرد بدروی
او را بقبله کن و آیة الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ سَمَّيْتُهُ مُحَمَّداً
یعنی خدایا من او را محمد نام کردم چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند پس اگر او را محمد نام کند
مبارک باشد و اگر او را محمد نام نکند و نام دیگر بگذارد خدا اگر خواهد او را بگیرد و اگر خواهد باو ببخشد و در
چند حدیث معتبر وارد شده است که هر که زن او حملی داشته باشد و عزم کند که او را محمد یا علی نام کند او را

پسر شود و در حدیث دیگر آنست که او را علی نام کن که عمرش دراز تر باشد و در کتاب طب الائمه
روایت کرده که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از کمی فرزند حضرت فرمود
که سه روز بعد از نماز صبح و خفتن هفتاد مرتبه سُبْحانَ اللّٰهِ و هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ بگو و بعد از آن
این آیه بخوان اِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ اِنَّهُ كانَ غَفّاراً يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْراراً وَيُمْدِدْكُمْ
بِاَمْوالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ اَنْهاراً پس در شب سوم با زن خود جماع کند که
خدا پسری که خلقتش درست باشد بتو عطا فرماید و در کتاب نوادر الحکمه روایت کرده است که شخصی
بنزد امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت یا بن رسول الله هفت دختر بهم رسانیده ام و روی پسر
تا حال ندیده ام حضرت فرمود که وقتیکه میان پای زن نشینی دست راست خود را بر جانب راست
ناف زن بگذار و سورهٔ انا انزلناه هفت نوبت بخوان و بعد از آن جماع کن و چون اثر حمل ظاهر شود
در شبها دست بر جانب راست ناف او بگذار و هفت مرتبه سورهٔ انا انزلناه را بخوان آن مرد
گفت چنین کردم حقتعالی مرا هفت پسر بهم روزی کرد و از حضرت امام حسن علیه السلام منقولست
که هر که فرزند خواهد باید که استغفار بسیار بگوید **فصل هشتم** در بیان احکام ایام حمل و آداب روز
ولادت و نام نهادن طفل از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن حامله به دانه بخورد تا فرزند
خوشبوتر و رنگ فرزندش صاف تر باشد و بسند معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم فرمود اول چیزیکه زن زائیده بخورد باید که رطب باشد چنانچه حق سبحانه تعالی بحضرت مریم
فرمود بعد از زائیدن حضرت عیسی علیه السلام رطب بخور گفتند اگر آنوقت رطب نباشد چه کنند
فرمود که نه دانه خرمای مدینه بخورد اگر نباشد نه دانه از خرماهای که باشد بخورد بدرستیکه حقتعالی میفرماید
که بعزت و جلال خودم سوگند که هر زن تازه زائیده که رطب بخورد فرزند او را بردبار گردانم و در حدیث معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که بزنان حامله کندر بخورانید بدرستیکه چون
طفل در شکم مادر کندر غذا شود دلش محکم و عقلش زیاده میشود و اگر پسر باشد شجاع میشود و اگر دختر باشد
سرینش بزرگ میشود و بسبب این نزد شوهر عزیز میباشد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت علی
بن الحسین علیهما السلام چون وقت ولادت زن می شد میفرمود که زنان را از خانه بیرون کنید که اول مرتبه
نظر بر عورت طفل نیفتد و منقولست که چون بآنحضرت بشارت فرزند میدادند نمی پرسید که پسر است

یا دختر بلکه اول می‌پرسید که خلقتش درست است پس اگر می‌گفتند که درست است و عیبی در خلقتش
نیست می‌فرمود اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَخْلُقْ مِنِّیْ شَیْئًا مُشَوَّهًا یعنی سپاس مر خداوندی را که
از من نیافرید فرزندی که قبیح و معیوب باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
چون فرزند متولد شود بقدر عدسی از جاوشیر بگیر و در آب حل کن و دو قطره در بینی راست و یک قطره
در بینی چپ او بریز و در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامت بگو پیش از آنکه نافش ببرند
که اگر چنین کنی هرگز ترس باو نرسد و ام الصبیان باو ضرر نرساند و در حدیث دیگر فرمود که قابله یا
دیگری را بگویند که اقامت در گوش راستش بگوید که هرگز ضرر جنیان باو نرسد و دیوانه نشود و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کام طفل را بآب فرات بردارید و بگوشش اقامت بگوئید و در
روایت دیگر وارد شده است که کامش را بآب فرات و به تربت قبر امام حسین علیه السلام بردارید
و اگر آب فرات نباشد بآب باران بردارید و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که
کام فرزندان خود را بخرما بردارید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین کرد با حسن و حسین و
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هر که فرزندش متولد شود باید که اذان در گوش راست
و اقامت در گوش چپ او بگوید که نگاهدارنده اوست از شر شیطان و از حدیث ولادت
حسنین علیهما السلام ظاهر می‌شود که مکروه است طفل را در ابتدای ولادت در جامهٔ زرد
پیچیدن و سنت است در جامهٔ سفید پیچیدن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
کام طفل خود را بتربت امام حسین علیه السلام بردارید که امان میدهد او را از دردها و بلاها و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که شخصی را تهنیت فرمود برای پسری که خدا باو عطا کرده بود و گفت
رَزَقَكَ اللّٰهُ شُكْرَ الْوَاهِبِ وَبَارَكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ وَبَلَّغَهُ اَشُدَّهُ وَرَزَقَكَ
بِرَّهُ یعنی خدا روزی کند ترا شکر آن بخشاوندی که فرزند را بتو بخشیده است و برکت دهد برای تو در آنچه
بتو بخشیده و او را بنهایت قوت برساند و روزی کند ترا نیکی او یعنی بتو نیکوکار باشد و نزدیک باین
عبارت بسند بسیار از حضرت امام حسن علیه السلام وارد شده است و ابن ادریس علیه الرحمه در کتاب
سرائر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه دشوار شود بر زن زائیدن
بنویس از برای او این آیات را بر پوست و بریسمانی به بند بر ران راستش و چون وضع حملش شود باز کن

آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة
من نهار کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرأة عمران رب
انی نذرت لک ما فی بطنی محررا و مؤلف کتاب طب الائمة علیهم السلام روایت کرده است
که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت زن من از زور زائیدن مشرف شده
است بر مردن حضرت فرمود که برو و این آیه را بخوان فاجاءها المخاض الی جذع النخلة قالت
یا لیتنی مت قبل هذا وکنت نسیا منسیا فناداها من تحتها الا تحزنی قد جعل ربک
تحتک سریا وهزی الیک بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا پس باواز بلند بگو والله اخرجکم
من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا وجعل لکم السمع والابصار والافئدة لعلکم
تشکرون کذلک اخرج ایها الطلق اخرج باذن الله چون بخوانی در ساعت نجات
یابد بیاری خدا و بسند دیگر از آنحضرت روایت کرده است که از برای دشوار زائیدن این آیات را در
ظرف پاکیزه بمشک و زعفران بنویسد و باب چاه بشوید و بخورد آن زن بدهد و بر شکم و فرجش بپاشد
کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون
لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون لقد کان فی
قصصهم عبرة لاولی الالباب ما کان حدیثا یفتری ولکن تصدیق الذی بین
یدیه وتفصیل کل شیء وهدی ورحمة لقوم یؤمنون و بسند دیگر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده که این آیات را برای حامله بر کاغذی بنویسد در وقتیکه داخل
شود در ماهی که در آن ماه وضع حمل او بشود و چیزی بر آن بپیچد اما گره بر آن نزند و بر کمر آن زن ببندد
چون چنین کند درد و آزار زائیدن باو نرسد و بعد از زائیدن بزودی بگشاید و یک ساعت باو
نگذارد و آیات اینست اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما
وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم
مظلمون والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم والقمر قدرناه منازل
حتی عاد کالعرجون القدیم لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر ولا اللیل سابق النهار
وکل فی فلک یسبحون وآیة لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون وخلقنا لهم من

مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ و در پشت کاغذ این آیات را بنویسد كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که راست ترین نامها نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند مثل عبد الله و بهترین نامها نام پیغمبران است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که فرزند را در شکم مادر نام بگذارید و اگر نام نگذارید و سقط شود در قیامت با پدر خود بگوید که مرا چرا نام نگذاشتی و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم محسن فرزند حضرت فاطمه را در شکم نام گذاشت و محسن آن فرزند است که بعد از رسول خدا ﷺ در شکم بود که او را عمر شهید کرد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که اول نیکی که پدر با فرزند خود کند آنست که او را نام نیک بگذارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که چهار فرزند از برای او بوجود آید و هیچیک را بنام من مسمی نسازد مرا جفا کرده است و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که فقر و پریشانی داخل خانه نمی شود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله یا فاطمه بوده باشد و در حدیث معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت مرا پسری بهم رسیده است چه نامش کنم فرمود که نامش کن او را به بهترین نامها نزد من و آن حمزه است و از جابر منقول است که گفت با حضرت امام محمد باقر علیه السلام بخانه شخصی رفتیم طفلی بیرون آمد حضرت از او پرسیدند چه نام داری گفت محمد پرسیدند چه کنیت داری گفت ابو علی حضرت فرمود که خود را از حصار شیطان در حظیرهٔ محکمی درآورده بدرستیکه هرگاه شیطان میشنود که کسی را آواز میکنند یا محمد یا علی آب میشود چنانچه قلعی آب میشود تا آنکه نمیشنود که

کسی را آواز میکنند بنام یکی از دشمنان ما شاد میشود و فخر میکنند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت که خدا بمن پسری داده است فرمود که مبارک باشد چه نام کردی
او را گفت محمد حضرت سر را بجانب زمین فرود آوردند و مکرر اسم محمد را میگفتند تا آنکه نزدیک شد
که روی مبارک ایشان بزمین برسد پس فرمود که جان خودم و فرزندانم و زنانم و پدر و مادرم و جمیع
اهل زمین فدای حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم باد اما چون او را چنین نام کرده پس او را دشنام
مده و او را مزن و بد مرسان بدانکه هیچ خانه نیست که در ان اسم محمد باشد مگر آنکه هر روز آن خانه را مقدس
و مطهر گردانند و در چندین حدیث وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی
فرموده است از نام گذاشتن باسم حکم و حکیم و خالد و مالک و نهی فرموده از چهار کنیت ابو عیسی و ابو الحکم و
ابو المالک و ابو القاسم در وقتیکه نام و کنیت هر دو موافق حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم باشد
و فرمود که دشمن ترین نامها نزد خدا حارث و مالک و خالد است و در حدیث وارد شده است که یاسین نام
نکنید که مخصوص حضرت پیغمبر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر گروهی
که جمع شوند برای مشورت و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا احمد یا محمود باشد
البته که انچه خیر است رای ایشان بران قرار میگیرد و فرمود فرزندی را که محمد نام کنید او را گرامی
دارید و جا از برای او در مجلس بگشائید و رو بسوی او ترش مکنید و فرمود هر اهل بیتی که در میان
ایشان نام پیغمبری باشد البته حقتعالی هر روز در صبح و پسین ملکی میفرستد که دعا کند برای ایشان
بتقدس و پاکی و در فقه الرضا مذکور است که نام را در روز هفتم تعیین کنید بدانکه از جمله اعمالی که در روز
ولادت سنت مؤکده است غسل دادن طفل است و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که
نیت کند که غسل میدهم این طفل را از برای رضای خدا و سر و گردنش را اول بشوید بعد از ان جانب
راستش و بعد از ان جانب چپش را **فصل نهم در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب هر یک از آنها** بدانکه عقیقه
فرزند سنت مؤکده است بر کسیکه قادر بران باشد و بعضی از علما واجب میدانند و بهتر آنست که
در روز هفتم واقع شود و اگر تاخیر کند از روز هفتم تا بلوغ طفل بر پدر سنت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر
بر خود شخص سنت است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که عقیقه واجب است بر کسیکه
او را فرزندی بهم رسد و در احادیث بسیار منقول است که هر فرزندی در گرو عقیقه است یعنی اگر

میکند او در معرض مردن و انواع بلاها است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقیقه
لازم است بر کسیکه غنی باشد و کسیکه فقیر باشد بعد از آن که بهم رساند بکند و اگر بهم نرساند بر وی چیزی نیست
و اگر عقیقه برای فرزند نکنند و هر وقتیکه قربانی برای او بکنند قربانی از عقیقه مجزی است و در
حدیث دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوسفند برای عقیقه بدست ما
نیامد چه میفرمائید که تصدق کنیم قیمتش را فرمود که نه طلب کنید تا بیابید که خدا دوست میدارد خورانیدن
طعام و ریختن خون را و در حدیث دیگر وارد شده است که پرسیدند از حضرت فرزندی که بمیرد در روز هفتم
عقیقه اش می باید کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه دارد و در حدیث
معتبر از عمر بن یزید منقول است که بخدمت آنحضرت عرض کرد که نمیدانم که پدرم برای من عقیقه کرده است
یا نه فرمود که عقیقه بکن پس او در پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است
که فرزند را روز هفتم نام بگذارید و عقیقه بکنید و سر تراشید و موی سرش را بنقره بکشید و آن نقره را
تصدق بکنید و یک ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده است در زائیدن بفرستید و باقی را بخورد مردم
بدهید و تصدق بکنید و در حدیث موثق دیگر فرمود که هر گاه پسری یا دختری برای تو متولد بشود عقیقه
میکنی در روز هفتم گوسفندی یا شتری و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و بوزن موی سرش
طلا یا نقره تصدق کن و در حدیث دیگر وارد شده است که ربع گوسفند را بقابله بدهند و اگر قابله
زائیده باشد آن جزء را بمادر دهند که هر که خواهد بدهد و اقلا بخورد و کسی از مسلمانان بدهند و هر چند زیاده باشد
بهتر است و خود از گوشت عقیقه نخورد و اگر قابله زن یهودیه باشد قیمت ربع گوسفند را با و بدهند و
مشهور میان علماء آنست که عقیقه شتر یا گوسفند یا بز میباشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در روز ولادت امام حسین علیه السلام اذان در گوش ایشان
گفتند و حضرت فاطمه صلوات الله علیها در روز هفتم عقیقه برای ایشان کردند و بقابله پای گوسفند را دادند
و یک اشرفی و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا در ششم باشد یا بیشتر و اگر بز باشد یک ساله یا در دوم باشد
یا بیشتر و اگر گوسفند باشد اقلا ششماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و باید که
خصیه اش را نکشیده باشند و بهتر آنست که نمالیده باشند و مغز شاخش نشکسته باشد و گوشش نبریده
باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و لنگ بسیار نباشد که چنان راه رفتن نتواند باشد و در حدیث معتبر از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد خوب است غرضکه
گوشتش هرچند که فربه باشد بهتر است و مشهور میان علما آنست که سنت است که عقیقهٔ پسر نر باشد
و عقیقهٔ دختر ماده باشد و گمان فقیر آنست که از برای هر دو گوسفند نر خوب است موافق احادیث بسیار
و از برای هر دو گوسفند ماده هم خوب است و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر
آنست که از طعامی که در آن گوشت را پخته باشند نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر است
و بهتر آنست که عیال پدر و مادر هم که در خانهٔ ایشان می باشند از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است
که استخوانهایش را نشکنند بلکه از بندها جدا کنند و سنت است که بپزند و خام تصدق نکنند و اقلش
آنست که باب و نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد و اگر خام تصدق کنند این هم خوب است
و اگر حیوان عقیقه بهم رسد قیمتش را تصدق کردن فائده ندارد بلکه باید صبر کنند تا بهم رسد و شرط نیست که
جماعتی که بخوردن عقیقه بهم رسند فقیر باشند اما اصلح و فقرا طلبیدن بهتر است و مشهور آنست که سنت
است اول سر تراشند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث وارد شده است که سر تراشیدن و عقیقه را
کشتن و موی سر را بطلا یا نقره کشیدن و تصدق نمودن در یک جا و یک وقت می باید کرد و در سر تراشیدن
سنت است که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند و در روایتی وارد شده است که طفلی را نزد
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آوردند که از برای او دعا کنند و آن طفل کاکل داشت حضرت
از برای او دعا نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند و در روایتی وارد شده است که حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو گیسو در دو جانب چپ سر ایشان
گذاشتند و در روایت دیگر در میان سر و ممکن است که این مخصوص ایشان باشد یا آنکه در تراشیدن
اول کراهیت داشته باشد و در روایتی وارد شده است که سنت است که زعفران بعد از سر
تراشیدن بر سر او بمالند و در احادیث بسیار نهی وارد شده است از مالیدن خون عقیقه بر سر طفل
که این از عمل جاهلیت است و در روایت معتبره مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا بخوانند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ عَقِیقَةٌ عَنْ فُلَانٍ نام او را
بگیرد و بگوید لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ
صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ و در روایت معتبر دیگر فرمود که این دعا بخوانند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

والله اکبر ایماناً بالله و ثناءً علی رسول الله صلی الله علیه و آله و العصمة لامره و الشکر لرزقه و المعرفة بفضله علینا اهل البیت پس اگر پسر باشد بگوید اللهمّ انّک وهبت لنا ذکراً و انت اعلم بما وهبت و منک ما اعطیت و کلّ ما صنعنا فتقبّله منّا علی سنّتک و سنّة نبیّک و رسولک صلّی الله علیه و آله و اخسأ عنّا الشیطان الرجیم لک سفکت الدّماء لا شریک لک و الحمد لله ربّ العالمین اللهمّ لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها بعظمه و شعرها بشعره و جلدها بجلده اللهمّ اجعلها وقاءً لفلان ابن فلان و بجای فلان ابن فلان نام طفل و پدرش را بگوید و در حدیث موثق دیگر فرمود که این دعا بخوانند یا قوم انّی بریءٌ ممّا تشرکون انّی وجّهت وجهی للّذی فطر السّموات و الارض حنیفاً مسلماً و ما انا من المشرکین انّ صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله ربّ العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین اللهمّ منک و لک بسم الله و بالله و الله اکبر اللهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و تقبّل من فلان ابن فلان بجای این نام فرزند و پدرش را ببرد و بس آنرا بکشد

فصل دوم در ختنه کردن پسران و دختران و سوراخ کردن گوش ایشان و آداب هر یک بدانکه در روز هفتم سنّت مؤکده است ختنه کردن پسران و اگر در روز هفتم نکنند هم سنّت است بعد از آن تا بالغ شدن طفل و بعد از بالغ شدن بر خودش واجب است و بعضی گفته اند نزدیک بلوغ بر ولی طفل واجب است و ختنه کردن دختران نیز سنّت و مستحب است که اندکی ببرند و بسیار نبرند و سوراخ کردن نرمهٔ گوش راست و بالای گوش چپ از برای پسران سنّت است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ختنه کنید فرزندان خود را در روز هفتم که بیشتر پاکیزه میکند بدن طفل را و گوشت در بدن او زودتر میروید و زمین کراهیت دارد از بول کسیکه ختنه اش نکرده باشند و فرمود که گوش پسر را سوراخ کردن و در روز هفتم ختنه کردن از سنّت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که زمین نجس می شود از بول کسیکه ختنه اش نکرده باشند تا چهل روز و در حدیث صحیح دیگر فرمود که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول او و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که ختنه را در روز هفتم ختنه کردن سنّت است و اگر پس اندازند هم باکی نیست و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله

علیه و آله فرمود که کسیکه مسلمان شود ختنه اش کنند اگرچه هشتاد ساله باشد و در چند حدیث
وارد شده است که ختنه کردن مردان سنت است و زنان را سنت نیست اما باعث این می شود
که نزد شوهران گرامی باشند و چه چیز از این بهتر می باشد و در روایتی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقول است که ختنه مکنید زنان را مگر بعد از هفت سال و در حدیث معتبر منقول است که چون زنان
بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم هجرت کردند زنی آمد که او را ام حبیبه می گفتند و
زنان را ختنه میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیبه آن کاری که داشتی هنوز داری گفت بلی یا رسول الله
مگر آنکه نهی فرمائی و من ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیا تا ترا بیاموزانم که چه باید کرد
چون ختنه کنی زنان را بسیار مبر و اندکی بگیر که رو را نورانی و رنگ را صاف تر میگرداند و نزد شوهر عزیز
می باشد پس ام عطیه خواهر او آمد که زنان را مشاطگی میکرد حضرت باو فرمود که چون زنان را مشاطگی کنی
برای جلا دادن پارچه های جامه بر روی ایشان مالیدن خوب نیست آبروی ایشان می برد و موهای
دیگر را بموی ایشان پیوند مکن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت ختنه کردن
پسران این دعا بخوانند و اگر در آن وقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود بر آن طفل
بخوانند که از حرارت آهن را مانند کشتن و غیر آن دفع می کند دعا این است اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُكَ
وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاتِّبَاعٌ مِنَّا لَكَ وَلِنَبِيِّكَ بِمَشِيَّتِكَ وَبِإِرَادَتِكَ وَقَضَاءٍ لَكَ
لِأَمْرٍ أَرَدْتَهُ وَقَضَاءٍ حَتَمْتَهُ وَأَمْرٍ أَنْفَذْتَهُ فَأَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ لِأَمْرٍ
أَنْتَ أَعْرَفُ بِهِ مِنِّي اَللّٰهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فِي عُمُرِهِ وَادْفَعِ الْآفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ
وَالْأَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ
و از حسین ابن خالد منقول است که از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد که تهنیت و مبارکباد
فرزند را چه روز باید گفت فرمود که چون حضرت امام حسن علیه السلام متولد شد جبرئیل برای تهنیت
بحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد در روز هفتم و امر کرد که او را نام بگذارد و سرش را
بتراشد و عقیقه از برای او بکند و گوشش را سوراخ کنند و همچنین در ولادت حضرت امام حسین علیه السلام
در روز هفتم جبرئیل آمده و باینها امر کرد و ایشان را دو گیسو بود در جانب چپ سر و در گوش راست
در نرمه گوش سوراخ کردند و در گوش چپ در بالای گوش و از حضرت صاحب الامر علیه السلام

منقول است که اگر پسری را ختنه کنند و باز غلاف بروید و سر حشفه را پنهان کند باید که بار دیگر ختنه
کنند او را زیرا که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول کسیکه حشفه اش در غلاف باشد تا چهل صباح
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی را که ختنه نکرده باشند پیش نمازی مردم نکند
و گواهی او مقبول نیست و اگر بمیرد بر روی نماز نکنند زیرا که بهترین سنتهای پیغمبر را ترک کرده است
مگر آنکه از ترس مردن ترک کرده باشد و در حدیث دیگر منقول است که اول زنی را که ختنه کرده اند
هاجره بود مادر حضرت اسمعیل که ساره مادر اسحاق از روی غضب او را ختنه کرد و باعث زیادتی خوبی او
شد و از آن روز سنت جاری شد که زنان را ختنه کنند **فصل یازدهم** در آداب شیر دادن و تربیت
فرزندان و رعایت ایشان بدانکه منتهای شیر دادن فرزندان دو سال است و مشهور میان علماء
آنست که بی عذری زیاده از دو سال شیر دادن جائز نیست مگر آنکه آزاری داشته باشد و مضطرب
باشد و از بیست و یک ماه کمتر ندهد مگر آنکه ضرورتی باشد که دایه بهم نرسد یا قادر بر اجرت او نباشد
و مادرش شیر نداشته باشد یا آزاری داشته باشد و بعضی از علما واجب میدانند که مادر بفرزند بخوراند
شیر اول که به پستانش می آید و آنرا شیر رهک می نامند و گفته اند که اگر آن شیر را ندهند طفل باقی نمیماند
یا قوت نمی یابد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که نافع ترین و مبارک ترین شیرها برای
فرزند شیر مادر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دیدند که
مادر اسحاق فرزند خود را شیر میدهد فرمودند که ای مادر اسحاق از یک پستان شیر مده از هر دو پستان
شیر بده که یکی بعوض طعام است و یکی بعوض آب و فرمود که هر چه کمتر از بیست و یک ماه شیر دهند
بفرزند خود ظلم است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که دایه گبر شیر ندهد بفرزند شما و دایه یهودی و نصرانی
میتوان گرفت اما فرزند را با ایشان نباید داد که بخانه خود ببرند و منع می باید کرد ایشان را از خوردن
شراب و گوشت خوک و سائر چیزهای که حرام است در دین مسلمانان و ایشان حلال میدانند و در
احادیث معتبره نهی کرده اند از شیری که از زنا بهم رسیده باشد و در بعضی اخبار وارد شده است که
اگر کنیزی زنا کند و فرزند بهم رساند اگر صاحب کنیز حلال کند کنیز خود را و آن مردی که زنا کرده است آن شیر را
بفرزند میتوان داد و در اخبار نهی وارد شده است از شیر زنی که خودش از زنا بهم رسیده باشد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از شیر زن احمق یا زنی که چشمش معیوب باشد زیرا که شیر

در فرزند تاثیر میکند و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که دایه بگیرید که بصورت و سیرت نیکو باشد زیرا که شیر در طفل سرایت میکند و طفل شبیه می شود بدایه در صورت و سیرت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرزند خود را تا هفت سال بگذار که بازی کند و بعد از ان تا هفت سال دیگر سعی کن در تربیت او اگر نیک شود دیگر سعی کن و اگر نه امید چیزی از او نیست و در حدیث دیگر فرمود که هفت سال او را بگذار که بازی کند و بعد از ان تا هفت سال دیگر خط و سواد او را بیاموز و هفت سال دیگر حلال و حرام خدا او را بیاموز و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که طفل را تا هفت سال نگهدار و تربیت بدنش باید کرد و هفت سال دیگر آداب باو باید آموخت و هفت سال دیگر خدمتش باید فرمود تا بیست و سه سال قدش بلند میشود و تا سی و پنج سال عقلش زیاده میشود و بعد از ان او را تجربه ها حاصل می شود و در روایت دیگر وارد شده است که پسران که شش ساله شدند می باید که با یک دیگر ایشان را در یک لحاف نخوابانند و در روایت دیگر وارد شده است که پسران و دختران که ده ساله شوند باید که رخت خواب ایشان را جدا کنند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که فرزندان خود را از دو احادیث بیاموزید پیش از آنکه مخالفان مذهب ایشان را گمراه کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که تادیب کنید فرزندان خود را بر محبت علی ابن ابیطالب علیه السلام اگر قبول نکنند نظر کنید در امر مادر ایشان یعنی این علامت فرزند زناست که قبول محبت امیر المومنین علیه السلام نمیکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که محبت ما اهلبیت را در دل خود بیابد باید مادرش را بسیار دعا کند که با پدرش خیانت نکرده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که حق فرزند بر پدر آنست که او را نام نیکو بگذارد و نیکو تادیب نماید و بکسب نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقول است که سکونی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت من غمگین ام فرمود که سبب غم تو چیست گفت خدا بمن دختری داده است فرمود که ای سکونی زمین او را بر میدارد و روزیش بر خداست و زندگانی میکند بغیر عمر تو و روزی ترا نمیخورد پس فرمود که او را چه نام کرده گفت فاطمه حضرت فرمود که آه آه و دست بر پیشانی گذاشتند و گفتند که رسول خدا

صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که حق فرزند بر پدر اگر پسر باشد آنست که دایهٔ نیک برای او بگیرد و نامش نیک تعیین کند و قرآن باو بیاموزد و او را ختنه کند و شناگری او را یاد دهد و اگر دختر باشد مادر برای او دایهٔ نیک قرار دهد و نامش را نیک کند و سورهٔ نور بیاد او دهد و سورهٔ یوسف را نیاموزاند و در بالاخانه او را جا ندهد و زود او را بخانهٔ شوهر فرستد پس فرمود که چون فرزند خود را فاطمه نام کرده او را دشنام مده و نفرین مکن و مزن و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بفرزندان خود بیاموزانید شناکردن و تیر انداختن را و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که شوخی و کج خلقی طفل در کودکی علامت آنست که در بزرگی دانا و بردبار خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که پدر و مادر را نیز گناه عقوق فرزند می باشد و عاق فرزندان میشوند چنانچه فرزندان عاق پدر و مادر میشوند فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کنند فرزندان خود را در نیکی کردن بایشان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خدا رحم کند کسی را که اعانت نماید فرزند خود را بر نیکی با او راوی عرض کرد که چگونه اعانت کند فرمود که کار آسانی که از و بعمل آید قبول کند و کاری که بر او دشوار باشد و نکند از و درگذرد و تکلیف های دشوار باو نکند و سفاهت و تندی باو نکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که با که نیکی کنم فرمود با پدر و مادرت گفت ایشان مرده اند فرمود با فرزندان خود نیکی کن و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید بایشان و اگر وعده کنید بایشان وفا کنید بآن زیرا که ایشان گمان میکنند که شما روزی میدهید ایشان را و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که خدا غضب نمیکند برای چیزی مانند آنکه غضب کند از برای ظلم بر زنان و طفلان و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که فرزند خود را ببوسد خدا حسنه برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند در قیامت خدا او را شاد کند و هر که قرآن بیاموزاند بفرزندان خود در قیامت پدر و مادر او را بطلبند و دو حله بایشان بپوشانند که از نور آن دو جامه روی اهل بهشت روشن شود و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت که هرگز اطفال خود را نبوسیده ام چون او رفت حضرت فرمود که این مرد نزد من از اهل جهنم است و در حدیث دیگر فرمود که هر که طفلی داشته باشد باید که با او طفلانه بازی کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را بسبب آنکه بسیار دوست میدارد فرزند خود را و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم دید مرد شخصی را که دو پسر داشته یکی را بوسیده و یکی را نبوسیده حضرت فرمود که چرا هر دو را مثل هم مهربانی نکردی بدانکه بهتر آنست که در میان فرزندان زیادتی قرار ندهد مگر آنکه یکی عالم تر و صالح تر باشد باین سبب او را زیادتی دهد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که چون پسر سه ساله شود باو بگویید که هفت مرتبه بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و چون سه سال و هفت ماه و بیست روز از عمر او بگذرد بگویید که هفت مرتبه بگوید مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ پس چون چهار سال تمام شود بگوئید باو که هفت مرتبه بگوید صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهٖ پس چون پنج سالش تمام شود او را امید ارند که خدا را سجده کند پس چون شش سالش تمام شود نماز بیاد دش بدهند و چون هفت سالش تمام شود وضو و نماز خوب بیاد او بدهند و امر بنماز کنند او را و چون نه سالش تمام شود وضو و نماز ش را خوب بیاد او بدهند و بر ترک وضو و نماز ش بزنند پس چون وضو و نماز را یاد گرفت خدا پدر و مادر ش را می آمرزد و در روایت دیگر منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه وآله نهی فرمود از آنکه حربهٔ آهن باطفال بپوشانند یا بدست ایشان بدهند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که از چربی و کثافت دست و روی اطفال را در شب بشوئید پیش از خواب که شیطان می آید و ایشان را بو میکند و در خواب می ترسند و ملائکه نویسندگان اعمال متاذی میشوند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که ببازار رود و تحفه بخرد و بردارد و برای عیال خود بخانه آورد چنانست که تصدق برای جمعی از فقرا برداشته و بایشان رسانیده است باید که اول بدختران بدهد پیش از پسران بدرستیکه هر که دختری را خوشحال کند چنانست که بندهٔ از فرزندان اسمعیل آزاد کرده است و کسیکه دیدهٔ پسر را روشن کند و او را شاد کند چنانست که از ترس خدا گریسته باشد و هر که از ترس خدا بگرید خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باطفال خود بخورانید قاووت را که گوشت در بدن ایشان

میرویاند و استخوان ایشانرا محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که انار بخورانید ایشانرا که زودتر بقوت
برسانند ایشانرا و زود بحد بلوغ و جوانی میرسانند و در کتاب طب الائمه از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که اگر طفل گریه بسیار کند یا زنی در خواب بترسد یا کسی را از زیادی بیداری
بر او مستولی شود این آیه را بخواند فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ
لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و در احادیث معتبره وارد شده است که دختر که
شش ساله شود مرد نامحرم او را نبوسد و در دامن ننشاند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
امام رضا علیه السلام بمجلسی بودند و دختری را بمجلس آوردند مردم می‌بوسیدند و در دامن می‌نشاندند
چون نوبت بحضرت امام رسید پرسیدند که چند سال دارد گفتند که پنج سال است حضرت او را از در
کردند و نبوسیدند و بدامن ننشانیدند و در حدیث دیگر وارد شده است که دختری که شش سالش
تمام شود مادر او را برهنه در پهلوی خود نخواباند که بمنزلهٔ زنان است و در حدیث دیگر وارد شده
است که دختری که از شش سال بگذرد پسران او را نبوسند و پسری که از هفت سال بگذرد زنان
او را نبوسند و در احادیث معتبره وارد شده است که ملعون است کسی که عیال خود را
ضایع گذارد و خرج ندهد ایشانرا یعنی با قدرت و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که عیال آدمی
اسیران اویند پس کسیکه خدا نعمتی باو کرامت کند باید که بر اسیران خود توسع کند و اگر نکند بزودی
آن نعمت از او زائل شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو
عمه یا دو خاله را بکشد حاجب و مانع او باشد از آتش جهنم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم فرمود که در بهشت درجه هست که بآن درجه نمیرسند مگر سه کس امام عادل و شخصی که احسان
بخویشان خود بکند و صاحب عیالی که بر خرج عیال و آزار ایشان صبر کند و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که پنج کس اند که نفقه دادن بایشان واجب است فرزند و پدر و مادر و بنده و زن و فرزند
شامل فرزند فرزندان هم میشود هر چند پائین روند و پدر و مادر شامل جد و جدهٔ پدری و مادری هم هست
هر چند بالا روند فصل دوازدهم در بیان حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت حرمت ایشان
بدانکه رعایت حرمت پدر و مادر از عمدهٔ شرائع دین است و ایشانرا از خود راضی داشتن
از جملهٔ اشرف طاعات است و عاق ایشان بودن و ایشانرا از خود آزرده داشتن

از جمله گناهان کبیره است و حقتعالی در قرآن فرموده که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا امر کنند که کافر شوی درین باب اطاعت ایشان مکن اما در دنیا با ایشان نیکو مصاحبت کن و در حدیث معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت مرا وصیتی بکن حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم که بخدا شرک نیاوری هر چند ترا بآتش بسوزانند مگر آنکه بزبان حرفی بگوئی و دلت ثابت بر ایمان باشد و ترا وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر بکنی و با ایشان نیکی کنی خواه زنده باشند خواه مرده هر چند ترا گویند که از زن و مال خود بگذری بکن که این از جمله ایمان است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از آنحضرت پرسید که حق پدر بر فرزند چیست فرمود که نام او را نگوید و پیش از و راه نرود و پیش از انکه پدر بنشیند او ننشیند و کاری نکند که مردم به پدرش دشنام دهند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چه مانع است احدی از شما را که احسان کنید به پدر و مادر خود خواه زنده باشند خواه مرده یا آنکه بعد از مردن نماز برای ایشان بکند و روزه برای ایشان بدارد و حج به نیابت بکند و آنچه میکند ثوابش بآنها عائد می شود و هم بخودش بسبب آن نیکی که با ایشان کرده است خدا ثواب بسیار با و میدهد و در حدیث حسن فرمود که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت یا رسول الله با که نیکی کنم فرمود که با مادرت تا سه مرتبه پرسید و چنین فرمود و در مرتبهٔ چهارم فرمود که با پدرت و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت یا رسول الله بسیار رغبت دارم بجهاد حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا اگر کشته شوی زنده خواهی بود نزد خدا و روزی در بهشت خواهی یافت و اگر بمیری مزدت بر خداست و اگر زنده برگردی از گناهان بدر آئی مانند روزی که از مادر متولد شده گفت یا رسول الله پدر و مادر پیری دارم که با من انس دارند و نمیخواهند که من از ایشان جدا شوم حضرت فرمود که پس باید که با پدر و مادر خود باشی بحق آن خدائی که جانم بدست قدرت اوست که انس یک شبانه روز ایشان با تو داشته باشند بهتر است از یکسال در راه خدا جهاد کردن و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کسی جزای حق پدر را نمی تواند ادا کرد مگر در دو چیز یکی آنکه پدر بنده باشد و او را بخرد و آزاد نماید دوم آنکه بر او قرضی باشد و او را ادا کند و در حدیث دیگر فرمود که گاه است که کسی نیکوکار است با پدر و مادر در زندگی ایشان و بعد از مردن قرض ایشان را ادا

نمیکنند پس خدا او را عاق پدر و مادر می‌نویسد و گاه هست که کسی عاق ایشان است در زندگی ایشان
پس چون مردند قرض ایشان را ادا میکند و استغفار از برای ایشان میکند پس خدا او را نیکوکار
مینویسد و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که خدا هیچ وجه در آن رخصتی نداده است اول
ادا کردن امانت از هر که باشد خواه نیکوکار خواه بدکار دوم وفا بعهد و پیمان خود کردن خواه نیکوکار
باشند خواه بدکار سوم نیکی با پدر و مادر کردن خواه نیکوکار باشند و خواه بدکار باشند و در حدیث
دیگر فرمود که ادنای عقوق پدر و مادر آنست که اُف بر روی ایشان بگوئی و در حدیث دیگر فرمود که
چون روز قیامت شود پرده از پرده‌های بهشت بگشایند پس هر صاحب جانی بوی آن از پانصد
ساله راه بشنود مگر کسیکه عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود که کسی که از روی غضب و خشم
نظر به پدر و مادر بکند در وقتیکه بر او ظلم کنند ایشان خدا هیچ نماز او را قبول نمیکند و در حدیث دیگر فرمود
که از عقوق است آنکه کسی تند نظر کند بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر منقول است که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که پدرم دید که شخصی پسرش با او راه میرود و تکیه بر دست پدر کرده
است پدرم دیگر با آن پسر سخن نکرد تا زنده بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که با پدران خود نیکی کنید
تا فرزندان شما با شما نیکی کنند و از زنان دیگران عفت کنید تا زنان شما با شما عفت کنند و فرمود
که هر که خواهد که سکرات مرگ بر او آسان شود باید که با خویشان خود احسان کند و با پدر و مادر
خود نیکی کند اگر چنین کند سختیهای مرگ را حقتعالی بر او آسان کند و هرگز در زندگی او با و پریشانی
نرسد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چهار خصلت است که هر که
از مومنان در او آن خصلتها جمع شود حقتعالی در اعلای علیین مراتب بهشت و در بلندترین
غرفهای عزت و شرف او را جا دهد کسیکه یتیمی را پناه دهد و متوجه احوال او شود و برای او بجای پدر باشد
و کسی که ضعیف شکسته را رحم کند و یاری نماید و کارهای او را متکفل شود و کسیکه خرج پدر و مادر خود
را بکشد و با ایشان مدارا کند و نیکی با ایشان کند و ایشان را هرگز آزرده نکند و کسیکه با بنده خود بدی
نماید و سفاهت و تندی نکند و اعانت کند او را در خدمتی که با و میفرماید و کاری که بر او دشوار باشد
نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه دعاست که البته مستجاب
است دعای پدر و مادر برای فرزند نیکوکار و نفرین ایشان بر فرزندیکه عاق باشد و نفرین مظلوم بر ظالم و

دعای مظلوم برای کسیکه انتقام او را از ظالم بکشد و دعای مومنی که برای برادر مومن کند که او را از برای
رعایت ما اهلبیت شریک در مال خود ساخته باشد و نفرین مومنی بر کسیکه برادر مومنش باو محتاج
شده باشد و قدرت داشته باشد که او را اعانت کند و نکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم منقولست که هر فرزند نیکو کاریکه از روی شفقت و مهربانی بسوی پدر و مادرش نظر کند
بهر نگاه کردنی ثواب یک حج مقبول برای او نوشته شود گفتند یا رسول الله هر چند روزی صد مرتبه
نظر کند فرمود که خدا بزرگتر و کریم تر است و در حدیث دیگر فرمود که نگاه کردن بر روی عالم عبادت
است و نظر کردن بسوی امام عادل عبادت است و نظر کردن بسوی پدر و مادر از روی مهربانی و رحم
عبادت است و نظر کردن بروی برادر مومنی که از برای خدا دوست داری او را عبادت است
و فرمود که سه گناه است که عقوبتش زود در دنیا باین کس میرسد عقوق پدر و مادر و ظلم کردن
بر مردم و کفران نعمت خدا خلق کردن و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که در میان بنی اسرائیل عابدی بود که او را جریح می نامیدند در صومعهٔ خود پیوسته بعبادت مشغول
بود روزی مادرش بنزد او آمد او مشغول نماز بود او را آواز داد او جوابش نداد بار دیگر آمد و او را
طلب کرد باز مشغول نماز شد و جوابش نداد پس بار سوم آمد و او را طلب کرد باز با و سخن نگفت
و مشغول نماز شد مادرش گفت از خدای بنی اسرائیل میخواهم که ترا باین گناه بگیرد روزی دیگر زن
زناکاری که در بنی اسرائیل بود آمد و نزد صومعهٔ او نشست و فرزند زائید و گفت این فرزند از جریح
است که با من زنا کرد و این فرزند از و بهم رسید در میان بنی اسرائیل شهرت کرد که آنکه مردم را
بر زنا ملامت میکرد خود زنا کرده پادشاه فرمود که او را بدار بکشند پس مادرش آمد و بر روی خود میزد
جریح گفت خاموش باش که این بلا بنفرین تو متوجه من شده است چون مردم این را شنیدند
از سبب آن واقعه پرسیدند عابد نقل کرد آنچه گذشته بود گفتند چون بدانیم که تو راست میگوئی گفت
آن طفل را بیاورید چون بیاوردند عابد از آن طفل پرسید که فرزند کیستی طفل بامر الهی بسخن آمد و گفت که
فرزند فلان کس که شبانی گوسفندان فلان میکند پس از کشتن نجات یافت و سوگند خورد که تا زنده
باشد خدمت مادر بکند و از و جدا نشود و احادیث در باب پدر و مادر زیاده از آن است که استیفا
توان نمود باب پنجم در بیان آداب مسواک کردن و شانه کردن و ناخن و شارب گرفتن

و سر تراشیدن و امثال آن **فصل اول** در بیان فضیلت مسواک کردن در احادیث معتبره
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مسواک کردن از سنت پیغمبران است و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که پیوسته جبرئیل مرا امر بمسواک میکرد تا آنکه ترسیدم که دندانهای
مرا بسایده شوند یا بریزند و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل آنقدر مرا امر بمسواک میکرد که گمان بردم که
بر امت من واجب خواهد کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که در مسواک دوازده خصلت
است از سنت پیغمبران پاک کننده دهان است و جلا دهنده چشم است و موجب خوشنودی
پروردگار است و بلغم را دفع میکند و حافظه را زیاده میکند و دندانها را سفید میکند و حسنات را
مضاعف میکند و پوست انداختن و پوسیدن دندان را میبرد و بن دندانها را محکم میکند و اشتهای
طعام را زیاده میکند و ملائکه با آن خوشحال میشوند و در حدیث دیگر فرمود که آب ریختن چشم را
برطرف میکند و نور چشم را زیاده میکند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که من دندانهای
شما را زرد می بینم چرا مسواک نمیکنی و در حدیث دیگر منقولست که بحضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه وصیت فرمود که بر تو باد بمسواک کردن برای هر نمازی و بسند معتبر منقول است از
حضرت امام موسی کاظم و امام رضا علیهما السلام که سنتهای حنیفه حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام
ده است پنج در سر و پنج در بدن اما آنها که در سر است پس مسواک کردن و شارب گرفتن و موی
سر را و حصه کردن که جای مسح گشوده شود و مضمضه کردن یعنی آب در دهن کردن و گردانیدن
و ریختن و استنشاق کردن یعنی آب در بینی کردن و بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدن است
پس ختنه کردن و نبت زهار را تراشیدن و موی بغلها را کندن و استنجا کردن و ناخن گرفتن و
در روایت دیگر منقول است که آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و ریش را بلند گذاشتن
و موی سر را تراشیدن و مسواک کردن و خلال کردن و آن پنج که در بدن است موهای بدن را ازاله
کردن و ختنه کردن و ناخن گرفتن و غسل جنابت کردن و استنجا بآب کردن و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم منقولست که اگر این نبود که بر امت من دشوار می شد هر آئینه واجب میگردانیدم
بر ایشان که در وقت هر نماز مسواک بکنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون
بنماز شب برخیزی مسواک بکن که ملک می آید و دهان خود را بر دهان تو میگذارد و هر چه از قرآن و دعا

زرد کرہ میخوانی با سمان میبرد پس باید کہ دہان تو خوشبو باشد و علی بن جعفر از برادر خود حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام پرسید کہ آیا میتواند کسی کہ نماز شب برخیزد و با انگشت مسواک کند و تواند کہ مسواک بہم رساند حضرت فرمود کہ اگر ترسد کہ صبح طالع شود باکی نیست و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام دو سال پیش از فوت ترک مسواک کردند بسبب آنکہ دندانہای آنحضرت بسیار ضعیف شدہ بود و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ سہ چیز است کہ حافظہ را زیادہ میکند و دردہای بدن را می برد کندر خائیدن و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث دیگر فرمود کہ چہار چیز است کہ از سنت پیغمبران است بوی خوش کردن و با زنان نزدیکی کردن و مسواک و خضاب حنا کردن و از امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ خانہ کعبہ بخدا شکایت کرد از نفسہای بدبوی کافران حق تعالے باو وحی فرمود کہ ای کعبہ قرار گیر کہ بعوض ایشان جماعتی را بسوی تو خواہم فرستاد کہ دندانہای خود را بشاخ درختان پاک کنند پس چون حضرت رسول صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم مبعوث شد جبرئیل علیہ السلام مسواک و خلال برای آن حضرت آورد و در حدیث معتبر منقول است کہ شخصی از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام سوال کرد از مسواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود کہ مسواک را پیش از وضو می باید کرد و اگر کسی فراموش کند تا وضو بسازد و بعد از وضو مسواک کند پس سہ مرتبہ مضمضہ کند بعد از مسواک کردن و از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ منقول است کہ اگر کسی با وضو مسواک کند و بنماز بایستد ملک می آید و دہان بر دہان او میگذارد و آنچہ میگوید بخاطر نگاہ میدارد و اگر مسواک نکند بکناری می ایستد و قرآنش می شنود و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ دو رکعت نماز کہ با مسواک باشد بہتر است از ہفتاد رکعت نماز کہ بی مسواک باشد و از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ مسواک کند باید کہ بعد از آن مضمضہ کند و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مسواک را بالعرض دندانہا میمالیدند حضرت امام رضا علیہ السلام فرمود کہ مسواک کردن در بیت الخلا مورث گندہ دہان است و از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ مسواک کردن در حمام دندانہا را میریزد و فرمود کہ مسواک را ترک مکن و در ہر سہ روز اگر چہ یکمرتبہ مالیدن باشد

فصل دوم در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن ، از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که سه چیز است که هر که لذت آنرا یابد هرگز ترک نمیکند موی سر را از بیخ تراشیدن و جامه را کوتاه کردن و وطی کنیزان و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موی سر را از بیخ بگیر تا چرک نگیرد و جانوران در آن جا نکنند و گردنت گنده شود و دیده ات جلا یابد و بدنت راحت یابد و نیز فرمود که من هر جمعه سر می تراشم و در حدیث دیگر فرمود که موی پشت سر را تراشیدن غم را زائل میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که چون موی سر بلند شود چشم را ضعیف میکند و نور چشم را کم میکند و موتراشیدن را ازاله کردن چشم را جلا میدهد و در فقه الرضا منقول است که چون خواهی موی سر را بتراشی رو بقبله کن و ابتدا کن از پیش سر از جانب پیشانی و بتراش تا دو استخوان که از پهلوی گوشش بلند شده اند و در حین شروع این دعا بخوان بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلٰى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهٖ وَ سُنَّتِهٖ حَنِيْفًا مُسْلِمًا وَ مَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِيْ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوْرًا سَاطِعًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ و پس چون فارغ شوی بگو اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّيْ بِالتَّقْوٰى وَ جَنِّبْنِيْ الرَّدٰى وَ جَنِّبْ شَعْرِيْ وَ بَشَرِيْ الْمَعَاصِيْ وَ جَمِيْعَ مَا تَكْرَهُهٗ مِنِّيْ فَاِنِّيْ لَا اَمْلِكُ لِنَفْسِيْ نَفْعًا وَّ لَا ضَرًّا و در روایت دیگر منقول است که در وقت شروع این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلٰى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِيْ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوْرًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ و چون فارغ شود بگوید اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّيْ بِالتَّقْوٰى وَ جَنِّبْنِيْ الرَّدٰى **فصل سوم** در آداب موی سر نگاهداشتن مردان و زنان بدانکه زنان را بی ضرورتی و عذری موی سر تراشیدن حرام است و مردان را یکی از دو چیز سنت است یا آنکه موی سر را بتراشند و این بهتر است و یا آنکه موی سر را بگذارند و تربیت کنند بآنکه بشویند و شانه کنند و موی پیش سر را دو حصه کنند که در میانه سر ته موی ظاهر شود و چون در اول اسلام موی سر تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب پیغمبر و امام نمی باید که کاری بکنند که در نظرها قبیح نماید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم موی سر را بقدر چهار انگشت میگذاشتند و در حج و عمره می تراشیدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که موی سر را بلند بگذارد و نیکو رعایت و تربیتش کند یا آنکه از سر بلند نگذارد و در چندین حدیث وارد شده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت

رسول صلی الله علیه و آله وسلم موی سر را دو حصه میکردند و میانش را می‌گشادند فرمود که آنحضرت
موی را بحدی بلند نمیگذاشتند که احتیاج بان بشود بلکه آنقدر بلند میگذاشتند که به نرمه گوش
میرسید و هیچیک از پیغمبران موی سر را نمیگذاشتند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که
موی سر را بلند بگذارد و میانش را نگشاید حقتعالی در قیامت باره از آتش بگشاید و در حدیث
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از آنکه زنی بحد بلوغ رسیده باشد
و جمیع موهای سر او در پیش سر یا در میان سر یا در اطراف سر بر روش مردان گره زند و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از کاکل گذاشتن و موی را
در پیش سر گره زدن و نقش خضاب کردن و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب
آنکه موی سر او در پیش گره می زدند و نقش خضاب میکردند و محتمل است که مراد از نقش خضاب
آن باشد که متعارف است در میان زنان عرب که سوزن بدست و بدن میزنند و سرمه
و غیر آن دران میریزند که رنگش میماند و احتمال دارد که نقشهای حنا راهم شامل باشد و در حدیث
دیگر منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از زنی که موی بالای پیشانی
خود را می برد یا میکند و موهای رو را میکند از برای زینت یا آنکه گیس خود را با کیسه باف
می بافد فرمود که باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که اگر با پشم یا موی حیوانات یا موی همان
زن خودش بباقد باکی نیست اما با موی زن دیگر نبافد و موی زن دیگری را با موی خود پیوند
نکند بدانکه اگر با موی حیوانی پیوند کرده باشند که گوشتش حرام باشد در حال نماز باز و می باید
باشد که دران نماز کردن درست نیست مگر پشم و موی که بیشتر ند کور شد که دران نماز میتوان کرد

فصل چهارم در فضیلت شارب گرفتن یعنی موی لب بالا گرفتن سنت مؤکده است

هر چند بیشتر بگیرند بهتر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که شارب
خود را دراز نکنید که شیطان دران پنهان می شود و جا میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که شارب گرفتن دفع غم و وسواس میکند و از سنت رسول است و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم فرمود که سنت است شارب گرفتن تا آنکه برسد بدم لب بالا و حضرت صادق
علیه السلام شارب را آنقدر میگرفتند که بته موی میرسید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که ناخن و شارب گرفتن از جمعه تا جمعهٔ دیگر امان میدهد از خوره و در حدیث دیگر وارد شده است که شخصی بخدمت آنحضرت آمد و عرض کرد که دعای تعلیم من کن که باعث زیادتی روزی شود حضرت فرمود که شارب و ناخن بگیر و باید که در روز جمعه باشد و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که هر که ناخن و شارب در هر جمعه بگیرد و در وقت گرفتن بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَىٰ سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بعدد هر ریزهٔ که از سر و ناخن او بریزد حقتعالی ثواب یک بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کردن باو عطا کند و بیمار نشود مگر به بیماری مرگ و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که در روز شنبه و پنجشنبه شارب و ناخن بگیرد عافیت یابد از درد دندان و چشم و در حدیث دیگر فرمود که شارب را از ته بگیرید و ریش را بلند بگذارید و به یهودان و گبران خود را شبیه مکنید و فرمود که از ما نیست هر که شارب را نگیرد

فصل پنجم در آداب ریش بلند گذاشتن

بدانکه سنت مؤکده است ریش را میانه گذاشتن نه بسیار بلند نه بسیار کوتاه و زیاده از یک قبضه گذاشتن مکروه است و احتمال حرمت نیز دارد و مشهور میان علما آنست که تراشیدن ریش حرام است اما بر رو و در طرف لب پائین را تراشیدن جائز است و احوط آنست که اصلاح بسیار تند که شبیه تراشیدن باشد نکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که انچه از ریش زیاده از یک قبضه است در آتش است و در حدیث دیگر منقول که دست بر ریش بگیرد و انچه زیاده از یک قبضه است ببرد و از محمد بن مسلم مذکور است که گفت دیدم که مصلحی اصلاح ریش حضرت امام محمد باقر علیه السلام میکرد حضرت باو فرمود که ریش را مدور کن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بشخصی گذشتند که ریش درازی داشت فرمودند که چه میشد این مرد اگر ریش خود را باصلاح می آورد چون این خبر باو رسید ریش خود را میانه ساخت و بخدمت آنحضرت آمد فرمود که چنین کنید ریش ها را و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام پهلوهای رو را تنگ میکرد و موی ریش را و زیر قن را هم میچیدند و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت ریش را تنگ میکرد و انبوه نمیگذاشتند و علی بن جعفر از حضرت امام موسی رضا علیه السلام پرسید که آیا موی ریش می توان گرفت حضرت فرمود که از عارض یعنی از پهلوهای رو بلی و از پیش ریش نه و در حدیث دیگر است که حضرت امیر المؤمنین

صلوات الله علیه فرمودند که در زمان پیش گروهی بودند که ریش را می تراشیدند و شارب را می تابیدند حقتعالی ایشانرا مسخ کرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون حقتعالی توبهٔ آدم علیه السلام را قبول فرمود سر بسجده گذاشت و چون سر برداشت رو باسمان کرد و گفت پروردگارا حسن و جمال مرا زیاده کن پس بعد از آن ریش بسیار سیاهی بر رویش روئید و پیشتر ریش نداشت گفت پروردگارا این چیست باو وحی آمد که این زینت تو و زینت مردان فرزندان تست تا روز قیامت

فصل ششم در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که پیش از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام موی سفید در سر و ریش بهم نمی رسید گاه بود که کسی بمجلس می آمد و پدر و فرزندانش در آن مجلس حاضر بودند میان پدر و فرزندان فرق نمیکرد می پرسید که کدام یک پدر شماست پس چون زمان حضرت ابراهیم علیه السلام شد دعا کرد که خداوندا برای من موی سفید قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم پس موی سر و ریش سفید شد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اول کسیکه موی سفید در محاسن بهم رسید حضرت ابراهیم علیه السلام بود و چون نظر کرد موی سفید در ریش خود دید گفت پروردگارا این چه چیز است خطاب باو رسید که این باعث وقار آدمی است گفت پروردگارا وقار مرا زیاده گردان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون حضرت ابراهیم موی سفید در محاسن خود دید گفت حمد و سپاس خداوندرا سزا است که مرا باین سن رسانیده و در یک چشم زدن معصیت او نکرده ام و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول که موی سفیدرا نکنید که آن نور مسلمانی است و هر که یک موی سفید در ریش او پیدا شود در اسلام نوری باشد از برای او در قیامت و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سه کس اند که خدای تعالی در روز قیامت با ایشان سخن نمیگوید و نظر رحمت بسوی ایشان نمی افگند و اعمال ایشانرا نمی پسندد و برای ایشان عذاب الیم مهیا است کسیکه موی سفید خود را بکند و کسی که با ذکر خود دست بازی کند که او را منی بیاید یا با جاهای دیگر بدن خود بمالد و کسی که دیگران با او لواطه کنند و این حدیث دور نیست که محمول بر آن باشد که برای غرض فاسدی موی سفید را بکنند زیرا که در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست موی سفید را بریدن و کندن اما

بریدنش را دوست تر میدارم از کندن و در حدیث دیگر هم وارد شده است از آنحضرت که
کندن و بریدن هر دو باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
تجویز بریدن موی سفید فرمود که اما کندنش را مکروه میدانست و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که موی سفید در پیش سر میمنت
و مبارک است و در عارضها علامت سخاوت و جوانمردیست و در جای زلف علامت شجاعت
است و در پشت سر شوم است و ظاهر امراد ابتدای سفید شدن است **فصل هفتم** در کندن موی بینی
و بازی کردن با ریش در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که
باید هر کس موی شارب و موی بینی را بگیرد و باحوال بدن خود بپردازد که اینها باعث زیادتی
جمال او ست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که موی بینی را گرفتن رو را نیکو میکند
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که چهار چیز است که از وسواس شیطان است
گل خوردن و گل را بدست ریزه کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خائیدن و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که بسیار دست بر ریش مگذار که ریش را معیوب بدنما میکند
فصل هشتم در فضیلت ناخن گرفتن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست
که ناخن گرفتن درد های بزرگ را منع میکند و روزی را فراخ میگرداند و حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرمود که برای این امر کرده اند بناخن گرفتن که چون بلند شود شیطان در آن جا میکند
و مورث فراموشی است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سنت موکده است
ناخن گرفتن و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مردان را
میفرمود که ناخن را ته بگیرید و زنان را میفرمود که اندکی بلند بگذارید که زینت شما است و در
روایت دیگر وارد شده است که چند روز وحی بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نازل
نشد از سبب آن پرسیدند فرمود که چگونه از من باز نه ایستد و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و چرک
انگشتان را ازاله نمیکنید **فصل نهم** در بیان آداب و اوقات ناخن گرفتن منقول است که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از گرفتن ناخن بدندان و در حدیث حسن از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که ناخن گرفتن در روز جمعه ایمن میگرداند از

خوره و پیسی و کوری و اگر احتیاج بگرفتن نداشته باشی بسائی که از آن ریزها بریزد و در چند حدیث دیگر فرمود که شارب و ناخن در هر جمعه بگیر و اگر نباشد بسوهان و غیر آن حک کن تا دیوانگی و خوره و پیسی بتو نرسد و در حدیث دیگر فرمود هر که در هر جمعه ناخن و شارب بگیرد پیوسته در طهارت باشد تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر فرمود که ناخن و شارب گرفتن و سر را بخطمی شستن در هر جمعه فقر را برطرف و روزی را زیاده میکند و در حدیث دیگر منقول است که بآنحضرت عرض کردند که خبر بما رسیده است که تعقیب خواندن بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب نافع تر است برای زیادتی روزی از سفر کردن بشهرها حضرت فرمود میخواهی بتو تعلیم کنم چیزی که از این هم نافع تر باشد گفتم بلی فرمود که ناخن و شارب را در هر روز جمعه بگیر اگر چه بسائیدن باشد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را دیدند که آثار چشم درد داشت فرمود که میخواهی بتو چیزی بیاموزانم که اگر بجا آوری هرگز آزار چشم نه بینی گفت بلی فرمود که هر پنجشنبه ناخن بگیر آن شخص چنین کرد هرگز درد چشم ندید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که بر این مداومت کند آزار چشم نه بیند هرگز و در حدیث معتبر وارد شده است که در ناخن گرفتن ابتدا بانگشت کوچک دست چپ بکند و در وسطی بگیرد و بسیار نگیرد و بانگشت کوچک دست راست ختم کند و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که در روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا کند بانگشت کوچک دست راست و ختم کند بانگشت کوچک دست چپ او را امان دهد از درد چشم و در حدیث دیگر وارد شده است که اگر در روز پنجشنبه ابتدا کند بناخن انگشت کوچک دست راست و تا انگشت مهین بگیرد پس ابتدا کند بانگشت کوچک دست چپ و تا انگشت مهین بگیرد امان یابد از درد چشم و دور نیست که اگر در روز چهارشنبه بگیرد ابتدا بانگشت دست چپ کردن بهتر باشد و اگر در روز پنجشنبه گیرد در هر دستی ابتدا بانگشت کوچک آن دست بکند و اگر در روز جمعه یا سائر روزهای دیگر گیرد ابتدا بانگشت کوچک دست چپ کند و ختم بانگشت کوچک دست راست نماید خوب است و اگر در همه وقت ابتدا بانگشت کوچک دست چپ کند هم خوب است چنانچه علی ابن بابویه گفته است و در حدیث دیگر منقول است که هر که ناخنهای خود را در روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه بگذارد خدا پریشانی را از او زائل گرداند و از حضرت

امام رضا علیه السلام منقول است که در روز سه‌شنبه و پنجشنبه ناخن بگیر و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ناخنهای خود را در روز جمعه بگیرد حقتعالی درد را از سر انگشتان او بیرون کند و دوا را در آن داخل کند و کسیکه در روز شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب بگیرد از درد دندان و درد چشم عافیت یابد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که ناخنها را در روز جمعه گرفتن هر دردی را بر طرف میکند و در روز پنجشنبه گرفتن روزی را زیاده میکند و در حدیث دیگر منقول است که بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کردند که اصحاب ما میگویند که البته در روز جمعه ناخن باید گرفت فرمود که اگر خواهی در روز جمعه بگیر و اگر خواهی در روزهای دیگر یعنی اگر نگرفته باشی و دراز باشد صبر نباید کرد تا روز جمعه چنانچه در حدیث دیگر وارد شده است که هرگاه بلند شود بگیر و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در روز جمعه ناخن بگیر و ریشه کردن بن ناخنها از و بر طرف شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که پنجشنبه ناخن بگیر و فرزندانش درد چشم نه بینند و اگر کسی خواهد که ثواب پنجشنبه و جمعه هر دو بیابد در روز پنجشنبه بگیرد و یکی را برای جمعه بگذارد یا همه در روز پنجشنبه بگیرد و در جمعه سوهانی بران بمالد که ریزه چند بریزد و در وقت ناخن گرفتن بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰی سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ چنانچه در باب شارب گرفتن گذشت و آنچه مشهور است که در ناخن گرفتن دست راست اول انگشت شهادت را بگیرد و بعد از آن انگشت کوچک و بعد از آن انگشت مهین و بعد از آن انگشت میان و بعد از آن انگشت دیگر و در دست چپ اول انگشت مهین و پس انگشت کوچک را بگیر و پس انگشت میان پس انگشت مهین پس انگشت کوچک پس انگشت شهادت در اخبار اهل سنت چنین وارد شده است و آنچه قبل ذکر کرده ایم از اخبار شیعه است و عمل بآن کردن اولی است **فصل دهم** در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزهای که دفن باید کرد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در تفسیر این آیه کریمه اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ كِفَاتًا اَحْيَاءً وَّاَمْوَاتًا یعنی آیا نگردانیدیم زمین را محل انضمام و اجتماع و پنهان شدن در حالتیکه زنده اند و در حالتیکه مرده اند حضرت فرمود که مراد از حال زندگی دفن کردن مو و ناخن است و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه

و آله وسلم امر فرمود ما را که چهار چیز را دفن کنیم موی و دندان و ناخن و خون و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقول است که هفت چیز است که از آدمی جدا می شود دفن آنها را می باید کرد موی
و ناخن و خون و خون حیض و بچه دان و دندان و نطفه که پاره خون شده باشد **فصل یازدهم**
در فضیلت شانه کردن موی سر و ریش در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را سرکوب میکند و روغن بر بدن مالیدن بدحالی و
پریشانی را زائل میکند و سر را شانه کردن تپ را می برد و ریش را شانه کردن دندانها را محکم میکند
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که سر را بسیار شانه کردن تپ را دور میکند
و روزی را می آورد و قوت جماع را زیاده میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که شانه کردن فقر را زائل میکند و درد وبا را می برد و در حدیث دیگر فرمود که روزی را زیاده میکند و مو را
نیکو میکند و حاجت را روا میکند و پشت را محکم میکند و بلغم را قطع میکند و در روایت دیگر موجب
بسیاری فرزندان میشود و در حدیث دیگر فرمود که شانه کردن عارض دندانها را محکم میکند و شانه کردن
پائین ریش طاعون را از آن کس دور میکند و شانه کردن زلف وسواس سینه را می برد و شانه
کردن سر بلغم را قطع میکند **فصل دوازدهم** در آداب و اوقات شانه کردن و انواع شانه ها در حدیث
معتبر منقول است که در میان جانماز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شانه بود که هرگاه از نماز
فارغ می شدند شانه میکردند و در حدیث حسن از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست در
تفسیر این آیه کریمه خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر سجدی حضرت فرمود
مراد از زینت شانه کردن پیش از هر نماز است و در حدیث دیگر نزد هر نماز واجب و سنت و در
حدیث دیگر فرمود که هرگاه سر و ریش را شانه کنی شانه را بر سینه خود بکش که اندوه و درد و بیماری را
می برد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ریش خود را هفتاد نوبت شانه کند و
بشمارد یکی یکی شیطان تا چهل روز نزد او نیاید و در حدیث دیگر فرمود که شانه در حمام مکن که مو را
تنگ میکند و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه اراده شانه کردن داشته باشد شانه بدست راست
بگیرد و در حالتی که نشسته باشد و بر بالای سر بگذارد و پیش سر را شانه کند و بگوید اَللّٰهُمَّ حَسِّنْ شَعْرِي
وَبَشَرِي وَطَيِّبْهُمَا وَاصْرِفْ عَنِّي الْوَبَاءَ پس عقب سر را شانه کند و بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تَرُدَّنِي عَلَى عَقِبِي

وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ قِيَادِي فَيَرُدَّنِي عَلَى عَقِبِي پس ابروها را شانه
کند و بگوید اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِزِينَةِ الْهُدَىٰ پس ریش را از طرف بالا بزیر شانه کند و شانه را بسینه مالد
و بگوید اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْغُمُومَ وَوَحْشَةَ الصَّدْرِ وَوَسْوَسَةَ الشَّيْطَانِ
پس از پائین ریش بطرف بالا شانه کند و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بخواند و در روایت دیگر
وارد شده است که چون خواهی ریش را شانه کنی از زیر ریش بطرف بالا چهل مرتبه شانه کن و سوره اِنَّا
اَنْزَلْنَاهُ بخوان و از طرف بالا بجانب پائین هفت مرتبه شانه کن و سوره وَالْعَادِيَاتِ بخوان
پس بگو اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ تا آخر دعا و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که هفت
مرتبه شانه بر سر و ریش و سینه بکشد درد هرگز نزدیک او نیاید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
منقول است که ایستاده شانه مکن که باعث ضعف دل می شود و نشسته بکن که دل را قوی میکند
و پوست را پر میکند و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
با آب شانه میکردند یعنی شانه را بآب فرو می بردند و میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است
که در وقت شانه کردن ریش سنت است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَالْبِسْنِي جَمَالًا فِي خَلْقِكَ وَزِينَةً فِي عِبَادِكَ وَحَسِّنْ شَعْرِي وَبَشَرِي وَلَا تَبْتَلِنِي
بِالنِّفَاقِ وَارْزُقْنِي الْمَهَابَةَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَالرَّحْمَةَ مِنْ عِبَادِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که ایستاده شانه کند صاحب قرض میشود و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که ایستاده شانه کردن باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر منقول
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ریش را از طرف پائین چهل مرتبه و از طرف بالا
هفت مرتبه شانه میکردند و میفرمودند که بروزی را زیاده میکند و بلغم را قطع میکند و از قاسم بن ولید
منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از روغن دان و شانه که از استخوان فیل باشد
فرمود که باکی نیست و از حسن عاصم منقول است که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم
دیدم که حضرت شانه استخوان فیل در دست داشتند و بآن شانه میکردند گفتم فدای تو شوم جمعی در عراق
هستند که شانه کردن از استخوان فیل حلال نمیدانند گفت چرا پدرم یک شانه یا دو شانه از این داشت
پس فرمود که شانه کنید باستخوان فیل که تب را می برد و در حدیث بسیار وارد شده است که

ائمه علیهم السلام بشانهٔ استخوان فیل شانه میکردند و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بشانهٔ نقره و نقره نشان شانه کردن مکروه است **باب ششم** در آداب بوی خوش کردن و گل بوئیدن و روغن مالیدن **فصل اول** در بیان سبب پیدا شدن بوهای خوش در زمین در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون آدم و حوا علیهما السلام از بهشت بزمین آمدند حضرت آدم بر کوه صفا قرار کرده و حضرت حوا بر کوه مروه و حضرت حوا چون در بهشت از بوی خوش آنجا گیسوی خود را شانه کرده بود و بسته بود چون بزمین آمد گفت چه امید دارم باین که بکوشم از شانه گی که در بهشت کرده ام و حال آنکه خدا از من در خشم است پس گیسوهای خود را گشود پس آن بوی خوش که از گیسوی او بود فرو ریخت باد بمشرق و مغرب برده و اکثر را در زمین هند فرو ریخت باین سبب اکثر بوهای خوش در هند میروید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون حضرت آدم علیه السلام از آن درختیکه نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود جامه ها و زیورهای بهشت همه از او فرو ریخت پس برگی از برگهای بهشت را گرفت و عورت خود را بآن پوشانید چون بزمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگ را بهند رسانید و درختها و گیاه های هند را خوشبو گردانید باین سبب گیاه های خوشبو در هند میباشد و اول جانوری که از آن برگ بهشت یا از آن گیاهها خورد آهوی مشک بود چون از آن برگ خورد بوی خوش در گوشت و خون او جاری شد تا آنکه جمع شد در پیش نافش و از آن مشک بهم رسید **فصل دوم** در فضیلت بوی خوش و آداب آن در احادیث معتبره وارد شده است که عطر و بوی خوش کردن از جملهٔ اخلاق پسندیدهٔ پیغمبران است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع را می افزاید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که سزاوار نیست مرد را که ترک کند بوی خوش را هر روز و اگر قادر نباشد یک روز نه یک روز و اگر قادر نباشد در هر جمعه و این را البته ترک نکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق پیغمبران است و گرامی داشتن ملائکه است که اعمال آدمی را می نویسند بسبب آنکه ایشان را خوش می آید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در اول روز بوی خوش بر خود بمالد تا شب عقلش با او باشد و فرمود که نماز با بوی خوش بهتر است از هفتاد نماز

بی بوی خوش و فرمود که سه چیز است که خدا به پیغمبران داده است بوی خوش و زنان و مسواک
و در حدیث دیگر فرمود که لازم است هر بالغی را که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی خوش
برگیرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون روز جمعه میرسید و بوی خوش نزد آن حضرت
نبود روپاک بعضی از زنان میطلبیدند که بوی خوش داشت تر میکردند و بر روی مبارک خود میمالیدند
و در حدیث دیگر منقول است که امام جعفر صادق علیه السلام هر موضعی که سجده میفرمودند معطر میساختند
بعد از آن می شناختند آن موضع را از بوی خوش آنحضرت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرمودند که
جبرئیل مرا گفت که یک روز در میان خود را خوشبو کن و در روز جمعه البته ناچار است ترک مکن و میفرمود که
در روز جمعه البته خود را خوشبو کنید اگرچه از بوی خوش زنان باشد و روزی عثمان بن مظعون نزد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض نمود که میخواهم که بوی خوش و چیزی چند از لذتها ترک کنم
حضرت فرمود که ترک بوی خوش مکنید که ملائکه بوی خوش مومن را می بویند و در هر جمعه البته ترک
مکن و فرمود که هرچه صرف نمائی در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث دیگر منقول است که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم زر در بوی خوش زیاده از طعام صرف میکردند و فرمودند
که بوی خوش زنان باید که رنگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش ظاهر و رنگش
مخفی باشد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که ناخن بگیرید در روز سه شنبه و حمام
بروید در روز چهارشنبه و حجامت بکنید در روز پنجشنبه و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو
کنید در روز جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چهار چیز است که دل را میگشاید
و غم را زائل میکند بوی خوش کردن و عسل خوردن و سواری کردن و بسبزه نظر کردن و حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که باید زن مسلمان پیوسته برای شوهر خود خوشبو کند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سه خصلت
بود که در دیگری نبود اول آنکه آنحضرت را سایه نبود دوم آنکه از هیچ راهی نمیگذشت مگر آنکه دو روز یا
سه روز که کسی از آن راه میگذشت میدانست که آنحضرت از آن راه عبور نموده اند از بوی خوش که در آن
راه مانده بود سوم آنکه هر سنگی و درختیکه میگذشت آن حضرت را سجده میکردند و عبور آنحضرت معلوم بود
بسبب بوی خوشی که آن حضرت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است

که هر زنی که بوی خوش کند و از خانه بیرون آید با بوی خوش پیوسته لعنت الهی بر او باشد تا بخانه برگردد

فصل سوم در کراهیت رد کردن بوی خوش از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا کسی میتواند که بوی خوش را که برای او بیاورند رد کند و قبول نکند فرمود که سزاوار نیست او را که رد کند کرامت را و در حدیث دیگر فرمود که نزد حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آوردند روغن خوشبوئی حضرت گرفتند و بر خود مالیدند و در آن روز روغن مالیده بودند بعد از آن فرمودند که ما هرگز بوی خوش را رد نمیکنیم و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رد نمیکردند بوی خوش و شیرینی را که از برای آنحضرت می آوردند و از حسن بن جهم منقولست که گفت رفتم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام برای من ظرفی که در آن مشک بود آوردند فرمود که بردار و بر خود بمال قدری برداشتم و مالیدم فرمود که دیگر بردار و در گو پائین گردن خود بمال برداشتم و مالیدم پاره دیگر که مانده بود فرمود که این را هم بر آنجا بمال مالیدم بعد از آن فرمود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمود که رد نمیکند کرامت را مگر خر گفتم کرامت کدام است فرمود که بوی خوش و بالشی که برای نشستن و تکیه کردن تواضع کنند و مانند آن

فصل چهارم در فضیلت مشک و عنبر و زعفران از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که بوی خوش مشک است و عنبر و زعفران و عود و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام مشکدانی از قلعی داشتند و هر وقت که اراده رخت پوشیدن میکردند آنرا می طلبیدند و از مشک بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر وارد شده است که شیشه پر از مشک میگذاشتند در جای نماز و هر گاه بنماز برمیخاستند بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آنقدر مشک بر خود میمالیدند که رنگ مشک از فرق مبارک ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مشکدانی داشتند از عاج هر گاه وضو میساختند با دست تر آنرا برمیگرفتند و چون برمی آمدند میدانستند بسبب بوی خوش که می آیند بمسجد و در حدیث دیگر مرویست که حضرت امام رضا علیه السلام حقه بیرون می آوردند از آبنوس و در آنجا خانه ها بود که در یک خانه بوی خوشی بود و یکی از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سوال کرد که آیا مشک را و روغنی که بر خود میمالند داخل میتوان کرد فرمود که من میکنم

و باکی نیست و در روایت دیگر منقول است که باکی نیست که مشک را داخل طعام کنند و در روایت
دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خود را بمشک و عنبر خوشبو میکردند
و احادیث در مدح خلوق بسیار وارد شده است و آن بوی خوشی بوده است که از چندین چیز
بعمل می آوردند و یک جزوش زعفران بوده است و در بعضی اخبار وارد شده است که مداومت
بران نکنند و در روایت دیگر وارد شده است که شب تا صباح بر بدن نگذارند و در نسبت
که این نهی برای آن باشد که رنگش در بدن بسیار نماند **فصل پنجم** در فضیلت غالیه بسند
موثق منقول است که اسحق بن عمار بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من با تجار
سودا میکنم و غالیه بر خود میمالم برای آنکه مرا فقیر ندانند حضرت فرمود که غالیه کم و بسیارش مساویست
کسی که اندک غالیه گاه گاه بر خود بمالد کافی ست او را اسحق گفت که من بفرموده آنحضرت عمل
نمودم و سالی بده درهم غالیه میخرم و تمام سال بآن خوشبو میشوم و در حدیث دیگر منقولست که
علی بن الحسین علیهما السلام شبی از خانه بیرون آمدند و جبهٔ خز و عبای خز پوشیده بودند و ریش
خود را بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند از آنحضرت که درین شب باین هیئت برای چه بیرون
آمدید فرمود که میخواهم عبادت کنم و حوران بهشت را از خدا خواستگاری نمایم یعنی برای عبادت
زینت و بوی خوش کردن سنت است و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام
فرمود که روغنی برای آنحضرت بعمل آوردند که در آن مشک و عنبر داخل کردند فرمود که در کاغذی آیة الکرسی
و سورهٔ حمد و معوذتین و آیهٔ چند از آیات حفظ نوشتند و در میان غلاف شیشهٔ آن روغن گذاشتند
و پیوسته بر ریش خود میمالیدند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود
که روغن را بامشک برای آنحضرت بعمل آوردند به هفت صد درهم بر آمد فضل بن سهل وزیر مامون
بحضرت نوشت که مردم شما را درین باب عیب میکنند حضرت در جواب نوشتند که مگر نمیدانی
که یوسف پیغمبر خدا بود و جامهٔ طلا باف می پوشید و بر کرسیهای طلا می نشست و باینها از حکمتش
چیزی کم نمی شد پس حضرت فرمود که باز غالیه ساختند بچهار هزار درهم **فصل ششم** در فضیلت و آداب
روغن بر بدن مالیدن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که روغن مالیدن بشره را
نرم میکند و دماغ را زیاده میکند و مجاری آب را در بدن آسان میکند و خشونت جلد را بدحالی و تنگی روزی را

بر طرف میکند و رو را نورانی میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روغن مالیدن توانگری را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که فقر را زائل میگرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در شب روغن مالیدن در عروق بدن جاری میشود و بشره را سیراب میکند و رو را سفید میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بر مومنی روغن بمالد حقتعالی برای او بعدد هر موی نوری بنویسد که در قیامت باو عطا فرماید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون روغن را بر کف دست بریزی بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ الزَّیْنَ وَالزِّیْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشَّیْنِ وَالشَّنَانِ وَالْمَقْتِ پس کف را در بالای سر بگذارد و از انجا ابتدا کند بروغن مالیدن و در روایت دیگر وارد شده است که چون روغن را بر کف بریزی بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ الزَّیْنَ وَالزِّیْنَةَ فِی الدُّنْیَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشَّیْنِ وَالشَّنَانِ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ و در چند حدیث نهی وارد شده است از مداومت بروغن مالیدن هر روز و در روایتی وارد شده است که ماهی یک بار بمالند و در روایت دیگر هفته یک مرتبه یا دو مرتبه اما زنان را هر روز مالیدن بد نیست

فصل هفتم در فوائد روغن بنفشه

در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهای شماست و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت روغن بنفشه بر سائر روغنها مثل فضیلت ماست بر سائر مردم و در حدیث دیگر مثل فضیلت شیعیان ماست بر سائر خلق و در حدیث دیگر فرمود که مثل فضیلت اسلام است بر سائر ادیان و فرمود که نیکو روغنیست روغن بنفشه بسیار بمالید که درد را از سر و چشم می برد و در حدیث دیگر فرمود که اگر خلایق بدانند که در بنفشه چه فایده هست هر آئینه بجرعه جرعه بیاشامند و در حدیث دیگر فرمود که انچه ما بخواهیم چیزی نمی آید که ما بیشتر دوست داریم از روغن بنفشه و در روایت دیگر از عقبه منقول است که شخصی از اشتر افتاده بود و دماغش آفت یافته بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که روغن بنفشه در دماغش بچکانند چنان کردند شفا یافت بعد از ان فرمود که ای عقبه روغن بنفشه در زمستان گرم است و در تابستان سرد است و برای شیعیان ما نرم است و برای دشمنان ما خشک است اگر مردم فضیلت آنرا بدانند هر آئینه هر اوقیه از ان قیمتش یک اشرفی شود حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که روغن بنفشه در بینی بچکانند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اگر مردم فوائد این روغن را بدانند هر آئینه از ان بسیار بخرند و در حدیث دیگر فرمود که گرمی تب را

بشکنید بروغن بنفشه و در حدیث دیگر منقول است که درد سر را زائل میکند و دماغ را باصلاح می آورد
فصل هشتم در فوائد روغن بان و زنبق بدانکه بان فتق هندی است که آن برگی است که از آن
روغن میگیرند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو روغنی است روغن بان و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت شکایت کرد از رگهای که در دست و پایش بهم میرسد فرمود که پنبه را
بگیر و روغن بان بر رو بریز و بر ناف خود بگذار پس روغن را بریز در ناف آن شخص یک مرتبه آن کار کرد
آن آزار از و زائل شد و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که
هر که روغن بان را بر خود بمالد و در پیش روی شیطان بخوابد بقدرت الهی با و ضرر نتوان رسانید و از
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که بر خود بمالید روغن بان را که امان است
از هر دردی و پیغمبران آنرا استعمال میفرمودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام موسی کاظم
و امام رضا علیهما السلام در بینی می چکانیدند و در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقول است که در روغن زنبق منافع بسیار است و در آن شفا از هفتاد درد است و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام نیز مرویست که روغن زنبق منافع بسیار دارد و ظاهر آنست که مراد
زنبق سفید باشد که آنرا رازقی نیز میگویند و در بسیاری از احادیث بلفظ رازقی وارد شده است
فصل نهم در فوائد سائر روغنها منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بحضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که یا علی روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هر که بخورد و بمالد
شیطان تا چهل صباح نزدیک او نیاید و در بعضی از اخبار وارد شده است که روغن گل خیری
روغن لطیف است و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روغن گل
خیری بر بدن خود میمالیدند و در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
در وقتیکه صداع ایشانرا عارض می شد روغن کنجد در بینی میچکانیدند و در حدیث معتبر دیگر منقولست
که آنحضرت دوست میداشتند که روغن کنجد به بینی بچکانند **فصل دهم** در فضیلت بخور و انواع و آداب
آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سزاوار است مرد را که هرگاه قادر باشد جامه های
خود را بخور و خوشبو دارد و از حضرت امام رضا علیه السلام مردم بوی بخور بسیار می شنیدند و مراهم

روایت کرده است که با حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بحمام رفتیم چون حضرت بیرون آمدند در
رخت کن عود سوز طلبیدند و خود را خوشبو گردانیدند پس فرمود که ازار ام را نیز خوشبو گردانید
و در روایت دیگر وارد شده است که چون زنان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام میخواستند
که بخور کنند اول یک هسته از خرمای صیحانی که نوعی است از خرمای مدینه میگرفتند و خرما و پوست را
از ان دانه دور میکردند و در آتش می انداختند چون اندکی دود میکرد بعد از ان بوی خوش می انداختند
و جامه را بر بخور میداشتند و میگفتند این بیشتر باعث خوشبوی میشود و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که عود خالص بویش در بدن تا چهل روز میماند و عودی که با بوهاے خوش دیگر
بر درده باشند تا بیست روز میماند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام
با عود هندی خالص بخور میکردند و بعد از ان گلاب و مشک بر خود میمالیدند و در روایت دیگر وارد
شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بعود قماری بخور میکردند و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقول است که بر شما باد بعود هندی که در ان هفت نوع از شفاست و در روایت
دیگر منقول است که تحفه که برای مرد روزه دار آورند آنست که ریشش را بروغن بمالند و جامه اش
را بخور بدارند و تحفه زن روزه دار آنست که گیسویش را شانه کند و جامه اش را بخور بدارد و سید ابن
طاوس علیه الرحمة روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در وقت بخور
کردن این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ بِنِعْمَتِهٖ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ عَرْفَنَا وَزَکِّ
رُوْحَنَا وَاَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا وَاجْعَلِ التَّقْوٰی زَادَنَا وَالْجَنَّةَ مَعَادَنَا وَلَا تُفَرِّقْ بَیْنَنَا وَ
بَیْنَ عَافِیَتِكَ اِیَّانَا وَکَرَامَتِكَ لَنَا اِنَّكَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ و گفته اند که در روایت دیگر منقولست
که در وقت بخور و بوی خوش کردن این دعا بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنِیْ بِمَا رَزَقْتَنِیْ
وَلَا تَسْلُبْنِیْ مَا خَوَّلْتَنِیْ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ ذِکْرِیْ بَیْنَ
خَلْقِكَ کَمَا طَیَّبْتَ بَشَرَتِیْ وَسَوَادِیْ بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ عِنْدِیْ **فصل یازدهم** در بیان فضل گلاب
و گل سرخ و انواع گلها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که گلاب بر رو ریختن آب رو را زیاده میکند
و پریشانی را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که گلاب بر رو بمالد در آنروز بدحالی نه بیند و
پریشانی باو نرسد و چون گلاب بر دست ما مالد حمد خدا کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که هر که در اول روز ماه مبارک رمضان یک کف گلاب بر رو بریزد
در آنروز ایمن گردد از خواری و پریشانی و هر که در آنروز بر سرش یک کف گلاب بریزد در آن سال از مرض
سرسام و ذات الجنب ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم هر دو کف را از گل سرخ پر کردند و بمن عطا فرمودند چون
نزدیک بمشام خود بردم فرمودند که این بهترین گلهای بهشت است بعد از گل مورد و در حدیث دیگر
از آنحضرت منقول است که چون مرا بآسمان بردند از عرق من قطرهٔ چند بر زمین ریخت و گل سرخ
از آن روئید پس آن گل بدریا افتاد ماهی خواست که بردارد و غموص گرمی است در دریا که سر پهنی
دارد و دم باریک و دراز خواست که بردارد در میان ایشان نزاع شد پس حقتعالی ملکی را فرستاد
که در میان ایشان محاکمه کرد و نصف را بماهی داد و نصف را بغموص پس باین سبب پنج برگ سبزی که
در زیر گل می باشد دو تا بشکل دم ماهی است که آن بر طرف پری دارد و دو تا بشکل دم غموص است که باریک
است و از هیچ طرف پری ندارد و یک طرف پری دارد و طرف دیگر ندارد که شکلش مثل نصف
دم ماهی است و نصف دیگر بشکل دم غموص است و در روایت دیگر منقولست که چون آنحضرت را
بمعراج بردند زمین از مفارقت آنحضرت محزون شد باین سبب کبر در زمین روئید و چون برگشتند
شاد شد و گل سرخ در آن روئید پس کسیکه خواهد که بوی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم را
استشمام کند گل سرخ را ببوید و در روایت دیگر از طرق عامه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم وارد شده است که گل سفید از عرق من روئید در شب معراج و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد
از عرق براق و در روایتی وارد شده است که بوئیدن نرگس و روغنش را مالیدن فضائل بسیار دارد
چون حضرت ابراهیم را در آتش انداختند حقتعالی آتش را برو برد و سلام گرد در میان آتش از
برای آنحضرت نرگس بهم رسید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که نیکو گلیست مرزن گوش در زیر عرش میروید و آبش باعث شفای چشم
است و در روایت دیگر منقول است که بسیار ببوئید مرزن گوش را که قوت شامه را می افزاید
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گل بنفشه و یک نوع دارد و سفید و بهترین همه گل
مورد است **فصل دوازدهم** در آداب گل بوئیدن در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام

و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هرگاه بشما گلی بدهند ببوسید و بر دیده های خود بگذارید که آن از بهشت آمده است و در حدیث معتبر مالک جهنی روایت کرده است که گلی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام دادم گرفتند و بوسیدند و بر هر دو دیده گذاشتند پس فرمودند که هر که گلی را بگیرد و ببوید و بر دیده های خود بگذارد پس بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ آلِ مُحَمَّدٍ هنوز بر زمین نگذاشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که هر که گل را ببوید و بر دیده ها گذاشته صلوات بر محمد و ائمه علیهم السلام بفرستد حقتعالی برای او از حسنات بقدر ریگ بیابان عالج که در مابین مکه و شام و عراق کشیده است بنویسد و از گناهان او بعدد ریگ آن بیابان محو نماید **باب ششم** در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و دواره کشیدن و آداب بعضی از اغسال **فصل اول** در فضیلت حمام منقولست که عمر گفت که بد خانه ایست حمام که عورت را ظاهر میکند و پرده آدمی را میدرد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که نیکو خانه ایست حمام که جهنم را بیاد می آورد و چرک را از بدن می برد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که حمام یکروز در میان گوشت بدن را زیاده میکند و در هر روز رفتن بحمام گرده ها را میگدازد و بدن را لاغر میکند و از سلیمان جعفری منقولست که گفت بیمار شدم تا آنکه گوشتم همه تحلیل رفت بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم فرمود که میخواهی که گوشت بدنت برگردد گفتم بلی فرمود که یک روز در میان بحمام برو که گوشت بدنت عود میکند و زنهار هر روز مرو که باعث مرض سل می شود و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه خواهد که فربه شود یک روز در میان بحمام برود و دیگر روز نرود و کسیکه گوشت زیاده داشته باشد و خواهد که لاغر شود هر روز بحمام برود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بهترین دواهای شما حقنه و حجامت کردن و دارو در بینی چکانیدن و حمام است و در روایت دیگر وارد شده است که دوای بلغم حمام است و در چند روایت وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که زنش را بحمام نفرستد و علما تاویل کرده اند بدو وجه اول آنکه این در بلادی است که در آن بلاد باعتبار گرمی هوا احتیاج ندارند بحمام رفتن دوم آنکه مراد این است که زن خود را رخصت ندهد که برای سیر کردن بحمامها برود **فصل دوم** در آداب داخل شدن و بیرون آمدن از حمام و دعاها که باید خواند در احادیث

معتبره بسیار وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که با لنگ داخل بحمام شود حقتعالی گناهان
او را بپرده ستر خود بپوشاند و در حدیث دیگر فرمود که هر که داخل حمام شود و دیدهٔ خود را از نظر کردن
بعورت دیگران بپوشاند حقتعالی او را از حمیم جهنم ایمن میگرداند و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم نهی فرمود از غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و از داخل شدن در نهرها بی لنگ
و فرمود که در نهرها ساکنان اند از ملائکه و نهی فرمود از داخل شدن بحمام بی لنگ و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که داخل حمام مشو مگر آنکه اندک چیزی در معدهٔ تو باشد که حرارت
معده را از تو فرو نشاند و این بیشتر باعث قوت بدن است و داخل حمام مشو در وقتیکه معدهٔ تو
پر باشد از طعام و در حدیث دیگر منقول است که هرگاه آنحضرت ارادهٔ حمام رفتن میکردند اندک
چیزی تناول میفرمودند راوی گفت که مردم میگویند که ناشتا بحمام رفتن بهتر است فرمود که نه بلکه
اندک چیزی می باید خورد که صفرا را فرو می نشاند و حرارت اندرون را ساکن میگرداند و در روایت
دیگر فرمود که حمام رفتن ناشتا بلغم را پاک میکند و بعد از چیزی خوردن صفرا و سودا را پاک میکند و فرمود
که اگر خواهی که گوشت بدنت زیاده شود بعد از چیزی خوردن بحمام برو و فرمود که اگر خواهی که گوشت
کم شود ناشتا برو و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در وقتیکه در رخت کن حمام
جامه ها را از خود میکنی بگو اَللّٰهُمَّ انْزِعْ عَنِّی رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَ ثَبِّتْنِی عَلَی الْاِیْمَانِ پس چون داخل
خانهٔ اول حمام شوی بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ اَسْتَعِیْنُ بِکَ مِنْ اَذَاهَا و چون
داخل خانهٔ دوم شوی بگو اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الرِّجْسَ النَّجَسَ وَ طَهِّرْ جَسَدِی وَ قَلْبِی و بگیر از
آب گرم و بر سر بریز و بعضی از آن آب را بر پاها بریز و اگر توانی که جرعهٔ از آن آب بخوری بخور که مجرای
بول را پاک میکند و در خانهٔ دوم ساعتی صبر کن پس چون داخل خانهٔ سوم شوی بگو نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ
وَ نَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ و مکرر این را بگو تا هنگام بیرون آمدن از خانهٔ گرم و زنهار آب سرد و خربزه در حمام
مخور که معده را فاسد میکند و آب سرد بر خود مریز که بدن را ضعیف میکند و چون از حمام بیرون آئی
آب سرد بر پاها بریز که درد را از بدنت میکشد پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنِی
التَّقْوٰی وَ جَنِّبْنِی الرَّدٰی پس چون اینها که گفتم بکنی از همه دردها ایمن شوی و از حضرت امیر المؤمنین

صلوات الله علیه و آله منقول است که چون بعد از بیرون آمدن تو از حمام برادر مومن بگوید بتو طاب حَمَّامُكَ وَ حَمِيمُكَ تو در جواب بگو اَنْعَمَ اللّٰهُ بَالَكَ و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام حسن صلوات الله علیه از حمام بیرون آمدند شخصی بآنحضرت گفت طَابَ اِسْتِحْمَامُكَ حضرت او را منع کردند پس گفت طَابَ حَمَّامُكَ باز او را منع کردند پس گفت طَابَ حَمِيمُكَ باز منع کردند او را گفت پس چه گویم فرمود که بگو طَابَ مَا طَهُرَ مِنْكَ وَ طَهُرَ مَا طَابَ مِنْكَ یعنی خدا طیب و پاکیزه و نیکو گرداند به نیکی معنوی بسبب مغفرت گناهان و توفیق طاعت آنچه پاک شده است در حمام از اعضای بدن تو و پاک گرداند از لوث گناهان و جهالت و ضلالت آنچه پاکیزه و نیکو است از تو که آن دل و نفس و عقل و سائر قوی و اعضای شریفه باشد و در روایت دیگر منقول است که کسیکه از حمام بیرون آید باو بگویند اَنْقَى اللّٰهُ غُسْلَكَ و او در جواب بگوید طَهَّرَكُمُ اللّٰهُ و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه از حمام بیرون می آئید عمامه بر سر به بندید فرمود که بعد از بیرون آمدن از حمام پاها را بشوئید که درد شقیقه را زائل میکند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام هرگاه که از حمام بیرون می آمدند در زمستان و تابستان عمامه بر سر می پیچیدند و میفرمودند که امان است از درد سر و در روایتی وارد شده است چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او غالب آید آب سرد بر خود بریزد تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام وارد شده است که در روز چهارشنبه بحمام بروید

فصل سوم در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه تجویز شده است منقول است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله میفرمودند که در حمام بر پشت مخوابید که پیه گرده ها را میگدازد و سفال و آجر بر پای خود مسائید که مورث خوره است و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که مرد با پسر خود بحمام نرود که نظر کند بعورت او و جائز نیست فرزند را که نظر کند بعورت پدر و مادر خود و پدر و مادر را جائز نیست که نظر کنند بعورت فرزند خود و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم لعنت فرمود که کسیکه نظر بعورت کسی کند در حمام یا بی لنگ رود که دیگران بعورت او نظر کنند و در حدیث دیگر فرمود که بر پهلوی مخواب در حمام که پیه گرده ها را میگدازد و لاغر میکند آدمی را و در حمام شانه مکن مو تنگ میشود و سر را بگل مشو که غیرت را می برد و سفال بر بدن ممال که مورث پیسی است و لنگ بر رو ممال که آب رو را می برد و ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد گل مصر و سفال شام است

و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از قرآن خواندن در حمام و جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و در روایت حسن دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله نهی فرموده از قرآن خواندن در حمام حضرت فرمود که وقتی نهی میفرمود که کسی عریان باشد پس اگر لنگ بسته باشد باکی نیست و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست مرد را که در حمام قرآن بخواند اگر غرضش رضای خدا باشد نه خوشخوانی و در حدیث دیگر منقول است که روزی آنحضرت میخواستند بحمام بروند حمامی گفت که اگر میخواهی حمام را برای شما خلوت کنم فرمود که در کار نیست مومن را کارش از این سبکتر میباشد که حمام را برای او قورق کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که هر که از حمام سفالی بردارد و بر بدن خود بمالد پیسی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و کسیکه غسل کند از آبی که از غسل مردم جمع شده باشد در حمام و خوره باو برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که زنهار در حمام بر پهلو مخواب که پیه گرده ها را آب میکند و بر پشت نخواب که درد اندرون بهم میرسد و شانه مکن که موها را میریزاند و مسواک مکن که دندان را میریزاند و سر را بگل مشو که رو را بدنما و سمج میکند و لنگ را بر سر و رو ممال که آب رو را میبرد و کفهای پا را بسفال مسای که باعث پیسی میشود و از آبی که در حوضهای کوچک در حمامهای زمستان جمع شود از غسل مردم غسل مکن که در آن غساله یهود و نصرانی و گبر و دشمن ما اهل بیت که از همه بدتر است جمع میشود و خدا خلقی از سگ نجس تر خلق نکرده است و کسیکه عداوت ما اهل بیت دارد و آن از سگ نجس تر است و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که بول کردن در حمام مورث فقر و پریشانی است و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست که مرد با کنیزانش بحمام برود اما باید که لنگ بسته باشند و مانند خران برهنه نباشند که نظر بر عورت یک دیگر کنند و در روایتی وارد شده است که در حمام سلام نکنند و آن در صورتیست که لنگ نبسته باشند زیرا که در احادیث بسیار وارد شده است که ائمه علیهم السلام در حمام سلام کرده اند بر مردم

فصل چهارم در فضیلت شستن سر و بدن و دفع بوهای بد از خود کردن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که کافی است آب از برای خوشبو کردن بدن و فرمود که هر که جامه بپوشد باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که شستن سر چرک را می برد

و آزار چشم را دفع میکند و شستن جامه غم و اندوه را می برد و پاکیزگی است برای نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید باب از بوهای بدی که مردم از آن متأذی میشوند و در پی اصلاح بدن خود باشید بدرستیکه خدا دشمن میدارد از بندگانش آن کثیف گندیده را که پهلوی هر که بنشیند از و متأذی شود و فرمود که آب را بوی خوش گردانید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حق تعالی غضب نکرد بر بنی اسرائیل مگر وقتیکه ایشان را داخل مصر کرد و راضی نشد از ایشان مگر وقتیکه ایشان را از مصر بیرون کرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که سر خود را بگل مصر مشوئید و از کوزه که در مصر میسازند آب مخورید که خواری و مذلت می آرد و غیرت را می برد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که دوست نمیدارم که سر خود را از گل مصر بشویم از ترس آنکه مرا ذلیل گرداند و غیرت مرا ببرد و از جابر جعفی منقول است که شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام از آنکه گرمی در سرم هست و بسیار می ریزد و جامه ام را چرکین میکند فرمود که مورد و آلکوب و آلشب را بگیر و با سرکه که از شراب بعمل آورده باشند و بسیار تند باشد بهم بزن آن قدر که کف کند پس سر و ریش را بآن بقوت تمام بمال و بشوی پس بروغن شیر تازه سر و ریش را چرب کن که آن علت زائل میشود

فصل پنجم در فضیلت شستن سر با سدره و خطمی در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که ناخن و شارب گرفتن و سر را با خطمی شستن فقر و درویشی را زائل میکند و روزی را زیاده میکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که شستن سر بخطمی در هر جمعه امان میدهد از پیسی و دیوانگی و در روایت دیگر فرمود که هر که ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطمی بشوید در روز جمعه ثواب کسی دارد که یک بنده آزاد کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که شستن سر بخطمی دل را می گشاید و سودا و اندوه را برطرف میکند و در حدیث موثق از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که شستن سر با سدره روزی را زیاده میکند و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون حق تعالی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را امر کرد که اسلام را ظاهر گرداند آنحضرت کمی مسلمانان و بسیاری کافران را دید بسیار غمگین شد حق تعالی حضرت جبرئیل را با یک برگ سدره از درخت سدرة المنتهی فرستاد که سر را بآن بشوید پس بآن شستن اندوه آن حضرت برطرف شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شستن سر با خطمی امان میدهد از درد سر

و بیزار میگرداند از پریشانی و سر را پاک میکند از گرمی و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سر خود را با سدر می شستند و میفرمودند که بشوئید سر خود را با برگ سدر که هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسل آن را بپاکی یاد کرده است و هر که سرش را بآن بشوید حق تعالی از وسوسهٔ شیطان را هفتاد روز دور گرداند و هر که هفتاد روز وسوسهٔ شیطان از او دور شود معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله و سلم منقول است که شستن سر با خطمی چرک و جانوران سر را برطرف میکند

فصل ششم در فضیلت دارو کشیدن

در حدیث حسن از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که دارو کشیدن پاک کنندهٔ بدن است و در حدیث صحیح منقول است که عبدالرحمن بن ابی عبدالله گفت که با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بحمام رفتم فرمود که دارو بکش گفتم چند روز نیست که کشیده ام فرمود که دیگر بکش که پاک کنندهٔ بدن است و برین مضمون چندین حدیث وارد شده است و در حدیث دیگر منقول است که حضرت شخصی را تکلیف دارو کشیدن کردند او گفت که سه روز است که دارو کشیده ام فرمود که بار بکش که پاک میگرداند ترا و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که دارو کشیدن دفع دلگیری و پریشانی خاطر میکند و بدن را پاک میکند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که گفت موهای بدن را از خود بیندازید که نجس و کثیف است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که موی بدن چون بلند میشود آب پشت را قطع میکند یعنی فرزند بوجود نمی آید و پیها را سست میکند و ضعف و تنگی می آورد و نوره کشیدن آب پشت را زیاده میکند و بدن را قوی میکند و پیه گرده ها را زیاده میکند و بدن را فربه میکند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چهار چیز است که از اخلاق پیغمبران است بوی خوش کردن و سر تراشیدن و نوره مالیدن و بسیار جماع کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که موی شارب و زیر بغل و پشت زهار را بلند مگذارید که شیطان در آنجاها پنهان میشود

فصل هفتم در ازالهٔ موی زیر بغل

در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که دراز مگذارید موی زیر بغل را که شیطان در آنجا پنهان میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام زیرهای بغل را دارو میکشیدند و میفرمودند که کندن موی بغل دوش را سست میکند و در حدیث دیگر منقولست که دارو کشیدن

زیر بغل بهتر است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن و در حدیث دیگر وارد شده است که بسیار بود که آنحضرت از برای ازاله موی زیر بغل بحمام میرفتند و همین آن موضع را داروی میکشیدند و بیرون می آمدند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که موی زیر بغل را کندن گند بغل را برطرف میکند و پاک کننده است و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است

فصل هشتم در غایت زمانی که نوره را تاخیر میتوان کرد در حدیث معتبر از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر مردی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که موی پشت زهار را زیاده از چهل روز نگذارد و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد اینکه ترک کند ازاله موی زهار را زیاده از بیست روز و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در هر جمعه دارو می کشیدند موی پشت زهار را و میان دو بغل را در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سنت در نوره کشیدن آنست که هر پانزده روز یک مرتبه بکشد و اگر کسی بیست و یک روز هم یک مرتبه نکشد خوب است و در روایت دیگر هشت روز بگذرد که نوره نکشیده باشد قرض کند بر خدا و نوره بکشد و کسی را که چهل روز برو بگذرد که نوره نکشد او مومن و مسلمان نیست و او را هیچ کرامت نزد خدا نیست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار را زیاده از چهل روز نگذارد پس اگر چیزی نیابد بعد از چهل روز قرض کند و نگذارد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که دوست میدارم از برای مومن که هر پانزده روز نوره بمالد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که باید که پشت زهار را یک هفته بیشتر نگذارد و کسیکه نوره را زیاده از یک ماه ترک کند نمازش مقبول نیست

فصل نهم در دعاهای وقت نوره کشیدن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که پیش از نوره کشیدن اندکی نوره بردارد و ببوید و بر سر بینی بگذارد و بگوید صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سُلَيْمَانَ ابْنِ دَاوُدَ كَمَا اَمَرَنَا بِالنُّوْرَةِ او را نسوزاند نوره و از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام منقول است که هر که وقت نوره مالیدن بر بدن آنچه خواهد بخواند خدا او را از چرکها و کثافتهای دنیوی و از گناهان پاک گرداند و بعوض آن مو موی باو کرامت فرماید که در آن مو گناه نکند و بعد هر موی از بدنش ملکی خلق کند که از برای او تسبیح الهی بکند تا روز قیامت بدرستیکه یک تسبیح از تسبیح ملائکه ثواب پش

برابر است با ثواب هزار تسبیح اهل زمین و دعا این است اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّی وَ طَهِّرْ مَا طَابَ
مِنِّی وَ اَبْدِلْنِی شَعْرًا طَاهِرًا لَا یَعْصِیكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِینَ
وَ ابْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ فَحَرِّمْ شَعْرِی وَ بَشَرِی عَلَی النَّارِ وَ طَهِّرْ خَلْقِی وَ طَیِّبْ خُلْقِی
وَ زَكِّ عَمَلِی وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یَلْقَاكَ عَلَی الْحَنِیفِیَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ اِبْرَاهِیمَ خَلِیلِكَ وَ دِینِ مُحَمَّدٍ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهٖ حَبِیبِكَ وَ رَسُولِكَ عَامِلًا بِشَرَائِعِكَ تَابِعًا لِسُنَّةِ نَبِیِّكَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَ اٰلِهٖ اٰخِذًا بِهٖ مُتَاَدِّبًا بِتَاْدِیبِكَ وَ تَاْدِیبِ رَسُولِكَ وَ تَاْدِیبِ اَوْلِیَائِكَ الَّذِینَ غَذَوْتَهُمْ
بِاَدَبِكَ وَ زَرَعْتَ الْحِكْمَةَ فِی صُدُورِهِمْ وَ جَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِعِلْمِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِمْ

فصل دوم در اوقات نوره کشیدن و سائر آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که یک
مرتبه در تابستان نوره کشیدن بهتر است در فضیلت و نفع از ده مرتبه که در زمستان بکشند و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله مرویست که احتراز کنید از نوره مالیدن در روز چهارشنبه که روز نحس مستمر است
و جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که پنج چیز است که مورث پیسی است نوره در روز جمعه و چهارشنبه مالیدن و وضو و غسل کردن
بآبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن و جماع در وقت حیض
با زنان کردن و در حال سیری چیزی خوردن و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که
در روز جمعه نوره بکشد پیس شود ملامت نکند مگر خود را و دور نیست که این دو حدیث محمول
بر تقیه باشد یا آنکه یکی از طریق اهل سنت است زیرا که حدیث گذشته که حضرت پیغمبر صلی
الله علیه و آله و سلم در روز جمعه نوره می کشیدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که بخدمت
حضرت صادق علیه السلام عرض کردند که مردم میگویند که نوره کشیدن در روز جمعه مکروه است حضرت
فرمود که چنین نیست که تو گمان کرده چه چیز پاک کننده تر است از نوره کشیدن در روز جمعه و در حدیث
دیگر منقول است که علی ابن یقطین خواست که بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام بنویسد که آیا
مرد در حالت جنابت نوره میتواند کشید و فراموش کرد حضرت از باب اعجاز باو نوشتند که باکی
نیست نوره باعث زیادتی پاکیزگی جنب است و از حضرت صادق علیه السلام نیز پرسیدند
فرمود که باکی نیست و در حدیث حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که کسی که دار

کشیده ایستاده بول میتواند کرد فرمود که باکی نیست و در روایت دیگر منقول است کسی که نوره دارد و
مالیدن برای بول بنشیند بیم آنست که بعلت فتق مبتلا شود و بشیر نبال با حضرت امام محمد باقر
علیه السلام بحمام رفت حضرت لنگی بستند از ناف تا زانو و خدمتکار حمام را طلبیدند که آنچه
بالا و پایین لنگ بود دارو را مالید و بعد از آن او را بیرون کردند و از ناف تا زانو خود کشیدند بشیر
گفتند که هرگاه دارو بکشی چنین کن و در بعضی احادیث تجویز این وارد شده است که غیر عورتین را
دیگری بمالد و بسند حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است که کسی
آرد را با روغن زیت مخلوط کند و بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه دفع بوی نوره شود فرمود که باک
نیست و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام چنین میکردند و در حدیث دیگر
منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آرد را بعد از نوره بر بدن میتوان مالید فرمود
که باکی نیست راوی گفت که مردم میگویند که اسراف است حضرت فرمود که در چیزی که اصلاح بدن کند
اسراف نیست من بسیار وقت است که میفرمایم که آرد و نخود را با روغن زیت مخلوط میکنند و در بدن
میمالم اسراف در چیزی میباشد که مال را تلف کند و به بدن ضرر برساند **فصل یازدهم** در فضیلت
حنا مالیدن بعد از نوره حسین ابن موسی روایت میکند از پدرش که حضرت موسی بن جعفر علیهما
السلام هرگاه اراده حمام میکردند میفرمودند که حمام را بسیار گرم میکردند بمرتبه که داخل نمیتوانست
شد پس میفرمودند که نمدها بر زمین حمام می انداختند و بعد از ان داخل میشدند روزی از حمام بیرون
می آمدند شخصی از آل زبیر بآن حضرت رسید و اثر حنا در دست آنحضرت دید گفت این رنگ چیست
که در دست تست فرمود که رنگ حناست که چند انم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند
که هر که بحمام رود و دارو بکشد و بعد از دارو حنا از سر تا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و خوره و پیسی
و آکله تا نوره کشیدن دیگر و در حدیث معتبر منقول است که حکم بن عتیبه دید که حضرت صادق علیه السلام
حنا برداشتند و بر ناخنهای خود گذاشتند فرمودند که ای حکم چه میگوئی در این باب گفت چه توانم گفت
در کاری که شما بکنید لیکن این کار را پیش ما جوانان می کنند حضرت فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره سفید
میشود بناخن مردگان ما رنگ شان را میگردانیم بحنا و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام
محمد تقی علیه السلام از حمام بیرون آمدند و از سر تا پای مبارکش مانند گل سرخ شده بود

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حنا مالیدن بوی بد را می برد و آب رو را زیاده میکند و دهان را
خوشبو میکند و فرزند را نیکو میکند و هر که بعد از نوره از سر تا پا حنا بمالد فقر و پریشانی از او برطرف میشود.

فصل دوازدهم در آداب غسل جمعه و سائر اغسال بدانکه غسلهای واجب بنابر مشهور میان علما شش است
غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مس میت و غسل میت و مستحب است که در وقت غسل
جنابت این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِیْ وَ زَكِّ عَمَلِیْ وَ تَقَبَّلْ سَعْیِیْ وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ
خَیْرًا لِیْ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِنَ التَّوَّابِیْنَ وَ اجْعَلْنِیْ مِنَ الْمُتَطَهِّرِیْنَ و اگر این دعا بخواند بهتر است -
اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِیْ وَ اشْرَحْ لِیْ صَدْرِیْ وَ اَجْرِ عَلٰی لِسَانِیْ مِدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَیْكَ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْهُ طَهُوْرًا وَ شِفَاءً وَ نُوْرًا اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ و بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده اند
و در تفسیر حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل جنابت این
دعا بخواند گناهان از او بریزند چنانچه برگ از درختان میریزند و بهر قطره از قطرات وضو و غسل او
حق تعالی ملکی خلق فرماید که تقدیس و تسبیح و تهلیل و تکبیر الهی کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و
ثوابش از او باشد و گناهانش آمرزیده شود و دعا این است سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوْبُ اِلَیْكَ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ
وَ اَشْهَدُ اَنَّ عَلِیًّا وَلِیُّكَ وَ خَلِیْفَتُكَ بَعْدَ نَبِیِّكَ عَلٰی خَلْقِكَ وَ اَنَّ اَوْلِیَاءَهُ خُلَفَاؤُكَ
وَ اَوْصِیَاءَهُ اَوْصِیَاؤُكَ اما غسلهای سنت شصت و دو غسل است و از جمله آنها غسل جمعه است
و بعضی از علما واجب میدانند و احوط آنست که تا معذور نباشد ترک نکند و در احادیث معتبره وارد
شده است که غسل جمعه واجب است بر مردان و زنان در سفر و حضر مگر آنکه رخصت داده اند زنان را
که ترک کنند در سفر برای کمی آب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که غسل جمعه پاکیزه
کننده و کفاره گناهان است از جمعه تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است
که هر که غسل جمعه بکند و بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِیْ مِنَ التَّوَّابِیْنَ وَ اجْعَلْنِیْ مِنَ
الْمُتَطَهِّرِیْنَ این غسل و دعا پاک میگرداند او را تا جمعه دیگر و بهتر آنست که این دعا را نیز بخواند اَللّٰهُمَّ
طَهِّرْنِیْ وَ طَهِّرْ قَلْبِیْ وَ اَنْقِ غُسْلِیْ وَ اَجْرِ عَلٰی لِسَانِیْ مَحَبَّةً مِنْكَ و باز بگوید اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِیْ

مِنْ كُلِّ اَذًى تَمْحَقُ بِهَا دِيْنِيْ وَ تُبْطِلُ بِهَا عَمَلِيْ و در فقه الرضا مذکور است که چون از غسل جمعه فارغ شوی بگوی اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِيْ وَ طَهِّرْ قَلْبِيْ وَ اَنْقِ غُسْلِيْ وَ اَجْرِ عَلٰى لِسَانِيْ ذِكْرَكَ وَ ذِكْرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ اجْعَلْنِيْ مِنَ التَّوَّابِيْنَ وَ الْمُتَطَهِّرِيْنَ و وقت آن از صبح صادق است روز جمعه تا نماز پیشین و مشهور آنست که هر چند نزدیک تر است به پیشین بهتر است و اگر خوف داشته باشد که در روز جمعه آب یافته نشود در روز پنجشنبه میتواند کرد و اگر فوت شود بعد از پیشین تا شام روز جمعه میتواند کرد و نیت قضا در کار نیست و از صبح روز شنبه تا شام بقصد قضا میتواند کرد و در فقه الرضا مذکور است که در روزهای دیگر هفته هم میتوان کرد و ظاهرا کسی از علما باین قائل نشده است و سنت است غسل کردن در شبهای طاق ماه مبارک رمضان خصوصا در شب اول و شب نیمه و شب هفدهم و آن شبی است که مومنان و کافران در بدر جمع شده اند و در روزش اعظم فتحهای اسلام واقع شد و شب نوزدهم آن شبی است که تقدیرات سال در آن شب نوشته میشود بنا بر بعضی از احادیث و شب بیست و یکم آن شبی است که اوصیا و انبیا در آن شب شهادت یافتند و حضرت عیسی در آن شب باسمان رفته و حضرت موسی علیه السلام از دنیا رفته و احتمال قوی دارد که شب قدر بوده باشد و شب بیست و سوم و آن شب قدر است باحتمال قوی و قول اکثر و در آن شب دو غسل است یکی مقارن غروب آفتاب و دیگر در آخر شب و در بعضی از روایات وارد شده است که در شبهای دهه آخر هر شب غسل بکند و سنت است غسل در شب عید فطر و روزش و روز عید قربان و ظاهر آنست که در این دو روز غسل را تا شب میتوان کرد و لیکن افضل آنست که پیش از نماز عید واقع سازد و در روز هشتم ذی الحجه و در روز عرفه نزد زوال و شب نیمه رجب و منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که هر که ماه رجب را دریابد و غسل کند در اول ماه و میان ماه و آخر ماه از گناهان بدر آید مثل روزی که از مادر متولد شده باشد و روز مبعث و آن بیست و هفتم رجب است و اکثر علما گفته اند اگر چه حدیثی بخصوص بنظر نرسیده است و شب نیمه ماه شعبان و روز عید غدیر خم که هیجدهم ذی الحجه است و روز مباهله که بیست و چهارم ذی الحجه است و بعضی گفته اند روز بیست و پنجم است و روز دحو الارض بنا بر مشهور و آن روز بیست و پنجم ذی قعده است و در این غسل نیز حدیثی بنظر نرسیده است و روز نوروز بنا بر حدیث بعضی و حدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد

و مشهور آنست که روزی است که آفتاب به برج حمل منتقل میشود و همچنین سنت است غسل برای
احرام حج یا عمره و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که ترک نکنند و غسل زیارت حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین از نزدیک و دور و غسل استخاره مطلقا
خصوصا نمازهای خاص استخاره و برای نمازهای مخصوص که در طلب حاجت وارد شده است
و غسل توبه از گناهان و باز سنت است غسل از برای قضای نماز کسوف هرگاه عمداً ترک کرده باشد
و قرص تمام گرفته باشد و بعضی گفته اند که واجب است و احوط آنست که ترک نکنند و بعضی گفته اند که
بواسطه قضا غسل کند اگر عمداً ترک کرده باشد اگرچه تمام قرص نگرفته باشد و از برای ادا غسل میکند اگر
تمام گرفته باشد و این قول قویست و سنت است غسل از برای دخول حرم و از برای داخل شدن مکه
معظمه و از برای داخل شدن خانه کعبه و از برای طواف و از برای داخل شدن حرم مدینه و از برای داخل
شدن شهر مدینه منوره و از برای داخل شدن مسجد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و از برای کشتن وزغ
و غسل فرزندی که متولد شود چنانچه گذشت و غسل روز ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بنا بر
قول بعضی و آن هفدهم ماه ربیع الاول است و آنچه بنظر رسیده غسل از برای زیارت است در آن روز و گذشت
غسل از برای طلب باران و از برای کشتن چلپاسه و غسل بعد از کشتن است و همچنین هرگاه شخصی برود بدیدن
دیدن کسیکه او را بحلق کشیده باشند غسل سنت است بعد از دیدن و بعضی واجب دانسته اند و اکثر
علما گفته اند که هرگاه سعی بعد از سه روز باشد سنت است خواه بحق او را کشته باشند خواه بباطل و بعضی
از علما گفته اند که سنت است اعاده غسل هرگاه بعنوان ناقصی بر وجه ضرورت بعمل آمده باشد مثل جبیره و تقیه
و همچنین گفته اند که هرگاه جامه میان دو کس مشترک باشد و منی در آن بیابند و معلوم نباشد که از کدام
یک بوده است هر دو را غسل کردن سنت است و نیز گفته اند برای کفن کردن میت سنت است
و ظاهر حدیث آنست که همان غسل مس میت است که سنت است که پیش از کفن کردن بجا آورد و همچنین
سنت است غسل هرگاه کسی مرده را بعد از غسل دست بمالد و بعضی گفته اند که هرگاه شخصی جنب مرده
باشد سنت است که غسل جنابت بدهند او را پیش از غسل میت یا بعد از آن و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون خواهی که غسل روز عید فطر بجا آوری در زیر سقفی بکن
چون خواهی که شروع کنی بگو اَللّٰهُمَّ اِیْمَانًا بِکَ وَتَصْدِیْقًا بِکِتَابِکَ وَاِتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ

محمدٍ صلی اللہ علیہ و آلہ و چون از غسل فارغ شوی بگو اللّهمّ اجعله کفّارة لذنوبی
وطهورا لدنسی اذهب عنّی الرّجس بدانکه تفاصیل اغسال و احکام آنها را این رساله گنجایش نداشت
انشاء اللہ تعالی در کتاب عبادات نوشته خواهد شد واللہ الموفق **باب هشتم** در آداب خواب رفتن
و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن **فصل اول** در بیان اوقات خواب بدانکه خواب کردن بعد از طلوع
صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز شام و خفتن و بعد از عصر مکروه است و پیش از ظهر در وقت گرمی هوا و بعد
از نماز ظهر تا عصر خواب قیلوله است و سنت است و از حضرت علی بن الحسین صلوات اللہ علیهما
منقول است که به ابی حمزه ثمالی فرمود که خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من از برای تو دوست
نمیدارم زیرا که حق تعالی روزی بندگان را درین وقت قسمت میکند و هر که درین وقت در خواب
است محروم میشود و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم منقول است که زمین بسوی خدا ناله و فریاد
میکند از سه چیز از خون حرامی که بر آن ریخته شود و یا غسلی که از زنا کنند بر روی آن یا خواب کردن بر آن
پیش از طلوع آفتاب و از حضرت صادق علیہ السّلام منقول است که خواب بامداد شوم است و روزی
را منع میکند و رنگ را زرد میکند و رو را قبیح و متغیر میکند و این خواب را معتقد هر شومی است بدرستیکه
حق تعالی روزی را از مابین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت می نماید پس زنهار این خواب را مکنید و فرمود
که مرغ بریان و ترنجبین بر بنی اسرائیل درین وقت نازل میشد هر که در خواب بود بهره او نازل نمی شد
و حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود که هر که در جای نماز خود بنشیند از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
خدا او را مستور گرداند از آتش جهنم و در حدیث دیگر فرمود که مثل ثواب حج کننده خانه کعبه داشته
باشد و گناهانش آمرزیده شود اما در چند حدیث تجویز وارد شده است که اگر نماز بکند و قدری
تعقیب بخواند و پیش از برآمدن آفتاب بخوابد باکی نیست چنانچه در حدیث صحیح منقول است که حضرت
امام رضا علیہ السلام بشخصی فرمود که فردا بعد از طلوع آفتاب بیا که من بعد از نماز صبح خوابی میکنم و از حضرت
صادق علیہ السلام منقول است که بشخصی فرمود که چون نماز صبح کردی و ذکر خدا خواندی اگر پیش از طلوع
آفتاب بخوابی وی باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است که خواب اول روز سفاهت
است و خواب قیلوله نعمت است و خواب بعد از نماز عصر حماقت است و خواب میان نماز شام
و خفتن از روزی محروم میگرداند و از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ منقول است

اگر خواب کردن پیش از طلوع آفتاب پیش از نماز خفتن پریشانی و فقیری آورد و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد که من حافظهٔ قوی داشتم و اکنون فراموشی بر من غالب شده است فرمود که آیا خواب قیلوله میکردی و الحال ترک کردهٔ گفت بلی فرمود که باز خواب قیلوله بکن چنان کرد حافظه اش برگشت و در روایت دیگر وارد شده است که قیلوله کنید که شیطان قیلوله نمیکند و منقول است که نیکو یاوری است خواب قیلوله بر بیداری و عبادت شب

فصل دوم در وضو ساختن پیش از خواب

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که وضو بسازد و برخت خواب برود رخت خواب برای او حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان رخت خواب بیادش آید که وضو ندارد از لحاف خود تیمم کند و اگر با وضو یا تیمم بخوابد تا صباح بیاد خدا است چنان است که نماز میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که نخوابد مسلمان در حالتیکه جنب باشد نخوابد مگر با وضو و اگر آب از برای وضو و غسل هم نرسد تیمم کند بخاک زیرا که روح مومن را در وقت خواب بآسمان می برند و حق تعالی او را قبول می نماید و برکت بر و می فرستد پس اگر اجلش رسیده است او را در گنجهای رحمت خود می سپارد و اگر اجلش نرسیده است او را با امینان خود از ملائکه ببدن او بر میگردانند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باصحاب خود فرمود که کدام یک از شما تمام سال روزه میدارد سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از شما هر روز ختم قرآن میکند سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از شما همه شب را احیا میکند سلمان گفت که من پس عمر بخشم آمد و گفت این مردی است از فارس میخواهد که بر ما که از قریشیم فخر کند دروغ میگوید در اکثر روزها روزه نیست و در اکثر شبها بخواب است و در اکثر روز خاموش است حضرت فرمود که او مانند لقمان حکیم است از او سوال کن تا جوابت گوید عمر پرسید سلمان گفت که روزهٔ سال من اینست سه روز روزه میدارم و حق تعالی میفرماید که هر که حسنه کند ده برابر با او ثواب میدهم این روزه سال میشود یا آنکه ماه شعبان را همه روزه میگیرم و بماه رمضان پیوند میکنم و اما بیداری شب هر شب با وضو میخوابم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که میفرمود که هر که با وضو بخوابد چنان است که تمام شب را بعبادت احیا کرده باشد و اما ختم قرآن در هر روز سه مرتبه

سورۂ قل ہو اللہ احد را میخوانم و از رسول خدا صلے اللہ علیہ و آلہ و سلم شنیدم کہ بحضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ میفرمود کہ یا علی مثل تو در میان امت من مثل قل ہو اللہ احد است ہر کہ سورۂ قل ہو اللہ احد را یکبار بخواند چنان است کہ ثلث قرآن را خواندہ است و ہر کہ دو بار بخواند چنان است کہ دو ثلث قرآن را خواندہ است و ہر کہ سہ بار بخواند چنان است کہ ختم قرآن کردہ است پس ہر کہ ترا بزبان دوست دارد ثلث ایمان او کامل میشود و ہر کہ ترا بزبان و دل دوست دارد دو ثلث ایمان او کامل میشود و ہر کہ ترا بزبان و دل دوست دارد و بدست خود ترا یاری کند تمام ایمان او کامل شدہ است یا علی بحق آن خداوندی کہ مرا براستی فرستادہ است سوگند میخورم کہ اگر ترا اہل زمین دوست میداشتند چنانچہ اہل آسمان ترا دوست میدارند خدا ہیچکس را از آتش عذاب نمیکرد پس عمر ساکت شدہ کہ گویا سنگی بدہانش گذاشتند فصل سوم در مکان خوابیدن و آداب پیش از خوابیدن مشہور میان علما آنست کہ خوابیدن در مساجد مکروہ است و لیکن در ہر حدیث آنست کہ مکروہ نیست مگر در مسجد الحرام و مسجد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و در آنہا نیز تجویز واقع شدہ است و در احادیث معتبر وارد شدہ است کہ حضرت رسول صلے اللہ علیہ و آلہ و سلم سہ کس را لعنت کرد کسی را کہ تنہا چیزے بخورد و تنہا بسفر برود و در بیوت تنہا بخوابد و فرمود کہ اگر کسے تنہا بخوابد بیم آنست کہ دیوانہ شود و از حضرت امام موسی علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ در خانہ تنہا بخوابد یاد رہبایانی تنہا بخوابد بگوید اَللّٰھُمَّ آنِسْ وَحْشَتِیْ وَاَعِنِّیْ عَلٰی وَحْدَتِیْ و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت رسول صلے اللہ علیہ و آلہ و سلم نہی فرمود از خوابیدن بربامی کہ دیوار نداشتہ باشد فرمود کہ ہر کہ بربامی بخوابد کہ دیوار نداشتہ باشد از امان خدا بدر میرود و در احادیث معتبرہ از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ مکروہ است کسیکہ بربامی تنہا بخوابد یا بری کہ دیوار نداشتہ باشد بخوابد و فرمود کہ مرد و زن درین حکم مساوی اند پرسیدند کہ اگر سہ طرف دیوار داشتہ باشد چون است فرمود کہ نہ بلکہ ہر چہار طرف می باید دیوار داشتہ باشد و در بعضے از روایات وارد شدہ است کہ حد بلندی دیوار دو ذراع است و در بعضے از احادیث یک ذراع و یک شبر ہم وارد شدہ و حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ نہی فرمود از خوابیدن بر سر راہ و از حضرت رسول صلے اللہ علیہ و آلہ و سلم نہی وارد شدہ است از آنکہ کسے با دست چرب و آلودہ بخوردنی بخوابد و اگر چنین کند شیطان برو دست یابد یا دیوانہ شود ملامت نکند

مگر خود را و فرمود که اطفال خود را در وقت خوابیدن دست و دهان شان را بشوئید که اگر نکنند شیطان ایشان را
می بوید و در خواب می ترسند و در چند حدیث از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
است که هر که بجامهٔ خواب رود کنارهٔ جامهٔ خود بر رخت خواب بکشد که اگر جانورے داخل شده
باشد بدر رود و باو ضرر نرساند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام وارد شده است که باید پیش
از خواب به بیت الخلا رود و بعد از ان بخوابد **فصل چهارم** در سائر آداب خوابیدن سنت است
که بدست راست رو بقبله بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و بدست چپ خوابیدن
و برو خوابیدن مکروه است چنانچه از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که
خواب بر چهار قسم است پیغمبران بر پشت میخوابند و دیده های ایشان بخواب نمیروند و منتظر وحی پروردگار
خود می باشند و مومن بر دست راست میخوابد رو بقبله و پادشاهان و فرزندان ایشان بر دست
چپ میخوابند که هرچه خورده اند گوارا شود و شیطان و برادران او و هر دیوانه و مبتلائی برو در
افتاده میخوابد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی برو در نخوابد و هر کرا ببینید که برو خوابیده است
او را بیدار کنید و مگذاریدش بران حال و فرمود که هرگاه کسی ارادهٔ خواب کند باید که دست راست را
بزیر جانب راست رو بگذارد و بدرستیکه نمیداند که ازین خواب بیدار خواهد شد یا نه و احادیث در فضیلت
خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده است **فصل پنجم**
در آیات و ادعیه که پیش از خواب باید که خوانده شود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که هرگاه کسی دست را در زیر سر گذاشته بخوابد و بگوید بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْلَمْتُ نَفْسِی
اِلَیْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِی اِلَیْكَ وَ فَوَّضْتُ اَمْرِی اِلَیْكَ وَ اَلْجَأْتُ ظَهْرِی اِلَیْكَ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَیْكَ
رَهْبَةً مِنْكَ وَ رَغْبَةً اِلَیْكَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَیْكَ اٰمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِی اَنْزَلْتَ
وَ بِرَسُوْلِكَ الَّذِی اَرْسَلْتَ بعد از ان تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و در حدیث
صحیح دیگر فرمود که ترک نکنید در وقت خواب این دعا را اُعِیْذُ نَفْسِی وَ ذُرِّیَّتِی وَ اَهْلَ بَیْتِی
وَ مَالِی بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ شَیْطَانٍ وَ هَامَّةٍ وَ مِنْ كُلِّ عَیْنٍ لَامَّةٍ
که باین دعا تعویذ میفرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم امام حسن و امام حسین
صلوات الله علیهما را و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سوره قل هو الله احد

و سوره قل یا ایها الکافرون را پیش از خواب بخوان که قل یا ایها الکافرون بیزاری از شرک است
و قل هو الله احد نسبت به پروردگار است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که بعد از خوابیدن در
رخت خواب سه مرتبه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَلَا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ بَطَنَ فَخَبَرَ
وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ مَلَکَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ یُحْیِی الْمَوْتٰی وَ یُمِیْتُ الْاَحْیَاءَ وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ از
گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که هر که آیة الکرسی در وقت خواب بخواند از فالج ایمن گردد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر که سوره یس پیش از خواب بخواند حقتعالی هزار ملک با و موکل گرداند که او را از شر
شیطان و هر بلا محفوظ کنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است هر که سوره یس و
سوره اذا وقعت الواقعة هر شب پیش از خواب بخواند در قیامت روی او مانند ماه شب چهارده باشد
و در حدیث دیگر فرمود که هر که سورهائی که در اول شان سبح لله و یسبح لله است پیش از خواب
بخواند نمیرد تا بخدمت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه برسد و اگر بمیرد در همسایگی رسول
خدا صلی الله علیه و آله وسلم جا دهند او را و در حدیث دیگر فرمود که هر که هر شب این دعا بخواند تا صبح
او را عقرب و هیچ گزنده نگزد اَعُوْذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ الَّتِیْ لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَّ لَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ
مَا ذَرَاَ وَ مِنْ شَرِّ مَا بَرَاَ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ هُوَ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّیْ عَلٰی صِرَاطٍ
مُسْتَقِیْمٍ و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در وقت خواب این آیه
بخواند خانه بر سرش خراب نشود اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِکُ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا وَ
لَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَکَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهٖ اِنَّهٗ کَانَ حَلِیْمًا غَفُوْرًا و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که چون کسی برخت خواب رود بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اِحْتَبَسْتُ
نَفْسِیْ عِنْدَکَ فَاحْتَبِسْهَا فِیْ مَحَلِّ رِضْوَانِکَ وَ مَغْفِرَتِکَ وَ اِنْ رَدَدْتَهَا فَارْدُدْهَا
مُؤْمِنَةً عَارِفَةً بِحَقِّ اَوْلِیَائِکَ حَتّٰی تَتَوَفَّاهَا عَلٰی ذٰلِکَ و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم در این وقت آیة الکرسی میخواندند و بعد از آن می گفتند بسم الله
آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَ کَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوْتِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِیْ فِیْ مَنَامِیْ وَ فِیْ یَقْظَتِیْ و بهتر آنست
که آیة الکرسی را تا هم فیها خالدون بخوانند و در حدیث دیگر فرمود که چون برخت خواب رود تسبیح حضرت

فاطمه علیها السلام بخوان و آیة الکرسی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و ده آیه از
اول سوره و الصافات و ده آیه آخر سوره و الصافات بخوان و در حدیث صحیح منقول است
که آنحضرت بفرزند خود فرمود که اینده عارا در وقت خواب بخوان اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ
اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهٖ عَبْدُهٗ وَ رَسُوْلُهٗ اَعُوْذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ
وَ اَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِسُلْطَانِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ
قَدِیْرٌ وَ اَعُوْذُ بِعَفْوِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِغُفْرَانِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِرَحْمَةِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَ
مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ صَغِیْرَةٍ اَوْ کَبِیْرَةٍ بِلَیْلٍ اَوْ نَهَارٍ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ
وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَ الْبَرَدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ وَ اٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که صد نوبت سوره
قل هو الله احد در وقت خواب بخواند گناه پنجاه ساله اش آمرزیده شود و در حدیث دیگر
فرمود که هر که در وقت خواب سه مرتبه آیة الکرسی و یک مرتبه آیه شهد الله و آیه سخره و آیه
آخر سوره حم سجده را بخواند حقتعالی دو ملک را موکل گرداند که شیاطین را از دو در گردانند
و سی ملک را امر فرماید که تحمید و تسبیح و تکبیر و تهلیل خدا گویند و استغفار کنند تا بیدار شدن او و
ثواب همه از او باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است
که کسی که اراده خواب داشته باشد پهلو را بر زمین نگذارد تا اینده عا نخواند اُعِیْذُ نَفْسِیْ وَ دِیْنِیْ وَ اَهْلِیْ
وَ مَالِیْ وَ خَوَاتِیْمَ عَمَلِیْ وَ مَا رَزَقَنِیْ رَبِّیْ وَ خَوَّلَنِیْ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ عَظَمَةِ اللّٰهِ وَ جَبَرُوْتِ اللّٰهِ
وَ سُلْطَانِ اللّٰهِ وَ رَحْمَةِ اللّٰهِ وَ رَاْفَةِ اللّٰهِ وَ قُدْرَةِ اللّٰهِ وَ غُفْرَانِ اللّٰهِ وَ قُوَّةِ اللّٰهِ
وَ جَلَالِ اللّٰهِ وَ بِصُنْعِ اللّٰهِ وَ اَرْکَانِ اللّٰهِ وَ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَ بِرَسُوْلِ اللّٰهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ
وَ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ عَلٰی مَا یَشَاءُ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَ الْهَامَّةِ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ مِنْ
شَرِّ مَا یَدِبُّ فِی الْاَرْضِ وَ مَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا یَعْرُجُ فِیْهَا وَ مِنْ شَرِّ
کُلِّ دَابَّةٍ رَبِّیْ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّیْ عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ
قَدِیْرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ بدرستی که این تعویذ است که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم از برای حسنین صلوات الله علیهما می خواندند و میفرمودند که چون کسی

اراده خواب کند باید که دست راست را در زیر رو بگذارد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَضَعْتُ جَنْبِی
لِلّٰهِ عَلٰی مِلَّةِ اِبْرَاهِیمَ وَدِینِ مُحَمَّدٍ صلعم وَوِلَایَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللّٰهُ طَاعَتَهُ مَاشَاءَ اللّٰهُ
کَانَ وَمَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ که هر که این دعا بخواند در وقت خواب محفوظ بماند از دزد و غارت و خانه
فرود آمدن و ملائکه استغفار کنند برای او و فرمود که هر که قل هو الله احد در وقت خوابیدن بخواند
حقتعالی پنجاه هزار ملک بر او موکل گرداند که در آن شب او را پاسبانی کنند و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر که پیش از خواب صد مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بگوید خدا خانه در بهشت
از برای او بنا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهانش بریزد چنانکه برگ از درختان میریزند
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که سوره اَلْهٰکُمُ التَّکَاثُرُ در وقت
خواب بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که یازده مرتبه سوره قل هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهانش آمرزیده شود و او و همسایگانش
از بلا محفوظ مانند و اگر صد مرتبه بخواند گناه پنجاه سال از آینده عمرش آمرزیده شود و در حدیث
معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُشْهِدُکَ اَنَّکَ افْتَرَضْتَ عَلَیَّ
طَاعَةَ عَلِیِّ ابْنِ اَبِیطَالِبٍ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدِ ابْنِ عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِیِّ ابْنِ مُوسٰی وَمُحَمَّدِ ابْنِ عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ ابْنِ عَلِیٍّ وَالْحُجَّةِ
الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ اگر در آن شب بمیرد داخل بهشت میشود
و در روایت معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب یازده مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بخواند
حقتعالی یازده ملک بر او موکل گرداند که او را از شر شیطان حفظ کنند تا صبح و در حدیث معتبر از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که در وقت خواب این آیات را بخواند از دزد ایمن
گردد قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَیًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِکَ
وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَیْنَ ذٰلِکَ سَبِیلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ
فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین
صلوات الله علیهما منقولست که هر که در وقت خواب این دعا را بخواند فقر و پریشانی از او دور
گردد و هیچ گزنده باو ضرر نرساند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَا شَیْءَ قَبْلَکَ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَیْءَ

فوقک وانت الباطن فلا شیء دونک وانت الآخر فلا شیء بعدک اللهم رب السموات
السبع ورب الارضین السبع ورب التوریة والانجیل والزبور والفرقان الحکیم اعوذ بک
من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها انک علی صراط مستقیم و از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم منقول است که هر که در وقت رفتن برخت خواب سورهٔ تبارک الذی بیده
الملک بخواند پس بگوید چهار مرتبه اللهم رب الحل والحرام والبلد الحرام بلغ روح محمد
عنی تحیة وسلاما حقتعالی دو ملک را بر او موکل گرداند که بنزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله
وسلم بروند و بگویند که فلان شخص ترا سلام میرساند پس حضرت فرماید بر او باد سلام و رحمت و برکات
الهی **فصل ششم** در رفع ترسیدن در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که در خواب ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید
لا اله الا الله وحده لا شریک له یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت
پس تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخواند و در طب الائمه زیاده کرده است که آیة الکرسی
و قل هو الله احد نیز بخواند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه وآله منقول است که چون کسی
در خواب ترسد یا از درد بی خوابی بر او مستولی شود این آیه بخواند فضربنا علی آذانهم فی الکهف
سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا و اگر طفل بسیار
گریه کند این آیه را بر او بخواند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هر که در خواب ترسد در وقت خوابیدن سورهٔ قل اعوذ برب الناس و سورهٔ قل اعوذ برب
الفلق و آیة الکرسی بخواند و در روایت دیگر منقول است که برای ترسیدن شب ده مرتبه این دعا بخواند
اعوذ بکلمات الله من غضبه ومن عقابه ومن شر عباده ومن همزات
الشیاطین وان یحضرون و آیة الکرسی بخواند و بگوید اذ یغشیکم النعاس امنة منه و
جعلنا نومکم سباتا و در حدیث معتبر منقول است که شهاب بن عبد الله بخدمت حضرت صادق
علیه السلام عرض کرده که زنی در خواب من می آید و مرا می ترساند حضرت فرمود که با خود بردار تسبیحی
در رخت خواب و سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله
بگو و ده مرتبه لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت

وَيُمِيتُ وَيُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و ظاهرا
در تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها مخیر است در وقت خواب میان آنکه سبحان الله را
پیش از الحمد لله بگوید یا بعد از آن و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هرکه ترسد که محتلم شود
چون برخت خواب رود این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْاَحْلَامِ
وَمِنْ اَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنَامِ و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که اگر کسی خواب پریشانی به بیند از آن پهلو که خوابیده است
به پهلوی دیگر بگردد و بگوید اِنَّمَا النَّجْوٰى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ
شَيْئًا اِلَّا بِاِذْنِ اللهِ پس بگوید عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلٰٓئِكَةُ اللهِ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِيَآؤُهُ
الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَاَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و در روایت
معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که چون خواب پریشانی به بیند و بیدار شود بگوید اَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ
بِهِ مَلٰٓئِكَةُ اللهِ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِيَآءُ اللهِ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُ اللهِ الصَّالِحُونَ
وَالْاَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ مِنْ شَرِّ مَا رَاَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ اَنْ تَضُرَّنِي مِنَ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ پس بجانب چپ خود سه نوبت آب دهان خود را بیندازد و در روایت دیگر
وارد شده است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد که دختری دارم و در شب و روز بسیار می ترسد
فرمود که فصدش بکن و در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد که دخترم بسیار در خواب
می ترسد و گاهی بسیار حالش متغیر میشود و اعضایش سست و بیحس می شود و میگویند که
از تصرف جن است فرمود که فصدش بکن و آب شبت را با عسل بپز و سه روز باو بده که بخورد
چنین کرد و شفا یافت و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد
که زنی در خواب من می آید و مرا می ترساند حضرت فرمود که مگر زکوة نمیدهی گفت میدهم فرمود که
بمستحق نمیدهی بعد از آن زکوة را بخدمت حضرت می فرستاد و آن حال از او برطرف شد فصل هفتم
در دعاها برای دفع بیداری و برای بیدار شدن در آخر شب در حدیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هرکه در وقت خوابیدن این آیه را بخواند قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحٰى
اِلَيَّ اَنَّمَا اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَآءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَّلَا يُشْرِكْ

لِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا هر وقت از شب که خواهد بیدار شود و در روایت دیگر منقول است از آنحضرت که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که خواهد در آخر شب بیدار شود چون برخت خواب رود بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ أَقُومُ سَاعَةَ كَذَا وَكَذَا یعنی در فلان ساعت بیدار شوم چون این دعا بخواند حقتعالی ملکی موکل سازد که او را در آن ساعت بیدار کند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر که خواهد که در شب بیدار شود در وقت خواب رفتن بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَأَنْبِهْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِيَنِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ که چون این دعا بخواند حق تعالی دو ملک بفرستد که او را بیدار کنند و اگر بیدار شود امر کند آن دو ملک را که از برای او استغفار کنند و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و اگر بیدار شود هر حاجتی که بطلبد خدا باو عطا فرماید و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که جزم کند که در ساعتی از ساعات شب برای عبادت برخیزد و خدای تعالی داند که اراده او در آن صادق است البته دو ملک را بفرستد که در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بی خوابی او را عارض شود و خوابش نبرد این دعا بخواند سُبْحَانَ اللهِ ذِي الشَّأْنِ دَائِمِ السُّلْطَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ و در روایت معتبر دیگر منقول است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها شکایت فرمود برسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از بی خوابی فرمود که این دعا بخوان يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَاسِيَ الْجُنُوبِ الْعَارِيَةِ وَيَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ سَكِّنْ عُرُوقِيَ الضَّارِبَةَ وَأْذَنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا

فصل هشتم در بیان نماز و دعا از برای خوابهای نیک دیدن و آداب بیدار شدن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که خواهد که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب ببیند بعد از نماز خفتن غسل نیکوی بعمل آورد و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از نماز هزار مرتبه

صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد در جامهٔ پاکیزه بخوابد که بر روی آن نجاسه یا حلال و حرام جمع
نکرده باشد و دست راست را در زیر جانب راست روی بگذارد و صد نوبت بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ پس صد مرتبه بگوید
مَا شَاءَ اللّٰهُ چون چنین کند حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب بیند و در
روایت دیگر منقول است که اگر خواهد که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله را در خواب
ببیند چون بخوابد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِيٌّ وَاَيَادِيْهِ بَاسِطَةٌ
لَا تَنْقَضِيْ اَسْئَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِيْ مَا لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ اِلَّا كَفٰى اَنْ تُرِيَنِيْ مَوْلَايَ
اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيَّ بْنَ اَبِيْ طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيْ مَنَامِيْ و در روایت دیگر منقول است که
اگر کسی خواهد که یکی از مردگان را بخواب ببیند با وضو بر جانب راست بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه
علیها السلام بخواند پس بگوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الَّذِيْ لَا يُوْصَفُ وَالْاِيْمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ
مِنْكَ بَدَتِ الْاَشْيَاءُ وَاِلَيْكَ تَعُوْدُ فَمَا اَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَاَهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا اَدْبَرَ مِنْهَا
لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَاٌ وَلَا مَنْجًا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ فَاَسْئَلُكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَاَسْئَلُكَ
بِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَبِحَقِّ حَبِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صلعم سَيِّدِ النَّبِيِّيْنَ وَبِحَقِّ عَلِيٍّ
خَيْرِ الْوَصِيِّيْنَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
اللَّذَيْنِ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ السَّلَامُ اَنْ تُصَلِّيَ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُرِيَنِيْ مَيِّتِيْ فِي الْحَالِ الَّتِيْ هُوَ فِيْهَا منقول است که چون حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم برخت خواب میرفتند میفرمودند که بِاسْمِكَ اللّٰهُمَّ اَحْيَا وَ
بِاسْمِكَ اَمُوْتُ و چون بیدار میشدند میفرمودند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَحْيَانِيْ بَعْدَ مَا اَمَاتَنِيْ
وَاِلَيْهِ النُّشُوْرُ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون از خواب برخیزد بگوید
سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ النَّبِيِّيْنَ وَاِلٰهِ الْمُرْسَلِيْنَ وَرَبِّ الْمُسْتَضْعَفِيْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِيْ يُحْيِي الْمَوْتٰى وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ چون این را بگوید حقتعالی میفرماید که راست
گفت بندهٔ من و شکر کرد مرا و در حدیث دیگر منقول است که چون آنحضرت در آخر شب
برمیخاستند بصدای بلند می گفتند اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ عَلٰى هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَوَسِّعْ عَلَيَّ الْمَضْجَعَ

وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ و در حدیث دیگر منقول است که چون از خواب بیدار شوی بگو سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر وقت که از پهلو به پهلوی دیگر بگردد بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که چون در میان شب بیدار شود از پهلو به پهلوی دیگر بگردد و بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلٰهِ الْمُرْسَلِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و در روایت دیگر وارد شده است که چون از خواب بیدار شود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَأَعْبُدَهُ و دعای نظر کردن در عقیق در آداب انگشتری بدست کردن گذشت و سایر دعاهای این باب چون از مقدمات نماز شب است انشاء الله در کتاب عبادات بیان خواهد شد با سایر دعاهای وقت خواب و این رساله گنجایش زیاده ازین نداشت فصل نهم در سبب خواب راست و دروغ و تعبیر خواب در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که چه سبب دارد که مومن گاهی خواب می بیند و چنان میشود که دیده است و گاهی خواب می بیند و اثری از آن ظاهر نمیشود فرمود که چون مومن بخواب میرود روحش بجانب آسمان حرکت میکند پس آنچه روح مومن در ملکوت آسمان می بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش ظاهر میشود و آنچه در زمین و هوا می بیند خواب پریشان است راوی پرسید که آیا روحش همه بآسمان میرود و هیچ در بدن نمی ماند فرمود که اگر چنین باشد خواهد مرد بلکه از بابت آفتاب است که در آسمان است و روشنی و شعاعش بر زمین است همچنین روح اصلش در بدن است و پرتوی از و بآسمان حرکت میکند و در روایت دیگر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر مومنی که بخواب میرود روح او را بنزد عرش پروردگار می برند پس آنچه در آنجا می بیند حق است و آنچه در وقت برگردانیدن در هوا می بیند خواب پریشان است و برین مضمون احادیث

بسیار است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیطانی هست که او را هزرع میگویند هر شب از مشرق تا مغرب سیر میکند از بدن خود و بخواب مردم می آید و باین سبب مردم خوابهای پریشان می بینند و در روایت دیگر مرویست که دو نصرانی بنزد ابوبکر آمدند و از چند مسئله سوال کردند او عاجز شد پس حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله ایشانرا جواب گفت از جمله آنها آن بود که خواب راست و دروغ چه سبب دارد فرمود که حق تعالی روح را خلق کرده است و برای او سلطانی مقرر ساخته و سلطان او نفس است چون آدمی بخواب میرود روح بیرون میرود و سلطان در بدن میماند پس روح میگذرد بر گروهی چند از ملائکه و گروهی چند از جن پس هرچه خواب راست است از ملائکه است و هرچه خواب دروغ است از جن است و در روایت دیگر منقول است که خوابهای مومن صحیح میباشد زیرا که نفسش پاکیزه و یقینش درست است و چون روحش بدر میرود با ملائکه ملاقات میکند پس خواب او بمنزله وحی است و در حدیث دیگر منقول است که وحی بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقطع شد اما خوابهای بشارت دهنده است و در حدیث دیگر وارد است که خوابهای راست یک جزو از هفتاد جزو پیغمبریست و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رویای مومن و خواب او در آخر زمان بر هفتاد جزو از اجزای پیغمبریست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون صبح میشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم باصحاب خود میگفت که آیا کسی خواب بشارت دهنده دیده است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شخصی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم سوال کرد از تفسیر این آیه کریمه اَلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَ کَانُوْا یَتَّقُوْنَ لَهُمُ الْبُشْرٰی فِی الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا وَ فِی الْاٰخِرَةِ یعنی آن کسانیکه ایمان آوردند و پرهیزگار بودند ایشانرا بشارت هست در زندگانی دنیا و آخرت حضرت فرمود که بشارت زندگانی دنیا خوابهای نیکو است که مومن در دنیا می بیند و بآن بشارت می یابد و شاد میشود و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خواب بر سه قسم است اول بشارت خدا از برای مومن دوم ترسانیدن شیطان سوم خوابهای پریشان و در حدیث معتبر دیگر فرمود که خوابهای دروغ که اثرش ظاهر نمیشود آن خوابهائی است که در اول شب دیده میشود که وقت سلطنت و استیلای شیطان

مشهوراست و آنها خیالی چند است که نزد او صورت میدهند شیاطین و اصلی ندارد و اما خوابهای راست و آن خوابی چند است که در ثلث آخر شب دیده میشود که آن وقت نزول ملائکه است وقت سحر و آن خواب راست میباشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده باشد یا بی وضو یا انچه سزاوار است از ذکر و یاد خدا بجا نیاورده باشد پیش از خواب که اگر با این حالت خوابیده باشد خوابش بعمل نمی آید یا دیر بعمل می آید و از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که مرا در خواب بیند چنان است که مرا دیده است در بیداری زیرا که شیطان متمثل نمیتواند شد بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیای من و نه بصورت یکی از شیعیان خالص ایشان بدرستیکه خوابهای راست یک جزو از هفتاد جزو پیغمبریست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در آخر زمان خواب مومن دروغ نمی شود هر که راستگوتر است خوابش درست تر است و تحقیق این مقال آنست که چون حق سبحانه و تعالی روح مومن را از عالم قدس خلق کرده است و او را ارتباطی بارواح انبیا و اوصیا داده است و در عالم ارواح با ایشان محشور بوده است چنانچه در احادیث بسیار وارد شده است که ارواح لشکرهای مجتمع بودند فوج فوج در عالم ارواح پس ارواحی که در آن عالم آشنای یکدیگر بوده اند در عالم بدن هم آشنا میشوند و اگر در آن عالم جدائی و نفرت داشته اند درین عالم نیز یکدیگر را نمی شناسند و از یکدیگر نفرت مینمایند و چون بحسب مصالح غیر متناهیه آن ارواح مقدسه را در زندان بدنهای کثیف ظلمانی محبوس گردانیده اند بانواع تعلقات جسمانی و شهوات نفسانی و خیالات شیطانی مبتلا ساخته اند بسبب این او را از عالم قدس بعدی و غفلتی رو داده اما اشخاص را درین باب اختلاف بسیار است جمعی که مقربان درگاه الهی اند ارواح ایشان بملأ اعلی درآویخته و این تعلقات جسمانی ایشان را از آن عالم دور نینداخته است بلکه با بدن بقوم محشور اند و ارواح ایشان پیوسته با قدسیان ملأ اعلی مشغول مکالمه و محادثه اند و پیوسته روح القدس با ایشان مشغول راز و نیاز است و افاضات ربانی علی الدوام بر ارواح ایشان فائض است و جمعی هستند از اشقیا که بالکلیه آن عالم را فراموش کرده اند و بغیر این نشأه فانیه و لذات دنیویه چیزی بخاطر نمی کنند حتی جمعی از ایشان از کثرت شقاوت و ضلالت نشأه دیگر را غیر ازین نشأه باور نمی کنند و پیغمبران را در امر معاد تکذیب مینمایند

و ایشانرا مهر بر دیده و گوش و دل ایشان زده اند و راه های خیر و سعادت را بر ایشان بسته اند
و جمعی دیگر هستند که با وجود تشبث باین علائق دنیویه دست از تحصیل مراتب علیه بر نداشته اند
و در مقام نفس لوامه خود را داشته اند گاهی گوش دل بشیطان میدهند و گاهی از ملک نصیحت
می شنوند زمانی با واعظان در راه نمایان بشر محشور اند و زمانی با شیاطین انس مشغول فسق و فجور اند گاه بلوث
گناه خود را می آرایند و گاه باب تضرع و نوحه خود را تطهیر مینمایند این جماعت چون روح ایشانرا التقبال
اشتغال و تعلقات و خطایات و سیئات بعدی عظیم از قاضی الحاجات و انبیا و ائمه و ملائکه
سموات بهمرسیده در وقت خواب که نفس را از اشتغال بدنی فی الجمله فراغی حاصل شده و خیالات
فاسده که از راه روزنهای مشاعر بدنی بر و داخل میشد مسدود گردید فی الجمله او را با استیلای قدیم
یاد می آید و با دوستان روحانی طرح اختلاط می اندازد و با ایشان صورت و معنی عروج مینماید
و با روحانیان و قدسیان همزبان میگردد اما در اول شب چون پاره از خیالات بیداری
در ضمیرش حاضر است هنوز در هوای تعلقات خود پرواز میکند و ربطش بآن عالم ناقص است
پس باین سبب شیاطین بر و مستولی میشوند و خیالات و علائق باطله او را بصورتهای گوناگون
در نظر او در می آورند هر چند از اول شب دورتر میشود و نقش و خیالات بیداری بیشتر محو میشود
پروازش بعالم بالا رساتر میشود تا آنکه چون وقت سحر میشود از مابین آسمان و زمین و هوا ها و
خواهشهای رنگین بدر رفته بزیر عرش الهی بصحبت مقربان فائز گردیده استیلای شیاطین
ضعیف میشود و لطف ربانی ملائکه آسمانی را برای تنبیه غافلان و بیدار کردن از خواب غفلت
دربودن و دور کردن عساکر شیاطین و جنیان فرو میفرستد لهذا او را بوقت خوابهای رحمانی
و افاضات سبحانی بر ارواح مومنان فائض میشود و ایشانرا برای نماز و تضرع و زاری و توبه
و پشیمانی آنچه در روز بغفلت کرده اند بیدار میکنند و باین سبب نماز شب را در آن وقت
مقرر ساخته اند و آیه کریمه إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا در شانش فرستاده اند
که حاصل مضمونش آنست که عبادتی که در شب کرده میشود موافقت دل با زبان در آن بیشتر است
و گفتار در آن درست تر است پس ز هی سعادتمندی که قدر آن وقت را بداند و اندازه آن نعمتهای
بی اندازه را بشناسد و ملائکه روحانی را بر دفع وساوس شیطانی یاور خود گرداند و روح مقدس

خود را از آلودگیهای تعلقات دنیه پاک گردانیده بساحت قرب پروردگار خود رسانند و در آن وقت
مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان است با خداوند بی نیاز خود را هم آواز ایشان گردانند و قدری
قدر خود را بدانند و بدانند که اصل خود را بیاد آورند و آن جوهر قدسی خود را بهای کم نفروشند و آن
طائر عرشی را در قفس علائق محبوس نگردانند وَفَّقَنَا اللهُ تَعَالیٰ وَسَائِرَ الْمُؤْمِنِینَ لِسُلُوکِ
مَسَالِکِ الْمُقَرَّبِینَ وَلِلتَّنْبِیهِ عَنْ نَوْمِ الْغَافِلِینَ و بدانکه چون این پرده های زنگارنگ تعلقات
جسمانی و شیشهای الوان زینتهای دنیوی در وقت خواب در پیش دیده و دل آویخته است
و با وجود عروج بمراتب علیه باز بصیرتش باین خیالات آمیخته است لهذا در خواب چیزها بصورتهای
دیگر دیده میشود و هر چیزی را باعتبار مناسبات شکلها و صورتها هست که در کلام الهی و سخنان
انبیا و اوصیا برای عقلهای ضعیف و بصیرتهای مئوف محبوسان سرای غرور آنها مثل زده اند
چون ایشان خود را از معقولات معزول ساخته مدار ایشان بر محسوسات است لهذا معقولات را
در لباس محسوسات بایشان می نمایند چنانچه فرموده اند که دنیا مانند ماری است که خط و خال نیکو
دارد و طفل نادان بآن فریفته می شود و در دندانش زهر کشنده است و چنانچه علم که باعث حیات
دلها است تشبیه کرده اند بآب که باعث حیات بدنها است و چنانچه سبزی زمین بآب است
سبزی دلها بعلم است و چنانچه علم را بار دیگر بنور آفتاب و چراغ تشبیه کرده اند زیرا که نور تاریکیهای
ظاهر را برطرف میکند علم ظلمتهای شکوک و شبهات و حیرتهای جهالت و ضلالت را زائل میکند
و کلام حقتعالی و انبیا و اوصیا باین امثال مشحون است و سرش همان است که مذکور شد لهذا در
عالم خواب باعتبار ضعف بصیرت ایشان هر چیزی بصورتی نموده میشود و باین سبب خواب محتاج
بتعبیر می باشد و کار تعبیر کننده آنست که از آن صورتها بذی صورت منتقل شود چنانچه
کسی در خواب بیند که در میان فضله افتاده است یا دستش بفضله آلوده شده است
معبر میداند که این صورت دنیا است که در پیش مردم آگاه از فضله و جیفه گندیده تر
است میداند که مال بدست او می آید یا می بیند که در میان آبی است علمی او را
رو میدهد و این علمی است عظیم و مخصوص انبیا و اوصیا است و معجزهٔ حضرت یوسف
تعبیر خواب بود و تحقیق این مقام محتاج بسطی هست که این رساله گنجایش آن ندارد و انشاء الله

در کتاب دیگر در خاطر است اگر خدا خواهد بر وجه کامل مذکور شود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود که بسیار است که خوابی می بینم و تعبیر خواب برای خود میکنم و خواب را بآن نحو که تعبیر آن میکنم واقع میشود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که زنی در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شوهرش در سفر بود بخواب دید که ستون خانه اش شکست بحضرت عرض کرد حضرت فرمود که شوهرت می آید بسلامت پس چنان شد بار دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی دید حضرت چنین تعبیر فرمود و شوهرش آمد باز مرتبه دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی دید و بمرد شومی برخورد و این خواب را نقل کرد و او گفت که شوهرش می میرد چنان شد این خبر بآن حضرت رسید فرمود که چرا تعبیر خواب خوب برای او نکرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرمودند که خواب مومن در میان زمین و آسمان بر بالای سرش پرواز میکند تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند یا دیگری برای او تعبیر کند پس بآن نحو که تعبیر کردن واقع میشود پس خواب خود را نقل مکنید مگر برای شخصی که عاقل باشد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که خواب را نقل نمی باید کرد مگر برای مومنی که خالی باشد از حسد و عداوت و طغیان و در حدیث حسن منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت که خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود نه بر بدنم حضرت فرمود که نور ساطعی و دین کاملی بتو خواهد رسید اگر همه ترا فرا میگرفت در دین حق غوطه میخوردی آن شخص گفت دیگران بپادشاهی تاویل میکنند حضرت فرمود که کدام یک از پدران تو پادشاه بودند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاهی بهتر است از دین حق که بآن امید بهشت بهم میرسانی و در روایت دیگر منقول است که محمد بن مسلم بخدمت آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که داخل خانه شدم زنم آمد و گردگان بسیاری شکست و بر سرم ریخت حضرت فرمود که متعه خواهی کرد و زنت مطلع خواهد شد و رختهای تو که بر بدنت پوشیده باشی پاره پاره خواهد کرد زیرا که پوست گردگان بمنزله جامه است محمد بن مسلم گفت که چون صبح جمعه شد رختهای نو که در عیدها میپوشیدم در بر کردم و بر در خانه نشستم دختری گذشت او را طلبیدم و بخانه بردم و با او متعه کردم زنم مطلع شد و آمد بر سر من و آن دختر گریخت و من در خانه ماندم رختهای نو مرا پاره پاره کرد و منقول است که شخصی دیگر بآن حضرت

عرض کرد که خوابی دیدم و بسیار میترسم دامادی داشتم که مرده است خواب دیده ام که دست در گردن
من کرده و میترسم که بمیرم حضرت فرمود که انتظار مرگ بکش هر صبح و شام و از مرگ گریزان مباش
اما معانقه با مردگان علامت طول عمر است بگو که داماد تو چه نام داشت گفت حسین فرمود که
زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نصیب تو خواهد شد زیرا که هر که معانقه با همنام
آن حضرت در خواب میکند توفیق زیارت آنحضرت می یابد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول
است که هر که در خواب به بیند که در حرم است اگر ترسان باشد ایمن گردد و شخصی گفت در خواب دیدم که
چوب نیزه در دست داشتم فرمود که آهنی بر سرش بود گفت نه فرمود که اگر آهن در سر میداشت خدا ترا
پسری میداد چون آهن نداشته است خدا ترا دختری خواهد داد پس ساعتی صبر کرد بعد از آن پرسیدند
که آن نیزه چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود دوازده دختر بهم خواهی رسانید محمد بن یحیی
میگوید که من این حدیث را بشخصی نقل کردم او گفت که من فرزند یکی از آن دختر ها ام و یازده خاله
دارم و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که من دی شب مولای
علی ابن یقطین را در خواب دیدم که در میان دو چشمش سفیدی بود چنین تعبیر کرده ام که بدین حق
در خواهد آمد و در حدیث دیگر منقول است که یاسر خادم بخدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد که
در خواب دیدم که هفتده شیشه در میان قفصی افتاد ناگاه آن قفص افتاد و شیشه ها شکست حضرت
فرمود که اگر خوابت راست است میباید شخصی از اهلبیت و خویشان من هفتده روز بادشاه شود بعد از آن
بمیرد پس محمد بن ابراهیم در کوفه با ابو السرایا خروج کرد و بعد از هفتده روز مرد و در روایت دیگر
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که در خواب دیدم که قدحی از شیر
بدست من دادند آنقدر خوردم که دیدم از میان ناخنهایم بیرون می آید پرسیدند که بچه چیز تعبیر کردید
فرمود که بعلم و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که
خواب دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم بموضع معروفی و در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر اسب چوبی سوار
بود و شمشیری در دست داشت و حرکت میداد و من آنرا مشاهده میکردم و میترسیدم حضرت
فرمود که دلالت میکند برین که تو میخواهی بفریب شخصی را از روزی خود بر آوری از خدا بترس و مرگ را
بیاد آور و چنین مکن آن شخص گفت که گواهی میدهم که خدا علم عظیم بتو داده است و علم را از معدنش

اخذ کرده بدرستیکه شخصی از همسایگان من نزد من آمد و گفت که مزرعه دارم و بتو میخواهم بفروشم
من چون دیدم که مشتری دیگر بغیر از من ندارد در خاطر گذرانیدم و عزم کردم که بقیمت بسیار ارزانی
بخرم **فصل دهم** در آداب بیداری و مذمت خواب بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله و سلم منقول است که سخن گفتن و صحبت داشتن بعد از نماز خفتن مکروه است و در حدیث
معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که شب بیداری داشتن خوب نیست مگر در سه چیز در نماز شب
کردن و قرآن خواندن در آن و در طلب علم و برای عروسی که بخانهٔ شوهرش برند و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که پنج کس اند که بخواب نمیروند کسیکه قصد کشتن کسی داشته باشد و کسیکه
مال بسیار داشته باشد و امینی نداشته باشد که بر او اعتماد کند و کسیکه در میان مردم دروغ و بهتان
بسیار گفته باشد و کسیکه مال بسیاری از او خواهند و مال نداشته باشد و کسیکه محبوبی را خواهد و ترسد
که از او جدا شود و پدرم علیه الرحمة والرضوان میفرمود که ممکن است که این تنبیهی باشد مردمی را که
خواب غفلت بسیار میکنند زیرا که همه کس می باید که در پی کشتن نفس امارهٔ خود باشد که دشمن
اندرونی ست و پیوسته در کشتن این کس است و سرمایهٔ ایمان و طاعات که این کس دارد امینی
ندارد و نفس و شیطان و هواها و شهوات همه اتفاق کرده اند بر غارت آنها و دروغ و بهتان
بسیار گفته است هر کس را و از همه کس طاعات و بندگی بسیار میخواهند و آنچه باید تحصیل نکرده اند
و چون خدا محبوب دارند و بخواب غفلت قرب او را از دست میدهند پس کسیکه این
همه اسباب بیداری در او باشد چگونه خواب میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که عجب دارم از کسیکه دعوی محبت الهی میکند و شبها خواب میکند و از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که از شبیخون عذاب خدا بترسد باید که کم خواب کند
و منقول است که چهار چیز است که کمش بسیار است آتش و خواب و بیماری و دشمنی و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که مادر حضرت سلیمان علیه السلام باو میگفت که زنهار
در شب خواب بسیار مکن که بسیاری خواب شب آدمی را در قیامت فقیر میگرداند و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که سه چیز را خدا دشمن میدارد خواب کردن بی آنکه بیداری کشیده باشد و خنده
کردن بی تعجبی و با سیری چیزی خوردن و فرمود که اول معصیتی که خدا را کردند شش چیز بود محبت دنیا

و محبت ریاست و محبت طعام و محبت زنان و محبت خواب و محبت راحت و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیطان را سرمه ایست که در دیده هاے مردم میکشد و لعوقی هست که در حلق مردم میکند و سعوطی هست که در بینی مردم میچکاند سرمه اش بینکی است و لعوقش دروغ است و سعوطش تکبر است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که مستی چهار است مستی خواب و مستی مال و مستی شراب و مستی پادشاهی و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت موسیٰ مناجات کرد که پروردگارا کدام یک از بندگان خود را بیشتر دشمن میداری خطاب رسید که آن کسیکه شب تا صباح مانند مردار افتاده است و روز را ببطالت بشب میرساند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که دیدهٔ خود را بخواب عادت مده که هیچ عضوی در بدن شکر خدا کمتر از دیده نمیکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خدا دشمن میدارد بسیاری خواب کردن و بسیاری فارغ بودن را و فرمود که بسیار خواب دنیا و آخرت را میبرد و بدانکه بسیاری بیداری کشیدن هم مذموم است در غیر شبهاے که بخصوص احیای آنها وارد شده است تمام شب بیدار بودن [illegible] وارد شده است که دیده را بر آدمی حقی هست به بسیاری بیداری حق آنرا ضائع نباید کرد و بدانکه در خواب و بیداری رو بآفتاب خوابیدن و نشستن کراهیت دارد چنانچه از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که کسیکه در آفتاب نشیند نشیت را بآفتاب کند که رو بآفتاب نشستن دردهاے پنهانی را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که رو بآفتاب مکنید که مورث هیجان بخار است و رو را متغیر میکند و جامه را کهنه میکند و دردهای اندرونی از آن بظهور می آید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بسند معتبر منقول است که در آفتاب چهار خصلت است رنگ را متغیر میکند و جامه این کس را بدبو میکند و جامه را کهنه میکند و باعث دردها میشود

فصل یازدهم در آداب بیت الخلا چون خواهد که داخل بیت الخلا شود سر را بپوشاند و اگر بر بالای عمامه چیزی دیگر بر سر گیرد بهتر است و بسم الله بگوید و دعا بخواند باین عنوان بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُبِکَ مِنَ الْخُبْثِ الْمُخْبِثِ الرِّجْسِ النَّجِسِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ و دیگر بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبِّ اَخْرِجْ عَنِّی الْاَذٰی سَرْحًا بِغَیْرِ حِسَابٍ وَاجْعَلْنِیْ لَکَ مِنَ الشَّاکِرِیْنَ فِیْمَا تَصْرِفُهٗ عَنِّیْ مِنَ الْاَذٰی

وَالنِّعْمَةِ الَّذِی لَوْ حَبَسْتَهُ عَنِّی هَلَکْتُ لَکَ الْحَمْدُ اَعْصِمْنِی مِنْ شَرِّ مَا فِی هٰذِهِ الْبُقْعَةِ وَاَخْرِجْنِی مِنْهَا سَالِمًا وَحُلْ بَیْنِی وَبَیْنَ طَاعَةِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ و چون داخل شود پای چپ را مقدم دارد بنابر مشهور و حدیثش بنظر نرسیده است و چون عورتش باز شود بِسْمِ اللهِ بگوید تا شیطان چشم برهم نهد و نظرش بعورت او نیفتد و چون در بیت بنشیند بگوید اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الْقَذٰی وَالْاَذٰی وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِیْنَ و جمعی گفته اند که سنت است که تکیه بر پای چپ کند و پای راست را گشاده گذارد و سندش بنظر نرسیده است و چون غائط یا بول بدشواری بیرون آید و بعضی گفته اند که مطلقا این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ کَمَا اَطْعَمْتَنِیْهِ طَیِّبًا فِی عَافِیَةٍ فَاَخْرِجْهُ مِنِّی خَبِیْثًا فِی عَافِیَةٍ و در حدیث است که هر بنده را فرشته موکل است که سر او را بزیر می اندازد در بیت الخلا که نظر بحدث خود کند پس آن فرشته میگوید که ای فرزند آدم این عاقبت خورشهای تست که سعی بسیار در خوبی و پاکیزگی او میکردی پس فکر کن که از کجا بهم رسانیدی و عاقبت بکجا رسید پس سزاوار آنست که در آن حال بنده این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی الْحَلَالَ وَجَنِّبْنِی الْحَرَامَ و چون نظرش بآب استنجا افتد بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوْرًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسًا و چون خواهد که استنجا بکند بگوید اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِی وَاسْتُرْ عَوْرَتِی وَحَرِّمْنِی عَلَی النَّارِ وَوَفِّقْنِی لِمَا یُقَرِّبُنِی مِنْکَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ و چون برخیزد دست بر شکمش بمالد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَنَّأَنِی طَعَامِی وَشَرَابِی وَعَافَانِی مِنَ الْبَلْوٰی و چون خواهد که بیرون آید پای راست را مقدم دارد بنابر مشهور و دست بر شکمش بمالد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَرَّفَنِی لَذَّتَهُ وَاَبْقٰی فِی جَسَدِی قُوَّتَهُ وَاَخْرَجَ عَنِّی اَذَاهُ یَا لَهَا مِنْ نِعْمَةٍ لَا یَقْدِرُ الْقَادِرُوْنَ قَدْرَهَا و در بعضی از کتب حدیث یَا لَهَا مِنْ نِعْمَةٍ سه مرتبه وارد شده است و سنت است که بعد از انقطاع قطرات بول استبرا کند و بعضی استبرا را واجب میدانند و طریق استبرا آنست که انگشت میان دست چپ را نزدیک مقعد گذاشته بقوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه وانگشت شهادت بزیر ذکر بگذارد و انگشت مهین را بر بالای آن بقوت بکشد تا سر ذکر سه مرتبه واکثر علما گفته اند که سر ذکر را بفشارد سه مرتبه و این سندی ندارد و سنت است استنجا بآب سرد کردن که دفع بواسیر میکند و بسیار نشستن در بیت الخلا مکروه است و منقول است که حضرت

لقمان فرمود که بر در بیت الخلاها نوشته‌اند که بسیار نشستن در بیت الخلا باعث بواسیر می‌شود و استنجا باستخوان و سرگین کردن مکروه است زیرا که اجنه بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمدند و از برای خود و حیوانات خود طعامی طلبیدند حضرت استخوان برای ایشان و سرگین برای حیوانات ایشان قرار داد باین سبب اینهم استخوان را پاک کردن خوب نیست و همچنین استنجا بسائر مطعومات کردن خصوصاً نان کراهیت شدید دارد و استنجا بچیزهای محترمه مثل تربت حضرت امام حسین ع و نوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبران یا نام ائمه صلوات الله علیهم اجمعین یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است و اگر بروجه استخفاف کند کافر میشود و استنجا بدست راست کردن مطلقا مکروه است و بدست چپ هم مکروه است در صورتیکه دران انگشتری باشد که در آن اسم خدا باشد و الحاق کرده‌اند علما اسماء انبیاء و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین را هرگاه بقصد نام ایشان کنده باشند و مکروه است باخود بردن به بیت الخلا چنین انگشتری را هر چند در انگشت نباشد و همچنین باخود بردن قرآن و تعویذ و دعا و همچنین باخود بردن نقره سکه دار مگر آنکه در کیسه باشد و مکروه است مسواک کردن در بیت الخلا که باعث گنده دهان میشود و مکروه است حرف گفتن در آنحال مگر بذکر خدا و دعاهای مقرره و آیة الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه مؤذن میگوید از پی او گفتن چنانچه منقول است که حضرت موسی علیه السلام در مناجات با خداوند خود گفت که حالتی چند بر من میگذرد که ترا از آن بزرگتر میدانم که دران احوال ترا یاد کنم فرمود که ای موسیٰ در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکو است و واجب است رد سلام یا اگر اسم حضرت رسول را بشنود صلوات بفرستد بنابر قول جمعی و سنت است که اگر عطسه کند حمد بگوید و صلوات بفرستد و جائز است که اگر کاری باکسی داشته باشد و ترسد که تا بیرون آمدن فوت شود و باشاره و دست زدن اعلام نتوان کرد سخن بگوید و منقول است که هر که در بیت الخلا حرف بگوید حاجتش برآورده نشود و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال بول و غائط و استنجا بآبی کردن که بویش متغیر شده باشد بغیر نجاست مگر آنکه آب دیگر یافته نشود

فصل دوازدهم در بیان احوال و اوضاع و مکانهای که نهی از آنها وارد شده است واجب است که عورت خود را از ناظر محترم بپوشاند نه از زن و متعه خود و نه از کنیزی که وطی آن تواند کرد و نه از اطفالی که تمیز نداشته

باشند و سائر حیوانات و عورت ذکر است و خصیتین و دبر و فرج زن و سنت است که تمام بدن را بپوشاند
یا آنکه پنهان شود در کوی یا در خانه و اگر در صحرا باشد دور شود که کسی جثه او را نه بیند و اکثر علما برآنند که
حرام است رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حال بول و غایط خواه در صحرا باشد و خواه در پناه و احوط
اجتناب است چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که برابر قبله بول کند از روی
فراموشی پس بخاطرش آید از برای تعظیم و اجلال قبله برگردد و بجانب دیگر از آنجا برخیزد مگر آنکه حق تعالے
او را بیامرزد و احوط آنست که در حالت استنجا نیز رو و پشت بقبله نکند و سنت است که رو و پشت
بمشرق یا بمغرب کند و این احکام نسبت ببلادی است که قبله آن مابین مشرق و مغرب باشد و احوط
آنست که از مابین مشرق و مغرب نیز اجتناب کند و احوط آنست که اگر قبله را نداند سعی کند در معرفت
قبله تا خاطر جمع کند که رو و پشت بقبله نکرده باشد و اگر متعذر باشد باکی نیست و درین صورت اگر رو پشت
بقبله کند بهتر است و سنت است که از جهت بول بر جای بلندی رود یا جائی که خاک بسیار داشته باشد
برود که تا خاطر جمع باشد که باد ترشح نمیکند چنانچه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
از همه کس بیشتر احتراز از بول میکردند تا آنکه هرگاه اراده بول میکردند بجائے بلندے میرفتند یا جائی که
خاک نرم بسیاری بود که مبادا بول ترشح کند و در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر عذاب قبر
از سهل شمردن بول و از کج خلقی است و در آب بول کردن مکروه است و در آب ایستاده بول کردن
بدتر است و در احادیث معتبره وارد شده است تجویز بول کردن در آب روان و وارد شده است
که در آب ایستاده بول کردن باعث تسلط اجنه و شیاطین است و مورث دیوانگی و غلبه فراموشی
است و بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نکند و ایستاده بول کردن مکروه است بلکه غایط را هم
ایستاده کردن مکروه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ایستاده بول کند
بیم آنست که دیوانه شود و از جای بسیار بلند بول بزیر کردن مکروه است و مکروه است بول کردن
در سوراخ جانوران و بول و غائط کردن در مجرای آب هر چند آب نداشته باشد و هم چنین در میان
راه ها و کنار آب ها و در در مسجد ها و نزدیک بدیوار های مسجد ها و در در خانه ها و در جاهائے که بسبب
آن مردم دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان میوه دار در وقتیکه میوه داشته
باشند زیرا که ملائکه در آن وقت با آن درختان می باشند که نگاه میدارند میوه را از ضرر جانوران و بعضی

گفته اند که در غیر وقت میوه هم مکروه است و در جاهائی که مردم قافله فرود می آیند و جاهائے که مردمان از آن متأذی میشوند حتی از بوی آن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که حق تعالی لعنت کرده است کسی را که غائط کند در سایه که قافله در آنجا منزل میکنند و کسیکه منع میکند مردم را از آب مباحی که در چاه ها و چشمه ها مردم بنوبت بران وارد می شوند یا آبی که ملک جماعتی باشند و هر روز یا هر شب نوبت شخصی باشد که صاحب نوبت را منع کند و کسیکه راه شارع مردم را بند کند بدیوار کشیدن یا راه نهر کردن یا عشور کردن باب نهم در آداب حجامت و تنقیه و خواص بعضی از ادویه و معالجه از امراض و ذکر بعضی از ادعیه و احراز **فصل اول** در ثواب بیاری و صبر کردن بران و بیان شدت ابتلای مومنان و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سر بجانب آسمان بلند کردند و تبسم فرمودند صحابه از سبب آن سوال کردند حضرت فرمودند که تعجب کردم از دو ملک که از آسمان بزمین فرود آمدند و بندهٔ مومن صالحی را در جای نمازش طلب کردند که عمل روز و شب او را بنویسند او را در جای نمازش نیافتند بآسمان رفتند و گفتند پروردگارا فلان بندهٔ ترا در جای نمازش طلب کردیم او را نیافتیم و او در بند بیماری است حقتعالی فرمود که بنویسید برای بندهٔ من مثل آنچه در حال صحت از افعال خیر در شب و روز میکرده است مادام که در بند من است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که چون بر مومن ضعف پیری غالب شود حقتعالی امر میفرماید که آنچه در قوت و جوانی میکرده است برای او بنویسید و همچنین ملکی را موکل میگرداند که برای مومن بیمار بنویسید آنچه در حال صحت میکرده است از کارهای خیر و از برای کافر بیمار بنویسید آنچه در صحت از کارهای بد میکرده است و در حدیث حسن و غیر آن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بیداری یکشب از بیماری و درد بهتر است از عبادت یکسال و در حدیث دیگر منقول است که حقتعالی ملک دست چپ را امر میفرماید که در ایام بیماری گناه بر مومن ننویسد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بدنی که بیماری نکشد طغیان بهم میرساند و خیری نیست در چنین بدنی و در حدیث دیگر فرمود که یکشب تب برابر است با عبادت یکسال و دو شب تب برابر است با عبادت دو سال و سه شب تب برابر است با عبادت هفتاد سال و از حضرت صادق ع مرویست

که یکشب تب کفارهٔ گناهان گذشته و آینده است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حقتعالی میفرماید که هر که سه شب بیماری بکشد و با جمعی از عیادت کنندگانش شکایت نکند بدل میکنم از برای او گوشتی بهتر از گوشت او و خونی بهتر از خون او پس اگر او را عافیت دهم از گناهان پاک میکنم او را و اگر بمیرانم بسوی رحمت خود می برم او را و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که یکشب بیماری بکشد و قبول کند آنرا آنچه شرط قبول کردن است با آنکه کسی را خبر ندهد از آنچه کشیده و چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی بفضل خود ثواب عبادت شصت ساله با و عطا فرماید و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که حد شکایت نه آنست که بگوید که دیشب مرا خواب نبرد یا تب داشتم بلکه آنست که بگوید برای مبتلا شدم که هیچکس بآن مبتلا نشده است و آنچه بمن رسیده است بهیچکس نرسیده است و منقول است ایضا و در حدیث دیگر فرمود که تب رسول مرگ است و زندان خداست در زمین و گرمیش از جهنم است و بهرهٔ مومن از جهنم همین است و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که نیکو دردیست تب بهر عضوی میرساند بهره از بلاها و خیری نیست در کسی که ببلا مبتلا نشود و در روایت دیگر وارد شده است که مومن چون تب میکند گناهان از و میریزند مانند برگ از درخت و اگر بر رخت خواب بغلطد ناله اش ثواب سُبْحَانَ اللّٰهِ دارد و فریادش ثواب لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ دارد و از پهلو به پهلو که میگردد مانند کسی است که در راه خدا شمشیر زند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بیماری برای مومن پاک کنندهٔ اوست از گناهان و رحمت الهی است نسبت با و و از برای کافر عذاب و لعنت است و فرمود که یکشب درد سر گناهی را بر طرف میکند مگر گناهان کبیره و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حقتعالی بنده را دوست دارد یکی از سه تحفه برای او میفرستد تب یا درد سر یا درد چشم و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که بلای پیغمبران از همه کس شدید تر است پس بعد از ایشان اوصیای ایشان پس بعد از اوصیا هر که نیکوتر و فاضل تر است و مومن بقدر ایمان و اعمال نیکش بلا باو میرسد پس هر که ایمانش صحیح تر و عملش نیکوتر است بلایش بیشتر است پس هر کرا ایمانش ضعیف تر و عمل نیکش کمتر است بلایش کمتر است و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ثواب عظیم با بلای عظیم میباشد و هیچ گروهی را

خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشان را بتلا ابتلا میگرداند و فرمود که حقتعالی را بندگان خالص هست که از آسمان هیچ تحفه بزمین نمی فرستد مگر آنکه از ایشان میگرداند بسوی غیر ایشان و هیچ بلائے نمیفرستد مگر آنکه میگرداند از دیگران بسوی ایشان و بروایت معتبرۀ دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون حقتعالی بنده را دوست میدارد و غوطه میدهد او را در بلا غوطه دادنی و میریزد برو بلا را ریختنی پس اگر خدا را برای دفع آن بلا بخواند حق تعالے میفرماید لبیک ای بندۀ من اگر زود تو بدهم آنچه طلبیدی قادرم بر آن و اگر ذخیره کنم برای روز جزا بهتر است از برای تو و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مومن چهل شب برو نمیگذرد مگر آنکه او را امری رو میدهد که اندوهگین میشود که بسبب آن متذکر و آگاه گردد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که در بهشت منزلی هست که هیچکس بآن منزل نمیرسد مگر آنکه بلائی ببدن او برسد و فرمود که اگر مومن بداند که در مصیبتها چه ثواب برای او هست هر آئینه آرزو کند که بدنش را از مقراض پاره پاره کنند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خداوند عالمیان یاد میکند مومن را بتحفه بلا چنانچه کسی از سفر تحفه برای اهل خود بفرستد و او را پرهیز میفرماید از دنیا چنانچه طبیب بیمار را پرهیز میفرماید از چیزهائی که باو ضرر میرساند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را بخانۀ خود طلبید حضرت چون داخل خانۀ او شدند دیدند که مرغی بر بالای دیوار تخم کرد و آن تخم افتاد بر روی میخی که در میان دیوار بود بند شد و نیفتاد و نشکست حضرت تعجب فرمودند آن شخص گفت که ازین تعجب میفرمائید بحق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده است که هرگز نقصان بمن نرسیده است حضرت برخاستند و طعام او را تناول نفرمودند و گفتند که هر که نقصانی باو نرسد امید خیر در او نیست و در حدیث دیگر فرمود که خدا مومن را بهر بلائے مبتلا میکند و بهر مرگے او را میمیراند اما عقلش را بر طرف نمیکند نمی بینی که شیطان بر مال و فرزندان و اهل حضرت ایوب مسلط شد و بر عقلش مسلط نشد که بآن عقل خدا را بیگانگی بشناسد و در حدیث حسن دیگر فرمود که حق تعالے میفرماید که اگر نه این بود که مومن در دل خود چیزے مے یافت هر آئینه عصابه بر سر کافر می بستم که هرگز درد سر باو نرسد

فصل دوم در فضیلت و آداب حجامت

بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دوا چهار چیز است حجامت کردن و دوا را در بینی

چکانیدن و حقنه و قی کردن و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت گذشتند بر جمعی که حجامت
میکردند فرمودند که چه میشد شما را اگر تاخیر میکردید تا پسین روز یکشنبه که درد را بیشتر از بدن می کشد
و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز دوشنبه حجامت میکردند و
باجرت حجام گندم میدادند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
در روز دوشنبه بعد از عصر حجامت میکردند و فرمود که حجامت کردن در آخر روز دوشنبه درد را
از بدن میکشد کشیدنی و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
در روز جمعه حجامت میکردند گفت فدای تو شوم در روز جمعه حجامت میکنی حضرت فرمود که هرگاه خون
زیادتی کند بر تو خواه در شب خواه در روز آیة الکرسی بخوان و حجامت بکن و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که هر که حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست و یکم
ماه او را شفا دهد از دردهای همه سال و شفا بخشد او را از درد سر و درد دندان و دیوانگی و
خوره و پیسی و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام علی النقی علیه السلام در
روز چهارشنبه حجامت میکردند گفت که اهل مکه و مدینه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
روایت میکنند که هر که در روز چهارشنبه حجامت کند و پیس شود ملامت نکند مگر خود را فرمود که
دروغ میگویند کسی پیس شود که مادرش در حیض با او حامله شده باشد و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که هر که خواهد که حجامت کند باید که در روز پنجشنبه حجامت کند بدرستیکه در هر شب جمعه
خون از جای خود حرکت میکند از ترس قیامت و بجای خود بر نمیگردد تا صبح روز پنجشنبه و فرمود که هر که
حجامت کند در پنجشنبه آخر ماه در اول روز دردها را از بدنش بکشد و در حدیث دیگر فرمود که چون
حجامت کنی و خون از محل حجامت بیرون آید پس بگو پیش از آنکه محجمه را بردارند بِسْمِ اللّٰهِ اَعُوذُ
بِاللّٰهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي هٰذِهِ مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوْءٍ و در حدیث دیگر فرمود
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حجامت در سر و در میان هر دو کتف و در پشت گردن میکردند
و یکی را نافعه مینامیدند و دیگری را مغیثه یعنی بفریاد رسنده و سوم را منقذه یعنی خلاص کننده از
بلاها و در روایت دیگر فرمود که منقذه آنست که از سر و بینی شبر کنی بجانب بالا و بهر جائیکه برسد در آنجا
حجامت کنی و در روایت معتبر منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در روز چهارشنبه

حجامت کردند و تب بر طرف نشد پس در روز جمعه حجامت کردند و تب بر طرف شد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در چهارشنبه آخر ماه حجامت کند برای رد بر اهل طیره عافیت یابد از هر بلائی و محفوظ ماند از هر دردی و محل حجامتش سفید نشود و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعد از عصر حجامت کردند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حجامت کردن بدن را صحیح میکند و عقل را محکم میکند و فرمود که حجامت مکنید در روز چهارشنبه که روز نحسی است و در روز جمعه ساعتی هست که هر که در آن ساعت حجامت کند بمیرد و در حدیث دیگر فرمود که روز سه شنبه روز خون گرفتن است و در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی وارد شده است از حجامت کردن در روز چهارشنبه و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در روز پنجشنبه حجامت بکنید و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که اگر در چیزی شفا هست در نشتر حجام و در خوردن عسل است و فرمود که نیکو عادتی است حجامت دیده را جلا میدهد و درد را می برد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جبرئیل علیه السلام برای حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مسواک و خلال و حجامت را آورده و در فقه الرضا مذکور است که چون اراده حجامت کنی چهار زانو در پیش حجام بنشین و بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ الْكَرِيْمِ فِيْ حِجَامَتِيْ مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَاَعْلَالٍ وَاَمْرَاضٍ وَاَسْقَامٍ وَاَوْجَاعٍ وَاَسْئَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ و در حدیث دیگر منقول است که بحضرت صادق علیه السلام عرض کردند که مردم بد میدانند حجامت در روز شنبه و چهارشنبه را فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر گاه کسی زیادتی خون در شود باید البته حجامت کند که مبادا او را بکشد و فرمود که اول سه شنبه که از آذر ماه رومی که ماه اول بهار است حجامت کند باعث صحت بدن آدمی شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را هیچ آزاری بهم نمیرسید مگر آنکه پناه بحجامت می بردند و در حدیث دیگر فرمود که حجامت سر شفای همه دردهاست بغیر از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه نظر کند یا دل بحجمه از خون او که بریزند امان یابد از درد چشم تا حجامت دیگر و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حجامت میکردند بآب سرد غسل میکردند تا حرارت خون فرو نشیند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حجامت اول در پشت گردن میکردند پس جبرئیل آمد و امر کرد آنحضرت را بحجامت میان دو کتف و در حدیث دیگر فرمود که حضرت صادق علیه السلام حجامت کردند و بعد از حجامت سه پارچه قند یا نبات طلبیدند و تناول نمودند و فرمودند که خون صافی را متولد میکند و حرارت را قطع میکند و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقول است که انار شیرین بعد از حجامت خون را ساکن و خون اندرون را صاف میکند و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حجامت روز شنبه باعث ضعف میشود و در روایت دیگر منقولست که بسیار بود که حضرت امام رضا علیه السلام در شب زیادتی خون می یافتند در آنوقت حجامت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در ماه مبارک رمضان بهتر آنست که در شب حجامت کنند و فرمود که حجامت ما در روز یکشنبه است و حجامت شیعیان ما در روز دوشنبه است و فرمود که زنهار حجامت بی ناشتا مکن تا اندک چیزی نخوری که بهتر باعث بیرون آمدن خون و قوت بدن میشود و فرمود که چون بعد از اکل حجامت کنند خون جمع میشود و خون فاسد را بیرون میکند و اگر پیش از اکل باشد خون صالح بیرون میرود و خون فاسد در بدن میماند و زید شحام میگوید که در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم که حجام را طلبیدند و فرمودند که محجمه خود را بشو و نبد کن پس انار طلبیدند و تناول فرمودند و چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند و تناول فرمودند و گفتند که خوردن انار در این وقت صفرا را فرو می نشاند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از ابو بصیر پرسیدند که مردم بعد از حجامت چه چیز می خورند گفت برگ کاسنی و سرکه فرمود که باکی نیست و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است کسیکه خواهد حجامت کند در روز شنبه کند و فرمود که حجامت کردن در روز یکشنبه شفای همه دردهاست و در روایت دیگر وارد شده است که نباید کرد حجامت در روز چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در روز پنجشنبه خون در موضع حجامت جمع میشود پس چون ظهر شد در بدن متفرق میشود پس حجامت را پیش از ظهر بکنید و در حدیث دیگر نهی وارد شده است از حجامت کردن در وقت ظهر در روز جمعه و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که در هفتم ماه حزیران رومی که در اوائل

تابستان است حجامت بکن واگر نشود در چهاردهم بکن و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت را در آخر روز بجا آرید و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که حجامت در گودی پشت سر موجب غلبهٔ فراموشی است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت سر بفریاد رسنده است و برای هر دردی نافع است بغیر از مرگ پس از هر دو طرف ابرو شبر کردند بجانب پشت و بآنجا که انگشت ابهام رسید نشان دادند که در اینجا حجامت میباید کرد و در روایت دیگر منقول است که در روز سه شنبه ساعتی هست که اگر حجامت در آن ساعت اتفاق افتد خون در بدن بند نمی شود تا بمیرد و فرمود که هر که در وقت ظهر روز جمعه حجامت کند و بلائی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث دیگر فرمود که آیة الکرسی بخوان و در هر روز که خواهی حجامت بکن و فرمود که حجامت سر نافع است برای دیوانگی و خوره و پیسی و درد دندان و در حدیث دیگر تاریکی چشم و درد سر و غلبهٔ خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه او را یکبار حجامت کنید در گودی پشت سر که لعابش را خشک میکند و حرارت را از سر و بدنش بیرون میکند منقول است که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه طبیبی را طلبیدند و فرمودند که رگ کف دست را بگشاید و منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد جگر حضرت او را فصد با فرمودند و شخصی دیگر از خارش بدن شکایت کرد فرمودند که سه مرتبه هر دو پا را حجامت کن در پشت پا در میان کعب و ته پا و شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد از جرب فرمود که فصد پای راست بکن و بقدر دو درهم روغن بادام شیرین بر روی آب کشک بریزد بخورد ماهی و سرکه نخورد و شخصی دیگر بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از جرب فرمود که رگ اکحل را بگشا **فصل سوم** در بیان انواع تداوی که از ائمه علیهم السلام وارد شده است و بیان جواز رجوع به اطبا از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که دردها سه است و دواها سه است پس دردها مره است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوای خون حجامت است و دوای مره مسهل است و دوای بلغم حمام است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دوای پیغمبران است حجامت کردن و نوره کشیدن و دوا در دماغ چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بهترین دواهای شما حقنه است و دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن

وحمام رفتن و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عرب در حجامت و حقنه است و آخر دوای ایشان
داغ کردن است و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عرب در هفت چیز است حجامت.
و حقنه و دارو در بینی چکانیدن و حمام رفتن و قی و خوردن عسل و آخر دوای ایشان
داغ است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حقنه از جمله دواهای عظیم است
و شکم را بزرگ میکند و فرمود که دوا چهار چیز است حجامت و دارو مالیدن و قی کردن و حقنه
کردن و فرمود که طب عربان حجامت و حقنه و حمام و قی و دارو در بینی چکانیدن و آخر دوا
داغ و سوختن است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که بهترین چیزهای که بآن مداومت کنید حقنه است شکم را
فربه میکند و دردهای اندرونی را پاک میکند و بدن را قوت میدهد و فرمود که روغن بنفشه در بینی
بچکانید و در فقه الرضا مذکور است که حمیه و امساک سر همه دواهاست و معده خانه همه دردهاست
و هر بدنی را بده آنچه او را عادت فرموده و فرمود که اجتناب کن از دوا خوردن تا بدنت تاب درد
دارد و فرمود که هرگاه گرسنه شوی طعام بخور و هرگاه تشنه شوی آب بخور و هرگاه که بول آید
بول بکن و تا ضرور نشود جماع مکن و هرگاه ترا خواب بگیرد خواب کن چون چنین کنی بدنت صحیح
باشد همیشه و فرمود که حقتعالی دوا را مانع میشود از تاثیر کردن تا وقتیکه مقدر شده است
که آن مرض تا آنوقت باشد و چون آن مدت منقضی شود او را رخصت اثر میدهد و بآن دوا
شفا می یابد مگر آنکه پیش از آن مدت دعا یا تصدق یا کارهای خیر بکند که خدا پیشتر از آن مدت دوا
را رخصت تاثیر بدهد و فرمود که در عسل شفای هر دردیست که هر که یک انگشت عسل ناشتا بخورد
بلغم را دفع میکند و سودا را برطرف میکند و ذهن را صاف میکند و قوت میدهد حافظه را هرگاه
با کندر خورده شود و آب سرد حرارت و صفرا را فرو می نشاند و طعام را هضم میکند و اخلاطی که
در فم معده است نمیگذارد و تب را برطرف میکند و فرمود که اگر چیزی بدن را فربه میکند مالیدن
بدن است و جامه های نرم پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر مرده را اندکی گفتند
و زنده شود بعید نیست و تصدق بلاهای آسمانی را دفع میکند و قضاهای محکم را برطرف میکند و
بیماری را نمی برد چیزی مثل دعا و تصدق و آب سرد و فرمود که منتهای پرهیز و امساک

چهاردهم روز است و پرهیز نه آنست که چیزی نخورد بلکه آنست که کمتر بخورد و فرمود که صحت و مرض در بدن آدمی با یکدیگر در مقام معارضه و مقاتله اند پس هر وقت که صحت غالب آید بیمار بشعور می آید و اشتهای طعام بهم میرساند پس هر گاه طعام بطلبد بدهید شاید شفای او در آن باشد و فرمود که شفای هر درد در قرآن هست پس بیماران خود را مداوا کنید بتصدق و طلب شفا کنید از قرآن که هر کرا قرآن شفا ندهد هیچ چیز شفای او نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که هر که درد ها را در بدن خود یابد و حرارت بر مزاج خود غالب یابد با زنان جماع کند که حرارت را فرو می نشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عامه دردها و بیماریها از غلبه سودا و صفرا و خون سوخته شده و بلغم زیاده می باشد پس باید که آدمی تعهد احوال خود بکند پیش از آنکه اینها بر و غالب شوند و او را هلاک کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به اسانید معتبره منقول است که دوا کنید بیماران خود را بتصدق و فرمود که تصدق بلاهای محکم را دفع میکند و فرمود که تصدق مرگهای بد را از صاحبش دفع میکند و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد که من با ده نفر از عیالم همه بیماریم فرمود که ایشان را دوا کنید بتصدق که هیچ چیز بیشتر و زود تر از تصدق نفع نمیکند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی بیمار شد حضرت امیر المومنین ع باو فرمود که از زن خود یک درهم از مهری که باو داده بطلب که بتو بخشد و عسل بخر و آب باران بخور آن شخص چنین کرد و شفا یافت از سبب آن پرسیدند از آنحضرت فرمود که حقتعالی میفرماید که اگر زنان از مهر خود بشما بطیب خاطر چیزی بخشند بخورید گوارا و با عافیت نیک و در باب عسل میفرماید که در آن شفاست از همه دردها از برای مردمان و در آب باران میفرماید که فرستادیم از آسمان آبی مبارک پس در اینجا گوارائی و حسن عافیت و برکت و شفا همه جمع شد و در حدیث دیگر منقولست که مرد پیری بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که دردی دارم و برای آن اطبا شراب گفته اند و میخورم حضرت فرمود که چرا از چاه خود نمیکشی آبی را که خدا فرموده است که همه چیز بآن زنده است گفت با من موافقت نمیکند فرمود که چرا عسل نمیخوری که خدا شفای مردمان گردانیده است گفت بدستم نمی آید فرمود که چرا شیر نمیخوری که گوشت و استخوان بدنت از شیر پرورده است گفت بالطبع موافقت نمیکند فرمود

میخواهی که ترا رخصت بدهم که خرا بخوری والله که هرگز چنین نکنم و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که راه رفتن بیمار باعث نکس مرض و زیادتی آن میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول است که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که بیماران که نزد ما بیمار میشوند اطبا ایشانرا امر بامساک و پرهیز میکنند فرمود که ما اهلبیت امساک نمیکنیم مگر از خرما و خود را مداوا میکنیم بسیب و آب سرد پرسید که چرا امساک از خرما می کنید فرمود برای آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله را در بیماری از آن امساک فرمود و در روایت دیگر از آنحضرت پرسیدند که تا چند روز میباید پرهیز و امساک بیمار را فرمود که تا ده روز و در روایت دیگر یازده روز و در حدیث دیگر فرمود که امساک و پرهیز بعد از هفت روز دیگر نفعی ندارد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که پرهیز آن نیست که در اصل چیزی نخوری بلکه آنست که نخوری و کمتر بخوری و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت موسی بن عمران علیه السلام مناجات کرد که پروردگارا درد را که میدهد خطاب رسید که من پرسید که دوا از کیست خطاب رسید که از من پرسید که پس چه می کنند مردم این حکیمان را خطاب رسید که دلهای مردم را خوش میکنند و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از امام موسی کاظم علیه السلام سوال کرد از داغ کردن بیماران و عوذها و افسونها برایشان خواندن فرمود که باکی نیست در داغ کردن و افسون که معنیش را دانی و در حدیث صحیح دیگر منقول است که شخصی از آنحضرت پرسید که من محتاج میشوم به طبیب نصرانی و نزد او بمعالجه میروم و برو سلام میکنم و او را دعا میکنم فرمود که باکی نیست دعا و سلام تو با و نفعی نمیرساند و در حدیث دیگر فرمود که تا ممکن است رجوع بمعالجه طبیبان مکنید که این مانند عمارت کردن است که اندکش بسیار میکشد و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که مسلمانرا باید که دوا نکند تا غالب نشود بیماری او بر صحتش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که صحتش بر بیماریش غالب باشد و معالجه کند و بمیرد من از او بیزارم و در حدیث دیگر فرمود که هر که با این حال دوا بخورد اعانت بر کشتن خود کرده است و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که بمعالجه طبیب یهودی و نصرانی عمل میتوان کرد فرمود که باکی نیست شفا بدست خداست

و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی دوا میخورد و گاه هست که او را میکشد و گاه هست که شفا می یابد آیا بهتر آنست که شفا می یابد فرمود که حق تعالی دوا را فرستاده است و شفا میفرستد و هیچ دردی خلق نکرده است مگر آنکه دوائی برای آن آفریده است بخورد و نام خدا ببر در وقت خوردن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که زنی یا مردیکه چشمش آب سیاه می آورد و اطبا میگویند که چشم ترا میل میزنیم میباید که یک ماه یا چهل روز بر پشت بخوابی و حرکت نکنی و با این حال نماز با ایما میباید بکنی حضرت فرمود که چون مضطر است باکی نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد پس گفت که دوا نمیکنم تا آن کسیکه مرا درد داده است شفا بدهد حقتعالی باو وحی فرستاد که تا دوا نکنی من شفا ندهم و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که من جراحتها را می برم و داغ میکنم بآتش فرمود که باکی نیست گفت که دواهای تلخ که سمیت دارد بمردم میدهم مثل غاریقون فرمود که باکی نیست گفت که گاه هست که میمیرد حضرت فرمود هر چند که بمیرد باکی نیست گفت که گاه هست که شراب و بوزه میدهم که بخورند فرمود که در حرام شفائی نباشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت عرض کرد که شخصی دوا میخورد و رگهای بدنش را می برند گاه منتفع میشود و بسیار است که او را میکشد فرمود که بکنید و در حدیث دیگر عرض کردند که کسیکه داغ میسوزانند بر بدن و گاه هست که میکشد فرمود که شخصی در زمان پیغمبر داغ میسوزانید و حضرت بر بالای سرش ایستاده بودند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقول است که هیچ دوائی نیست مگر آنکه در بدن دردی را بر می انگیزد و هیچ چیز در بدن نافع تر از این نیست که تا محتاج نشوی تصرف در بدن نکنی

فصل چهارم در معالجه انواع تب در احادیث بسیار وارد شده است که ما مداوا نمی کنیم تب را مگر بریختن آب سرد بر بدن و خوردن سیب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تب از بوی جهنم است فرو نشانید حرارت آنرا بآب سرد و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع تب هیچ چیز نافع تر از دعا و آب سرد نیست و از مفضل منقول است که بخدمت آنحضرت رفت در ایام تابستان و آنحضرت تب داشتند دید که طبقی گذاشته است پر از سیب سبز عرض کرد که مردم این را خوب نمیدانند برای تب فرمود که این تب را برطرف میکند و حرارت را فرو می نشاند و در حدیث دیگر فرمود که مقدار

ده درهم قند با آب سرد ناشتا خوردن برای دفع تب نافع است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بنزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه آمدند و آنحضرت تب داشت فرمودند که سنجد تناول فرماید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که خاریدن بدن و غلبهٔ خواب و تبورها و دنبلها علامت زیادتی خون است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که بشکنید گرمی تب را به بنفشه و آب سرد و در تابستان بر بدن صاحب تب آب سرد بریزند و فرمود که یاد ما اهلبیت کردن شفا است از تب و جمیع دردها و وساوس شیطانی و فرمود که بخورید آب باران که بدن شما را پاک میکند و دردها را دفع میکند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از شخصی پرسیدند که شما بیماران خود را بچه چیز دوا می کنید گفت که بدواهای تلخ فرمود که هرگاه کسی از شما بیمار شود قند سفید را بکوبید و آب سرد بر رو بریزید و باو بخورانید که آنخداوندی که بتلخ شفا میدهد قادر است که بشیرین شفا بدهد و در حدیث دیگر فرمود که کباب دفع تب میکند و در حدیث دیگر فرمود که آبه دفع تب میکند و فرمود که دو ماه بیماری کشیدم خدا مرا الهام کرد که برنج را گفتم که شستند و اندکی بر روی آتش بو دادند و در آسیا خرد کردند و پارهٔ را سفوف کردم و پارهٔ را در میان آب کردم و خوردم بر طرف گردید و فرمود که تب بر اولاد پیغمبران دو برابر دیگران میباشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که علاج تب بسه چیز میباشد بقی و عرق و مسهل و از ابراهیم جعفی منقول است که بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفت و شکایت کرد از تب ربع فرمود که نبات یا قند را بسای و در میان آب بریز و ناشتا و هر وقت که احتیاج بآب خوردن شود بخور چنان کرد بزودی شفا یافت و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که در معالجهٔ تب غب کهنه عسل و سیاه دانه را باهم ممزوج کن و سه انگشت از آن بخور که این هر دو مبارک است و خدا عسل را فرموده که شفا است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که در سیاه دانه شفای همه دردها است مگر مرگ و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه و آله منقول است که بهترین چیزها برای تب ربع آنست که در روز نوبت پالودهٔ عسل بسازی و زعفران بسیار در آن بکنی و در آنروز غیر آن چیزی نخوری و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که این تعویذیست برای شیعیان از سل یَا اَللّٰهُ یَا رَبَّ الْاَرْبَابِ وَیَا سَیِّدَ السَّادَاتِ

وَيَا إِلٰهَ الْآلِهَةِ وَيَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَيَا جَبَّارَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ اِشْفِنِي وَعَافِنِي مِنْ دَائِي هٰذَا فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ وَنَاصِيَتِي بِيَدِكَ سه مرتبه اینده عا را بخوانی تا خدا ترا شفا دهد بحول و قوت خود و در روایت معتبر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را تب شدیدی عارض شد جبرئیل آمد و این عوذه را بر آنحضرت خواند و در ساعت تب زائل شد بِسْمِ اللهِ أَرْقِيكَ بِسْمِ اللهِ أَشْفِيكَ بِسْمِ اللهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يُعْيِيكَ بِسْمِ اللهِ وَاللهُ شَافِيكَ بِسْمِ اللهِ خُذْهَا فَلْتَهْنِئْكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ لَتَبْرَأَنَّ بِإِذْنِ اللهِ و در چند حدیث معتبر منقول است که بر هیچ بیماری و صاحب دردی هفتاد مرتبه سورهٔ حمد خوانده نمیشود مگر آنکه آن درد ساکن میشود و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که یک ماه است که تب میکنم و آنچه اطبا گفتند بعمل آوردم و برطرف نشد حضرت فرمود که بندهای پیراهن خود را بگشا و سر را در گریبان پیراهن داخل کن و اذان و اقامت بگو و هفت مرتبه سورهٔ حمد بخوان آن شخص گفت که چنان کردم گویا که از بندی رها شدم و در حدیث دیگر منقول است که یکی از فرزندان آن حضرت بیمار شد فرمود که ده مرتبه یا الله بگو که هیچ مومنی نمی گوید مگر آنکه حقتعالی میفرماید که لبیک حاجت خود را بگو و در حدیث دیگر فرمود که هر که را علتی عارض شود هفت مرتبه سورهٔ حمد بخواند و اگر برطرف نشود هفتاد مرتبه بخواند که من ضامنم که آن علت برطرف شود و در حدیث معتبر منقول است از داود بن زربی که گفت بیمار شدم در مدینه بیماری شدید چون این خبر بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام رسید بمن نوشتند که یک صاع گندم بخر و بر پشت بخواب و آن گندم را بر سینهٔ خود بریز و بگو اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَىٰ خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي پس درست بنشین و گندم را جمع کن و باز آن دعا را بخوان و آن گندم را چهار حصه کن هر حصه بیک فقیر بده و باز دعا بخوان داود گفت که من چنین کردم گویا از بندی رها شدم و بسیار کسان کردند شفا یافتند و در حدیث صحیح از آن حضرت منقول است که چون بنده بیماری روی هفت مرتبه بگوید أُعِيذُكَ بِاللهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ

تعالی و من شر حر النار و در حدیث دیگر فرمود که سوره حمد و قل هو الله احد و انا انزلناه فی
لیلة القدر و آیة الکرسی بخوان پس با انگشت شهادت بر پهلوی بیمار بنویس اللهم ارحم
جلدی الرقیق و عظمی الدقیق من سورة الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله
و الیوم الآخر فلا تاکلی اللحم و لا تشربی الدم و لا تنهکی الجسم و لا تصدعی الراس
و انتقلی عن فلان بن فلان و نام او و نام مادرش را بنویس الی من یجعل مع الله الها آخر
لا اله الا الله تعالی عما یشرکون علوا کبیرا و در روایت دیگر فرمود که بیمار سر را
در گریبان خود داخل کند و اذان و اقامت بگوید و سوره حمد و معوذتین و سه مرتبه قل هو الله بخواند
و بگوید اعیذ نفسی بعزة الله و قدرة الله و عظمة الله و سلطان الله و جمال الله
و بجمع الله و برسول الله و بعترته صلی الله علیه و علیهم و بولاة امر الله من شر
ما اخاف و احذر و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک
و عافنی من بلائک و در روایت دیگر منقول است که شخصی به آن حضرت شکایت کرد که تبش بسیار
بطول انجامیده است فرمود که آیة الکرسی را در ظرفی بنویس و به آب حل کن و بخور و در بعضی
از کتب معتبره منقول است که برای تب این تعویذ را بنویسد و بر بازوی راست بندد و سوره حمد را
تا آخر بنویسد و بعد از آن بنویسد بسم الله و بالله اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی
لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرا و برا و من شر الهامة و السامة
و العامة و اللامة و من شر طوارق اللیل و النهار و من شر فسقة العرب و العجم
و من شر فسقة الجن و الانس و من شر الشیطان و شرکه و من شر کل ذی شر
و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا
و الیک انبنا و الیک المصیر یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا به
کیدا فجعلناهم الاخسرین بردا و سلاما علی فلان بن فلانه نام بیمار و مادرش بنویسد
ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا و لا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین
من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولنا

فانصرنا على القوم الكافرين حسبي الله لا اله الا هو فاتخذه وكيلا وتوكل على الحي
الذي لا يموت وسبح بحمده وكفى به بذنوب عباده خبيرا بصيرا لا اله الا الله
وحده لا شريك له صدق وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده ما شاء الله
لا حول ولا قوة الا بالله كتب الله لاغلبن انا ورسلي ان الله قوي عزيز الا ان
حزب الله هم الغالبون ومن يعتصم بالله فقد هدي الى صراط مستقيم و
صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين و از سلمان فارسی رضی الله عنه منقولست
که گفت بعد از وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم بده روز از خانه بیرون آمدم در راه
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه وآله را ملاقات کردم فرمود که برو بنزد حضرت فاطمه صلوات الله
علیها که تحفه از بهشت برای او آمده میخواهد که بتو عطا فرماید بتعجیل بخدمت آنحضرت شتافتم فرمود
که دیروز در همین موضع نشسته بودم و در خانه بسته بود و غمگین بودم و فکر میکردم در منقطع شدن
وحی الهی از ما و نیامدن ملائکه بسوی ما ناگاه دیدم که در گشوده شد و سه دختر به اندرون آمدند
که کسی بحسن و جمال و طراوت و نزاکت و خوشبوی ایشان هرگز ندیده است چون ایشان را
دیدم برخاستم و سوال کردم که شما از اهل مکه اید یا از اهل مدینه گفتند ای دختر حضرت رسول خدا
صلی الله علیه وآله وسلم ما از اهل زمین نیستیم ما را پروردگار عزت از اهل بهشت جاوید بسوی
تو فرستاده و بسیار مشتاق تو بوده ایم از یکی که بزرگ تری نمود پرسیدم که چه نام داری گفت
مقدوده گفتم بچه سبب ترا این نام کردند گفت بجهت آنکه از برای مقداد بن اسود خلق شده ام
پس از دیگری پرسیدم که چه نام داری گفت ذره از سبب نام پرسیدم گفت زیرا که از برای
ابوذر غفاری خلق شده ام از سوم پرسیدم چه نام داری گفت سلمی از سبب نام پرسیدم گفت زیرا که
از برای سلمان فارسی آزاد کرده پدر تو خلق شده ام حضرت فاطمه علیها السلام فرمود که پس از برای من رطبی
چند بیرون آوردند مانند گرده های نانهای بزرگ از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر پس سلمان گفت که
حضرت فاطمه علیها السلام یکی از آن رطبها بمن داد و فرمودند که امشب باین رطب افطار کن و فردا
هسته اش را برای من بیاور پس آن رطب را گرفتم و بیرون آمدم بهر جمعی که از اصحاب رسول خدا
صلی الله علیه وآله وسلم میگذشتم می پرسیدند که ای سلمان مگر مشک همراه داری میگفتم بلی

پس چون وقت افطار شد تناول کردم هیچ هسته نداشت روز دیگر بخدمت حضرت فاطمه علیها السلام رفتم و عرض کردم که با حضرت آن خرماها هیچ هسته نداشت فرمود بلی چون هسته داشته باشد حال آنکه این رطب از درختی بهم رسیده است که حق تعالی آنرا در بهشت غرس فرموده است بسبب دعائی که پدرم بمن تعلیم کرده است و هر صبح و شام میخوانم سلمان گفت ای سیده بمن آن دعا را تعلیم من فرما فرمود که اگر خواهی که تا در دنیا باشی آزار تب نیابی بر این دعا مواظبت کن این است بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ النُّورِ بِسْمِ اللهِ النُّورِ النُّورِ بِسْمِ اللهِ نُورٌ عَلٰى نُورٍ بِسْمِ اللهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْاُمُورِ بِسْمِ اللهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَاَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلٰى نَبِيٍّ مَحْبُورٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ پس سلمان گفت که این دعا را بزیاده از هزار نفر اهل مکه و مدینه که تب داشتند تعلیم کردم همه از تب نجات یافتند و در حدیث حسن منقول است که بعضی از فرزندان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بیمار شد حضرت فرمود که این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَدَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ فَاِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ و از برای تب ربع منقول است که این آیه را بنویسند و بر و به بندند يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيمَ و در روایت دیگر این دعا را بر بازوی راستش به بندند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَلَوْ اَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ اَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْاَرْضُ اَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتٰى بَلْ لِلّٰهِ الْاَمْرُ جَمِيعًا يَا شَافِي يَا كَافِي يَا مُعَافِي وَبِالْحَقِّ اَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ باسم فلان بن فلان و نام او و پدرش را بنویسند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَاِلَى اللهِ وَلَا غَالِبَ اِلَّا اللهُ و از برای تب و لرز این آیات را بنویسند و بر بازوی بیمار به بندند بِسْمِ اللهِ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيمَ اَلَا اِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَاِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

فصل پنجم در ادعیه جامعه و ادویه مرکبه نافعه در حدیث معتبر از حضرت

دعاء نور

صادق علیه السلام منقول است که هر دردی که داشته باشی دست را بر موضع درد بگذار و سه مرتبه
بگو اللّه اللّه ربّی حقّاً لا اشرک به شیئاً اللّهمّ انت لها ولکلّ عظیمة ففرّجها عنّی
و در روایت معتبر دیگر فرمود که بگو بسم اللّه و بمال دست را بر آن موضع که درد میکند و بگو
اعوذ بعزّة اللّه واعوذ بقدرة اللّه واعوذ بجلال اللّه واعوذ بعظمة اللّه واعوذ
بجمع اللّه واعوذ برسول اللّه واعوذ باسماء اللّه من شرّ ما احذر ومن شرّ
ما اخاف علی نفسی هفت مرتبه میگوئی و در روایت دیگر فرمود که دست را بر موضع درد
میگذاری و میگوئی بسم اللّه وباللّه ومحمّد رسول اللّه صلّی اللّه علیه وآله لا حول
ولا قوّة الّا باللّه اللّهمّ امسح عنّی ما اجد و سه مرتبه بر آن موضع میکشی و در روایت
دیگر فرمود که دیگری دست بر موضع درد میگذارد و هفت نوبت و اقلّش سه مرتبه
میگوید ایّها الوجع اسکن بسکینة اللّه وقرّ بوقار اللّه وانحجز بحاجز اللّه واهدأ
بهدوء اللّه اعیذک ایّها الانسان بما اعاذ اللّه به عرشه وملائکته یوم
الرّجفة والزّلازل و در روایت معتبر فرمود که برای هر آزاری این دعا بخوانند یا منزل الشّفاء ومذهب
الدّاء انزل علی ما بی من داء شفاء و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله
منقول است که هر که باو برسد المی در بدنش این دعا بخواند تا هیچ المی و دردی باو ضرر رساند
اعوذ بعزّة اللّه وقدرته علی الاشیاء اعیذ نفسی بجبّار السّماء اعیذ نفسی بمن
لا یضرّ مع اسمه داء اعیذ نفسی بالّذی اسمه برکة وشفاء و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر که دردی بهم رساند دست را بر موضع درد بگذارد و با خلاص نیّت
بگوید وننزّل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظّالمین الّا خساراً
البته عافیت یابد از هر علّتی و در حدیث دیگر فرمود که هر کرا سوره حمد و قل هو اللّه
احد شفا نبخشد هیچ چیز او را شفا نبخشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هرگاه کسی آزاری در خود بیابد بگوید بسم اللّه وباللّه وصلّی اللّه علی رسول اللّه و
اهل بیته واعوذ بعزّة اللّه وقدرته علی ما یشاء من شرّ ما اجد و در حدیث دیگر
منقول است که شخصی بخدمت آنحضرت آمد و شکایت کرد از بسیاری بیماری و پریشانی فرمود که

ایندعا بخوان لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت موسی بن عمران علیه السلام بحقتعالی شکایت کرد از غلبه رطوبت حقتعالی او را امر فرمود که هلیله و بلیله و آمله را بساید و با عسل خمیر کند و بخورد حضرت فرمود که این است که شما اطریفل میگوئید و در طب الائمه روایت کرده است که شخصی بحضرت امام علی نقی صلوات الله علیه عرض کرد که در همسائگی ما شخصی را عقرب گزیده است و بیم آن است که هلاک شود فرمود که بخورانید باو دوای جامع را که از حضرت امام رضا علیه السلام بما رسیده است پس فرمود که سنبل و زعفران و قاقله و عاقرقرحا و خربق سفید و بذر البنج و فلفل سفید همه مساوی یکدیگر و فرفیون دو برابر هر یک از اینها بسیار نرم بکوبند و از حریر بیرون کنند و با عسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کنند و کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد یک حب آنرا به آب حلتیت باو بخورانند که در ساعت شفا می یابد و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از برای فالج و لقوه یک حب آنرا با آب مرزنگوش در بینی بچکانند و از حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه نقل کرده است که از برای سردی معده و خفقان قلب نافع است که یک حب آنرا با آب زیره پخته بخورند و در روایت دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از برای آزار سپرز یک حب آنرا با آب سرد و اندک سرکه بخورند و از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده است که از برای درد پهلوی راست یک حب آنرا با آب زیره پخته بخورند و از برای درد پهلوی چپ یک حب آنرا با آب ریشه کرفس که پخته باشند بخورند و در حدیث دیگر فرمود که از برای اسهال یک حبش را با آب مورد پخته بخورند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت کرده است که یک حبش با آب سداب یا آب ترب پخته بخورند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که اگر مردم بدانند که در سنا چه منفعتها است هر آینه قیمت هر مثقالی دو مثقال طلا شود و بدرستیکه امان می بخشد از بهق و برص و خوره و دیوانگی و فالج و لقوه و اگر با مویز سرخ بی دانه و هلیله کابلی و هلیله زرد و هلیله سیاه همه اجزا مساوی بعمل آورند و هر روز ناشتا ب

بقدر سه درهم بخورند و در هنگام خواب نیز همین مقدار بخورند این فوائد می‌بخشند و بهترین دواها است
و در طب الائمه روایت کرده است که از مغز خیار شنبر پاک کرده یک رطل بگیرند و در میان
یک رطل آب یک شبانه روز بخیسانند پس صاف کنند و با یک رطل عسل صافی و یک رطل
آب و چهل مثقال روغن گل سرخ ممزوج گردانند و با آتش نرم بقوام آورند و از روی آتش
بردارند و بگذارند تا سرد شود پس فلفل و دار فلفل و قرفه و قرنفل و قاقله و زنجبیل و دار چینی
و جوز بوا از هر یک سه مثقال گرفته و کوفته و بیخته در آنچه سابق مذکور شد ممزوج کنند و در سبوی
سبزی یا شیشه بکنند و در وقت حاجت در سه روز هر روز دو مثقال از آن ناشتا بخورند از برای
غلبهٔ سودا و صفرا و بلغم و درد معده و ترکیدن دست و پا و قی و تپ و زحیر و درد شکم و درد جگر
و حرارت سر و یرقان و تپهای شدید و درد مثانه و ذکر نافع باشد و بعد از آن باید که از خرما
و ماهی و سرکه و سبزیها پرهیز کنند و غذا آش اماج باشد با روغن کنجد و دوای دیگر نقل کرده است
که از هلیلهٔ سیاه و هلیلهٔ زرد و سقمونیا از هر یک شش مثقال و از فلفل و دار فلفل و زنجبیل خشک
و زنبیان و خشخاش سرخ و نمک هندی از هر یک چهار مثقال و از نارمشک و قاقله و سنبل
و شقاقل و چوب بلسان و دانه بلسان و سلیخهٔ مقشر و علک رومی و عاقرقرحا و دارچینی از هر یک
دو مثقال مجموع دواها را با یکدیگر بکوبند و بیزند و سقمونیا را جدا بکوبند و بیزند و هشتاد و پنج مثقال
شکر تبرزد را در پاتیل آب کنند و قدری از عسل نیز در آن بریزند و آن اجزا را با آنها معجون سازند و در
وقت حاجت دو مثقال را از آن ناشتا و دو مثقال را در وقت خواب بخورند نافع است برای قوت
جماع و سردی را از مفاصل بدن می‌برد و فائده می‌بخشد برای درد تهیگاه و بادهای شکم و درد مفاصل و
سلس بول و طپیدن دل و تواتر نفس و امتلای معده و کرم معده و دل را جلا میدهد و اشتهای طعام
می آورد و درد سینه و زردی چشم و زردی رنگ و یرقان و غلبهٔ تشنگی را می‌برد و برای تپ لرزه و دردهای
کهنه و درد سر و دبید باغی نافع است و بسند دیگر روایت کرده است که روزی فرعون بنی اسرائیل را
همگی ضیافت کرد و زهر در طعام ایشان داخل کرد که ایشان را هلاک کند حقتعالی این دوا را بحضرت
موسی علی نبینا و علیه السلام فرستاد و چون خوردند از زهر با ایشان آسیبی نرسید جبرئیل گفت
که قدری سیر مقشر بگیر و بشکن و نرم بکوب و در پاتیل بینداز و از روغن گاو آنقدر بر آن سیرها بریز

که بپوشاند آنها را و آتش نرم آنقدر در زیر پاتیل بسوزان که آن سیرها آن روغن را بخورند و از روغن چیزی
نماند پس همان مقدار شیر گاو تازه زائیده بر آن بریز و آتش نرم آنقدر بیفروز که از آن شیر هم
چیزی نماند پس همان قدر عسل مصفی که مومش را گرفته باشند در پاتیل بریز و آن قدر آتش بسوزان
که آنرا هم بخورد پس از سیاه دانه ده درهم و از فلفل و مرزنگوش هر یک پنج درهم بگیر و نرم بکوب
و در پاتیل بریز و برهم زن تا مخلوط شود با آن سیر پس ظرفی را بگیر و اندرون آنرا بروغن گاو
چرب کن و این دوا را در آن بریز و در میان جو یا خاکستر چهل روز پنهان کن و هرچند کهنه تر
می‌شود نیکوتر می‌شود و فرمود که نافع است برای دفع لقوه کهنه و تازه و درد اندرون و سرفه
کهنه و تازه و کسی را که سرما زده باشد و برای سبل چشم و درد باد و ضعف معده و مرض اطفال
و ترسیدن زنان در خواب و زرد آب و خوره و زیادتی بلغم و دفع سم گزیدن مار و عقرب و فرمود که
چون یک ماه برین دوا بگذرد برای درد دندان و امراض بلغمی بقدر نصف گردگان ناشتا بخورد
و چون دو ماه بر آن بگذرد برای تب و لرزه و آزارهای چشم نافع است و چون سه ماه بران بگذرد
برای صفرا و بلغم سوخته و جمیع مرضهای صفراوی ناشتا خوردن نافع است و چون چهار ماه بران بگذرد
برای تاریکی چشم و تنگی نفس نافع است و چون پنج ماه بر آن بگذرد هر کسیکه درد سر داشته باشد
بقدر نیم عدس ازین دوا با روغن بنفشه ممزوج گردانیده در بینی بچکاند و چون شش ماه بران
بگذرد کسیکه درد شقیقه داشته باشد بقدر یک عدس از آن با روغن بنفشه مخلوط گردانیده در بینی
بچکاند از آن جانبی که درد میکند در اول روز و چون هفت ماه بران بگذرد برای دفع بادی که در
گوش بهم رسد بقدر یک عدس با روغن گل سرخ ممزوج ساخته در گوش بچکاند در اول روز و در هنگام
خواب و چون هشت ماه بر آن بگذرد آنرا با آب خوردن برای دفع خوره نافع است و چون
نه ماه بگذرد نافع است برای غلبه خواب و هذیان گفتن در خواب و ترس و بیم باید که با روغن
تخم ترب ناشتا و در وقت خواب بقدر یک عدس خورده شود و چون ده ماه بگذرد برای
غلبه صفرا و تبهای اندرونی و اختلاط عقل بقدر یک عدس با سرکه بخورند و برای سفیدی چشم
ناشتا و در وقت خواب بخورد و چون یازده ماه بر آن بگذرد برای سودائیکه آنکس را بترس
و وسواس می‌اندازد بقدر یک نخود با روغن گل سرخ ناشتا و بقدر یک نخود با روغن در هنگام

خوابیدن بخورد و چون دوازده ماه بگذرد برای فالج کهنه و تازه با آب مرزنگوش بقدر یک نخود بخورد و با روغن
زیت و نمک بر پا بمالد در وقت خواب و از سرکه و شیر و ماست و سبزیها و ماهی اجتناب نماید
و چون سیزده ماه بگذرد یک نخود از آن با آب سداب حل کند و در اول شب بخورد نافع است
برای درد اندرون و خندیدن بی سبب و با ریش بازی کردن و اگر چهارده ماه
بگذرد برای دفع زهرها نافع است و اگر زهری باو خورانیده باشند تخم بادنجان را بکوبند
و بجوشانند و صاف کنند و با یک نخود از این دوا در سحر بخورند و آب نیم گرم از عقبش بخورند
سه شب یا چهار شب و چون پانزده ماه بگذرد برای دفع سحر و بادها نافع است و چون شانزده
ماه بگذرد بقدر نیم عدس آنرا با آب باران تازه حل کرده بدیده کسی بکشند که بینائیش کم شده باشد
و در بامداد و شام و وقت خواب تا چهار روز و اگر برطرف نشود تا هشت روز و چون هفده ماه بگذرد
برای دفع خوره یک گلوله از آن با روغن پارچهٔ گاو ناشتا و در وقت خواب بخورند و بقدر یک
حبه اش بر بدن بمالند و اندکی را با روغن زیت یا روغن گل سرخ در بینی بچکانند
در آخر روز در حمام و چون هیجده ماه بگذرد برای دفع بهق آن موضع را سوزن بزنند
که خون در آید بقدر یک نخود با روغن بادام تلخ یا روغن صنوبر بخورند و اندکی را در بینی بچکانند و
با نمک بر آن موضع بمالند و چون نوزده ماه بگذرد اگر آب انار شیرین را گرفته با قدر یک دانهٔ
جو از حنظل و با یک نخود از این دوا ناشتا بخورند برای دفع سهو و فراموشی و بلغم سوخته
و تب کهنه نافع است و چون بیست ماه بگذرد و بقدر یک عدس از آن گرفته با آب گندنا حل
کنند و برای سنگینی گوش در گوشش بچکانند و اگر نفع ظاهر نشود در روز دیگر بچکانند و اندکی
بر کله و سرش بریزند و از برای صاحب مرض برسام با آب انار ترش نافع است و در حدیث
دیگر روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام که مثل این دوا را جبرئیل برای حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم آورد و فرمود که چهار رطل از سیر مقشر بگیرند و در پاتیل کنند و چهار رطل
شیر گاو بر آن بریزند و بپزند آنقدر که شیر نماند باز چهار رطل روغن گاو بر آن بریزند آنقدر
بجوشانند که روغن نماند پس بقدر ده درهم بابونه بر آن بپاشند و برهم زنند تا خوب بقوام
آید و در کوزه کرده سرش را ببندند و در میان جو یا خاک پنهان کنند در مدت ایام تابستان

و در زمستان بیرون آورند و در بامداد بقدر یک گردگان بخورند برای هر دردی نافع است و کلینی در حدیث معتبر روایت کرده است که اسمعیل بن الفضل شکایت کرد بخدمت حضرت صادق علیه السلام از قراقر معده و اینکه طعام در معده اش هضم نمی شود حضرت فرمود که چرا نمیگیری آن نبیذی را که ما میخوریم و باعث هضم طعام می شود و قراقر و بادهای شکم را دفع میکند پس فرمود که یک صاع از مویز بگیر و دانه اش را بیرون کن و پاک بشو و در ظرفی کن و آنقدر آب بر آن بریز که همه را بپوشاند در زمستان سه شبانه روز و در تابستان یک شبانه روز پس صاف کن و آب صافش را در دیگ کن و آنقدر بجوشان که دو حصه برود و یک حصه بماند پس نیم رطل عسل در دیگ بریز و آنقدر بجوشان که آنقدر شود که پیش از عسل ریختن شده بود پس زنجبیل و خولنجان و دارچینی و زعفران و قرنفل و مصطکی را بگیر و همه را بکوب و در میان پارچه کهنه نازکی بکن و در دیگ بینداز که چند جوشی بزند پس دیگ را پائین بگذار تا سرد شود پس صاف کن و هر صبح و شام و پیشین قدری از آن بخور راوی گفت که چنان کردم آزارم برطرف شد فصل ششم در معالجه دردسر و شقیقه و زکام و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که برای دفع دردسر و نصف سر این دعا بنویسید و بدان جانب سر که درد میکند بیاویزد اَللّٰهُمَّ اَنْتَ لَسْتَ بِاِلٰهٍ اسْتَحْدَثْنَاهُ وَلَا بِرَبٍّ يَبِيدُ ذِكْرُهُ وَلَا مَعَكَ شُرَكَاءُ يَقْضُونَ مَعَكَ وَلَا كَانَ قَبْلَكَ اِلٰهٌ نَدْعُوهُ وَنَتَعَوَّذُ بِهِ وَنَتَضَرَّعُ اِلَيْهِ وَنَدَعُكَ وَلَا اَعَانَكَ عَلٰى خَلْقِنَا مِنْ اَحَدٍ فَنَشُكَّ فِيكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ عَافِ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که درد سر داشته باشد یا بولش بند شده باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید اُسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و از حضرت امام علی النقی صلوات الله علیه منقول است که از برای دردسر این آیه را بر قدح آبی بخواند و بخورد اَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا اَنَّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ اَفَلَا يُؤْمِنُونَ و در حدیث معتبر منقول است که شعیب سجستانی شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام که هفته دو مرتبه مرا درد شقیقه میگیرد فرمود که بگذار دست را بر آن جانب که درد میکند و سه مرتبه بگو

یا ظاهرا موجودا و یا باطنا غیر مفقود اردد علی عبدک الضعیف ایادیک الجمیلة
و اذهب عنه ما به من اذی انک رحیم ودود و در حدیث دیگر فرمود که برای
دفع درد سر دست بر سر بمالد و هفت نوبت بگوید اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البر
و البحر و ما فی السموات و الارض و هو السمیع العلیم و در روایت دیگر منقول است
که برای دفع درد گوش دست بر گوش بمالد و هفت مرتبه این دعا بخواند و در روایت دیگر
فرمود که برای دفع درد سر دست را بر بالای سر بگذارد و بگوید لو کان معه آلهة کما
یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله
و الی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک صدودا و در حدیث معتبر منقول
است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت که من سفر بسیار میکنم و در مواضع
هولناک بسر می برم چیزی بمن تعلیم فرما که نترسم حضرت فرمود که چون در چنین جای واقع شوی
دست را بر بالای سر بگذار و بآواز بلند بگو افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی
السموات و الارض طوعا و کرها و الیه ترجعون آن شخص گفت که در بیابانی واقع
شدم که میگفتند که جن در آنجا بسیار است شنیدم که کسی میگفت که بگیریدش این آیه خواندم
شنیدم که دیگری جواب گفت که چگونه بگیریمش و حال آنکه پناه بآیه طیبه برد و در حدیث دیگر
منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد که پسری دارم گاهی او را جن و ام الصبیان
میگیرد بحدی که از و ناامید می شوم فرمود که هفت مرتبه سوره حمد را با مشک و زعفران بر ظرفی
بنویس و بآب بشو و تا یک ماه از آن آب بده تا بخورد راوی گفت که یک مرتبه که خورد بر طرف
شد و در حدیث دیگر فرمود که کسی را که صرع بگیرد در گوشش بخوانید این دعا را عزمت علیک
یا ریح بالعزیمة التی عزم بها علی ابن ابی طالب علیه السلام رسول الله
صلی الله علیه و آله علی جن وادی الصخرة فاجابوا و اطاعوا لما اجبت و اطعت
و خرجت عن فلان بن فلانة الساعة و در روایت دیگر منقول است که شخصی را اختلال
دماغ بهم رسیده بود حضرت او را فرمود که هر شب در هنگام خواب این دعا بخوان بسم الله
و بالله آمنت بالله و کفرت بالطاغوت اللهم احفظنی فی منامی و فی یقظتی اعوذ

بعزّة الله وجلاله مما اجد واحذر و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کسی را
که باد جن گیرد بر او سورهٔ حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را ده مرتبه بخوانند
و این سه سوره را در جامی با مشک و زعفران بنویسند و باو بخورانند و در آب وضو و غسلش
داخل کنند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را
دیدند که غش گرفته است قدح آبی طلبیدند و سورهٔ حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ
برب الفلق بر آن آب خواندند و بر سر و روی او پاشیدند بهوش باز آمد و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که در خانهٔ که جنیان سنگ اندازند صاحب آن خانه آن سنگ
را بردارد و بگوید حَسْبِیَ اللّٰهُ وَکَفیٰ سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا لَیْسَ وَرَاءَ اللّٰهِ مُنْتَهیٰ و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که برای درد سر روغن کنجد را در بینی بچکانند
و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد سر فرمود که بحمام برو و پیش
از آنکه داخل شوی هفت جام آب گرم بر سر بریز و در هر مرتبه بسم الله بگو و منقول است که شخصی
بخدمت امام رضا علیه السلام شکایت کرد که سردی عظیم در سر خود می یابم بحدی که اگر باد بوزد
بیم آنست که غش کنم فرمود که روغن عنبر و روغن زنبق بعد از طعام خوردن بدماغ بچکان و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچ یک از فرزندان آدم نیست مگر آنکه در او
دو رگ هست یک رگ در سرش که خوره را بحرکت می آورد و دیگری در بدنش که پیسی را بحرکت
می آورد پس چون آن رگ سر بحرکت می آید خدا زکام را بر آن مسلط میگرداند که دردهای سر را میکشد
و اگر آن رگ بدن بحرکت می آید حقتعالی دمل را بر آن مسلط میگرداند که دردهای بدن را
میکشد پس کسیکه زکام و دمل را بهم رساند خدا را شکر کند و در روایت معتبر دیگر فرمود که
زکام لشکریست از لشکرهای خدای تعالی میفرستد که دردهای بدن را برطرف میکند و در چند روایت
وارد شده است که زکام را علاج نمی باید کرد و در یک روایت از آنحضرت وارد شده است که
در معالجهٔ زکام پنبه بروغن بنفشه آلوده کند و در وقت خواب بر مقعد خود بگذارد و در
روایت دیگر فرمود که یک دانگ سیاه دانه و نیم دانگ کندش را نرم بکوبند و در دماغ بدمند
زکام را برطرف میکند فصل هفتم در معالجهٔ سائر امراض سر و درد گلو در حدیث معتبر از حضرت

امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هرگاه چشم کسی آزرده باشد باید که آیة الکرسی بخواند باعتقاد درست که البته شفا می یابد و در روایت معتبر دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام بشخصی فرمود که میخواهی دعائی تعلیم نمایم ترا که برای دنیا و آخرت تو نافع باشد و درد چشم ترا زائل کند گفت بلی فرمود که بعد از نماز صبح و نماز شام مداومت نما بر این دعا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ وَالْبَصِيْرَةَ فِیْ دِيْنِیْ وَالْيَقِيْنَ فِیْ قَلْبِیْ وَالْاِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَالسَّعَةَ فِیْ رِزْقِیْ وَالشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَّا اَبْقَيْتَنِیْ و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم برای درد چشم این دعا را فرمودند که بخواند اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنِیْ بِسَمْعِیْ وَبَصَرِیْ وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّیْ وَانْصُرْنِیْ عَلٰی مَنْ ظَلَمَنِیْ وَاَرِنِیْ فِيْهِ ثَارِیْ و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد دید که چشم آن حضرت آزار عظیم دارد روز دیگر بخدمت آن حضرت رفت دید که هیچ آزار نمانده است از سبب آن پرسید فرمود که این تعویذ را خواندم اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِجَمَالِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِكَرَمِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِبَهَاءِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِغُفْرَانِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِحِلْمِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِذِكْرِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِرَسُوْلِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِاٰلِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ عَلٰی مَا اَجِدُ فِیْ عَيْنِیْ وَمَا اَخَافُ وَمَا اَحْذَرُ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الطَّيِّبِيْنَ اَذْهِبْ ذٰلِكَ عَنِّیْ بِحَوْلِكَ وَقُدْرَتِكَ ابن شهر آشوب روایت کرده است که مرد کوری شنید که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله این دعا را میخواند آن شخص بخانه رفت و وضو ساخت و نماز کرد و بعد از نماز این دعا را خواند و چون باین موضع رسید اَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ دیده اش بینا شد دعا این است اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ يَا رَبَّ الْاَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ وَرَبَّ الْاَجْسَادِ الْبَالِيَةِ اَسْئَلُكَ بِطَاعَةِ الْاَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ اِلٰی اَجْسَادِهَا وَبِطَاعَةِ الْاَجْسَادِ الْمُلْتَئِمَةِ اِلٰی اَعْضَائِهَا وَبِانْشِقَاقِ الْقُبُوْرِ عَنْ اَهْلِهَا وَبِدَعْوَتِكَ الصَّادِقَةِ فِيْهِمْ وَاَخْذِكَ بِالْحَقِّ بَيْنَهُمْ اِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ يَنْتَظِرُوْنَ قَضَاءَكَ وَيَرَوْنَ سُلْطَانَكَ وَيَخَافُوْنَ

بطشك ويرجون رحمتك يوم لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون إلا من
رحم الله إنه هو العزيز الرحيم أسألك يا رحمان أن تجعل النور في بصري
واليقين في قلبي وذكرك بالليل والنهار على لساني أبدا ما أبقيتني إنك على كل شيء
قدير و در روایت دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که شخصی بآن حضرت شکایت کرد
از ضعف باصره گفت که بمرتبه رسیده است که شبکور شده‌ام فرمود که آیه الله نور السموات والارض تا آخر را
مکرر در جامی بنویس و بآب محو کن و آب را در شیشه کن و از میل بچشم بکش راوی گفت که کمتر از
صد میل کشیدم که بینا شدم و در حدیث معتبر منقول است از حضرت امام رضا علیه السلام که
شفای درد خواندن سوره حمد است و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی
و کشیدن قسط و مرو کندر است و دعای درد گوش در دعاهای درد سر گذشت
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از سنگینی گوش
فرمود که دست بر گوش بکش و این آیات را بخوان لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ
خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ
هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ
هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ
الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ
الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و در روایت دیگر
وارد شده است که برای درد گوش بر روغن یاسمین یا روغن بنفشه هفت مرتبه این دعا بخواند
كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولٰئِكَ كَانَ
عَنْهُ مَسْئُولًا پس آن روغن را در گوش چکاند و از برای قطع رعاف منقول است که بر پیشانی او
بنویسند وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ
وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ و در روایت دیگر این آیات را
بخواند مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرٰى يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ
الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمٰنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا يَا أَرْضُ ابْلَعِي

ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر و استوت علی الجودی و قیل
بعدا للقوم الظالمین و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب
و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا و
جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
و منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد دهان فرمود
که دست بر دهان بگذار و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
داء اعوذ بکلمات الله التی لا یضر معها شیء قدوسا قدوسا قدوسا باسمک
یا رب الطاهر المقدس المبارک الذی من سئلک به اعطیته و من دعاک به
اجبته اسئلک یا الله یا الله یا الله ان تصلی علی محمد النبی و اهل بیته و ان
تعافینی مما اجد فی فمی و فی راسی و فی بصری و فی بطنی و فی ظهری و فی یدی و
فی رجلی و فی جمیع جوارحی کلها ابو بصیر شکایت کرد بخدمت حضرت امام محمد باقر
علیه السلام از درد دندان گفت شبها از این درد بیدار میباشم فرمود که هرگاه اثرش ظاهر
شود دست بر موضع درد بگذار و سوره حمد و قل هو الله احد بخوان پس این آیه را بخوان و تری
الجبال تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه
خبیر بما تعملون و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اینها را بخوان با سوره انا
انزلناه فی لیلة القدر و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که برای دفع درد
دندان دست بر موضع سجود بمالد و بر موضعی که درد میکند بمالد و بگوید بسم الله و الشافی الله و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در روایت دیگر منقولست که برای دفع درد دندان سوره
حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد بخواند پس بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم قلنا یا نار کونی بردا و
سلاما علی ابراهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین نودی ان بورک
من فی النار و من حولها و سبحان الله رب العالمین اللهم یا کافی من کل شیء و لا
یکفی منک شیء اکف عبدک و ابن امتک من شر ما یخاف و یحذر و من شر الوجع

الَّذِی یَشْکُوْ اِلَیْکَ و در روایت دیگر منقول است که جبرئیل علیه السلام تعویذ را برای حضرت امام
حسین علیه السلام آورد بجهت درد دندان که دست را بر آن دندان که کرم خورده است بگذار و
هفت مرتبه بخواند اَلْعَجَبُ کُلَّ الْعَجَبِ لِدَابَّةٍ تَکُوْنُ فِی الْفَمِ تَاْکُلُ الْعَظْمَ وَ تَتْرُکُ اللَّحْمَ
اَنَا الرَّاقِیْ وَ اللّٰهُ الشَّافِیْ الْکَافِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ اِذْ قَتَلْتُمْ
نَفْسًا فَادّٰرَءْتُمْ فِیْهَا وَ اللّٰهُ مُخْرِجٌ مَا کُنْتُمْ تَکْتُمُوْنَ فَقُلْنَا اضْرِبُوْهُ بِبَعْضِهَا کَذٰلِکَ
یُحْیِی اللّٰهُ الْمَوْتٰی وَ یُرِیْکُمْ اٰیَاتِهٖ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُوْنَ و در روایت دیگر میخی بگیرد و سوره حمد و قل اعوذ
برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را سه مرتبه بخواند پس بگوید مَنْ یُحْیِی الْعِظَامَ وَ هِیَ
رَمِیْمٌ یَا ضِرْسُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ و نام صاحب درد و پدرش را بگوید اَکَلْتَ الْحَارَّ وَ الْبَارِدَ
فَبِالْحَارِّ تَسْکُنِیْنَ اَمْ بِالْبَارِدِ تَسْکُنِیْنَ وَ لَهٗ مَا سَکَنَ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِیْعُ
الْعَلِیْمُ وَ شَدَدْتُ دَاءَ هٰذَا الضِّرْسِ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظِیْمِ پس میخ در
دیوار بکوبد و بگوید اَللّٰهُ اَللّٰهُ اَللّٰهُ و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت امام موسی کاظم علیه السلام
شکایت کرد از گندهٔ دهان حضرت فرمود که در سجده بگو یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَبَّ
الْاَرْبَابِ یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ یَا اِلٰهَ الْاٰلِهَةِ یَا مَالِکَ الْمُلْکِ یَا مَلِکَ الْمُلُوْکِ اِشْفِنِیْ
بِشِفَائِکَ مِنْ هٰذَا الدَّاءِ وَ اصْرِفْهُ عَنِّیْ فَاِنِّیْ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ اَتَقَلَّبُ فِیْ قَبْضَتِکَ
راوی گفت که یکمرتبه این دعا را در سجود خواندم شفا یافتم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که دمیلان از گیاه بهشت است و آبش از برای درد چشم نافع است و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که مسواک کردن آب ریختن چشم را زائل میکند و چشم را جلا میدهد
و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از آزار چشم فرمود
که دارو بسازد از جدوار و کافور و همه اجزا را مساوی یکدیگر و در روایت دیگر فرمود که ضعف
چشم و خیالات دیگر را برطرف میکند و در روایت دیگر فرمود که دهنهٔ فرنگ برای دفع سفیدی
که بر روی باصره بهم رسد نافع است و در روایت معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست
که صبر سقوطری و کافور ریاحی را مساوی یکدیگر بسایند و از حریر بیرون کنند و ماهی یکمرتبه
در چشم بکشند که دردهای سر و چشم را میکشند و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقولست

که بشخصی از اصحاب خود فرمود که بلیله زرد را با هفت دانه فلفل بسای و بیز و در دیده بکش و در روایت
دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سفیدی
که در چشمش بهم رسیده بود و از درد دندان و درد مفاصل فرمود که فلفل و دار فلفل از هر یک دو درهم
و نوشادر پاکیزه صاف یکدرهم هر سه را خوب بسای و از حریره بیرون کن و در هر چشمی سه میل بکش و
ساعتی صبر کن که سفیدی روی دیده را قطع میکند و گوشت چشم را پاک میکند و درد را ساکن میکند
پس چشم را بآب سرد بشوی و بعد از آن سرمه سنگ بکش و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله بسلمان و ابوذر فرمود که تا درد چشم دارید بر پهلوی چپ مخوابید
و خرما مخورید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که ماهی خوردن برای درد چشم زیان دارد و
دست بر چشم مالیدن بعد از دست شستن بعد از طعام از درد چشم امان میدهد و در پنجشنبه و جمعه
شارب و ناخن گرفتن از درد چشم امان میدهد و در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت
کرد از درد گوش و گفت که چرک و خون از گوشم بسیار می آید فرمودند که پنیر بسیار کهنه را
قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر زنان ممزوج کن و بر روی آتش نرم گرم کن و چند قطره در گوشی که درد
میکند بریز و در روایت دیگر از برای درد گوش منقول است که یک کف کنجد پوست نکنده و یک
کف خردل هر یک را علیحده بکوبند و با یک دیگر مخلوط کرده روغن بگیرند و روغن را در شیشه
بکنند و سرش را با انگشتر آهن مهر کنند و هر وقت که خواهند دو قطره از آن در گوش
بچکانند و پنبه در گوش بگذارند و سه روز چنین کنند تا شفا یابد و در روایت دیگر وارد شده
است که سداب را با روغن زیت بپزند و چند قطره در گوش بچکانند و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که سداب برای درد گوش نافع است و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که برای درد گلو چیزی نافع تر از خوردن شیر نیست و بسند معتبر از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حضرت عیسی علیه السلام بشهری گذشتند
دیدند که مردم آن شهر روهای ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است و از بسیاری مرض بآن
حضرت شکایت کردند فرمود که مگر شما گوشت را ناشسته می پزید و هیچ حیوانی از دنیا بدر نمی
رود مگر آنکه جنابتی با او هست بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیماری ایشان برطرف شد و حضرت

عیسی بشهری دیگر گذشتند دیدند که دندانهای ریخته بود و روهای ایشان باد کرده بود فرمود
که در وقت خواب دهانرا باز کشید و بر هم مگذارید چنان کردند آن علت از ایشان زائل شد
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که برای درد دندان سعد را بر آن بگذارند و
فرمود که سرکه که از شراب بعمل آورده باشند بن دندان را محکم میکند و در حدیث معتبر منقولست
که حمزه بن طیار بخدمت آنحضرت آمد آه می کشید حضرت پرسیدند که چه شد گفت که دندانم
درد میکند فرمود که حجامت بکن ساکن شد بعد از آن حضرت فرمود که هیچ دوائی بحجامت و خوردن
عسل نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که برای درد دندان حنظل را بگیرد و پوستش را بکند پس
روغنش را بگیرد و اگر دندانش را کرم خالی کرده باشد در میان آن دندان چند قطره از آن روغن بچکاند و پنبه را
با آن روغن آلوده کرده در میان آن دندان بگذارد و بر پشت بخوابد تا سه شب چنین کند و اگر بن
دندان درد کند در آن گوشتی که در جانب آن دندان واقع است در چند شب هر شب دو قطره یا سه
قطره بچکاند و باز فرمود که هر کس که درد دهان داشته باشد یا خون از بن دندان آید یا درد کند
یا دهانش جوشیده باشد و رنگش بسرخی مبدل گشته باشد یک حنظل تازه که رسیده باشد و زرد
شده باشد بگیرد و تمامش را بگل بگیرد و سرش را سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ داخل کند و مغزش را
بتراشد بهمواری که سوراخ نشود پس سرکه بسیار تندی که از شراب بعمل آورده باشند در آن سوراخ
بریزد و بر روی آتش بگذارد که بسیار بجوشد پس بر آورد و هر وقت که احتیاج شود بقدر ناخنی
بگیرد و بر دندانها و دهان بمالد و بعد از آن بسرکه مضمضه کند و اگر خواهد آنچه در میان حنظل است
در شیشه یا ظرف دیگر خالی کند و هر چند آنش بر طرف شود سرکه بر رویش بریزد و هر چند کهنه تر شود
نفعش بیشتر است و در حدیث معتبر منقولست از ابراهیم بن نظام که گفت زوان مرا در راه گرفتند
و پالوده گرم در دهانم کردند بعد از آن دهانم را پر از برف کردند پس دندانهایم تمام ریخت پس حضرت
امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم که فرمود که سعد در دهان بکن تا دندانهایت بروید بعد از
چند گاه شنیدم که حضرت امام رضا علیه السلام بمحل ما وارد شده است و بخراسان میرود بخدمت
آنحضرت رفتم و حال خود را عرض کردم همان فرمود که در خواب فرموده بود چنان کردم دندانهایم روئید

فصل هشتم در معالجه خنازیر و جروح و قروح و ثالول و بثور و خوره و پیسی و بهق و امثال آنها

از علی بن نعمان منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام را عرض کردم که ثالول بسیاری در
بدنم بهم رسیده است و باین سبب غمگینم حضرت فرمود که از برای هر ثالولی هفت جو بگیر و بر هر
جوی هفت نوبت بخوان اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا و هفت نوبت
بخوان وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى
فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا پس هر جوی را یک نوبت بر ثالولی بمال و مجموع جوها را در پارچه نو به بند و سنگی
بران به بند و در چاهی بیندازد و بهتر آنست که این کار را در تحت الشعاع بکنی راوی گفت
چنین کردم بعد از یک هفته همه برطرف شده بود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دست
بر ثالول بمال و سه نوبت این دعا بخوان بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمُحَمَّدٌ
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللّٰهُمَّ امْحُ
عَنِّي مَا أَجِدُ و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود که دختری در
خانه ما خنازیر در گردنش بهم رسید شخصی در خواب بمن گفت که بگو که این دعا را مکرر بخواند یَا رَؤُوفُ
یَا رَحِیمُ یَا رَبِّ یَا سَیِّدِی و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام
عرض کرد که گنده مادّه در بدن من ظاهر شده است فرمود که سه روز روزه بدار و در روز چهارم
در وقت زوال غسل بکن و بصحرا یا بام بلندی برو و چهار رکعت نماز بگذار در هر سوره که خواهی و تا توانی
سعی کن در گریه و تضرع و حضور قلب و چون از نماز فارغ شوی جامهای خود را بینداز
و جامه کهنه پاکیزه بطریق لنگ بر خود به بند و بر خاک بسجده برو و پهلوی راست روی خود را
بر خاک بگذار و بزاری و خشوع بگو یَا وَاحِدُ یَا أَحَدُ یَا کَرِیمُ یَا جَبَّارُ یَا حَنَّانُ یَا قَرِیبُ یَا
مُجِیبُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْشِفْ مَا بِي مِنْ مَرَضٍ وَأَلْبِسْنِي
الْعَافِيَةَ الْكَافِيَةَ الشَّافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِتَمَامِ النِّعْمَةِ وَأَذْهِبْ مَا بِي
فَقَدْ آذَانِي وَغَمَّنِي و فرمود که وقتی نفع میکند که خاطرت مطمئن باشد و صاحب یقین باشی
که تاثیر میکند آن شخص چنین کرد و بزودی عافیت یافت و در حدیث دیگر فرمود که هر ورمی که
در بدنت بهم رسد و ترسی که بحال بدی منتهی شود در وقتیکه وضو میسازی برای نماز واجب پس از نماز
برای آن ورم بخوان این آیات را لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ تا آخر سوره که اگر

چنین کنی آن ورم بزودی برطرف شود و در کتاب مکارم الاخلاق این شکل را برای دفع آبله و کم بیرون آوردن نقل کرده است و بهتر آنست که بترتیب عدد بنویسد

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١۴	١٥	۴

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برای تبورو و ملهاهای ریزه که در بدن بیرون می آید و در اول که اثرش ظاهر شود انگشت شهادت بر دورش بگرداند و هفت مرتبه بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ و در مرتبۀ هفتم انگشت را بر روی آن بقوت بگذارد و در روایت دیگر فرمود که این دملها و خبورها اکثرش از خون فاسدی است که در وقت طغیان آن از بدن بیرون نمی کنند پس هر که در دانها حادث شود چون برخت خواب رود بگوید اَعُوْذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْعَظِیْمِ وَ بِکَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ الَّتِیْ لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِیْ شَرٍّ تا از آنها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت دیگر منقول است که برای گرمی و دمل و تو باین آیات را بخواند و بنویسد و با خود نگاهدارد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ مَثَلُ کَلِمَةٍ خَبِیْثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبِیْثَةِ نِ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْاَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ مِنْهَا خَلَقْنَاکُمْ وَ فِیْهَا نُعِیْدُکُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُکُمْ تَارَةً اُخْرٰی اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَ اَنْتَ لَا تَکْبُرُ اَللّٰهُ یَبْقٰی وَ اَنْتَ لَا تَبْقٰی وَ اللّٰهُ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ و در حدیث صحیح منقول است که یونس بن عمار شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام از پیسی که در روی او بهم رسیده بود حضرت فرمود که چون ثلث آخر شب شود وضو بساز و بنماز شب برخیز و در سجدۀ آخر در رکعت اول نماز شب ایندعا بخوان یَا عَلِیُّ یَا عَظِیْمُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ یَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ یَا مُعْطِیَ الْخَیْرَاتِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَعْطِنِیْ مِنْ خَیْرِ الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنِّیْ مِنْ شَرِّ الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اَذْهِبْ عَنِّیْ هٰذَا الْوَجَعَ و نام آن آزار را ببرد فَاِنَّهُ قَدْ غَاظَنِیْ وَ حَزَنَنِیْ و مبالغه در تضرع و دعا بکن راوی گفت چنان کردم هنوز بکوفه نرسیده بودم که آن پیسی از من برطرف شد و در روایت دیگر منقول است که اسحٰق بن اسمٰعیل و غیر او از همین علت بآنحضرت شکایت کردند فرمود که وضو بسازید و دو رکعت نماز بکنید و حمد و ثنای الٰهی بجا آورید و صلوات بر محمد و اهل بیت او بفرستید و بگوئید یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ یَا رَحِیْمُ یَا رَحِیْمُ یَا وَاحِدُ یَا وَاحِدُ یَا وَاحِدُ

یا اَحَدُ یا اَحَدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا صَمَدُ یا صَمَدُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
یا اَقْدَرَ الْقادِرینَ یا اَقْدَرَ الْقادِرینَ یا اَقْدَرَ الْقادِرینَ یا رَبَّ الْعالَمینَ یا رَبَّ الْعالَمینَ
یا رَبَّ الْعالَمینَ یا سامِعَ الدَّعَواتِ یا مُنْزِلَ الْبَرَکاتِ یا مُعْطِیَ الْخَیْراتِ صَلِّ
عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَعْطِنی خَیْرَ الدُّنْیا وَ خَیْرَ الْآخِرَةِ وَ اصْرِفْ عَنّی شَرَّ الدُّنْیا
وَ الْآخِرَةِ وَ اَذْهِبْ ما بی فَقَدْ غاظَنِی الْاَمْرُ وَ اَحْزَنَنی و در روایت دیگر فرمود که
سورهٔ انعام را با عسل در ظرفی بنویس و بآب بشو و بخور تا برطرف شود و در روایت
دیگر فرمود که سورهٔ یس با عسل بنویس و بشو و بخور و در مکارم الاخلاق مذکور است
که برای بیسی و خوره این آیات را بخوانند و بنویسند و با خود نگاهدارد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ
یَمْحُو اللّٰهُ ما یَشاءُ وَ یُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ اُمُّ الْکِتابِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فاطِرِ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ
جاعِلِ الْمَلٰئِکَةِ رُسُلاً اُولی اَجْنِحَةٍ مَثْنی وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ بِاسْمِ فُلانِ بْنِ فُلانَةٍ نام
او و مادرش را بنویسد و از برای بهق بر آن موضع بنویسد وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلّا عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما
نُنَزِّلُهُ اِلّا بِقَدَرٍ مَعْلومٍ هَلْ یَسْمَعونَکُمْ اِذْ تَدْعونَ اَوْ یَنْفَعونَکُمْ اَوْ یَضُرّونَ و در
روایتی دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای صاحب جراحتی فرمود که قدری
از قیر تازه بگیر و همان قدر از پیه بز و هر دو را بر سبوی تازه بمال و بر روی آتش نرم بگذار از اول وقت
نماز ظهر تا وقت عصر پس پارهٔ کتان کهنه بگیر و آن قیر را بر آن طلا کن و بر روی جراحت بگذار
و اگر جراحت سوراخی داشته باشد کتان را فتیله کن و بقیر آلوده کن و در میان جراحت بگذار و در
حدیث معتبر منقول است که جراحتی در بدن متوکل بیرون آمد که مشرف بر هلاک شد و اطبا جرأت
نمیکردند که نشتر بزنند فتح ابن خاقان وزیر متوکل بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه
فرستاد و حال متوکل را عرض نمود حضرت فرمود که سرگین گوسفند که در زیر دست و پای
گوسفندان سرشته شود بگیرید و با گلاب مخلوط کنید و بر آن جراحت بگذارید چون این خبر رسید
اطبا خندیدند که این چه فائده میکند وزیر گفت که آنحضرت داناترین خلق است آنچه فرموده
است باید کرد پس آنچه فرموده بود بعمل آوردند درد ش ساکن شد و بخواب رفت پس آن جراحت
گشوده شد و چرک بسیار دفع شد و شفا یافت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

چغندر را با گوشت گاو پختن و خوردن پیسی را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی
شکایت کرد بآنحضرت از بهق و پیسی فرمود که بحمام رو و حنا را با نوره مخلوط کن و بران موضع
بمال که دیگر نخواهی دید اثر آنرا و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که گوشت
گاو خوره و پیسی را زائل میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچ چیزی نافع تر
نیست برای پیسی از تربت امام حسین صلوات الله علیه با آب باران بخورد و بر آن موضع بمالد
و فرمود که کندن موی بینی امان است از خوره و تربت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
خوره را زائل میکند و فرمود که از کسیکه خوره و پیسی داشته باشد بگریزید و بر نظر با ایشان مکنید
و با ایشان معاشرت منمائید که سرایت میکند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود
که در هر جمعه شارب گرفتن امان میدهد از خوره و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست
هیچکس نیست مگر آنکه رگ خوره در بدن او هست و آن رگ را میگدازد خوردن شلغم و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرده که مادهٔ طاعون در بدن من ظاهر شده است فرمود
که سیب بخور آن شخص خورد عافیت یافت فصل نهم در معالجهٔ امراض اندرونی و قولنج و بادها و
آزار معده و حرقه منقول است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد
سینه حضرت فرمود که طلب شفا کن از قرآن زیرا که حقتعالی میفرماید که فِيهِ شِفَآءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ
یعنی در قرآن شفا هست برای آنچه در سینه ها است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت برادرم از درد شکم آزار دارد فرمود
که اندکی از عسل با آب گرم بخورد در روز دیگر آمد و گفت که خورد و نفع نکرد فرمود که برو و باز
عسل بده بخورد و هفت مرتبه سورهٔ حمد نزد او بخوان چون آن شخص رفت فرمود که برادر این منافق
است باین سبب خوردن عسل او را نفع نه بخشید و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله شکایت کرد از درد شکم فرمود که آب گرم بخور و این دعا را
بخوان یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ یَا رَبَّ الْاَرْبَابِ یَا اِلٰهَ الْاٰلِهَةِ یَا مَلِکَ الْمُلُوْکِ
یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ اِشْفِنِیْ بِشِفَآئِکَ مِنْ کُلِّ دَآءٍ وَّ سُقْمٍ فَاِنِّیْ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ اَتَقَلَّبُ
فِیْ قَبْضَتِکَ و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت

گرد از درد ناف فرمود که دست بر آن موضع بگذار و سه مرتبه بگو اِنَّهُ لَکِتَابٌ عَزِیزٌ لَا یَأْتِیهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِیلٌ مِنْ حَکِیمٍ حَمِیدٍ و در چند روایت وارد شده است که برای قولنج و درد شکم سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و الفلق و قل هو الله احد را بر جامی با مشک و زعفران بنویسد و این دعا را نیز بنویسد اَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْعَظِیمِ وَبِعِزَّتِهِ الَّتِی لَا تُرَامُ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتِی لَا یَمْتَنِعُ مِنْهَا شَیْءٌ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ وَشَرِّ مَا فِیهِ وَشَرِّ مَا اَحْذَرُ مِنْهُ و به آب باران بشوید و بخورد ناشتا و در وقت خواب و در روایت دیگر منقول است که برای فالج و جمیع بادها نافع است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از درد تهیگاه فرمود که چون از نماز فارغ شوی بر موضع سجود بمال و بعد از آن بر موضع درد بمال و این آیات را بخوان اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّمَا خَلَقْنَاکُمْ عَبَثًا وَاَنَّکُمْ اِلَیْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَی اللّٰهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَرِیمِ وَمَنْ یَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَاِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ اِنَّهُ لَا یُفْلِحُ الْکَافِرُونَ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمِینَ راوی گفت چون چنین کردم بزودی برطرف شد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دست بر تهیگاه بمالد و سه مرتبه این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّی مَا اَجِدُ فِی خَاصِرَتِی و در هر مرتبه دست بر آن موضع کشد و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقول است که از برای دفع الم سپرز این آیات را بزعفران بنویسد و بآب زمزم بشوید و بخورد قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَیًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِکَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَیْنَ ذٰلِکَ سَبِیلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا و منقولست که شخصی بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد از قراقر و صداهای شکم و گفت بمرتبه آزار میکشم که با کسیکه سخن میگویم شرمنده میشوم حضرت فرمود که چون از نماز شب فارغ شوی این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ خَیْرٍ فَهُوَ مِنْکَ لَا حَمْدَ لِی فِیهِ وَمَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَّرْتَنِیهِ فَلَا عُذْرَ لِی فِیهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ اَنْ اَتَّکِلَ عَلٰی مَا لَا حَمْدَ لِی فِیهِ اَوْ آمَنَ مَا لَا عُذْرَ لِی فِیهِ

و در روایت دیگر همین دعا برای دفع زحیر وارد شده است و در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد بآن حضرت از حبس شکم فرمود که آبی بگیر و این آیات را بخوان یُرِیدُ اللّٰهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَلَا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ پس سه مرتبه بگو اَوَلَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا اَنَّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ کَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلَا یُؤْمِنُونَ پس آن آب را بخور و دست بر شکم بمال و در روایت دیگر وارد شده است که این آیات را بر روغن بخواند و بر شکم بمالد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُیُونًا فَالْتَقَی الْمَاءُ عَلٰی اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَحَمَلْنَاهُ عَلٰی ذَاتِ اَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ فَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ اَبْوَابَ کُلِّ شَیْءٍ باسم فلان بن فلان اَوَلَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا اَنَّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ کَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلَا یُؤْمِنُونَ و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام در سفری بود اسمعیل فرزند آنحضرت شکایت کرد از درد شکم و درد نشست حضرت او را طلبیدند و فرمودند که بر پشت بخوابد و این دعا را بر او خواندند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَصُنْعَ اللّٰهِ الَّذِی اَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ اِنَّهُ خَبِیرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ اُسْکُنْ یَا رِیحُ بِالَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه شکایت کرد از درد نشست فرمود که دست را بر آن موضع که درد دارد بگذار و سه مرتبه این آیه را بخوان وَمَا کَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوتَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ کِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ یُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْیَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ یُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِی الشَّاکِرِینَ و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در حدیث دیگر منقول است که مفضل بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از تنگ نفس و گفت اندک راهی که میروم نفسم تنگ میگیرد و می نشینم فرمود که بول شتر بخور تا ساکن شود و کلینی در حدیث حسن روایت کرده است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از سرفه حضرت فرمود که قدری از انجدان رومی با همانقدر از نبات سفوف کن و یک روز یا دو روز بخور آن شخص گفت که یک مرتبه خوردم برطرف شد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد از مرض سل حضرت فرمود که سنبل و قاقله و زعفران و عاقر قرحا و بزر البنج و خربق سفید و فلفل سفید اجزا را مساوی بگیر و فرفیون را دو برابر هر یک از اجزا بگیر و تمام اجزا را سائیده از حریر بیرون کن

و با عسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کن و بقدر یک نخود با آب گرم در سه شب بخورد چنان کرد و شفا
یافت و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد
از سرفه فرمود که بگیر از فلفل سفید یک جزو و از فرفیون دو جزو و خربق سفید یک جزو و سنبل یک جزو
قاقله یک جزو و زعفران یک جزو و بزر البنج یک جزو و اجزا را سائیده از حریر بیرون کن و مثل
وزن تمام اجزا عسل کف گرفته داخل کن و خمیر کرده حبها بساز و از برای سرفه کهنه و تازه در وقت
خواب با آب رازیانه نیم گرم بخورد و در حدیث دیگر منقول است که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام پرسیدند که آیا بحضرت عیسی علیه السلام میرسید دردهائیکه بفرزند آدم میرسد فرمود
که بلی در طفولیت بیماریهای مردم بزرگ باو میرسید و در بزرگی بیماریهای خردان باو میرسید
و درد تهیگاه از دردهای بزرگانست در طفولیت که گاهی او را عارض میشد بمادر خود میگفت که عسل
و سیاه دانه و روغن زیت را با یکدیگر خمیر کن و از برای من بیاور چون می آورد کراهیت داشت
از خوردن آن حضرت مریم میگفت چرا کراهیت داری خود طلب نمودی میگفت که بعلم پیغمبری
آنرا طلب کردم و از برای جزع طفولیت و بدمزگی دوا کراهیت دارم گفت پس میگرفت و تناول
میفرمود و در چند روایت وارد شده است که خوردن ریزهائی که از سفره میریزد درد تهیگاه را
برطرف میکند و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بخورید امرود که
دل را جلا میدهد و دردهای اندرون را ساکن میکند و در روایت دیگر فرمود که بخورید انجدان
رومی که درد تهیگاه را زائل میکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت
خلیل را قرحه در جگر بهم رسید دعا کرد حقتعالی باو وحی فرمود که شیر الخبز را بگیر و بر سینه خود
از بیرون بمال چنان کرد آن آزار او برطرف شد و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت
امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از شدت درد سپرز فرمود که پارهٔ نقره بده و تره بخر و آنرا با روغن عربی
بپز و سه روز بخور و بخوران بهر که آزار سپرز دارد که اگر خدا خواهد شفا میدهد و کلینی بسند معتبر روایت
کرده است که بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کردند که یکی از غلامان آنحضرت آزار سپرز دارد
فرمود که سه روز تره او را بخورانید چون سه روز خورد عافیت یافت و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که بخورید سرکه که از شراب ساخته باشند که کرمهای معده را می کشد و از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که خرما ناشتا خوردن کرم معده را میکشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که هفت دانه خرمای عجوه در وقت خواب بخورد کرمهای معده اش را میکشد و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست برای دفع اسهال که قدری از برنج بگیرند و بشویند و در سایه بخشکانند و بر روی آتش بو بدهند و نرم بکوبند و هر بامداد یک کف از آن بخورند و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که برای دفع اسهال که برنج را در دیگ کن و با آب بجوشان و چهار یا پنج پارچه سنگ در زیر آتش بگذار تا سرخ شوند و پیه تازه قلوه را بگیر و با آن سنگها در میان کاسه بینداز و کاسه دیگر بر سرش بگذار که بخارش بیرون نرود و حرکت ده تا آن پیه آب شود چون برنج پخته شود این روغن را بر رویش بریز و بخور و در روایت دیگر منقول است که شخصی از زحیر شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که گل ارمنی را بگیر و بر روی آتش ملایم بوی بده و سفوف کن و بخور و در حدیث دیگر فرمود که بزرقطونا و صمغ عربی و گل ارمنی را بوی بده و سفوف کرده بخور که زحیر را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از درد پیچش شکم فرمود که گردگان را بگیر و بر روی آتش بگذار و چون مغزش بریان شود پوستش را بکن و بخور و در حدیث دیگر مروی است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از قراقر شکم فرمود که سیاه دانه بخور با عسل و در حدیث معتبر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از ضعف معده فرمود که جزاء را با آب سرد بخور و جزا گیاهی است شبیه بکرفس آنرا میوه زا میگویند فصل دوهم در معالجه اوجاع مفاصل فالج و بواسیر و امراض مثانه و سائر امراض در حدیث معتبر منقول است که معلی بن خنیس بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد فرج فرمود که عورت خود را در موضعی گشوده که سزاوار نبوده و باین سبب این درد بران بهم رسیده است دست چپ را بر فرج خود بگذار و این دعا بخوان بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بَلٰى مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهٗ اَجْرُهٗ عِنْدَ رَبِّهٖ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْلَمْتُ وَجْهِيْ اِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِيْ اِلَيْكَ لَا مَلْجَاَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امیر المؤمنین ع شکایت کرد از درد

را نها فرمود که آب گرمی در طشت بکن و در میان آب بنشین و دست بر آن موضع که درد دارد بگذار و این آیه را بخوان اَوَلَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا اَنَّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ کَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلَا یُؤْمِنُونَ و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام حسین صلوات الله علیه شکایت کرد از درد پا فرمود که از اول سوره انا فتحنا بخوان تا وَکَانَ اللّٰهُ عَزِیزًا حَکِیمًا و در روایت معتبره وارد شده است که ابو حمزه بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از درد زانو فرمود که بعد از نماز این دعا بخوان یَا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطٰی وَیَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَیَا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفِی وَقِلَّةَ حِیلَتِی وَاعْفِنِی مِنْ وَجَعِی چنان کرد بزودی عافیت یافت و در روایت دیگر منقول است که سالم بن محمد شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام از درد ساق و بند پا و گفت که این درد مرا از همه کارها عاجز کرده است فرمود که این آیه را هفت مرتبه بر آن موضع بخوان وَاتْلُ مَا اُوحِیَ اِلَیْکَ مِنْ کِتَابِ رَبِّکَ لَا مُبَدِّلَ لِکَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام حسین علیه السلام شکایت کرد از درد بند پا فرمود که دست بر آن موضع بگذار و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالسَّلَامُ عَلٰی رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْاَرْضُ جَمِیعًا قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَالسَّمٰوَاتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرِکُونَ و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد مثانه فرمود که این آیات را در وقت خواب سه مرتبه و بعد از بیدار شدن یک مرتبه بخوان اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْکُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا لَکُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ وَلِیٍّ وَلَا نَصِیرٍ و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه نوشت که شخصی از شیعیان شما بولش بند شده است حضرت در جواب نوشتند که آیات قرآن بسیار براو بخوان تا شفا یابد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بر هر ورمی آیات آخر سوره حشر لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰی جَبَلٍ تا آخر سوره سه مرتبه بخوان و در هر مرتبه آب دهان را بر آن موضع بیندازد و در روایت دیگر منقولست که شخصی بآن حضرت شکایت کرد از درد مفاصل فرمود که این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّی

أَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَدَعْوَةِ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ عِنْدَكَ
وَبِحَقِّهِ وَبِحَقِّ ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ بِحَقِّهِمَا الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ وَصِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ سَيِّدَيْ
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَذْهَبْتَ عَنِّي شَرَّ مَا أَجِدُ بِحَقِّهِمْ وَبِحَقِّكَ يَا إِلٰهَ الْعَالَمِينَ چون
این دعا را خواند همان ساعت درد ساکن شد و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق
علیه السلام شکایت کرد از عرق النسا فرمود که هرگاه اثرش ظاهر شود دست بر آن موضع
بگذار و بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ أَعُوذُ بِسْمِ اللّٰهِ الْكَبِيرِ وَأَعُوذُ
بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ آن شخص سه مرتبه
این دعا را خواند و از آن مرض نجات یافت و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی
را لقوه در رو عارض شده بود بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد حضرت فرمود که
برو بر روضهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و دو رکعت نماز بکن و دست بر رو بگذار و بگو
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بِهٰذَا أُخْرُجْ أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ مِنْ عَيْنِ إِنْسٍ أَوْ عَيْنِ جِنٍّ أَوْ وَجَعٍ أُخْرُجْ
أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ بِالَّذِي اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَكَلَّمَ مُوسٰى تَكْلِيمًا وَخَلَقَ عِيسٰى مِنْ
رُوحِ الْقُدُسِ لَمَا هَدَأْتَ وَطَفِئْتَ كَمَا طَفِئَتْ نَارُ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ بِإِذْنِ اللّٰهِ
دو مرتبه چنین کرد عافیت یافت و در مکارم الاخلاق مذکور است که برای عرق مدنی که بفارسی
رشته میگویند نیم شتر را بدست بکنند بی کارد و بی مقراض و بتابد و هفت گره بر آن
بزند و بر هر گرهی سه مرتبه سورهٔ حمد را بخواند پس سه مرتبه بر آن رشته یا بر آن شخص
این دعا را بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الْأَبَدِ الْأَبَدِ الْمُحْصِي الْعَدَدِ الْقَرِيبِ لِمَا بَعُدَ الطَّاهِرِ عَنِ الْوَلَدِ
الْعَالِي عَنْ أَنْ يُولَدَ الْمُنْجِزِ لِمَا وَعَدَ الْعَزِيزِ بِلَا عَدَدٍ الْقَوِيِّ بِلَا مَدَدٍ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا خَالِقَ الْخَلِيقَةِ يَا عَالِمَ السِّرِّ وَالْخَفِيَّةِ يَا مَنِ السَّمٰوَاتُ بِقُدْرَتِهِ
مُرْخَاةٌ يَا مَنِ الْأَرْضُ لِعِزَّتِهِ مَدْحُوَّةٌ يَا مَنِ الْجِبَالُ بِإِرَادَتِهِ مُرْسَاةٌ يَا مَنْ مُجَابٌ بِصَاحِبِ
الْغَرَقِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَبَلِيَّةٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِكَ وَاشْفِ اَللّٰهُمَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ
بِشِفَائِكَ وَدَاوِهِ بِدَوَائِكَ وَعَافِهِ مِنْ بَلَائِكَ إِنَّكَ قَادِرٌ عَلٰى مَا تَشَاءُ وَأَنْتَ أَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله

منقول است که خواندن این دعا برای دفع بواسیر نافع است یَا جَوَادُ یَا مَاجِدُ یَا رَحِیمُ یَا قَرِیبُ یَا مُجِیبُ یَا بَارِئُ یَا رَاحِمُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَكَ وَاكْفِنِی أَمْرَ وَجَعِی و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از بواسیر فرمود که سوره یس را با عسل بنویس و بشو و بخور و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر کرا ورمی یا جراحتی بهم رسد کاردی را بگیرد و بر آن موضع بمالد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ أَرْقِیكَ مِنَ الْحَدِّ وَالْحَدِیدِ وَالْحَجَرِ وَمِنْ أَثَرِ الْعُودِ وَمِنَ الْحَجَرِ الْمَلْبُوبِ وَمِنَ الْعِرْقِ الْفَاتِرِ وَمِنَ الْوَرَمِ الْآخِرِ وَمِنَ الطَّعَامِ وَحَرِّهِ وَمِنَ الشَّرَابِ وَبَرْدِهِ امْضِی إِلَیْكَ بِإِذْنِ اللّٰهِ إِلَی أَجَلٍ مُسَمًّی فِی الْإِنْسِ وَالْأَنْعَامِ بِسْمِ اللّٰهِ فَتَحْتُ وَبِسْمِ اللّٰهِ خَتَمْتُ پس آن کارد را در زمین فرو برد و در حدیث دیگر فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را ماندگی یا درد سری عارض میشد دست میگشود و سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق میخواندند و دست را بر روی میکشیدند و در حدیث معتبر منقول است از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که برای قولنج و بادها و درد مفاصل و سستی بدن و برودت اندرون یک کف سنبله را با یک کف انجیر خشک بگیرند و آنقدر آب بر آن بریزند که پوشیده شود و در دیگ پاکیزه بپزند و صاف کنند و یک روز بخورند و یک روز نخورند تا آنکه در مجموع روزها بقدر یک قدح بزرگ خورده شود و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بادی از سر تا پای مرا گرفته است فرمود که عنبر و روغن زنبق را ناشتا بدماغ بچکان و در روایت دیگر منقول است که صحاب بن محارب بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد که شخصی را باد لقوه در رو بهم رسیده است و رو و چشمش را برگردانیده است فرمود که پنج مثقال از قرنفل بگیرد و در شیشه بکند و سرش را محکم ببندد و گل بمالد و در آفتاب بگذارد و بقدر یک روز در تابستان و دو روز در زمستان پس از شیشه بیرون آورد و نرم بکوبد و با آب باران مخلوط سازد و بر پشت بخوابد و بر آن طرف بدن که برگشته است بمالد و بر آن حال خوابیده باشد تا آن قرنفل خشک شود و چون چنین کند آن مرض از و برطرف شود و در حدیث دیگر منقول است که شخصی

بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از انکه بولش قطع نمیشود و همیشه قطرات بول از و می آید فرمود که اسفند را بگیر و شش نوبت با آب سرد و یک نوبت باب گرم بشوی و در سایه خشک کن پس با روغن گل چرب کن و سفوف کن و بخور و در روایت دیگر منقول است که برای ریگ مثانه هلیله و بلیله و آمله و فلفل و دارفلفل و دارچینی و زنجبیل و شقاقل و انیسون و خولنجان اجزا را مساوی گرفته بکوبند و بیزند و با روغن گاو تازه ممزوج کنند و دو برابر تمام اجزا را عسل صاف کرده یا شکر طبرزد داخلش کنند و در هر مرتبه بقدر فندقی بخورند و در چند روایت وارد شده است که خوردن تره برطرف میکند بواسیر را و در روایت دیگر فرموده که برنج و خرمای نارس بواسیر را زائل میکند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام این دوا را برای دفع بواسیر فرمود که هلیله سیاه و بلیله و آمله اجزا را مساوی گرفته بکوبند و از حریر بیرون کنند پس قدری از مقل ازرق گرفته در آب تره بخیسانند یک شب پس این دواها را در میان آن ریخته خمیر کنند و دست را بروغن بنفشه چرب کرده آنرا بقدر عدس حب کنند و در سایه بخشکانند و اگر در تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورد و اگر در زمستان باشد بقدر دو مثقال بخورد و در ان ایام که این را میخورد از ماهی و سرکه و سبزیها اجتناب کند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام علی نقی شکایت کرد از گندهٔ دهان فرمود که خرمای برنی بخورد دیگری شکایت کرد از یبوست مزاج فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخور و آب بر بالایش بخور چنان کرد فربه شد رطوبت بر مزاجش غالب شد باز از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخور و آب بعد از ان مخور چنان کرد مزاجش مستقیم شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برای دفع زیادتی بلغم بگیر کندر رومی و کندر و ابریشم و ریسیان و سیاه دانه اجزا مساوی یکدیگر و همه را نرم بکوب و ببیز و با عسل خمیر کن و هر شب در وقت خواب بقدر یک فندق بخور و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بگیر از هلیله زرد یک مثقال و از خردل دو مثقال و از عاقر قرحا یک مثقال و بسیار نرم بکوب و ناشتا بر دندانها بمال که بلغم را دفع میکند و دهن را خوشبو میکند و دندانها را محکم میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ناشتا بحمام رفتن بلغم را دفع میکند و بعد از طعام بحمام رفتن سودا و صفرا را دفع میکند و حضرت

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بسیار نشانه کردن بلغم را کم میکند **فصل یازدهم در بیان قلیلی** از تعویذات برای دفع سحر و سموم و گزندگان و سائر بلاها در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که برای دفع سحر این تعویذ را بر پوست آهو بنویسد و با خود نگاه دارد بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَمَا شَاءَ اللّٰهُ بِسْمِ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ قَالَ مُوْسٰى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِيْنَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ فَغُلِبُوْا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوْا صَاغِرِيْنَ و در روایت دیگر فرمود که اگر از ساحری یا ظالمی ترسی بعد از نماز شب قبل از شروع در نماز رو بجانب خانه او بکن و هفت مرتبه بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِاَخِيْكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُوْنَ اِلَيْكُمَا بِاٰيٰتِنَا اَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُوْنَ و در روایت دیگر منقولست که جبرئیل علیه السلام خبر داد حضرت رسول صلی اللہ علیه و آله وسلم را که لبید بن عاصم یهودی سحر برای آن حضرت کرده است پس حضرت رسول صلی اللہ علیه و آله وسلم حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیه و آله را طلبید فرمود که برو در فلان چاه و سحر را بیرون آور حضرت امیر المومنین علیه السلام بآن موضع رفتند و در آن چاه داخل شدند و از ته آب حقه بدر آوردند و بنزد حضرت رسول صلی اللہ علیه و آله وسلم آوردند و در آن حقه کمانی بود که یازده گره بر و زده بودند پس جبرئیل علیه السلام قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را از آسمان آورد حضرت رسول صلی اللہ علیه و آله وسلم فرمود که یا علی این دو سوره را بر این گرهها بخوان پس هر آیه که حضرت میخواندند یک گره گشوده می شد چون هر دو سوره تمام شد گرهها گشوده شد و سحر برطرف شد و احادیث معتبره وارد شده است که چشم بد را تاثیر می باشد و فرمودند که بسیار باشد که چشم آدمی را بقبر و شتر را بدیگ داخل کند پس کسیکه خوشش آید او را چیزی از کسی اللہ اکبر بگوید و در روایت دیگر نام خدا ببرد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ترسد که چشم او در کسی یا چشم کسی در او تاثیر کند سه مرتبه بگوید مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ و فرمود که هرگاه کسی با هیأت نیکو خواهد که از خانه بیرون رود دو سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بخواند و بیرون رود تا چشم بد در او تاثیر نکند و در روایت دیگر فرمود که هر که را اخر

چشم باو رسیده باشد دستها را برابر رو بلند کند و سورهٔ حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخواند و دست بر پیش سر بکشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که از شیاطین و جادوگران بترسد آیهٔ سخره را بخواند اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِاَمْرِهٖ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از بسیاری خیالات فاسده و وساوس شیطانی که برو دست یافته فرمود که دست بر دل بگذار و سه مرتبه بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِالْاِيمَانِ وَاَوْدَعْتَنِي الْقُرْاٰنَ وَرَزَقْتَنِي صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ فَامْنُنْ عَلَيَّ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالرَّاْفَةِ وَالْغُفْرَانِ وَتَمَامِ مَا اَوْلَيْتَنِي مِنَ النِّعَمِ وَالْاِحْسَانِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَائِمُ يَا رَحْمٰنُ سُبْحَانَكَ وَلَيْسَ لِي اَحَدٌ سِوَاكَ سُبْحَانَكَ اَعُوذُ بِكَ بَعْدَ هٰذِهِ الْكَرَامَاتِ مِنَ الْهَوَانِ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تُجْلِيَ عَنْ قَلْبِي الْاَحْزَانَ پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و در روایت دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که چون تنها میشوم می‌ترسم و چون میان مردم میروم بر طرف میشود فرمود که دست بر دل بگذار و بگو بِسْمِ اللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ پس دست بر دل بمال و بگو اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِاَسْمَاءِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ عَلٰى نَفْسِي هفت مرتبه این دعا را بخوان و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد از آرزوی بسیار کردن و وسوسهای سینه فرمود که دست بر سینه بکش و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا اَحْذَرُ پس دست بر شکم بمال و سه مرتبه بخوان این دعا را آن شخص چنین کرد و آن حالت از آن زائل شد و شیخ احمد در کتاب عدة الداعی از برای گشودن کسیکه او را بسته باشند بر زنش

این دعا را نقل کرده است که بنویسد و با خود نگاه دارد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّا فَتَحْنَا
لَکَ فَتْحًا مُّبِیْنًا لِیَغْفِرَ لَکَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِکَ وَمَا تَاَخَّرَ وَیُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَیْکَ
وَیَهْدِیَکَ صِرَاطًا مُّسْتَقِیْمًا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ وَرَاَیْتَ
النَّاسَ یَدْخُلُوْنَ فِیْ دِیْنِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَاسْتَغْفِرْهُ اِنَّهٗ کَانَ
تَوَّابًا وَمِنْ اٰیٰتِهٖ خَلَقَ لَکُمْ مِّنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْکُنُوْا اِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُمْ
مَّوَدَّةً وَّرَحْمَةً اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لَاٰیٰتٍ لِّقَوْمٍ یَّتَفَکَّرُوْنَ اُدْخُلُوْا عَلَیْهِمُ الْبَابَ فَاِذَا
دَخَلْتُمُوْهُ فَاِنَّکُمْ غٰلِبُوْنَ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَآءِ بِمَآءٍ مُّنْهَمِرٍ وَّفَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُیُوْنًا فَالْتَقَی
الْمَآءُ عَلٰی اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ رَبِّ اشْرَحْ لِیْ صَدْرِیْ وَیَسِّرْ لِیْ اَمْرِیْ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ
لِّسَانِیْ یَفْقَهُوْا قَوْلِیْ وَتَرَکْنَا بَعْضَهُمْ یَوْمَئِذٍ یَّمُوْجُ فِیْ بَعْضٍ وَّنُفِخَ فِی الصُّوْرِ فَجَمَعْنٰهُمْ
جَمْعًا کَذٰلِکَ حَلَّتْ فُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ عَلٰی فُلَانَةَ بِنْتِ فُلَانَةَ لَقَدْ جَآءَکُمْ رَسُوْلٌ
مِّنْ اَنْفُسِکُمْ عَزِیْزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِیْصٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنِیْنَ رَءُوْفٌ رَّحِیْمٌ
فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیه و آله منقول است که چون زن یهودیه
گوسفند زهرآلوده نزد رسول خدا صلی اللہ علیه و آله وسلم آورد و گوسفند بزبان بسخن آمد بامر الهی
و گفت یا رسول اللہ مخور از من که مرا زهرآلوده اند جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت پروردگار
سلامت میرساند و میگوید که این دعا بخوان و بخور که زهر بتو آسیب نمیرساند پس حضرت امر فرمود
اصحاب خود را که همگی این دعا خواندند و از آن گوسفند خود و ایشان تناول کردند پس فرمود ایشان را
که حجامت بکنند دعا این است بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ یُسَمِّیْهِ بِهٖ کُلُّ مُؤْمِنٍ وَبِهٖ عَزَّ کُلُّ مُؤْمِنٍ
وَبِنُوْرِهِ الَّذِیْ اَضَآءَتْ بِهِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتِیْ خَضَعَ لَهَا کُلُّ
جَبَّارٍ عَنِیْدٍ وَانْتَکَسَ کُلُّ شَیْطَانٍ مَّرِیْدٍ مِنْ شَرِّ السَّمِّ وَالسِّحْرِ وَاللَّمَمِ بِسْمِ اللّٰهِ
الْعَلِیِّ الْمَلِکِ الْفَرْدِ الَّذِیْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَّرَحْمَةٌ
لِّلْمُؤْمِنِیْنَ وَلَا یَزِیْدُ الظّٰلِمِیْنَ اِلَّا خَسَارًا و در حدیث دیگر از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ
علیه و آله منقول است که کسیکه از شیر و حیوانات درنده بر خود و از گوسفندان خود بترسد برد و بر خود

و آنها خطی بکشد و بگوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ دَانِیَالَ وَالْجُبِّ وَرَبَّ کُلِّ اَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ اِحْفَظْنِیْ وَاحْفَظْ عَلَیَّ غَنَمِیْ و فرمود که هرکه از عقرب ترسد این آیات را بخواند سَلَامٌ عَلٰی نُوْحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ اِنَّا کَذٰلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام بشخصی گفت که چون شیر را ببینی در روی او آیة الکرسی بخوان و بگو عَزَمْتُ عَلَیْکَ بِعَزِیْمَةِ اللّٰهِ وَعَزِیْمَةِ مُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَعَزِیْمَةِ سُلَیْمَانَ بْنِ دَاؤُدَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَعَزِیْمَةِ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهٖ اِلَّا تَنَحَّیْتَ عَنْ طَرِیْقِنَا وَلَمْ تُؤْذِنَا فَاِنَّا لَا نُؤْذِیْکَ راوی گفت که بشیر برخوردم و این دعا خواندم شیر بزیر انداخت و دم را در میان پاهای خود کشید و برگشت و در حدیث معتبر منقول است که شخصی بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد که من جانوران درنده را شکار میکنم و شب و روز در خرابهای و جاهای هولناک بسر میبرم فرمود که چون داخل خرابه شوی پای راست را پیش بگذار و بسم الله بگو و چون بیرون آئی پای چپ را پیش بگذار و بسم الله بگو که آسیبی بتو نمیرسد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون شیر را ببینی در برابرش سه مرتبه الله اکبر بگو و بگو اَللّٰهُ اَعَزُّ وَاَکْبَرُ وَاَجَلُّ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ و چون سگ بر روی تو فریاد کند و حمله کند این آیه را بخوان یَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنِ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوْا مِنْ اَقْطَارِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ فَانْفُذُوْا لَا تَنْفُذُوْنَ اِلَّا بِسُلْطَانٍ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که برای دفع ضرر جانوران زمین این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ عَلٰی مَا یَشَاءُ مِنْ شَرِّ کُلِّ هَامَّةٍ تَدِبُّ بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ اِنَّ رَبِّیْ عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه از عقرب ترسی نظر کن در شب بستاره سها که نزدیک ستاره دوم بنات النعش است و سه مرتبه بگو اَللّٰهُمَّ رَبَّ اَسْلَمَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنَا مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِیْ شَرٍّ راوی گفت که تا حال یکشب نخواندم و در آن شب مرا عقرب گزید و در حدیث دیگر فرمود که هرکه از مار و عقرب ترسد در اول شب این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ

اَخَذَتِ الْعَقَارِبُ وَالْحَيَّاتُ كُلُّهَا بِاِذْنِ اللّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى بِاَفْوَاهِهَا وَاَذْنَابِهَا وَاَسْمَاعِهَا
وَاَبْصَارِهَا وَقُوَاهَا عَنِّىْ وَعَمَّنْ اَحْبَبْتُ اِلٰى ضَحْوَةِ النَّهَارِ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ و در روایت دیگر
فرمود که ایندعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ اَمْرِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِىْ فِىْ كَنَفِكَ وَفِىْ جِوَارِكَ وَاجْعَلْنِىْ فِىْ حِفْظِكَ وَاجْعَلْنِىْ فِىْ
اَمْنِكَ و در روایت معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که اصحاب حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم در بعضی از جنگها با آنحضرت شکایت کردند از بسیاری کیک فرمود که در وقت
خواب ایندعا بخوانید اَيُّهَا الْاَسْوَدُ الْوَثَّابُ الَّذِىْ لَا يُبَالِىْ غَلَقًا وَلَا بَابًا عَزَمْتُ عَلَيْكَ
بِاُمِّ الْكِتَابِ اَنْ لَا تُؤْذِيَنِىْ وَلَا اَصْحَابِىْ اِلٰى اَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَيَجِيْئَ الصُّبْحُ بِمَا جَاءَ بِهِ
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بهر که غضب مستولی شود اگر ایستاده باشد
بنشیند تا ساکن شود غضب او و اگر بر خویش خود غضبناک شده باشد بدن خود را ببدن او
برساند تا ساکن شود و در حدیث دیگر فرمود که در هنگام غضب این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ
عَنِّىْ غَيْظَ قَلْبِىْ وَاغْفِرْ لِىْ ذَنْبِىْ وَاَجِرْنِىْ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ اَسْئَلُكَ رِضَاكَ وَاَعُوْذُ
بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاَسْئَلُكَ جَنَّتَكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَاَسْئَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ
وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِىْ عَلَى الْهُدٰى وَالصَّوَابِ وَاجْعَلْنِىْ رَاضِيًا مَرْضِيًّا غَيْرَ
ضَالٍّ وَلَا مُضِلٍّ و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون چیزی را شیطان از
خاطر تو محو کرده باشد و خواهی بیاد آوری دست بر پیشانی بگذار و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ
يَا مُذَكِّرَ الْخَيْرِ وَفَاعِلَهُ وَالْاٰمِرَ بِهِ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتُذَكِّرَنِىْ مَا
اَنْسَانِيْهِ الشَّيْطَانُ و در احادیث معتبره وارد شده است که از برای اداء قرض این
دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اَغْنِنِىْ بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ و شخصی بخدمت
حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت که قرض بسیار دارم حضرت نوشتند که استغفار بسیار
بکن و زبانت را تر بدار بخواندن سوره انّا انزلناه و در روایت دیگر فرمود که برای دفع
پریشانی هر روز صد مرتبه انّا انزلناه بخوان و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست
که برای دفع فقر و پریشانی بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيْمِ وَبِحَمْدِهِ

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهٖ و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ ہر کہ فقیر و بسیار زود آورد بسیار بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ بدرستیکہ این کلمہ گنجیست از گنجہای بہشت و در ان شفا از ہفتاد و دو درد است کہ کمتر آنہا اندوہ است و در حدیث بسیار معتبر وارد شدہ است کہ ہر کہ ہر روز صد مرتبہ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ بگوید ہفتاد نوع از بلاہا ازو دور گردد کہ سہل تر آنہا غم و اندوہ باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است کہ ہر کہ ہزار مرتبہ مَاشَاءَ اللّٰهُ در یک دفعہ بگوید در آن سال او را حج نصیب شود و اگر در آن سال نشود زندہ بماند تا توفیق حج بیابد و در احادیث بسیار وارد شدہ است لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ دفع اندوہ میکند و در احادیث معتبرہ از حضرت علی بن الحسین صلوات اللہ علیہما منقول است کہ ہرگاہ من این دعا را میخوانم پروا ندارم اگر جن و انس جمع شوند برای ضرر رسانیدن بمن بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَى اللّٰهِ وَفِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِلَیْكَ اَسْلَمْتُ نَفْسِیْ وَاِلَیْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِیْ وَاِلَیْكَ فَوَّضْتُ اَمْرِیْ فَاحْفَظْنِیْ بِحِفْظِ الْاِیْمَانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَمِنْ خَلْفِیْ وَعَنْ یَمِیْنِیْ وَعَنْ شِمَالِیْ وَمِنْ فَوْقِیْ وَمِنْ تَحْتِیْ وَادْفَعْ عَنِّیْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ و در روایت دیگر منقول است کہ حضرت صادق علیہ السلام روزی نزد منصور دوانقی رفتند و او در نہایت شدت و غضب بود حضرت در وقت داخل شدن این دعا خواندند غضب او ساکن شد یَا عُدَّتِیْ عِنْدَ شِدَّتِیْ وَیَا غَوْثِیْ عِنْدَ كُرْبَتِیْ اُحْرُسْنِیْ بِعَیْنِكَ الَّتِیْ لَا تَنَامُ وَاكْفِنِیْ بِرُكْنِكَ الَّذِیْ لَا یُرَامُ و از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ برای برگشتن غلام گریختہ بر کاغذی آیۃ الکرسی را مدور بنویسد و در میان آن بنویسد اَللّٰهُمَّ السَّمَاءُ لَكَ وَالْاَرْضُ لَكَ وَمَا بَیْنَهُمَا لَكَ فَاجْعَلْ مَا بَیْنَهُمَا اَضْیَقَ عَلٰى فُلَانٍ و نام غلام را بنویسد مِنْ جِلْدِ جَمَلٍ حَتّٰى تَرُدَّهٗ عَلَیَّ وَتُظْفِرَنِیْ بِهٖ و این دعا را نیز بخواند و این کاغذ را در آن موضعی کہ شبہا در آنجا آن گریختہ میخوابیدہ است دفن کند و چیزی سنگین بر بالایش بگذارد و در حدیث دیگر فرمود کہ کسے را مالی یا حیوانی گم شود این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَلْاِلٰهُ مَنْ فِی السَّمَاءِ وَاِلٰهُ مَنْ فِی الْاَرْضِ وَعَدْلٌ فِیْهِمَا وَاَنْتَ الْهَادِیْ مِنَ الضَّلَالَةِ

تَرُدُّ الضَّالَّةَ رُدَّ عَلَیَّ ضَالَّتِی فَاِنَّهَا مِنْ رِزْقِكَ وَعَطِیَّتِكَ اَللّٰهُمَّ لَا تَفْتِنِّی بِهَا مُؤْمِناً وَلَا تُغْنِ بِهَا كَافِراً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلٰی اَهْلِبَیْتِهٖ و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که برای گم شده بگوید وَعِنْدَهٗ مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لَا یَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَیَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا یَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِی ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا یَابِسٍ اِلَّا فِی كِتَابٍ مُبِینٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَهْدِی مِنَ الضَّلَالَةِ وَتُنْجِی مِنَ الْعَمٰی وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَاغْفِرْ لِی وَرُدَّ ضَالَّتِی وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که برای رد گم شده دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ یٰس بخواند و بعد از نماز دست بسوی آسمان بردارد و بگوید اَللّٰهُمَّ رَادَّ الضَّالَّةِ وَالْهَادِیَ مِنَ الضَّلَالَةِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ عَلَیَّ ضَالَّتِی وَارْدُدْهَا اِلَیَّ سَالِمَةً یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ فَاِنَّهَا مِنْ فَضْلِكَ وَعَطَائِكَ یَا عِبَادَ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِ وَیَا سَیَّارَةَ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِ رُدُّوا عَلَیَّ ضَالَّتِی فَاِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَعَطَائِهٖ و در روایتی منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که تعویذی با خود میداریم در جنب می شویم چونست فرمود که باکی نیست اما چون زن حائض شود باید که تعویذی که با خود نگاهدارد در میان پوست باشد و فرمود که هرچه از دعا و قرآن و تعویذ که خواهید برای کودکها و دردها بخوانید اما افسونها که معنیش معلوم نباشد مخوانید و فرمود که بسیاری از تعویذها و افسونها کفر است

فصل دوازدهم در فوائد تربت شریف حضرت امام حسین علیه السلام و خواص بعضی از ادویه مفرده در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که در خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلام شفای هر دردی هست و آنست دوای بزرگ و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر کرا علتی حادث شود و بتربت آنحضرت مداوا کند البته شفا یابد مگر آنکه علت مرگ باشد و در حدیث دیگر فرمود که تربت آنحضرت شفا می بخشد از هر دردی و امان میدهد از هر ترسی و در حدیث دیگر فرمود که کام فرزندان خود را بتربت آنحضرت بردارید که امان میدهد از بلاها و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام

هیچ متاعی بجائی نمی فرستادند مگر آنکه قدری از تربت آنحضرت در میانش میگذاشتند
که ببرکت آن محفوظ بماند و در حدیث معتبر منقولست که ابن ابی یعفور از حضرت صادق
علیه السلام سوال کرد که بعضی از مردم از تربت امام حسین صلوات الله علیه میگیرند و منتفع
میشوند و بعضی نفع نمی یابند فرمود که والله هر کس که اعتقاد نفع داشته باشد البته نفع می یابد
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که زنی رشته ابریشمی داده است که بجامه کعبه
معظمه بدهم که جامه کعبه را بآن بدوزند حضرت فرمود نه که آنرا بده و عسل و زعفران بخر و خاک
قبر حضرت امام حسین علیه السلام بگیر و بآب باران نرم کن و در میان عسل و زعفران بریز و بشیعیان ما
بده که بیماران خود را بآن دوا کنند و در روایت دیگر فرمود که خاک قبر امام حسین صلوات
الله علیه شفای همه دردهاست هر چند ثلث فرسخ دورتر از قبر بردارند و در روایت
دیگر فرمود که تا هفتاد ذراع از قبر تربت شفا را میتوان برداشت و در روایت معتبر دیگر فرمود
که تربت شفا را تا یک فرسخ و ثلث فرسخ از اطراف قبر میتوان برداشت و فرمود که هیچ چیز
مثل آن نیست در شفا بخشیدن مگر دعا و چیزی که برکت آنرا کم میکند در جاهای نامناسب
گذاشتن است و کم اعتقادی آن کسی است که میخورد اما کسیکه یقین داند که آن شفاست هر وقت
که بآن معالجه کند البته او بدوای دیگر محتاج نمیشود و فاسد و کم میکنند نفع تربت را شیاطین
و جنیان کافر که خود را بآن میمالند و بهر یک که میگذرد آنرا میبویند و شیاطین و کافران
جن رشک می برند بر فرزندان آدم پس خود را بر آن میمالند که خوشبوی و نفعش را کم کنند و هر
تربتی که از حایر بیرون می آورند آنقدر که نتوان شمرد از شیاطین که از بیم ملائکه داخل حایر نمیشوند
در بیرون مهیا می باشند که تا از حایر بیرون می آورند خود را بآن بمالند و اگر تربت از این سالم
بماند هر بیماری که بخورد البته در ساعت شفا یابد لیکن چون تربت را برداری نیکو بپوشان و پنهان کن و نام خدا
بر آن بسیار بخوان و من شنیده ام که بعضی تربت را بر میدارند و آنرا سبک می شمارند حتی آنکه
در میان توبره چهارپایان یا در میان ظرف طعام می اندازند از چنین کسی چون شفا یابد بدیگری که
کسی که صاحب یقین نیست باستخفاف بر اموری که موجب صلاح او است اعمال خود را ضایع
میگرداند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که مرا درد و مرض بسیار میباشد

و بهره‌ای از خوردنم نفع نکرد و فرمود که چرا تربت امام حسین علیه السلام را نمیخوری که این شفای هر درد است و امان از هر بیم است و وقتیکه برمیداری تربت را بگو اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الطِّينَةِ وَبِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذي اَخَذَها وَبِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذي قَبَضَها وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذي حَلَّ فيها صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاجْعَلْ لي فيها شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَاَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ پس پرسید که شفای هر درد را دانستم چگونه امان است از هر خوفی فرمود که هرگاه ظالمی یا بلائی اندیشه داشته باشی از خانه بیرون میا مگر آنکه خاک قبر آنحضرت با تو باشد و در آن وقت که خاک را با خود برمیداری بگو اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ طينَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ اِتَّخَذْتُها حِرْزاً لِما اَخافُ وَما لا اَخافُ و از ابوحمزه ثمالی منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون خواهی تربت قبر را برداری سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و یس و آیة الکرسی بخوان و بگو اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَحَبيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَاَمينِكَ وَبِحَقِّ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ عَبْدِكَ وَاَخي رَسُولِكَ وَبِحَقِّ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَبِحَقِّ الْاَئِمَّةِ الرّاشِدينَ وَبِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ الْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِها وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذي هُوَ فيها وَبِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذي تَضَمَّنَتْ وَبِحَقِّ السِّبْطِ الَّذي ضُمِّنَتْ وَبِحَقِّ جَميعِ مَلائِكَتِكَ وَاَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ هٰذَا الطّينَ شِفاءً لي وَلِمَنْ يَسْتَشْفي بِهِ مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ وَاَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً وَرِزْقاً واسِعاً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ وَآفَةٍ وَعاهَةٍ وَجَميعِ الْاَوْجاعِ كُلِّها اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ پس بگو اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبارَكَةِ الْمَيْمُونَةِ وَالْمَلَكِ الَّذي هَبَطَ بِها وَالْوَصِيِّ الَّذي هُوَ فيها صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْني بِها اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ و در روایت دیگر فرمود که در وقتیکه تربت را بخوری اول ببوس و بر دو دیده بگذار و زیاده از یک نخود مخور که هر که زیاده بخورد چنانست که گوشت و خون ما را خورده است و در وقتیکه از قبر برمیداری بگو اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذي قَبَضَها وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذي خَزَنَها وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذي

عَلَیَّ فِیْمَا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّاَنْ تَجْعَلَهَا شِفَآءً مِّنْ کُلِّ دَآءٍ وَّاَمَانًا مِّنْ کُلِّ خَوْفٍ وَّحِفْظًا مِّنْ کُلِّ سُوْٓءٍ پس تربت را در پارچه بر بندد و سورهٔ انا انزلناه را بخواند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که تربت را بقصد شفا نخورد چنانست که گوشت ما را خورده است و چون بقصد شفا بخورد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَکَةِ الطَّاهِرَةِ وَرَبَّ النُّوْرِ الَّذِیْ اُنْزِلَ فِیْهِ وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذِیْ سَکَنَ فِیْهِ وَرَبَّ الْمَلٰٓئِکَةِ الْمُوَکَّلِیْنَ بِهٖ اِجْعَلْهُ شِفَآءً مِّنْ دَآءِ کَذَا وَکَذَا و آن آزار را ذکر کند پس تربت را بخورد و یک جرعه آب بعد از آن بخورد و بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَّاسِعًا وَّعِلْمًا نَّافِعًا وَّشِفَآءً مِّنْ کُلِّ دَآءٍ وَّسُقْمٍ چون چنین کنی دفع می شود آنچه در خود می یابی از درد و بیماری و غم و اندوه و در روایت دیگر فرمود که در وقت خوردن این دعا بخوان بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَّاسِعًا وَّعِلْمًا نَّافِعًا وَّشِفَآءً مِّنْ کُلِّ دَآءٍ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ رَبَّ التُّرْبَةِ الْمُبَارَکَةِ وَرَبَّ الْوَصِیِّ الَّذِیْ وَارَتْهُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّاجْعَلْ هٰذَا الطِّیْنَ شِفَآءً مِّنْ کُلِّ دَآءٍ وَّاَمَانًا مِّنْ کُلِّ خَوْفٍ و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که چون میت را دفن کنند در برابر رویش مهری از خاک حضرت امام حسین صلوات الله علیه بگذارند و در حدیث دیگر فرمود که مومن را باید که از پنج چیز خالی نباشد مسواک و جانماز و شانه و تسبیحی از تربت که سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیقی و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هر که تسبیح خاک آنحضرت بگرداند بهر استغفاری هفتاد استغفار برای او نوشته میشود و اگر تسبیح را در دست نگهدارد و چیزی نگوید بعدد هر دانه هفت استغفار برای او نوشته میشود و در حدیث دیگر فرمود که هر که خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلام بفروشد و بخرد چنانست که گوشت حضرت امام حسین صلوات الله علیه فروخته است و خریده است بدانکه مشهور میان علما آنست که بقدر نخود میتوان خورد و چون از بعضی احادیث بقدر عدس ظاهر میشود بهتر آنست که زیاده از عدس نخورد اما خواص ادویه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تب کند و در شب اول بوزن دو درهم یا سه درهم بزرقطونا بخورد و از مرض ایمن گردد از سرسام و ذات الجنب و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت عناب بر سایر میوه‌ها مانند فضیلت ماست بر سایر مردم و از حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که عناب تب را زائل میکند و در روایتی منقولست
که ابن ابو الخصیب گفت دیده من سفید شده بود چیزی نمیدیدم شبی حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه را در خواب دیدم فرمود که عناب را بکوب و در دیده بکش چون بیدار شدم عناب را
با هسته اش سائیدم و در دیده کشیدم دیده ام صحیح و بینا شد و در حدیث صحیح معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که مداوا کنید بسنا که اگر چیزی مرگ را
رد میکند آن سنا است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که
طبیعت را بحال می آورد انار سورانی و خرماهای نارس پخته و بنفشه و کاسنی و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که در سیاه دانه شفای هر دردی هست بغیر از مرگ و در بعضی از روایات وارد
شده است که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند که چگونه استعمال کنیم فرمود که
بیست و یکدانه اش را در کیسه بکنید و یکشب در آب بخیسانید و چون صبح شود در بینی راست
دو قطره و در بینی چپ یک قطره بچکانید و در روز دوم نیز چنین کنید و در روز سوم در بینی
راست یکقطره و در بینی چپ دو قطره بچکانید و در هر شب دانه ها را تازه کنید و در روایت دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی با نحضرت شکایت کرد که از بسیار آمدن بول
آزار می کشم فرمود که سیاه دانه در آخر شب بخور و فرمود که من آنرا میخورم برای تپ و درد سر
و آزار چشم و درد شکم و جمیع دردها و خدا مرا بآن شفا میدهد و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقول است که فرمود که بر هر یک از برگ و دانه و درخت اسفند ملکی موکل است
که با نها هست تا آنکه بوسد و ریشهٔ آن و شاختش غم و سحر را برطرف میکند و در دانه اش شفای
هفتاد و دو درد هست پس مداوا کنید باسفند و کندر و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که خانهٔ که در آن اسفند هست شیطان تا هفتاد خانه از آن خانه دوری میکند و آن
شفاست از هفتاد مرض که آسانتر آنها خوره است و در روایت دیگر منقول است که پیغمبری
بخدا شکایت کرد از جبن امت خود وحی برو نازل شد که امر کن امت خود را که اسفند بخورند
که باعث شجاعت می شود و فرمود که کندر برگزیدهٔ پیغمبران است و هیچ دودی زودتر از دود
آن بآسمان بالا نمیرود و آن دور کنندهٔ شیاطین و دفع کنندهٔ بلاهاست و از حضرت امام

حسین صلوات الله علیه منقول است که اگر مردم بدانند که چه منافع در هلیلهٔ زرد است هر آینه بوزن آن از طلا بخرند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بخورید انجیر که برای دفع قولنج نافع است و فرمود که گند دهان را برطرف و استخوان را محکم میکند و مو در بدن میرویاند و دردها را می برد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خوردن انجیر تر و خشک بواسیر را قطع میکند و نقرس و غلبهٔ برودت باطن را نفع میدهد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که برگ خرفه عقل را زیاده میکند و هیچ گیاهی از آن شریفتر و نافعتر نیست و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بادروج از ماست و تره تیزک از بنی امیه است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که کاهو خون را فرو می نشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خوراک حضرت خضر و الیاس کرفس و دمیلانست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که هر که سداب بخورد و در شب بخوابد در آن شب ایمن باشد از دردهای اندرونی و بیرونی و ذات الجنب و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت زنیان و سیاه دانه و ابشم را سفوف میکردند و بعد از لبنیات و طعامی که بیم ضرری از آن بود تناول میفرمودند و گاهی با نمک سائیده ممزوج ساخته پیش از طعام میخوردند و میفرمودند که چون بامداد این را بخوریم از خوردن هیچ چیز پروا نمیکنیم و تقویت معده میکند و بلغم را می برد و امان میبخشد از لقوه و فرمود که حقتعالی برکت قرار داده است در عسل و در آن شفا از جمیع دردها است و بر آن هفتاد پیغمبر برکت فرستاده است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سرکهٔ شراب بن دندان را محکم میکند و کرمهای شکم را می کشد و عقل را محکم میکند و فرمود که خوردن اشنان زانوها را سست میکند و آب پشت را فاسد میکند و فرمود که هر که زنیان و گردگان باهم بخورد بواسیر را می سوزاند و بادها را دفع میکند و معده را نیز میکند و گرده ها را گرم میکند و فرمود که ابشم و نمک با یکدیگر بادها را دفع میکند و سدها را میگشاید و بلغم را میسوزاند و موجب درار بول میشود و دهن را خوشبو میکند و لقوه را دفع میکند و معده را نرم میکند و قوت جماع را زیاده میکند و در چند حدیث دیگر وارد شده است که مالیدن نمک زهر عقرب را و گزندگان را دفع میکند

باب دهم در آداب معاشرت با مردم و حقوق اصناف ایشان فصل اول در بیان حقوق خویشان و غلامان و کنیزکان در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که رحم در روز قیامت

چنگ در عرش الهی میزند و میگوید پروردگارا هرکه مرا در دنیا صله کرده است تو امروز او را در رحمت
خود وصل کن و هرکه مرا قطع کرده است در دنیا تو امروز او را از رحمت خود قطع کن و در احادیث
بسیار وارد شده است که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمال است و مال را زیاده میکند
و بلاها را دفع میکند و عمر را دراز میکند و حساب قیامت را آسان میکند و در حدیث حسن از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که دو طرف صراط امانت و صلهٔ رحم است پس کسیکه
در امانت مردم خیانت نکرده است و با خویشان خود نیکی کرده است از طرف صراط باسانی
میگذرد و به بهشت میرود و کسیکه خیانت در امانت ها کرده است و قطع رحم کرده است
عمل دیگر او را نفع نمیدهد و صراط او را در آتش می افگند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که صلهٔ
رحم کردن و با همسایگان نیکو سلوک کردن خانها را آبادان میکند و عمرها را دراز میکند و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هیچ عملی ثوابش زود تر از صلهٔ رحم نمیرسد
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ما چیزی را نمیدانیم که عمر را زیاده
میکند مانند صلهٔ رحم تا آنکه گاه هست که شخصی را سه سال از عمر او مانده است و بسبب صلهٔ رحم
عمرش سی و سه سال میشود و گاه هست که کسیکه از عمرش سی و سه سال مانده است و بسبب
قطع رحم سه سال میشود و در حدیث موثق منقولست که شخصی از آنحضرت سوال کرد که خویشان
دارم که شیعه نیستند آیا ایشان را بر من حقی هست فرمود که بلی حق رحم را هیچ چیز قطع نمیکند
اگر شیعه باشند دو حق دارند حق رحم و حق اسلام و فرمود که صلهٔ رحم و نیکی با برادران مومن
حساب قیامت را آسان میکند و از گناهان نگاه میدارد پس صلهٔ رحم و نیکی با برادران ترک
مکنید اگرچه بسلام کردن و نیکو جواب سلام دادن باشد و حضرت امیرالمومنین صلوات الله
علیه و آله فرمود که هرگاه خویشان با یکدیگر بدی کنند مال ایشان بدست بدکاران می افتد و در
حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سه چیز است که هرگز هرکه مرتکب آنها
میشود پیش از مردن عقوبت آنها را می یابد ظلم و قطع رحم و قسم دروغ و بسیار است که جماعتی
بدکردار اند و بسبب صلهٔ رحم مال و فرزندان ایشان بسیار میشود و قسم دروغ و قطع رحم خانها را از اهل
خالی میکند و نسل را منقطع میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هرکه بسپاهی

خود بخانهٔ خویشان برود بدیدن ایشان یا از برای آنکه مالی ببرد که بایشان برساند حقتعالی ثواب صد شهید او را کرامت فرماید و بعدد هر گامی که بردارد چهل هزار حسنه در نامهٔ عملش نوشته می شود و چهل هزار گناه محو شود و چهل هزار درجه از برای او در بهشت بلند شود و چنان باشد که صد سال عبادت خدا باخلاص کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کس اند که داخل بهشت نمی شوند کسیکه همیشه شراب خورد یا همیشه سحر کند یا قطع رحم کند و فرمود که هر که رعایت حق خویشان خود کند حقتعالی در بهشت باو هزار هزار درجه کرامت کند که از هر درجه تا درجهٔ دیگر صد ساله راه باشد یک درجه از نقره و دیگری از مروارید و دیگری از زمرد و دیگری از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و همچنین از سائر چیزهای که خدا در بهشت خلق کرده است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که در شب معراج دیدم رحمی بعرش در آویخته از رحم دیگر شکایت میکند پیر و خود را گفتم خود پرسیدم در چند پشت نسب تو و او بهم میرسد گفت که در چهل پشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که ضامنم برای کسیکه صلهٔ رحم کند آنکه خدا او را دوست دارد و روزیش فراخ کند و عمر را زیاده کند و او را داخل بهشت کند و فرمود که بوی بهشت از هزار ساله راه شنیده میشود و آنرا نمی شنود عاق پدر و مادر و قطع کنندهٔ رحم و مرد پیر زنا کار و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که بندهٔ خود را حدی از حدود الهی بزند بی آنکه جرمی از و صادر شده باشد که بحسب شرع مستحق آن شده باشد کفاره نیست گناه او را غیر از آزاد کردن او و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه پرسیدند که بنده که فرمان صاحبش نبرد آیا حلال است زدن او فرمود که نه اگر موافق طبیعت باشد نگاهدار و گرنه بفروش یارها کن و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در تادیب اطفال و غلامان و کنیزان پنج تازیانه یا شش تازیانه بیشتر نزنند و آنرا هم برفق و هموار ی بزنند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که زراره از آنحضرت سوال کرد از زدن بنده فرمود که هر چیزی که در دست او تلف شود بی تقصیر او بر و چیزی نیست اما اگر دانسته نافرمانی تو کند میتوانی زدن او را گفت چه مقدار بزنم او را فرمود که سه یا چهار یا پنج تازیانه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست

که فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد در باب غلامان و کنیزان تا آنکه گمان کردم که برای ایشان
حدی مقرر خواهد کرد که چون با آن حد برسند آزاد شوند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که بنده که مومن باشد چون هفت سال خدمت کند آزاد می شود و بعد از آن خدمت گرفتن او
حلال نیست و علما حمل کرده اند این حدیث را بر آنکه سنت موکده است که بعد از هفت سال او را
آزاد کنند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چهار صفت است که در
هر که باشد حقتعالی او را می آمرزد و ساکن میگرداند در اعلای علیین و در اعلای غرفه های بهشت
کسیکه پناه دهد یتیمی را و متوجه احوال او گردد و از برای او بمنزله پدر مهربان باشد و کسیکه رحم کند
بر ضعیفان و اعانت ایشان نماید و کسیکه مال خود را صرف پدر و مادر نماید و با ایشان مدارا کند
و احسان نماید و ایشان را آزرده نکند و کسیکه تندی و سفاهت با بنده خود نکند و او را یاری نماید
بر خدماتیکه باو می فرماید و کاری که بر او دشوار باشد با او نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که به بندگان خود بخورانید آنچه خود میخورید و بایشان بپوشانید آنچه خود
میپوشید و در روایت دیگر منقولست که آنحضرت باصحاب خود فرمودند که میخواهید خبر دهم
شما را به بدترین مردم گفتند بلی یا رسول الله فرمود که کسیکه تنها سفر کند و عطای خود را از مردم
منع کند و غلام خود را بزند و در حدیث دیگر فرمود که سه کس اند که اگر بر ایشان ظلم نکنی ایشان بر تو
ظلم میکنند دونان و زن تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بندگان خود را بقدر عقل
ایشان مورد عتاب سازید و در حدیث دیگر منقولست که روزی غلامی از حضرت صادق علیه السلام
ناپیدا شده بود حضرت او را می طلبیدند تا آنکه دیدند که در جائی خوابیده است بر بالینش نشستند
و او را باد میزدند تا او بیدار شد پس فرمودند که ترا نیست که شب و روز همه خواب کنی شب خواب
کن و روز خدمت کن و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که سه کس اند که نماز ایشان مقبول
نیست غلامی که از آقای خود گریخته باشد تا آنکه برگردد و خود را تسلیم آقا نماید و شخصی که پیش نمازی گروهی
کند که باو راضی نباشند و زنی که شوهر از او خشمناک بخواب رود و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که اول کسیکه داخل بهشت شود شهید است و غلامی که نیکو عبادت کند
پروردگار خود را و خیرخواه آقای خود باشد و مرد عیالداری که از حرام و شبهه عفت ورزد و در احادیث

معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که بنده آزاد کند حقتعالی بهر عضوی از آن بنده عضوی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مستحب است که در شب عرفه و روز عرفه بخدا تقرب بجویند بآزاد کردن و تصدق نمودن

فصل دوم در حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که پیوسته مرا جبرئیل وصیت می نمود برعایت همسایه تا آنکه گمان کردم که برای او میراثی قرار خواهد داد و فرمود که هر که همسایه خود را آزار کند حقتعالی بوی بهشت را بر او حرام گرداند و ماوای او جهنم باشد و فرمود که هر که از همسایه اش بقدر یک شبر زمین خیانت کند خدا آن زمین را تا طبقه هفتم طوقی گرداند در گردن او تا چون او را بمقام حساب آورند آن طوق در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن زمین را پس دهد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که آزار خود را از همسایه باز دارد حقتعالی در قیامت از گناهان او در گذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که سه چیز است که بدترین بلاهاست پادشاهی یا صاحب حکمی که اگر احسان باو کنی شکر نکند و اگر بدی کنی نگذراند و همسایه که چشمش ترا میبیند و دلش مرگ ترا خواهد و اگر نیکی بیند بپوشاند و مذکور نسازد و اگر بدی بیند ظاهر کند و منتشر گرداند و زنی که اگر حاضر باشی ترا شاد نگرداند و اگر غائب باشی خاطرت بآن مطمئن نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که آزار همسایه کند برای طمع در خانه او خدا خانه او را بهمسایه برساند و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند که آیا در مال حقی بغیر از زکوة هست فرمود بلی نیکی و احسان کردن بخویشان که با تو بدی کنند و احسان کردن بهمسایگان مسلمان بدرستیکه ایمان بمن ندارد کسیکه شب سیر بخورد و همسایه مسلمانش گرسنه است و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهل خانه از هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود که از جمله حقوق مال حق ماعون است که حقتعالی وعید جهنم فرموده است برای کسیکه منع آن نماید و آن قرضی است که بهمسایه دهی یا نیکی که با ایشان کنی یا ضروریات خانه که با ایشان عاریت دهی راوی عرض کرد که همسایگان داریم که اگر چیزی با ایشان بعاریت بدهیم می شکنند و ضائع میکنند در این صورت بر ما گناهی هست اگر با ایشان ندهیم فرمود که هرگاه چنین باشند گناهی بر شما نیست

اگر با ایشان بد نمایید و در حدیث دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن نمک و آتش از همسایگان
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که ماعون را منع نماید از همسایگان
حقتعالی منع نماید از و خیر و احسان خود را در آخرت و او را بخود واگذارد و وای بر حال او و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که زنهار متوجه حقوق مشوید که بر خود لازم کنید و آنچه
از خرجها که بر قبیله واقع میشود بدهید و مضایقه مکنید و اگر از قبیله شما کسی شما را تکلیفی بکند
که ضررش بر شما زیاده از نفعی باشد که باو میرسد قبول مکنید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله به بیماری بدیدن صعصعة بن صوحان که از اصحاب بزرگ آنحضرت بود
تشریف آوردند پس فرمودند باینکه من بعیادت تو آمدم فخر مکنی بر قوم خود و اگر ایشانرا در امری بینی
خود را از آن امر بکنار مگیر که آدمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود و با ایشان محتاج است و اگر یاری
ایشان منع کرده و یاری های بسیار ایشانرا از خود گردانیده پس اگر ایشانرا در حال خوبی ببینی یاری
ایشان مکن بر آن امر و اگر در بلای باشند ایشانرا واگذار و باید که یاری کردن شما بایکدیگر در طاعت
خدا باشد بدرستیکه همیشه با رفاهیت و نعمت خواهید بود اگر یاری یکدیگر بکنید در طاعت
خدا و باز ایستید از معصیت خدا و در حدیث معتبر منقولست که اسیری چند را بنزد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم آوردند از کافران پس یکی از ایشانرا پیش آوردند که گردن بزنند در آن حال
حضرت جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد این اسیر که میخواهی گردنش را بزنی بمردم طعام میخورانید
و مهمانداری میکرد و خرجهائی که در میان قبیله واقع میشد میداد و بارهای گران اهل قبیله را بر دوش
خود میداشت پس حضرت با آن اسیر فرمودند که حقتعالی چنین وحی فرستاده است و من ترا آزاد کردم
از کشتن باین خصلتها آن اسیر گفت که پروردگار تو این خصلتها را دوست میدارد فرمود که بلی اسیر
گفت شهادت میدهم بوحدانیت خدا و پیغمبری تو بحق آنخداوندی که ترا براستی فرستاده است که هرگز
از مال خود کسی را برنگردانیدم و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که خوردن مال یتیم
بناحق از جمله گناهان کبیره است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که هر که نگاهداری کند یتیمی را و او را نفقه دهد من و او در بهشت مانند این دو انگشت باهم
باشیم و اشاره بانگشت شهادت و میان فرمودند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یتیمی را در عیال خود

داخل بکند و خرج او را بدهد تا او مستغنی شود از و خدا بهشت را برای او واجب گرداند چنانچه
برای خورنده مال یتیم جهنم را واجب گردانیده است و در روایت معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقولست که هر مرد مومن و زن مومنه که دست بر سر یتیم بکشد از روی
ترحم حقتعالی بعدد هر موئی که دستش بر آن میگردد حسنه برای او بنویسد و در روایت دیگر منقول
است که بهر موئی حقتعالی نوری باو کرامت فرماید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد دلش
نرم شود یتیمی را نزدیک خود بخواند و باو مهربانی کند و بر سر خوان خود بنشاند و از روی
شفقت دست بر سر روی او بمالد بدرستیکه یتیم را بر مردم حق عظیم است و در حدیث دیگر
فرمود که چون یتیم بگرید عرش الهی برای او بلرزد پس پروردگار عالم فرماید که کیست آنکه بگریه
آورده است این بندهٔ مرا که پدر و مادرش را گرفته ام بعزت و جلال خود سوگند میخورم که هیچ
بنده او را ساکن نگرداند مگر آنکه بهشت را برای او واجب گردانم و در احادیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی در قرآن مجید برای کسیکه مال یتیم را بناحق بخورد دو
عقاب مقرر فرموده یکی عذاب جهنم در آخرت و دیگری آنکه در دنیا بعد از و با یتیمان او بکنند آنچه او
با یتیمان دیگران کرده باشند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حقتعالی جماعتی را
در قیامت از قبرها محشور گرداند که از دهنهای ایشان آتش شعله ور باشد و آنها جماعتی باشند
که مال یتیمان را خورده باشند چنانچه حقتعالی میفرماید که بدرستیکه آنجماعتی که مال یتیمان را بظلم میخورند
نمیخورند در شکم خود مگر آتش و بزودی آتش افروزهٔ جهنم گردند بدانکه ولی یتیم که تصرف در مال او
تواند شود پدر است و جد پدری و وصی که ایشان تعیین کرده باشند و اگر اینها نباشند حاکم شرع
یعنی امام علیه السلام و کسیکه آنحضرت تعیین کرده باشد و اگر امام حاضر نباشد اکثر علما را اعتقاد
آنست که مجتهد جامع الشرائط میکند یا کسیکه او نصب کرده باشد و از احادیث معتبره ظاهر
میشود که مومنان صالح از برای خدا متکفل احوال ایشان و ضبط اموال ایشان میتوانند شد که آنچه
صرفه و غبطهٔ ایشان باشد رعایت کنند و اگر پریشان باشند و سعی در مال یتیم مانع کسب ایشان
باشد بقدر خرج ضروری خود از مال ایشان خرج میتوانند کرد و بهتر آنست که رعایت کنند

که زیاده از اجرت متعارف نه آن عمل بر ندارند و همچنین پدر و جد پدری و وصی باید که نهایت رعایت
در صرفه ایشان بکنند و اگر آنقدر مال نداشته باشند که وفا بقرض کنند از مال ایشان قرض بر ندارند
و اگر پدر و جد پدری پریشان باشند بقدر نفقه ضروری خود از مال ایشان میتوانند برداشت و اگر
مادر هم پریشان باشد نفقه او را ولی از مال یتیم میتواند داد و اگر قدر خرج طفل را حساب کنند و با نفقه
خود ضم کنند و باهم چیزی بخورند باکی نیست **فصل سوم در حقوق صداقت و اخوت** در حدیث
معتبر منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله در وقت فوت وصیت
نمود بحضرت امام حسن علیه السلام که برادری کن با برادران از برای خدا و دوست دار
صالحان از برای صلاح شان و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که برادر مومنی را
برای خدا دوستی نماید خانه در بهشت یافته باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
منقولست که کسی بعد از اسلام فائده نیافته است که بهتر باشد از برادری که از برای خدا
گرفته باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت محمد باقر علیه السلام عرض کرد
که بسیار است که اندوهگین میشوم بی سببی بحدی که اهل و یاران من اثر آنرا از روی من
مشاهده میکنند فرمود که حقتعالی مومنان را از طینت بهشت آفریده است و از نسیم رحمت
خود روح در ایشان جاری گردانیده پس باین سبب مومنان برادران پدری و مادری یکدیگرند
پس چون بروح یکی از مومنان اندوهی رسید مومنان دیگر برای اندوه او محزون میشوند و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که نظر کردن بسوی امام عادل عبادت
است و نظر کردن بسوی عالم عبادت است و نظر کردن بر روی پدر و مادر از روی شفقت
و مهربانی عبادت است و نظر کردن بروی برادری که دوست داری او را برای خدا عبادت
است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که برادران
دو نوع اند یکی برادرانی که محل اعتماد باشند در دوستی و یاری و دیگری برادران خندیدن
و صحبت داشتن اما اول پس ایشان بمنزله دست اند و بال اند و اهل اند و مال اند پس چون
برادری چنین اعتماد داشته باشی از برای او صرف کن مال و بدن خود را و با دوستانش
دوستی کن و با دشمنانش دشمنی کن و رازش را بپوشان و عیبش را مخفی دار و نیکیهایش را افشا کن

وبدانکه این قسم برادران کمتر از گوگرد سرخ که اکسیر است واما دوم پس تو لذت صحبت ایشان را
می یابی این را از ایشان قطع مکن و توقع زیاده از ایشان مدار و در احادیث معتبره وارد
شده است که اخوت و برادری و آشنائی در عالم ارواح در میان مومنان بهم رسیده
و در این نشأه چون یکدیگر را دیدند آنرا بیاد می آورند و در احادیث معتبره وارد شده است که مومن
برادر مومن است و دیدهٔ اوست و راه نمائی اوست با او خیانت نمیکند و بر او ظلم نمیکند و
او را فریب نمیدهد و با او وعده که میکند خلف نمیکند و با او دروغ نمیگوید و غیبت او نمیکند و
در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که صداقت و یاری و دوستی حدی چند دارد
که هر که همهٔ آنها در او نباشد او را بکمال صداقت نسبت مده و کسیکه هیچ یک از آنها در او نباشد
بهیچ چیز از صداقت او را نسبت مده اول آنکه آشکارا و پنهانش با تو یکی باشد دوم آنکه
زینت ترا زینت خود داند و عیب ترا عیب خود داند سوم آنکه بهم رسانیدن مالی یا حکومتی سلوک
او را با تو تغییر ندهد چهارم آنکه آنچه توانائی او بآن رسد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت نکبتها
و بلاها ترا وا نگذارد و ترک یاری تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که از برادران مومن تو سه مرتبه
با تو غضب آید و در هیچ مرتبه حرف بدی در حق تو نگوید او را بدوستی و یاری خود بگیر و
در حدیث صحیح دیگر فرمود که اعتماد بسیار بر برادر و دوست خود مکن که رازهای خود را باو بسپاری
که در وقتی که او از تو برگردد چاره نتوانی کرد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که محبت بیست ساله خویشاوندیست و علم اهلش را با یکدیگر بیشتر جمع میکند و ربط میدهد
از پدران و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون دوستی را ختم بانتهی و حکومتی بهم رساند
ده یک آنچه با تو دوستی میکرد بکند دوست بدی نیست از برای تو و از حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه وآله منقولست که دوستی با دوستان خود هموار مکن و خود را بر مده با ایشان بلکه روزی دشمن
تو شوند و دشمنی را با دشمنان خود هموار مکن شاید که روزی دوست تو شوند و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که مطلع مگردان دوستان خود را بر راز خود مگر رازی که اگر دشمن تو بداند بتو ضرری
نرسد زیرا که گاه هست که دوست یک روزی دشمن میشود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
منقولست که بهترین عیش دنیا فراخی خانه و بسیاری دوستان است و حضرت لقمان بپسر خود را گفت

که با صد کس مصاحبت بکن و با یک کس دشمنی مکن و راضی باش که غلام نیکان باشی و راضی مشو
که فرزند بدان باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پنج چیز است که در هر که
نباشد زندگی بر او گوارا نیست صحت بدن و امنیت و توانگری و قناعت و مونس موافق و در
حدیث دیگر فرمود که هر که را پند دهنده از دلش و زجر کننده از نفسش و مصاحبی که او را براه خیر
بدارد نباشد شیطان بر گردنش سوار میشود و در حدیث دیگر فرمود که قطع آشنائی از دوستان
پدر خود مکن که روشنی احوالت بتاریکی مبدل میشود و فرمود که هر که محبت خود را بغیر محلش بگذارد
خود متعرض قطع محبت خود شده است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست
که هر که خود را در محل تهمت در آورد ملامت نکند کسی را که گمان بد باو ببرد و هر که راز خود را پنهان
دارد اختیار با خودش است و هر سخنیکه از دو کس گذشت فاش میشود و چون با کسی برادری کنی
آنچه از او بینی بر محل نیک حمل کنی تا آنکه بحدی برسد که دیگر محل نیک نیابی و زنهار گمان بد مبر بسخنی
که از برادرت صادر می شود تا محل نیکی برای آن بیابی و بسیار بگیر از برادران نیک که ایشان در
وقت رفاهیت تهیه اند برای وقت بلا و در وقت بلا سپر اند برای دفع اعدا و مشوره با جماعتی
بکن که از خدا ترسند و برادران مومن را بقدر پرهیزگاری ایشان دوست دار و پرهیز از زنان بد
و از نیکان ایشان در حذر باش و از حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا منقولست که اگر خواهی که
تمام شود برای تو نعمت و کامل شود برای تو مردی و مروت و باصلاح آید برای تو امور معیشت پس
شریک مگردان غلام و مردم دون را در کارهای خود که اگر ایشان را امین گردانی خیانت میکنند
و اگر سخنی با تو گویند دروغ میگویند و اگر بلائے پیش آید ترا یاری نمیکنند و با عاقل مصاحبت بکن
هر چند کریم نباشد و از عقلش بهره ور شو و از خلق بدش احتراز کن و با کریم مصاحبت کن هر چند
عاقل نباشد که بعقل خود از کرم او منتفع میشوی و بگریز نهایت گریختن از احمقی که بخیل باشد

فصل چهارم در بیان حقوق مومنان بر یک دیگر و حسن معاشرت با خلق بسند معتبر منقولست
که معلی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که حق مسلمان بر مسلمان چیست
فرمود که هفت حق است که هر یک از آنها واجب است و اگر یکی از آنها را ترک کند از دوستی و طاعت
خدا بدر میرود پرسید که آنها چیست فرمود که می ترسم که بدانی و بعمل نیاوری و رعایت آنها نکنی

آسان ترین و اول آن حقوق آنست که آنچه از برای خود دوست میداری از برای او دوست
داری و آنچه از برای خود نمیخواهی از برای او نخواهی دوم آنکه بپرهیزی از غضب او و پیروی
خوشنودی او بکنی و آنچه فرماید اطاعت کنی سوم آنکه او را یاری کنی بجان و بمال و بزبان و بدست
و بپا چهارم آنکه دیده و رهنما و آئینه او باشی پنجم آنکه تو سیر نباشی و او گرسنه باشد
و تو سیراب نباشی و او تشنه باشد و تو پوشیده نباشی و او عریان باشد ششم آنکه اگر تو
خدمتگار داشته باشی و او نداشته باشد واجب است که خادم خود را بفرستی که جامه او را بشوید
و طعامش را بسازد و رختخوابش را بگستراند هفتم آنکه ترا اگر قسم دهد بعمل آوری و اگر ترا بخانه
دعوت کند قبول کنی و اگر بیمار شود بعیادتش بروی و اگر بمیرد بجنازه اش حاضر شوی و اگر دانی
که حاجتی دارد پیشی گیری به برآوردن آن پیش از آنکه از تو سوال کند چون چنین کنی پیوند کرده
محبت خود را به محبت او و محبت او را به محبت خود و در حدیث دیگر فرمود که هیچ عبادتی
نزد خدا بهتر از ادا کردن حق مومن نیست و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که وعده کردن مومن برادر مومن خود را نذریست که کفاره ندارد و هر که خلف وعده کند اول
ابتدا بخلف وعدهٔ خدا کرده است و متعرض غضب الهی شده است و در حدیث حسن
دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد باید که وفا کند بوعدهٔ خود و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که مومن را بر مومن هفت حق واجب است اول آنکه در حضور او را تعظیم نماید و محبتش
در سینهٔ او باشد و مال خود را به او صرف نماید و غیبت او را بر خود حرام داند و چون بیمار شود
بعیادت او برود و چون بمیرد بجنازه اش حاضر شود و بعد از مرگش بغیر از نیکی او چیزی نگوید و
بسند حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که دوست دار برادر مسلمان خود
را و بخواه از برای او آنچه از برای خود میخواهی و مخواه از برای او آنچه از برای خود نمیخواهی و چون محتاج
شوی از او سوال کن و هرگاه از تو سوال کند با او عطا کن و نیکی را از او ذخیره مکن تا او هم از تو
ذخیره نکند و یاور او باش تا او نیز یاور تو باشد و اگر غائب شود حرمت او را غائبانه نگاهدار و چون
بیاید بدیدنش برو و او را گرامی دار بدرستیکه او از تست و تو از وئی و اگر با تو در مقام عتاب باشد از او جدا مشو

تا کینه را از سینه او بدر کنی و اگر نعمتی باو برسد خدا را شکر کن و اگر بلائی او را به پیش آید یاور او باش
و با او مهربانی زیاده کن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که مسلمان را
بر برادر مسلمان شش حق هست هرگاه باو برسد بر او سلام کند و هرگاه بیمار شود بعیادتش برود
و هرگاه که عطسه کند او را دعا کند و چون بمیرد بجنازه او حاضر شود و هرگاه او را بضیافت بطلبد قبول
کند و از برای او دوست دارد آنچه از برای خود دوست میدارد و از برای او دشمن دارد آنچه از برای خود
دشمن میدارد و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که
صبح کند و اهتمام بامور مسلمانان نداشته باشد او مسلمان نیست و کسی که بشنود که کسی فریاد میکند
که ای مسلمانان بفریاد من برسید و یاری او نکند او مسلمان نیست و فرمود که محبوب ترین مردم
کسی است که نفعش بمردم بیشتر برسد و فرمود که هر که گروهی از مسلمانان ضرر آبی یا آتشی را دفع کند بهشت
او را واجب شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق مومن بر مومن آنست
که او را بدل دوست دارد و مال خود را از او دریغ ندارد و اگر بسفری رود باحوال اهل او بپردازد
و اگر کسی بر او ظلم کند او را یاری نماید و اگر عطائی بمسلمانان دهند و او غائب باشد بهره او را از برای
او بگیرد و چون بمیرد بزیارت قبرش برود و بر او ظلم نکند و او را فریب ندهد و با او خیانت نکند و بروی
او اف نگوید و اگر اف بگوید دوستی از میان ایشان برطرف شود و اگر گوید تو دشمن منی یکی از ایشان
کافر باشد زیرا که اگر دروغ گفته است خود کافر است و اگر راست گفته آن دیگری کافر است یعنی
صاحب کبیره است و چون او را بتهمتی متهم سازد ایمان در دلش بگدازد چنانچه نمک در آب و در حدیث دیگر
فرمود که باید برای برادر مسلمان خود بخواهد آنچه از برای عزیزترین اهل خود میخواهد و نخواهد از برای او
آنچه از برای عزیزترین اهل خود نمیخواهد و دوستی او را خالص گرداند از شوائب تا آنکه از شادی او شاد باشد
و در اندوه او اندوهگین باشد و اگر تواند سعی کند که غم او را زائل گرداند و الا دعا کند که خدا اندوهش را
بردارد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آن حضرت آمد از او پرسید که برادران خود
را بر چه حال گذاشتی گفت که بر نیکو حالی گذاشتم ایشان را فرمود که توانگران ایشان چگونه باحوال فقیران
میرسند گفت کم فرمود که توانگران چه قدر بدیدن فقیران میروند گفت کم فرمود که توانگران
چه مقدار احسان بفقیران میکنند گفت چیزی چند میفرمائید که در پیش ما نهانی باشد فرمود که

پس چگونه ایشان دعوای تشیع می‌کنند و در حدیث دیگر فرمود که برادران و نیکوکاران باشید
و از برای خدا با یکدیگر دوستی کنید و بدیدن یکدیگر بروید و با یکدیگر بنشینید و دین ما و احادیث
ما را یاد کنید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که واجبست از برای مومن
بر مومن که هفتاد کبیره او را بپوشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که واجبست
از برای مومن بر مومن که خیرخواه او باشد در حضور و غیبت و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد
بخیرخواهی خلایق که هیچ عملی نزد خدا ازین بهتر نیست **فصل پنجم** در قضای حاجت مومنان
و سعی نمودن در کارهای ایشان و شاد گردانیدن ایشان و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که هر که مومنی را شاد گرداند مرا شاد گردانیده است و هر که مرا شاد
گرداند خدا را شاد گردانیده است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که تبسم کردن در روی برادر مومن حسنه است و خاشاکی از رو برداشتن حسنه است و هیچ عبادتی را
خدا دوست‌تر نمیدارد از شاد گردانیدن مومن و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی خطاب فرمود
با حضرت موسی علیه السلام که بدرستیکه مرا بندگانی هست که بهشت را برای ایشان مباح میکنم
و ایشان را حاکم میگردانم در بهشت حضرت موسی گفت پروردگارا کیستند ایشان فرمود که کسی که
سروری بمومن داخل کند پس حضرت فرمود که مومنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه
در مقام آزار او بود از او گریخت و بشهر کفار رفت و پناه بکافری برد و آن کافر او را جا داد و مهربانی و
ضیافت کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حقتعالی باو وحی فرستاد که بعزت و جلال خودم سوگند
میخورم که اگر ترا در بهشت جائی میبود هر آئینه ترا به بهشت در می‌آوردم ولیکن بهشت حرامست
بر کسیکه کافر بمیرد پس خطاب نمود بآتش جهنم که او را بترسان اما مسوزان و امر فرمود که در اول و آخر
روز برای او روزی ببرند و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
حقتعالی وحی نمود بحضرت داود که بنده از بندگان من حسنه نزد من می‌آورد که من بهشت را
برای او مباح میگردانم حضرت داود پرسید که آن حسنه کدام است فرمود که بر بنده مومن خوشحالی
داخل گرداند اگرچه بیک دانه خرما باشد داود گفت که پروردگارا سزاوار است کسیکه ترا بشناسد
قطع امید خود از تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه مومنی را شاد گرداند نه او را شاد گردانیده

است و بس بلکه بارها ارشاد گردانیده است بلکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم ارشاد
گردانیده است و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که چون مومن از قبر بیرون می آید
با او شخصی بیرون می آید و میگوید بشارت باد ترا بکرامت از جانب خدا و خوشحالی پس
مومن با او میگوید که خدا ترا بشارت به نیکی بدهد پس با او می باشد و هر هولی که میگذرد
میگوید که این از تو نیست و هر نیکی که میگذرد میگوید که این از تست و پیوسته او را
چنین بشارت میدهد تا آنکه بمقام حساب آید پس چون امر کنند که او را به بهشت برند با او میگوید
که بشارت باد که خدا فرمود که ترا به بهشت برند مومن گوید که تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت
دادی و مونس من بودی و از جانب خدا بمن خبر رسانیدی گوید که منم آن شادی که در دل
برادر مومن خود داخل کردی در دنیا خدا مرا از آن خلق کرده است که بشارت دهنده تو بوده و در
تنهائی مونس تو باشم و در حدیث دیگر فرمود که هر که مومنی را شاد گرداند حقتعالی هزار هزار حسنه
برای او بنویسند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که یک حاجت برای برادر مومن خود برآورد حقتعالی
در قیامت صد هزار حاجت او را برآورد که یکی از آنها بهشت باشد و دیگری آنکه خویشان
و آشنایان خود را داخل بهشت گرداند اگر ناصبی نباشند و در حدیث دیگر فرمود که برآوردن
حاجت مومن بهتر است از هزار بندگان آزاد کردن و هزار اسپ در راه خدا بجنگ فرستادن
و در حدیث دیگر فرمود که بهتر است از بیست حج که در هر حجی صاحبش صد هزار درهم صرف کند
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که یک حج بهتر است از هفتاد بنده
آزاد کردن و خرج کشیدن و نفقه دادن اهل یک خانه از مسلمانان که ایشان را سیر کند و بپوشاند
و روی ایشان را از سوال کردن حفظ کند بهتر است از هفتاد حج و در حدیث حسن از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که هفت شوط طواف دور خانه کعبه بکند حقتعالی برای او
شش هزار حسنه بنویسد و شش هزار گناه محو کند و شش هزار درجه برای او بلند کند و شش هزار حاجت او را
برآورد و برآوردن حاجت مومن بهتر است از ده طواف و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانی که
حاجت مسلمانی برآورد حقتعالی او را ندا کند که ثواب تو بر من است و راضی نمیشوم برای تو
بغیر از بهشت و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی برای برآوردن حاجت مومن راه رود حقتعالی

دو ملک را موکل گرداند از جانب راست و چپش که برای او استغفار کنند و دعا کنند که حاجتش
برآورده شود و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که هر که
برادر مومن او به نزد او بیاید برای حاجتی او رحمتی است که خدای تعالی بسوی او فرستاده است
اگر قبول کند پس پیوند کرده است دوستی او را بدوستی ما و دوستی ما بدوستی حق تعالی موصولست
و اگر او را رد کند و او قادر بود که حاجتش را برآورد حق تعالی برو مسلط گرداند در قبر ماری
از آتش که او را بگزد تا روز قیامت خواه در روز قیامت او را خدا بیامرزد و خواه عذاب کند و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که مومنی که برادر مومنش حاجتی به نزد او بیاورد
و او قادر نباشد بر برآوردن حاجت او و دلش غمگین شود بسبب این خدا بهمین بهشت را
برای او واجب گرداند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مومنی که در حاجت برادر
مومن خود راه رود ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه در بهشت برای
او بلند شود و برابر ده بنده آزاد کردن باشد و بهتر باشد از اعتکاف یکماه در مسجد الحرام و از حضرت
امام رضا علیه التحیة و الثنا منقولست که خدا را بندگان هست که سعی میکنند در حاجت مردم
ایشان ایمنانند در روز قیامت و هر که دل مومنی را شاد کند حق تعالی دل او را در قیامت
شاد گرداند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که راه رود برای برآوردن حاجت
برادر مسلمان خدا هفتاد و پنج هزار ملک را بفرستد که او را سایه کنند و بهر قدمی برای او
حسنه بنویسند و گناهی محو کنند و درجه بلند کنند و چون از کارسازی او فارغ شود ثواب
حج و عمره در نامه عملش بنویسند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون راه روم در حاجت
برادر مسلمان دوست تر میدارم از آزاد کردن هزار بنده و هزار کس را بر اسبان زین و لجام کرده
سوار کنم و بجهاد بفرستم و در حدیث دیگر فرمود که هر که سعی کند و راه رود در حاجت برآوردن مسلمانی
خود از برای رضای خدای تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد که بسبب آنها خویشان و همسایگان
و آشنایان او را بیامرزد و هر که با او نیکی کرده باشد در قیامت با او خطاب رسد که
داخل جهنم شو و هر که در دنیا با تو نیکی کرده است او را بیرون آور و داخل بهشت کن مگر آنکه
دشمن اهلبیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد و فرمود که حق تعالی فرموده است

که خلائق عیال من اند و محبوب ترین ایشان نزد من کسی است که با ایشان مهربان تر باشد و سعی
در برآوردن حاجت ایشان بیشتر کند و فرمود که هر که بفریاد رسد برادر مومن غمگین و مضطر خود را
در هنگام شدت و سختی پس غم او را بردارد و حاجت او را برآورد حقتعالی واجب گرداند برای
او هفتاد و دو رحمت که یکی را در دنیا باو دهد که کارهای دنیای او باو ساخته شود و هفتاد و یک
رحمت دیگر را برای او ذخیره کند برای ترسها و شدتهای روز قیامت و فرمود که هر که غمی از مومنی
بردارد حقتعالی غمهای آخرت را از و بردارد و چون از قبر بیرون آید دلش مطمئن و شاد باشد
و هر که مومنی را طعام دهد حقتعالی از میوه های بهشت او را طعام دهد و هر که مومنی را آب دهد
حقتعالی از شراب سربمهر بهشت او را آب دهد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غمی از مومنی بردارد
حق تعالی حاجات دنیا و آخرت او را برآرد و هر که عیب مومنی را بپوشاند حق تعالی هفتاد
عیب از عیبهای دنیا و آخرت او را بپوشاند و تا مومن در یاری برادر مومن است خدا یاور
اوست و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که هر که حاجات
برادر مومن خود را برآورد حق تعالی صد حاجات او را برآورد که یکی بهشت باشد و هر که
غمی از مومنی بردارد حقتعالی غمهای او را در قیامت بردارد و هر که اعانت کند مومنی را بر
ظالمی خدا او را یاری کند در گذشتن بر صراط در وقتیکه قدمها بلغزد و هر که حاجت مومنی را برآورد
که او شاد شود چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را شاد کرده باشد و هر که مومنی
را آب دهد در وقت تشنگی حقتعالی او را از شراب بهشت سیراب گرداند و هر که مومنی را سیر کند
حقتعالی از میوه های بهشت او را سیر کند و هر که بر مومنی جامه بپوشاند در وقتیکه عریان باشد
خدا او را از دیبا و حریر بهشت بپوشاند و هر که جامه بر او بپوشاند در غیر عریانی پیوسته در ضمان
خدا باشد از بلاها تا از آن جامه بر آن مومن تاری باقی باشد و هر که خادمی باو دهد خدا او را از
پسران بهشت خادم بدهد و هر که او را از پیاده بودن سوار کند حقتعالی او را بر ناقه از ناقه های
بهشت سوار کند که در قیامت با ملائکه مباهات کند و هر که بعد از مردن کفن بپوشاند بر مومنی چنان
باشد که او را جامه داده باشد از هنگام ولادت تا وقت مردن و هر که زنی بمومنی بدهد که باو انس گیرد حقتعالی
در قبر ملکی مونس او گرداند بصورت محبوب ترین اهل او نزد او و هر که در بیماری عیادت مومنی کند

ملائکه او را از همه جهت فرو گیرند و گویند خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو و الله که قضای حاجت مؤمن بهتر است نزد خدا از روزه داشتن و اعتکاف کردن در ماه از ماه‌های حرام و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که خدا در قیامت سایه مقرر ساخته است که در زیر آن سایه نیست مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری یا مؤمنی که بنده مؤمن را آزاد کند یا مؤمنی که قرض مؤمن را ادا کند یا مؤمنی که مؤمنی را کدخدا کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مؤمنی در روز قیامت بگذرد بر شخصی که حق تعالی امر فرموده باشد که او را بجهنم برند و ملک او را برد بجهنم خطاب کند مؤمنی را که بفریادم برس که در دنیا من بتو نیکی میکردم و حاجت ترا بر می‌آوردم مؤمن بملک گوید که دست از او بردار حق تعالی فرماید که چون بنده مؤمن شفاعت او کرد او را بگذارد و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که گروه مسلمانان را نزد خود بمنزلهٔ اهل خانه خود و پیران ایشان را بمنزلهٔ پدر خود بدان و خوردان ایشان را بمنزلهٔ فرزندان خود بدان و آنها که همسن تو باشند بمنزلهٔ برادر خود بدان هر کدام یک زینهار میخواهی که ستم کنی یا نفرین کنی یا عیب ایشان را فاش کنی و اگر شیطان خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگران بهتر دانی اگر کسی را ببینی که از تو بزرگتر است بگو که او از ایمان و اعمال شایسته بر من پیشی گرفته است پس او از من بهتر است و اگر خُرد تر از خود را ببینی بگو که من بیشتر از او گناهان کرده ام پس او از من بهتر است و اگر همسال خود را ببینی بگو که یقین بگناه خود دارم و در گناه او شک دارم پس چرا یقین خود را برای شک بگذارم و اگر ببینی که مردم ترا تعظیم و تکریم می کنند بگو این نیکی از ایشان است که بمحاسن آداب عمل می کنند و اگر ایشان از تو دوری کنند و ترا حرمت ندارند بگو که این از گناهی است که من کرده ام چون چنین کنی زندگانی بر تو آسان شود و دوستانت بسیار شوند و دشمنانت کم شوند و از نیکی ایشان شاد شوی و از بدی ایشان دل تنگ نشوی بدانکه گرامی ترین مردم بر مردم کسی است که خیرش بایشان رسد و از ایشان مستغنی باشد و سوال نکند از ایشان و بعد از آن گرامی تر کسی است که محتاج باشد و سوال نکند از ایشان زیرا که اهل دنیا همگی از پی مال میروند هر که با ایشان در مال مزاحمت نمیرساند عزیز است نزد ایشان و هر که مزاحمت میرساند و از مال خود

هم یاره با ایشان میرساند عزیز تر و گرامی تر است و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
عیسی علیه السلام بیکی از اصحاب خود فرمود که آنچه نمیخواهی که با تو بکنند با احدی مکن و اگر کسی
طپانچه بر جانب راست روی تو بزند جانب چپ را پیش کن و در حدیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر مسلمانی که مسلمان دیگر نزد او بیاید برای حاجتی و او قادر باشد
بر برآوردن آن حاجت و بر نیاورد حق تعالی او را در قیامت سرزنش کند و تعییر نماید و
بگوید که برادر تو برای حاجتی بنزد تو آمده که من ترا قادر گردانیده بودم بر برآوردن آن و
بر نیاوردی برای آنکه ثواب آنرا نخواستی بعزت خود سوگند میخورم که در هیچ حاجت نظر رحمت
بسوی تو نکنم خواه ترا بیامرزم و خواه عذاب کنم و در حدیث دیگر فرمود که هر مومنی که منع کند از مومنی
چیزیرا که او بآن محتاج باشد و او قادر باشد که آنرا از نزد خود یا از نزد دیگران باو برساند حق تعالی
او را در روز قیامت با روی سیاه و دیدهای کبود و دستها در گردن غل کرده باز دارد پس
بگوید که این است خائنی که بخدا و رسول خیانت کرده است پس بفرماید که او را بجهنم برند و از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در قیامت سه کس در سایه عرش الهی باشند
در روزی که سایه بغیر آن نباشد کسیکه برادر مسلمان خود را زن بدهد و کسیکه خادمی باو دهد
و کسیکه راز او را پنهان دارد **فصل ششم در دیدن مومنان و عیادت بیماران** ایشان در
احادیث معتبره بسیار وارد شده است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله
علیهما که هر که بدیدن برادر مومن خود برود از برای رضای خدا حقتعالی هفتاد هزار ملک باو موکل
گرداند که او را ندا کنند تا بخانهٔ خود برگردد که خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که جبرئیل مرا
خبر داد که حقتعالی ملکی را بزمین فرستاد آن ملک رسید بمردی که بر در خانه ایستاده بود و از صاحب خانه
رخصت می طلبید که داخل خانه شود ملک پرسید که با صاحب این خانه چه کار داری گفت
که برادر مسلمان من است از برای خدا بدیدن او آمده ام ملک گفت که هیچ مطلب دیگر
بغیر از این نداری گفت نه ملک گفت من رسول پروردگارم بسوی تو آمده ام ترا سلام میرساند
و میگوید که بهشت را واجب گردانیدم برای تو و می فرماید که هر مسلمانی که بدیدن مسلمانی

برود چنانست که بزیارت من آمده است و ثوابش بر من بهشت است و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که هر که بدیدن برادر مومن خود برود بخانهٔ او حقتعالی او را خطاب فرماید که تو
مهمان منی و بزیارت من آمدهٔ و مهمانداری تو بر من است و بهشت را بر تو واجب گردانیدم
بسبب آنکه دوست داشتی برادر مومن خود را و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که مومنی که بیرون می آید بعزم دیدن برادر مومن خود خداوند
عالمیان ملکی باو موکل میگرداند که یک بالش را بر زمین میگذارد و یک بال دیگر بر سرش
سایه می افگند پس چون داخل خانهٔ مومن شود خداوند جبار او را ندا میکند که ای
بندهٔ که تعظیم حق من کردی و متابعت آثار پیغمبر من نمودی لازم است بر من که ترا تعظیم کنم
از من سوال کن تا بتو عطا کنم و مرا بخوان تا ترا اجابت دعای تو بکنم و اگر خواهی ساکت باش
تا من ابتدا برحمت بکنم پس چون برگردد ملک او را مشایعت کند و بال بر سر او داشته باشد
تا بخانهٔ خود برگردد پس حقتعالی او را ندا کند که ای بندهٔ که حق مرا بزرگ شمردی لازم است
بر من که ترا گرامی دارم بتحقیق که بهشت را برای تو واجب گردانیدم و ترا در حق بندگان خود
شفاعت دادم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بدیدن برادر مومن رفتن از
برای خدا بهتر است از ده بندهٔ مومن آزاد کردن و هر که بندهٔ مومن را آزاد کند حقتعالی
بهر عضوی از آن بنده عضوی از آتش جهنم آزاد گرداند و در حدیث معتبر منقولست که آن
حضرت به داود بن سرحان فرمود که شیعیان مرا از من سلام برسان و بگو که خدا رحمت کند
بندهٔ را که با دیگری بنشیند و یاد کند احادیث مرا که سوم ایشان ملکی است که از برای ایشان
استغفار میکند و هرگاه که با یک دیگر بنشینید یاد ما و احادیث ما بکنید که بسبب همنشینی
و مذاکرهٔ شما مذهب و دین ما زنده میشود و بهترین مردم بعد از ما کسی است که مذاکرهٔ احادیث ما
بکند و ما را یاد کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بدیدن یک دیگر بروید در
خانه های خود که باین زنده میماند دین ما خدا رحمت کند کسی را که مذهب ما را زنده بدارد و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که خوشا حال آنها که دوستی میکنند با یکدیگر برای خدا
بدرستیکه حقتعالی در بهشت عمودی خلق کرده است از یاقوت سرخ و بر آن عمود هفتاد هزار

قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق کرده است آنها را از برای کسانی
که دوستی با یکدیگر کنند و بدیدن یکدیگر روند از برای خدا و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که قادر نباشد که بما احسانی بکند بصالحان شیعیان ما احسان کند تا ثواب
احسان کردن بما در نامهٔ عملش نوشته شود و هر که قدرت بر دیدن ما نداشته باشد بدیدن
صالحان شیعیان ما برود تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که عیادت کند مسلمان بیماری را در آن روز هفتاد هزار
ملک بر او صلوات فرستند اگر صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح و در حدیث دیگر فرمود
که هر که بیماری را عیادت کند هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند و برای او استغفار
کنند تا بخانهٔ خود برگردد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که مومنی را
عیادت کند در رحمت الهی فرو رود و پس چون نزد او بنشیند رحمت او را احاطه کند پس چون
برگردد حقتعالی هفتاد هزار ملک را با او موکل گرداند که از برای او طلب آمرزش کنند و بر او
ترحم کنند و بگویند که خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو تا روز دیگر با نوقت و باو
عطا فرماید زاویه در بهشت که سواره در آن چهل سال براند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر مومنی که مومنی را در بیماری عیادت کند از برای خدا حقتعالی با او موکل سازد
ملکی را که در قبر او را عیادت کند و برای او استغفار کند تا روز قیامت و در حدیث دیگر
فرمود که هر که عیادت کند بیماری را حقتعالی با او موکل سازد هفتاد هزار ملک را که همیشه
بخانهٔ او آیند و در آنخانه تسبیح و تهلیل و تکبیر و تقدیس الهی گویند تا روز قیامت و نصف ثواب
ایشان از برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سزاوار آنست که کسیکه بیمار شود برادران
مومن را اعلام کند که بعیادت او بیایند که آنها ثواب برند و او ثواب بیابد بخبر کردن آنها که اگر
چنین کند ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه از برای او بلند شود و در
حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که چون کسی بیمار شود مردم را رخصت
دهد که بعیادت او بیایند بدرستیکه هیچکس نیست مگر آنکه او را دعائی مستجاب هست و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسیکه بعیادت برادر مومن برود و از برای بیمار خود

طلب دعا کنند که دعای او مانند دعای ملائکه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که در درد چشم عیادت نمی باشد و در اول بیماری سه روز متوالی او را باید دید و بعد از ان
یک روز نه یک روز پس چون بیماری بسیار بطول کشد او را با عیالش می باید گذاشت و
عیادت نمی باید کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون بدیدن بیمار روید سیبی یا اناری یا بهی
یا ترنجی یا بوی خوشی یا عودی با خود ببرید که بیمار بآن استراحت می یابد و در حدیث دیگر
فرمود که از تمامی عیادت آنست که دست بر ذراع بیمار بگذاری و در وقت دعا کردن
و زود برخیزی که عیادت احمقان دشوارتر است بر بیمار از درد او و از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه و آله منقولست که از عیادت کنندگان کسی ثوابش بیشتر است که زود
تر برخیزد مگر آنکه بیمار نشستن او را خواهد و از و سوال کند که بنشیند فصل هفتم در طعام
دادن مومنان و آب دادن بایشان و جامه پوشانیدن و سائر اعانتهای ایشان
و یاری کردن مظلومان از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که مومنی را سیر کند
بهشت بر او واجب شود و هر که کافری را سیر کند بر خدا لازم است که شکم او را از زقوم جهنم
کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که سه نفر از مسلمانان را سیر گرداند حقتعالی او را از سه بهشت
طعام دهد جنت الفردوس و جنت العدن و جنت طوبی و در حدیث دیگر فرمود که هر که
مومنی را طعام دهد تا او سیر شود هیچیک از خلق خدا نداند که او را چه ثواب هست نه ملک
مقرب و نه پیغمبر مرسل بغیر خدا نه عالمیان پس فرمود که از جمله چیزهائیکه آمرزش را واجب
میگرداند طعام دادن مسلمان گرسنه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که هر که شربت آبی بمسلمانی بدهد در جائیکه آب بهم رسد حقتعالی بهر شربتی هفتاد
هزار حسنه باو عطا فرماید و اگر او را آب دهد در جائیکه آب کمیاب باشد چنان باشد که ده
بنده از فرزندان اسماعیل آزاد کرده باشد و در حدیث حسن منقولست که هر که طعام دهد
برادر مومن خود را از برای خدا چنانست که صد هزار کس از دیگران را طعام داده باشد و در حدیث
حسن دیگر فرمود که بسدیر صراف که چه مانع میشود ترا که هر روز یک بنده آزاد کنی گفت مال من
وفا نمی کند باین فرمود که هر روز یک مسلمان را طعام بده که این ثواب از برای تو باشد پرسید

که مالدار بیار پریشان را فرمود که مالدار هم گاه هست که خواهش طعام دارد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که یک لقمه که برادر مسلمان بخورد نزد من بهتر است نزد من از یک بنده آزاد کردن و در حدیث دیگر فرمود که هر که مومنی مالداری را طعام دهد برابر است با یک بنده از فرزندان اسماعیل که او را از کشتن آزاد کند و هر که مومن محتاجی را طعام بخوراند برابر است با صد بنده از فرزندان اسماعیل که از کشتن آزاد کند و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که هر که یکی از آنها بجا آورد داخل بهشت شود کسی که تشنه را سیراب گرداند یا گرسنه را سیر کند یا عریانی را بپوشاند و یا بنده را که در مشقت باشد آزاد کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که بهترین اعمال نزد حقتعالی سه چیز است سیر کردن مسلمان گرسنه یا قرض مسلمان ادا کردن یا غمی از و برداشتن و فرمود که خیر و برکت بخانه که در آن طعام داده میشود زود تر میرود از فرو رفتن کارد بکوهان شتر و از حضرت علی ابن الحسین صلوات الله علیهما منقولست که هر که جامهٔ زیادتی داشته باشد و داند که برادر مومنش بآن محتاج است و باو ندهد حقتعالی او را سرنگون در آتش جهنم اندازد و هر که سیر بخوابد و نزدیک او مومنی گرسنه باشد حقتعالی بملائکه فرماید که شما را گواه میگیرم برین بنده که من او را امری کردم و نافرمانی من کرد و اطاعت دیگران کرد بدانید که او را بعمل خود گذاشتم و هرگز او را نیامرزم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که ایمان نیاورده است بمن کسیکه سیر بخوابد و برادر مسلمانش گرسنه باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که خانه داشته باشد و مومنی محتاج شود که در خانه ساکن شود و او را منع کند حقتعالی بملائکه فرماید که بندهٔ من بخل ورزید بر بندهٔ من بساکن شدن در خانهٔ او در دنیا بعزت خود سوگند میخورم که هرگز او را در بهشت ساکن نگردانم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که دور کند از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار ایشان باشد حق تعالی ثواب خواندن چهار صد آیه برای او بنویسد که بهر حرفی ده حسنه برای او بنویسد و در روایت دیگر فرمود که بندهٔ داخل بهشت شد بیک خاری که از راه مسلمانان برداشت و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نیکو چیزی است هدیه فرستادن پیش از آنکه حاجت را

بلو بده و فرمود که هدیه بیکدیگر بفرستید که هدیه کینه ها را از سینه ها میبرد و فرمود که دائم گردانید
هدیه را به پس فرستادن ظرفهای هدیه و فرمود که هدیه بر سه قسم است هدیه که در برابرش
توقع نفعی نداشته باشی و هدیه که بعنوان رشوت فرستی و هدیه که از برای خدا فرستی و عوض
دنیوی نداشته باشی

فصل هشتم در حقوق فقرا و ضعیفان و مظلومان و پیران و اصحاب بلا و آداب معاشرت ایشان

و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فقرای
مومنان چهل سال پیش از توانگران ایشان در بهشت تنعم می‌شوند پس فرمود که مثلی برای تو بزنم مثل
فقیر و غنی دو کشتی است که بعشارے بگذرند کشتی خالی را نظر میکنند و روانه میکنند و نگاه نمیدارند و کشتی پر
بار را از برای حساب نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که هر چند ایمان بنده زیاده میشود تنگی روزیش
بیشتر میشود و فرمود که اگر نه این بود که مومنان الحاح و مبالغه در دعای طلب روزی میکردند هر آئینه
ایشانرا بحالی تنگ تر از آنچه دارند می انداخت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که فقر و درویشی امانتی است از خدا نزد خلقش پس هر که آنرا نهان دارد حقتعالی
او را مثل ثواب کسی بدهد که روزها روزه باشد و شبها بنماز ایستاده باشد و هر که آنرا اظهار
کند پیش کسیکه قادر باشد بر بر آوردن حاجت او و نکند تحقیق که آن فقیر را کشته است
نه بشمشیر و نیزه بلکه بآن جراحتی که در دل او کرده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که حقتعالی در روز قیامت خطاب فرماید بافقرای مومنان مانند کسیکه معذرت
طلبد و میگوید که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که شما را در دنیا فقیر نگردانیده ام برای
خواری شما نزد من و امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد و هر که در دنیا با شما نیکی کرده است
دستش را بگیرید و داخل بهشت کنید پس یکی از ایشان گوید که پروردگارا اهل دنیا زنان
خوشرو خواستند و جامهای نرم پوشیدند و طعامهای نیکو خوردند و در خانهای نیکو سکنی
کردند و بر اسپان نفیس سوار شدند پس امروز بما هم مثل آنها عطا فرما پس حقتعالی فرماید که بهر یک
از شما دادم مثل هفتاد برابر آنچه بجمیع اهل دنیا داده ام از اول تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود
که مرد مالداری که جامهای پاکیزه پوشیده بود نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
آمد و نشست پس مرد پریشانی که جامهای چرکین پوشیده بود آمد و در پهلوی او نشست

آن مالدار جامهٔ خود را از زیر ران او کشید حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که آیا
ترسیدی که از فقر او چیزی بتو برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که از توانگری تو چیزی باو
برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که جامهایت چرکین شود گفت نه فرمود که پس چرا چنین
کردی گفت یا رسول الله مرا همنشینی بدی هست از نفس و شیطان که هر بدی را برای من
زینت میدهد و هر نیکی را در نظر من بد میکند و من تدارک آنچه کردم نصف مال خود را
باو می بخشم حضرت بمرد پریشان خطاب فرمود که قبول میکنی گفت نه توانگر گفت که چرا قبول
نمیکنی گفت میترسم که مثل تو شوم و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت بشخص پریشانی
فرمود که آیا ببازار میروی و میوه ها و چیزهای نفیس می بینی که قادر بر خریدن آنها نباشی گفت
بلی فرمود که بهر چیزیکه میبینی و قدرت بر خریدن آن نداشته باشی حسنه برای تو نوشته
میشود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که در روز قیامت گروهی از مردم برخیزند
و بیایند تا در بهشت پس ملائکه بایشان گویند که شما کیستید گویند فقرائیم ملائکه گویند که پیش
از حساب آمده اید که به بهشت روید جواب گویند که چیزی بما داده اید که ما را بدان حساب کنید
حق تعالی فرماید که راست میگویند بروند به بهشت و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
منقولست که حقتعالی میفرماید که من اغنیا را توانگر نگردانیدم برای آنکه ایشان گرامی بودند
بر من و فقیرا از برای چیز نکرده ام برای خواری ایشان نزد من ولیکن توانگر از امتحان کردم بفقیران
و اگر فقیران نمی بودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمی شدند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که ذلیل و خوار شمارد مومنی را برای پریشانی او حقتعالی او را در حضور جمیع
خلائق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که مهیای جنگ باشد
کسیکه آزار کند بندهٔ مومن مرا و باید که ایمن نباشد از غضب من و کسیکه گرامی دارد بندهٔ مومن
مرا و اگر از میان مشرق تا مغرب نباشد مگر یک مومن یا یک امام عادل هر آئینه بعبادت ایشان
مستغنی شوم از جمیع آنچه خلق کردم در زمین و هر آئینه هفت آسمان و هفت زمین برای ایشان بر پا باشد
و بگردانم از برای ایشان از ایمان مونسی که محتاج بمونس دیگر نباشند و در احادیث
معتبرهٔ بسیار منقولست که حقتعالی میفرماید که هر که دوستی از دوستان مرا خوار گرداند چنانست

که بر روی من بجنگ ایستاده است و من بسیار زود یاری میکنم دوستان خود را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که مومنی را ذلیل کند خدا او را ذلیل کند و فرمود که حقتعالی مومن را از عظمت و جلال و قدرت خود آفریده است پس هر که برو طعن کند یا سخن او را رد کند بر خدا رد کرده است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حقیر مشمارید ضعیفان برادران خود را که هر که مومنی را حقیر شمارد خدا او را با مومن در بهشت جمع نکند مگر آنکه توبه کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که بسیار ژولیده موئی گرد آلوده که دو جامه کهنه پوشیده باشند اگر بخدا قسم دهد قسمش را رد نکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود کسیکه با مردم استهزا کند و محبت ایشان طمع نداشته باشند و فرمود که حقیر مشمارید مومن فقیر را که هر که حقیر شمارد مومن فقیر را یا استخفاف او بکند خدا او را حقیر شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که حلال نیست مسلمانرا که مسلمانی را بترساند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که اعانت کند بر آزار مومنی به نیم کلمه در روز قیامت در میان دو چشمش نوشته باشد که نا امید است از رحمت الهی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که گرامی دارد برادر مومن خود را بیک کلمه از روی لطف یا حاجت او را برآورد یا غمی از دلش بردارد پیوسته رحمت الهی بر سر او سایه انداخته باشد تا در کارسازی و مهربانی برادر مومن باشد پس فرمود که مومن را برای این مومن میگویند که مردم در جان و مال خود از و ایمن اند و مسلمان کسی است که مردمان از دست و زبان او سالم باشند و مهاجر کسی است که از گناهان هجرت کند و هر که مومنی را دستی بزند که او را بآن سبب ذلیل کند یا طپانچه بر روی او بزند یا چیزی که نخواهد نسبت باو بجا آورد ملائکه پیوسته او را لعنت کنند تا او را راضی کند و توبه کند پس زنهار که تعجیل مکنید در آزار مردم که شاید او مومن باشد شما ندانید و صبر و آهستگی و همواری بکنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی و آهستگی نیست و در حدیث دیگر فرمود که هر که طپانچه بر روی مسلمانی بزند حقتعالی در قیامت استخوانهایش را از هم بپاشد و دست

و به گردن غل کرده محشور شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که
دشنام دادن مومن گناه بزرگ است و با او جنگ کردن کفر است و غیبت او کردن
نافرمانی خدا است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که
بترساند مومنی را بصاحب حکمی که آزاری باو برساند و نرساند او در آتش است و اگر برساند
و آزار باو برساند با فرعون و آل فرعون باشد در آتش و در احادیث معتبره از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که هر که بکشد کسی را که قصد کشتن او نداشته باشد و بزند کسی را
که قصد زدن او نداشته باشد ملعون است بلعنت خدا و در حدیث دیگر فرمود که بحق آن خداوندی
که جانم در قبضهٔ قدرت اوست که اگر اهل آسمانها و زمینها همه جمع شوند بر کشتن مومنی یا راضی
شوند بکشته شدن او همه را داخل جهنم کند و بحق آن پروردگاری که جانم بدست قدرت
اوست که هیچکس کسی را بناحق تازیانه نمی زند مگر آنکه در جهنم مثل آن تازیانه را بخورد و فرمود
که هر که نظری کند بمومنی که او را بآن نظر کردن بترساند خدا او را بترساند در روزی که بجز او پناهی
نباشد و او را بصورت مورچه محشور گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که لعنتی که از دهان شخصی بیرون می آید میگردد و اگر صاحبش را می یابد در آنجا قرار میگیرد و اگر نه
بگوینده اش برمیگردد و در حدیث دیگر فرمود که هر که طعنی کند بر روی مومنی بمیرد به بدترین
مردنها و سزاوار است که عاقبتش بخیر نباشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت
عرض کرد که چه میفرمائید در امر مسلمانی که مسلمان دیگر بدیدن او بیاید و او در خانه باشد پس
رخصت بطلبد و او رخصت ندهد که داخل شود و خود بیرون نیاید فرمود که هر مسلمانیکه بدیدن
مسلمانی بیاید یا برای کاری بیاید و او در خانه باشد و او را رخصت ندهد و خود بیرون نیاید پیوسته
در لعنت خدا باشد تا یکدیگر را ملاقات کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
هر مومنی که میان او و مومنی حجابی باشد که باو نتواند رسید حقتعالی میان او و بهشت در
قیامت هفتاد هزار حصار قرار دهد که غلظت هر حصاری هزار ساله راه باشد و از هر حصاری
تا حصار دیگر هفتاد ساله راه باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که در زمان بنی اسرائیل چهار نفر از مومنان بودند پس سه نفر از ایشان در خانه مجتمع بودند برای

گفتگوی دو چهارم آمد بدر آن خانه و در زد غلام بیرون آمد او پرسید که مولای تو کجاست گفت
در خانه نیست آن شخص برگشت و غلام رفت و بمولای خود گفت که فلان شخص آمد و من باو
چنین گفتم و برگشت او ساکت شد و پروای نکرد و غلام را ملامت نکرد که چرا چنین گفتی و از
برگشتن آن مرد آزرده نشدند هیچیک از ایشان و مشغول سخن خود شدند روز دیگر آن مرد بامداد
بنزد ایشان آمد و دید که ایشان از خانه بیرون آمده اند و بمزرعهٔ خود میروند بر ایشان سلام کرد
و گفت من با شما بیایم گفتند بلی و عذر روز گذشته را از و نخواستند زیرا که آن مرد پریشان و محتاج
بود در اثنای راه ناگاه ابری ظاهر شد گمان کردند که باران خواهد آمد تند رفتند چون ابر
محاذی سر ایشان شد منادی از میان ابر ندا کرد که ای آتش ایشانرا بگیر و منم جبرئیل رسول
از جانب خدا پس ناگاه آتشی آمد و آن سه نفر را ربود و آن مرد محتاج ترسان و حیران و متعجب ماند
پس بشهر برگشت و بخدمت حضرت یوشع آمد و آن خبر را نقل کرد حضرت یوشع فرمود که خدا
بر ایشان غضب کرد بعد از آنکه از ایشان راضی بود و بسبب آنچه نسبت بتو بعمل آوردند و آن قصه را
برای او نقل فرمود آن مرد گفت من ایشانرا حلال کردم و در گذشتم از کردهٔ ایشان یوشع گفت
که اگر پیش از آمدن عذاب می بود نفع میکرد اما الحال نفع نمیکند و شاید در قیامت ایشانرا
نفع دهد حلال کردن تو و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که
یاری نکند برادر مؤمن خود را و قادر بر یاری کردن او باشد خدا او را در دنیا و آخرت یاری نکند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حاضر نشود احدی از شما در وقتیکه حاکم ظالمی
کسی را زند یا کشد یا ستم بر او کند هرگاه یاری او نکند زیرا که یاری مؤمن بر مؤمن واجب است
هرگاه حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی از نیکان را
در قبرش نشاندند پس باو گفتند که ما صد تازیانه از عذاب الهی بتو میزنیم گفت طاقت ندارم
پس یکی کم کردند گفت طاقت ندارم تا اینکه بیک تازیانه رسید گفت طاقت ندارم گفتند
چاره نیست از یکی پرسید که بچه سبب این تازیانه را بر من میزنید گفتند باین سبب که روزی
بی وضو نماز کردی و بر ضعیفی گذشتی که بر او ظلم می شد و او را یاری نکردی پس تازیانه از عذاب
خدا بر او زدند که قبرش پر از آتش شد و در حدیث دیگر فرمود که چهار کس اند که حقتعالی در قیامت

نظر رحمت بسوے ایشان می افگند شخصی که کسیکه چیزی ازو خریده باشد و پشیمان شود و پس دهد
او قبول کند و کسیکه بفریاد مضطری برسد و کسیکه بندهٔ آزاد کند و کسیکه عزبی را کدخدا کند و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که کسیکه بفریاد برادر مومن خود برسد که او را
از ورطهٔ یا غمی یا اندوهی بیرون آورد حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده درجه بلند کند و ثواب
ده بنده آزاد کردن باو کرامت فرماید و ده عذاب را ازو بردارد و ده شفاعت براے او
در قیامت مهیا گرداند و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که هر که ببیند بیچاره
را در راہے که چارپایش افتاده است و کسی بفریاد او نمیرسد پس بفریاد او برسد و او را بر چارپائے
خود سوار کند و بارش را بردارد حقتعالی باو خطاب فرماید که خود را بمشقت انداختی و نهایت
سعی کردی در فریادرسی برادر مومن خود براے تو موکل سازم ملکی چند که عددشان زیاده باشد
از جمیع آدمیان از اول دنیا تا آخر دنیا و هر یک را آنقدر قوت باشد که آسان باشد بر او
برداشتن آسمانها و زمینها تا بنا کنند برای تو در بهشت قصرها و خانهها و بلند کنند براے تو
درجهها و چون در بهشت در آئی از پادشاهان بهشت باشی و کسیکه دفع کند از مظلومی ضرر
ظالمی را که خواهد ضرر ببدن او یا بمال او برساند حقتعالی خلق کند بعدد هر حرفی از گفتهای او و بعدد هر حرکتی
از حرکات او و درنگی از درنگهائے او صد هزار ملک که دفع کنند ازو شیاطین را که قصد کنند
که او را گمراه کنند و بازائے هر ضرر قلیلے که ازو دفع کرده باشد صد هزار از خدمتکاران بهشت
و صد هزار از حوریان باو عطا فرماید که او را خدمت کنند و گرامی دارند و گویند که اینها همه در برابر
آن دفع کردن ضرر است از مال و بدن برادر مومن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول
است که هر که حرمت مرد پیری را بشناسد پس او را تعظیم کند برای سنش خدا او را ایمن گرداند از ترس
روز قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم کردن مومن ریش سفید و فرمود که از ما نیست
هر که خردان ما را رحم نکند و پیران ما را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که کفایت کند براے
کوری حاجتی از حاجات دنیا را و برای او در آن حاجت راه رود و سعی کند تا خدا آنرا برآورد حقتعالی
او را بیزاری دهد از نفاق و از آتش جهنم و هفتاد حاجت از حاجات دنیای او را برآورد و پیوسته
در رحمت الهی باشد تا برگردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بکری چیزی را بشنواند

بی آنکه دلتنگ شوی تعهد نمی است آسان و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که هر که قاید کوری شود چهل گام بر زمین
هموار و خالی کند بقدر سوزنی از آن اگر تمام زمین را پر کنند از طلا و اگر بر سر راهش مهلکه باشد
و او را از آن نجات دهد و بگذراند او را در ترازوی حسنات او گشاده تر از دنیا بیابد بصد هزار
مرتبه و بر همه گناهانش زیادتی کند و همه را محو کند و او را با علای غرفهای بهشت برساند و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بسیار نظر مکنید بسوی اصحاب بلا و آنها
که خوره دارند که اندوهناک میشوند و در حدیث دیگر فرمود که از کسی که خوره داشته باشد بگریزید
چنانچه از شیر میگریزید و با او سخن مگوئید مگر آنکه بقدر یک ذراع از او دور باشید و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون ایشان را ببینید از خدا عافیت بطلبید و از مرض
ایشان غافل مشوید که مبادا بشما سرایت کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که پنج کس اند که بهمه حال از ایشان اجتناب می باید کرد کسیکه خوره داشته باشد و پیس و دیوانه
و ولد الزنا و عرب بادیه نشین و در حدیث دیگر فرمود که کم نظر کنید باهل بلا و نزد ایشان مروید
و چون با ایشان بگذرید تند بگذرید که بشما نرسد آنچه بایشان رسیده است و در حدیث موثق
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون کسی را ببینی که ببلائی مبتلا است
بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَفَضَّلَنِي عَلَيْكَ وَعَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ آهسته
بگو که او نشنود و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون کسی از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه
آهسته بگو که او نشنود اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَلَوْ شَاءَ فَعَلَ که هر که چنین کند
هرگز بلا باو نرسد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مبتلائی
را ببیند و این دعا بخواند هرگز بآن مبتلا نشود اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَدَلَ عَنِّي مَا ابْتَلَاكَ بِهِ
وَفَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْعَافِيَةِ اَللّٰهُمَّ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَهُ بِهِ و در روایت دیگر فرمود که این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ إِنِّي لَا أَسْخَرُ وَلَا أَفْخَرُ وَلٰكِنْ أَحْمَدُكَ عَلَى عَظِيمِ نَعْمَائِكَ عَلَيَّ و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که چون اصحاب بلا را ببینید حمد خدا بکنید و بایشان مشنوانید که باعث
اندوه ایشان میشود **فصل ششم** در رعایت حقوق دوستان و در غیبت ایشان در حدیث معتبر منقولست

که شخصی بحضرت امام زین العابدین علیه السلام عرض کرد که فلان شخص شما را گمراه و مبتدع میداند حضرت فرمود که حق همنشینی او را رعایت نکردی که سخن او را بمن نقل کردی و حق مرا رعایت نکردی که چیزی که من نشنیده بودم از و بمن رسانیدی همه را مرگ در پیش است و محشور خواهیم شد و وعده همه قیامت است و خدا میان ما حکم خواهد کرد زنهار که غیبت مکن که نان خورش سگان جهنم است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که ایمان بخدا و رسول دارد ننشیند در مجلسی که بامامی دشنام دهند یا غیبت مسلمانی کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند مسلمانی را ثواب روزه و وضویش بر طرف میشود و در روز قیامت از و بوی آید گنده تر از بوی مردار که اهل محشر همه در آزار باشند و اگر پیش از توبه بمیرد حلال کرده باشد چیزی را که خدا حرام کرده است و هر که احسان کند ببرادر مومن در مجلسی که غیبت او کنند و نگذارد که او را غیبت کنند حقتعالی هزار نوع بدی را در دنیا و آخرت از و دور کند و اگر رد نکند و قدرت بر رد غیبت او داشته باشد مثل گناه آن غیبت کننده هفتاد برابر داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که را بدیده خود ببینی که گناهی کند و دو گواه عادل برو گواهی ندهند که گناهی کرده است او از اهل عدالت است و گواهیش مقبول است هر چند در واقع گنهگار باشد و هر که غیبت کند او را بگناهی که در و باشد او از دوستی و یاری خدا بیرون است و در دوستی و یاری شیطان داخل است و بتحقیق که خبر داد مرا پدرم از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که هر که غیبت کند مومنی را بچیزی که در و باشد خدا در میان ایشان در بهشت اجتماع نیندازد و هر که غیبت کند مومنی را بچیزی که در و نباشد عصمت میان ایشان بریده شود و غیبت کننده در جهنم باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که در حق برادر مومن خود بگوید آنچه چشمش دیده و گوشش شنیده باشد از آنها خواهد بود که حق تعالی میفرماید که بدرستیکه آنانکه میخواهند که شایع شود گناهان بد در مومنان برای ایشان است عذابی دردناک در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر فرمود که غیبت آنست که در برادر مومن بگوئی عیبی و گناهی را که خدا برو پوشانیده است و بهتان آنست که در و چیزی بگوئی که در و نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند برادر مومن خود را بی آنکه دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در نطفه او شریک شده خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود

که سه خصلت است که در هر که باشد چهار چیز براے او لازم میشود کسیکه چون سخن گوید دروغ نگوید
و چون با مردم خلطه کند بر ایشان ظلم نکند و چون وعده کند بوعدهٔ خود وفا کند واجب است که
عدالت او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان ایشان هویدا باشد و غیبت او
بر ایشان حرام باشد و اخوت او بر ایشان واجب باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
است که غیبت بدتر است از زنا زیرا که زناکار توبه میکند و خدا توبه اش را قبول میکند و غیبت کننده
توبه اش مقبول نیست تا آن شخص او را حلال نکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که برادران خود را یاد کنید هرگاه غائب باشند از شما به بهتر از آنچه دوست میدارید که شما را غائبانه یاد کنند
و در حدیث دیگر فرمود که چون فاسق علانیه گناه کند و پروا نکند او را حرمت نیست و غیبت
او حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سه کس اند که ایشان را حرمتی نیست
کسیکه صاحب بدعت باشد و امام و پیشواے ظلم کننده و فاسقی که علانیه فسق کند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که رد کند حرف بدی را که در عرض برادر مسلمانش گویند براے او
بنویسند بهشت را البته و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که نزد
او غیبت کنند برادر مومنش را پس او را نصرت و یاری کند خداے تعالی او را در دنیا و آخرت
و اگر قادر باشد که دفع آن غیبت از و بکند و یاری او در آن باب بکند و نکند خدا پست کند
او را در دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که حاضر باشد در مجلسی
که در آن مجلس سنگے در عرض برادران مومن افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار باشد و او
رد کند بر آن ظالم و عرض برادر مومن را نگاه دارد حقتعالی برانگیزد ملائکه را جمع میشوند نزد بیت المعمور
براے حج و آنها نصف ملائکه آسمانها یند و ملائکه کرسی و عرش را و ایشان نصف ملائکه حجب اند
که ایشان همه نزد خدا او را مدح و ستایش میکنند و از براے او از خدا رفعت و منزلت و بلندی مرتبه
او را سوال کنند پس حقتعالی فرماید که من واجب گردانیدم براے او بعدد هر یک از شما که مدح او میکنید
مثل عدد جمیع شما از درجات بهشت و قصرها و باغها و بوستانها و درختان از آنچه خواهم که عقل مخلوقی
بآن احاطه نکرده باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که نقلی کند در مذمت
مومنی براے آنکه عیب او را ظاهر کند و مروت او را بر هم شکند و او را از دیدهاے مردم بیندازد

خدا او را از دوستی و یاری خود بیرون کند و در دوستی و یاری شیطان داخل کند و در احادیث معتبره منقولست که هر که دو رو و دو زبان داشته باشد که در حضور مردم مدح ایشان کند و در غایبانه غیبت ایشان را گوید چون در قیامت محشور شود دو زبان از آتش داشته باشد یکی در پیش رو و دیگری در پشت سر و در محشر ندا کنند که این بود که در دنیا دو رو و دو زبان داشت و در روایت دیگر منقول است که محمد بن فضیل بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد که شخصی از برادران مؤمن من چیزی از و بمن میرسد که خوشم نمی آید پس از و سؤال میکنم و او انکار میکند و حال آنکه جمعی از مردم ثقه این خبر را بمن نقل کرده اند آنحضرت فرمود که چشم و گوش خود را تکذیب کن در حق برادر مؤمن خود اگر پنجاه کس شهادت بدهند و سوگند یاد کنند و او خلاف آنها گوید سخن او را تصدیق کن و آنها را تکذیب کن و برای او چیزی را فاش مکن که موجب نقص و عیب او باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که کسی را رسوا کند در گناهی چنانست که آن گناه را خود کرده است و هر که مؤمنی را بچیزی سرزنش کند از دنیا بیرون رود تا آنرا خود بکند و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که هر که خود را از بدگوئی در عرض مسلمانان نگاه دارد خدای تعالی گناهانش را در قیامت بیامرزد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که بهتانی بگوید برای مرد مؤمن یا زن مؤمنه بچیزی که در او نباشد خدای تعالی او را در میان چرک فروج زناکاران که در دیگهای جهنم جوش کند نگاه دارد تا آنکه از عهده گفته خود بدر آید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که برای کسی چیزی بگوید که مردم آنرا دانند غیبت نیست و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اظهار شماتت و شادی مکن در بلائی که بر برادر مؤمن تو نازل شود که خدای تعالی او را رحم میکند و از و دفع میکند و بر تو میفرستد آن بلا را و فرمود که هر که شماتت کند بر مصیبت برادر مؤمن خود از دنیا بیرون نرود تا بآن بلا مبتلا نشود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که نزدیکترین احوال بنده بکفر آن است که کسی با مؤمنی برادری بکند و لغزشها و گناهانش را در خاطر نگاه دارد که یک روزی آنرا بآنها سرزنش کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که فرمود که ای جماعتی که بزبان مسلمان شده اید و ایمان بدل شما نرسیده است مذمت مسلمانان مکنید و تفحص عیبهای ایشان مکنید که هر که

تفحص عیبهای مردم کند خدا او را رسوا کند اگرچه گناه را در میان خانه خود کرده باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که سرزنش مؤمنی کند خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بدترین دروغها گمان بد بر مردم بردن است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که متهم سازد برادر مؤمنش را ایمان در دلش گداخته می شود چنانچه نمک در میان آب گداخته می شود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمود که میخواهید خبر دهم شما را از بدترین شما گفتند بلی یا رسول الله فرمود که آنها که در میان مردم سخن چینی را میبرند و در میان دوستان جدائی می اندازند و از برای بی عیبان عیب میجویند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بهشت حرام است بر سخن چینان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دو شخص با آزردگی از هم جدا نشوند مگر آنکه یکی مستحق بیزاری و لعنت الهی می شود و بسیار باشد که هر دو مستحق شوند شخصی گفت که اگر یکی مظلوم باشد چرا مستحق لعنت شود فرمود که برای آنکه چرا نمی آید نزد آن دیگری که او را بدارد بصله و احسان و از بدی او در گذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که آزردگی و جدائی زیاده از سه روز نمی باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که پیوسته شیطان در فرح و شادی است تا دو مسلمان از یکدیگر آزرده اند و دوری می کنند و چون باهم ملاقات کنند زانوهایش بر هم میخورد و بندهایش جدا می شود و فریاد میکند که وا ویلاه چه بلا بود که بر سر من آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر دو مسلمان که از هم دوری کنند و سه روز بگذرد که صلح نکنند از اسلام بدر میروند و میان ایشان دوستی ایمانی بر طرف می شود پس هر یک که زودتر با دیگری سخن بگوید در قیامت زودتر به بهشت خواهد رفت

فصل دهم در آداب معاشرت ظالمان و قلیلی از احوال ایشان بسند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که بشیعیان خود فرمود که ای گروه شیعه گردنهای خود را ذلیل مکنید بترک اطاعت پادشاه خود پس اگر عادل باشد از خدا بطلبید که او را از شما باقی دارد و اگر ظالم و ستمگار باشد از خدا بطلبید که او را باصلاح آورد که صلاح شما در صلاح پادشاه شماست و پادشاه عادل بمنزله پدر مهربانست از برای او بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و از برای او نخواهید

انجبا از برای خود میخواهید و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که خدا رحمت
کند کسی را که یاری کند پادشاه خود را بر نیکی کردن باو واز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هر که متعرض پادشاه ظالمی بشود واز او آزاری بیابد خدا اورا بر آن آزار ثواب ندهد و صبر او را روزی
نکند واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که هر که مدح کند پادشاه ظالمی را و نزد او
شکستگی و تذلل کند برای طمع دنیا قرین او باشد در جهنم زیرا که حقتعالی میفرماید وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ
ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ یعنی میل مکنید بسوی آنها که ظلم میکنند پس مس میکند شما را آتش و
فرمود که هر که رهنمائی کند ظالمی را بر ظلم در جهنم با هامان وزیر فرعون باشد و هر که از جانب ظالمی خصومت
کند یا یاوری آن نماید در آن خصومت چون ملک موت نزد او آید بگوید بشارت باد ترا بلعنت خدا
و آتش جهنم و هر که تازیانه در دست گرفته نزد پادشاه یا حاکم جابری بایستد حق تعالی آن تازیانه را
در قیامت اژدهای گرداند از آتش که درازی آن هفتاد ذراع باشد و مسلط گرداند آنرا براو در جهنم
ونهی فرمود از حاضر شدن بر سر سفرهٔ فاسقان و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله در وقت فوت
وصیت فرمود بحضرت امام حسن ع که دوست دار صالحان را برای اصلاح ایشان و مدارا کن بظاهر با فاسقان
و در دل دشمن ایشان باش واز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که دوست دارد بقای
ظالمان را دوست داشته است که خدای تعالی را معصیت کند و هر که دوست دارد که خدا را معصیت
کند با خدای تعالی دشمنی کرده است علانیه و در حدیث دیگر فرمود که حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام
با بنی اسرائیل میگفت که یاری مکنید ظالم را بر ظلمش که فضل شما باطل میشود واز حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم منقولست که چهار چیز است که دل را فاسد میکند و نفاق را در دل میرویاند چنانچه
آب درخت را میرویاند شنیدن سازها و خوانندگیها و فحش گفتن و بدر خانه پادشاه رفتن واز پی
شکار رفتن واز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نگاه دارید و حفظ کنید دین خود را
به پرهیزگاری از محرمات و قوت دهید دین خود را به تقیه کردن از مخالفان و مستغنی شدن بخدا از
طلب کردن حوائج از پادشاهان و بدانید که هر مؤمنی که خضوع و شکستگی کند نزد صاحب سلطنتی یا کسیکه
مخالف او باشد در دینش از برای طلب آن دنیائی که در دست او ست خدا او را گم نام کند و دشمن
دارد او را و بخود بگذارد و اگر چیزی از دنیا بدستش بیاید خدا برکت را از آن بردارد و او را ثواب ندهد

اگرچه خرج کند در حج یا عمره یا بنده آزاد کردن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که چون روز قیامت شود منادی از جانب خدای تعالی ندا کند که کجایند ظالمان و مددگاران ایشان و آنانکه دوات ایشان را لیقه گذاشته اند یا سر کیسه برای ایشان بسته اند یا مد قلمی با ایشان داده اند آنها را هم با ظالمان محشور گردانید و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هیچ بنده بپادشاهی نزدیک نمی شود مگر آنکه از خدا دور می شود و هیچ بنده مالش زیاده نمی شود مگر آنکه حسابش دشوارتر میشود و هیچ بنده اتباعش زیاده نمیشود مگر آنکه شیاطین او بیشتر می شوند و فرمود که زنهار احتراز کنید از در خانه و پادشاهان و آنها که با پادشاهان می باشند که نزدیکترین شما بآنها دورترین شما است از خدا و هر که پادشاه را بر حقتعالی اختیار کند خدا پرهیزگاری را از و بردارد و او را حیران کند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که معذور دارد ظالمی را در ظلم او خدا مسلط گرداند بر او کسی را که ظلم بر او کند پس اگر دعا کند دعایش مستجاب نشود و خدا او را بر آن ستم که میکشد ثواب ندهد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که یاری دهد ظالمی را بر مظلومی پیوسته حقتعالی بر او خشمناک باشد تا دست از آن یاری بردارد و در حدیث دیگر فرمود که در زمان حضرت موسی علیه السلام پادشاه ظالمی بود که حاجت مومنی را بشفاعت بنده صالحی بر آورد پس آن پادشاه و آن مرد صالح هر دو در یک روز مردند و مردم همگی بر جنازه آن پادشاه جمع شدند و درها و بازارها را بستند برای مردن آن تا سه روز و آن مرد صالح در خانه خود ماند تا کرمهای زمین رویش را خوردند پس حضرت موسی بعد از سه روز آن مرد صالح را با آن حال مشاهده فرمود و گفت پروردگارا آن دشمن تو بود که با آن اعزاز و اکرام او را برداشتند و این دوست تست و باین حال مانده است حقتعالی وحی فرستاد باو که یا موسی این دوست من از آن جبار حاجتی سوال کرد و او بر آورد و او را مکافات دادم برای بر آوردن حاجت آن مومن و کرمهای زمین را بر روی این مسلط گردانیدم برای سوالی که از آن جبار کرد و در حدیث دیگر منقول است که سلیمان جعفری بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که چه می فرمائید در کارهای که مردم متکفل می شوند از جانب پادشاهان حضرت فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان و یاری ایشان کردن و سعی در حوائج ایشان نمودن معادل کفر است و عمداً نظر بسوی ایشان کردن گناه کبیره است و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که هر که برود بنزد توانگری و بنزد او شکستگی کند

برای توانگری او دو ثلث دینش میبرد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول
است که هر که برود نزد پادشاه ظالمی و او را امر به پرهیزگاری کند و پند و نصیحت بگوید او را
ثواب جن و انس بوده باشد و از علی بن ابی حمزه منقولست که گفت من دوستی داشتم از نویسندگان
بنی امیه با من بخدمت حضرت جعفر صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که من در دیوان بنی امیه کار
میکردم و مال بسیاری بهم رسانیده ام حضرت فرمود که اگر نه این بود که مردم برای بنی امیه کتابت
میکنند و غنیمت برای ایشان جمع میکنند و از برای ایشان جنگ میکنند و نزد ایشان حاضر میشوند
هر آئینه حق ما را غصب نمیکردند آن شخص گفت که آیا مرا چاره هست حضرت فرمود که اگر
بگویم خواهی کرد گفت میکنم فرمود که هرچه کسب کرده در دیوان ایشان آنچه صاحبش را می شناسی
پس ده و آنچه نمی شناسی تصدق کن و اگر چنین کنی من ضامن بهشت میشوم برای تو پس آن شخص
ساعتی سر در پیش افگند پس گفت چنین میکنم علی بن حمزه گفت که آن جوان با ما بکوفه آمد و تمام مال خود را
داد حتی آنجامهائی که پوشیده بود و ما در میان خود مالی جمع کردیم و جامها برای او خریدیم و خرجی
برای او فرستادیم بعد از چند ماهی بیمار شد چون من بعیادتش رفتم در حالت جان کندن بود
پس چشم گشود و گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بضامنی خود وفا کرد این را گفت و مرد
پس او را دفن کردیم و در سال دیگر بخدمت آنحضرت رفتم چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که
والله که برای رفیق تو وفا بضامنی خود کردیم و از مفضل بن مزید که نویسنده خلفا بود و شیعه بود
منقولست که بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم که میدانید خدماتی
که من نزد این خلفا میکنم حضرت فرمود که آنچه بهم میرسانی بشیعیان بده حقتعالی امیدوارم که حسنات
گناهان و سیئات را می برد و در حدیث معتبر منقولست که صفوان شتردار آمد بخدمت حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام حضرت فرمود که همه چیز تو خوب است بغیر از آنکه شترهای خود را بهارون رشید
کرایه میدهی صفوان گفت که والله که من شتر خود را باو کرایه نداده ام برای کار بدی
یا شکاری یا لهوی ولیکن از برای راه مکه معظمه باو کرایه داده ام و من خود با او نمیروم نوکران و
غلامان خود را میفرستم فرمود که آیا میخواهی که اینقدر زنده باشند که کرایه ترا بدهند گفت بلی
فرمود که هر که زندگی ایشانرا خواهد از ایشان است و هر که از ایشان است از اهل جهنم است و در

حدیث دیگر منقولست که عبد الغفار بن قاسم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسید که چه میفرمائید
در باب رفتن بنزد پادشاه فرمود که خوب نمیدانم برای تو گفت بسیار است که بشام میروم و مرا بنزد
ابراهیم پسر ولید میبرند حضرت فرمود که رفتن بنزد پادشاه و حکام باعث سه چیز بد میشود اول
محبت دنیا دوم فراموشی مرگ سوم راضی نبودن بآنچه خدا ترا روزی کرده است گفت
یا ابن رسول الله من مرد عیال دارم و تجارت میروم بآنجا برای منفعت حضرت تجویز آن فرمود
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که راضی باشد بحکم پادشاه ظالمی و اعانت او
کند از دوستان او خواهد بود و از حضرت رسول صلوات الله علیه و آله و سلم منقول است که
دو صنف اند از امت من که صلاح ایشان موجب صلاح تمام امت است و فساد ایشان موجب
فساد جمیع امت فقیهان و پادشاهان و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود امید نجات
دارم برای هر کسیکه اعتقاد بامامت داشته باشد از این امت مگر سه کس صاحب استیلای
که ظلم کند بر رعیت خود دوم کسیکه در دین بدعت کند سوم کسیکه علانیه فسق کند و فرمود که سه کس اند که هر که
با ایشان منازعت کند ذلیل و بیمقدار می شود اول پدر دوم پادشاه سوم قرض خواه و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که بهو خاطر و کم دوست تر از همه کس پادشاهانند و در حدیث حسن از
آن حضرت منقولست که هر که حکومت اختیار کند و عدالت کند و در خانه خود را بگشاید و پرده
بردارد که همه کس را با او داشته باشند و باحوال همه مردم برسد بر خدا لازم است که ترس او را در قیامت
بایمنی مبدل گرداند و او را داخل بهشت گرداند و در حدیث دیگر فرمود که چون حقتعالی خیر رعیتی را خواهد
پادشاه مهربان بر ایشان مسلط میگرداند و برای او وزیر عادل میسر میگرداند و بسند معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که خداوند عالمیان می فرماید که منم پروردگاری که
بجز من خدائی نیست آفریده ام پادشاهان را و دلهای ایشان بدست من است پس هر گروهی که
اطاعت من بکنند دلهای پادشاهان را بر ایشان رحمت میگردانم و هر گروهی که معصیت من بکنند
دلهای پادشاهان را بر ایشان غضب میگردانم پس مشغول نگردانید خود را بدشنام دادن پادشاهان و
توبه کنید بسوی من تا دلهای ایشان را بر شما مهربان گردانم و در حدیث دیگر فرمود که چون حقتعالی
بهشت را خلق نمود فرمود که به بزرگواری خود سوگند میخورم که داخل بهشت نمیکنم کسی را که همیشه شراب

خورده و بخن چینان را و دیوث را و چوکیان ظالمان را و نشکافندگان قبرها را و تمغاچیان را
که عشور را از مردم میگیرند و قطع کننده رحم را و کسیکه بجبر قائل باشد و در حدیث دیگر فرمود
که هر که بناحق سرکرده جماعتی شود و بر ایشان استیلا یابد حقتعالی او را در کنار جهنم باز دارد از برای هر روزی
هزار سال بدارد و چون محشور شود دستهایش در گردنش بسته باشد پس اگر بامر خدا در میان ایشان عمل
کرده باشد خدا او را رها کند و اگر ظلم بر ایشان کرده باشد او را بجهنم اندازد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هر که والی مسلمانان شود و ایشان را ضایع گذارد و باحوال ایشان نپردازد خدا او را
ضایع بگذارد و رحمت خود را از او باز گیرد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست
که هر والی که مردم را ممنوع سازد از آنکه کارهای خود را باو عرض کنند حقتعالی در قیامت
حاجات او را بر نیارد و اگر چیزی برسم هدیه بگیرد چنانست که از غنیمت دزدی کرده است
که بدترین دزدیهاست و اگر رشوت گیرد چنانست که بخدا شرک آورده باشد و در حدیث
معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی وحی فرمود بسوی پیغمبری از
پیغمبران که در مملکت پادشاه جباری بود که برو و بآن پادشاه بگو که من ترا پادشاه نکرده ام که خون مردم
را بریزی و مالهای ایشان را بگیری برای این ترا پادشاه کرده ام که صداهای مظلومان را از من باز گیری
بدرستیکه من ترک باز خواست ستمهای که بر ایشان میشود نمیکنم هرچند کافر باشند و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در جهنم کوهی است که آنرا صعده میگویند و در آن کوه
وادی هست که آنرا سقر میگویند و در آن وادی چاهی است که آنرا هبهب میگویند هرگاه که پرده
آن چاه را بر میدارند اهل جهنم از گرمی آن بفریاد می آیند و آن چاه جای جباران است و در
روایت دیگر منقولست از محمد بن اسمعیل بن بزیع که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خدا را
در در خانه پادشاهان جماعتی هست که خدا دین خود را بایشان عطا فرموده است و ایشان را استیلا
بر شهرها داده است که بسبب ایشان از دوستانش ضررها و ستمها را دفع کند و ببرکت ایشان
صلاح آورد امور مسلمانان را و مومنان در حالهای بد بایشان پناه می برند و محتاجان شیعیان ما
بایشان متوسل میشوند و بایشان خداترس مومنان را بایمنی مبدل میکند و در مملکت ظالمان
ایشانند مومنان بحق و براستی و ایشانند امینان خدا در زمین و نور ایشان روشنی میدهد باهل آسمانرا

چنانچه ستاره‌ها روشنی میدهند اهل زمین را در قیامت نور ایشان عرصهٔ محشر را روشن میکنند
وایشان برای بهشت خلق شده اند اگر خواهی که از ایشان باشی شاگردان مومنان از شیعیان
ما را و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم منقولست که هر که برساند بپادشاهی حاجت کسی را که نتواند حاجت خود را باو رسانیدن
حق تعالی پاهایش را در قیامت بر صراط ثابت گرداند و در حدیث معتبر منقول است
که حمیری عرضه نوشت بخدمت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه که شخصی هست که متصدی
اوقافست و حلال میداند تصرف آنها را وبی پروا میگیرد و صرف میکند و من گاهی در راه او
وارد میشوم و اگر طعام او را نخورم با من عداوت میکند و گاهی هدیه هم برای من میفرستد حضرت
در جواب نوشتند که اگر آن مرد مالی و معاشی بغیر از آنچه در دست اوست از وقف دارد طعامش
را بخور و احسانش را قبول کن و اگر بغیر آن مال حرام چیزی دیگر ندارد طعامش را بخور و مالش را قبول
مکن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سه دعاست که از درگاه خدا رد نمی‌شود
دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرین او بر فرزند بدکار و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای بد
مظلوم برای کسیکه انتقام از ظالم برای او بکشند و دعای مومن برای مومنی که از برای
دوستی اهلبیت او را بمال خود اعانت کند و نفرین مومنی بر کسیکه اعانت او نکند با قدرت
و احتیاج آن مومن باو و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که حق تعالی
میفرماید که غضب من سخت و شدید است بر ظالمی که ظلم کند بر کسیکه یاوری بجز من نماند
و در حدیث دیگر منقولست که حقتعالی میفرماید که من مستجاب نمیکنم دعای کسی را که مظلمه از
کسی نزد او باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه وآله منقولست که ظلم کننده و یاری
کننده او بر ظلم و کسیکه راضی باین ظلم باشد هر سه در گناه شریک اند و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که هر که ظلمی بر کسی بکند حقتعالی برانگیزد کسی را که مثل آن ظلم را نسبت
باو یا فرزندان فرزندان او بکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که حق مومنی را حبس
کند حقتعالی در قیامت او را پانصد سال بر پا بدارد تا آنکه از عرقش رودخانها جاری شود و منادی
ندا کند که این است ظالمی که حق خدا را حبس کرده است پس چهل روز او را سرزنش کنند پس

بفرماید که او را بجهنم برند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که بهترین جهادها آنست که چون کسی صبح کند ظلم بر کسی در خاطر نداشته باشد

فصل یازدهم در آداب معاشرت با کافران و مخالفان

در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مومن را که با کافران اهل ذمه شراکت کند یا امانتی بایشان بدهد که برایش چیزی بخرند یا چیزی بایشان بسپارد یا دوستی با ایشان بکند و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که مسلمان را نباید که با گبر در یک کاسه چیزی بخورد و یا با او در یک فرش بنشیند و یا با او مصاحبت کند و در حدیث دیگر فرمود که اگر محتاج شوی به طبیب ترسا باکی نیست که بر او سلام کنی و او را دعا کنی که دعای تو نفعی باو نمیرساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که ابتدا مکنید اهل کتاب را بسلام و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم بگوئید در جواب ایشان و با ایشان مصافحه مکنید و ایشان را بکنیت نام مبرید مگر آنکه بآنها مضطر شوید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که من ببلاد کافران میروم و مردم میگویند که اگر آنجا بمیری با آنها محشور خواهی شد حضرت فرمود که اگر آنجا بمیری تنها آنجا محشور خواهی شد و نور تو در قیامت پیش روی تو خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که پرسیدند که دعا برای جهودان و ترسایان چگونه بکنیم فرمود که بگوئید بَارَكَ اللّٰهُ لَكَ فِي دُنْيَاكَ یعنی برکت دهد خدا از برای تو در دنیای تو و در حدیث دیگر فرمود که اگر با ایشان مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن و اگر دستش بدست تو برسد دست را بشوئی و در حدیث دیگر فرمود که اگر با اهل ذمه یعنی جهودان و ترسایان و گبران مصافحه کنی دست را بخاک یا بدیوار بمال و اگر با دشمن اهلبیت مصافحه کنی دست را بشوئی و مشهور میان علماء آنست که آن دست را بخاک یا بدیوار مالیدن بضرور نیست که دست مسلمان و ایشان هیچیک تر نباشد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر کسی با گبری مصافحه کند دستش را بشوید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که جهود یا ترسا یا گبری را ببیند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْاِسْلَامِ دِيْنًا وَبِالْقُرْاٰنِ كِتَابًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ اِمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِيْنَ اِخْوَانًا وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً

خدا تعالی میان او و آن کافران در جهنم جمع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که تقیه سپر ایمان است و ایمان ندارد کسیکه تقیه نمی کند فرمود که نه عشر دین در تقیه است
و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که تقیه در بلاد مخالفان کردن واجب
است و کسیکه از روی قسم بخورد از برای آنکه دفع ضرری از خود بکند بر او گناه و کفاره نیست
و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که تقیه بیشتر کند
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دین خود را حفظ کنید و پنهان دارید بتقیه
کردن از مخالفان بدرستیکه شما در میان سنیان از بابت مگس عسلید در میان پرندگان اگر مرغان
بدانند که عسل در شکم آنهاست یکی را زنده نمیگذارند و اگر سنیان بدانند که محبت ما در سینهٔ
شماهست هر آئینه همه شما را هلاک کنند و حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا فرمود که کسیکه
تقیه را ترک کند چنانست که نماز را ترک کرده است بدانکه تقیه در بلاد مخالفان و سنیان
واجب است هرگاه بیم ضرری باشد بآنکه اظهار دین خود نکنند بلکه دین ایشانرا اظهار کنند
و در وقتیکه ایشان مطلع باشند وضو و نماز و سائر عبادات را بطریقه خود مخفی واقع توان ساخت
وضو و نماز و سائر عبادات را بطریق ایشان بعمل آرند و آدمی خود بهتر میداند که در چه وقت خوف
ضرر است و تقیه لازم است و تقیه در بلاد شیعه و سنی در هر امری که آدمی ظن ضرر داشته باشد لازم
است مگر در خون که در آن تقیه نمی باشد مثل آنکه گویند کسی را بکش و گرنه ترا میکشیم باید که خود کشته شود
و او را نکشد فصل دوازدهم در بیان حقوق مردگان بر زندگان بدانکه چون بر کسی آثار موت ظاهر
شود اول کسیکه باید باحوال او بپردازد آن شخص خودش است که سفر ابدی و آخرت در پیش دارد و در خور
آن سفر او را توشه می باید پس اول چیزی که او را ضرور است اقرار بگناه و اعتراف بتقصیر و ندامت
از گذشتها و توبه کامل کردن است و تضرع و زاری بجناب مقدس ایزدی کردن که از گناهان گذشته
او درگذرد و در احوال و اموالی که در پیش دارد او را بخود وانگذارد پس متوجه وصیت شود و حقوق
خدا و خلق آنچه در ذمهٔ او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد که بعد از مردن اختیار از دستش بدر رود و
بحسرت در اموال خود نگرد و شیاطین جن و انس وسوسه ها کنند و اوصیا و وارثان او را مانع شوند
که ذمهٔ او را بری سازند و او را چاره نباشد و گوید برگردانید مرا که آنقدر را بجا از اعمال شایسته خواهم

در مال خود بکنم واز و نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس بقدر ثلث مال خود از برای خویشان
و تصدقات و خیرات و آنچه که مناسب احوال خود داند وصیت کند که زیاده از ثلث را اختیار
ندارد و پس از برای ذمه از برادران مومن خود بطلبد و هر کرا غیبت کرده باشد یا اهانتی یا
آزاری باو رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس کند که او را حلال کنند و اگر حاضر
نباشند از برادران مومن التماس کند که برای او ابرای ذمه بخواهند پس امور اطفال و عیال خود
را بعد از توکل بر جناب مقدس الهی بامینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن
خود را مهیا کند و از شهادتین و عقائد حق و اذکار و ادعیه و آیات آنچه در کتب مبسوطه مذکور است و این
رساله گنجایش آنها ندارد در تربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه بفرماید که بنویسند و این
در صورتیست که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیا نکرده باشد و اگر نه مومن می باید که همیشه
کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
هر که کفنش باو باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه که نظر کند بآن کفن ثواب یابد و باید که
بعد از آن در فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود و بیاد او باشد و تفکر کند که این
امور فانی بکار او نمی آید و بغیر لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی بفریاد او نمیرسد و بداند که
چون توکل بر حقتعالی کند امور بازماندگان او باحسن وجوه صورت خواهد یافت و بداند که اگر خود باقی
ماند بدون مشیت الهی نفعی بایشان نمی تواند رسانید و ضرری از ایشان دفع نمیتواند کرد و آن خداوندی
که ایشان را آفریده است از و بایشان مهربان تر است و باید که در این حال در مقام رجا و امید باشد
و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت
ائمه معصومین علیهم السلام امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم شریف ایشان باشد و بداند که
همگی در آنوقت حاضر میشوند و شیعیان خود را بشارت میدهند و ملک الموت را سفارش ها میکنند
و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو
نکند علامت نقصان عقل و مروت اوست گفتند که یا رسول الله چگونه نیکو وصیت کند فرمود که
چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
عَالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنِّیْ اَعْهَدُ اِلَیْکَ اَنِّیْ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

وحده لا شریک لک و ان محمداً صلی الله علیه و آله عبدک و رسولک و ان الساعة
آتیة لا ریب فیها و انک تبعث من فی القبور و ان الحساب حق و ان الجنة حق و ما وعد الله
فیها من النعیم من المأکل و المشرب و النکاح حق و ان النار حق و ان الایمان
حق و ان الدین کما وصفت و ان الاسلام کما شرعت و ان القول کما قلت و
ان القرآن کما انزلت و انک انت الله الحق المبین و انی اعهد الیک فی دار
الدنیا انی رضیت بک رباً و بالاسلام دیناً و بمحمد صلی الله علیه و آله نبیاً و
بعلی اماماً و بالقرآن کتاباً و ان اهل بیت نبیک علیه و علیهم السلام ائمتی
اللهم انت ثقتی عند شدتی و رجائی عند کربتی و عدتی عند الامور التی
تنزل بی و انت ولیی فی نعمتی و الهی و اله آبائی صل علی محمد و آله و لا تکلنی الی
نفسی طرفة عین ابداً و آنس فی قبری وحشتی و اجعل لی عندک عهداً یوم
القاک منشوراً پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که این عهد و پیمان میت است
با خدا روزی که میخواهد که وصیت کند و وصیت لازم و واجب است بر هر مسلمانی پس حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بعد از نقل این حدیث فرمود که تصدیق این سخن در سورهٔ مریم است
که حقتعالی میفرماید لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهداً یعنی در قیامت
مالک شفاعت نیستند مگر کسی که گرفته باشد نزد پروردگار بخشنده عهدی و این آن عهد است
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که این وصیت را
تو یاد گیر و بیاد اهلبیت خود و شیعیان خود بده چنانچه جبرئیل تعلیم من نمود و اگر صحیفهٔ خود را پیشتر
درست نکرده باشد جمعی از مؤمنان را حاضر کند و بر اعتقادات خود ایشان را گواه بگیرد باین نحو که
بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً
عبده و رسوله صلی الله علیه و آله و ان الجنة حق و ان النار حق و ان الساعة
آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور پس بنویسد بپارچه کاغذی
بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب ان اخاهم
فی الله عز و جل فلان بن فلان و نام خود و پدر خود بنویسد اشهدهم و استودعهم و اقر

عِندَ هٰذا اَنَّهُ یَشهَدُ اَن لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّهُ مُقِرٌّ بِجَمِیعِ الاَنبِیاءِ وَالرُّسُلِ عَلَیهِمُ السَّلامُ وَاَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللهِ وَاِمامُهُ وَاَنَّ الاَئِمَّةَ مِن وُلدِهِ اَئِمَّتُهُ وَاَنَّ اَوَّلَهُمُ الحَسَنُ وَالحُسَینُ وَعَلِیُّ بنُ الحُسَینِ وَمُحَمَّدُ بنُ عَلِیٍّ وَجَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَی بنُ جَعفَرٍ وَعَلِیُّ بنُ مُوسیٰ وَمُحَمَّدُ بنُ عَلِیٍّ وَعَلِیُّ بنُ مُحَمَّدٍ وَالحَسَنُ بنُ عَلِیٍّ وَالقائِمُ الحُجَّةُ عَلَیهِمُ السَّلامُ وَاَنَّ الجَنَّةَ حَقٌّ وَالنّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السّاعَةَ آتِیَةٌ لا رَیبَ فِیها وَاَنَّ اللهَ یَبعَثُ مَن فِی القُبُورِ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ رَسُولُهُ جاءَ بِالحَقِّ وَاَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللهِ وَالخَلِیفَةُ مِن بَعدِ رَسُولِ اللهِ وَمُستَخلَفُهُ فِی اُمَّتِهِ مُؤَدِّیاً لِاَمرِ رَبِّهِ تَبارَکَ وَتَعالیٰ وَاَنَّ فاطِمَةَ بِنتَ مُحَمَّدٍ وَابنَیها الحَسَنَ وَالحُسَینَ اِبنا رَسُولِ اللهِ وَسِبطاهُ اِماما الهُدیٰ وَقائِدا الرَّحمَةِ وَاَنَّ عَلِیّاً وَمُحَمَّداً وَجَعفَراً وَمُوسیٰ وَعَلِیّاً وَمُحَمَّداً وَعَلِیّاً وَحَسَناً وَالحُجَّةَ عَلَیهِمُ السَّلامُ اَئِمَّةٌ وَقادَةٌ وَدُعاةٌ اِلَی اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحُجَّةٌ عَلیٰ عِبادِهِ پس بگوید بگواهان که نام شان در آن صحیفه نوشته خواهد شد یا فلان یا فلان یا فلان ونام شانرا بگوید اِثبِتُوا لِی عَلیٰ هٰذِهِ الشَّهادَةَ عِندَکُم حَتّیٰ تَلقَونِی بِها عِندَ الحَوضِ پس گواهان با و بگویند یا فلان نَستَودِعُکَ اللهَ وَالشَّهادَةُ وَالاِقرارُ وَالاِخاءُ مَوعُودَةٌ عِندَ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ وَنَقرَءُ عَلَیکَ السَّلامَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ پس صحیفه را به پیچد و مهر کنند بمهر آن شخص خود و بمهر گواهان واز جانب راست میت با جریده بگذارند واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که بر سر شخصی از انصار در وقت جان کندن حاضر شدند وازاو پرسید که خود را چون می یابی گفت که امید رحمت الهی دارم واز گناهان خود میترسم فرمود که این دو حالت در چنین وقت در دل کسی نمی باشد مگر آنکه خدا امیدش را امید بدهد وازانچه که می ترسد اورا ایمن میگرداند ودر حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم حاضر شدند بنزد شخصی که در حال احتضار بود فرمود که بگو اَللّٰهُمَّ اغفِر لِیَ الکَثِیرَ مِن مَعصِیَتِکَ وَاقبَل مِنِّی الیَسِیرَ مِن طاعَتِکَ واما آنچه متعلق بخویشان وبرادران مومن است باید که اورا درچنین حالی تنها نگذارند ونزد او قرآن ودعا بخوانند وسوره یٰس والصافات نزد او بخوانند

و اعتقاد بوحدانیت خدا و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و امامت ائمه معصومین صلوات الله
علیهم اجمعین و سائر اعتقادات حق را از بهشت و دوزخ و صفات کمالیه الهی و تنزیه خدا از
نقائص مکرر بگویند که او بگوید و اگر نتواند گفت بر او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند
و معنیش را اگر عربی نداند بر او القا کنند و پایش را بسوی قبله کنند و در آنوقت حائض
و جنب نزد او نیایند که ملائکه از ایشان نفرت می کنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد بر اے
اضطرار نزد او باشند و چون نزدیک شود که جانش بیرون رود تنها بیرون روند و در احادیث
معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار شود آنرا ببرند بآنجائی که همیشه نماز میکرده
است یا بر روی جانمازی که بر او نماز میکرده است او را بخوابانند که اگر امید شفا هست
شفا می یابد و اگر نه جانش بآسانی بیرون می آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم داخل شدند بر شخصی از فرزندان عبد المطلب و او در حال احتضار بود
فرمودند که پاے او را بسوی قبله کنید تا ملائکه باو رو آورند و رحمت الهی متوجه او گردد و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زینهار در حالت احتضار دست بر او مگذارید
و اگر دست و پا زند مانعش مشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید
و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندے از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام در کنار خانه نشسته
بودند و هرگاه کسی نزدیک او میرفت منع میکردند و می فرمودند که دست بر او مگذارید که او درین
حالت در نهایت ناتوانی است و هر که دست بر او میگذارد چنان است که او را کشته است
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که تلقین کنید مردگان
خود را که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بگویند که هر که آخر سخنش کلمهٔ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ باشد داخل بهشت شود و در
حدیث دیگر فرمود که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ تلقین ایشان بکنید که گناهان را درهم می شکند و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان کندن بیابند
این کلمات فرج را تلقین کنند که او بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِیْنَ السَّبْعِ وَمَا

فِیهِنَّ وَ مَا بَیْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و در حدیث دیگر
منقول است که هرکه از اهل خانه حضرت امیر المؤمنین محتضر میشد آنحضرت کلمات فرج را تلقین
ایشان میفرمودند که بخوانند چون میخواندند می فرمودند که برو که دیگر بر تو باکی نیست و در حدیث
حسن دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند
در حالت جان کندن و فرمودند که این کلمات را بخوان چون خواند گفتند الحمد لله که خدا او را
از آتش جهنم نجات داد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هیچکس
نیست مگر آنکه شیطان جمعی از شیاطین را موکل میگرداند براو در وقت مردن که او را بشک اندازد و
در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر کسی مومن کامل باشد نمی تواند او را بشک اندازد پس
در آنحال تلقین ایشان بکنند کلمات فرج و شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام یک یک را
تا واز سخن گفتن باز ماند و در حدیث دیگر فرمود که اگر بت پرستی در وقت مردن اقرار بامامت
ائمه معصومین علیهم السلام بکند و دین تشیع را اعتقاد کند آتش جهنم بهیچ عضو او نرسد و در حدیث
دیگر فرمود که شخصی را مرگ در رسید حضرت رسول نزد او حاضر شدند با جماعتی از صحابه و او بیهوش بود
پس حضرت فرمودند که ای ملک الموت دست از او بردار تا از او سوال کنم پس آن شخص بهوش
آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار می بینم حضرت فرمود
که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت سیاهی پس حضرت فرمود که بگو اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الْکَثِیرَ
مِنْ مَعَاصِیکَ وَ اقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ مِنْ طَاعَتِکَ پس آنشخص بیهوش شد باز بملک الموت فرمود
که دست از او بردار پس او بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت که سفیدی بسیار و
سیاهی بسیار فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت که سفیدی حضرت فرمود که او را آمرزیدند
پس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نزد هرکه حاضر شوید در این حال بگوئید که این دعا را
بخواند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نزد جوانی حاضر شدند
در وقت مردن و باو گفتند که بگو لا اله الا الله زبانش بند شده بود و نشد الست گفت حضرت
پرسیدند از زنی که بر بالین او نشسته بود که این مادر دارد گفت که من مادر او یم فرمود
که از و خوشنودی یا بر او غضب ناکی گفت شش سال است که باو سخن نگفته ام فرمود که از و راضی شو

پس حضرت با آنجوان گفت که بگو لا اله الا الله زبانش گشوده شد و گفت پس حضرت از او
پرسیدند که چه چیز می بینی گفت که مرد سیاهی بد روی بد بوی جامه چرکین را می بینم که نزدیک من
است و گلوی مرا گرفته بود حضرت فرمود که بگو یا مَن یَقبَلُ الیَسِیرَ وَیَعفُو عَنِ الکَثِیرِ اِقبَل
مِنّی الیَسِیرَ وَاعفُ عَنّی الکَثِیرَ اِنَّکَ اَنتَ الغَفُورُ الرَّحِیمُ چون آنجوان اینها را خواند
حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت که مرد سفید روی خوشبوی خوش جامه را می بینم که نزدیک
من است و آن مرد سیاه میرود فرمود که بار دیگر اینها را بخوان چون خواند فرمود که چه چیز می بینی
گفت که آن سیاه را نمی بینم و سفید را می بینم که نزدیک من است این را گفت و فوت شد پس چون
فوت شود سنت است که دهانش را بر هم گذارند و چانه اش را به بندند و چشمش را بر هم گذارند
و دستهایش را به پهلوهایش بکشند و جامه بر رویش بیندازند و قرآن نزد او بخوانند و زود
بردارندش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار آنست که برادرانرا
خبر کنند برای بردن او تا بجنازه او حاضر شوند و بر او نماز کنند و برای او استغفار کنند و میت
ثواب ببرد و ایشان ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول
است که چون مومن را بقبر میگذارند ندا می کنند او را که اول عطائی که ترا دادیم بهشت است و اول
عطائیکه دادیم آنهارا که بجنازه تو آمده بودند آمرزش گناهان است و در حدیث دیگر فرمود که اول
تحفه که بمومن میدهند در قبر آن است که می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در حدیث
دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مومنی بکند تا او را دفن کنند حقتعالی در قیامت هفتاد ملک
با او بگمارد که همراهی او کنند و استغفار برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که
یکطرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان
بیرون آید و بهتر آنست که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش
راست خود بردارد و پس پای راست میت را بدوش راست خود بردارد پس پای چپ میت را
بدوش چپ بردارد و پس دست چپ میت را بدوش چپ بردارد پس چون خواهد که دیگر تربیع
کند از پیش روی جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و بهمان روش تربیع بجا آورد و
بهتر آنست که پشت جنازه یا پهلوی جنازه راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر احادیث آنست

که اگر جنازهٔ مومن باشد پیش آن راه رفتن خوب است و در جنازهٔ مخالف مذهب پیش آن نباید
رفت زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب می کنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که جنازه را ببیند و این دعا بخواند هیچ ملکی در آسمان
نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر آواز او اَللهُ اَکْبَرُ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللهُ وَ رَسُولُهٗ وَ صَدَقَ اللهُ
وَ رَسُولُهٗ اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِیْمَانًا وَ تَسْلِیْمًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَ قَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که تشییع جنازه بکند بهر قدمی که بردارد
صد هزار حسنه برای او نوشته شود و صد هزار گناه از و محو شود و صد هزار درجه برای او بلند شود
و اگر بر جنازه اش نماز کند حقتعالی بعد از فوت او صد هزار ملک را بفرستد که بر جنازهٔ او نماز کنند
و از برای او استغفار کنند تا وقتیکه دفن شود و اگر بماند تا وقت دفن همان صد هزار
ملک را حقتعالی مقرر فرماید که از برای او استغفار کنند تا از قبرش بیرون آید در قیامت و
در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر مومنی که مومنی را غسل دهد و چون
او را از پهلو به پهلوی بگرداند و این دعا بخواند گناهان یک سالهٔ او آمرزیده شود مگر گناهان کبیره
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَ قَدْ اَخْرَجْتَ رُوْحَهٗ مِنْهُ وَ فَرَّقْتَ بَیْنَهُمَا فَعَفْوَكَ
عَفْوَكَ و در حدیث دیگر فرمود که هر که میتی را غسل بدهد و آنچه از عیبهای آن میت
بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند گناهانش آمرزیده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت موسی
علی نبینا و علیه السلام از پروردگار خود پرسید که چه ثواب دارد کسیکه میتی را غسل بدهد وحی باو
رسید که او را از گناهان می شویم مانند روزیکه از مادر متولد شده و در حدیث حسن از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مومنی که مومنی را غسل دهد و در وقت غسل او چون
نکر بگوید رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ خدا او را بیامرزد و در فقه الرضا مذکور است که در وقتیکه دست
بر شکمش بمالد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ حُبَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِمْ فِیْ تَطْنِیَهٖ
فَاسْئَلُكَ بِهٖ سَبِیْلِیْ رَحْمَتِكَ و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هر که کفن کند مومنی را چنانست که ضامن پوششش او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند
از برای مومنی قبری چنان باشد که او را در خانهٔ موافقی جا داده باشد تا روز قیامت و از حضرت

رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ ہر کہ بر جنازہ نماز کند ہفتاد ہزار ملک بر او نماز کنند و
گناہان گذشتہ اش آمرزیدہ شود پس اگر ہمراہی کند تا او را دفن کنند بہر قدمے کہ بردارد قیراطے
از ثواب باو بدہند کہ آن قیراط مانند کوہ احد باشد و در حدیث دیگر فرمود کہ ہر مومنے کہ بر
جنازہ نماز کند بہشت او را واجب گردد مگر آنکہ منافق یا عاق پدر و مادر باشد و بسند معتبر
از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقولست کہ چون مومنی بمیرد و بر جنازۂ او چہل نفر از
مومنان حاضر شوند و بگویند اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مِنَّا یعنی
خداوندا ما از و بغیر از نیکی نمیدانیم و تو دانا تری باحوال او از ما چون این را بگویند حقتعالی فرماید
کہ من شہادت شما را قبول کردم و آمرزیدم آن گناہانی را کہ من میدانم و شما نمیدانید و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ اول چیزیکہ در عنوان نامۂ
مومن می نویسند بعد از مرگش آن چیزیست کہ مردم در حق او میگویند اگر نیک میگویند نیک می نویسند
و اگر بد میگویند بد می نویسند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقول
است کہ چون میت را بقبر رسانی او را از جانب پائی قبر داخل کن پس چون در قبرش گذاری
آیۃ الکرسی بخوان و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَاٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهٗ فِيْ قَبْرِهٖ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهٖ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِيْ اِحْسَانِهٖ
وَاِنْ كَانَ مُسِيْئًا فَاغْفِرْ لَهٗ وَارْحَمْهُ وَتَجَاوَزْ عَنْهُ و استغفار از برائیش
بسیار بگو و حضرت علی بن الحسین علیہ السلام چون میت را داخل قبر میکردند این دعا میخواندند
اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَصَاعِدْ عَمَلَهٗ وَلَقِّهٖ مِنْكَ رِضْوَانًا و در حدیث دیگر
فرمود کہ چون میت را بقبر در گذارند باید کہ او لاے مردم باو نزدیک سرش باشد و نام خدا تعالی
ببرد و صلوات بر حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بفرستد و پناہ برد بخدا از شر شیطان
و سورۂ حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل ہو اللہ احد و آیۃ الکرسی بخواند
و اگر تواند رویش را برہنہ کند و بر خاک بگذارد و در آنجا تلقین کند او را بشہادتین و اقرار
بائمۂ معصومین علیہم السلام و سائر اعتقادات حق و در حدیث دیگر فرمود کہ چون خاک بر
میت بریزی بگو اِيْمَانًا بِكَ وَتَصْدِيْقًا بِبَعْثِكَ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ

تا آنکه بعدد هر ذره از آنخاک حسنه در نامه آن نوشته شود و چون قبر را پر کنند و مردم برگردند نزدیکترین مردم باو نزدیک سر قبر بنشیند و بآواز بلند او را تلقین کند که این تلقین باعث این میشود که منکر و نکیر از و سوال نکنند و سنت مؤکده است که در نزد قبر بعد از دفن میت اهل او را تعزیت بگویند و پیش از دفن میت نیز مستحب است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که اندوهگین را تعزیت بگوید در قیامت او را حله بپوشانند و مثل ثواب آن صاحب مصیبت او را باشد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مردگان را زیارت کنید که ایشان خبر میشوند بعد از رفتن شما و شادی میشوند و بشما انس میگیرند و چون نزدیک قبر روید بگوئید اَللّٰهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَصاعِدْ اِلَيْكَ اَرْواحَهُمْ وَلَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْواناً وَاَسْكِنْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ ما تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَتُؤْنِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مومن خود برود و رو بقبله دست بر قبرش بگذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و در روایت دیگر منقولست که حقتعالی او را و صاحب قبر را هر دو بیامرزد و در روایت معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام نزد قبر یکی از شیعیان ایستادند و این دعا خواندند اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَآنِسْ وَحْشَتَهُ وَآمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ ما يَسْتَغْنِي بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ كانَ يَتَوَلّاهُ و در روایت دیگر منقولست که هر که سوره انا انزلناه نزد قبر مومنی بخواند هفت مرتبه حقتعالی ملکی را بفرستد که عبادت الهی کند نزد قبر او و ثواب عبادت آن ملک را برای آن میت بنویسد و چون از قبرش محشور شود بهر هولی از اهوال قیامت که برسد حق تعالی بسبب آن ملک آن هول را از و دفع کند تا داخل بهشت شود و منقولست که مستحب است که نزد قبر مومنی سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه بخواند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که بر قبرستان بگذرد و یازده مرتبه سوره قل هو الله احد

بخواند و ثوابش را بمردگان آن قبرستان بخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد بدانکه چون این رساله
محل ذکر احکام احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن نبود قلیلی از آداب در اینجا مذکور شد که این رساله از این فوائد
خالی نباشد و مفصل همگی در کتاب بحار الانوار مذکور است باب یازدهم در آداب مجالس از
سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و آداب عطسه کردن و آداب نشستن و برخاستن
و صحبت داشتن و امثال اینها فصل اول در فضیلت سلام و آداب آن در حدیث معتبر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اصحاب خود را امر فرمود به هفت
خصلت عیادت بیماران و مشایعت جنازه مردگان و قبول کردن گفته کسیکه این کس را
قسم دهد و دعا کردن برای کسیکه عطسه کند و یاری کردن مظلوم و بهر کس سلام کردن و قبول
ضیافت کردن و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که در بهشت غرفه چند هست که
از اندرونش بیرون می نماید و بیرونش اندرون می نماید کسی از امت من در آنها ساکن می شود
که زبان نیک با مردم سخن گوید و طعام بمردم بخوراند و افشای سلام بکند و نماز کند در شب
در وقتیکه مردم همه در خواب باشند پس فرمود که افشای سلام آنست که بخل نورزد بسلام
کردن بر احدی از مسلمانان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که جمله تواضع و
شکستگی آنست که با هر که برخوری سلام بکنی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که هر که ابتدا کند بسخن گفتن پیش از سلام جوابش بگوئید و کسی را بطعام خود مطلبید
پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که عاجزترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد
و بخیل ترین مردم کسی است که بسلام کردن بخل کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بده نفر
از مسلمانان برخورد و برایشان سلام کند ثواب یک بنده آزاد کردن در نامه عملش نوشته
می شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مومنی که بجماعتی از مومنان
سلام کند ملائکه در جواب سلام او میگویند سَلَامٌ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ اَبَدًا
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که سلام کردن سنت است و
جواب سلام گفتن واجب است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
چون کسی سلام کند بلند سلام کند که بشنوند تا نگوید که سلام کردم و جواب سلام من نگفتند

و چون کسی جواب سلام بگوید بلند بگوید که آن سلام کننده نگوید که من سلام کردم و جواب سلام
من نگفتند و در حدیث دیگر فرمود که هر که اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ بگوید ده حسنه برای او باشد و اگر
سَلامٌ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ بگوید سی حسنه برای او بنویسند و در حدیث دیگر فرمود
که سه کس اند که بصیغه جمع با ایشان سخن می باید گفت هر چند که تنها باشند کسیکه عطسه کند میگوید
که یَرْحَمُکُمُ اللهُ هر چند دیگری با او نباشد و کسیکه سلام بر کسی کند میگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ
و کسی که کسی را دعا کند میگوید عافاکُمُ اللهُ هر چند که یکی باشد زیرا که با اینها ملائکه میباشند
و در قصد مومنان غائب را هم داخل میتوان کرد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست
که مکروه است که کسی بگوید حَیّاکَ اللهُ مگر آنکه بگوید حَیّاکَ اللهُ بِالسَّلامِ و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که سه کس اند که بر ایشان سلام نمیباید کرد کسی که با جنازه راه رود و
کسیکه بنماز جمعه رود و کسیکه در حمام باشد و حمل کرده اند بر صورتیکه لنگ نبسته باشد
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون داخل مسجد شوی و مردم نماز کنند
بر ایشان سلام مکن و بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم سلام کن و متوجه نماز شو و اگر
به مجلسی داخل شوی که مردم سخن گویند بر ایشان سلام بکن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
و آله منقولست که کسیکه داخل خانه خود شود بر اهل خانه سلام کند و اگر اهلی نداشته باشد و خانه
خالی باشد بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْنا مِنْ رَبِّنا و فرمود که اگر کسی ترا بگوید حَیّاکَ اللهُ بِالسَّلامِ
در جواب بگو اَنْتَ فَحَیّاکَ اللهُ بِالسَّلامِ وَاَحَلَّکَ دارَ الْمُقامِ و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم منقولست که چون یکدیگر را ملاقات کنید سلام و مصافحه کنید و چون از
یکدیگر جدا شوید طلب آمرزش از برای یکدیگر بکنید و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه
داخل خانه شود سلام بکند که سبب برکت می شود و ملائکه انس میگیرند با آن خانه و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون زن بر جماعتی داخل شود بگوید عَلَیْکُمُ السَّلامُ
و چون مرد داخل شود بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ و در بعضی از اخبار وارد شده است که چند کس اند
که بر ایشان سلام نمی باید کرد جهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسیکه در بیت الخلا باشد
و کسیکه بر سر خوان شراب نشسته باشد و بر شاعری که بر زنان محصنه و عفیفه فحش گوید و بر جماعتی که

و بحسب طبعی ایشان دشنام مادر است و بر کسیکه نرد یا شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کند و بر
کسیکه طنبور یا عود نوازد و بر مردی که مردم با او عمل لواطت کنند و بر کسی که در اثنای نماز باشد
و بر کسی که سود خورد و بر فاسقی که علانیه فسق کند و بر زانیه و زانی و در روایت دیگر وارد شده است
که سلام کردن بر کسیکه شطرنج بازی کند گناه کبیره است و همچنین نهی وارد شده است از سلام
کردن بر کسیکه شراب خورد و ظاهر اینست که اکثر اینها محمول باشد بر اینکه سلام کردن بر اینها فضیلت
بسیار ندارد و یا بر آنکه از روی مهربانی و محبت و راضی بودن بگناه ایشان سلام بر ایشان
نباید کرد زیرا که اخبار بسیار وارد شده است که بر همه کس سلام کردن خوب است و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون کسی از مجلسی برخیزد و وداع کند
اهل آن مجلس را به سلام کردن که اگر بعد از و حرف خیری بگویند در ثواب شریک ایشان خواهد بود
و اگر حرف بدی گویند گناهش بر ایشان خواهد بود و بر او گناهی نخواهد بود و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که کوچک بر بزرگتر سلام میکند و کسی که گذرد بر کسی که نشسته باشد
سلام میکند و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام می کنند و در حدیث دیگر فرمود که سواره
باید که بر پیاده سلام بکند و استر سوار بر خر سوار سلام کند و اسب سوار بر استر سوار سلام کند
و ایستاده بر نشسته سلام کند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که چون جماعتی بر جماعتی
بگذرند یکی از ایشان که سلام کند از دیگران مجزیست و اگر کسی بر جماعتی سلام کند و یکی از اینها که جواب
بگوید از دیگران مجزیست و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و
آله و سلم بر زنان سلام میکردند و ایشان جواب میگفتند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر زنان
پیر سلام میکردند و کراهت داشتند از سلام کردن بر زنان جوان و می فرمودند که می ترسم
خوشم آید آواز او و گناه بر من داخل شود زیاده از ثوابی که بسلام کردن طلب میکنم و امثال اینها را
برای تعلیم دیگران میفرمودند و خود از امثال اینها معصوم و منزه بودند و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که ابتدا مکنید اهل کتاب یعنی یهود و نصارا و مجوس را بسلام
و چون ایشان سلام کنند بگوئید عَلَیکُم و در روایت دیگر فرمود که چون یهودی یا
نصرانی یا مشرک و بت پرست بر تو سلام کنند بگو عَلَیکَ و بر آنکه از جمله اسلامها سلام

رخصت است که چون خواهند داخل خانهٔ کسی شوند بیشتر سنت است که در بیرون خانه سه مرتبه سلام
کنند اگر جواب سلام بشنوند داخل شوند و اگر نه برگردند و جواب این سلام واجب نیست و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که رخصت طلبیدن سه مرتبه است در مرتبهٔ اول میشنوند
در مرتبهٔ دوم حذر می کنند در مرتبهٔ سوم اگر میخواهند رخصت میدهند و اگر نمیخواهند ساکت میشوند
که او برگردد و حق تعالی فرموده است که داخل مشوید در خانه غیر خانه های خود تا استیناس نکنید
و سلام بر اهلش نکنید حضرت صادق علیه السلام فرمود که استیناس کفش بر زمین زدنست و
سلام کردن است که ایشان خبر شوند فصل دوم در فضیلت مصافحه یعنی دست یکدیگر را گرفتن
و معانقه یعنی دست در گردن یکدیگر کردن و بوسیدن و آداب هر یک در حدیث صحیح از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از تمامی تحیت و سلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردن
است و تمامی سلام کردن کسی که از سفر آمده باشد دست در گردن یکدیگر کردن است و در حدیث
معتبر از ابو عبیده منقولست که گفت من هم ردیف حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم و من
اول بکجاوه میرفتم پس آنحضرت بکجاوه میرفتند و چون هر دو در کجاوه درست می نشستیم حضرت
بر من سلام میکردند و احوال از من میگرفتند مانند کسی که مدتی باشد که یکدیگر را ندیده باشند
و با من مصافحه میکردند و چون از کجاوه فرود می آمدیم اول آنحضرت فرود می آمدند پس چون هر دو
بر زمین قرار میگرفتند سلام میکردند و احوال میگرفتند مانند کسی که مدتها یکدیگر را ندیده باشند
من گفتم که یا ابن رسول الله شما کاری چند می کنید که مردمی که نزد ما هستند چنین نمی کنند حضرت
فرمود که مگر نمیدانی که مصافحه کردن چه ثواب دارد بدرستیکه دو مومن که با یکدیگر ملاقات کنند
و مصافحه کنند پیوسته گناهان از ایشان میریزد چنانچه برگ از درخت میریزد و حق تعالی
نظر رحمت بسوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث دیگر از ابو حمزه منقول است
که گفت من هم کجاوه بودم با حضرت امام محمد باقر علیه السلام پس چون بار را فرود آوردیم حضرت
اندکی راهی رفتند پس آمدند و دست مرا گرفتند و فشار سختی دادند گفتم فدایت شوم من با شما
بودم در کجاوه حضرت فرمود که مگر نمیدانی که مومن چون اندکی حرکت بکنند و بعد از آن دست برادر
مومن خود را بگیرد و با او مصافحه کند حق تعالی نظر لطف بسوی ایشان میکند و در وی

رحمت خود را بجانب ایشان میگرداند و گناهان میفرماید که فرو ریزند از ایشان تا آنکه چون از یک
دیگر جدا می شوند دیگر هیچ گناه بر ایشان نمانده است و در حدیث حسن از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که حد مصافحه آنست که دو دور درخت خرما بگردند پس بعد از آن باز
مصافحه سنت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سزاوار آنست که دو مومن که از
یکدیگر پنهان شوند اگرچه بدرختی باشند که در میان ایشان فاصله شود پس چون ملاقات کنند باید
که مصافحه کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که دست را دیرتر برمیدارد ثوابش بیشتر است
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هرگز با کسی
مصافحه نکردند که دست را از دست او بکشند تا آنکه آن شخص دست را میکشید و در حدیث دیگر فرمود
که با یکدیگر مصافحه کنید که کینه ها را از سینه ها میبرد و فرمود که مصافحه کردن با مومن بهتر است
از مصافحه کردن با ملائکه و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله و سلم منقولست
که چون با برادران مومن ملاقات نمائید با ایشان مصافحه کنید و بشاشت و خوشحالی
نزد ایشان ظاهر کنید تا آنکه چون جدا شوید هیچ گناه بر شما نمانده باشد و با دشمن خود نیز مصافحه
کنید هر چند او نخواهد که حق تعالی چنین امر فرموده است و باعث دفع دشمنی او می شود
و در حدیث دیگر از اسحق صراف منقولست که گفت من در کوفه می بودم و شیعیان بسیار بنزد
من می آمدند من از شهرت ترسیدم و غلام خود را امر کردم که هر که مرا خواهد بگو که اینجا نیست پس
در آن سال بحج رفتم و چون بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم آن حضرت را از خود متغیر یافتم
گفتم فدایت شوم چه چیز باعث تغیر شما شده است از من فرمود که آنچه باعث تغیر تو شده است
از مومنان گفتم فدایت شوم از شهرت ترسیدم و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست
میدارم حضرت فرمود که ای اسحاق ملال بهم مرسان از بسیار آمدن برادر مومن بدیدن تو
که چون مومن با برادر مومن خود میخورد و با او مرحبا میگوید خدا از برای او تا قیامت مرحبا
می نویسد پس چون با یکدیگر ملاقات می نمایند و مصافحه می کنند حق تعالی میان دو ابهام
ایشان صد رحمت میفرستد که نود و نه تای آنها از آنست که دیگری را بیشتر دوست میدارد
پس حقتعالی روی رحمت را بسوی ایشان میگرداند و هر یک که دیگری را بیشتر دوست میدارد

روی رحمت بسوی او بیشتر است پس چون دست در گردن یکدیگر کنند رحمت الهی ایشانرا فرو میگیرد
پس چون از برای خدا بایکدیگر بایستند و غرض دنیوی نداشته باشند بایشان خطاب میرسد که
آمرزیده شدید عمل را از سر گیرید پس چون از یکدیگر احوال بگیرند و سخن گویند ملائکه بایکدیگر
گویند که دور شوید که ایشان میخواهند که بایکدیگر رازی بگویند و خدا بر ایشان پوشانیده است
اسحاق گفت که پس حرفی که میگوییم ملائکه نمی نویسند حضرت آهی بلند کشیدند و گریستند آنقدر
که آب دیدهٔ مبارک ایشان بر رو و ریش روان شد و فرمودند که ای اسحاق حقتعالی ملائکه را
امر فرموده است که چون دو مومن بایکدیگر ملاقات کنند از ایشان دور شوند برای تعظیم ایشان
و اگرچه ملائکه نمی نویسند اما خداوندی که مطلع است بر احوال ایشان و راز نهان و آنچه در سینه ها
نهان است نزد او آشکار است میداند که چه میگویند پس ای اسحاق از خدا بترس چنانچه
گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و اگر گمان میکنی که او ترا نمی بیند کافر میشوی
و اگر میدانی که او ترا می بیند و گناه را از مخلوقین پنهان میکنی و نزد او هویدا میکنی پس او را
از همه کس سهلتر شمرده و در حدیث دیگر فرمود که شما را در مصافحه کردن مثل ثواب آنها
هست که در راه خدا جهاد می کنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که هر مومنی که از خانه بیرون رود بقصد دیدن برادر مومن خود و حق او را شناسد
حقتعالی بهر گامی حسنه در نامهٔ عملش بنویسد و گناهی را از او محو کند و درجهٔ برای او بلند کند پس
چون در خانهٔ آن مومن را بکوبد درهای آسمان برای او گشوده شود پس چون بایکدیگر ملاقات کنند
و مصافحه کنند و دست در گردن یکدیگر کنند حقتعالی روی رحمت خود را بسوی ایشان بگرداند
پس حقتعالی با ایشان با ملائکه مباهات کند و فرماید که نظر کنید بسوی این دو بندهٔ من که بدیدن
یکدیگر رفتند و از برای رضای من بایکدیگر دوستی کردند بر من لازم است که بعد از این ایشانرا
عذاب نکنم پس چون برگردد او را مشایعت کنند ملکی چند بعدد نفسها و گامها و
سخنهای او که او را حفظ کنند از بلاهای دنیا و آخرت تا روز دیگر آنوقت و اگر در این میان
بمیرد از حساب قیامت نجات یابد و اگر آن مومن دیگر هم حق او را شناسد و حرمت او را داند همین
ثواب او هم داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شما شیعیان را نوری در پیشانی

هست که بآن تو نشمار او رو بنامی شناسند چون بیک دیگر بخورید آن موضع نور را از پیشانی یکدیگر ببوسید و در حدیث حسن دیگر فرمود که نمی باید بوسید سر و دست کسی را مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یا کسی که مراد از بوسیدن سر و دست او حضرت رسول باشد و محتمل است که مخصوص ائمه معصومین علیهم السلام باشد و اظهر آنست که شامل سادات و علما نیز باشد زیرا که تعظیم ایشان برای آن می کنند که فرزندان آنحضرت یا حافظ علوم و مروج دین آنحضرت اند و احوط آنست که بغیر دست پیغمبر و امام را نبوسند چنانچه در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شائسته نیست دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست کسیکه خویش خود را برای خویشی ببوسد باکی نیست و برادر مومن را پهلو های روی ایشان را ببوسند و امام را میان دو چشمش ببوسند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دهان را بوسیدن نمی باشد مگر از برای زن و فرزندان خود **فصل سوم در آداب نشستن مجالس** از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که وصیت فرمود بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله که هشت کس اند که اگر خوار شوند ملامت نکنند مگر خود را کسیکه حاضر شود بر سر سفره که او را نخوانده باشند و کسیکه تحکم کند بر صاحب خانه و کسیکه طلب خیر کند از دشمنان خود و کسیکه توقع احسان کند از لئیمان و بخیلان و کسیکه خود را درآورد در رازی که میان دو کس باشد بی رخصت ایشان و کسیکه استخفاف نماید پادشاه و کسیکه در مجالس در جائی بنشیند که او سزاوار آن نباشد و کسیکه سخن با کسی گوید که گوش بسخن او ندهد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که کسی که مجموع این سه خصلت یا یکی از آنها در او نباشد و در صدر مجلس بنشیند احمق است اول آنکه هر چه بپرسند جواب تواند گفت دوم آنکه چون دیگران عاجز شوند او حق را بیان تواند کرد سوم آنکه راه نمائی برائی که صلاح اهلش در آن باشد تواند کرد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سزاوار نیست مومن را که بنشیند مگر بعد از آن جماعتی که نشسته اند زیرا که پا بگردن مردم گذاشتن و بالا رفتن علامت سبکی عقل است و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که از علامات تواضع و فروتنی آنست که آدمی راضی شود بمجلسی که پست تر باشد از مجلسی که سزاوار او است

و بهر که برسد سلام کند و ترک مجادله بکند هر چند حق با او باشد و نخواهد که او را به پرهیزگاری ستایش
کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون مردم در جای خود بنشینند و دیگری در آید اگر کسی از ایشان
او را بطلبد و جا از برای او بگشاید برود که آن کرامتی است که نسبت باو کرده است برادر مومن
او را اگر کسی جایی از برای او نگشاید هر جا که گشاده تر است آنجا بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که
چون کسی بخانه شخصی بیاید هر جا که صاحب خانه بفرماید بنشیند که صاحب خانه نیک و بد خانه خود
را بهتر میداند و حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که زنهار که بر راهها منشینید
و در حدیث دیگر فرمود که نباید کسی در میان جماعتی بنشیند و جامه را از زانهای خود دور کند و از حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که راضی باشد به نشستن در جائیکه مناسب قدر او
بالاتر از آن باشد پیوسته خدا و ملائکه بر او صلوات میفرستند تا برخیزد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم داخل مجلسی می شدند هر جا که بدرگاه نزدیکتر
بود می نشستند و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در اکثر اوقات
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رو بقبله می نشستند و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام در خانه خود نزدیک درگاه می نشستند رو بقبله و در حدیث دیگر منقول
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم سه روش می نشستند گاهی زانوها را از زمین برپا میداشتند
و دستها را بر ما بین زانوها گذاشته ساعد یکدست را بدست دیگر میگرفتند و گاهی دو زانو می نشستند
و گاهی یکپا را بر روی پای دیگر میگذاشتند و هرگز چهار زانو نمی نشستند و در حدیث حسن
از ابو حمزه منقولست که گفت دیدم حضرت امام زین العابدین علیه السلام نشسته بودند
و یکپا را بالای ران پای دیگر گذاشته بودند گفتم که مردم این نشستن را خوب نمیدانند و میگویند
که این نشستن پروردگار است حضرت فرمود که من از برای واماندگی چنین نشسته ام و خدا را
واماندگی نمی باشد و او را پینکی و خواب نمی باشد و جسم نیست و نشستن او را نمی باشد و در
روایت دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام چنین نشسته بودند و پای راست را
بر روی ران چپ گذاشته بودند و در حدیث معتبر منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله
وسلم فرمود که سزاوار نیست که جماعتی که با یکدیگر بنشینند تا ایشان را بقدر استخوان و ذراع که

تقریباً یک شبر باشد از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند که اگر با آزار تنگ نشوند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آدم شمار کسی را که در جای تنگ چهار زانو بنشیند و در چند حدیث وارد شده است که احتبا دیوار عربانست و احتبا آنست که پاها را با پشت بر جامه بر بندند بروش نکنند و حدیث یا دست را قفل کنند بزانوها چنانچه گذشت یعنی ایشان را در صحراها و جاها که نزدیک بدیوار نباشد این بعوض تکیه بدیوار کردن است و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پرسیدند که احتبا چونست فرمود که اگر عورت نمایان نشود باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که جائز نیست مرد را که احتبا کند در برابر کعبه **فصل چهارم**

در آداب ملاقات صاحب خانه با کسیکه بخانه او می آید و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که برخاستن از برای تعظیم مکروه است مگر از برای کسیکه بجهت دین مانند علم و صلاح و نیکی او تعظیم کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که حق کسیکه داخل خانه می شود بر اهل آن خانه آنست که در وقت داخل شدن و بیرون رفتن پاره با او راه روند و فرمود که چون کسی داخل خانه شود بر صاحب خانه حاکم است تا که بیرون رود و آنچه گوید میباید که صاحب خانه اطاعت او کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسیکه تحفه برای مومنی بیاورد مثل بالشی یا متکائی یا طعامی یا پوششی یا سلامی کند بر او بهشت بلند شود که او را مکافات دهد پس حقتعالی باو وحی فرماید که من طعام اهل بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری پس چون روز قیامت شود به بهشت خطاب رسد که امروز مکافات تحفهای ایشانرا بده پس غلامان و کنیزان از بهشت بیرون آیند با طبقها ئیکه بر روی آنها دستمالها از مروارید انداخته باشند و بنزد ایشان بیاورند چون ایشان نظر کنند بجهنم و اهوال آن و به بهشت و آنچه در آن هست عقل شان پرواز کند و از آن طبقها نخورند پس منادی از زیر عرش ایشانرا ندا کند که حقتعالی حرام کرده جهنم را بر کسیکه از طعام بهشت بخورد پس دست دراز کنند و بخورند و در حدیث معتبر منقول است که دو شخص بخانه حضرت امیرالمومنین علیه السلام آمدند حضرت از برای هریکی از ایشان بالشی انداختند یکی بر روی بالش نشست و دیگری ابا کرد حضرت فرمود که بنشین که ابا نمیکند از کرامت مگر خر بعد از آن فرمود

که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هرگاه بیاید بسوی شما کسیکه نزد قوم خود گرامی باشد شما اورا گرامی دارید و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کس اند که کسی جاهل بحق ایشان نیست مگر منافقی کسیکه در اسلام ریشش سفید شده باشد و کسیکه حامل لفظ یا معنی قرآن باشد و امام عادل و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم پیران کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که کسی را که اکرام کنند و اورا گرامی دارند باید که او قبول کند و رد نکند که رد نمیکند کرامت را مگر خر و در چند حدیث منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که کدام است این کرامت که رد نمی باید کرد فرمود که مثل آنکه جای از برای او بگشایند یا بوی خوش برای او بیاورند یا بالشی برای او بگذارند یا مثل اینها از کرامتها و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که اکرام مکن کسی را بچیزیکه برو دشوار باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که هرکه خدمت کند گروهی از مسلمانان را حقتعالی بمثل عدد ایشان خدمتگاران در بهشت باو کرامت فرماید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرکه برادر مومن او بسوی او بیاید و اورا گرامی دارد چنانست که خدارا گرامی داشته است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که هر ملاطفتی که کسی با برادر مومن خود بکند حقتعالی اورا از خدمه بهشت کرامت فرماید و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه اکرام کند برادر مومنش را بیک کلمه که از روی لطف باو بگوید و غمی از او بردارد پیوسته در سایه رحمت الهی باشد تا مشغول این اکرام باشد

فصل پنجم در بیان مجالسی که در آنجا داخل شدن رواست و جماعتیکه همنشینی و مصاحبت ایشان سزاوار است

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که متابعت کن کسی را که ترا میگریاند و خیرخواه تست و متابعت مکن کسی را که ترا میخنداند و در مقام فریب دادن تست و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که نظر کنید که با که سخن میگوئید و مصاحبت میکنید که هرکه هست در وقت مرگ مصاحبانش را باو می نمایند که اگر حال ایشان نیک است از مصاحبت ایشان شاد می شود و اگر حال ایشان بد است اندوهگین می شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که بهترین برادران من نزد من کسی است که عیبهای مرا بمن بگوید و فرمود که بر تو باد بمصاحبان کهنه و حذر کن از مصاحبت مصاحبان تازه که ایشان از عهدے

و امانتی و وفائی نیست و بر حذر باش از همه کس هر چند اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وقت وفات وصیت فرمود که زنهار اجتناب کن از جاهائی که محل تهمت اند و از مجلسی که گمان بد با و می برند که همنشین بد فریب میدهد مصاحب خود را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که سزاوارترین مردم به تهمت کسی است که با اهل تهمت همنشین باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که خود را در محل تهمت اندازد ملامت کند کسی را که گمان بد باو می برد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که بپرهیزید از مواضع شک و تهمت و باید که کسی با مادر خود در میان راه بایستد زیرا که همه کس نمیدانند که مادر او ست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت عیسی علیه السلام فرمود که مصاحب بد اخلاقش سرایت میکند باین کسی و همنشین بد آنکس را هلاک میکند پس نظر کن که با که همنشینی میکنی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دوستی نیکان با نیکان ثوابیست برای نیکان و دوستی بدان با نیکان فضیلتی است با نیکان و دشمنی بدان با نیکان زینتی است برای نیکان و دشمنی نیکان با بدان خواری است برای بدان و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که با پنج کس مصاحبت و همزبانی و رفاقت مکن زنهار که با دروغگو مصاحبت مکن که او از بابت سرابست بد روغهای خود ترا فریب میدهد و دور را برای تو نزدیک می نماید و نزدیک را برای تو دور میگرداند و زنهار که مصاحبت مکن با فاسق که او ترا بیک طعام خوردن یا کمتر نزد دیگران میفروشد و با بخیل مصاحبت مکن که او ترا بمال خود یاری نمیکند در هنگامی که نهایت احتیاج بهم رسانی و با احمق مصاحبت مکن که او اگر خواهد که بتو نفع برساند ضرر میرساند و با کسیکه قطع رحم کند مصاحبت مکن که حقتعالی در سه موضع از قرآن مجید او را لعنت کرده است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سزاوار نیست مسلمانرا که با فاجر و احمق و دروغگو برادری کند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که سه کس اند که همنشینی ایشان دل را می میراند نشستن با مردم دنی و سخن گفتن با زنان و نشستن با توانگران و حضرت لقمان با پسر خود گفت که بسیار با آشنایان نزدیک و چسپان مشو که باعث جدائی میشود و از ایشان دوری هم مکن که خوار میشوی و نیکی با کسی کن که خواهان آن باشند و هم چنانچه میان گرگ و میش دوستی نیست میان نیکوکار و بدکار دوستی

نمی باشد هرگز نزدیک قبر میرود البسته با و میچسپد همچنین هرکه باید کرده مصاحبت میکند از
بد بهای او می آموزد و هرکه مجادله با مردم میکند دشنام می شنود و هرکه در مجالس بد داخل می شود
تهمت زده می شود و هرکه با همنشین بد می نشیند از بدی سالم نمی ماند و هرکه زبان خود را نگاه نمیدارد
همیشه پشیمانی می برد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و همنشینی با اصحاب
بدعت مکنید که نزد مردم مثل آنها خواهید بود و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود
که آدمی بدین دوست و مصاحب خود می باشد و فرمود زنهار با احمق مصاحبت مکن که در
هنگامی که از و راضی تری نزدیکتر است باآنکه ترا برنجاند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
وسلم منقولست که حکیم ترین مردم کسی ست که از صحبت جاهلان بگریزد و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که کسیکه برادر مومنش امری که مکروه باشد ببیند و تواند که او را
برگرداند از ان امر و برنگرداند خیانت کرده است در برادری او و کسی که اجتناب نکند از
مصاحبت احمق بزودی اخلاق او را بر میدارد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و
آله فرمود که بدترین مصاحبان تو کسی است که معصیت خدا را در چشم تو زینت دهد و فرمود که
همنشینی با بدان موررث گمان بد بردن است در حق نیکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که نظر کن هرکه نفع دینی بتو نمی بخشد مصاحبت او و اعتنا بشان او مکن و
در صحبت او رغبت مکن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که ضائع میشود محبتی که با کسی
داشته باشی که بیوفا باشد و نیکی که با کسی بکنی که شکر تو نکند و علمی که بکسی بیاموزی که گوش
ندهد و رازی که بکسی بسپاری که نگاهداری راز نکند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول
است که در مزبلها با عالم صحبت داشتن بهتر است از صحبت داشتن با جاهل بر روی فرشهای نیکو
و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که حواریان بحضرت عیسی علیه السلام
گفتند که با که همنشینی کنیم فرمود با کسی که خدا را بیاد شما آورد دیدن او و در علم شما بیفزاید سخن
گفتن او و شما را بسوی آخرت رغبت بفرماید کردار او و در حدیث دیگر فرمود که با اهل دین نشستن
شرف دنیا و آخرت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که یک نشستن با کسیکه بر او
اعتماد داشته باشم نزد من بهتر است از عبادت یکساله و در حدیث دیگر فرمود که با توانگران منشینید

که بنده که اصل با ایشان می نشیند چنان میداند که خدا برو نعمت بسیار دارد و هنوز برنخاسته است
که چنان گمان میکند که خدا هیچ نعمت برو ندارد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول
است که چهار چیز است که دل را می میراند گناه بعد از گناه کردن و با زنان بسیار سخن گفتن و با احمقان
مجادله کردن که تو گوئی و او گوید و بحق برنگردد و همنشینی با مردگان کردن گفتند یا رسول الله
مردگان کیستند فرمود که هر توانگری که خدا را فراموش کرده باشد و از حضرت امام زین العابدین
علیه السلام منقولست که بفرزندان خود میفرمودند که با اهل دین و معرفت همنشینی
کنید و اگر بدست شما نیاید تنهائی مونس تر و سالم تر است از مصاحبت غیر ایشان و اگر ناچار
باشید از همنشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشینید که ایشان در مجالس خود فحش نمیگویند
و از حضرت موسی کاظم علیه السلام منقول است که سزاوار آنست که آدمی مصاحبان پدر خود را نگاه
دارد که نیکی او با ایشان مانند نیکی با پدر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت لقمان به پسر
خود فرمود که ای پسر بدیده بصیرت نظر کن در مجالس اگر جماعتی را ببینی که یاد خدا می کنند با ایشان
بنشین زیرا که اگر تو عالمی علم تو نفع میدهد ترا و از همنشینی با ایشان علم تو زیاده میشود و اگر
جاهلی ترا علم میاموزند و شاید که خدا رحمتی بر ایشان بفرستد و ترا هم با ایشان فرو گیرد و اگر ببینی
جماعتی را که یاد خدا نمی کنند با ایشان منشین که اگر تو عالمی علمت ترا نفع نمیرساند و اگر جاهلی
جهالت زیاده میشود و شاید که عذابی از خدا بر ایشان نازل شود و ترا هم با ایشان فرو گیرد و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که بر تو باد بحاضر شدن در مجالسی که آنجا یاد خدا
کنند و در حدیث دیگر فرمود که دانایان در زمان گذشته میگفتند که سزاوار آنست که
تردد کردن بجانها بیکی از ده وجه باشد اول رفتن بخانه خدا از برای ادای حج و عمره دوم در خانه
پادشاهان دین که طاعت ایشان بطاعت خدا متصل است و حق ایشان واجب است
و نفع شان عظیم و ضرر مخالفت ایشان سخت سوم در خانه علما که از ایشان استفاده علوم
دین و دنیا نمایند چهارم در خانه اهل جود و بخشش که مال خود را بامید ثواب آخرت میدهند پنجم
در خانه بیخردانیکه مردم در حوادث دهر با ایشان محتاج می شوند و در حاجتها با ایشان پناه میبرند
ششم در خانه اشراف و بزرگان برای طلب عزت و احتیاج بایشان هفتم در خانه کافر جمعی که

نزد ایشان امید منفعت دارند از جهت رای مستقیم ایشان و تقویت عزم ایشان در امور و مشورت کردن با ایشان هشتم در خانه برادران مومن بسبب آنکه مواصلت ایشان واجب و حق ایشان لازم است نهم در خانه دشمنانی که بمواصلت و مدارا کردن ساکن میشود ضررهای ایشان و بزرفق و مدارا و دیدن عداوت ایشان دفع میشود و دهم در خانه جمعی که از دیدن ایشان آداب حسنه استفاده میتوان کرد و انس بهمزبانی ایشان میتوان گرفت

فصل ششم در آداب عطسه و آروغ و آب دهان انداختن

از حضرت صادق منقولست که مسلمان را بر برادرش حق لازم است که چون او را ملاقات کند بر او سلام کند و چون بیمار شود او را عیادت کند و در غایبانه خیرخواه او باشد و چون عطسه کند او را دعا کند و باید که آنکه عطسه میکند بگوید الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ و دیگران باو بگویند يَرْحَمُكَ اللّٰهُ و او در جواب بگوید يَهْدِيكُمُ اللّٰهُ وَيُصْلِحُ بَالَكُمْ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون کسی عطسه کند او را دعا کنید اگرچه دریا در میان فاصله باشد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثناء منقولست که دهن دره از شیطان است و عطسه از جانب خداوند عالمیان و در حدیث دیگر منقولست که حقتعالی را نعمتهای بسیار بر بنده است در هنگام صحت بدن و سلامتی اعضاء و جوارح و بنده فراموش میکند که خدا را بر آن نعمتها شکر کند پس باین سبب خدا امر میفرماید بادی را که در بدنش جولان میکند و از بینیش بیرون می آید پس از این جهت مقرر کرده اند که در این حال خدا را حمد بگوید که این حمد تلافی شکر آن نعمتها باشد که فراموش کرده است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نیکو چیزی است عطسه نفع میرساند ببدن و خدا را بیاد می آورد و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون کسی عطسه کند بگوید الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی عطسه کند باو بگویند يَرْحَمُكَ اللّٰهُ و او در جواب بگوید يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه عطسه کند بگوید الْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِيكَ لَهُ و دیگران باو بگویند يَرْحَمُكُمُ اللّٰهُ او در جواب بگوید يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكَ وَلَنَا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که طفل نابالغی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عطسه کرد و گفت الْحَمْدُ لِلّٰهِ حضرت باو فرمود بَارَكَ اللّٰهُ فِيكَ و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام عطسه کردند پس

فرمودند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ پس انگشت را بر بینی گذاشتند فرمودند رَغِمَ اَنْفِیْ لِلّٰهِ رَغْمًا دَاخِرًا و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که بعد از عطسه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ عَلٰی کُلِّ حَالٍ درد گوش و درد دندان نیابد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که عطسه کسی را بشنود حمد الٰهی کند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد درد چشم و درد دندان باو نرسد و فرمود که این را بگو اگرچه دریا در میان تو و او فاصله باشد و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع درد گوش و درد دندان که چون کسی عطسه کند حمد خدا بکند و در حدیث دیگر منقولست که ترسائی عطسه کرد آنحضرت باو گفتند یَرْحَمُکَ اللّٰهُ و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون مسلمانی عطسه کند و ساکت بماند از برای علتی ملائکه از جانب او میگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ و اگر او بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ملائکه میگویند یَغْفِرُ اللّٰهُ لَکَ و فرمود که عطسه کردن بیمار علامت عافیت اوست و راحت بدن اوست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که عطسه نفع می بخشد بدن مادام که زیاده از سه نشود و چون زیاده از سه شود درد و بیماریست و در حدیث دیگر فرمود که هر که عطسه کند و دست را بر روی بینی گذارد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ کَثِیْرًا کَمَا هُوَ اَهْلُهٗ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ اٰلِهٖ وَ سَلَّمَ از سوراخ چپ بینی او مرغی بیرون می آید از ملخ کوچک‌تر و از مگس بزرگ‌تر تا برود و بزیر عرش و استغفار کند از برای او تا روز قیامت و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه عطسه کند تا هفت روز از مردن ایمن است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در چند روایت منقولست که عطسه تصدیق میکند سخنی را که مقارن او واقع می شود و علامت راستی آن سخن است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که عطسه را سه مرتبه دعا بگو و چون زیاده از سه شود او را واگذار و در روایت دیگر منقول است که چون کسی عطسه کند سزاوار آنست که انگشت شهادت را بر روی بینی بگذارد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ رَغِمَ اَنْفِیْ لِلّٰهِ رَغْمًا دَاخِرًا صَاغِرًا غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ و هرگاه دیگری عطسه کند تا سه مرتبه بگوید یَرْحَمُکَ اللّٰهُ چون زیاده شود بگوید شَفَاکَ اللّٰهُ و چون مرد مومن عطسه کند بگوید یَرْحَمُکَ اللّٰهُ و اگر زن

باشد بگوید عَافَاكَ اللّٰهُ و اگر طفل باشد بگوید بَارَكَ اللّٰهُ و اگر بیمار باشد بگوید شَفَاكَ اللّٰهُ
و اگر کافر ذمی باشد بگوید هَدَاكَ اللّٰهُ و اگر پیغمبر یا امام باشد بگوید صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ و در جواب
بگوید يَغْفِرُ اللّٰهُ لَنَا وَلَكُمْ و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار عطسه کردن
ایمن میگرداند از پنج درد اول خوره دوم لقوه سوم نزول آب در چشم چهارم صلابت و
خشونت پرده های بینی پنجم بیرون آمدن مو در چشم و اگر خواهی که کم شود عطسه روغن مرزنگوش
در بینی بچکان بقدر یک دانگ راوی گفت که بتجربه رسانیدم برطرف شد و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که هر که در بیت الخلا عطسه کند حمد الهی را در خاطر خود بگذراند و محتمل است
که مراد آهسته گفتن باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که چون
کسی عطسه کند با و بگویید یَرْحَمُكَ اللّٰهُ و او در جواب بگوید يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که صلوات بر حضرت رسول و آل آنحضرت واجب است
نزد عطسه کردن و نزد کشتن حیوانات و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که کسیکه آروق زند بجانب آسمان بلند نکند و فرمود که آروق نعمت خدا است بعد از آن
حمد الهی کند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که مومن آب دهان را بجانب قبله
نیندازد و اگر از روی فراموشی بیندازد استغفار بکند و در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هرگاه کسی در نماز عطسه کند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و در حدیث
دیگر فرمود که اگر بشنوی که کسی عطسه میکند و تو در نماز باشی بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ
اگرچه در میان تو و آن شخص که عطسه کرده است دریا در میان باشد **فصل هفتم در مزاح کردن**
و خندیدن و سرگوشی کردن و آداب صحبت و راز مجالس را پنهان داشتن در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و در حدیث دیگر از امام موسی کاظم علیه السلام منقول
است که چون سه نفر در مجلسی باشند دو تا ی ایشان با یک دیگر سرگوشی نکنند که موجب اندوه
و ایذای آن رفیق دیگر است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقول است که هر که در میان سخن برادر مسلمان خود سخن بگوید چنان است
که خدشه و خراشی در روی او کرده است و در احادیث بسیار منقولست

که مجالس بامانت است یعنی انچه گذشت باید که در جای دیگر مذکور نشود مگر آنکه داند که ایشان راضی اند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که احدی را نیست که سخنی را که صاحبش پنهان دارد او نقل کند مگر آنکه علمی باشد که اظهار آن لازم است یا ذکر نیکیهای آن شخص باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که مجالس بامانت است مگر مجلسی که در آن خون حرامی ریخته شود یا فرج حرامی را که حلال کنند یا مالی را که بناحق ببرند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مومنی نیست مگر آنکه در او مزاح و خوش طبعی میباشد و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت از شخصی پرسیدند که خوش طبعی کردن شما با یکدیگر چون است گفت کم است حضرت فرمود که مکنید که مزاح کردن از نیکی خلق است و موجب خوشحالی برادر مومن میشود و بسیار بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مزاح میکردند با شخصی که او را شاد گردانند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خدا دوست میدارد کسی را که خوش طبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خندیدن مومن می باید که تبسم باشد و صدا نداشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که بسیار خندیدن دل را می میراند و دین را میگدازد چنانچه آب نمک را میگدازد و فرمود که از نادانیست خندیدن بی آنکه تعجبی باعث آن شود و در حدیث حسن فرمود که زنهار مزاح بسیار مکنید که آبرو را می برد و فرمود که چون کسی را دوست داری با او مزاح مکن و مجادله مکن و در حدیث حسن دیگر فرمود که قهقهه کردن از شیطان است و فرمود که بسیار خندیدن آبرو را می برد و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که زنهار مزاح مکنید که کینه ها بهم میرسد و دشنام کوچک است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون خنده قهقهه بکنی بعد از فارغ شدن بگو اَللّٰهُمَّ لَا تَمْقُتْنِي و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مزاح کردن آب رو را می برد و مهابت مردان را بر طرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که مجادله مکن که محبت را می برد و خوش طبعی مکن که باعث جرات مردم میشود بر تو و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که مزاح مکن که نور ایمانت را می برد و مروت و مرؤت را سبک میکند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت

یحیی علیه السلام میگریست و نمیخندید و حضرت عیسی علیه السلام میگریست و میخندید و آنچه که حضرت
عیسی میکرد بهتر بود از آنچه که یحیی میکرد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت داود علیه السلام بحضرت
سلیمان علیه السلام میگفت که ای فرزند زنهار بسیار خنده مکن که بسیار خندیدن آدمی را
فقیر کند در روز قیامت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که عجب دارم از کسیکه
ایمان بجهنم دارد چرا میخندد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چه بسیار کسیکه بسیار خندد از روی
لعب و در قیامت گریه اش بسیار باشد و چه بسیار کسیکه بسیار گرید بر گناه خود در بهشت خوشحالی
و خنده اش بسیار باشد پس از این اخبار و اخبار دیگر چنین ظاهر میشود که مومن نمیباید که عبوس
و گرفته باشد و گشاده رو و خندان باشد و قدری از مزاح مطلوب است اما بسیار خندیدن
و بسیار خوش طبعی کردن مذموم است و فعل بیخردان و سفیهان است فصل هشتم در سائر
آداب مجالست و حقوق اصحاب مجلس بر یکدیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که نیکو مجاورت کن با کسیکه با تو مجاورت کند تا مومن باشی و نیکو مصاحبت کن
با مصاحبان خود تا مسلمان باشی و از مفضل منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام
رفتم فرمود که مصاحب تو که بود در راه گفتم که شخصی از برادران مومن فرمود چه شد گفتم که تا داخل
مدینه شده ام جایش را نمیدانم فرمود که مگر نمیدانی که کسیکه چهل گام با کسی مصاحبت کرد حقتعالی
از حق او سوال میکند در قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که
همین عیب بس است آدمی را که از عیب مردم چیزی چند بیند که از خود چشم را پوشیده و
مردم را سرزنش کند بر چیزیکه خود ترک آن نمی تواند کرد و آزار کند همنشین خود را بچیزی که نفعی باو
ندهد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که مردم یا مومن اند یا جاهل پس مومن را آزار
نباید کرد و با جاهل بیخردی نباید کرد و اگر نه مثل او خواهی بود و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که از ما نیست کسیکه نیکو مصاحبت نکند با مصاحبان خود و نیکو رفاقت نکند با رفیقان
خود و نیکو نمک خوارگی نکند با کسی که نمک خورده با او و نیکو مهربانی نکند با کسیکه با او مهربانی کند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که با منافق بزبان خوش سازگاری بکن و محبت
قلبی را خالص گردان برای مومنان و اگر یهودی با تو همنشینی کند نیکو مجالست کن با او و حضرت

رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که مهربانی کن با مردم تا ترا دوست دارند و در حدیث دیگر
فرمود که سه چیز است که محبت آدمی را برای برادر مسلمانش صاف و خالص میگرداند اول آنکه چون
با او برخورد بخوشروئی و خوشحالی او را ملاقات کند دوم آنکه جای از برای او بگشاید چون نزد او بنشیند
سوم آنکه بهترین نامی که دوست میدارد او را بخواند و فرمود که اظهار دوستی و مهربانی با مردم کردن نصف
عقل است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی را دوست
داری دوستی خود را با او اظهار کن که بیشتر باعث ثبات محبت میشود میان شما و در حدیث صحیح دیگر فرمود
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم قسمت میکردند نظر کردنهای خود را در میان اصحاب
خود که بیکی بیشتر از دیگری نظر نمیکردند و هرگز در حضور اصحاب خود پا دراز نمیکردند و در حدیث صحیح
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که چون کسی حاضر باشد او را بکنیت بخوان و
چون غائب باشد بنامش او را بگو و در میان عجم القاب بجای کنیت است مثل آخوند و آقا و میرزا و
نواب و امثال آنها و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که چون کسے برادر
مسلمان خود را دوست دارد باید که نامش را و نام پدر و نام قبیله و خویشانش را بپرسد از او
که این از جمله حقوق لازمه برادری و دوستی است و اگر نه آن آشنائی احمقان خواهد بود و در
حدیث دیگر فرمود که عجز سه چیز است یکی آنکه شخصے برای کسی طعامی مهیا کند و او خلف وعده کند
و نرود که طعام او را بخورد دوم آنکه شخصی با کسی مصاحبت و همنشینی کند و معلوم نکند که
کیست و از کجاست تا از و جدا شود سوم آنکه با زن خود جماع کند پیش از آنکه زن آب بدهد
او آب بدهد بلکه می باید که بتانی بکند و مکث کند تا هر دو با هم آب بدهند و از حضرت امام موسی کاظم ع
منقولست که بسیار پرده از میان خود و برادر مومن خود بر مدار که باعث برطرف شدن
حیاست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که از روی برادر مومن خود کاهی
یا خاشاکی یا کثافتی بردارد حق تعالی ده حسنه در نامهٔ عملش بنویسد و هر که تبسم کند در روی
برادر مومن خود حقتعالی برای او حسنه بنویسد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله
منقولست که هر که خاشاکی یا مانند آن از برادر مومن بردارد و در برابر عمل او بگوید اماط الله
عنک ما تنکره یعنی خدا دور کند از تو آنچه را نمیخواهی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از آنکه کسی بگوید بکسی که لا وحیوتک وحیوة فلان یعنی
چنانچه در فارسی میگویند که بجان تو و جان فلان و در حدیث دیگر فرمود که بدترین امتان جماعتی
اند که مردم ایشان را گرامی میدارند از ترس بدی ایشان بدرستیکه از دین نیست که هر که چنین باشد
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ولد الزنا را چند علامت است اول دشمنی
اهلبیت رسالت دوم آنکه مایل است بآن حرامی که از و خلق شده است سوم آنکه دین را خفیف
و سبک شمارد چهارم آنکه مردم را در حضور ایشان آزار میکنند و هیچکس با مردم بد بر نمی خورد
و آزار ایشان نمیکند مگر آنکه ولد الزنا ست یا در حیض مادرش با او حامله شده است و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که زنهار با مردم منازعت مکنید که
کرامت را می برد و مروت را بر طرف میکند و پیوسته جبرئیل علیه السلام مرا نهی کرد از
مجادله با مردم کردن چنانچه نهی میکرد از شراب خوردن و بت پرستیدن و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که کینه مومن در همان مجلس میباشد که نشسته است چون
از برادرش جدا شود دیگر در دلش کینه نماند و کینه کافر در تمام عمر میباشد و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و
گفت که مرا وصیتی فرما حضرت فرمود که ملاقات کن برادر خود را با روی گشاده و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که حد نیکی خلق آنست که مهربانی کنی و سخن را نیکو کنی و با مردم با روی
خوش برخوری و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که خوشحال و خوش رو
با مردم برخوردن کینه را می برد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سه چیز است که از مکارم
دنیا و آخرت است آنکه عفو کنی از کسیکه بر تو ظلم کند و پیوند کنی با کسیکه از تو ببرد و حلم کنی
با کسیکه با تو بیخردی کند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که خشمی را فرو خورد خدا عزت او را در دنیا
و آخرت زیاده گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که خشمی را فرو
خورد و قادر باشد که آنرا بعمل آورد حقتعالی دلش را از ایمنی و ایمان پر کند در روز قیامت

فصل نهم

در فضیلت ذکر خدا در مجالس کردن از حضرت رسول صلی الله علیه و سلم منقولست که مبادرت کنید
بسوی باغهای بهشت پرسیدند که کدام است باغهای بهشت فرمود حلقها و مجمعها که یاد خدا در آن کنند و

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که در همه جا خدا را یاد کنید که او همه جا با شما است
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از هیچ مجلس بر نمی خاستند هر چند
اندکی نشسته باشند تا آنکه بیست و پنج مرتبه استغفار میکردند و در احادیث معتبره منقولست از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که یاد کنندهٔ خدا در میان غافلان مانند کسی است
که جهاد کند در راه خدا در هنگام گریختن دیگران و چنین کسی ثواب او بهشت است و در
حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مجلسی که در آن جمع شوند نیکوکاران
و بدکاران و برخیزند و یاد خدا در آن نکرده باشند در قیامت باعث حسرت و ندامت ایشان
خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر گروهی که در مجلسی جمع شوند
و در آن مجلس یاد خدا نکنند و صلوات بر پیغمبر خود نفرستند آن مجلس حسرت و وبال است
بر ایشان در روز قیامت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که نوشته است در توراتی که تغیر نیافته است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار
خود سوال کرد که خداوندا مجلسی چند بر من وارد می شود که ترا عزیزتر و جلیل تر میدانم از آنکه
ترا در آن مجلس یاد کنم حقتعالی در جواب فرمود که یا موسی نام من بردن و یاد من کردن در
همه حال نیکوست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی فرمود که ای
فرزند آدم مرا یاد کن در مجمع مردم تا ترا یاد کنم در مجمعی که بهتر از مجمع تو باشد و در حدیث
دیگر فرمود که حق تعالی می فرماید که هر که مرا یاد کند در میان
مجمعی از مومنان من او را یاد کنم در میان مجمع ملائکه و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که هر که خواهد که در قیامت ثواب کامل بیابد در وقتیکه
می خواهد که از مجلس برخیزد بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و در حدیث دیگر منقولست که این
کفارهٔ گناهان آن مجلس است

فصل دهم در فضیلت ذکر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم وائمه علیهم السلام در مجالس و مباحثهٔ علوم ایشان نمودن و احادیث فضائل ایشان را یاد کردن

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر قومی که در مجلسی جمع شوند و خدا را یاد نکنند

و مارا یاد بکنند آن مجلس بر ایشان وبال و حسرت خواهد بود در قیامت و حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرمود که یاد ما کردن از یاد خداست و یاد دشمن ما کردن از یاد شیطان است و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی را ملکی چند هست که ایشان میگردند در زمین و هر گاه که
میگذرند بر جماعتی که یاد محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله می کنند بیکدیگر میگویند بایستید که
مطالب خود را یافتید پس می نشینند و با ایشان شریک می شوند در آن امر پس چون برمیخیزند
اگر بیمار شوند بعیادت ایشان میروند و اگر بمیرند بجنازه ایشان حاضر میشوند و اگر غائب می شوند
جستجوی ایشان می کنند و در حدیث دیگر فرمود که ملائکه که در آسمانهایند نظر می کنند بسوی
یک و دو و سه از شیعیان که فضیلت آل محمد صلوات الله علیهم را ذکر می کنند پس بیک دیگر
میگویند که می بینید این جماعت را باکمی ایشان و بسیاری دشمنان ایشان فضیلت آل محمد
صلی الله علیه و آله وسلم را ذکر می کنند پس طائفه دیگر از ملائکه در جواب ایشان میگویند که این
فضل خداست بهر که میخواهد میدهد و خدا صاحب فضل بزرگ است و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از میسر پرسید که آیا شما شیعیان ما بیکدیگر خلوت می کنید
و از علوم اهل بیت و فضائل ایشان آنچه خواهید میگوئید گفت بلی والله حضرت فرمود که والله
من دوست میدارم که با شما باشم در آن مجلس والله که من بوی شما و نسیم شما دوست
میدارم بدرستیکه شما بر دین خدا و ملائکه اید پس یاری کنید ما را در شفاعت خود به پرهیزگاری
از محرمات و سعی در طاعات و در حدیث دیگر فرمود که جمع نمیشوند سه نفر از مؤمنان یا زیاده
مگر آنکه از ملائکه مثل ایشان جمع میشوند اگر چیزی از خدا می طلبند ملائکه آمین میگویند و اگر پناه بخدا
میبرند از شری دعا می کنند ملائکه که خدا آن بدی را از ایشان بگرداند و اگر حاجتی میطلبند ملائکه
از خدا سوال میکنند که حاجت ایشان را برآورد و جمع نمیشوند سه نفر یا زیاده از انکار کنندگان
حق اهل بیت علیهم السلام مگر آنکه ده برابر ایشان از شیاطین حاضر میشوند و هر سخنیکه میگویند
شیاطین هم مثل سخن ایشان سخن میگویند و اگر میخندند با ایشان میخندند و اگر مذمت دوستان
خدا می کنند با ایشان رفاقت می کنند پس اگر کسی از مومنان مبتلا شود بهم نشینی ایشان
چون شروع کنند بمذمت دوستان خدا برخیزد و شریک و همنشین شیاطین نباشد که هیچ کس

تا بمقاومت غضب خدا ندارد و لعنت خدا را هیچ چیز دفع نمیکند و اگر تواند که برخیزد و بدل انکار
کند و اندک ساعتی برخیزد و باز برگردد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هیچ چیز
شیطان و لشکرهای او را مجروح نمیکند مثل رفتن برادران مؤمن بدیدن یکدیگر از برای
خدا بدرستیکه دو مؤمن که بایکدیگر بر میخورند و یاد خدا میکنند پس فضیلت ما اهل بیت را یاد می کنند
بر روی شیطان هیچ پاره گوشت نمیماند مگر آنکه فرو میریزد تا آنکه روحش از استغاثه می آید از
شدت الم که از این امر می یابد پس ملائکه آسمانها و خازنان بهشت بر این معنی مطلع میشوند و
او را لعنت می کنند و هیچ ملک مقربی نمیماند مگر آنکه او را لعنت میکند پس ناامید و محروم و مطرود
بر زمین می افتد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که زینت دهید مجالس خود را
بذکر فضائل علی بن ابیطالب علیه السلام که در وی هفتاد خصلت از خصلتهای پیغمبران هست و در
حدیث دیگر فرمود که حق تعالی برای برادرم علی بن ابیطالب علیه السلام فضیلتی چند قرار داده
که از بسیاری احصای آنها نمیتوان کردن پس هر که یک فضیلت از فضائل او ذکر کند از روی
اقرار و اذعان گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود و هر چند در قیامت با گناه انس و جن بیاید
و هر که یک فضیلت از فضائل او بنویسد تا علامتی از آن کتاب باقی باشد ملائکه از برای او استغفار
کنند و هر که گوش دهد بفضیلتی از فضائل آنحضرت خدا بیامرزد گناهانی را که بگوش واقع کرده باشد
و هر که نظر کند بنوشته که فضیلتی از فضائل آنحضرت در آن نوشته باشد خدا از وی بیامرزد گناهانی را
که بچشم کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که براه برود برای طلب علم خدا تعالی برای او راهی
بگشاید بسوی بهشت بدرستیکه ملائکه بالهای خود را میگذارند از برای طلب کننده علم بارضا
و خوشنودی و استغفار می کنند از برای طلب کننده علم هر که در آسمان و هر که در زمین است حتی
ماهیان دریا و فضل عالم بر عابد مانند فضل ماه است در شب چهارده بر سایر ستارگان و در
حدیث دیگر فرمود که اف باد بر مردی که در هر جمعه خود را از کارهای دنیا فارغ نسازد برای یاد
گرفتن مسائل دین خود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی می فرماید که مذاکره علم در میان بندگان
من دلهای مرده را زنده میکند و در حدیث دیگر فرمود که بایکدیگر مذاکره کنید و ملاقات کنید
و حدیث نقل کنید که حدیث جلا میدهد دلها را بدرستیکه دلها زنگ میگیرد چنانچه شمشیر

زنگ میگیرد و جلای دلها بحدیث است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مذاکره از علم ثواب نماز مقبول دارد **فصل یازدهم** در مشورت کردن با برادران مومن و آداب آن از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که نفس خود را بخاطره ها می اندازد کسیکه مستغنی شود به رای خود از رای دیگران و در حدیث دیگر فرمود که مشورت کن با جماعتی که از خدا ترسد و دوستدار برادران مومن را بقدر پرهیزگاری ایشان و بپرهیز از زنان. و از نیکان ایشان در حذر باش اگر ترا بنیکی امر کنند مخالفت کن ایشانرا تا طمع نکنند در آنکه موافقت ایشان کنی در بدیها و در حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسیکه مسلمانی با او مشوره کند و آنچه خیر او را در آن داند نگوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر گروهی که با یکدیگر مشوره کنند و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشوره ایشان داخل باشد البته آنچه خیر ایشان است برای ایشان ظاهر میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بعمار ساباطی فرمود که اگر خواهی نعمت الهی بر تو مستقیم باشد و مروت تو کامل و زندگانی تو نیکو باشد در امور خود مشوره مکن با بنده و با مردم دون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که مشوره مکن با حبشیان و ترسایان که راه بدر شدن را بر تو تنگ می کنند و مشوره مکن با بخیل که مانع می شود ترا از رسیدن بغایت مقصود خود و مشوره مکن با کسیکه حرص بنیاد داشته باشد که زینت میدهد برای تو هر راهی را که بدتر است و در حدیث دیگر فرمود که یا علی کسیکه طلب خیر از خدای تعالی میکند حیران نمی شود و کسیکه در کارها با مردم مشوره میکند پشیمان نمی شود و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که هلاک نمی شود کسیکه مشوره کند و در حدیث دیگر منقولست که بسیار بود که حضرت امام موسی رضا علیه السلام با آن عقل کامل مشوره میکردند با سیاهی از غلامان خود و می فرمودند که بسا باشد که خدا خیر ما را بر زبان او جاری کند و در احادیث معتبر منقولست که با عاقل دیندار پرهیزگار مشوره کن و چون چیزی بگوید خلاف آن مکن که موجب فساد دنیا و آخرت تو می شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که برادر مومنش با او مشوره کند و آنچه محض خیر او باشد نگوید خدا عقل و رایش را سلب میکند و در حدیث دیگر فرمود که مشوره کردن حدی چند دارد که هر که آنها را نداند مضرت مشوره بر منفعت او

بیش از منفعت است اول آنکه آن کسیکه برای او مشوره می کنند عاقل باشند دوم آنکه آزاد و متدین باشند سوم آنکه برادر و دوست و یار او باشد چهارم آنکه او را بر تمام سر خود مطلع گرداند که چنانچه خود جهات آن امر را میداند او هم بداند اما پنهان دارد و بکسی نقل نکند زیرا که اگر عاقل است منتفع میشوی بمشورهٔ او و اگر آزاد و دیندار است آنچه حق سعی است میکند در خیرخواهی تو و اگر یار و دوستدار تست چون راز خود با و گفتی افشا نمیکند بدانکه از برای فضیلت مشوره و اهتمام در آن همین کافی است که حق سبحانه تعالی پیغمبر خود را که عقل مکونات بود در قرآن مجید امر بمشوره فرموده است قوله تعالی وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ یعنی مشوره کن با اصحاب خود در امور پس چون عزم کردی پس توکل کن بر خدای عزوجل

فصل دوازدهم در آداب نامه نوشتن

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مهربانی و مواصلت در میان برادران مؤمن در حضر باین است که بدیدن یکدیگر بروند و در سفر باین است که نامه بیکدیگر بنویسند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که جواب کتابت نوشتن واجب است مانند جواب سلام گفتن و در حدیث دیگر فرمود که ترک مکن نوشتن بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را اگر چه بعد از آن شعری نویسی و فرمود که میباید که بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بهتر از سائر چیزها که مینویسی بنویسی و در حدیث موثق از آنحضرت پرسیدند که در نامه ابتدا باسم آن شخص که نامه باو مینویسند بیش از نام خود کردن چون است فرمود که باکی نیست این اکرامی است که او را می کنند و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت امر فرمود که نامه بجائی بنویسند و چون بدست آنحضرت دادند فرمود که چگونه امید دارید که آنچه در نامه نوشته اید بعمل آید حال آنکه انشاء الله تعالی در جاهائی که مناسب است ننوشته اید پس فرمود که ببینید که هر جا که انشاء الله تعالی ندارد بنویسید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه التحیة والثناء منقولست که چون نامه را نوشتید خاک را بر روی نامه بپاشید که حاجت بهتر روا می شود و در حدیث منقولست که حضرت امام علی نقی علیه السلام در اول نامه مینوشتند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ أُذَكِّرُهُمْ إِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى وَلَا أَمْرَ بِیَدِ اللهِ و فرمودند که اگر بگویم که کسیکه ترک میکند گفتن و نوشتن بسم الله در کارها نوشته با مثل کسی است که نماز را ترک کند هر آینه راست گفتم

واز حضرت صادق علیه السلام منقول است که از نامه نوشتن هر کس استدلال بر عقل وبینائی او میتوان کرد واز رسول وایلچی استدلال بر فهم وزیرکی او میتوان کرد ودر حدیث دیگر فرمود که چون رقعه یا نامه برای حاجتی بنویسی وخواهی که آن حاجت برآید بقلم مداد بر سر رقعه بنویس که بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اِنَّ اللهَ وَعَدَ الصَّابِرِینَ الْمَخْرَجَ مِمَّا یَکْرَهُونَ وَالرِّزْقَ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُونَ جَعَلَنَا اللهُ وَاِیَّاکُمْ مِنَ الَّذِینَ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ راوی گفت که هرگاه چنین میکردم حاجتم برآورده می شد ودر حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند که کاغذها نزد ما جمع می شوند آیا بآتش میتوان سوزانید هرگاه در آنها نام خدا باشد فرمودند نه بلکه بآب اول بشوئید ودر حدیث صحیح دیگر منقول است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که کاغذها را مسوزانید ولیکن محو کنید وبدرید ودر حدیث حسن از آنحضرت پرسیدند که نامی از نامهای خدا را بآب دهن محو میتوان کرد فرمود که بپاک تر چیزی که بیابید محو کنید واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که کتاب خدا و نام خدا پاکترین آنچه مییابید محو کنید ونهی فرمود از آنکه بسوزانند قرآن را واز آنکه بقلم محو کنند ودر بعضی نسخها بجای قلم قدم است

باب دوازدهم در آداب خانه وداخل شدن وبیرون رفتن

فصل اول در گشادگی خانه

ودر حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که از سعادت آدمی آنست که خانه او گشاده باشد ودر حدیث صحیح منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام خانه خریدند ویکی از موالیان خود را فرمودند که در آنخانه ساکن شو که خانه تو تنگ است آن شخص گفت این خانه آنست که پدرم احداث کرده است بدر نمیتوانم رفت حضرت فرمود که هرگاه پدر تو احمق باشد تو نیز باید که احمق باشی واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه چیز اند که موجب راحت مومن اند خانه گشاده که عیبها وامور مخفی او را از مردم پنهان دارد وزن صالحه که او را امور دنیا وآخرت او را یاری نماید ودختری یا خواهری که او را از خانه بیرون کند یا بمردن یا بشوهر دادن واز حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که نیکی زندگانی در گشادگی خانه وبسیاری خدمتگاران است ودر حدیث دیگر فرمود که زیادتی لذت دنیا در فراخی خانه وبسیاری دوستان است واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست

که از مشقت زندگانی است خانه تنگ و در روایت دیگر منقولست که شخصی از انصار از تنگی
خانه شکایت کرد بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فرمود که آواز بسیار بلند از خدا طلب
کن که گشادگی در خانه تو بدهد و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت آدمی آنست که فرزندش باو
شبیه باشد و زنان خوش رو دیندار داشته باشد و چهارپای رهوار داشته باشد و
خانه گشاده داشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که شومی خانه در تنگی ساحت است و بدی
همسایگان و بسیاری عیبهای آنست و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سعادت
است زن صالحه و خانه فراخ و همسایه شایسته و مرکب نیکو و چهار چیز است که از شقاوت
است زن بد و خانه تنگ و همسایه بد و مرکب بد و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که از تلخی زندگانی است از خانه بخانه نقل کردن و نان از بازار خریدن **فصل دوم**
در مذمت تکلف بسیار در خانه کردن و بلند بسیار ساختن و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر که مالی را از غیر حلال کسب کند حق تعالی بر او مسلط میگرداند عمارت
کردن و خاک و آب را که آن مال حرام را در آنجا ضایع کند و در حدیث دیگر فرمود که هر بنائی که زیاده
بر قدر احتیاج باشد در قیامت وبال است بر صاحبش و در حدیث دیگر فرمود که هر که
عمارت کند زیاده از آنچه در و سکنی نماید در قیامت او را تکلیف میکنند که آنرا بردارد و از حضرت
امام علی نقی علیه السلام منقول است که خدا تعالی در زمین خود بقعه چند قرار داده است که
آنها را مرحومات می نامند و دوست میدارد که نام او در آن بقعه ها ببرند و او را بخوانند
و اجابت دعای ایشان بکند و خداوند تعالی در زمین بقعه چند قرار داده است که آنرا منتقمات
می نامند پس چون کسی مالی را از غیر حلال کسب کند خدا یک زمین از آن زمینها را بر او
مسلط میگرداند که آن مال را در آنجا صرف نماید و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام از در خانه شخصی گذشتند که از آجر ساخته بود حضرت پرسیدند که این در خانه کیست
شخصی گفت که از فلان مرد غافل مغرور بعد بدر خانه دیگر گذشتند که صاحبش از آجر ساخته
بود حضرت فرمود که این خانه از مغرور و غافل دیگر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله و سلم منقول است که هر که خانه بنا کند از برای ریا و سمعه که مردم ببینند و بشنوند در روز

قیامت آن خانه ها تا طبقه هفتم زمین آتشی کنند افروخته و در گردن او اندازند پس او را در جهنم اندازند و هیچ چیز او را نگاه ندارد تا قعر جهنم مگر آنکه توبه کند پرسیدند که یا رسول الله برای ریا و سمعه ساختن چه معنی دارد فرمود که یعنی زیاده از قدر حاجت بسیار و برای آنکه زیادتی کند بر همسایگانش و فخر و مباهات کند با برادرانش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی ملکی را موکل گردانیده است بعمارت که هر که سقف خانه اش را زیاده از هشت ذرع بلند کند باو میگوید که تا کجا میخواهی بروی ای فاسق و در روایت دیگر ای فاسق ترین فاسقان و در چند روایت دیگر وارد شده است که هر که سقف خانه را زیاده از هشت ذرع بلند کند جنیان و شیاطین در آنخانه جا می کنند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام که جنیان آزار اهل خانه و عیال من میکنند حضرت فرمودند که ارتفاع سقف تو چه مقدار است گفت ده ذرع حضرت فرمود که از زمین تا هشت ذرع بپیما و از مابین هشت تا ده آیة الکرسی بنویس بر دور خانه زیرا که هر خانه که ارتفاع آن زیاده از هشت ذرع باشد جنیان در آن خانه حاضر می باشند و در آنجا مسکن می کنند و در چند حدیث دیگر منقول است که هر خانه که ارتفاعش زیاده از هشت ذرع باشد بر سر هشت ذرع آیة الکرسی بنویس و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از جنیان که ما را از خانه بدر کرده اند حضرت فرمودند که سقف خانهای خود را هفت ذرع کنید و کبوتر در اطراف خانه جا دهید راوی گفت که چنین کردیم دیگر بدی ندیدیم و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بنا کن خانه خود را هفت ذرع که آنچه زیاده از هفت ذرع است شیطان در آنجا ساکن می شود زیرا که شیطان در آسمان و زمین نمی باشد بلکه در میان هوا می باشد و در حدیث معتبر منقول است که ابوخدیجه گفت در خانه حضرت صادق علیه السلام دیدم که آیة الکرسی بر دور حجره نوشته بودند و در جانب قبله نمازگاه آن حضرت نیز آیة الکرسی نوشته بود **فصل سوم** در نقاشی کردن و تصویر کشیدن و صورت صاحب روح را ساختن که سایه داشته باشد مشهور میان علما آنست که حرام است چنین صورتی را ساختن بر دیوارها و جامها نقش کردن مکروه است و بعضی بحرمت قائل شده اند و احوط

آنست که طلاکاری نکنند و مطلقاً صورت نکشند حتی صورت درخت و امثال آن خصوصاً
صورت انسان که تمام و کمال باشد و اگر صورتی کشیده باشند بهتر آنست که آنرا ناقص گردانند مثل آنکه
چشمش را کور کنند یا عضوی را از آن محو کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که جبرئیل علیه السلام گفت که یا محمد پروردگارت سلام میرساند و ترا نهی میکند از تمثالها
و صورتها کشیدن در خانهها و در احادیث معتبره از آنحضرت منقول است که جبرئیل گفت که
ما گروه ملائکه داخل خانه نمیشویم که در آنخانه سگ باشد یا صورت بدنی باشد یا ظرفی باشد که در آن
بول کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر صورتی که بسازد او را در قیامت عذاب کنند
که جان در آن صورت بدمد و نتواند دمید و در حدیث موثق منقول است که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام پرسیدند از بالش و فرشی که صورت داشته باشد فرمود که باکی نیست که در خانه صورتی
باشد که پامال شود و بر رویش بنشینند و راه روند و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که باکی نیست که صورتها در خانهها باشد اگر سرش را تغییر دهند و سایر بدنش
بحال خود باشد و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که نماز مکن در خانه که
صورتی در برابر تو باشد مگر آنکه چاره نداشته باشی پس آن صورت را قطع کن و نماز بکن و در چند حدیث معتبر
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرا بمدینه
فرستادند که هر صورتیکه باشد محو کنم و قبرهای بلند را هموار کنم و سگها را بکشم و در حدیث دیگر از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که عمارت بر بالای قبر بکنید و صورت در سقف خانه مکشید که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از این دو چیز کراهت داشتند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند
از کشیدن صورت درخت و آفتاب و ماهتاب فرمود که باکی نیست اگر صاحب حیات نباشد فصل
چهارم در آداب فرش خانه از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که سه چیز است که از مروت
است چهارپای نیکو و غلام خوب و فرش نفیس و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آدمی را فرشی
برای خود و فرشی برای زوجه خود و فرشی برای مهمان در کار است و زیاده از این از شیطان است
و در روایت دیگر منقولست که در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام بالشها و نمدها بود و
در آن تمثالها و شکلها و صورتها بود و بر روی آنها می‌نشستند و در حدیث دیگر منقول

است که جمعی بخانهٔ آنحضرت آمدند بالشها و فرشهای نفیس دیدند عرض کردند که ما در منزل شما چیزی چند می‌بینیم که خوش نمی‌آید ما را حضرت فرمودند که ما زنان میخواهیم و مهر ایشان را میدهیم ایشان آنچه میخواهند از برای خود میخرند آنها از ما نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت دید که آنحضرت در خانهٔ مزینی نشسته اند که فرشهای نیکو دران گسترده اند پس روز دیگر رفت دید که در خانه نشسته اند که بغیر از حصیر چیزی دران نیست و خود پیراهن گنده پوشیده اند پس حضرت فرمود که آنچه دیروز دیدی آن خانه از من نبود از زوجهٔ من بود دیروز نوبت او بود و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که شخصی می‌نشیند بر فرشیکه دران صورتهاست فرمود که عجمان تعظیم می‌کنند چنین فرشی را و ما آنرا دشمن میداریم و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند از فرش حریر و دیبا آیا بر روی آن توان خوابید و تکیه کرد و نماز کرد حضرت فرمود در زیر می اندازی و بر رویش می ایستی اما سجده بر آن نمیکنی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام در تابستان بر روی حصیر می‌نشستند و در زمستان بر روی پلاس و در خانه جامهای گنده می‌پوشیدند و چون بیرون می‌آمدند برای مردم زینت میکردند و در روایت معتبر منقولست که چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام را تزویج کردند پوششش ایشان عبای بود و فرش ایشان پوست گوسفندی و بالش ایشان پوستی بود که در میانش لیف خرما پر کرده بودند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که بسیار است که نماز میکنم و در پیش روی من بالشی هست که در آن صورت مرغان است پس جامه بر روی آن بالش می اندازم و نماز میکنم و فرشی چند از شام برای من بهدیه آوردند و در آنها صورت مرغان نقش کرده بودند فرمودم که سرهای ایشان را تغییر دادند و بصورت درخت کردند و در حدیث دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که گاه هست که فرشها از دیبا می‌گسترند که در آنها صورتهاست حضرت فرمود که چیزی را که فرش کنند و پهن کنند و بر رویش راه روند باکی نیست اما صورتهائی که بر دیوار و کرسی نصب کنند خوب نیست فصل پنجم در آداب عبادت کردن بخانه در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حجره در خانه مقرر فرموده بودند که در آنجا بغیر از فرشی و مصحفی و
شمشیری چیزی دیگر نبود و در آن حجره نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقول است که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله حجره در خانه قرار داده بودند که نه بسیار کوچک
بود و نه بسیار بزرگ از برای نمازگاه خود و چون شب می شد طفلی را با خود بآن حجره میبردند
و در آنجا نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقول است که آنحضرت نوشتند بمسمع که دوست
میدارم از برای تو که در خانه خود نمازگاهی قرار دهی و نهم جامهٔ گنده و کهنه بپوشی و بآن موضع
بروی و از خدا سوال کنی که ترا از آتش جهنم آزاد کند و ترا داخل بهشت کند و دعای ناشروع
مکن و نفرین بر کسی مکن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است
که منور گردانید خانهای خود را بتلاوت قرآن و خانهای خود را مثل گور خود مکنید چنانچه
یهود و نصاری کردند که نماز را در معبدهای خود میکردند و خانهای خود را معطل میگذاشتند
بدرستیکه خانه که در آن تلاوت قرآن بسیار شود خیر آن خانه بسیار می شود و اهلش بر فراهیت
و نعمت میباشند و آن خانه روشنی میدهد اهل آسمانرا چنانچه ستارها روشنی میدهند اهل زمین را
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خانه که مسلمانی در آن قرآن خواند
اهل آسمان آنخانه را بیکدیگر مینمایند چنانچه کواکب آسمانرا اهل زمین بیکدیگر مینمایند و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که خانه که در آن قرآن خوانده میشود
و یاد خدا در آنخانه کرده می شود برکت آنخانه بسیار می شود و ملائکه حاضر میباشند و شیاطین
دور می شوند و روشنی میدهد اهل آسمانرا چنانچه ستارها اهل زمین را روشنی میدهند و خانه که در آن
قرآن خوانده نشود و یاد خدا در آن نکنند برکت آنخانه کم می باشد و ملائکه دوری میکنند و
شیاطین در آن خانه حاضر می باشند فصل ششم در نگاهداشتن حیوانات در خانه خصوصاً کبوتر
و خروس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که حیوانات را در خانه بسیار نگاهدارید
که شیاطین بآنها مشغول شوند و باطفال شما ضرر نرسانند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که خوب است حیوانات در خانه داشتن مثل کبوتر و مرغ و بزغاله تا آنکه اطفال
جنیان با ایشان بازی کنند و باطفال شما بازی نکنند و در حدیث معتبر منقول است

که شخصی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم شکایت کرد از تنهائی حضرت فرمودند که یکجفت
کبوتر در خانه نگهدار و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کبوتر از مرغان
پیغمبران است و در حدیث حسن دیگر فرمود که کبوتران حرم از نسل کبوتری چنداند که حضرت
اسمعیل علیه السلام نگاهداشته بودند و با آنها انس میگرفتند پس مستحب است که در خانه کبوتری
چند نگاهدارند که بال ایشانرا چیده باشند که با آنها انس بگیرند و در حدیث دیگر فرمود که هر خانه که در آنخانه
کبوتر باشد آفتی از جن باهل آنخانه نرسد زیرا که بچه‌های جن بازی میکنند در خانه چون کبوتر در خانه
هست مشغول آن می‌شوند و متوجه آدمی نمی‌شوند و در حدیث دیگر فرمود که کبوتر در خانه نگهدارید که
دوست داشتنی است و دعا کرده حضرت نوح علیه السلام است و هیچ چیز در خانه مثل آن
باعث انس نمی‌شود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است هر بالی که کبوتر می‌زند
باعث نفرت و گریختن شیاطین می‌شود و در روایت دیگر از داود بن فرقد منقولست
که گفت در خانه حضرت صادق علیه السلام کبوتر راعبی دیدم که بسیار میخواند حضرت فرمود
که میدانی که این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود که نفرین میکند بر قاتلان حضرت امام حسین
علیه السلام پس ایشانرا در خانه خود نگهدارید و در حدیث دیگر منقول است که راوی گفت
که آنحضرت را دیدم که از برای کبوتری چند که در خانه آن حضرت بودند نان ریزه میکردند و در
حدیث دیگر از عبدالکریم منقول است که گفت رفتم بخانه آن حضرت دیدم که سه کبوتر سبز در
خانه آن حضرت بود عرض کردم اینها خانه را کثیف می کنند حضرت فرمود که مستحب است
نگاهداشتن اینها در خانه و در حدیث دیگر فرمود که در خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم یک جفت کبوتر سرخ بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
علیه و آله چاهی کنده بودند خبر دادند بآن حضرت که جنیان بآن چاه سنگ می اندازند
حضرت آمدند و بر سر آن چاه ایستادند و فرمودند که دست ازین عمل بردارید و اگر نه کبوتر را
در اینجا میگذارم پس فرمود که صدای بال کبوتر شیاطین را دفع میکند و از محمد بن کرامه منقول
است که گفت بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم یک جفت کبوتر در منزل حضرت
دیدم که کبوتر نر سبز بود و نقطه‌های سفید داشت و کبوتر ماده سیاه بود و حضرت نان برجسے

آنها ریزه میکردند و فرمودند که اینها در شب حرکت می کنند و مونس من اند و هر مرتبه که در شب
بال بهم میزنند جنیان و شیاطین را که داخل شده اند دفع می کنند و در چند حدیث از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که کبوتر را که بجای دور میفرستند تا سی فرسخ راه از روی دانائی
میرود و برمیگردد و آنچه زیاده از این است از روی دانائی نیست بلکه نان خورش و تقدیر آنرا
می آورد و در چند حدیث منقولست که کبوتر خانگی یا کبوتر باهوا[?] در خانه بسیار می کنند و اهل بیت را دوست
میدارند و صاحبخانه را دعا می کنند که خداوند تعالی شما را برکت دهد و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که خروس بال کشاده سفیدی که در خانه باشد آنخانه و هفت
خانه دور آن خانه را از بلا نگاه میدارد و یک بال زدن کبوتر دورنگ بهتر است از هفت
خروس سفید و در حدیث دیگر فرمود که خروس سفید یار من و یار هر مومنی است و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در خروس پنج خصلت است از خصلتهای پیغمبران
سخاوت و شجاعت و شناختن وقت نمازها و بسیار جماع کردن و غیرت و از حضرت امیر المومنین
علیه السلام منقولست که فریاد کردن خروس نماز اوست و بال زدنش رکوع و سجود اوست
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که دشنام مدهید خروس را که از برای
نماز مردم را بیدار میکند فصل هفتم در نگاه داشتن گوسفند و بز در خانه در حدیث موثق از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر اهل خانه که یک گوسفند نگاهدارد خدا روزی آن گوسفند را با ایشان
میدهد و روزی ایشانرا زیاده میکند و فقر از ایشان یک منزل دور می شود و اگر دو گوسفند نگاهدارند
خدا روزی آنها را برساند و روزی ایشانرا زیاده کند و پریشانی از ایشان دو منزل
دور می شود و اگر سه گوسفند نگاهدارند حقتعالی روزی آنها را برساند و روزی ایشانرا زیاده کند
و پریشانی از ایشان در اصل برطرف شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر
اهل خانه که نزد ایشان گوسفند شیر دهی باشد هر روز دو مرتبه ملائکه با ایشان میگویند که خدا شما را
برکت دهد و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر مومنی که در خانه
او یک بز شیرده باشد هر روز یک مرتبه ملکی در طرف صبح ایشانرا دعا کند که مطهر و پاک باشید شما
و خدا برکت دهد شما را و نیکو باد احوال شما و نیکو باد نانخورش شما و اگر دو بز شیرده باشد هر روز

و دو مرتبه ملائکه چنین دعا کنند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
با عمه خود فرمود که چه مانع است ترا از آنکه در خانه خود برکتی نگاهداری گفت یا رسول الله برکت کدام
است فرمود که گوسفندی که شیر دهد پس فرمود که هر که در خانه او گوسفندی شیرده یا بز شیرده
یا گاو شیرده باشد باعث برکت خانه او می شود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی سه چیز
برکت فرستاده است آب و آتش و گوسفند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که هر اهل خانه که سی گوسفند در سیمین داخل خانه او شوند ملائکه نگاهبانی ایشان می کنند
تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند نگهدارید و شیر نگاه مدارید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم فرمود که نیکو مالی هست گوسفند و در حدیث دیگر فرمود که چون گوسفند نگهدارید
خوابگاه ایشان را نیکو و پاکیزه کنید و خاک از بدن ایشان پاک کنید فصل هشتم در بیان احوال سائر
طیور و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن ایشان روا است یا روا نیست در حدیث معتبر منقول
است که فاخته در خانه حضرت امام محمد باقر علیه السلام بود آنحضرت روزی شنیدند که او خواندگی
میکرد فرمود که میدانید که چه میگوید گفتند نه فرمود که میگوید فَقَدتُکُم فَقَدتُکُم یعنی نیست
شوید نیست شوید پس فرمود که من آنرا دفع میکنم پیش از آنکه او ما را دفع کند پس فرمود که آنرا
کشتند و در حدیث دیگر منقول است که روزی حضرت صادق علیه السلام بخانه اسمعیل فرزندش
خود آمدند دیدند که فاخته را در قفس کرده است او فریاد میکند حضرت فرمود که ای فرزند چه باعث
شده است ترا که این فاخته را نگاهداشته مگر نمیدانی که این شوم است و مگر نمیدانی که نفرین میکند
صاحب خانه را پس آنرا نیست کنید پیش از آنکه او شما را نیست کند و در حدیث معتبر
منقول است که روزی حضرت صادق علیه السلام نشسته بودند شخصی گذشت در پرستک کشته
در دست داشت حضرت برجستند و آنرا از دست او گرفته بر زمین زدند و فرمودند که آیا
عالم شما امر کرده است شما را که این مرغ را بکشید یا فقیه شما بدرستیکه مرا خبر داد پدرم از جدم پیش
که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از کشتن شش جانور مگس عسل و مور و چه
و وزغ و صرد و هدهد و پرستک اما مگس عسل زیرا که پاکیزه میخورد و پاکیزه از و جدا میشود و آنست
چیزی که خدا باو وحی کرده است که نه از جن است و نه از انس در آنجا که فرموده است

وَ اَوْحٰی رَبُّکَ اِلَی النَّحْلِ را اما مورچه زیرا که قحطی در زمان حضرت سلیمان پیغمبر علیه السلام بهم رسید و آن حضرت بطلب باران با اصحاب خود بیرون رفتند ناگاه مورچه را دیدند که آن حضرت که بر پا ایستاده دست بآسمان دراز کرده میگوید که پروردگارا ما از جملهٔ آفریدهای توایم و از روزی تو بی نیاز نیستیم پس روزی بده ما از نزد خود و مارا مگیر بگناهان بیخردان از فرزندان آدم علیه السلام پس حضرت سلیمان علیه السلام فرمود که برگردید که حق تعالی شما را بدعای دیگران باران داد و اما وزغ زیرا که چون نمرود آتش برای حضرت ابراهیم علیه السلام برافروخت جانوران زمین از خدا رخصت طلبیدند که آب بر آن آتش بریزند حقتعالی هیچیک را رخصت نفرمود بغیر از وزغ پس دو ثلث او از آتش سوخت و یک ثلث او باقی ماند و اما هدهد زیرا که آن دلیل حضرت سلیمان بود بسوی ملک بلقیس و اما صرد که آن مرغی است که سر بزرگی دارد و گنجشک را شکار میکند زیرا که راهنمای حضرت آدم علیه السلام بود از بلاد سراندیب تا بلاد جده یک ماه و اما پرستک زیرا که گردیدن آن در هوا برای تأسف و اندوهی است که بر مظلومیت اهلبیت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم دارد و تسبیحش خواندن سورهٔ حمد است مگر نمی بینی که در آخر خواندگی خود میگوید وَلَا الضَّآلِّیْنَ و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند از کشتن مورچه حضرت فرمود که مکش مگر آنکه ترا آزار کند و پرسیدند از کشتن هدهد فرمودند که آزارش مکن و مکشش و ذبح مکن که نیکو مرغی است و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه التحیة والثناء منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از کشتن پنج جانور صرد و صوام که مرغی است در میان نخلستان بیابان معروف است و مگس عسل و هدهد و مورچه و وزغ و امر فرمود بکشتن پنج جانور کلاغ و کورکوره و مار و عقرب و سگ درنده و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که ماری را بکشد چنان است که کافری را کشته است و در حدیث موثق منقول است از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند از کشتن مار حضرت فرمود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که مار را برای این نکشد که کشتن آن گناه است از من نیست اما اگر از برای این نکشتی که حیوانی است و بتو آزار نمیرساند باکی نیست و در حدیث

دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرموده از آنکه حیوانی را بآتش بسوزانند
واز حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی عذاب فرمود زنی را از برای آنکه گربه را بسته
بود تا از تشنگی مرده بود ودر حدیث معتبر منقول است که باکی نیست به کشتن مورچه خواه آزارت
بکند وخواه نکند ودر حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که پرستک را
حرمت بدارید که زیاده از همه مرغان انس بمردم میگیرد ودر روزی که میکند سوره حمد میخواند ودر
حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در زیر بال هدهد بزبان سریانی نوشته
است که آلُ مُحَمَّدٍ خَیْرُ الْبَرِیَّةِ یعنی آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم بهترین خلائق اند ودر حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مخورید جوجه را ودشنام مدهید ومدهید
باطفال که بازی کنند که تسبیح خدا بسیار میکند وتسبیحش اینست که لَعَنَ اللّٰهُ مُبْغِضِیْ آلِ مُحَمَّدٍ
عَلَیْهِمُ السَّلَامُ یعنی لعنت کند خدا دشمنان آل محمد را ودر حدیث دیگر از حضرت علی بن الحسین
علیهما السلام منقول است که آن کاکلی که بر سر جوجه است از دست مالیدن حضرت
سلیمان علیه السلام بهم رسیده است زیرا که روزی نرے با ماده خود خواست که جمع شود
وماده مضائقه میکرد نر گفت میخواهم که فرزندی بهم رسد که خدا را یاد کند پس ماده راضی شد
چون خواست که تخم بگذارد نر گفت که تخم را کجا میگذاری گفت میخواهم که دور از راه بگذارم
نر گفت اگر نزد راه بگذاری بهتر است که اگر کسے بیاید گمان کند که برای دانه چیدن باینجا آمده
است آن چنین کرد چون نزدیک شد که جوجه بیرون آورند ناگاه دیدند که حضرت سلیمان
علیه السلام با لشکرش می آیند ومرغان بر سر سایه کرده اند ماده گفت اینک سلیمان با لشکرش
برسید ومی ترسم مارا وتخم مارا پامال کنند نر گفت که حضرت سلیمان مرد رحیم ومهربان
است آیا نزد تو چیزے هست که برای جوجه خود پنهان کرده باشی گفت بلے ملخی دارم
که از تو پنهان کرده ام برای جوجه خود آیا تو چیزی برای جوجه خود ذخیره کرده نر گفت بلے
من خرمای دارم که از تو پنهان کرده ام برای جوجه خود ماده گفت که پس تو خرمای خود بردار
ومن ملخ خود را بر میدارم وهر دو بخدمت حضرت سلیمان میرویم وهدیه خود را میگذاریم
وحاجت خود را عرض میکنیم وسلیمان هدیه را دوست میدارد پس نر خرما را در منقار گرفت

وباده ملخ را بچنگال گرفت وهر دو پرواز کردند وبخدمت حضرت سلیمانؑ آمدند وآنحضرت بر روی تخت خود نشسته بود چون ایشان را دید دستها را گشود نر بر دست راست آنحضرت نشست وباده بر دست چپ آنحضرت وحضرت از حال ایشان سوال نمود قصهٔ خود را نقل کردند سلیمانؑ هدیهٔ ایشانرا قبول نمود وشکر خود را از جانب تخم ایشان بجانب دیگر گردانید ودست بر سر ایشان مالید ودعا کرد برای ایشان ببرکت پس باین سبب این کاکل بر سر ایشان بهم رسید ودر چند حدیث معتبر وارد شده است که جوجه را از آشیان شکار مکنید بلکه بگذارید که پرواز کنند بعد از آن ایشانرا شکار کنید وشب بر سر آشیانهٔ مرغان مروید که ایشان را شکار کنید که شب ورا امانند ودر حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که باکی نیست شب مرغانرا از آشیانها گرفتن لهذا علما گفته اند که مکروه است شب مرغانرا شکار کردن وجوجه را از آشیان گرفتن وهم چنین حیوانات را در شب کشتن مکروه است ودر حدیث دیگر منقول است که در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام تعریف حسن طاوس میکردند حضرت فرمود که هیچ حیوانی حسنش زیاده از خروس سفید نیست وخروس خوش آواز تر از آنست وبرکتش بیشتر است وتر آگاه میگرداند در وقت نمازها وطاوس نفرین ودیل وعذاب بر خود میکند بآن گناهی که کرده است وبآن سبب مسخ شده است ودر حدیث دیگر منقول است که طاوس یمانی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد حضرت از و پرسیدند که توئی طاوس گفت بلی حضرت فرمود که طاوس مرغ شومی است که بساحت هیچ گروهی داخل نمیشود مگر آنکه ایشانرا آواره میکند ودر حدیث دیگر منقول است که سالم بخدمت آنحضرت رفت چون نشست جمعی از گنجشکها فریاد میکردند حضرت فرمود که میدانی که چه میگویند گفت نه فرمود که میگویند که خداوندا ما آفریده وچندیم از آفریدهای تو چاره نیست مارا از روزی تو پس طعام وآب بده مارا ودر حدیث دیگر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در چنین حالی فرمودند که ایشان تسبیح پروردگار خود میگویند وطلب روزی خود از خدای تعالی میکنند ودر حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چند وندرمان سابق در خانها جا میکرد ودر وقت طعام خوردن نزدیک خوان می آمد

وطعام نیز نزدیش میریختند و میخوردند و چون حضرت امام حسین علیه السلام را شهید کردند از آبادانی بیرون رفت و در خرابها و کوهها و صحراها جا گرفت و گفت بد امتی هستید شما فرزند پیغمبر خود را میکشید من ایمن نیستم از شما که مرا بکشید و در چند حدیث از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تا حضرت امام حسین علیه السلام را شهید کردند چغد در روز پیدا نمی شود و همین در شب پیدا می شود از آن روز قسم خورده که در آبادانی جا نگیرد و پیوسته روزها روزه می باشد واندوهناک و چون شب می شود افطار میکنند و پیوسته ناله و گریه میکنند بر حضرت امام حسین علیه السلام تا صبح و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که اگر نه این بود که مگس بر طعام مردم می نشیند هر آئینه همه کس بخوره مبتلا می شدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون مگس در ظرف طعام یا آب بیفتد آنرا غوطه دهید و بیندازید که در یک بالش زهر است و در بال دیگر شفاست و آن بال زهرآلوده را در آب و طعام فرو می برد شما آن بال دیگر را هم فرو برید که ضرر رساند فصل نهم در منع از نگاهداشتن سگ در خانه در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکروه است که در خانهٔ مسلمان سگ بوده باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که هیچ کس نیست که سگی در خانه نگاهدارد مگر آنکه هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم می شود و در حدیث صحیح از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که خیری نیست در سگها مگر سگ شکاری یا سگ گله و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است در دو حدیث موثق که نگاه بدار سگ شکاری را در خانه مگر آنکه در میان تو و او دری باشد که بروی آن بسته شود و در حدیث موثق دیگر فرمود که سگهائی که تمام بدن ایشان سیاه است از جن اند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که سگها از ضعیفان جن اند هرگاه طعام خورید و سگی حاضر باشد یا طعامش بدهید یا دورش کنید که نفسهای بد دارند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سگیکه سیاه یکرنگ یا سفید یکرنگ یا سرخ یکرنگ بوده باشد اینها همه از جن اند و سگهای ابلق مسخ شده اند از جن و انس و در حدیث صحیح از ابوحمزه منقول است که گفت در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم در میان مکه و مدینه ناگاه آنحضرت

ملتفت شدند بجانب جب سگ سیاه یکرنگی را دیدند فرمودند که چیست ترا خدا قبیح گرداند ترا چه بسیار شد میرودی ناگاه دیدم که شبیه بمرغی شد و پرواز کرد برسیدم که این چه چیز بود فرمود که این عثیم نام دارد و بیک جنبیان است و درین ساعت هشام مرده است او پرواز میکنند بهر شهرے و خبر مرگ او را میرسانند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رخصت دادند جماعتی را که خانهای ایشان دور باشد از آبادانی که سگ نگهدارند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که از پی شکاری بسیار مروید که بهم ضرر است شما و چون صدای سگ و فریاد خر را بشنوید پناه برید بخدا از شر شیطان رجیم زیرا که آنها می بینند چیزے چند که شما نمی بینید و در حدیث موثق منقول است که حیوانات را با یکدیگر بجنگ انداختن خوب نیست مگر سگ را که بتاز ند بر حیوانات برای شکار کردن و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که هر حیوانی را که سگ تعلیم کرده شکار کند اگر برسی و جان داشته باشد آنرا ذبح کن و اگر جان نداشته باشد حلال است اگر در وقت فرستادن سگ بسم الله گفته باشی و هر چه را حیوانات دیگر شکار کنند یا سگی شکار کند که آنرا شکار کردن نیاموخته باشند اگر برسی وقتیکه جان داشته باشد و آنرا بکشی حلال است و اگر نه حرام است و هر حیوانی را که شکار کنی به تیر پیکاندار یا به تیر بے پیکان که در بدنش فرو رود و آنرا بکشد و اگر برسی و جان داشته باشد آنرا ذبح کن و اگر جان نداشته باشد حرام است و اگر نام خدا برده در وقت انداختن حلال است و همچنین اگر بشمشیر و نیزه و حربهای دیگر شکار کنی این حکم دارد و اگر بسنگ یا تفنگ یا کمان گلوله و سائر چیزها که آهنی ندارد و بسنگینی میکشد شکار کنی اگر وقتی برسی که جان داشته باشد ذبح کنی حلال است و اگر نه حرام است و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که شکاری که سگ سیاه یکرنگ کند مخورید زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم امر فرموده که چنین سگی را بکشند و علما حمل بر کراهت کرده اند و هم چنین نهی وارد شده است از خوردن شکاری که سگی بکند که یهودی یا نصرانی یا مجوسی آنرا تعلیم کرده باشند و این را حمل نیز بر کراهت کرده اند و همچنین مکروه است ماهی را شکار کردن

در روز جمعه پیش از نماز رود و در شکار ماهی شرط است که آنرا زنده از آب بدر آورند و در بیرون آب بمیرد و اگر در میان آب بمیرد حرام است و باید که مسلمان بدر آورد و اگر کافر بدر آورد و مسلمان از و بگیرد و در دست مسلمان بمیرد حلال است و همچنین اگر ماهی خود در کنار بیفتد و مسلمان او را بگیرد و زنده باشد حلال است و اگر ببیند که زنده است و دست نگرفته بمیرد خلاف است و احوط اجتناب است و شکار ملخ بآن میشود که مسلمان آنرا بدست خود یا بآلت شکار بگیرد و ملخی که به پرواز نیامده باشد حلال نیست و بدانکه شکار لهو و لعب کردن که مطلب از آن سیر کردن باشد باین نحو که زنند و اندازند جائز نیست و نماز را در چنین سفرے تمام می باید کرد و روزه را می باید گرفت و اگر مطلب روزی عیال یا تجارت باشد حلال است و نماز را قصر میکند و روزه نخورد و این رساله گنجائش ذکر مفصل احکام شکار ندارد و از محلش طلب باید کرد فصل سیم در آداب چراغ افروختن و خانه خریدن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که چراغها را در شب خاموش کنید که آن فاسقک یعنی موش فتیله را نکشد که آتش در خانه بیندازد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که ضائع میشوند و کسی از آنها منتفع نمی شود یکی چراغ در ماهتاب روشن کردن و در حدیث دیگر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که پنج چیز است که ضائع میشوند چراغی که در آفتاب روشن کنند روغن ضائع میشود و از روشنائیش منتفع نمیتوان شد و بارانی که بر زمین شوره زار ببارد باران ضائع میشود و از زمین نفعی عاید نمی شود و طعامی که شخصی در آن تکلف کند و نزد کسی بیاورد که او سیر باشد منتفع نمی شود و زن خوشروئی را که عروس کنند برای شوهر عنین هر بد و نیکی که بشخصی بکنند که شکر نکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چراغ روشن کردن پیش از غروب آفتاب پریشانی را برطرف میکند و روزی را زیاده میکند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که کراهت دارد که شخصی داخل خانهٔ تاریک شود مگر آنکه در پیش روی او چراغی یا آتشی افروخته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون چراغ را به اندرون خانه بیاورند این دعا بخوانند اللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوراً نَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ

وَلَا تَحْرِمْنَا لِقَاءَکَ یَوْمَ نَلْقَاکَ وَاجْعَلْ لَنَا نُوراً إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ و چون چراغ خاموش کنند این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ أَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که خانه بخرد سنت است که ولیمه مهمانی بکند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هر که خانه بسازد پس گوسفندی فربه بکشد و گوشتش را بمردم پریشان بخوراند پس بگوید اَللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی مَرَدَةَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّیَاطِینِ وَبَارِکْ لِی فِی بِنَائِی حق تعالی دفع ضرر متمردان جن و انس و شیاطین از و بکند و آن خانه ساختن را از برای او مبارک گرداند

فصل یازدهم در بیان سائر آداب خانه

در حدیث معتبر از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که کراهت وارد که آدمی در خانه شب بروز آورد که دری و پرده نداشته باشد و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلے الله علیه و آله و سلم منقول است که سه کس اند که حق تعالی حفظ و حمایت خود را از ایشان بر دارد کسیکه در خانه شکسته نازل شود و سنگی ناید و کسیکه در میان راه نماز کند و کسیکه چارپای خود را سر دهد بندی بر آن نگذارد و کسی بران نگارد و در حدیث معتبر صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ساختهای خانه خود را جاروب کنید و شبیه مشوید به یهودان که ایشان جاروب نمی کنند و در روایت معتبر از حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقول است که خاک روبه خانه را شب در خانه مگذارید و بیرون برید که شیطان در ان جا میگیرد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خانه را جاروب کردن پریشانی را برطرف میکند و حضرت رسول صلے الله علیه و آله و سلم فرمود که خانه شیطان در خانهای شما جائی است که عنکبوت می تند و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دهان ظرفهای آب و طعام را به بندید و در خانه را به بندید که شیطان در بسته و ظرف سربسته را نمی گشاید و چراغ را خاموش کنید که موش آتش در خانه شما نیندازد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلے الله علیه و آله و سلم در تابستان که از خانه بیرون می آمدند برای خوابیدن در روز پنجشنبه بیرون می آمدند و چون هوا سرد می شد داخل خانها می شدند برای خوابیدن در روز جمعه داخل می شدند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که بر روی قبری بول یا غائط کند یا ایستاده

بول کند یا در آب ایستاده بول کند یا در خانه تنها بخوابد یا دست آلوده بطعام بخوابد و شیطان او را بگیرد
دیوانه بکند دست از او بر ندارد و در هیچ حالی شیطان بر آدمی استیلا ندارد الا مانند این احوال
بدرستیکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بجنگی میرفتند و بوادی رسیدند که در آن جن
بسیار بود در میان اصحاب خود ندا کردند که هر دو تا دست یکدیگر را بگیرید و داخل این وادی
شوید و هیچکس تنها نرود یک شخص تنها رفت و او را صرع گرفت بحضرت خبر دادند حضرت انگشت
مهین او را گرفتند و فشردند و گفتند بسم الله اخرج خبیث انا رسول الله پس آن شخص
مرضش زایل شد و برخاست و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت از شخصی پرسیدند که در کجا
فرود آمده گفت در فلان موضع حضرت فرمود که آیا در آنجا کسی هست با تو گفت نه حضرت فرمودند
که در خانه تنها مباش و از آنجا بخانه دیگر نقل کن که شیطان در هیچ وقت بر آدمی جرأت ندارد
مثل آنکه در خانه تنها باشد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که دستمال گوشت را شب در یورت نگذارید که آن خوابگاه شیطان است و خاکروبه را
در شب در جمع مکنید که آن جایگاه شیطان است و چون بحجره خود برسید بسم الله بگوئید
که شیطان میگریزد و چون داخل حجره شوید سلام بکنید که برکت نازل میشود و ملائکه
انس میگیرند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خاکروبه را شب
در خانها مگذارید و روز بیرون برید که آن جای نشستن شیطان است و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که پاک کنید خانهای خود را از تار عنکبوت که گذاشتن آن در خانه
باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که شستن ظرفها و جاروب کردن خانها و ساحت اندرون و بیرون خانه روزی را زیاده
میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که تنیده عنکبوت را و خاکروبه را
در خانه گذاشتن باعث پریشانی میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که دستمالی که از آن دست را پاک کرده اند و آلوده بطعام و چربی است شب در یورت مگذارید
که آن خوابگاه شیطان است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ظرفهای
خود را بی سرپوش مگذارید که ظرفی را که سرش را نمی پوشانند شیطان در آن آب

وهن مے اندازد از آنچه دران هست آنچه میخواهد برمیدارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم منقول است که چهارپایان اطفال ویاران خود را محافظت نمایید بعد از فرو رفتن آفتاب
تا وقت خفتن که درین ما بین شیاطین بر ایشان مستولی میشوند و در حدیث معتبر منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از آنکه کسی در خانه همسایه نظر کند
و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی شش خصلت برای من نخواسته است و من نمیخواهم برای امامان
از فرزندان من و شیعیان ایشان بادست در ریش و جامه خود بازی کردن در نماز و فحش گفتن
در روز روزه و منت گذاشتن بعد از تصدق و جنب بمسجدها رفتن و در قبرستانها خندیدن و
در خانهای مردم مشرف شدن و در حدیث صحیح منقول است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم در حجره بعضی از زنان بودند شخصی از رخنه درگاه آن حجره نظر کرد حضرت فرمود
اگر نزدیک می بودم چشمت را کور میکردم فصل دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون
رفتن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که بعد از یک خواب اول شب از خانه
بیرون مروید که خدا را خلقی چند هست که درینوقت پهن میشوند در زمین و آنچه می فرمایند می کنند
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون از خانه بیرون روی بگو
بِسْمِ اللهِ آمَنْتُ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ که چون
این را بگوئی ملائکه بر روی شیاطین میزنند و ایشانرا از تو دور می کنند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هرگاه کسی از خانه بیرون آید و بگوید بسم الله ملائکه باو
میگویند که سلامت ماندی پس چون بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ ملائکه باو میگویند که
کارهایت ساخته شد پس چون بگوید تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ ملائکه باو میگویند که از بلاها نگاهداشته
شدی و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون پدرم از خانه بیرون
می آمد این دعا میخواند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ لَا بِحَوْلِيْ وَقُوَّتِيْ
بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ فَأْتِنِيْ بِهِ فِيْ عَافِيَةٍ و در حدیث معتبر
از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که چون کسی داخل خانه خود شود بر اهلش
سلام کند واگر اهلی نداشته باشد بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا و چون داخل خانه می شود

سوره قل هو الله احد بخواند که فقر و پریشانی بر طرف میکند و چون کسی خواهد که بے حاجتے برود بامداد روز پنجشنبه برود و آیات سوره آل عمران را که پیش گذشت اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ تا اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ بخواند و آیة الکرسی و سوره انا انزلناه و سوره حمد بخواند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون از خانه بیرون روی بگو بِسْمِ اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَاَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِيْ فِيْ طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنِيْ رَاغِبًا فِيْمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِيْ فِيْ سَبِيْلِكَ وَعَلٰى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند خدا گناهانش را بیامرزد و توبه اش را قبول کند و کارهایش را بسازد و او را از بدیها و شر نگاه دارد و دعا اینست اَعُوْذُ بِمَا عَاذَتْ بِهٖ مَلٰئِكَةُ اللّٰهِ وَرُسُلُهٗ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْيَوْمِ الْجَدِيْدِ الَّذِيْ اِذَا غَابَتْ شَمْسُهٗ لَمْ تَعُدْ مِنْ شَرِّ نَفْسِيْ وَمِنْ شَرِّ غَيْرِيْ وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِيْنِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِاَوْلِيَاءِ اللّٰهِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ السِّبَاعِ وَالْهَوَامِّ وَمِنْ شَرِّ رُكُوْبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا اُجِيْرُ نَفْسِيْ بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ سُوْءٍ و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در وقت بیرون رفتن از خانه ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند در حفظ و حمایت الهی باشد تا بخانه خود برگردد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آنحضرت در وقت بیرون رفتن از خانه این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ بِكَ خَرَجْتُ وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِيْ فِيْ يَوْمِيْ هٰذَا وَارْزُقْنِيْ فَوْزَهٗ وَفَتْحَهٗ وَنَصْرَهٗ وَطَهُوْرَهٗ وَهُدَاهُ وَبَرَكَتَهٗ وَاصْرِفْ عَنِّيْ شَرَّهٗ وَشَرَّ مَا فِيْهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ خَرَجْتُ فَبَارِكْ لِيْ فِيْ خُرُوْجِيْ وَانْفَعْنِيْ بِهٖ و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که چون آدمی از خانه بیرون آید الله اکبر بگوید سه مرتبه پس بگوید بِاللّٰهِ اَخْرُجُ وَبِاللّٰهِ اَدْخُلُ وَعَلَى اللّٰهِ اَتَوَكَّلُ سه مرتبه پس بگوید اَللّٰهُمَّ افْتَحْ فِيْ وَجْهِيْ هٰذَا بِخَيْرٍ وَاخْتِمْ لِيْ بِخَيْرٍ وَقِنِيْ شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ چون این دعا بخواند پیوسته

در ضمان حق تعالی باشد تا برگرداند او را بآن مکان که در آنجا بوده است و در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند حق تعالی کارهای دنیا و آخرت او را برآورد و دعا بِسْمِ اللهِ حَسْبِیَ اللهُ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ خَیْرَ اُمُوْرِی کُلِّهَا وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیَا وَ عَذَابِ الْاٰخِرَةِ و در روایت دیگر منقول است که چون آنحضرت از حجره بیرون می آمدند این دعا میخواندند بِسْمِ اللهِ خَرَجْتُ وَ عَلَی اللهِ تَوَکَّلْتُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه نگین انگشتر خود را بکف دست بگرداند و در آن نظر کند و سوره انا انزلناه بخواند پس بگوید آمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَانِیَتِهِمْ در آن روز نرسد چیزیکه مکروه او باشد و در روایت دیگر منقول است که در وقت بیرون آمدن از خانه بگوید بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ پس سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را از جانب پیش رو و پشت سر و جانب راست و جانب چپ و بالای سر و پائین پا بخواند و در وقت داخل شدن خانه بگوید بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ پس سلام بر اهل خانه بکند و اگر کسی در خانه نباشد بعد از آن دعا بگوید اَلسَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَی الْاَئِمَّةِ الْهَادِیْنَ الْمَهْدِیِّیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلٰی عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِیْنَ و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ضامنم برای کسیکه تحت الحنک بسته از خانه بیرون رود آنکه بسلامت بخانه برگردد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون بطلب حاجتی بیرون روید در روز بروید که در شب حاجت برآورده نمی شود

باب سیزدهم در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و چهارپایان نگاه داشتن

فصل اول در سوار شدن اسب و استر و الاغ و انواع هر یک

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که از سعادت آدمی است که چهارپای راهوار داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهارپا نگاه دارید

که زینت شماست و کارهای شما بآن ساخته می شود و روزیش بر خداست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که از بدی زندگانی است چارپای بد داشتن و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که چارپائی بخرد سواریش از دوست و روزیش بر خداست و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت مومن است که چارپائی داشته باشد که برای حوائج خود و کار سازی برادران مومن بران سوار شود و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت فرمود بیونس بن یعقوب که الاغی نگاهدار که بارت را بردارد و بدرستیکه روزیش بر خداست راوی گفت که الاغی خریدم و چون هر سال حساب خرج خود کردیم هیچ زیاده نشده بود و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام از ابن طیفور پرسیدند بر چه چیز سوار میشوی گفت بر الاغی فرمود که بچند خریده گفت بسیزده اشرفی حضرت فرمود که این اسراف است که الاغی بخری باین قیمت و یابوی نخری گفت خرج یابوی بیشتر است فرمود که آن کسیکه خرج الاغ را میرساند خرج یابو را هم میرساند مگر نمیدانی که هر که اسپی نگاهدارد و انتظار خروج ما اهلبیت بکشد و دشمن ما را بخشم آورد بنگاهداشتن آن اسپ حق تعالی روزیش را برساند و سینه اش را گشاده گرداند و آرزوهایش را بر آورد و یاور او دست بر حوائج او و در روایت دیگر منقولست که روزی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بر استری سوار شدند شخصی از مخالفان گفت که این چه چارپاست که سوار شده که از پی دشمن نمیتوان دوانید و بر روی آن جنگ نمیتوان کرد حضرت فرمود که رفعت و سرافرازی اسپ را ندارد و مذلت الاغ را ندارد و بهترین امور وسط آنهاست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که هر که بندد اسپی پدر و مادر عربی را هر روز از نامه عمل او سه گناه محو شود و یازده حسنه نوشته شود و هر که اسپی بر بندد که یکی از مادر و پدرش غیر عربی باشد هر روز دو گناه از نامه عملش محو شود و هفت حسنه برای او نوشته شود و هر که یابوی به بندد برای زینت خود و بر آوردن کارهای خود یا دفع دشمن خود هر روز یک گناه از نامه عملش محو شود و شش حسنه برای او نوشته شود و در روایت معتبره از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که خیر و نیکی بر پیشانی اسپان بسته است تا روز قیامت و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر که

نگاه دارد اسب سرخ موئی که در پیشانیش سفیدی بسیاری بوده باشد و اگر سفیدی پیشانیش تا بینی آمده باشد و چهار دست و پایش سفید باشد بهتر است نزد من پس خانه که در آن چنین اسب باشد فقر و پریشانی داخل آن خانه نمی شود مادام که آن اسب در ملک آن شخص داخل است ظلم در آن خانه داخل نمی شود و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که از خانه خود یا از خانه دیگری بیرون آید در اول روز و اسب آل پیشانی سفیدی را ببیند که در دست و پایش هم سفیدی باشد در آن روز بغیر از خوشحالی نمی بیند و اگر سفیدی پیشانیش تا پائین آمده باشد پس نهایت خوشحالی در آن روز برای او رو دهد و اگر پی کاری رود و چنین اسبی را ببیند آن حاجتش برآورده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله و سلم چهار اسب از یمن بهدیه آورده برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند که در میان آنها اسبی هست که نشان سفیدی داشته باشد حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که بلی اسب آل نشان دار هست فرمود که آن را برای من نگاه دار باز فرمود که دو دیگر نشاندار هست فرمود که آنها را برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام نگاه دار پس فرمود که چهارم اسب سیاه یکرنگ است فرمود که آن را بفروش و قیمتش را صرف عیال خود کن که مبارکی و میمنت اسب در نشانهای سفید است و گویا در این حدیث مراد نشان سفید دست و پا باشد و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که در چهارپایان یکرنگ بودن کراهت دارد مگر الاغ و شتر و نشانهای سفید در الاغ و استر کراهت دارد و نشان سفید در پیشانی استر کراهت دارد مگر آنکه سفیدیش تا بینی کشیده باشد و آنهم بسیار خوب نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بهترین چهارپایان نزد من الاغ است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که میمنت اسب در سرخ و در سیاه و پیشانی سفیدی است که دست و پایش سفید باشد و دست راستش سفیدی نداشته باشد و از طرخان دلال چهارپا منقول است که حضرت صادق علیه السلام از من طلبید استر سیاهی که زیر شکم و میان پاهایش و دهانش سفید باشد

فصل دوم در آداب نگاهداشتن و رعایت حقوق چهارپایان

در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چهارپا را بر صاحبش شش حق است باید که ابتدا کند بعلف دادن آن

چون فرود آید و هر گاه که بآب برسد آب را بر او عرض کند که اگر خواهد بخورد و بر رویش چیزی نزند
که تسبیح پروردگار خود میکند و بر روی آن سواره نایستد مگر در وقتیکه جهاد کنند در راه خدا و
زیاده از توانائی آن بارش نکند و تکلیف رفتار آنقدر بکند که طاقت داشته باشد و از حضرت
صادق علیه السلام مثل این منقولست و زیاده از این فرمود که بر رویش داغ نکنند و از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که چارپای را بسفر ببرد چون فرود آید اول
او را آب و علف دهد پیش از آنکه خود چیزی بخورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود
که سه کس بر یک چارپائی ردیف سوار نشوند که یکی از ایشان ملعون است یعنی آنکه پیش نشسته است
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت شتری را دیدند که بارش بسته است و پایش بسته
است فرمودند که صاحب این شتر را بگوئید که مستعد باشد که این شتر با او در قیامت خصومت
خواهد کرد و در حدیث معتبر منقول است که قطار شتری از پیش حضرت صادق علیه السلام گذشت
دیدند که بار یک شتری گشته است بصاحب شتر گفتند که عدالت کن بر این شتر که خدا عدالت را
دوست میدارد و در احادیث معتبره منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام بیست
حج کردند بر شتری و یک تازیانه بر آن نزدند و در احادیث معتبره منقول است که هیچ
صاحب روحی را بچیزی بر رویش مزنید که تسبیح پروردگار میگوید و هر چیز را حرمتی است و حرمت
حیوانات در روی ایشان است و از ابوذر غفاری رضی الله عنه منقولست که چارپایان میگویند
که خداوندا مالک نکوئی بما کرامت فرما که رفق و مدارا کند با ما و نیکی کند با ما و آب و علف بما بخوراند
و عنف و تعدی بر ما نکند و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و امام موسی کاظم
علیه السلام منقولست که هر دابه که صاحبش خواهد که بر او سوار شود در آنوقت میگوید اللهم اجعله
بی رحیما خداوندا او را بمن مهربان گردان و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که شخصی دید ابوذر رضی الله عنه را که در ربذه الاغ خود را آب میداد از وی پرسید که مگر
کسی نداری که برای تو این الاغ را آب دهد گفت شنیدم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
که فرمود هیچ دابه نیست مگر آنکه هر صبح از خدا سوال میکند که خداوندا روزی کن مرا صاحب شایسته
نکوئی که مرا از علف سیر و از آب سیراب گرداند و زیاده از توانائی مرا تکلیف نکند باین سبب

میخواهم که خود آنرا آب دهم و در حدیث موثق از صفوان شتردار منقول است که گفت شتری برای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام خریدم به هشتاد درهم چون بخدمت آنحضرت بردم فرمود که آیا کجاوه میتواند برداشت پس من کجاوه بران بار کردم و بحضرت عرض کردم حضرت فرمود که اگر مردم بدانند که حقتعالی چهارپایان ضعیف را چگونه توانائی بار برداشتن میدهد هر آئینه هرگز چهارپایان گران نخرند و در حدیث دیگر از ابن ابی یعفور منقول است که حضرت صادق علیه السلام دیدند که من پیاده راه میروم فرمودند که چرا سوار نمی شوی گفتم شتر من ضعیف است میخواهم که بارش سبک باشد فرمود که مگر نمیدانی که شتر ضعیف و قوی هر دو را خدا تاب و توانائی برداشتن میدهد و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که بر کوهان هر شتری شیطانی نشسته است آنرا بکار فرمائید و نرم کنید و نام خدا بران ببرید در وقت سوار شدن و بار کردن و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که شتری که هفت مرتبه آنرا بحج برند و در موقف عرفات حاضر شود البته حقتعالی آنرا از چهارپایان بهشت گرداند و در حدیث دیگر پنج و در حدیث دیگر سه هم وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بر شتر بار برداری سوار شود و خود را از ان بیندازد در وقت پائین آمدن و بمیرد داخل جهنم شود و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه چهارپا در زیر کسی بسر در آید و صاحبش باو بگوید که تَعِستَ یعنی هلاک شوی چهارپا میگوید تَعِسَ اَعصانا للرّبّ یعنی هلاک شود هر که نافرمانی پروردگار خود بیشتر کرده است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که اگر او رم کند او را بزنید و در بسر در آمدن مزنید او را و در حدیث دیگر فرمود بر روی چهارپا پا بر روی پای دیگر مگذارید یا آنکه بیک جانب میل مکنید و پشتش را مجلس مکنید که ایستاده بر روی آن صحبت بدارید بلکه وقتیکه راه نروید فرود آئید و چون خواهید براه روید سوار شوید و از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام منقول است که حیوانات از چهار چیز غافل نمی باشند پروردگار خود را می شناسند و مرگ را میدانند و نر و ماده را می شناسند و چراگاه خوب را میدانند و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که در چه وقت دابه را بزنیم برای راه رفتن فرمود که اگر بآن ره نرفتی که در وقت جوع بعلوفه برود نرود آنرا بزن

فصل سوم

در آداب زین و لجام بدانکه احوط و اولی آنست که زین و لجام هیچ یک طلا و نقره نباشد و سنت

است که بالش میان زین دار توک که بر روی اسپ اندازند و قطیفه که بر روی شتر اندازند و سوار شوند
حریر نباشد و سرخ نباشد و زنان را بر زین سوار شدن کراهت شدید وارد و در احادیث معتبره
وارد شده است که از جملهٔ علامات بدی که در آخر الزمان ظاهر شود آنست که زنان بر زین سوار خوهند
و بروایت حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زین مرکب ملعون است برای زنان
و بسند معتبر از حضرت محمد باقر علیه السلام منقولست که جائز نیست زن را سوار شدن بر
زین مگر از برای ضرورت یا در سفر و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام پرسید که آیا سوار میتوان شد بر اسپی که زین یا لجام آن از نقره باشد فرمود که اگر
روکش باشد که از آن جدا نمیتوان کرد باکی نیست و اگر چنین نباشد سوار نمیتوان شد و در
حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حلقهٔ بینی ناقهٔ حضرت رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم از نقره بود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم آنحضرت امیر المؤمنین علیه السلام را فرمود که زنهار سوار مشو بر میثره سرخ که آن از
چیزهای است که شیطان بر آن سواری شود و میثره بالش زین است و بالشی است که بر روی
جهاز شتر میگذارند و بر روی آن سوار میشوند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام بر روی قطیفهٔ سرخ سواری میشدند و در حدیث دیگر منقول است که از حضرت
صادق علیه السلام پرسیدند از پوست حیوانات درنده مانند پوست ببر و پلنگ و شیر
حضرت فرمود که بر روی آنها سوار میتوان شد اما در وقت نماز نمیتوان پوشید و در احادیث
معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمود پنج چیز است که نامردان ترک
نمیکنند یکی سوار شدن بر الاغ جل کرده و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که در بینی
هر چارپایی شیطانی هست چون خواهید که آنرا لجام کنید بسم الله بگوئید و در حدیث صحیح از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر چارپایی که خموشی کند در وقت لجام کردن و غیر آن
یا رم کند در گوشش اگر بگذارد و اگر نه برو بخوانند این آیه را أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ
مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ فصل چهارم در ادعیه و آداب
سواری بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون کسی بر چارپایی

سوار شود و بسم الله بگوید ملکی ردیف آدمی شود و او را نگاه میدارد تا فرود آید و اگر در وقت سوار
شدن بسم الله نگوید شیطان ردیف آدمی شود و با و میگوید که خوانندگی بکن اگر نتواند خوانندگی
کرد با و میگوید که آرزوی باطل محال بکن پس او پیوسته در آرزو دست تا پایین آید و فرمود که هر که
در وقت سواری بگوید بِسْمِ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدَانَا
لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهٗ
مُقْرِنِیْنَ البته محفوظ باشد خود و چهار پایش تا فرود آید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقول است که هر که سوار شود و آیة الکرسی بخواند پس بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ فَاِنَّهٗ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ
حقتعالی بملائکه خطاب فرماید که بندهٔ من میداند که گناهان را بغیر از من نمی آمرزد کسی پس گواه باشید
که گناهان او را آمرزیدم و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله و سلم منقولست که چون سوار شوید
بر چهار پایان خدا را یاد کنید و بگوئید سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِیْنَ وَاِنَّا
اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ و از علی بن ربیعه منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام چون پا در
رکاب گذاشتند گفتند بسم الله پس چون درست سوار شدند این دعا خواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِیْ كَرَّمَنَا وَحَمَلَنَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا عَلٰی كَثِیْرٍ مِّمَّنْ خَلَقَ
تَفْضِیْلًا سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِیْنَ پس سه مرتبه سبحان الله و
سه مرتبه الحمد لله و سه مرتبه الله اکبر فرمودند پس این دعا خواندند رَبِّ اغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ فَاِنَّهٗ
لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ و در روایت دیگر منقول است که چون حضرت صادق علیه السلام
پا در رکاب میگذاشتند میفرمودند سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِیْنَ و هفت
مرتبه سبحان الله و هفت مرتبه الحمد لله و هفت مرتبه لا اله الا الله میگفتند و در روایت دیگر
منقول است که چون آنحضرت سوار شتر می شدند این دعا میخواندند بِسْمِ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِیْنَ وَاِنَّا اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که بر کوهان هر شتری شیطانی هست
چون سوار آن شوید چنانچه خدا فرموده است بگوئید سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا

لَهُ مُقْرِنِینَ و در حدیث معتبر منقولست که چون چهارپای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بسر در می آمد
یا پایش می لغزید این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِیلِ عافِیَتِكَ
وَمِنْ فَجْأَةِ نِقْمَتِكَ و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام
شکایت کرد که دابهٔ من کمگیر است و در هنگام رفتار یکدفعه می ایستد حضرت فرمود که این آیت را در
گوش او بخوان اَوَلَمْ یَرَوْا اَنّا خَلَقْنا لَهُمْ مِمّا عَمِلَتْ اَیْدِینا اَنْعاماً فَهُمْ لَها مالِكُونَ وَذَلَّلْناها
لَهُمْ فَمِنْها رَكُوبُهُمْ وَمِنْها یَأْكُلُونَ و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که لازم است که سواره خبر کند پیاده گان را که با ایشان ضرر رساند چهارپای او و فرمود که
روزی حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام سوار شدند جمعی پیاده با حضرت روانشدند
فرمود که آیا کاری دارید گفتند نه ولیکن میخواهیم که در رکاب تو راه رویم فرمود که برگردید که راه
رفتن پیاده با سواره باعث غرور و فساد سواره و موجب مذلت و خواری پیاده است و در
حدیث دیگر از عبدالله بن عطا منقولست که گفت روزی بخدمت حضرت امام محمد باقر
علیه السلام رفتم فرمود که دو چهارپا برای ما زین بکن رفتم الاغی و استری را زین کردم و استر را
پیش بردم که آنحضرت سوار شوند فرمود که الاغ را پیش بیار که بهترین چهارپایان نزد من الاغ است
و استر را خود سوار شو پس الاغ را آوردم و رکاب گرفتم چون سوار شدند گفتند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
هَدانا لِلْاِسْلامِ وَعَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَمَنَّ عَلَیْنا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
سَخَّرَ لَنا هٰذا وَما كُنّا لَهُ مُقْرِنِینَ وَاِنّا اِلىٰ رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِینَ
پس روانه شدند و در اثنای راه دیدم که الاغ شوخی در رفتار میکرد حضرت خود را به پیش زین
چسبانیدند عرض کردم که یا ابن رسول الله شما را آزاری هست فرمودند رسول خدا صلی الله علیه
و آله وسلم الاغی داشت که او را یعفور مینامیدند و چون سوار آن می شدند از شادی آنکه
حضرت بر آن سوار شده است شوخی در رفتار میکرد که دوشهای مبارک آنحضرت را حرکت
می آورد و آنحضرت خود را به پیش زین می چسبانیدند و میفرمودند اَللّٰهُمَّ لَیْسَ مِنّی وَلٰكِنْ ذا مِنْ
عُفَیْرٍ یعنی خداوندا این از من نیست ولیکن این خیلاء و تبختر از عفیر است من نیز چنین کردم ای
عزیزان تفکر کنید که آن بزرگواران از خیلاء و نخوت رفتار الاغ اندیشه داشتند و بدرگاه خدا

عذری طلب بیند پس آنانکه بر اسبهای تازی نژاد خوش رفتار با آن نخوت و غنج و دلال سوار میشوند
و بر آسمان و زمین بر رفتار خود منت می نهند و غیر خود کسی را موجودی شمارند چگونه عذر خواهند خواست
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آیا شرم نمی کنید که شما بر روی
چهارپایان خود خوانندگی می کنید و آن در زیر شما تسبیح پروردگار خود میگوید و از حضرت امیر المومنین
علیه السلام منقولست که فرمود که چهارپای من هرگز بسبزه نیامد زیرا که هرگز من بر روی زراعت
کسی آنرا نراندم و کشت زار کسی را پامال نکردم فصل پنجم در آداب پیاده رفتن بعضی از احادیث این
فصل در آداب کفش و جامه پوشیدن گذشت و در حدیث معتبر از حضرت موسی ابن جعفر
علیهما السلام منقول است که تند راه رفتن حسن مومن را می برد و در حدیث حسن از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که زنان را باید که در کنار راه بروند و مردان در میان بروند
و در حدیث دیگر فرمود که سواره احق است بمیان جاده راه رفتن از پیاده و پای برهنه احق
است بمیان راه رفتن از کسیکه کفش پوشیده است و در حدیث معتبر منقول است که حضرت
امام زین العابدین علیه السلام چنان بهمواری راه میرفتند که گویا مرغ بر سر آن حضرت
نشسته است و می ترسند که پرواز کند و دست راست آنحضرت بر دست چپ پیشی
نمیگرفت و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هرگاه راه
رود کسی بر روی زمین بتکبر و خیلا لعنت کند او را زمین و آنچه در زیر زمین است و آنچه در بالای
زمین است و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه که کرگوشی کنند امت من از سائلان در وقتیکه
از ایشان چیزی طلبند و از روی تبختر راه روند پروردگار من بعزت خود سوگند خورده
است که ایشانرا بیکدیگر عذاب کند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه امت من در رفتار
تبختر کنند و دستها را کشند و خدمت ایشان کنند غلامان فارس و روم در میان ایشان
فتنه و فساد باشد بر یکدیگر شمشیر کشند و در حدیث دیگر فرمود که هر که با عصا راه رود
از روی تواضع و شکستگی در سفر و حضر بهر گامی برای او هزار حسنه نوشته شود و هزار گناه از او محو
شود و هزار درجه برای او بلند شود و در حدیث دیگر فرمود که عصا بدست بگیرید که از سنتهای
پیغمبرانست و بنی اسرائیل صغیر و کبیر و پیر و جوان ایشان عصا در دست میگرفتند تا آنکه خیلا

و تکبر نکنند در راه رفتن و فرمود که برداشتن عصا فقر و پریشانی را برطرف میکند و شیطان نزدیک او نمی آید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که اگر عاقلی میباید که بهر جانب که متوجه شوی اول نیت خود را درست کنی و غرض صحیحی برای حرکت خود قرار دهی و نهی کنی نفس را از آنکه امر نامشروعی منظور داشته باشد و باید که در راه رفتن پیوسته در فکر و اندیشه باشی و در هر قدمی از عجائب صنع الٰهی عبرتی بگیری و در رفتار تبختر نکنی و دیدهٔ خود را بپوشی از چیزی که در دین خدا پسندیده نیست و پیوسته مشغول ذکر خدا باشی بدرستیکه مواضعی که در آن ذکر خدا کرده شود شهادت میدهند برای او در قیامت و استغفار می کنند برای او تا داخل بهشت شود و در راه با مردم سخن بسیار مگو که خلاف ادبست و اکثر راهها کمین گاه شیطان است از مکر او غافل مباش و چنان کن که رفتن و برگشتن در طاعت خدا باشد و رفتارت برای چیزی باشد که موجب خوشنودی خدا است بدرستیکه جمیع حرکات تو در نامهٔ عملت نوشته می شود فصل ششم در نگاهداشتن شتر و گاو و گوسفند در حدیث معتبر منقول است که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند که کدام مال بهتر است فرمود که زراعتی که آدمی بکارد و در وقت درو کردن حق خود را بردارد و حق خدا را بدهد گفتند بعد از زراعت دیگر کدام مال بهتر است فرمود که شخصی که گوسفندی چند داشته باشد و در هر جا که آب و علفی یابد آنها را بچراند و نماز را بجا آورد و زکوة مال خود را بدهد گفتند بعد از گوسفند کدام مال بهتر است فرمود که گاوی که در بامداد و پسین شیر میدهد گفتند که بعد از گاو کدام مال بهتر است فرمود که آنها که پا در گل فرو برده اند و در خشک سال میوه میدهند یعنی درختان خرما پس فرمود که نیکو مالی است درخت خرما که هر که آنرا بفروشد قیمتش از بابت خاکستری است که بر سر کوه بلندی در باد تندی رها کنی مگر آنکه بعوض آن درخت خرمای دیگر بخری پرسیدند که بعد از درخت خرما کدام مال بهتر است حضرت جواب نفرمودند شخصی گفت که چرا شتر را نفرمودید فرمود که در شتر مشقت و تعب و دوری از منزل هست و صبح خرج میخواهد و شام خرج میخواهد و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند وقتیکه رو میکند رو نکرده است و وقتی که پشت میکند رو کرده است یعنی وقتیکه در میان ایشان مرگ می افتد هم میکشی و میخوری و نقصان نمی کند و گاو وقتیکه رو میکند رو کرده است

و وقتی که پشت میکند پشت کرده است و شتر همسایهٔ شیطانست اگر رو میکند پشت کرده
است و اگر پشت میکند پشت کرده است یعنی وقتیکه خوب است هم برای صاحبش ضرر دارد
و نفع ندارد و گفتند یا رسول الله بعد از آنچه شما در باب شتر فرموده اید که نگاه خواهد داشت فرمود
که همیشه بدبختان و فاجران هستند که آنرا نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که نه عشر روزی
در تجارت است و یک عشر آن در نگاهداشتن گوسفندان و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد
بنگاهداشتن گوسفندان که هر بامداد و پسین نفع شان بشما میرسد و در حدیث معتبر دیگر منقول
است که شتر باعث عزت اهلش هست و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام بصفوان شتردار فرمود که شتری برای من بخر و باید که بد صورت باشد که
عمرش دراز تر است و در حدیث دیگر منقولست که فرمود که شتران سیاه بد صورت بخرید
که عمر شان دراز تری باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول استکه فرمود که شتران سرخ موی
مخرید که عمر شان کوتاه تری باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که از میان قطار شتر بدر مروید زیرا که هیچ قطار شتری نیست مگر آنکه در میان هر دو شتر
شیطانی هست و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام برای
اکرام خود شتری بصد اشرفی میخریدند و سوار می شدند و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که یکی از حاملان عرش بصورت گاو است و گاو سید و بهترین
حیوانات است و در میان حیوانات خوشتر و تر و سرافرازتر از گاو نبود تا آنکه بنی اسرائیل
گوساله پرستیدند آن ملکی که بصورت گاو هست از شرم سر در زیر افگند و بآن سبب
هر گاوی چنین شد و از شرم نگاه بجانب آسمان نمیکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که مخورید گوشت و شیر شتری را که فضلهٔ آدمی را خورد و سوار آن مشوید تا آنکه چهل
روز او را علف بدهید و علما خوردن گوشت و شیرش را حرام میدانند و سوارییش مکروه میدانند
و این حکم دارد حیوانات دیگر هم و پاک کردن آنها بآن می شود که علف پاک بخورانند بآنها
در مدتی چند که برای هر یک مقرر شده است و در کتابهای علما مذکور است **فصل هفتم**
در آداب خریدن و نگاهداشتن حیوانات در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام

منقولست که هر که چهار پائے بخرد بر جانب چپ او بایستد و موی پیشانیش را بدست راست بگیرد و بر سرش بخواند سورهٔ حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آخر سورهٔ حشر لو انزلنا هذا القرآن الخ و آخر سورهٔ بنی اسرائیل قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر و آیة الکرسی پس چون چنین کند آن چهار پا امان یابد از جمیع آفتها و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون کنیزے خواهی بخری بگو اللهم انی استشیرک واستخیرک و چون حیوانی خواهی بخری بگو اللهم قدر لی اطولهن حیوة واکثرهن منفعة وخیرهن عاقبة و در حدیث صحیح منقولست که علی ابن جعفر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سوال کرد که آیا دابه را بر رویش میتوان زد و بر رویش داغ میتوان کرد فرمود که باکی نیست یعنی حرام نیست اما مکروه ست چنانچه در حدیث موثق منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از داغ کردن حیوانات فرمود که در غیر روی شان داغ می باید کرد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از آنکه حیوانات را در روے شان داغ بکنند یا چیزے بر روے ایشان بزنند زیرا که تسبیح پروردگار میگویند و در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند از داغ کردن روی گوسفندان فرمود که داغ را بر گوش ایشان بکنید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که در وقت دوشیدن شیر حیوانات اندک شیری در پستان بگذارید تا زود شیر جمع شود در پستان که اگر تمام را بدوشید شیر دیرتر می آید و در حدیث دیگر فرمود که خوابگاه گوسفندان را پاک کنید و آنچه از بینی آنها بیرون می آید پاک کنید و نماز در طویلهٔ آنها بکنید که گوسفند از حیوانات بهشت است و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که صفیر نکنید برائے گوسفندان در وقت رفتن وصدا نزنید ایشان را بوقت برگشتن و در حدیث معتبر منقولست که از آن حضرت پرسیدند از خصی کردن حیوانات فرمود که باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که کراهت دارد خصی کردن حیوانات و بجنگ انداختن آنها با یکدیگر و در حدیث دیگر فرمود که روزے حضرت امیر المومنین علیه السلام در راهی گذشتند که حیوان نری را بر ماده می کشیدند در میان راه حضرت رو گردانیدند و فرمودند که سزاوار نیست که چنین کنید که این منکر و قبیح است بلکه باید این را در جائے واقع سازید کنند

مردی فرستی نزد بیعقند و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که دنبه گوسفند زنده را میتوان برید فرمود که اگر غرض تو این باشد که مال خود را باصلاح آوری باکی نیست اما آن دنبه میته است و از آن منتفع نمی توان شد و بدانکه مشهور میان علما موافق احادیث معتبره آنست که اگر بره یا بزغاله شیر خوک را بخورد آنقدر که گوشت و استخوانش از آن پرورده شود گوشت آن حرام است و هرچه از گوسفندان معلوم باشد که از نسل او یند حرام است و هرچه معلوم نباشد حلال است و اگر چند روزی شیر خورده باشد و باین حد نرسیده باشد گوشت و شیر آن مکروه است و کراهتش باین برطرف می شود که اگر هنوز شیر خورده هفت روز شیر گوسفندی را بخورد و اگر از شیر باز کرده باشند آنرا هفت روز علف و دانه حلال بآن بخورانند و در حدیث صحیح منقول است که شخصی عریضه بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام نوشت که زنی بزغاله ماده را شیر داده است تا بجائیکه از شیر باز گرفته است آنرا و الحال از آن بزغاله فرزندی بهم رسیده است و شیر میدهد شیرش را می توان خورد در جواب نوشتند که فعل مکروهی کرده است و باکی نیست بخوردن شیر آن **فصل هشتم** در بیان مجملی از احوال و اقسام حیوانات

در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مرغی و حیوانی در دریا و صحرا شکار کرده نمی شود مگر آنکه آن تسبیحی که دارند ضایع کنند و در حدیث دیگر فرمود که جمیع مرغان و وحشیان و درندگان با یکدیگر مخلوط بودند تا آنکه فرزند آدم علیه السلام برادرش را کشت پس از یکدیگر نفرت کردند و گریختند و هر حیوانی بشکل خود میل کرد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت یعقوب علیه السلام بفرزند خود گفت که زنا مکن که مرغی که زنا میکند پرهایش می ریزد و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقول است که چون کرکس فریاد میکند میگوید که ای فرزند آدم بهر روش که زندگانی میکنی آخرش مرگ است و باز صدا میکند و میگوید که ای داننده پنهانها و ای دفع کننده بلاها و طاوس میگوید که بر خود ظلم کردم و مغرور به زینت خود شدم پس بیامرز مرا و دراج میگوید اَلرَّحۡمٰنُ عَلَی الۡعَرۡشِ اسۡتَوٰی و خروس میگوید که هر که خدا را شناخت یاد او را فراموش نمیکند و مرغ خانگی میگوید که ای خداوند حق توئی حق و گفته تو حق است و بلبله میگوید که ایمان آوردم بخداوندی تو در روز قیامت و کبوتر گوره میگوید که توکل کن بر خدا تا ترا

روزی دهد و عقاب میگوید که هر که اطاعت خدا کند بدبخت نمی شود و شاهین میگوید سبحان الله حقاً حقاً و جغد میگوید که دوری از مردم انس بیشتر است و کلاغ میگوید که ای روزی دهنده بفرست روزی حلال و کلنگ میگوید که خداوندا نگاهدار مرا از شر دشمن من و لک لک میگوید که هر که از مردم تنها شد از آزار ایشان نجات یافت و اردک میگوید که آمرزش ترا میخواهم ای خداوند و هدهد میگوید چه بسیار شقی است کسی که معصیت خدا کند و قمری میگوید ای دانای پنهان و رازها ای خداوند و لیسی که شبیه بقمری و سرخ رنگ است میگوید توئی خداوند خداوندی بغیر از تو نیست ای خدا و گنجشک سیاه میگوید که طلب آمرزش میکنم از خدا از هر چیزی که خدا را بخشم آورد و بلبل میگوید لا اله الا الله حقاً حقاً و کبک میگوید نزدیک است حق نزدیک است و سماناً میگوید ای فرزند آدم چه غافلی از مرگ و فاخته میگوید که یا واحد یا احد یا صمد یا فرد و سبزه قبا میگوید که ای مولای من آزاد کن مرا از آتش جهنم و هوجه میگوید که مولای من قبول کن توبه جمیع گناهکاران را و کبوتر خانگی میگوید که اگر گناه مرا نیامرزی شقی و بدبخت خواهم بود و شتر مرغ میگوید که معبودی بغیر از خدا نیست و پرستک سوره حمد میخواند و میگوید ای قبول کننده توبه جمیع گنهگاران ای خدا ترا است حمد و بره میگوید که مرگ بس است برای پند گرفتن و بزغاله میگوید که مرگ زود بمن رسید و گناهم سنگین بسیار شد و شیر میگوید که در امر بندگی خدا بسیار اهتمام می باید کرد و گاو میگوید که دست از گناه بدار که تو در پیش خداوندی هستی که او را نمی بینی و او همه را می بیند او خدای عالمیان است و فیل میگوید که برای دفع مرگ قوت و چاره سودی نمی دهد و یوز میگوید که یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله و شتر میگوید که منزه است پروردگاری که ذلیل کننده جباران است تنزیه میکنم او را و اسب میگوید منزه است پروردگار منزه است او و گرگ میگوید که چیزی را که خدا حفظ کند ضائع نمیشود هرگز و شغال میگوید که عذاب و ویل برای گناهکاریست که بر گناه خود مصر باشد و سگ میگوید بس است معصیتهای خدا برای خواری و خرگوش میگوید هلاک مکن مرا ای خدا ترا است حمد و روباه میگوید که دنیا خانه فریب است و آهو میگوید که نجات ده مرا از آزار و گوسفند میگوید بفریادم برس و گرنه هلاک می شوم و پلنگ میگوید منزه است پروردگاری که بسیار عزیز است بمحض قدرت خود و تنزیه میکنم او را و مار میگوید چه بسیار بدبخت است کسی که ترا نافرمانی کند ای خداوند

بخشنده و عقرب میگوید که بدی چیزی موحشی است پس حضرت فرمود که هیچ خلقی نیست مگر آنکه
او را تسبیحی است چنانکه خدا فرموده است وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَٰكِنْ لَا تَفْقَهُونَ
تَسْبِيحَهُمْ یعنی هیچ چیزی نیست مگر آنکه خدا را تسبیح میگوید و بحمد و ثنای او متلبس است
و لیکن شما نمی فهمید تسبیح ایشان را و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که حیواناتی که
مسخ شده اند دوازده صنف اند اما فیل پس آن پادشاهی بود که زنا و لواط میکرد و خرس
اعرابی بادیه نشینی بود که دیوثی میکرد و خرگوش زنی بود که با شوهر خود خیانت میکرد و غسل حیض نمیکرد
و شب پره خرماهای مردم را میدزدید و سهیل مردی بود در یمن عشاری میکرد و زهره زنی
بود که مردم میگویند که هاروت و ماروت از و فریب خوردند و میمون و خوک جماعتی بودند
از بنی اسرائیل که در روز شنبه شکار کردند و اما سوسمار و جلپاسه گروهی بودند از بنی اسرائیل
که در زمان حضرت عیسی علیه السلام چون مائده از آسمان نازل شد ایمان نیاوردند و مسخ شدند
پس یک گروه ایشان بدریا رفتند و دیگری بصحرا و اما عقرب مرد سخن چینی بود و اما زنبور
قصابی بود که در ترازو دزدی میکرد و در روایت دیگر منقول است که خرس مردی بود که مردم
با او عمل قبیح میکردند و سوسمار اعرابی بود که مال حاجیان را میدزدید و عنکبوت زنی بود که از
برای شوهر خود سحر میکرد و غنوس مرد سخن چینی بود که در میان دوستان جدائی می انداخت
و مار ماهی دیوث بود و شب پره خرما از درخت میدزدید و میمون یهودیان اند که ماهی را در شنبه شکار
میکردند و خوک جماعتی اند که ایمان بمائده آسمان نیاوردند و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که موش گروهی از یهود بودند که خدا بر ایشان غضب کرد و لتیه شخصی بود که استهزای
پیغمبران میکرد و سیبتش از حسد مسخ شد و روزی پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل نماز میکرد یکی از
بیخردان بنی اسرائیل آمد در برابر او و استهزا باو میکرد و بصورت سیبتش مسخ شد و جلپاسه
جماعتی از بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبران را دشنام میدادند و با ایشان دشمنی میکردند و
در حدیث دیگر منقول است که خارپشت مرد بدخلقی بود و در بعضی از روایات وارد شده است
که زهره و سهیل که مسخ شده اند این دو ستاره نیستند بلکه دو جانورند در دریای محیط و در
روایات معتبره وارد شده است که هر یک از بنی امیه که میمیرند بصورت جلپاسه مسخ میشوند و فرمود

که هرگاه جلباسه را بکشی غسل بکن و در روایت معتبره منقولست که آنها که مسخ شدند زیاده از سه روز
نماندند و مردند حق تعالی بصورت آنها حیوانی چند خلق فرمود و گوشت آنها حرام کرد تا دیگران عبرت
بگیرند از دیدن اینها و مثل اعمال آنها نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
منقول است که حق تعالی هفت صد امت را مسخ کرد برای آنکه بعد از پیغمبران اطاعت اوصیای
ایشان نکردند پس چهار صد صنف ایشان بصحرا رفتند و سه صد صنف بدریا رفتند **فصل نهم**
در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقولست که نیکو یاوریست بر پرهیزگاری از معاصی خدا توانگری و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که خیری نیست در کسیکه نخواهد که مالی از حلال جمع کند تا آن مال روی خود
را از سوال حفظ کند و قرض خود را ادا کند و با خویشان خود احسان کند و در حدیث دیگر فرمود که استعانت
بجوئید بدنیا بر آخرت و بار مردم مشوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست
که ملعونست کسی که بار عیال خود را بر مردم بیندازد و در حدیث حسن منقولست که شخصی از
حضرت صادق علیه السلام پرسید که ما طلب دنیا می کنیم و دوست میداریم که مال دنیا بما رو کند
فرمود که برای چه میخواهی آنرا گفت برای آنکه خرج خود و عیال خود بکنم و صله رحم بکنم و تصدق و حج
و عمره بکنم فرمود که مال را برای اینها کسب کردن طلب دنیا نیست طلب آخرت است و در
حدیث دیگر فرمود که توانگری که ترا از ظلم منع نماید بهتر است از پریشانی که ترا بر گناه بدارد و در حدیث معتبر
منقولست که شخصی از علمای اهل سنت بحضرت امام محمد باقر علیه السلام رسید در روز
بسیار گرمی دید که آنحضرت بر دو غلام تکیه کرده براه میروند گفت که شما مرد پیری هستید از
بزرگان اهل قریش مناسب نیست که درینوقت از برای طلب دنیا بیرون آئید اگر مرگ
درین حال برسد چه خواهید کرد حضرت فرمود که اگر مرگ درینحال برسد در وقتی رسیده
خواهد بود که مشغول طاعت خداوند عالمیانم و کاری میکنم که خود را و عیال خود را باز دارم از
سوال کردن از تو و از دیگران من از آن میترسم که مرگ برسد و در معصیت خدا باشم گفت
راست گفتی میخواستم ترا پند گویم تو مرا پند گفتی و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمومنین علیه السلام
منقول است که حق تعالی خطاب نمود بحضرت داود علیه السلام که نیکو بنده بودی تو اگر از بیت المال

نخوردی و بدست خود کسب بیاوردی چون این خطاب رسید حضرت داود چهل روز گریست پس حق تعالی به آهن وحی فرمود که نرم شو برای بنده من داود پس در دست آن حضرت نرم شد مانند موم پس هر روز یک زره بدست خود میساخت و بهزار درهم میفروخت تا آنکه سیصد و شصت زره ساخت و از بیت المال مستغنی شد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام احوال عمر بن مسلم را پرسید گفتند ترک تجارت کرده است حضرت سه مرتبه فرمود که عمل شیطان است مگر نمیدانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم تجارت فرمود حق تعالی مدح میفرماید جماعتی را که مردانی چنداند که غافل نمیگرداند ایشان را تجارت و فروختن از یاد خدا ایشان جماعتی بودند که تجارت میکردند و چون وقت نماز میشد مشغول نماز میشدند و این بهتر است از کسیکه تجارت نکند و نماز را در وقت خود بکند و در حدیث موثق منقول است که با آنحضرت عرض کردند که شخصی هست میگوید که در خانه می نشینم و نماز میکنم و روزه میدارم و عبادت پروردگار خود میکنم و روزی من البته برای من میرسد حضرت فرمود که این مرد یکی از سه کس است که دعای ایشان مستجاب نیست و در حدیث دیگر منقول است که شخصی با آنحضرت عرض کرد که میخواهم دعا کنید که خدا مرا روزی دهد با راحت فرمود که تا طلب روزی نکنی چنانچه خدا ترا امر کرده است من دعا نمیکنم از برای تو و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آنحضرت احوال شخصی را پرسیدند شخصی گفت که او پریشان شده است حضرت پرسیدند که بچه کار مشغول است گفت که در خانه نشسته است و بعبادت الهی میکند فرمود که معاشش بچه نحو میگذرد گفت که بعضی برادران مومن به احوال او میرسند حضرت فرمود که آن کسیکه روزی او را میدهد عبادتش بهتر است از عبادت او و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است کسی که طلب دنیا کند برای آنکه از مردم سوال نکند و روزی عیال خود را فراخ گرداند و به همسایگان خود احسان کند در روز قیامت روی او مانند ماه شب چهارده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که عبادت هفتاد جزو است و بهترین آنها طلب حلال است و در روایت معتبر منقول است که چون در دکان خود را گشودی متاع خود را پهن کردی آنچه بر تو بود کردی دیگر بر خدا توکل کن و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم

منقولست که در حجة الوداع فرمود بدرستیکه جبرئیل علیه السلام در دل من دمید که هیچ صاحب جانی
نمی میرد مگر آنکه روزیٔ مقدر خود را تمام میخورد پس از خدا بترسید و مبالغه در طلب روزی
مکنید و دیر رسیدن روزی نداردشما را برای آنکه طلب چیزی از روزی را بمعصیت
خدا بکنید زیرا که حقتعالی روزی را در میان خلق حلال قسمت کرده است و حرام قسمت نکرده است
پس کسیکه از معصیت خدا پرهیزد و صبر کند روزی او از حلال میرسد و هرکه پرده دری کند
و تعجیل نماید و از حرام بگیرد از روزی حلال او همان مقدار کم شود و در قیامت حساب او خواهند
کرد بر آن روزی حرام و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اگر بنده در سوراخی
باشد خدا روزی او را میرساند پس بر مبالغه در طلب روزی مکنید و در احادیث معتبره از آن
حضرت منقولست که خدا روزی مومنان را از جای چند مقرر فرموده است که گمان نداشته
باشند برای آنکه چون نمیدانند که روزی ایشان از کجا می آید دعا بسیار می کنند و در احادیث
دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تجارت کردن عقل را زیاده میکند و ترک
تجارت کردن عقل را کم میکند و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بتاجری فرمود که بامداد برو
بسوی چیزیکه موجب عزت تست یعنی بازار و در احادیث دیگر منقول است که بامداد بطلب
روزی بروید و تحقیق این مطلب با احادیث دیگر در کتاب عین الحیات مذکور است فصل دوم
در بیان آداب تجارت از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که بر منبر میفرمود
که ای گروه سوداگران اول یاد گیرید مسائل تجارت را بعد از آن مشغول تجارت شوید والله
که ربا در این امت خفی تر است از جای پای مورچه بر روی سنگ سخت و قسم دروغ نخورید بدرستیکه
تاجر فاجر است و فاجر در جهنم است مگر کسیکه حق بگیرد و حق بدهد و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که هر که خرید و فروش کند از پنج چیز اجتناب کند از سود خوردن و
قسم خوردن و عیب متاع را پوشانیدن و مدح کردن چیزی که فروشد و مذمت کردن چیزی
که بخرد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المومنین علیه السلام هر روز بامداد دره را
بر دوش میگذاشتند و در بازارهای کوفه می گشتند و میفرمودند که چون مشغول خرید و فروش
می شوید اول خیر خود را از خدا طلب بید و خرید و فروش را سهولت بگذارید و کار را تنگ

بگیرید تا برکت بیابید و نزدیکی و مهربانی کنید با مشتریها و بردباری را زینت خود گردانید
و از قسم خوردن و دروغ گفتن کناره گیرید و ستم بر مردم مکنید و با مظلومان انصاف از خود
مدهید و نزدیک ربا و سود مروید و کیل و وزن را تمام بدهید و تراز و دزدی مکنید و در حدیث
دیگر فرمود که ننشیند در بازار مگر کسیکه مسائل خرید و فروش میداند و هر که با نادانی تجارت کند
در ربا خوردن فرو میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که
در بامداد و پسین که ببازار رود چون بدر بازار گذارد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ خَیْرِهَا وَ
خَیْرِ اَهْلِهَا حق تعالی با و ملکی موکل گرداند که او را و متاعش را محافظت نماید تا بخانه برگردد پس
با و میگوید که امروز امان یافتی از شر این بازار و اهل این بازار امروز روزی تو شد خیر این بازار
و اهل این بازار با مر خدا پس چون در دکان بنشیند بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا
شَرِیْکَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ
رِزْقًا حَلَالًا طَیِّبًا وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ اَنْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ وَ یَمِیْنٍ
کَاذِبَةٍ چون این دعا بخواند ملکی که باو موکل است میگوید که بشارت باد ترا که امروز
درین بازار کسی از تو بهره اش فراوان تر نیست تعجیل کردی در جمع آوردن ثوابها و محو کردی
از خود گناهان را و بزودی می آید بسوی تو آنچه خدا روزی تو گردانیده است حلال طیب و مبارک
و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون داخل بازار شوی
این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ خَیْرِهَا وَ خَیْرِ اَهْلِهَا وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّهَا وَ
شَرِّ اَهْلِهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ اَنْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ اَوْ اَبْغِیَ اَوْ یُبْغٰی عَلَیَّ اَوْ اَعْتَدِیَ
اَوْ یُعْتَدٰی عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ اِبْلِیْسَ وَ جُنُوْدِهٖ وَ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ
وَ الْعَجَمِ وَ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ و در حدیث
صحیح دیگر منقولست از آنحضرت که هر که داخل بازاری یا مسجدی بشود و یک مرتبه بگوید اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ کَبِیْرًا وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ کَثِیْرًا وَ سُبْحَانَ
اللّٰهِ بُکْرَةً وَّ اَصِیْلًا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهٖ
برابر است با یک حج مقبول و در حدیث معتبر دیگر منقول است که هر که در بازار بگوید اَشْهَدُ

اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ حقتعالی
هزار هزار حسنه برای او بنویسد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هر که داخل بازار شود و نظر کند بشیرین و ترش و تلخ آن بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِیْکَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ وَاَسْتَجِیْرُکَ
مِنَ الظُّلْمِ وَالْمَغْرَمِ وَالْمَاْثَمِ و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که
داخل بازار شود بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
رَسُوْلُهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُبِکَ مِنَ الظُّلْمِ وَالْمَاْثَمِ وَالْمَغْرَمِ حق تعالی بعدد آنچه در آن بازار
هست از سخن گو و غیر سخن گو ثواب برای او بنویسد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول
است که یاد خدا در بازار بسیار بکنید در وقتی که مردم مشغول دنیا باشند که کفاره گناهان شما
باشد و باعث زیادتی حسنات شما شود و شما را از غافلان ننویسند و چون خواهید با یحتاج
خود را از بازار بخرید در وقت داخل شدن بازار بگوئید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُبِکَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ وَیَمِیْنٍ فَاجِرَةٍ وَاَعُوْذُبِکَ مِنْ بَوَارِ الْاَیِّمِ
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که در وقت داخل
شدن بازار بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ لَهُ
الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِیْ وَیُمِیْتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوْتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ
قَدِیْرٌ بعدد آنچه خدا خلق کرده است تا قیامت باو ثواب کرامت فرماید و در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی متاعی یا غیر آن بخری سه مرتبه الله اکبر بگو پس سه مرتبه
این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اشْتَرَیْتُهُ اَلْتَمِسُ فِیْهِ مِنْ خَیْرِکَ فَاجْعَلْ لِیْ فِیْهِ خَیْرًا اَللّٰهُمَّ
اِنِّیْ اشْتَرَیْتُهُ اَلْتَمِسُ فِیْهِ مِنْ فَضْلِکَ فَاجْعَلْ لِیْ فِیْهِ فَضْلًا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اشْتَرَیْتُهُ
اَلْتَمِسُ فِیْهِ مِنْ رِزْقِکَ فَاجْعَلْ لِیْ فِیْهِ رِزْقًا و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا
علیه السلام بر روی متاعی که میخریدند مینوشتند بَرَکَةً لَنَا و محتمل است که مراد نوشتن با نگشت
باشد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون خواهی که چیزی بخری

سه مرتبه این دعا بخوان یا حی یا قیوم یا دائم یا رؤف یا رحیم اسئلک بعزتک وقدرتک وما احاط به علمک ان تقسم لی من التجارة الیوم اعظمها رزقا واوسعها فضلا و خیرها عاقبة فانه لا خیر فیما لا عاقبة له و فرمود که چون حیوانی بلند خواهی بخری بگو اللهم قدر لی اطولها حیوة واکثرها منفعة وخیرها عاقبة و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که چون خواهی که چارپائی بخری سه مرتبه این دعا بخوان اللهم ان کانت عظیمة البرکة فاضلة المنفعة میمونة الناصیة فیسر لی شراءها وان کانت غیر ذلک فاصرفنی عنها الی الذی هو خیر لی منها فانک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام الغیوب و در روایت دیگر منقول است که چون خواهی پی کاری بروی و آفتاب اندکی بلند شده باشد که سرخی شعاعش برطرف شده باشد دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد قل هو الله احد و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخوان پس چون سلام بگوئی این دعا بخوان اللهم انی غدوت التمس من فضلک کما امرتنی فارزقنی من فضلک رزقا واسعا حسنا حلالا طیبا واعطنی فیما رزقتنی العافیة غدوت بحول الله وقوته غدوت بغیر حول منی ولا قوة ولکن بحول لک وقوتک وابرء الیک من الحول والقوة اللهم انی اسئلک برکة هذا الیوم فبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین و در فقه الرضا مذکور است که چون خواهی که متاعی را ببندی و نگاهداری آیة الکرسی بخوان و بنویس و در میان متاع بگذار و این دعا را نیز بنویس وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون لا ضیعة علی ما حفظه الله فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم چون چنین کنی آن متاع از هر بلائی محفوظ ماند و فرمود که اگر مالت تلف شود این دعا بخوان اللهم انی عبدک وابن عبدک وابن امتک وفی قبضتک ناصیتی بیدک تحکم فیما تشاء وتفعل ما ترید اللهم فلک الحمد علی حسن قضائک وبلائک اللهم هو مالک ورزقک وانا عبدک خولتنی حین رزقتنی اللهم فالهمنی شکرک فیه والصبر علیه حین اصبت واخذت

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَعْطَيْتَ وَاَنْتَ اَصَبْتَ اَللّٰهُمَّ لَا تُحْرِمْنِي ثَوَابَهُ وَلَا تُنْسِنِي مِنْ خَلْقِهِ فِي دُنْيَايَ وَاٰخِرَتِي اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اَنَا لَكَ وَبِكَ وَاِلَيْكَ وَمِنْكَ لَا اَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بدترین بقعهای زمین بازارهاست و آنها میدان شیطانند هر روز بامداد علم خود را در بازارها نصب میکند و کرسی خود را میگذارد و بران می نشیند و فرزندان خود را پهن میکند که یکی را فریب میدهند که ترازو کم میکشد و دیگری کیل را کم میکند و دیگری گز میدزدد و دیگری در راس المال دروغ میگوید پس میگوید بفرزندان خود که بر شما باد بجماعتی که پدر ایشان مرده است یعنی حضرت آدم علیه السلام و پدر شما زنده است پس با اول کسیکه داخل بازار می شود شیطان داخل میشود و آخر کسیکه بیرون میرود بیرون میرود و بهترین بقعهای زمین نزد خدا مسجدهاست و محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر بمسجد رود و دیرتر بیرون آید و در حدیث دیگر فرمود که دشمن ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر ببازار رود و دیرتر بیرون آید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مخر جیزی از مردی که کار بر ایشان بسته شده است که سودا با ایشان برکت نمیدارد و در حدیث دیگر فرمود که با کردان مخالطه مکنید که ایشان گروهی اند از جنیان که حق تعالی پرده از ایشان برداشته است و در احادیث معتبره وارد شده است که معامله مکنید با جماعتی که مرضهای مسری دارند مانند پیسی و خوره و در احادیث دیگر فرمود که با نوکیسه سودا مکنید و با کسی سودا کنید که در مال و نعمت نشو و نما یافته باشند و در حدیث دیگر فرمود که با مردم بدون که دشنام دادن و شنیدن پروا ندارند سودا مکنید و در حدیث دیگر فرمود که از ما نیست کسیکه فریب دهد مومنی را و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از آب در شیر کردن و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام به هشام فرمود که در تاریکی در زیر سقفها متاع مفروش که متاع خوش نماش می نماید و آن غش است و غش کردن حلال نیست و فرمود که کسیکه نخرد مگر بقسم و نفروشد مگر بقسم حق تعالی در قیامت نظر رحمت بسوی او نفرماید و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که زنهار قسم مخورید که اگرچه

متاع را روا میکند اما بر کفش رای بر دو از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که کسیکه میفروشد و بخیر در روزی می یابد و کسیکه نگاه میدارد برای آنکه گران شود ملعونست
و فرمود که قافله که متاع آورد کسی آنرا در بیرون شهر استقبال نکند بگذارید که داخل شهر شوند
و شهری وکیل نشود در خرید و فروخت برای بادیه نشینان خدای تعالی بعضی از مسلمانان را
بسبب بعضی دیگر روزی میدهد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
باسحاق بن عمار فرمود که فرزند خود را بصرافی مده که صراف از ربا سالم نمی ماند و بکفن فروشی
مده که کفن فروش آرزوی مرگ مردم میکند و بسیار مردن مردم او را خوش می آید و بجو و
گندم فروشی مده که سالم نمی ماند از جمع کردن و نگاه داشتن برای گرانی و بسلاخی مده که رحم
از دلش برطرف میکند و کسی که سنگین دل است از خدا دور است و ببرده فروشی مده که
بدترین مردم کسی است که مردم را فروشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
است که فرمود که بخانه خود غلامی بخشیدم و نهی کردم او را از آنکه بقصابی یا بحجامت کردن
یا زرگری کردن بدهد و در احادیث دیگر منقول است که اگر مزد حجامت را اول شرط نکند
و آنچه بعد از حجامت بدهند قبول کند باکی نیست و در بعضی از اخبار مذمت جولاهی وارد شده
است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از صادق علیه السلام پرسید از تعلیم کردن
اطفال فرمود که مزد بران بگیر گفت که کتابهای شعری و رسالها و مانند آن میخوانند
اول شرط مزد خود با ایشان بکنم فرمود که بلی اما بشرطیکه اطفال نزد تو برابر باشند و بعضی
را بر بعضی زیادتی ندهی و در حدیث دیگر منقولست که بآن حضرت عرض کردند که سنیان
میگویند که کسب معلم حرام است فرمود که دروغ میگویند این دشمنان خدا میخواهند که
اطفال مردم قرآن یاد نگیرند اگر کسی دیت فرزند خود را بمعلم بدهد بر او حلال است و بهتر آن
است که اول شرط مزد نکند و آنچه میدهند بگیرد و در حدیث معتبره وارد شده است که چون قرآن را
فروشید کاغذ و جلد را بفروشید و قصد فروختن نوشته مکنید و در حدیث صحیح از حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام منقول است که باکی نیست در مزد گرفتن برای نوشتن قرآن و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تمام شب بیدار باشد برای

کسب کردن و بهره دیده خود را از خواب ناپدید کردن آن کسبش حرام است و اکثر علما عمل بر کراهت شدید کرده‌اند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که هر که خود را بعنوان نوکری بمردم به اجاره بدهد روزی را بر خود حرام کرده است و خود را از روزی خدا محروم گردانیده است

فصل یازدهم در فضیلت زراعت کردن و درخت کشتن از علی ابن ابی حمزه منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را دیدم که در زمین خود کار میکردند و پاهای آنحضرت در عرق فرو رفته بود گفتم فدایت شوم خدمتکاران کجا رفته‌اند که شما خود این کار میکنید فرمود که با بیل در زمین کار کرده است کسیکه بهتر از من و پدر من بوده است پس فرمود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله و تمام پدران من در زمین بدست خود کار کرده‌اند و این کار پیغمبران و اوصیای ایشان و صالحان ایشان است و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی برای پیغمبرانش تخم و زراعت کردن را اختیار کرده است که از آمدن باران کراهیت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی روزی پیغمبران را در زراعت و شیر پستان حیوانات قرار داده است تا از قطره از باران آسمان کراهیت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنید و درخت بنشانید والله که مردم کاری از این حلال‌تر و پاکیزه‌تر نمی‌کنند والله که زراعت خواهید کرد و درخت خواهید کشت بعد از بیرون آمدن دجال هم و در حدیث معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که بهترین اعمال زراعت است که از آن نیکوکار و بدکردار میخورد اما نیکوکار آنچه میخورد برای او استغفار میکند و اما بدکردار آنچه میخورد او را لعنت میکند و حیوانات و مرغان نیز از آن میخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کیمیای بزرگ زراعت کردن است و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنندگان گنجهای مردم‌اند میکارند و روزی نیکوی پاکیزه خدا کرامت میفرماید و جایگاه ایشان در قیامت از سائر مردم نیکوتر است و منزلت ایشان از دیگران نزدیک‌تر است و ایشان را در آن روز مبارک مینامند و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت بر جماعتی گذشتند که تخم میکردند فرمودند که زراعت کنید که حقتعالی بباد میرویاند زراعت را چنانچه باران میرویاند و در احادیث معتبره منقولست

که آنحضرت بر جماعتی گذشتند که تخم میکردند فرمود که زراعت کنید که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
با بیل در زمین کار میکردند و مزرعها آبادان میکردند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم هستهٔ خرما را بآب دهان مبارک خود تر میکردند و در زمین فرو می بردند و در ساعت
سبز می شدند و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هزار غلام از کد ید خود خریدند و آزاد کردند و
در حدیث موثق منقولست که شخصی رسید بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دید که زیاده از سی
من شاه هستهٔ خرما بار کرده اند و می برند پرسید که اینها چیست فرمود که صد هزار درخت خرماست
انشاء الله تعالی پس آنها را در باغستان خود کشتند یکی از آنها خطا نشد و در حدیث معتبر از ابی عمرو
منقولست که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام جامهٔ گنده پوشیده بودند و بیلی در
دست داشتند و در باغ خود کار میکردند و عرق از پشت مبارکش میریخت گفتم فدایت شوم
بده بمن بکنم فرمود که دوست میدارم که آدمی آزار بکشد از آفتاب برای طلب معیشت و در حدیث
معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که شش خصلت است که مومن بآنها منتفع می شود بعد از
مردن فرزند صالحی که برای او استغفار کند و مصحفی که از او بماند و تلاوت کنند و چاهی که
بکند و درختی که بکارد و تصدق آبی که جاری کند و سنت نیکی که در میان مردم بگذارد که بعد از و
مردم بآن عمل کنند و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که هیچ چیز آدمی بعد از مرگ
خود نمیگذارد که برا و دشوار تر باشد از زر راوی گفت چه کند فرمود که باغ و خانه بخرد و در حدیث
دیگر فرمود که در توریت نوشته است که هر که زمین یا آب بفروشد و بعوض آن زمین یا آب
دیگر نخرد قیمتش باطل شود و منتفع نگردد از ان فصل دوازدهم در آداب زراعت کردن
و درخت کشتن بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت
آدم علیه السلام بزمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن شد پس بجبرئیل علیه السلام شکایت
کرد جبرئیل علیه السلام گفت که زراعت بکن آدم علیه السلام گفت دعای مرا تعلیم کن جبرئیل
گفت که بگو اللّٰهُمَّ اکْفِنِی مَؤُنَةَ الدُّنْیَا وَ کُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَ أَلْبِسْنِی الْعَافِیَةَ
حَتّٰی تُهَنِّئَنِی الْمَعِیشَةَ و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
خواهی زراعت کنی یک کف از تخم بگیر و رو بقبله بایست و سه مرتبه أَفَرَأَیْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ

أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ پس بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًّا مُبَارَكًا وَارْزُقْنَا
فِيهِ السَّلَامَةَ پس آنرا بیندازد که در کف داری بپاش و در روایت دیگر منقولست که چون دانه را بپاشی
بگو اَللّٰهُمَّ قَدْ بَذَرْتُ وَأَنْتَ الزَّارِعُ فَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا و در حدیث دیگر فرمود که در
وقت درخت نشانیدن و دانه پاشیدن بر هر درختی و دانه بخوان که سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ
که انشاء الله خطا نمیکند و در روایت دیگر فرمود که در وقت درخت کشتن و زراعت کردن
این آیه را بخوان وَمَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكُلَهَا
كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که یک قبضه تخم بگیر
و رو بقبله بایست و بگو سه مرتبه أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ پس بگو اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْهُ حَبًّا مُبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ وَالتَّمَامَةَ وَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَلَا
تَحْرِمْنِي خَيْرَ مَا أَبْتَغِي وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا مَنَعْتَنِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ پس آن قبضه را بپاش
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد که درخت خرما خوب بار بردارد و خرمایش
نیکو شود ماهیهای کوچک خشک را بگیرد و نیم کوب کند و در هر شگوفه اندکی بپاشد و باقیش را
در کیسه پاکیزه کند و در میان درخت خرما جا دهد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که درخت خرما را مبرید که عذاب بر شما نازل می شود و در روایت دیگر فرمود که بریدن درخت
خرما مکروه است پرسیدند درختهای دیگر را بریدن چونست فرمود که باکی نیست پرسیدند
که درخت سدر را بریدن چونست فرمود که درخت سدر که در بادیه باشد بریدن خوب نیست
زیرا که در آنجا کم است اما در شهر باکی نیست و از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که
چون است بریدن درخت سدر فرمود که پدرم درخت سدر را برید و بجای آن درخت انگور
کشت و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که باکی نیست عذره آدمی را
در مزرعها بریزند و از حضرت رسول صلے الله علیه و آله و سلم منقولست که حضرت عیسی
علیه السلام بشهری گذشتند و میوه هاے ایشان کرم بسیار بود و درین باب بآنحضرت
شکایت کردند فرمود که شما چون درخت می کارید اول خاک میریزید و بعد از آن آب میدهید
بآن سبب کرم در میوه ها بهم میرسد بعد ازین اول آب بریزید و بعد از آن خاک بریزید چنین

کردند کرم در میوه های ایشان برطرف شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه درخت
سدر را آب دهد چنان است که مؤمنی را در وقت تشنگی آب داده باشد و فرمود که حقتعالی
هیچ درختی را خلق نکرده است مگر آنکه میوه داشت که میتوانست خورد چون مردم از برای
خدا به فرزند قائل شدند میوه نصف درختان برطرف شد پس چون با خدا شریک قرار دادند
درختان خار بهم رسانیدند باب چهاردهم در آداب سفر فصل اول در بیان سفرهای نیک و بد و ایام
و ساعات نیک و بد از برای سفر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در حکمت آل داود
نوشته است که نباید کسی سفر کند مگر از برای سه چیز سفری که توشهٔ آخرت در آن حاصل شود
یا سفری که باعث مرمت امور معاش گردد یا سفری که از برای سیر و لذتی باشد که حرام نباشد
و در حدیث دیگر فرمود که سفر کنید تا بدنهای شما صحیح شود و جهاد کنید تا غنیمت دنیا و آخرت
بیابید و حج کنید تا مالدار و بی نیاز شوید و در حدیث دیگر فرمود که سفر قطعه ایست از
عذاب چون کار شما در سفر ساخته شود زود به اهل خود برگردید و در حدیث صحیح منقول است
که محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام پرسید که بزمینی میروم که در آنجا غیر از برف و یخ چیزی
نیست فرمود که چون مضطر است تیمم کند و دیگر بچنین زمینی نرود که دینش در آنجا هلاک شود
و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام آمد و گفت میخواهم
بسفر روم برای من دعا کنید فرمود که در چه روزی میروی گفت در روز دوشنبه از برای
برکت آن روز زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز دوشنبه متولد شده است
حضرت فرمود که دروغ میگویند حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز جمعه متولد شدند هیچ
روزی شومتر از روز دوشنبه نیست حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز رحلت
کردند و وحی از آسمان از ما منقطع شد و در آن روز حق ما را غصب کردند میخواهی که خبر دهم ترا و دلالت
کنم بروز سهل آسانی که خدا نرم کرد در آن روز آهن را برای حضرت داود گفت بلی فرمود که
آن روز سه شنبه است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
اراده سفری داشته باشد باید که در روز سه شنبه سفر کند که اگر سنگی از کوهی بگردد در روز سه شنبه
البته آنرا خدای تعالی بجای خود برگرداند و هرگاه که کار بر او دشوار شود در روز سه شنبه

طلب کند که آن روزی است که آهن برای حضرت داود علیه السلام نرم شده است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز پنجشنبه بسفر میرفتند و میفرمودند که روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست میدارند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مکروه است سفر کردن و سعی در حوائج کردن در بامداد روز جمعه از برای آنکه مبادا از نماز باز ماند اما بعد از نماز از برای تبرک خوبست و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست سفر کردن در شب جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در چهارشنبه آخر ماه سفر کند بر رد آنجماعتی که بفال بد میدانند از هر بلائی نگاهداشته شود و حاجتش را خدا بر آورد و در بعضی از روایات وارد شده است که سفر مکن در روز سوم ماه و در روز چهارم و در روز پنجم و در روز سیزدهم و در روز شانزدهم و در روز بیستم و در روز بیست و یکم و در روز بیست و چهارم و در روز بیست و پنجم و در روز بیست و ششم و در روایت دیگر منقول است که روز چهارم و بیست و یکم برای سفر خوبست و در روایت دیگر منقولست که هشتم ماه و بیست و سوم ماه برای سفر خوب نیست و اگر روزهای ماه با روزهای هفته معارض شود رعایت کردن روزهای هفته اولی است زیرا که احادیث معتبره در ایام هفته بیشتر است و در روایت معتبر دیگر منقولست که هر که سفر کند یا زن بخواهد و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نه بیند **فصل دوم** در دفع نحوستهای سفر بتصدق و دعا در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تصدق کن و در هر روز که خواهی برو بسفر و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که آیا کراهت دارد سفر کردن در روزی از روزها مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که افتتاح سفر خود بتصدق بکن و برو هر وقت که خواهی برو و در حدیث صحیح دیگر منقولست که ابن ابی عمیر گفت که من در علم نجوم نظر میکردم و طالع را می شناختم و در خاطرم میخلید در بعضی از ساعات بعضی از کارها را اختیار کردن در این باب بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کردم فرمود که هرگاه در دل تو چیزی بهم رسد تصدق کن بر اول مسکینی که می بینی و برو که حق تعالی ضرر آنرا از تو دفع میکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در اول روز تصدق بکند حقتعالی نحوست آنروز را از او دفع میکند و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعضی از مزرعهای

خود میخواستند بروند میخریدند سلامتی خود را از خدا بانچه میسر می شد از تصدق و این تصدق را در
وقتی میدادند که پا در رکاب میگذاشتند و چون خدا آنحضرت را بسلامت برمیگردانید شکر و
حمد الهی میکردند و تصدق میکردند بانچه میسر میشد و در حدیث حسن منقولست که عبد الملک بخدمت
حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من مبتلا بعلم نجوم شده ام و گاهی میخواهم پی کاری بروم
و بطالع نظر میکنم می بینم که در طالع شری هست می نشینم و ترک رفتن میکنم و اگر در طالع نیکی می بینم
میروم حضرت فرمود که آن حاجت بر آورده نمیشود تا حکم به نجوم میکنی گفت بلی فرمود که کتابهای
نجوم را بسوزان و سید ابن طاوس علیه الرحمة روایت کرده است که چون خواهی که متوجه
سفر شوی در وقتی چند که سفر کردن در آن اوقات کراهت دارد پیش از متوجه شدن سوره حمد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و انا انزلناه فی لیلة القدر و آخر سوره
آل عمران اِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ تا آخر سوره بخوان پس بگو اَللّٰهُمَّ بِکَ یَصُوْلُ الصَّائِلُ
وَبِکَ یَطُوْلُ الطَّائِلُ وَلَا حَوْلَ لِکُلِّ ذِیْ حَوْلٍ اِلَّا بِکَ وَلَا قُوَّةَ یَمْتَازُهَا ذُوْ قُوَّةٍ اِلَّا مِنْکَ
اَسْئَلُکَ بِصِفْوَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَعِتْرَتِهٖ وَسُلَالَتِهٖ
عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَصَلِّ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَنْ تَکْفِیَنِیْ شَرَّ هٰذَا الْیَوْمِ وَضُرَّهٗ وَتَرْزُقَنِیْ خَیْرَهٗ
وَیُمْنَهٗ وَبَرَکَاتِهٖ وَاقْضِ لِیْ فِیْ مُتَصَرَّفَاتِیْ بِحُسْنِ الْعَاقِبَةِ وَبُلُوْغِ الْمَحَبَّةِ وَالظَّفَرِ بِالْاُمْنِیَّةِ
وَکِفَایَةِ الطَّاغِیَةِ الْمُغْوِیَةِ وَکُلِّ ذِیْ قُدْرَةٍ لِیْ عَلٰی اَذِیَّةٍ حَتّٰی اَکُوْنَ فِیْ جُنَّةٍ وَعِصْمَةٍ
مِنْ کُلِّ بَلَاءٍ وَنِقْمَةٍ وَاَبْدِلْنِیْ فِیْهِ مِنَ الْمَخَاوِفِ اَمْنًا وَمِنَ الْعَوَائِقِ فِیْهِ یُسْرًا حَتّٰی لَا
یَصُدَّنِیْ صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ وَلَا یَحُلَّ بِیْ طَارِقٌ مِنْ اَذَی الْعِبَادِ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ
وَالْاُمُوْرُ اِلَیْکَ تَصِیْرُ یَا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهٖ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ و در حدیث صحیح
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نقولست که هفت چیز است که اگر در برابر مسافر ظاهر شود برای
او شوم است کلاغی که فریاد کند از جانب راست او و سگی که دم را علم کرده باشد و گرگی که
بر دم خود نشسته باشد و برروی او فریاد کند پس سه مرتبه بلند شود و پست شود و آهوی که از جانب
راست او بیاید و بجانب چپ او برود و جغدی که فریاد کند و زن پیر سفید موی که رو بروی او
بیاید و ماده الاغی که گوشش را بریده باشند پس کسیکه از دیدن اینها ترسی در خاطرش بهم رسد باید بگوید

اعتصمت بک یا رب من شر ما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلک چون این را گوید ضرری باو نرسد و در روایتی منقولست که چون پیش از سفر تصدق کند و در وقت تصدق این دعا بخواند اللهم انی اشتریت بهذه الصدقة سلامتی و سلامة سفری و ما معی فسلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل و بعد از تصدق بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین اللهم کن لی جارا من کل جبار عنید و من کل شیطان مرید بسم الله دخلت و بسم الله خرجت اللهم انی اقدم بین یدی نسیانی و عجلتی بسم الله و ما شاء الله فی سفری هذا ذکرته ام نسیته اللهم انت المستعان علی الامور کلها و انت الصاحب فی السفر والخلیفة فی الاهل اللهم هون علینا سفرنا و اطو لنا الارض فسیرنا فیها بطاعتک و طاعة رسولک اللهم اصلح لنا ظهرنا و بارک لنا فیما رزقتنا و قنا عذاب النار اللهم انا نعوذ بک من وعثاء السفر و کآبة المنقلب و سوء المنظر فی الاهل والمال والولد اللهم انت عضدی و ناصری اللهم اقطع عنی بعده و مشقته و اصحبنی فیه و اخلفنی فی اهلی بخیر لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

فصل سوم در آداب غسل و نماز و دعا در وقت بیرون رفتن

سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که چون کسی اراده سفر نماید سنت است که غسل کند پیش از بیرون رفتن و در وقت غسل بگوید بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله والصادقین عن الله صلوات الله علیهم اجمعین اللهم طهر قلبی و اشرح به صدری و نور به قبری اللهم اجعله لی نورا و طهورا و حرزا و شفاء من کل داء و آفة و عاهة و سوء مما اخاف و احذر و طهر قلبی و جوارحی و عظامی و دمی و شعری

وَبَنُوتِي وَمُخِّي وَعَصَبِي وَمَا اَقَلَّتِ الْاَرْضُ مِنِّي اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شَاهِدًا
يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي اِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که هیچ خلیفه آدمی در اهلش
نمیگذارد بهتر از آنکه در وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز بگذارد پس بگوید اللّهمّ انّی
استودعك نفسي واهلي ومالي وذرّيّتي ودنياي وآخرتي وامانتي وخاتمة عملي
و ابن طاوس علیه الرحمة گفته است که در رکعت اول قل هو الله احد و در رکعت دوم انا انزلناه
فی لیلة القدر بخواند و در حدیث معتبر منقولست که چون حضرت امام محمد باقر علیه السلام اراده
سفری میکردند عیال خود را در حجره جمع میکردند و این دعا میخواندند اللّهمّ انّي استودعك الغداة
نفسي ومالي واهلي وولدي والشاهد منّا والغائب اللّهمّ احفظنا واحفظ علينا
اللّهمّ اجعلنا في جوارك اللّهمّ لا تسلبنا نعمتك ولا تغيّر ما بنا من عافيتك و
فضلك و سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت نموده که بعد از نماز این دعا بخوانند اللّهمّ
انّي استودعك اليوم نفسي واهلي ومالي وولدي ومن كان منّي بسبيل الشاهد منهم
والغائب اللّهمّ احفظنا بحفظ الايمان واحفظ علينا اللّهمّ اجعلنا في رحمتك
ولا تسلبنا فضلك انّا اليك راغبون اللّهمّ انّا نعوذ بك من وعثاء السفر وكآبة
المنقلب وسوء المنظر في الاهل والمال والولد في الدنيا والآخرة اللّهمّ انّي اتوجّه
اليك هذا التوجّه طلبًا لمرضاتك وتقرّبًا اليك اللّهمّ فبلّغني ما اُؤمّله وارجوه فيك
وفي اوليائك يا ارحم الراحمين و اگر خواهی این دعا هم بخوان اللّهمّ خرجت في
وجهي هذا بلا ثقة منّي لغيرك ولا رجاء يأوي بي الّا اليك ولا قوّة اتّكل
عليها ولا حيلة الجاء اليها الّا طلب رضاك وابتغاء رحمتك وتعرّضًا لثوابك وسكونًا
الى حسن عائدتك وانت اعلم بما سبق لي في علمك في وجهي ممّا احبّ واكره
اللّهمّ فاصرف عنّي مقادير كلّ بلاء ومقضيّ كلّ لأواء وابسط عليّ كنفًا من
رحمتك ولطفًا من عفوك وسعةً من رزقك وتمامًا من نعمتك وجماعًا من معافاتك
ووفّق لي فيه يا ربّ جميع قضائك على موافقة هواي وحقيقة املي وادفع عنّي

احذر و ما لا احذر علی نفسی مما انت اعلم به منی و اجعل ذالک خیرا لی و لآخرتی و دنیای مع ما اسئلک ان تخلفنی فیمن خلفت ورائی من ولدی و اهلی و مالی و اخوانی و جمیع حزانتی بافضل ما تخلف فیه غائبا من المؤمنین فی تحصین کل عورة و حفظ کل مضیعة و تمام کل نعمة و دفع کل سیئة و کفایة کل محذور و صرف کل مکروه و کمال ما تجمع لی به الرضا و السرور فی الدنیا و الآخرة ثم ارزقنی ذکرک و شکرک و طاعتک و عبادتک حتی ترضی و بعد الرضا اللهم انی استودعک الیوم دینی و نفسی و مالی و اهلی و ذریتی و جمیع اخوانی اللهم احفظ الشاهد منا و الغائب اللهم احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک و لا تسلبنا نعمتک و لا تغیر ما بنا من نعمة و عافیة و فضل و در حدیث معتبر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام ارادهٔ سفر میکردند این دعا میخواندند اللهم خل سبیلنا و احسن تسییرنا و اعظم عافیتنا و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ارادهٔ سفری مینمودند این دعا میخواندند و در وقتیکه بر میخواستند که متوجه شوند اللهم بک انتشرت و الیک توجهت و بک اعتصمت و انت ثقتی و رجائی اللهم اکفنی ما اهمنی و ما لا اهتم و ما انت اعلم به منی اللهم زودنی التقوی و اغفر لی و وجهنی الی الخیر حیث ما توجهت و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که ارادهٔ سفری نماید و در خانهٔ خود بایستد رو بجانبی که اراده دارد که متوجه شود پس سورهٔ حمد را از پیش رو بجانب راست و جانب چپ بخواند و آیة الکرسی را نیز از پیش رو و جانب راست و از جانب چپ بخواند پس بگوید اللهم احفظنی و احفظ ما معی و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل حقتعالی حفظ کند او را و آنچه با او است و بسلامت دارد او را و آنچه با او ست و سید بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که چون بر در خانه بایستد تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و سورهٔ حمد و آیة الکرسی را بنحوی که گذشت بخواند پس بگوید اللهم الیک وجهت وجهی و علیک خلفت اهلی و مالی و ما خولتنی و قد وثقت بک فلا تخیبنی یا من لا یخیب من اراده و لا یضیع من

حفظه اللهم صل علی محمد وآل محمد واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی یا ارحم الراحمین اللهم بلغنی ما توجهت له وسبب لی المراد وسخر لی عبادک وبلادک وارزقنی زیارة نبیک وولیک امیر المؤمنین والائمة من ولده وجمیع اهل بیته علیه وعلیهم السلام ومدنی بعونک بالمعونة فی جمیع احوالی ولا تکلنی الی نفسی ولا الی غیری فاکل واعطب وزودنی التقوی واغفر لی فی الآخرة والاولی اللهم اجعلنی اوجه من توجه الیک واین دعا را نیز بخواند بسم الله وبالله وتوکلت علی الله واستعنت بالله والجأت ظهری الی الله وفوضت امری الی الله رب آمنت بکتابک الذی انزلت وبنبیک الذی ارسلت لانه لا یاتی بالخیر الا انت ولا یصرف السوء الا انت عز جارک وجل ثناؤک وتقدست اسماؤک وعظمت آلاؤک ولا اله غیرک بدرستیکه در روایتی وارد شده است که هر که صبح از خانه بیرون آید واین دعا بخواند بلائی باو نرسد تا شام که بخانه برگردد و هر که در شام بخواند و از خانه بیرون رود بلائی باو نرسد تا صبح که بخانه برگردد و در روایت دیگر وارد شده است که چون حضرت صادق علیه السلام بسفری بیرون میرفتند این دعا میخواندند اللهم احفظنی واحفظ ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغک الحسن بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد صلی الله علیه وآله اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة وذلل لی کل صعوبة واعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجو واصرف عنی من الشر اکثر مما احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین واین دعا نیز میخواندند اسئل الله الذی بیده ما دق وجل وبیده اقوات الملائکة ان یهب لنا فی سفرنا امنا وایمانا وسلامة واسلاما وفقها وتوفیقا وبرکة وهدی وشکرا وعافیة ومغفرة وعزما لا نغادر به ذنبا و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله منقولست که چون کسی بسفری بیرون رود بگوید اللهم انت الصاحب فی السفر والحامل علی الظهر والخلیفة فی الاهل والمال والولد پس باید که این دعاها که از برای خانه بیرون آمدن و سوار شدن در فصلهای سابق گذشت بخواند پس چون سوار شود بگوید الحمد لله الذی هدانا للاسلام ومن علینا بمحمد وآله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین

وَ اِنَّا اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَامِلُ عَلَی الظَّهْرِ وَ الْمُسْتَعَانُ عَلَی الْاَمْرِ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْنَا بَلَاغًا یَبْلُغُ بِهٖ اِلٰی خَیْرٍ بَلَاغًا یَبْلُغُ بِهٖ اِلٰی رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ اَللّٰهُمَّ لَا ضَیْرَ اِلَّا ضَیْرُكَ وَ لَا خَیْرَ اِلَّا خَیْرُكَ وَ لَا حَافِظَ غَیْرُكَ

فصل چهارم در سائر آداب بیرون رفتن و بیان چیزی چند که باید با خود برون در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که بسفری رود و با خود بردارد عصائی از چوب بادام تلخ و این آیات را بخواند حق تعالی او را ایمن گرداند از هر سبع درنده و هر دزدی و هر صاحب زهری تا باهل خود برگردد و با او هفتاد و هفت ملک باشند که از برای او استغفار کنند تا برگردد و عصا را بگذارد و این است آیات وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْیَنَ قَالَ عَسٰی رَبِّیْ اَنْ یَّهْدِیَنِیْ سَوَاءَ السَّبِیْلِ وَ لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْیَنَ وَجَدَ عَلَیْهِ اُمَّةً مِّنَ النَّاسِ یَسْقُوْنَ وَ وَجَدَ مِنْ دُوْنِهِمُ امْرَاَتَیْنِ تَذُوْدَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِیْ حَتّٰی یُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَ اَبُوْنَا شَیْخٌ كَبِیْرٌ فَسَقٰی لَهُمَا ثُمَّ تَوَلّٰی اِلَی الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ اِنِّیْ لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیْرٌ فَجَاءَتْهُ اِحْدٰىهُمَا تَمْشِیْ عَلَی اسْتِحْیَاءٍ قَالَتْ اِنَّ اَبِیْ یَدْعُوْكَ لِیَجْزِیَكَ اَجْرَ مَا سَقَیْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهٗ وَ قَصَّ عَلَیْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِیْنَ قَالَتْ اِحْدٰىهُمَا یَا اَبَتِ اسْتَاْجِرْهُ اِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَاْجَرْتَ الْقَوِیُّ الْاَمِیْنُ قَالَ اِنِّیْ اُرِیْدُ اَنْ اُنْكِحَكَ اِحْدَی ابْنَتَیَّ هٰتَیْنِ عَلٰی اَنْ تَاْجُرَنِیْ ثَمٰنِیَ حِجَجٍ فَاِنْ اَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَ مَا اُرِیْدُ اَنْ اَشُقَّ عَلَیْكَ سَتَجِدُنِیْ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰلِحِیْنَ قَالَ ذٰلِكَ بَیْنِیْ وَ بَیْنَكَ اَیَّمَا الْاَجَلَیْنِ قَضَیْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَیَّ وَ اللّٰهُ عَلٰی مَا نَقُوْلُ وَكِیْلٌ و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که خواهد که زمین در زیر پای او پیچیده شود با خود عصای درخت بادام تلخ بردارد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت آدم علیه السلام مرض شدیدی بهم رسانید و او را وحشتی عارض شد جبرئیل فرمود که چوبی از درخت بادام تلخ جدا کن و بسینه خود بچسبان چنین کرد حق تعالی وحشت را از و دفع کرد و بدان که از جمله چیزهائی که باید در سفر با خود داشته باشد تسبیح تربت حضرت امام حسین علیه السلام است چنانچه منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام بعراق تشریف آوردند مردم

نزد آنحضرت گرد آمدند و پرسیدند که میدانیم که تربت حضرت امام حسین علیه السلام شفای هر دردیست
آیا باعث ایمنی از خوف و بیم میشود فرمود که هرگاه کسی خواهد که او را از بیمی امان باشد تسبیحی
از تربت آنحضرت بگیرد و سه مرتبه این دعا بخواند أَصْبَحْتُ اللّٰهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِكَ وَجِوارِكَ
الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُطاوَلُ وَلَا يُحاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طارِقٍ وَغاشِمٍ مِنْ سائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ
ما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصّامِتِ وَالنّاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَةٍ
حَصِينَةٍ وَهِيَ وِلاءُ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ مُحْتَجِزاً مِنْ كُلِّ قاصِدٍ لِي إِلَى أَذِيَّةٍ
بِجِدارٍ حَصِينِ الْإِخْلاصِ فِي الْاِعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعاً مُوقِناً
أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ أُوالِي مَنْ والَوْا وَأُعادِي مَنْ
عادَوْا وَأُجانِبُ مَنْ جانَبُوا فَأَعِذْنِي اللّٰهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ ما أَتَّقِيهِ يا عَظِيمُ
حَجَزْتُ الْأَعادِيَ عَنِّي بِبَدِيعِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ إِنّا جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً وَمِنْ
خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم بگذارد
و بگوید اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبارَكَةِ وَبِحَقِّ صاحِبِها وَبِحَقِّ جَدِّهِ
وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطّاهِرِينَ اجْعَلْها شِفاءً
مِنْ كُلِّ داءٍ وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوءٍ اگر در صبح چنین کند در امان
خدا باشد تا شام و در روایت دیگر منقولست که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد چون
از خانه بیرون آید چنین کند حرزی باشد برای او از شر ایشان و در فصول خواتیم گذشت
انگشترها که مناسب است که در سفر با خود داشته باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که ضامنم برای کسیکه عمامه بر سر بسته از خانه بیرون آید آنکه سالم
باهل خود برگردد و در روایت معتبر دیگر از حضرت موسی کاظم علیه السلام منقولست که من
ضامنم برای کسیکه اراده سفری داشته باشد و عمامه بر سر به بندد و سر عمامه را در زیر حنک
به بندد آنکه او را از دزد و غرق شدن و سوختن برنخورد و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که روز شنبه
از خانه بیرون رود و عمامه سفیدی بر سر داشته باشد که تحت الحنک داشته باشد و اگر بود با

گوهی که آنرا از جا بکند هر آئینه بعمل آید و در حدیث معتبر منقول است که حضرت لقمان با پسر خود گفت
که ای فرزند چون بسفر روی شمشیر و کمان و اسب و موزه و عمامه و ریسمانی که ضرور
بشود و مشک آب و سوزن و خیاط با خود بردار و از دوا آنچه تو و اصحاب تو بآن محتاج
باشند بردار و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت رسول بسفر میرفتند شیشه روغن
و سرمه دان و مقراض و آئینه و مسواک و شانه و سوزن و ریسمان و چیزیکه بآن کفش را پینه
کنند و تسمه های نعل را بر میداشتند و از جمله تعویذاتی که در سفر مناسب است تعویذی
است که مرویست که در دسته شمشیر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم تعبیه
شده بود و آن این تعویذ است بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ اَسْئَلُكَ
يَا مَالِكَ الْمُلُوكِ الْاَوَّلَ الْقَدِيمَ الْاَبَدِيَّ الَّذِي لَا يَزُولُ وَلَا يَحُولُ اَنْتَ اللّٰهُ الْعَظِيمُ
الْكَافِي لِكُلِّ شَيْءٍ الْمُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ اكْفِنِي بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ
الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَاحْجُبْ شَرَّ وُدِّهِمْ وَشَرَّ وُدِّ
الْاَعْدَاءِ كُلِّهِمْ وَسُيُوفَهُمْ وَبَأْسَهُمْ وَاللّٰهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ اَللّٰهُمَّ احْجُبْ عَنِّي شَرَّ
مَنْ اَرَادَنِي بِسُوءٍ بِحِجَابِكَ الَّذِي احْتَجَبْتَ بِهِ فَلَمْ يَنْظُرْ اِلَيْكَ اَحَدٌ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ
وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ سِلَاحِهِمْ وَمِنَ الْحَدِيدِ وَمِنْ كُلِّ مَا يُتَخَوَّفُ وَيُحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ
شِدَّةٍ وَبَلِيَّةٍ وَمِنْ شَرِّ مَا اَنْتَ بِهِ اَعْلَمُ وَعَلَيْهِ اَقْدَرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً عوذه که در میان عمامه گذارند اَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ اِنَّكَ
مِنَ الْاٰمِنِينَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ لَا تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلٰى لَا تَخَافَا
اِنَّنِي مَعَكُمَا اَسْمَعُ وَاَرٰى لَا تَخَافُ دَرَكاً وَلَا تَخْشٰى الَّذِي اَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَاٰمَنَهُمْ
مِنْ خَوْفٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظاً وَهُوَ اَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ اُدْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَاِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَاِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللّٰهِ فَتَوَكَّلُوا
اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ عوذه که بر چارپای سواری بندند اَللّٰهُمَّ احْفَظْ عَلَيَّ مَا لَوْ حَفِظَهُ غَيْرُكَ
لَضَاعَ وَاسْتُرْ عَلَيَّ مَا لَوْ سَتَرَهُ غَيْرُكَ لَشَاعَ وَاحْمِلْ عَنِّي مَا لَوْ حَمَلَهُ غَيْرُكَ لَكَاعَ
وَاجْعَلْ عَلَيْهِ خِلَافاً ظَلِيلاً تَرْمِي بِهِ كُلَّ مَنْ رَامَنِي بِسُوءٍ اَوْ نَصَبَ لِي مَكْراً اَوْ هَيَّأَ لِي

تنکو و هذا حتی یعود و هو عیلو خالف لی ولا قادر علی اللهم احفظنی کما حفظت به کتابک المنزل علی قلب نبیک المرسل اللهم انک تحملت و علیک التوکل انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره عبس را در کاغذ سفیدی بنویسد و بهر راهی که رود با خود نگاه دارد در آن راه بغیر از نیکی نه بیند و از مفاسد آن راه محفوظ باشد فصل پنجم در آداب توشه برداشتن در سفر و آداب سفر کردن آن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بسفر روند سفره با خود بردارید و طعامهای نفیس در آن سفره بگذارید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که از شرف آدمی آنست که توشه خود را نیکو گرداند هر گاه بسفری رود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام چون بسفر حج یا عمره میرفتند از بهترین توشها برمیداشتند مانند بادام و شکر و قاووت ترش و شیرین و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نان در میان توشه خود بردار که باعث برکت میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نظر کردند بسفره که در آن حلقها از برنج بود فرمود که این حلقها را بکنید و حلقهای آهن بگذارید تا جانوران داخل سفره نشوند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام از بعضی از اصحاب خود پرسیدند که بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام میروید گفت بلی فرمودند که سفره با خود برمیدارید گفت بلی فرمودند که اگر بزیارت قبر پدران یا مادران خود بروید چنین نخواهید کرد گفت پس چه چیز بخوریم فرمود که نان با شیر یا ماست و در حدیث دیگر فرمود که شنیده ام که جمعی هستند که چون بزیارت قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه میروند با خود سفره برمیدارند که در میان آن بزغاله بریان و حلواهاست و اگر بزیارت قبر دوستان خود بروند چنین نمی کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بهترین خرج کردنها نزد خدا میانه روی است و خدا اسراف را دشمن میدارد مگر در راه حج یا عمره و در حدیث حسن منقول است که صفوان از حضرت صادق علیه السلام پرسید که من اهل خود را با خود بحج می برم خرجی خود را بکمر خود به بندم حضرت فرمود که بلی پدرم میگفت که از قوت مسافر آنست که نفقه خود را حفظ کند و در حدیث دیگر منقولست که دیگری بآنحضرت عرض

کرد که در رهی که صورتها در اینها نقش کرده اند باخود دارم و آنها را در همیان میکنم و بر کمر می بندم
در حالت احرام فرمود که باکی نیست خرجی تست و اعتماد تو بعد از خدا بر آنست **فصل ششم**
در رفیق باخود بردن در سفر و آداب معاشرت ایشان در احادیث معتبره بسیار وارد
شده است که کسیکه تنها بسفر رود ملعون است و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم بحضرت امیر المومنین علیه السلام وصیت نمود که یا علی هرگز تنها
بسفر مرو که شیطان با یک کس است و از دو تا دور تر است یا علی شخصی که تنها بسفر رود گمراه
است و دو کس که میروند و گمراه اند و سه کس که میروند مسافر اند و در روایت دیگر منقولست
که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد حضرت پرسیدند که در راه که مصاحب تو بود
گفت تنها بودم فرمود که اگر من پیشتر ترا میدیدم ترا نیکو تادیب میکردم که چگونه باید بسفر رفت
پس فرمود که یک کس شیطان است و دو تا دو شیطانند و سه نفر مصاحبانند و چهار نفر رفیقانند
و بسند معتبر از حضرت موسی ابن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که تنها بسفر رود و بگوید مَا شَآءَ اللّٰهُ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اٰنِسْ وَحْشَتِیْ وَاَعِنِّیْ عَلٰی وَحْدَتِیْ وَاَدِّ غَیْبَتِیْ و در حدیث معتبر از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که اول رفیق بهمرسان پس بسفر برو و فرمود که دو کس باهم
رفیق نمیشوند مگر آنکه محبوب ترین ایشان نزد خدا و آنکه ثواب پیش بیشتر است آنست که مدارا با رفیقش
بیشتر کند و در حدیث دیگر فرمود که بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفر اند و هیچ گروهی
زیاده از هفت کس نمیشوند مگر آنکه صداهای ایشان بسیار میباشد پس ازین احادیث معلوم شد
که اقل رفیقان سه اند و اکثر ایشان هفت و آنکه زیاده از هفت خوب نیست در رفیقان
هم توشه و هم سفر و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که سنت است
که رفیقان هم توشه اول خرجهای خود را بدر آورند و بر روی یکدیگر بگذارند که این بیشتر باعث
خوشنودی خاطر و نیکی اخلاق ایشان میشود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست
که مصاحبت مکن در سفر با کسیکه فضیلت ترا بر خود نداند آن قدر که تو فضیلت او بر خود میدانی
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و رفاقت بکن با کسی که تو باو زینت
یابی و مصاحبت مکن با کسی که او بتو زینت یابد یعنی تو کسب علم و کمالات از و توانی نمود

و در حدیث دیگر از شهاب منقولست که گفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که شما میدانید حال توانگری مرا و احسانی که با برادران خود میکنم پس با جماعتی از ایشان رفیق می شوم در راه مکه و بر ایشان توشه میکنم و بسیار خرج میکنم فرمود که ای شهاب چنین مکن اگر تو دست بخرج کردن بگشائی و ایشان هم بگشایند بایشان ضرر میرسد و پریشان می شوند و اگر تو بگشائی و ایشان نگشایند باعث مذلت ایشانست پس رفاقت با جماعتی کن که مثل تو باشند در توانگری و دانائی و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر مصاحبت بکنی با مثل و مانند خود مصاحبت و رفاقت بکن و با کسی رفیق مشو که خرج ترا کشد که این موجب خواری مؤمن است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق مسافر بر رفیقان آنست که چون بیمار شود سه روز برای او توقف کنند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که جماعتی با یکدیگر رفیق می شوند و در میان ایشان مالدار و پریشان است آیا آن مالدار خرج آنها را میتواند کشید فرمود که اگر آنها بطیب خاطر راضی باشند باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی رفیق می شود با جماعتی مالدار و از آنها مالش کمتر است و آنها خرج خود را بیرون می آورند و او مثل آنها نمیتواند خرج کردن فرمود که من دوست نمیدارم که خود را ذلیل کند بآنکسی رفیق شود که مثل او باشد و در احادیث معتبره منقولست که از ما نیست کسی که با مصاحبانش نیکو مصاحبت نکند و با رفیقانش نیکو رفاقت نکند و با کسی که نمک خورد و حق نمک رعایت نکند فصل هفتم در بیان سائر آداب سفر در حدیث منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت لقمان پسر خود را نصیحت فرمود که چون سفر کنی با گروهی مشوره با ایشان بسیار بکن در کارهای خود و کارهای ایشان و بر روی ایشان تبسم بسیار بکن و در توشه خود صاحب کرم باش در میان ایشان و چون ترا بضیافت طلب کنند قبول کن و اگر از تو مدد طلبند یاری ایشان بکن و بسه چیز بر ایشان غلبه کن به بسیاری خاموشی و بسیاری نماز و سخاوت و جوانمردی در هر چه با خود داری از چارپا و مال و توشه و اگر گواهی از تو طلبند یا بر امر حقی خواهند ترا گواه کنند اطاعت بکن و چون با تو مشوره کنند تا توانی سعی کن که رای نیکو برای ایشان

اختیار کنی و زود عزم مکن و رای خود را با ایشان مگو تا تامل کنی و فکر کنی و جواب ایشان مگو در مشورهٔ
ایشان تا آنکه در آن فکر کنی و برخیزی و بنشینی و بخوابی و چیزی بخوری و نماز کنی و در اثنای
این احوال فکر خود و حکمت خود را در مشورهٔ ایشان بکار فرمائی زیرا که هر که خیرخواهی خود را
برای کسیکه با او مشوره کند خالص نگرداند حقتعالی رای او و عقل او را از و سلب میکند
و امانت را از و بر میدارد و هرگاه بینی که رفیقان تو پیاده میروند با ایشان پیاده برو
و هرگاه بینی که کاری میکنند با ایشان بکن و اگر تصدق کنند یا قرضی دهند تو نیز با ایشان
بده و بشنو سخن کسیرا که از تو بزرگتر باشد و هرگاه رفیقان کاری بتو فرمایند یا چیزی از تو
سوال کنند بگو بلی و نه مگو که نه گفتن موجب عجز و ملامت است و چون راه را گم کنید و حیران
بمانید فرود آئید و اگر در راه مقصود شک کنید بایستید و با یکدیگر مشوره کنید و
مصلحت به بینید و اگر یک کس را به بینید خبر راه از و مپرسید و مصلحت از و مبینید که یک
شخص در بیابان این کس را بشک می اندازد که شاید جاسوس دزدان باشد یا شیطان باشد
که خواهد شما را حیران کند و از دو شخص نیز حذر کنید مگر آنکه چیزی چند از علامتها و قرینه ها ببینید
که من نمی بینم زیرا که عاقل بدیدهٔ خود که نظر میکند بسوی چیزی آنچه حق است از آن
می شناسد و حاضر چیزی چند می بیند که غائب نمی بیند ای فرزند چون وقت نماز
در آید از برای امری او را بتاخیر مینداز و نماز را بجا آور و راحت را بیاب که نماز قرضی است
هر چند پیشتر ادا میکنی سبکبار میشوی و نماز را با جماعت بکن هر چند بر سر نیزه باشی و بر روی
چهارپا خواب مکن که زود باعث زخم پشت آن می شود و این از کردار دانایان نیست مگر
آنکه در میان کجاوه باشی که تمکنت باشد که بخوابی برای سستی مفاصل و چون نزدیک شوی
بمنزل از چهارپای خود فرود آئی که آن چهارپا یاور تست ابتدا کن بعلف دادن آن پیش
از آنکه خود چیزی بخوری و چون خواهید که فرود آئید پس اختیار کنید از بقعهای زمین
مکانی را که خوش رنگتر و خاکش نرمتر و پر گیاه تر باشد و چون فرود آئی پیش از آنکه بنشینی
دو رکعت نماز بکن و چون خواهی بقضای حاجت بروی بسیار دور برو پس چون خواهی که
بار کنی دو رکعت نماز بکن پس آن زمین را وداع کن و سلام بر آن زمین و اهل آن زمین بکن که

هر بقعه از زمین را اهلی چند از ملائکه هست و اگر توانی مخور هیچ طعامی را مگر آنکه قدری از آن
تصدق کنی و بر تو باد بخواندن قرآن مادام که سوار باشی و بر تو باد به تنزیه و یاد خدا کردن تا مشغول
کاری باشی و بر تو باد بدعا کردن در وقتیکه تنها و بیکار باشی و زنهار که در اول شب راه مرو
بلکه در اول شب فرود آئی و در نصف آخر شب راه رو و زنهار که در راه رفتن صدا بلند مکن
و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که مروت و مردی در حضر خواندن
قرآن است و همنشینی با علما کردن و تفکر در فقه و علوم کردن و محافظت بر نمازهای جماعت
کردن و اما مروت سفر پس توشه خود را صرف کردن و مخالفت رفیقان نکردن و خدا را در
هر بلندی و پستی و فرود آمدن و ایستادن و نشستن بسیار یاد کردن است و در روایت دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مروت سفر توشه بسیار برداشتن است و پاکیزه
گردانیدن توشه است و عطا کردن آن بجمعی که رفیق تواند و آنکه بعد از مفارقت از رفیقان
رازهای ایشان را که بر آنها مطلع شده بپوشانی و مزاح و خوش طبعی بسیار بکنی در چیزی که
خدا را بخشم نیاورد و در حدیث دیگر فرمود که از مروت نیست که نقل کند آدمی چیزی چند را
که در سفر دیده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که توشه مسافر
حدی خواندن است و خواندن شعری چند که در آن حرامی و باطلی نباشد و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که چون با جماعتی رفیق شوی بگو اینجا فرود آئید یا آنجا فرود میائید
که در میان ایشان کسی هست که این کار را بکند اگر تو با ایشان بگذاری و در احادیث معتبره
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که اعانت کند مومن مسافری را
حقتعالی از او هفتاد و سه شدت از شدتهای دنیا را بردارد و او را امان دهد از غم و اندوه و
هفتاد شدت و غم در آخرت از او بردارد در وقتیکه از شدت اهوال قیامت نفسهای مردم
گرفته باشد فصل هشتم در آداب راه رفتن و فرود آمدن و در احادیث معتبره از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که چون از پیاده رفتن مانده شوید استعانت جوئید
بتند رفتن که ماندگی را برطرف میکند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که کمرها را محکم ببندید و بر روی شکم
ته بند ببندید تا آنکه پیاده رفتن بر شما آسان شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که در طرف بامداد و پسین راه روید و در روایت معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
منقولست که بر شما باد براه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده می شود و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که زمین در آخر شب پیچیده میشود و فرمود که چون حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله سفر میکردند در آخر شب حرکت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقولست که چون در شب فرود آئید بر سر راه فرود میائید و در شکم رودخانها
فرود میائید که محل درندگان و مار است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که در میان رودخانه فرود میائید که مبادا سیلابی بیاید و شما ضرر رساند و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که حقتعالی مدارا کردن را دوست
میدارد و یاری میکند بران پس چون بر حیوانات لاغر سوار باشید در منزلها فرود آئید پس اگر
زمین خشک باشد و گیاه نداشته باشد تند بروید و اگر پر گیاه باشد منزل بمنزل فرود آئید و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر در زمین خشک بی گیاه سفر کنید تند بروید و اگر در زمین
پر آب و علف روید بتانی و مدارا بروید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست
که چون راه غلط کنید بجانب راست میل کنید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
و آله منقولست که هر که در سفر راه گم کند فریاد کند که یَا صَالِحُ اَغِثْنِی بدرستیکه از برادران
مومن شما از جنیان شخصی هست که صالح نام دارد و از برای خدا در صحراها میگردد و چون
صدای شما را می شنود جواب میگوید و راه نمائی میکند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که چون راه گم کنی فریاد کن یَا صَالِحُ یَا اَبَا صَالِحٍ اَرْشِدُونَا اِلَی الطَّرِیقِ
یَرْحَمُکُمُ اللّٰهُ راوی حدیث گفت که ما در سفری راه گم کردیم شخصی را گفتیم که از ما دور شده
فریاد کرد باین نحو که مذکور شد پس برگشت و گفت که صدائی آهسته شنیدم که گفت راه
از جانب راست است اندک مسافتی که رفتیم راه را یافتیم و از عمرو بن یزید که از ثقات
اصحاب ائمه است روایت کرده اند که گفت ما در یک سالی در سفر مکه معظمه راه گم کردیم پس
سه روز ماندیم و راه را طلبیدیم نیافتیم پس چون روز سوم شد آبی که برداشته بودیم آخر شد پس جامه های
احرام پوشیدیم بعنوان کفن و حنوط کردیم در آن حال شخصی از رفیقان ما برخاست و فریاد

کرد که یا صالح یا ابا الحسن پس کسی از دور جواب گفت پرسیدم که کیستی خدا ترا رحم کند گفت
من از آن گروهم از جن که بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آوردند و کسی بغیر از
من از ایشان نمانده است و کار من این است که گم شده را براه میرسانم ما همه جا از پی صدای او
رفتیم تا براه رسیدیم فصل نهم در بیان دعاها که در راه و در منازل باید خواند در حدیث صحیح
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم در سفرها سراشیب میرفتند سُبْحَانَ اللهِ میگفتند و چون سربالا میرفتند الله اکبر
میگفتند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که چون در سفرے باشی بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَسِيْرِي
عِبَرًا وَصَمْتِي تَفَكُّرًا وَكَلَامِي ذِكْرًا و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که هر که برود خانه پائین رود پس بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ پر کند
آن دو خانه را از برای او از حسنات و در حدیث دیگر فرمود که هر که لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ
بگوید در بلندیها آنچه در پیش روی اوست تا منتهای زمین همه لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ
بگویند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که دو کس آمدند بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم و گفتند ما میخواهیم که برای تجارت بشام برویم حرزی تعلیم ما فرما که در راه بخوانیم
فرمود که چون در منزل فرود آئید و نماز خفتن بکنید بعد از نماز پهلو را بر رخت خواب
بگذارید و تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخوانید پس آیة الکرسی بخوانید چون چنین
کنید تا صبح محفوظ میمانید چون ایشان روانه شدند جمعی از دزدان در عقب ایشان رفتند
چون فرود آمدند و نماز خفتن کردند خوابیدند و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و آیة الکرسی را
خواندند پس دزدان غلام خود را فرستادند که از ایشان خبر بگیرد چون بنزد ایشان آمد دو دیوار
دید و از ایشان اثری نیافت چون بدزدان خبر داد ایشان نیز آمدند و همین حال را مشاهده کردند
چون صبح شد بنزد ایشان آمدند و پرسیدند که شما دیشب کجا بسر بردید گفتند در همین موضع
گفتند ما آمدیم تفحص شما و بغیر از دو دیوار چیزی ندیدیم شما قصهٔ خود را نقل کنید ایشان گفتند
که ما در وقت خوابیدن بتعلیم حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تسبیح حضرت فاطمه
علیها السلام و آیة الکرسی خواندیم دزدان گفتند که بروید که دزدی بر شما دست نخواهد

یافت و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در منزلی فرود آید که از درندگان ترسد این دعا
بخواند اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ
وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبُعٍ چون این دعا بخواند ایمن
گردد از شر درندگان تا از آن منزل بار کند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
هر کسیکه خواهد که داخل شود بموضعی که خوفی داشته باشد این آیت را بخواند رَبِّ اَدْخِلْنِیْ
مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِیْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّیْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِیْرًا
پس چون به بیند آن شخص یا آنچیزی را که از و بیم دارد آیت الکرسی بخواند و در حدیث دیگر
فرمود که هرگاه در سفری یا بیابانی باشی و از جنیان یا غیر ایشان ترسی دست راست خود را
بر سر گذار و بآواز بلند بگو اَفَغَیْرَ دِیْنِ اللّٰهِ یَبْغُوْنَ وَلَهٗ اَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
طَوْعًا وَّكَرْهًا وَّاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی اللّٰه
علیه و آله و سلم بحضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که یا علی چون در منزل فرود آئی بگو
اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِیْ مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَّاَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِیْنَ تا آنکه نیکی آن منزل ترا روزی شود و شر
آن از تو دفع شود و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله و سلم
بحضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که چون اراده داخل شدن شهری یا دهی داشته باشی چون
نظرت بر آن افتد بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ خَیْرَهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْنَا مِنْ
جَنَاهَا وَاَعِذْنَا مِنْ وَبَاهَا وَحَبِّبْنَا اِلٰی اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِیْ اَهْلِهَا اِلَیْنَا و در
روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بر شهری مشرف شوی و نظرت بر آن افتد
بگو اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَمَا اَظَلَّتْ وَرَبَّ الْاَرَضِیْنَ السَّبْعِ وَمَا اَقَلَّتْ وَرَبَّ
الرِّیَاحِ وَمَا ذَرَتْ وَرَبَّ الشَّیَاطِیْنِ وَمَا اَضَلَّتْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ
مُحَمَّدٍ اَسْئَلُكَ مِنْ خَیْرِ هٰذِهِ الْقَرْیَةِ وَمَا فِیْهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِیْهَا و در
حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیاطین در میان محلها و کجاوه ها بر می آیند
و شتران از رم میدهند پس از برای دفع ایشان آیة الکرسی بخوانید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
منقولست که هر که در سفری باشد و از دزدان یا درندگان ترسد بر یال اسبش بنویسد

لَا تَخَافُ دَرَكاً وَلَا تَخْشَىٰ تا ضرر آنها باذن الٰهی از وبرطرف شود راوی گفت که من بسفر حج رفتم در میان بیابان جمعی از عربان آمدند وقافله را زدند ومن میان ایشان بودم این آیه را بر بال اسب نوشتم پس بحق آن خداوندی که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم را برسالت فرستاده وحضرت امیر المومنین علیه السلام را بامامت مشرف گردانیده است که حق تعالی ایشان را از من کور گردانید وضرری از ایشان بمن نرسیده ودر روایت دیگر مرویست که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بسفری میرفتند وشب می شد این دعا می خواندند يَا أَرْضُ رَبِّي وَرَبُّكِ اللّٰهُ وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّكِ وَمِنْ شَرِّ مَا فِيكِ وَشَرِّ مَا يَدِبُّ عَلَيْكِ وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ أَسَدٍ وَأَسْوَدَ وَمِنْ شَرِّ الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ وَمِنْ شَرِّ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَلْنَ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقْلَلْنَ وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَيْنَ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضْلَلْنَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ هٰذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ هٰذَا الشَّهْرِ وَخَيْرَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَخَيْرَ هٰذَا الْبَلَدِ وَأَهْلِهِ وَخَيْرَ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ وَأَهْلِهَا وَخَيْرَ مَا فِيهِمَا وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهِمَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وسید ابن طاوس علیه الرحمة روایت کرده است که هرگاه کسی بر تلی یا بلندی یا بلی بالا رود بگوید اَللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُ أَكْبَرُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الشَّرَفُ عَلَىٰ كُلِّ شَرَفٍ ودر ادعیه نیز منقول است که هر که در راه از دشمنان ودزدان ترساند این دعا بخواند يَا آخِذاً بِنَوَاصِي خَلْقِهِ وَالسَّائِقَ بِهَا إِلَىٰ قُدْرَتِهِ وَالْمُنْفِذَ فِيهَا حُكْمَهُ وَخَالِقَهَا وَجَاعِلَ قَضَائِهِ لَهَا غَالِباً إِنِّي مُكْتَئِبٌ لِضَعْفِي وَلِقُوَّتِكَ عَلَىٰ مَنْ كَادَنِي تَعَرَّضْتُ فَإِنْ حُلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَذٰلِكَ مَا أَرْجُوهُ وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي إِلَيْهِمْ غَيَّرُوا مَا بِي نِعْمَتَكَ يَا خَيْرَ الْمُنْعِمِينَ لَا تَجْعَلْ أَحَداً مُغَيِّراً نِعَمَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ سِوَاكَ وَلَا تُغَيِّرْهَا أَنْتَ رَبِّي فَقَدْ تَرَىٰ الَّذِي نَزَلَ بِي فَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَرِّهِمْ بِحَقِّ مَا بِهِ تَسْتَجِيبُ الدُّعَاءَ يَا اللّٰهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ واز برای دفع دشمنان از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ إِنِّي

أعوذ بك أن أضام في سلطانك اللهم إني أعوذ بك أن أضل في هداك اللهم إني أعوذ بك أن
أفتقر في عبادك اللهم إني أعوذ بك أن أضيع في سلامتك اللهم إني أعوذ بك أن أغلب
والأمر لك و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون غولان اشتمار خورند در راه اذان نماز بگوید
و سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که چون در منزل فرود آئید بگوید اللهم
أنزلني منزلا مباركا وأنت خير المنزلين پس دو رکعت نماز بگذارد بسورهٔ حمد و هر سوره
که خواهد از سوره های کوچک پس بگوید اللهم ارزقنا خير هذه البقعة وأعذنا من
شرها اللهم أطعمنا من جناها وأعذنا من وباها وحبب صالحي أهلها إلينا پس بگوید
أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله
وأن عليا أمير المؤمنين والأئمة من ولده أئمة أتولاهم وأتبرأ من أعدائهم
اللهم إني أسألك خير هذه البقعة وأعوذ بك من شرها اللهم اجعل أول
دخولنا هذا صلاحا وأوسطه فلاحا وآخره نجاحا و گفته است که هرگاه در منزل
خوف از جانوران زمین ترسی این دعا بخوان که از جمله دعاهای سر است یا ذارئ ما في الأرض
كلها بعلمك بما يكون مما يكون مما ذرأت لك السلطان على كل من دونك إني أعوذ
بقدرتك على كل شيء ومن الضر في بدني من سبع أو هامة أو عارض من سائر
الدواب يا خالقها بفطرته ادرأها عني واحجزها ولا تسلطها علي وعافني من
شرها وبأسها يا الله العلي العظيم احفظني بحفظك واحجبني بسترك الواقي
في مخافتي يا رحيم و شیخ طبرسی رحمه الله ذکر کرده است که چون خواهی بار کنی دو رکعت نماز بگذار و از خدا
بطلب حفظ و حمایت الهی را و آن موضع و اهل آن موضع را وداع کن که هر موضع را اهلی از ملائکه
هست پس بگو السلام على ملائكة الله الحافظين السلام علينا وعلى عباد الله
الصالحين ورحمة الله وبركاته **فصل نهم** در آداب سفر دریا و گذشتن از نهرها و جسرها در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقولست که مکروه است
بدریا سوار شدن از برای تجارت و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که نیکو
طلب روزی نکرده است کسیکه بدریا سوار شود برای تجارت و در حدیث صحیح از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کسیکه بکشتی سوار می شود برای تجارت دین خود را در معرض
تلف در آورده است و در اخبار معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم نهی فرمود از سوار شدن دریا در وقت تلاطم و هیجان آن و در حدیث حسن از
حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون بکشتی سوار شوی بگو بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖیهَا
وَمُرْسٰیهَا اِنَّ رَبِّیْ لَغَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ و چون دریا بموج آید بر جانب چپ تکیه کن و بدست راست
بسوی موج اشاره کن و بگو قِرِّیْ بِقَرَارِ اللّٰهِ وَاسْکُنِیْ بِسَکِیْنَةِ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ و در بعضی از روایات وارد شده است که در وقت اضطراب
تلاطم دریا بگو بِسْمِ اللّٰهِ اسْکُنْ بِسَکِیْنَةِ اللّٰهِ وَقِرَّ بِقَرَارِ اللّٰهِ وَاهْدَأْ بِاِذْنِ اللّٰهِ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ راوی گفت که من مکرر بکشتی سوار شدم و در وقت تلاطم
امواج دریا آنچه حضرت فرموده بودند خواندم پس در ساعت ساکن شد چنانچه گویا هرگز نبوده
است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که از غرق شدن
ترسد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖیهَا وَمُرْسٰیهَا اِنَّ رَبِّیْ لَغَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ بِسْمِ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ
وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ وَالْاَرْضُ جَمِیْعًا قَبْضَتُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِیّٰتٌ
بِیَمِیْنِهٖ سُبْحَانَهٗ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرِکُوْنَ و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون از غرق
شدن ترسد بگوید اللّٰهُ الَّذِیْ نَزَّلَ الْکِتٰبَ بِالْحَقِّ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصّٰلِحِیْنَ وَمَا قَدَرُوا
اللّٰهَ تا آخر آیه و در روایت دیگر منقولست که چون خواهد بکشتی سوار شود صد مرتبه الله اکبر
بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و صد مرتبه بر ظالمان آل محمد لعنت کند
باین نحو که اَللّٰهُمَّ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَ اٰلَ مُحَمَّدٍ پس بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالصَّلٰوةُ عَلٰی
رَسُوْلِ اللّٰهِ وَعَلَی الصَّادِقِیْنَ مِنْ اٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ اَحْسِنْ مَسِیْرَنَا وَعَظِّمْ اَجُوْرَنَا
اَللّٰهُمَّ بِكَ انْتَشَرْنَا وَاِلَیْكَ تَوَجَّهْنَا وَبِكَ اٰمَنَّا وَبِحَبْلِكَ اعْتَصَمْنَا وَعَلَیْكَ تَوَکَّلْنَا
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتُنَا وَرَجَاؤُنَا وَنَاصِرُنَا وَلَا تُحِلَّ بِنَا مَا لَا تُحِبُّ اَللّٰهُمَّ بِكَ نَحُلُّ وَبِكَ
نَسِیْرُ اَللّٰهُمَّ خَلِّ سَبِیْلَنَا وَاَعْظِمْ عَافِیَتَنَا اَنْتَ الْخَلِیْفَةُ فِی الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَاَنْتَ
الْحَامِلُ فِی الْمَاءِ وَعَلَی الظَّهْرِ وَقَالَ ارْکَبُوْا فِیْهَا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖیهَا وَمُرْسٰیهَا

اِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَحِیمٌ وَمَا قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْاَرْضُ جَمِیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَالسَّمٰوَاتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرِکُونَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَیْرُ مَنْ وَفَدَ اِلَیْهِ الرِّجَالُ وَشُدَّتْ اِلَیْهِ الرِّحَالُ فَاَنْتَ سَیِّدِی اَکْرَمُ مَزُورٍ وَاَکْرَمُ مَقْصُودٍ قَدْ جَعَلْتَ لِکُلِّ زَائِرٍ کَرَامَةً وَلِکُلِّ وَافِدٍ تُحْفَةً فَاَسْئَلُکَ اَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ اِیَّایَ فَکَاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَاشْکُرْ سَعْیِی وَارْحَمْ مَسِیرِی مِنْ اَهْلِی بِغَیْرِ مَنٍّ مِنِّی عَلَیْکَ بَلْ لَکَ الْمِنَّةُ عَلَیَّ اِذْ جَعَلْتَ لِی سَبِیلاً اِلٰی زِیَارَةِ وَلِیِّکَ وَعَرَّفْتَنِی فَضْلَهُ وَحَفِظْتَنِی فِی لَیْلِی وَنَهَارِی حَتّٰی بَلَّغْتَنِی هٰذَا الْمَکَانَ وَقَدْ رَجَوْتُکَ فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِی وَاَمَّلْتُکَ فَلَا تُخَیِّبْ اَمَلِی وَاجْعَلْ مَسِیرِی هٰذَا کَفَّارَةً لِذُنُوبِی یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

سید ابن طاوس رحمه الله گفته است که اگر مطلبش از گشتن بغیر زیارت باشد عبارات را تغییر بدهد بنحوی که مناسب مقصود او باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که بر بلندی هر جسری و پلی شیطانی هست چون بآنجا رسید بسم الله بگوید تا از شما دور شود و در حدیث دیگر منقولست که چون قدم خود را بر جسری یا بر پلی بگذاری بگو بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ

فصل یازدهم

در آداب مشایعت و استقبال مسافر و آداب برگشتن او در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مؤمنی را وداع میکردند سفر مینمودند رَحِمَکُمُ اللهُ وَزَوَّدَکُمُ التَّقْوٰی وَوَجَّهَکُمْ اِلٰی کُلِّ خَیْرٍ وَقَضٰی لَکُمْ کُلَّ حَاجَةٍ وَسَلَّمَ لَکُمْ دِینَکُمْ وَدُنْیَاکُمْ وَرَدَّکُمْ سَالِمِینَ یعنی خدا شما را رحمت کند و پرهیزگاری را توشه شما گرداند و شما را بسوی هر خیرے متوجه گرداند و جمیع حاجات شما را بر آورد و دین و دنیای شما را سالم دارد و شما را بسلامت برگرداند بسوی جمعی که ایشان بسلامت باشند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مسافری را وداع میکردند دست راست او را میگرفتند و میگفتند اَحْسَنَ اللهُ لَکَ الصَّحَابَةَ وَاَکْمَلَ لَکَ الْمَعُونَةَ وَسَهَّلَ لَکَ الْحُزُونَةَ وَقَرَّبَ لَکَ الْبُعْدَ وَسَهَّلَ لَکَ الْهَمَّ وَحَفِظَ لَکَ دِینَکَ وَاَمَانَتَکَ وَخَوَاتِیمَ عَمَلِکَ وَوَجَّهَکَ لِکُلِّ خَیْرٍ

عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللهِ اَسْتَوْدِعُكَ اللهَ سِرْ عَلٰى بَرَكَةِ اللهِ و در روایت دیگر منقول است که در این وقت می فرمود که اَسْتَوْدِعُ اللهَ دِيْنَكَ وَاَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيْمَ عَمَلِكَ وَوَجَّهَكَ لِلْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَزَوَّدَكَ التَّقْوٰى وَغَفَرَ لَكَ الذُّنُوْبَ و در روایت دیگر منقول است که جمعی از اصحاب بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتند که آنحضرت را وداع کنند فرمود که اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا اَذْنَبْنَا وَهَا نَحْنُ مُذْنِبُوْنَ وَثَبِّتْنَا وَاِيَّاهُمْ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْاٰخِرَةِ وَالدُّنْيَا وَعَافِنَا وَاِيَّاهُمْ مِنْ شَرِّ مَا قَضَيْتَ فِيْ عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ فِيْ سَنَتِنَا هٰذِهِ الْمُسْتَقْبِلَةِ وَعَجِّلْ نَصْرَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَوَلِيِّهِمْ وَاَخْزِ عَدُوَّهُمْ عَاجِلًا و در حدیث معتبر منقول است که مسافر را سنت است که چون از سفر برگردد برادران مومن خود را ضیافت بطلبد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون کسی از سفر آید برای اهل خود تحفه بیاورد اگرچه سنگی باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلے الله علیه و آله وسلم سفر مود باکسیکه از مکه می آمد قَبِلَ اللهُ مِنْكَ وَاَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ و در حدیث دیگر منقول است که هر که دست در گردن حاجی بکند در وقتیکه با گرد راه برسد چنانست که حجر الاسود را بوسیده است و در روایت دیگر منقول است که چون کسی از سفر برگردد سزاوار آنست که مشغول کاری نشود تا غسل کند و دو رکعت کند و بسجده رود و صد مرتبه شکر الٰهی بگوید و چون جعفر طیار از حبشه آمد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم او را بسینه خود چسپانید و میان دو چشمش را بوسید و اصحاب حضرت رسول چون بیک دیگر میرسیدند مصافحه میکردند و چون یکی از ایشان از سفر می آمد دیگران دست در گردن او میکردند و در احادیث معتبره وارد شده است که متابعت و استقبال مومنان مستحب است و از برای متابعت و استقبال مومنان نماز را قصر میتوان کرد و روزه ماه مبارک رمضان را میتوان خورد **فصل دوازدهم** در آداب اسب تاختن و تیر انداختن در احادیث معتبره وارد شده است که مسابقت و گروبندی جائز نیست مگر در اسب و استر و الاغ و شتر و فیل و در تیراندازی و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم اسب را بگرو تاختند و گرو را چند اوقیه نقره بستند

که هر اوقیه تخمیناً بیست و یک مثقال نقره باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که سواری بکنید و تیراندازی کردن را دوست تر میدارم از سواری کردن و فرمود که هر لهو و بازی که مؤمن کند باطل است مگر در سه چیز در تادیب و تعلیم اسب کردن و تیرانداختن و با زن خود بازی کردن که اینها حق است و بدرستیکه یک تیر که در راه خدا بیندازد حقتعالی سه کس را می آمرزد آن کسیکه آن تیر را ساخته است و آن کسیکه آن تیر را بجهاد کننده بخشیده است و آن کسی که آن تیر را به جهاد انداخته است و در حدیث معتبر منقولست که ملائکه میگریزند در هنگام گروبندی و لعنت میکنند کسی را که این کار میکنند مگر در شتر و فیل دوانی یا اسب و استر و الاغ دوانی و تیراندازی یا شمشیر و نیزه بازی و بدانکه گرو دوانیدن در اسب و استر و الاغ و شتر و فیل جائز است و گرو بستن بر کبوتر پرانی که کدام یک دورتر بروند یا بر کشتی راندن که دو کشتی را بر روی آب بدوانند یا آنکه دو کس گرو ببندند که بدوند که کدام یک بیشتر بروند یا در کشتی گرفتن که کدام یک دیگری را بزمین بزنند یا در برداشتن چیزهای گران جائز نیست اما بی آنکه گرو ببندند خلاف است و جائز بودن اینها قوی تر است خصوصاً در کشتی گرفتن که بعضی از احادیث دلالت بر جواز میکند چنانچه در حدیث معتبر منقول است که شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بخانهٔ حضرت فاطمه علیها السلام آمدند و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهما با آن حضرت بودند پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم با آن دو نور دیدهٔ خود فرمودند که برخیزید و با یک دیگر کشتی بگیرید پس ایشان مشغول کشتی گرفتن شدند و حضرت فاطمه علیها السلام پی کاری بیرون رفته بودند چون برگشتند شنیدند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم میفرماید که ای حسن بگیر حسین را و بر زمین انداز حضرت فاطمه علیها السلام فرمود که ای پدر چه عجب است که بزرگتر را ترغیب میفرمائی که کوچک را بر زمین افگند حضرت فرمود که ای دختر اینک جبرئیل میگوید که ای حسین حسن را بر زمین انداز من در برابر او چنین میگویم و در فقه الرضا منقول است که زنهار چوگان بازی مکن که در آنحال شیطان با تو می بازد و فرشتگان از تو نفرت میکنند و اگر کسی در آنحال چارپایش بسر در آید و او بمیرد بجهنم میرود و بدانکه [illegible]

مطلقاً ناشرط است که آن مالی را که قرار می کنند برای کسی قرار کنند که پیشی گیرد پس اگر
از برای آنکسی قرار کنند که پس مانده است جائز نیست و همچنین اگر از برای کسی قرار کنند
که با ایشان در عمل شریک نباشد جائز نیست چنانچه متعارف است که دو کس با یک دیگر
گرو می بندند و دو کس تیر می اندازند یا اسپ می تازند و اگر امام از بیت المال مسلمانان قرار
کند که هر که بیشتر میبرد یا بیشتر میزند این قدر میدهم جائز است و همچنین اگر کسی مالے
بدر آورد و بگوید که این مال از کسی است که بیشتر میبرد و از این دو کس که میتازند جائز
است و همچنین جائز است که آن دو کس که اسپ میتازند هر یک مالی بدر آورده و بگویند
که این هر دو مال از آنکس است که پیشتر برود و مشروط است گرو دوانیدن موافق مشهور میان
علما بچند شرط اوّل آنکه تعیین کنند ابتدا و انتهای مسافتی را که در آن میتازند که اسپ
هر یک که درین مسافت پیشی گیرد او برده است دوّم آنکه مالی را که گرو بر آن مال می بندند
مقدار و جنس آن معلوم باشد که چند است و از چه جنس است نقره است یا طلا یا غیر آن
سوّم آنکه حیوانی را که بر آن هر یک سوار میشوند معین کنند بدیدن و بعض را اعتقاد آنست
که اگر تعیین آن باوصاف بکنند جائز است چهارم آنکه هر یک از اینها احتمال داشته باشد بحسب
عادت که بر دیگری پیشی گیرد پس اگر حیوان بسیار کم راه لاغری را بتازند با حیوان بسیار
تندرو فربهی که معلوم باشد عادت که بر آن پیشی نمی تواند گرفت جائز نیست پنجم
آنکه دو حیوان که می تازند از یک جنس باشند که هر دو اسپ باشند یا استر پس اگر اسپ را
با استر یا الاغ یا شتر یا فیل بتازند جائز نیست که درین شرط خلاف است و نزد فقیر
ثابت نیست ششم آنکه هر دو را یک مرتبه بتازند پس اگر شرط کنند که یکے زودتر از دیگری
بتازد جائز نیست مشهور میان علما هفتم آنکه سوار شوند و بدوانند اگر اسپها را بی
آنکه سوار شوند و بدوانند جائز نیست بر این گرو بستن هشتم آنکه مسافتی تعیین کنند
که پیش از رسیدن بمنتهای آن مسافت آن چهار پایان مانده نشوند نهم آنکه آنها که با هم
میتازند مردان باشند نه زنان دهم آنکه هر دو در وقت تاختن برابر یک دیگر ایستاده
باشند و درین شرط خلاف است و اظهر آنست که اگر یکی پیشتر از دیگری ایستاده باشد

جائز است و ده اسب را که با یکدیگر بتازند در میان عرب هر یک نامی دارد آن که از همه
پیشتر رود آنرا مجلّی میگویند و آنکه از آن پس مانده است و بر دیگران پیشی گرفته است آنرا
مصلّی میگویند و بعد از آنرا تالی میگویند و بعد از آنرا بارع میگویند و بعد از آنرا مرتاح میگویند و
بعد از آنرا حظی میگویند و بعد از آنرا عاطف میگویند و بعد از آنرا مؤمّل میگویند و بعد از آن را
لطیم میگویند و دهم را فسکل میگویند که از همه پس مانده است و از برای همه جائز است چیزی
قرار دهند بغیر از آخر پس اگر این ده اسب همه یکبار بآخر میدان برسند از برای هیچ یک
چیزی نخواهد بود و بدانکه گرو بر شمشیر و نیزه و تیر جائز است و در تیر انداختن چند چیز شرط است
بحسب مشهور میان علماء اوّل آنکه تعیین کنند که چند تیر که بزند برده است دوّم آنکه تعیین بکنند
که این چند تیر را در میان چند تیر بزند سوّم آنکه تعیین کنند که بچه نحو بخورد بنشانه بیکی از نحوها که بعد از
این بیان خواهم کرد چهارم آنکه تعیین کنند که از نشانه چه مقدار دور باشند پنجم آنکه تعیین کنند
بزرگی نشانه را و موضع آنرا از آماج خانه ششم آنکه کمان هر دو و تیر هر دو یک جنس باشد و در این
شرط خلاف کرده اند و اقوی آنست که شرط نیست اما اتفاقی است که در کار نیست که کمان و
تیر معیّنی را شرط کنند بلکه بعضی گفته اند که اگر شرط تعیین بکنند باطل است هفتم آنکه یا مبادره
باشند یا محاطه و مبادره آنست که شرط کنند که هر که در عرض بیست تیر پنج تیر را مثلا پیشتر بزند
برده است پس اگر هر یک ده تیر انداختند و یکی از ده تا پنج تا را زد بر نشانه و دیگری چهار تا را زد
آنکه پنج زد برده است و اگر هر یک پنج تیر زدند هیچ یک از دیگری نبرده است و محاطه آنست
که شرط کنند که در عرض بیست تیر مثلا آنچه زده اند از کم هم بدر روند اگر یکی پنج تیر مثلا بیشتر از
دیگری زده باشد او برده است پس اگر هر یک بیست تیر بیندازند یکی پانزده تیر را بر نشانه
زده باشد و یکی ده تیر را زده باشد آنکه پانزده زده است برده است و اگر یکی چهارده تیر را
زده و دیگری ده تیر هیچ یک نبرده اند و احوط آنست که در اول یکی از این دو صورت تعیین
کنند تا بی خلاف صحیح باشد و باید دانست که زدن نشانه بچند قسم می باشد اوّل حابی یعنی اوّل
بزمین خورد و از زمین بجهد و بر نشانه خورد دوّم حاصر یعنی بر یکی از دو جانب نشانه مشتمل
باشد سوّم خارق که نشانه را زخم کند و در آن فرو نرود چهارم خاسق که نشانه را سوراخ کند

و بنده شود پنجم مارق که بر نشانه بخورد و از طرف دیگر بدر رود ششم خارم که پهلوی نشانه را
بدرد و در میان نشانه فرو رود و پس باید که در اول شرط کنند که بکدام نحو که بزند برده است
و اگر شرط کنند که اگر بر پهلوی نشان بزند برده باشد و در میان نشانه بزند باز برده است و اگر
شرط کنند که بر نشانه فرو رود و چنان بزند که از جانب دیگر بدر رود برده است و همچنین هر که پست تر
شرط کنند و نیکوتر بزند برده است و اگر نیکوتر شرط کنند و پست تر بزند نبرده است و باید دانست
که در تیر اندازی و گرو دوانی محلل می باشد یعنی کسیکه با ایشان شریک میشود که اگر ببرد حصه بگیرد و
اگر بازد چیزی ندهد و بهتر آنست که اگر هر دو مال بیرون آورند برای گرو بندی چنین کسی را با خود
شریک کنند و احوط آنست که در اول صیغه بگویند که یکی از اینها این عقد را با این شرطها که
مذکور شد بلفظ در آورد و دیگری قبول کند و سنت آنست که در هنگام تیر انداختن و
اسپ تاختن غرض ایشان محض لهو نباشد بلکه مطلب ایشان ورزش جهاد در راه خدا و تقویت
دین و ایمان و حمایت شیعیان از شر مخالفان بوده باشد تا ثواب عظیم بیابند و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم اصحاب خود را فرموده اند
که اسپ تاخته اند و آنچه بران گرو بسته اند از مال خود میداده اند و در روایت دیگر منقول است
که بر صد و پنجاه و چهار مثقال نقره گرو بستند و چون از جنگ تبوک برگشتند با اسامه
بن زید شتر بگرو دوانیدند جناب مقدس نبوی صلوات الله علیه و آله وسلم از لعب و بازی
منزه و مبرا بودند بلکه از برای تقویت دین اسلام و تحریص مردم بر جهاد فی سبیل الله بود
تا کافران بر مسلمانان و مخالفان بر شیعیان مستولی نشوند و جان و مال و عرض مردم از شر
اشرار محفوظ باشد و جهادی که در زمان غیبت امام علیه السلام می باشد آن است که دفع
ضرر کافران و مخالفان از شیعیان بکنند و اگر جمعی از مخالفان با کافران بر سر گروهی از
شیعیان بیایند بر آن جماعت واجب است که جهاد بکنند در دفع آنها و اگر کشته شوند
شهیداند اگر آنها عاجز باشند بر جمیع مومنان واجب است که مدد ایشان بکنند و در دفع
آن کافران بکوشند و در احادیث معتبره وارد شده است که کسیکه برای دفع از عرض خود
یا مال خود کشته شود شهید است و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله

منقول است که تمام خیرات در شمشیر و زیر سایهٔ شمشیر است و شمشیر اهل حق کلید بهشت است و شمشیر اهل باطل کلید جهنم است و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که بهشت را دری هست که آنرا درگاه جهاد کنندگان میگویند آنها که در راه خدا جهاد کرده اند بسوی آن در میروند و می بینند که برای ایشان گشوده اند و ملائکه ایشانرا مرحبا میگویند و فرمود که حقتعالی امت مرا عزیز گردانیده است بسم اسپان ایشان و سنان نیزه های ایشان و فرمود که جبرئیل مرا خبر داد که هر که از امت تو در راه خدا جهاد کند و یک قطرهٔ بارانی یا درد سری باو برسد ثواب شهادت در نامهٔ عملش نوشته شود و در حدیث معتبر منقول است که لشکر معاویه که در ان اهل شرور جمع بودند در زمان حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله بر انبار که محلی است در حوالی کوفه غارت کردند آنحضرت خطبه خواندند که بعضی از فقرات خطبه ترجمه می شود بدرستیکه جهاد کردن از برای خدا دریست از درهای بهشت که حقتعالی برای مخصوصان و دوستانش گشوده است و نعمتی است که برای ایشان ذخیره گردانیده است و جهاد زره حفظ نمایندهٔ خدا و سپر محکم الهی است پس هر که ترک کند جهاد را با قدرت بران حقتعالی برو جامهٔ مذلت و خواری بپوشاند و بلا او را فرا گیرد و خشنودی از و دوری کند و در دیده ها حقیر و بیمقدار شود و در راه اندیشه بر دلش بسته شود و مغلوب حق گردد باو با انصاف و عدالت سلوک نکنند بدرستیکه من شما را مکرر خوانده ام بجهاد این گروه در شب و روز آشکار و پنهان و گفتم که با ایشان جهاد کنید پیش از آنکه ایشان بجنگ شما آیند قبول نکردید بخدا که گروهی که در میان دیار و مملکت ایشان با ایشان جنگ کنند البته ایشان ذلیل و خوار و بیمقدار میشوند در نظرها پس سستی ورزیدید و بیکدیگر حواله کردید تا آنکه غارتها بر شما آوردند و وطنهای شما را مالک شدند اینک سردار معویه لشکر بر انبار آمده و حسان را کشته و حربهای لشکری شما را گرفتند و شنیده ام که شخصی از ایشان بخانهٔ زن مسلمانی یا کافری که جزیه میدهد می آمد و دست برنج و خلخال و زر این او را میکنده است و او چاره بجز تضرع و بجز کردن و انا لله و انا الیه راجعون گفتن نداشته است پس برگشته اند آن طاغیان با مال فراوان و هیچیک از ایشان جراحتی بر نداشته و خونی از ایشان بر زمین نریخته است پس اگر مرد مسلمانی بعد از چنین مصیبتی بمیرد از حزن و تاسف محل ملامت نخواهد بود بلکه نزد من

پسندیده خواهد بود پس بسی تعجب دارم که دلهارا می میراند و غمهارا جمع میکند از جمعیت آن جماعت
بر دین باطل خود و پراگندگی شما از دین حق خود پس بدا حال شما و اندوه مهیا از برای
شما که نشانهٔ تیر دشمنان گردیده اید بر شما غارت می آورند و شما بر ایشان غارت نمی برید و بجنگ
شما می آیند و شما بجنگ ایشان نمی روید و این قسم نافرمانی خدا میکنند و شما راضی می شوید اگر در
تابستان میگویم بجنگ بروید میگوئید که عین شدت گرماست مارا مهلت ده تا گرما کم شود
و اگر در زمستان میگویم که بروید میگوئید عین شدت سرماست مارا مهلت ده تا سرما برطرف
شود هرگاه شما از سرما میگریزید از شمشیر بیشتر خواهید گریخت ای مردمانی چند که مثل عقلهای طفلان
و زنان دارید کاش شمارا هرگز ندیده بودم و شمارا نمی شناختم دلم را پر از چرک و سینه‌ام را پر از خشم
کردید و بسکه نافرمانی کردید رای مرا ضائع کردید قریش میگویند که پسر ابو طالب شجاع است
اما علم جنگ را نمیداند که از من داناتر است بجنگ و که از من بیشتر جنگ کرده است
هنوز بیست سال نداشتم که شروع بجهاد کردم و اکنون از شصت سال گذشته‌ام اما کسی را
که فرمان نبرند چه رای بکار برد و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی جهاد را واجب ساخته و
عظیم شمرده و آنرا موجب نصرت و یاری گردانیده والله که دین و دنیا باصلاح نمی آید مگر بجهاد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که جهاد کننده را با اهلش برساند
چنانست که بنده آزاد کرده باشد و در ثواب جهاد شریک باشد و در حدیث دیگر فرمود که
جهاد کنید که باعث عزت و بزرگواری فرزندان شما می شود خاتمه در بیان بعضی از
آداب متفرقه و فوائد نافعه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار هست که بعضی از
شیعیان ما در افتتاح بعضی از کارها فراموش میکنند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم را پس حقتعالی ایشان را
امتحان می نماید ببلائی که متنبه شوند و بیاد آورند شکر الهی را و ثنای او را و حقتعالی بسبب
آن بلا محو می نماید از ایشان منقصت آن تقصیر را که از ایشان صادر شده است پس باید که
آدمی در ابتدای هر کاری افتتاح نماید به گفتن بسم الله و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که چون حقتعالی حضرت آدم را نهی فرمود از خوردن میوهٔ درخت بهشت گفت
الهی بر ذره گار او نگفت انشاء الله تعالی پس از آن درخت خورد و از بهشت بیرون آمد پس

حقتعالی فرمود بپیغمبرش را که وَلَا تَقُولَنَّ لِشَیْءٍ إِنِّی فَاعِلٌ ذٰلِکَ غَدًا إِلَّا أَنْ یَشَاءَ اللّٰهُ
وَاذْکُرْ رَبَّکَ إِذَا نَسِیتَ پس فرمود یعنی مگو چیزی را که این را میکنم فردا مگر آنکه مقید بمشیت الهی
گردانی که بگوئی مگر آنکه خدا خواهد که بکنم و یاد کن پروردگار خود را هرگاه که فراموش کنی او را یعنی هرگاه
که گفتن انشاء الله را فراموش کنی در هر وقت که بخاطرت بیاید بگو اگرچه بعد از یک سال باشد
و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقولست که نه چیز است که
کردن آنها مورث غلبهٔ فراموشی است خوردن سیب ترش و کشنیز و پنیر و نیم خوردهٔ موش و
بول کردن در آب ایستاده و خواندن نوشتهٔ قبرها و راه رفتن در میان دو زن و شپش را زنده انداختن
و حجامت کردن در گو پشت گردن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که
سه چیز است که حافظه را زیاده میکند مسواک کردن و روزه داشتن و قرآن خواندن و در حدیث
معتبر منقولست که روزی آنحضرت غمگین شدند فرمودند که نمیدانم بچه سبب غمگین شدم بر عتبه
نشستم و میان گلهٔ گوسفندان نگذشتم و زیر جامه را ایستاده نپوشیدم و دست و رو را
بدامن جامه پاک نکردم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ده چیز است که اندوه را
برطرف میکند راه رفتن و سوار شدن و در آب فرو بردن و بسبزه زار نظر کردن و خوردن
و آشامیدن و جماع کردن و مسواک کردن و سر شستن با خطمی و نظر بر روی زن مقبول کردن
و با مردان سخن گفتن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چند چیز است
که باعث پریشانی می شوند و چند چیز است که باعث توانگری میشوند اما آنها که باعث پریشانی
و فقر می شوند تار عنکبوت را در خانه گذاشتن و در حمام بول کردن و در حالت جنابت چیزی
خوردن و با چوب گز خلال کردن و ایستاده شانه کردن و خاکروبه را در خانه گذاشتن و قسم
دروغ خوردن و زنا کردن و اظهار حرص کردن و خواب کردن در میان نماز شام و خفتن و
خواب کردن بعد از صبح پیش از طلوع آفتاب و دروغ بسیار گفتن و غنا خواندن و شنیدن
مردی را که در شب سوال کند چیزی ندادن و خرج را زیاده از اندازه کردن و با خویشان بدی
کردن اما آنها که موجب توانگری و زیادتی مال می شوند نماز پیشین و پسین را و نماز شام
و خفتن را با یک دیگر کردن و بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر تعقیب خواندن و با خویشان نیکی

واحسان کردن وساحت خانه را جاروب کردن ومال خود را به برادران مومن قسمت کردن و بامداد بطلب روزی رفتن واستغفار بسیار کردن وخیانت در مال مردم نکردن وسخن حق وراست گفتن وانچه موذن دراذان گوید از پی او گفتن ودر بیت الخلا سخن نگفتن وحرص در طلب دنیا نداشتن وشکر کسیکه نعمتی براین کسی داشته باشد کردن واز قسم دروغ اجتناب کردن وپیش از طعام دست شستن وریزها که در سفره بریزد خوردن وهرکه هر روز سی مرتبه سبحان الله بگوید حقتعالی هفتاد نوع بلا را از دور گرداند که کمتر آنها پریشانی باشد ودر حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه در مدح ما اهلبیت صلوات الله علیهم اجمعین یک بیتی از شعر بگوید حق تعالی برای او خانه در بهشت بنا کند ودر حدیث دیگر فرمود که هرکه در مدح ما بیتی از شعر بگوید موید بروح القدس گردد ودر حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یک بیت شعر در مدح ما اهلبیت بگوید حق تعالی برای او در بهشت شهری بنا کند بزرگتر از هفت برابر دنیا وچون در آن شهر در آید هر ملک مقرب وهر پیغمبر مرسلی بدیدن او بیایند ودر حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که شکم کسی که پر از چرک وریم باشد بهتر است از انکه پر از شعر باشد ودر حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از چیزی خوردن در حال جنابت وفرمود که مورث پریشانی است ونهی فرمود از گرفتن ناخن بدندان واز مسواک کردن در حمام واز آب بینی انداختن در مساجد واز خوردن نیم خوردهٔ موش وفرمود که مسجدها را راه مکنید که از دری در آئید واز در دیگر بدر روید مگر آنکه دو رکعت نماز بگذارید ونهی کرد از انکه بول کنند در زیر درخت میوه دار یا در میان راه ونهی فرمود از انکه بدست چپ یا بر پهلو تکیه کرده چیزی بخورند ونهی فرمود از گچ مالیدن قبرها ونماز کردن در قبرستان وفرمود که هرکه در فضای غسل کند باخبر باشد که عورتش گشوده نشود ونهی فرمود از آب خوردن از پیش دستهٔ کوزه که در انجا چرک جمع می شود ونهی فرمود از بول کردن در آب ایستاده که باعث بر طرف شدن عقل می شود ونهی فرمود از انکه کسی با یک پای نعل راه رود یا ایستاده نعل بپوشد ونهی فرمود از انکه کسی بول کند وفرجش محاذی آفتاب

یا ماهتاب باشند و نهی فرمود که چون داخل بیت الخلا شوید اجتناب کنید از نشستن رو بقبله و پشت بقبله و نهی فرمود از گریه بلند و نوحه بلند کردن در مصیبت و نهی فرمود از رفتن زنان از پی جنازه و نهی فرمود از انکه محو کنند چیزی از قرآن را بآب دهان یا آنکه چیزی از قرآن را بآب دهان بنویسند و نهی فرمود از خواب دروغ بستن و فرمود که هرکه چنین کند حق تعالی او را تکلیف میکند که بر جو گره بزند و نتواند کرد و باین سبب معذب باشد و نهی فرمود از ساختن صورتها و فرمود که هرکه صورتی بسازد حق تعالی او را در قیامت تکلیف کند که جان در آن صورت بدمد و نتواند و نهی فرمود از انکه حیوانی را بآتش بسوزانند و نهی فرمود از دشنام دادن خروس را زیرا که از برای نماز بیدار میکند و نهی فرمود از انکه مومنی خواهد که چیزی بفروشد و یا بخرد و دیگری بیاید و بگوید که من متاع بهتر دارم از من بخر یا من این متاع را بیشتر می خرم و نهی فرمود از بسیار سخن گفتن در وقت جماع و فرمود که ازین می باشد لال بودن فرزند و فرمود که خاک روبه را شب در خانه مگذارید و روز بیرون برید که شیطان در ان جا میکند و نهی فرمود از انکه در شب کسی بخوابد با دست آلوده طعام پس اگر چنین کند و شیطان او را دیوانه کند ملامت نکند مگر خود را و نهی فرمود از انکه کسی استنجا کند بسرگین و استخوان و نهی فرمود از انکه زن بی رخصت شوهر از خانه بیرون رود پس اگر برود لعنت کند او را ملائکه آسمانها و هرکه برو بگذرد از جنیان و آدمیان تا بخانه برگردد و نهی فرمود از انکه زن برای غیر شوهر خود زینت کند پس اگر بکند بر خدا لازم است که او را بآتش بسوزاند و نهی فرمود از انکه زن نزد غیر شوهر خود و محرمانش زیاده از پنج کلمه ضروری سخن بگوید و نهی فرمود از انکه زنی در پهلوی زن دیگر بخوابد و جامه در میان ایشان حائل نباشد و نهی فرمود از انکه زنی بازن دیگر نقل کند انچه در خلوت میان او و شوهرش گذشته باشد و نهی فرمود از انکه کسی بازن خود رو بقبله جماع کند و نهی کرد از انکه در میان راه با زن خود جماع کند پس اگر چنین کند خدا و ملائکه و همه مردمان برو لعنت کنند و نهی فرمود از انکه بروند نزد جماعتی که خبرها از آینده میگویند مانند منجمان و کاهنان و رمالان و صوفیان کذاب هرکه نزد ایشان رود و تصدیق کند ایشان را پس او بیزار شده است از چیزهایی که بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

نازل شده است و نهی فرمود از بازی کردن بنرد و شطرنج و طبل و تنبک و شنبور و عود و نهی فرمود از غیبت کردن و گوش دادن بآن و از سخن چینی و گوش دادن بآن و فرمود که سخن چین داخل بهشت نمی شود و نهی فرمود از رفتن بضیافت فاسقان و نهی فرمود از قسم دروغ خوردن و فرمود که اهل خانه را از خانه بر می اندازد و فرمود که هر که قسم دروغی بخورد برای آنکه مال مسلمانی را ببرد خدا در قیامت با او در غضب باشد مگر آنکه توبه کند و مال آن شخص را پس دهد و نهی فرمود از نشستن بر سر خوانی که در آن شراب خورند و نهی فرمود از آنکه کسی زن خود را بحمام فرستد یعنی در بلادی که احتیاج بحمام نباشد و نهی فرمود از داخل شدن بحمام بی لنگ و نهی فرمود از طپانچه بر رو زدن در وقت مصیبت و نهی فرمود از سخنی گفتن که آدمی را از یاد خدا غافل گرداند و نهی فرمود از آشامیدن در ظرف طلا و نقره و نهی فرمود از پوشیدن حریر و دیبا و نجیبه مردان را اما زنان را باکی نیست و نهی فرمود از فروختن خرما در درخت پیش از آنکه سرخ یا زرد شود و نهی فرمود از آنکه رطب را در روی درخت بخرما بفروشند و انگور را در روی درخت بمویز بفروشند و نهی فرمود از فروختن آلت نرد یا شطرنج و نهی فرمود از خریدن و خورانیدن شراب و فرمود که حقتعالی لعنت کرده است شراب و آنرا که درخت انگور را بقصد شراب بکارد و آنکه انگور را برای شراب می فشارد و آنکه میخورد و آنکه ساقی می شود و آنکه میفروشد و آنکه میخرد و آنکه قیمتش را میخورد و آنکه بر میدارد و آنکه از برای او می برند و همه ملعونند و فرمود که هر که شراب بخورد تا چهل روز نمازش مقبول نیست و اگر بمیرد و در شکمش چیزی از شراب باشد بر خدا لازم است که بخوراند باو از آنچه از فرج زناکاران از چرک و ریم بیرون آمده و سالها در دیگهای جهنم جوشیده است پس چون بخورد بگدازد احشا و امعاء او پوست الیتان او و نهی فرمود از خوردن سود و از شهادت ناحق دادن و از نوشتن کاغذ سود و لعنت کرده است خدا گیرنده سود و دهنده سود و نویسنده سود و گواه سود را و نهی فرمود از مصالحه کردن با کافران اهل ذمه و نهی کرد از خواندن شعر در مسجد و برای گم شده فریاد کردن در مسجد و نهی فرمود از آنکه در مسجد شمشیر برهنه کنند و از آنکه تیری را بر روی جانوران اندازند و نهی فرمود از آنکه کسی بعورت مسلمانی نظر کند و فرمود که هر که دانسته بر عورت

مسلمانی نظر کند بشهوت و نهی فرمود که با امرد العبث کنند و نهی فرمود از آنکه زنی بعورت زنی نظر کند
و نهی فرمود از آنکه بول کنند در طعام یا در آب یا در موضع سجده و نهی فرمود از نماز کردن در قبرستان
و در میان راه و در آسیاها و در رودخانه‌ها و در جاهائی که آنجا شتران را بخوابانند و بر بام کعبهٔ
معظمه و نهی فرمود از کشتن مگس عسل و از داغ کردن بر روی چهارپایان و نهی فرمود از
آنکه کسی بغیر از خدا قسم بخورد و فرمود که هرکه بغیر از خدا قسم بخورد از رحمت خدا بری شده است
و نهی فرمود از قسم خوردن بسورهٔ قرآن و فرمود که هرکه بسورهٔ قرآن قسم یاد کند بهر آیه یک کفاره برو
لازم است خواه راست قسم خورده باشد خواه دروغ و علما حمل بر استحباب کرده‌اند و نهی فرمود از آنکه
کسی قسم بخورد بجان تو یا بجان فلان و نهی فرمود از آنکه کسی جنب در مسجد نشیند و نهی فرمود از برهنه شدن
در شب و روز و نهی فرمود از حجامت کردن در روز چهارشنبه و روز جمعه و نهی فرمود از
سخن گفتن در روز جمعه در هنگامی که پیش نماز خطبه خواند پس اگر چنین کند او را ثواب جمعه
کامل نیست و نهی فرمود از انگشتری برنج و آهن در انگشت کردن و نهی فرمود از آن که
صورت حیوانی در نگین نقش کنند و نهی فرمود از نماز نافله کردن نزد بیرون آمدن و فرو رفتن
آفتاب و در نزدیک زوال و نهی فرمود از روزه گرفتن در عید رمضان و عید قربان و سه روز
بعد از عید قربان در منی و یوم الشک بقصد ماه رمضان و نهی فرمود از آنکه بروش چهارپایان
دهن در آب گذارند و بیاشامند و فرمود که با دستهای خود آب بردارید و بیاشامید که بهترین ظرفهای
شماست و نهی فرمود از آب دهن انداختن در چاهی که آب از آن بخورند و نهی فرمود از آنکه
مزدوری را کار فرمایند پیش از آنکه مزدش را قرار دهند و نهی فرمود از آنکه دو کس از یکدیگر
بازردگی و دوری کنند و اگر ناچار باشند زیاده از سه روز نکنند که هرکه چنین کند آتش جهنم
باو اولی است و نهی فرمود از آنکه طلا را بطلا و نقره را بنقره بفروشند با زیادتی بلکه باید
برابر یکدیگر بفروشند و نهی فرمود از مدح کردن مردم در برابر ایشان و فرمود که خاک
بپاشید بر روی مدح کنندگان و فرمود که هرکه مزد یک مزدوری را ظلم کند و باو ندهد حقتعالی
ثواب اعمال او را حبط کند و بوی بهشت را برو حرام گرداند و فرمود که هرکه قرآن را یاد گیرد
و از روی بی اعتنائی فراموش کند در قیامت دستهایش در گردنش بسته باشد و حقتعالی

بهر آیت ماری بر او مسلط گرداند مگر آنکه خدا او را بیامرزد و فرمود که هرکه قرآن را بیاموزد پس بعد
از آن حرامی بخورد و یا محبت دنیا و زینت دنیا را بر عمل کردن بقرآن اختیار کند مستوجب
غضب الهی گردد مگر آنکه توبه کند و اگر بی توبه بمیرد قرآن با او خصمی کند و هرکه زنا کند با زن مسلمانی
یا زن ترسائی یا جهودی یا گبری خواه آزاد باشد آن زن خواه بنده و بی توبه بمیرد حقتعالی
در قبرش سیصد در از جهنم بگشاید که از آنها مار و عقرب و اژدها بقبرش از جهنم در آیند و او در آتش بسوزد
تا روز قیامت پس چون از قبرش مبعوث شود مردم از گند او متاذی شوند و همه کس او را
باین عمل قبیح بشناسند تا بجهنم برود و فرمود که هرکه در خانه مومنی نظر کند که بر امر مستور او
مطلع شود خدا او را محشور گرداند با منافقانی که عیبهای مسلمانان را تفحص میکردند و از دنیا
بیرون نرود تا آنکه خدا او را رسوا کند مگر آنکه توبه کند و فرمود که هرکه راضی نباشد بآنچه خدا روزی او
گردانیده است و شکایت کند و از برای خدا صبر بر تنگی روزی نکند هیچ حسنه از و بالا نرود
و در قیامت خدا از و در خشم باشد مگر آنکه توبه کند و فرمود که هرکه ظلم کند بر زنی که مهر او را
ندهد او نزد خدا زناکار است و حقتعالی در قیامت با و عتاب فرماید که من کنیز خود را بعقد تو
آوردم بر مهری و پیمانی و تو وفا به پیمان من نکردی و بر کنیز من ستم کردی پس از حسنات او
بگیرند و در عوض آن مهر بآن زن بدهند و اگر حسنه اش تمام شود او را امر کنند که بجهنم برند
و نهی فرمود از پوشیدن گواهی و فرمود که هرکس که گواهی نزد او باشد و بپوشاند حقتعالی در قیامت
در حضور خلائق گوشت بدن او را بخورد او بدهد و فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد در
حق همسایگان که من گمان کردم که میراثی برای او قرار خواهد داد و مرا وصیت میکرد در
باب غلامان و کنیزان که من گمان کردم که حدی مقرر خواهد کرد که چون آنقدر خدمت کنند
آزاد شوند و وصیت میکرد مرا بمسواک تا آنکه گمان کردم که واجب خواهد کرد و وصیت
میکرد مرا بنماز شب تا آنکه گمان کردم که نیکان امت من در اصل در شب نخواهند خوابید و
فرمود که هرکه سبک شمارد مسلمان فقیری را پس حقتعالی را سبک شمرده است و حقتعالی
او را در قیامت سبک شمارد مگر آنکه توبه کند و هرکه مسلمان بیچیزی را گرامی دارد در قیامت
خدا از و خوشنود باشد و هرکه گناهی و خواهش حرامی او را پیش آید و از ترس خدا آنرا ترک نماید

حقتعالی جهنم بر او حرام گرداند و او را از ترس بزرگ قیامت ایمن گرداند و او را بهشت کند در
قرآن او را وعده فرموده باو عطا فرماید و هر که در میان دنیا و آخرت مردد شود پس دنیا را
بر آخرت اختیار کند در قیامت او را حسنه نباشد که بسبب آن از جهنم نجات یابد و هر که آخرت
را اختیار کند بر دنیا خدا از او خوشنود گردد و گناهانش را بیامرزد و هر که چشمش را پر کند از نظر
کردن بسوی کسیکه بر او حرام باشد بدن او حقتعالی دیده او را در قیامت از آتش پر کند مگر
آنکه توبه کند و هر که مصافحه کند با زنی که بر او حرام باشد خدا از او خشمناک گردد و هر که زنی را
بحرام در بر گیرد او را با شیطانی در یک زنجیر آتش بکشند و هر دو را بجهنم اندازند و هر که
فریب دهد مسلمانی را در خرید و فروش از ما نیست و در قیامت با یهودان محشور شود و فرمود
که هر زنی که شوهر خود را بزبان آزار دهد حقتعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید تا او را از خود
راضی گرداند هر چند روزها بروزه باشد و شبها نماز ایستد و بندها آزاد کند و مردها را بر اسبان
سوار کرده بجهاد فرستد و همچنین است حال مرد اگر بر زن خود ستم کند و هر که خشمی از
کسی فرو خورد که تواند از او انتقام بکشد حقتعالی باو ثواب شهیدی کرامت فرماید و نهی
فرمود از خیانت کردن در اموال مردم و فرمود که هر که خیانت کند امانتی را در دنیا و باهلش
پس ندهد تا مرگ او را دریابد بر غیر ملت من مرده باشد و حقتعالی در قیامت از او در خشم
باشد و هر که شهادت ناحقی بر احدی از مردم بدهد حقتعالی او را بزبانش در آویزد
در درک اسفل جهنم با منافقان و هر که مال خیانتی بخرد دانسته چنانست که خود خیانت
کرده باشد و هر که حق برادر مؤمنی را حبس کند حقتعالی برکت روزی را بر او حرام گرداند
مگر آنکه توبه کند و هر که گناهی را از کسی بشنود و آنرا فاش کند چنانست که خود کرده باشد و
هر که برادر مسلمانش باو محتاج شود در قرضی و قادر باشد و ندهد حقتعالی بوی بهشت را
بر او حرام گرداند و هر که صبر کند از برای خدا بر کج خلقی زن خود حقتعالی ثواب شکر کنندگان
باو کرامت فرماید و هر زنی که سازگاری و مدارا با شوهر خود نکند و او را بدارد بر چیزی چند
که بر آنها قادر نباشد حقتعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید و در قیامت از او در خشم باشد
و هر که گرامی دارد برادر مسلمان خود را چنانست که خدا را گرامی داشته است و نهی فرمود

ازآنکه کسی پیش نمازی گروهی کند که ایشان با او راضی نباشند و هر که پیشنمازی گروهی برضای
ایشان کند و در وقت مناسب حاضر شود و نماز را نیکو بجا آورد مثل ثواب همه آن گروه داشته باشد
بی آنکه از ثواب آنها کم شود و هر که برود بنزدیکی از خویشان خود بدیدن او یا برای آنکه مالی از برای
او ببرد حقتعالی ثواب صد شهید او را کرامت فرماید و بهر گامی چهل هزار حسنه از برای او
نوشته شود و چهل هزار گناه از او محو شود و چهل هزار درجه برای او بلند شود و چنان باشد که صد
سال از برای خدا عبادت کرده باشد و هر که از برای کوری حاجتی از حوائج دنیای او برآورد و
از برای او در آن حاجت راه برود تا آنحاجت برآورده شود حقتعالی بیزاری از نفاق و بیزاری
از آتش جهنم باو عطا فرماید و هفتاد حاجت از حاجتهای دنیا او را برآورد و پیوسته در
رحمت الهی باشد تا برگردد و هر که یک شب یا یکروز بیماری بکشد و بعیادت کنندگان خود شکایت
نکند حقتعالی او را با حضرت ابراهیم خلیل الله مبعوث گرداند تا آنکه بر صراط بگذرد مانند
برق لامع و هر که سعی نماید از برای بیماری در حاجتی خواه برآورده شود و خواه نشود از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده بود پس شخصی از انصار عرض کرد که اگر آن بیمار از اهل خانه
او باشد آیا ثواب بیشتر هست فرمود که بلی و فرمود که هر که از مومنی شدتی و غمی از غمهای
دنیا بردارد حقتعالی هفتاد و دو غم از غمهای آخرت را از او بردارد و هفتاد و دو بلا از بلاهای
دنیا را از او دفع کند که آسان تر آنها درد شکم باشد و فرمود که هر که شخصی از او حقی طلبد و قادر
بر ادای آن باشد و تاخیر کند هر روز گناه تمغاچی برو نویسند و هر که احسانی بر برادر مومن خود
بکند و برو منت گذارد حقتعالی عملش را حبط کند و او را ثواب ندهد و حق تعالی میفرماید که
که من بهشت را حرام کرده ام بر منت نهنده و بر بخیل و بر سخن چین و هر که تصدقی بکند بوزن
هر درهمی برای او مثل کوه احد باشد از نعیم بهشت و هر که تصدقی را ببرد برای محتاجی مثل ثواب
آنکس داشته باشد که آن تصدق را داده است بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و هر که از ترس
خدا آب از دیده های او جاری شود بهر قطره که از دیدها بیرون آید حقتعالی قصرے در بهشت
باو عطا فرماید که مزین باشد بمروارید و سایر جواهر و در آن قصر باشد انچه چشمی ندیده و گوشے
نشنیده و بر خاطری خطور نکرده باشد و هر که بسوی مسجدی برود برای نماز جماعت بهر گامی

که بردارد هفتاد هزار حسنه از برای او نوشته شود و هفتاد هزار درجه برای او بلند شود اگر باینحال
مرگ او را برسد حقتعالی هفتاد هزار ملک با او موکل گرداند که در قبر او را عبادت کنند و مونس
او باشند در تنهائی و از برای او طلب آمرزش کنند تا مبعوث شود و هر که اذان بگوید از برای خدا
حقتعالی با او ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق کرامت فرماید و بشفاعت او چهل هزار
گناهکار داخل بهشت شوند بدرستیکه چون مومن موذن اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا الله
میگوید بر او هفتاد هزار ملک صلوات میفرستند و از برای او استغفار میکنند و در
قیامت در سایه عرش الهی باشند تا حقتعالی از حساب خلائق فارغ شود و ثواب گفتن او اَشْهَدُ
اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله ثواب چهل هزار ملک باشد و اگر در نماز جماعت محافظت نماید بر صف
اول و تکبیر اول و آزار مسلمانی نکند حقتعالی مثل ثواب موذن در دنیا و آخرت او را کرامت
فرماید و فرمود که هیچ بدی را حقیر مشمارید هر چند در نظر شما کوچک نماید و هیچ کار نیک را بزرگ
مشمارید هر چند در نظر شما بزرگ نماید بدرستیکه گناه کبیره نمیماند با استغفار و گناه صغیره نمیباشد
با اصرار بلکه چون بر گناه صغیره اصرار کردی و توبه نکردی کبیره میشود و در حدیث دیگر منقولست که نهی فرمود
از کشتن مارهائی که در خانها می باشند و نهی فرمود از آنکه کسی گوش دهد بسخن جماعتی که نخواهند
که او سخن ایشانرا بشنود اگر چنین کند در قیامت در گوشش سرب خواهند ریخت و نهی فرمود
از خندیدن در قبرستانها و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کس اند
که حقتعالی در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نمی افکند و اعمال ایشانرا قبول نمی فرماید و
بعذاب دردناک ایشانرا معذب میگرداند مرد پیری که دیوث باشد و کسی که فحش گوید و بشنود و
پروا نکند و کسی که چیزی داشته باشد و از مردم سوال کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
است که بهشت حرام است بر هر فحش گوینده کم حیائی که پروا نکند از آنچه خود گوید و از آنچه باو گویند
چنین کسی را اگر تفتیش کنی از حال او یا ولد الزناست یا شیطان در نطفهٔ او شریک شده است
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که بوی بهشت از پانصد سال راه میرسد و عاق پدر و مادر و دیوث
آنرا نمی شنود پرسیدند که دیوث کیست فرمود کسیکه زنش زنا کند و او داند و تغافل کند و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زنانی که با یکدیگر مساحقه می کنند

در قیامت ایشان را می آورند و جامهای از آتش و مقنعهها از آتش و زیر جامهها از آتش بر ایشان میپوشانند و عمودی از آتش در شکم ایشان میکنند و در جهنم می اندازند ایشان را و اول کسیکه این عمل کرد قوم لوط بودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که کافر اند بخدای عظیم ده کس از امت من کشنده مردم بناحق و جادوگر و دیوث و کسی که در دبر زن بحرام جماع کند و کسیکه با حیوانی جماع کند و کسیکه با محرمان خود جماع کند مانند مادر و خواهر و کسیکه سعی در فتنه و فساد کند و کسیکه حربه با کافران فروشد و کسیکه زکوة مال خود ندهد و کسیکه توانائی رفتن حج داشته باشد و برو واجب باشد و نرود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر که مست شود از شراب و بعد از آن تا چهل روز بمیرد نزد خدا مانند بت پرست است و در حدیث دیگر منقولست که هر که در خانه او طنبور یا عود یا چیزی دیگر از آلتهای ساز و نرد و شطرنج چهل روز بماند مستوجب غضب الهی گردد و اگر درین چهل روز بمیرد فاجر و فاسق مرده باشد و جای او جهنم باشد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که کبوتر و خوانندگی که میکنند نفرین میکنند بر آنها که سازها میزنند و کنیزان خوانندگان نگاه میدارند و نی و عود مینوازند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که چهل روز در خانه او طنبور نوازند حقتعالی برو مسلط میگرداند شیطانی را که او را قفندر میگویند پس هیچ عضوی از اعضای او نماند مگر آنکه آن شیطان بران بنشیند پس چون چنین شود حیا ازو بر طرف شود و پروا نکند از آنچه گوید یا شنود و غیرت ازو زائل شود تا آنکه اگر داند که با زنانش زنا می کنند غیرت نورزد و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از تفسیر این آیه کریمه فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ که ترجمه لفظش اینست که اجتناب کنید از نجس و بد که آن بتهاست و اجتناب کنید از گفتار باطل و فرمود که آن بتها شطرنج است و گفتار باطل غنا و خوانندگی است و نرد بدتر از شطرنج است و اما شطرنج پس نگاه داشتن آن کفر است و بازی کردن با آن شرک است و یاد دادنش بکسی کفر نیست اما گناه کبیره و هلاک کننده است و سلام کردن بر کسی که بازی کند گناه است و کسی که دست در میان آن گرداند چنان است که دست در میان گوشت خوک گرداند و کسیکه نظر کند بسوی آن چنانست که گویا نظر کرده است بر فرج مادر خود پس در آنحالت برو حد لازم است بدانکه

وکسی که نرد بازی کند بقمار مثل کسی است که گوشت خوک خورده و کسیکه بی قمار و گرو بندی
بازی کند چنانست که دست در میان گوشت و خون خوک گذاشته باشد و جائز نیست انگشتری
بازی و تخته که بر رویش ریگهای چینند و بازی میکنند اینها و امثال آن تمام قمار است حتی
بازی کردن اطفال بگردگان و زنهار صیح مزن که شیطان با او میرود و ملائکه از تو بگریزند و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرکه با پسری لواطه کند حدش آنست که یا او را بآتش
بسوزانند یا دیواری بر سرش بکنند یا شمشیری باو بزنند که کشته شود و خواهر و مادر آن پسر حرام
می شوند و در روز قیامت او را بحلق بکشند و بکنار جهنم تا حقتعالی از حساب خلائق
فارغ شود پس او را در آتش اندازند پس در هر طبقه از طبقهای جهنم او را عذاب کنند تا بآخر طبقات
جهنم برسد و لواطه بدتر از زنا است زیرا که امتی را حقتعالی بزنا هلاک نکرد و بلواطه شهری چند را
هلاک کرد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که لواطه آنست که در غیر دبر با پسری
عمل کند اما اگر در دبر فرو برد پس آن کفر است بخدا و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که هرکه مصر باشد بر وطی در پسران نمیرد تا که مبتلا شود با آنکه مردم را تکلیف کند که
با او این عمل قبیح بکنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حقتعالی میفرماید که بعزت
و جلال خود قسم بخورم که بر استبرق و حریر بهشت ننشینند کسی که در دبر او وطی کنند و در حدیث
موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت مرا موعظه بگو فرمود
اگر حقتعالی متکفل روزی مردم شده است پس غم خوردن تو برای چیست و اگر روزی از جانب
خدا قسمت شده است پس حرص از برای چیست و اگر حساب قیامت حق است پس جمع کردن
مال از برای چیست و اگر آنچه در راه خدا میدهی خدا عوض میدهد پس بخل ورزیدن از برای چیست
و اگر عقوبت خدا جهنم است پس نافرمانی خدا از برای چیست و اگر مرگ برحق است پس شادی از
برای چیست و اگر همه چیز بر خدا عرض میشود پس مکر از برای چیست و اگر همه کس را بر صراط باید گذشت
پس عجب و خودستائی از برای چیست و اگر همه چیز بقضا و قدر الهی است پس اندوه برای چیست
و اگر دنیا فانی است پس دل بدنیا بستن برای چیست و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که بدترین مردم کسی است که آنچه بر او واجب گردیده است بجا آورد و سخی ترین

مردم کسی است که زکوة مال خود را بدهد و زاهدترین مردم کسی است که آنچه خدا حرام کرده است
ترک نماید و پرهیزگارترین مردم کسی است که در همه جا حق بگوید خواه برای او نفع باشد
و خواه برای او ضرر داشته باشد و عادل‌ترین مردم کسی است که برای مردم بپسندد آنچه برای
خود بپسندد و از برای مردم نخواهد آنچه از برای خود نخواهد و بزرگ‌ترین مردم کسی است که یاد مرگ بیشتر کند
و محسودترین مردم کسی است که بزیر خاک رفته باشد و از عقاب الهی ایمن شده باشد و امید ثواب خدا
داشته باشد و غافل‌ترین مردم کسی است که از گردیدنهای دنیا از حالی بحالی پند نگیرد و صاحب قدرترین مردم
کسی است که دنیا را نزد او قدر نباشد و داناترین مردم کسی است که علم مردم را با علم خود جمع کند و شجاع‌ترین مردم
کسی است که بر خواهشهای نفس خود غالب باشد و گرامی‌ترین مردم کسی است که علمش فراوان باشد و کم بهاترین
مردم کسی است که علمش کمتر باشد و کم لذت‌ترین مردم کسی است که رشک بمردم برد و کم راحت‌ترین مردم
کسی است که بخیل است و بخیل‌ترین مردم کسی است که بخل ورزد در چیزیکه خدا بر او واجب گردانیده است
و اولی بحق مردم کسی است که عمل بحق بیشتر کند و بیحرمت‌ترین مردم کسی است که فاسق است و بیوفاترین
مردم پادشاه است و کم دوست‌ترین مردم پادشاه است و فقیرترین مردم صاحب طمع است و بی‌نیازترین
مردم کسی است که اسیر حرص نباشد و کسی را ایمانش بیشتر است که خلقش نیکوتر باشد و گرامی‌ترین مردم
پرهیزگارترین ایشان است و کسی که قدرش عظیم است که چیزهای که باو فائده نداشته باشد
متعرض نشود و پرهیزگارترین مردم کسی است که مجادله و منازعه نکند هرچند حق باو باشد و
بیمروت‌ترین مردم کسی است که دروغگو است و شقی‌ترین مردم پادشاهانند و دشمن‌ترین مردم
نزد خدا و خلق متکبرانند و کسیکه در طاعت الهی سعی بیشتر کرده است که ترک گناهان کرده باشد
و داناترین مردم کسی است که از جاهلان بگریزد و سعادتمندترین مردم کسی است که با نیکان
خلطه نماید و عاقل‌ترین مردم کسی است که با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوارترین مردم
بتهمت کسی است که با اهل تهمت همنشینی کند و طاغی‌ترین مردم کسی است که بکشد کسی را که قصد کشتن
او نداشته باشد و بزند کسی را که او را نزند و سزاوارترین مردم بعفو کردن کسی است که قدرت بعقوبت
بیشتر داشته باشد و سزاوارترین بگناهکاری کسی است که در حضور مردم سفاهت کند و در
غائبانه غیبت کند و ذلیل‌ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند و دوراندیش‌ترین مردم کسی است

که مردم را خوار کند و دور اندیش ترین مردم کسی است که خشم خود را بیشتر فرو خورد و شائسته ترین مردم کسی است که برای مردم شائسته تر باشد و بهترین مردم کسی است که مردم از و منتفع شوند

خاتمة الطبع

از جانب کارپردازان مطبع

لله الحمد والمنة که درین زمان میمنت اقتران و اوان برکت و سعادت نشان بفضل و توفیق ایزد منان و کرم خالق سبحان نقش بند کن فکان و تائید حضرت سرور و سردار عالمیان و دستگیری اوصیاء برحق و جانشینان مطلق آن فخر انبیاء و سید مرسلان صلی الله علیه وآله وسلم کتاب مستطاب هدایت انتساب جامع محاسن اخلاق و محامد آداب که همه اش مستنبط و مستفاد از اخبار و احادیث ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین اند و نام نهاده است بحلیة المتقین تصنیف عالم ربانی محدث عدیم النظیر و فقیه لاثانی حضرت خاتم المحدثین امام المتورعین جناب آخوند ملا محمد باقر بن ملا محمد تقی المجلسی الاصفهانی طاب الله ثراهما و جعل الجنة مثواهما در مطبع فیض منبع معروف و مشهور نزدیک و دور منشی نولکشور بعالی همتی آقاے نامدار جناب منشی پراگ نرائن صاحب دام اقباله مالک مطبع موصوف بماه نومبر ۱۹۰۴ء مطابق ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۲۲ھ زیور اختتام و حلیهٔ انطباع پوشیده حمائل گلوے مؤمنان و تعویذ بازوے متقیان گردید فله الحمد علی ذلک تعالی شانه و تبارک

نام کتاب	قیمت
بناء الاسلام فی احکام الصیام یہ کتاب فیض انتساب بزبان فارسی تصنیفات عالم علوم جلی وخفی فقیہ حجۃ الاسلام مجتہد العصر والزمان جناب مفتی مولوی سید محمد عباس صاحب لکھنوی سے ہو۔ اس کتاب لاجواب مین روزہ دارون کے مراتب اور ثواب اور روزے کے آداب نہایت مبسوط اور مفصل تحریر فرمائے ہین اور روزہ خوردن کی شقاوت اور خباثت کو کس خوبصورتی سے بیان فرمایا ہو جسکے پڑھنے سے ماہ رمضان المبارک کی عظمت وجلالت اور روزہ دارون کی قدر و منزلت صاف صاف معلوم ہو جاتی ہو۔ احادیث صحیحہ سے جناب مصنف نے ہر فقرہ کا ثبوت دیاہو اور دلائل عقلی ونقلی و نصوص قرآنی سے صوم اور صائم کی عظمت ظاہر فرمائی ہو۔	۵/
رسالۂ فقہ۔ مصنفۂ علامۂ مجلسی اثنا عشری علیہ الرحمۃ۔	۹/ب
ترجمہ شرائع الاسلام۔ موسوم بہ جامع الرضوی مصنفۂ جناب مولانا عبد الغنی صاحب۔	عہ/ب

نام کتاب	قیمت
جامع عباسی بست بابی۔ مع رسالہ ترجمۃ الصلوۃ۔ مصنفۂ شیخ بہاء الدین الآملی۔	عہ/
کتب فارسی متفرق	
کربلا نامہ۔ مولفۂ سید مظفر علی صاحب اسیر۔	۹/
واقعات نظم کربلا۔ بطور شیعہ از مولانا محمد خطا مشہور ومعروف از بیان اہل شیعہ نظم لطیف و دلچسپ کاغذ سفید۔	عہ/۴ب
مجموعۂ مرثیہ ہاے اساتذۂ شیعہ فارسی از ملا مقبل والفتی وملا مخلص و ملا محتشم کاشی وملا حسن خان وملا ظہوری کا مع نوحہ جات۔	عہ/۱۲ب
مقصود نجات۔ مناقب حیدریہ از سید مختار حسین۔	۶ پائی
اوراد فتحیہ۔ مع دعاے رقاب از امیر علی ہمدانی مع ترجمۂ فارسی۔	ا/
شرح اوراد فتحیہ مع دعاے رقاب از ملا محمد جعفر علی۔	۱۲/
جوشن صغیر و کبیر مع درد کر طوسی مترجم بکمال تصحیح جناب مولوی سید تصدق حسین صاحب رضوی مصحح مطبع ہذا۔	۶/۶ پائی

نام کتاب	قیمت
کتب اُردو و مذہب امامیہ	
نہر المصائب - ہر سہ جلد یکجائی یہ کتاب مصائب خامس آل عبا علیہ التحیۃ والثنا مین نہایت عمدہ لکھی ہی - مصنفہٗ اخوند مرزا قاسم علیصاحب یہ پہلے بھی چھپ چکی ہی مگر بہ سبب کثرت خریداری نوبت طبع مکرر کی پہونچی - اب پھر بعد نظر ثانی مصنف بہ اضافہٗ بعض مجالس کے طبع ہوئی ابکی مرتبہ قلم بہت واضح کر دیا گیا ہی اور تقطیع کاغذ کی بڑھا دی گئی تاکہ شب کے وقت اکثر ذاکرین کو پڑھنے مین آسانی ہو کاغذ سفید -	سے ر پ
شرعۃ المصائب - خلاصہ در المصائب و نہر المصائب وغیرہ مجالس مصائب - لائق اسکے کہ ذاکرین منبرون پر بیٹھکر عزادارون کو سنائین مصنفہٗ جناب اخوند مرزا قاسم علیصاحب لکھنوی -	عہ ر پ ۱۲ ار
زین المتقین - مؤلفہٗ مولوی سید محمد تقی صاحب - اس کتاب مین اوراد و وظائف و اعمال و اذکار و احکام مذہب اثنا عشری کا بیان ہی اور ادعیہ معتبرہ و فضائل تلاوت	

نام کتاب	قیمت
قرآن و احکام وضو و غسل و تیمم و فضائل اذان و اقامت و احکام و آداب نماز پنجگانہ و احکام سجدہ مریض و فضائل ماہ رمضان و اعمال نوروز و دیگر ادعیہ و نقوش و فضائل سورہاے کلام مجید و فضائل نماز جمعہ و دیگر نمازہا و فضائل حج وغیرہ و فضائل زیارت ائمہ معصومین و دیگر احکام و مسائل دین وغیرہ کا بیان ہی کاغذ سفید -	عہ ر پ
غزوات حیدری - ترجمہٗ اُردو نثر حملہٗ حیدری -	عہ ر پ ۱۰ ار
انارۃ البصائر و کشف السرائر یہ کتاب عجیب رتبہ کی ہی جسمین اصول دین مذہب اثنا عشری کا بیان نہایت تفصیل و توضیح سے بدلائل و براہین بزبان اُردو عام فہم تحریر کیا گیا ہی مصنف اسکے عالم الٰہی فاضل لوذعی حضرت جناب شفاء الدولہ ذکاء الملک حکیم سید افضل علی خان بہادر مدبر جنگ ہین یہ کتاب چار جلد مین کامل و واضح و خوشخط بہ تصحیح مصنف علام چھپی - کاغذ سفید -	للعہ ر پ ۱۳ ار ار

بعد حمد ہندی -